



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حج و عمرہ

در قرآن و حدیث



محمد محمدی ری شہری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حج و عمره در قرآن و حدیث

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

دار الحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	حج و عمره در قرآن و حدیث
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۶	پیشگفتار
۳۲	بخش یکم: مکه مکرمه
۳۲	اشاره
۳۴	فصل یکم: حرم
۳۴	اشاره
۳۴	قرآن
۳۵	حدیث
۳۹	توضیحی درباره نام‌های مکه
۳۹	نام‌های مکه در احادیث
۴۱	نام‌های مکه نزد تاریخ‌نگاران و زبان‌شناسان
۴۲	فضیلت مکه
۴۲	قرآن
۴۲	حدیث
۴۶	ویژگی‌های مکه
۴۶	الف- احترام داشتن
۴۶	۱. ایمنی هر ترسانی که وارد مکه می‌شود
۴۶	قرآن
۴۷	حدیث
۴۹	۲. ایمنی حیوانات وحشی و پرندگان در مکه

- ۴۹ ۳. آنچه در مکه حرام نیست
- ۵۰ ب- آنچه انجامش در مکه، حرام است
- ۵۰ ۱. شکستن امنیت
- ۵۰ قرآن
- ۵۱ حدیث
- ۵۲ ۲. ورود غیر مسلمان
- ۵۲ قرآن
- ۵۴ حدیث
- ۵۴ ۳. شکار کردن و کندن درخت
- ۵۵ ۴. ذبح شکار
- ۵۷ ۵. تملک شیء پیدا شده
- ۵۸ ج- آنچه در مکه مکروه است
- ۵۸ ۱. اقامت بیش از یک سال
- ۵۸ ۲. افراشتن ساختمان
- ۵۸ ۳. مطالبه از بدهکار
- ۶۰ د- آنچه در مکه شایسته است
- ۶۰ ۱. نماز گزاردن
- ۶۱ ۲. روزه گرفتن
- ۶۱ ۳. ختم کردن قرآن
- ۶۳ ۴. انفاق
- ۶۳ ه- آنچه برای اهل مکه، شایسته است
- ۶۳ ۱. خالی گذاشتن مطاف برای طواف واجب
- ۶۵ ۲. هم‌شکلی با مؤخرمان
- ۶۵ و- هر ظلمی در آن، الحاد است

۶۶	قرآن
۶۶	حدیث
۶۷	حدود حرم
۷۱	آداب ورود به مکه
۷۱	اشاره
۷۱	الف- احرام
۷۱	ب- غسل
۷۳	ج- تواضع و خشوع
۷۴	د- ورود از بالای شهر
۷۵	آداب خروج از مکه
۷۵	الف- صدقه دادن
۷۵	ب- خروج از پایین شهر
۷۷	فصل دوم: مسجد الحرام
۷۷	اشاره
۷۷	فضیلت مسجد الحرام
۷۸	محدوده مسجد الحرام
۸۲	توضیحی درباره حدود مسجد الحرام
۸۴	آداب ورود به مسجد الحرام
۸۸	فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام
۹۰	فصل سوم: خانه خدا
۹۰	اشاره
۹۰	نام‌های خانه خدا
۹۰	الف- کعبه
۹۰	قرآن

۹۰	حدیث
۹۱	ب- بیت العتیق
۹۱	قرآن
۹۱	حدیث
۹۳	ج- بیت الحرام
۹۳	قرآن
۹۳	حدیث
۹۵	توضیحی در باره نام‌های کعبه
۹۵	فضیلت کعبه
۹۵	اشاره
۹۵	الف- اولین خانه بنا شده برای مردم
۹۵	قرآن
۹۷	حدیث
۹۸	ب- گرامی‌ترین خانه‌ها
۹۹	ورود به کعبه و خروج از آن
۹۹	الف- مستحب بودن ورود
۱۰۰	ب- آداب ورود
۱۰۵	ج- آداب خروج
۱۰۵	آغاز بنای کعبه
۱۰۸	نکته‌ای در باره بنای کعبه
۱۰۹	بازسازی کعبه
۱۰۹	قرآن
۱۰۹	حدیث
۱۱۲	کعبه در جاهلیت

- داستان اصحاب فیل ۱۱۸
- قرآن ۱۱۸
- حدیث ۱۱۸
- تاریخ حمله ابرهه به مکه ۱۱۹
- آنچه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت ۱۲۰
- اشاره ۱۲۰
- الف- سیل‌ها ۱۲۱
- ب- جنگ‌ها ۱۲۱
- فصل چهارم: نشانه‌های خدا در کعبه ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- مجموعه نشانه‌ها ۱۲۳
- قرآن ۱۲۳
- حدیث ۱۲۳
- مقام ابراهیم و جایگاه آن ۱۲۴
- توضیحی در باره مقام ابراهیم ۱۲۶
- توضیحی درباره جایگاه مقام ابراهیم ۱۲۷
- حجر الأسود ۱۲۸
- الف- حجر الأسود، دست خدا ۱۲۸
- ب- اصل حجر الأسود ۱۳۰
- ج- نهادن حجر الأسود در جاهلیت ۱۳۱
- د- حجر الأسود در دوران عبد الملک ۱۳۲
- ه- حجر الأسود در عصر قِرمَطیان ۱۳۲
- حجر اسماعیل و آداب آن ۱۳۳
- حَطیم ۱۳۵

- ۱۳۶ مُلتَزَم
- ۱۳۹ مُسْتَجَار
- ۱۴۰ رکن یمانی
- ۱۴۳ زمزم
- ۱۴۳ الف- نام‌های آن
- ۱۴۴ ب- پیدایش آن
- ۱۴۶ ج- فضیلت آن
- ۱۴۷ د- نوشیدن آب آن
- ۱۴۸ ه- اهدای آب زمزم
- ۱۴۸ بهترین جای مسجد الحرام
- ۱۵۰ مدفن پیامبران در مسجد الحرام
- ۱۵۴ آرایش و پوشش کعبه
- ۱۵۵ تبرک جستن به پوشش کعبه
- ۱۵۶ فضیلت نگاه به کعبه
- ۱۵۸ بخش دوم: حج و عمره
- ۱۵۸ فصل یکم: حج
- ۱۵۸ وجوب حج و شرطهای آن
- ۱۵۸ قرآن
- ۱۶۰ حدیث
- ۱۶۲ فلسفه حج
- ۱۶۲ قرآن
- ۱۶۲ حدیث
- ۱۶۸ فضیلت حج
- ۱۶۸ الف- پاسخ دادن به دعوت ابراهیم علیه السلام

- قرآن ۱۶۸
- حدیث ۱۶۸
- ب- جهاد ناتوانان ۱۶۹
- ج- برترین اعمال، پس از جهاد ۱۷۰
- د- برتری آن بر نماز و روزه ۱۷۱
- ه- برتری آن بر صدقه ۱۷۲
- و- فضیلت خرج کردن در راه حج ۱۷۳
- ز- شایستگی قرض کردن برای حج ۱۷۴
- ح- حضور همه ساله امام زمان علیه السلام در حج ۱۷۴
- دشواری حج ۱۸۱
- پاداش حج ۱۸۲
- فضیلت پیوسته به حج رفتن ۱۸۷
- الف- تشویق به حج گزاردن همه ساله ۱۸۷
- ب- دعا برای توفیق حج گزاردن همه ساله ۱۸۸
- ج- نتایج پیوسته حج گزاردن ۱۹۰
- د- معنای پیوسته حج رفتن ۱۹۲
- ه- ناپسندی پیوسته حج نرفتن برای کسی که می‌تواند ۱۹۲
- و- هشدار به آن که تصمیم حج دوباره ندارد ۱۹۳
- پاداش نیت حج داشتن ۱۹۴
- پاداش کسی که در مسیر حج می‌میرد ۱۹۴
- پاداش حج گزار ۱۹۵
- الف- باریافته خداوند ۱۹۵
- ب- میهمان خدای سبحان ۱۹۶
- ج- در ضمانت خداوند ۱۹۸

- ۱۹۹ د- دعایش مستجاب است
- ۲۰۰ آثار حج
- ۲۰۰ الف- پاکی
- ۲۰۳ ب- بی‌نیازی
- ۲۰۴ ج- نور
- ۲۰۵ د- خیر دنیا و آخرت
- ۲۰۶ فصل دوم: تأخیر در گزاردن حج و ترک آن
- ۲۰۶ هشدار نسبت به ترک حج
- ۲۰۷ ویژگی ترک کننده حج
- ۲۰۷ الف- کافر است
- ۲۰۷ قرآن
- ۲۰۷ حدیث
- ۲۱۰ ب- ترک کننده دستور اسلام است
- ۲۱۰ ج- هنگام مرگ، خواستار بازگشت به زندگی است
- ۲۱۲ د- روز قیامت، نابینا برانگیخته می‌شود
- ۲۱۳ هشدار نسبت به تعطیل کردن خانه خدا
- ۲۱۶ فصل سوم: واجبات حج
- ۲۱۶ کلیات واجبات حج
- ۲۱۷ واجبات عمره تمتع
- ۲۱۷ احرام
- ۲۱۷ الف- حکمت احرام
- ۲۱۸ ب- میقات‌های احرام
- ۲۲۰ ج- چگونگی احرام
- ۲۲۱ د- لبیک گفتن در احرام

- ۲۲۵ و- آداب لَبِیک گفتن
- ۲۲۸ و- مُحَرَّمات احرام
- ۲۲۸ قرآن
- ۲۲۹ حدیث
- ۲۳۴ ز- آنچه برای مُحَرَّم، جایز نیست
- ۲۳۵ طواف
- ۲۳۵ الف- فضیلت طواف
- ۲۳۶ ب- ادب طواف
- ۲۳۹ ج- تشویق به طواف بسیار، هنگام شلوغ نبودن
- ۲۴۰ د- استیلام حجر و آداب آن
- ۲۴۷ ه- دعاهاى طواف
- ۲۵۱ نماز طواف
- ۲۵۲ سعی بین صفا و مروه
- ۲۵۲ اشاره
- ۲۵۲ الف- فضیلت مسعى
- ۲۵۴ ب- حکمت سعی
- ۲۵۴ قرآن
- ۲۵۴ حدیث
- ۲۵۵ ج- ادب سعی
- ۲۵۸ د- پاداش سعی
- ۲۵۸ تقصیر
- ۲۵۹ واجبات حجّ تمتّع
- ۲۵۹ الف- احرام
- ۲۶۰ ب- وقوف در عرفات

۱. آداب رفتن به عرفات ۲۶۰
۲. علت نام‌گذاری «عرفات» ۲۶۲
۳. افتخار خداوند به اهل عرفات ۲۶۳
۴. اهمیت عرفات در حج ۲۶۳
۵. ادب حضور ۲۶۴
۶. پاداش وقوف در عرفات ۲۷۰
- ج- وقوف در مشعر الحرام ۲۷۳
۱. کوچ از عرفات ۲۷۳
- قرآن ۲۷۳
- حدیث ۲۷۳
۲. پاداش وقوف در مُزدلفه ۲۷۶
۳. ادب حضور ۲۷۷
- د- فرود آمدن در مِنا ۲۸۰
۱. کوچ از مشعر الحرام ۲۸۰
۲. علت نام‌گذاری به مِنا ۲۸۲
۳. آداب فرود آمدن در مِنا ۲۸۲
- قرآن ۲۸۲
- حدیث ۲۸۳
۴. پاداش وقوف در مِنا ۲۸۵
- ه- سنگ زدن به جَمَره ۲۸۵
۱. حکمت سنگ زدن ۲۸۵
۲. چگونگی سنگ زدن ۲۸۷
۳. پاداش رمی ۲۹۱
- و- قربانی کردن ۲۹۲

- ۲۹۲ قرآن
- ۲۹۴ حدیث
- ۲۹۶ ز- تراشیدن سر
- ۲۹۶ قرآن
- ۲۹۸ حدیث
- ۲۹۹ ح- طواف زیارت
- ۳۰۱ ط- سعی
- ۳۰۱ ی- طواف نساء
- ۳۰۱ قرآن
- ۳۰۳ حدیث
- ۳۰۵ فصل چهارم: آداب حج
- ۳۰۵ آنچه پیش از فرا رسیدن حج، شایسته است
- ۳۰۵ الف- آمادگی
- ۳۰۵ قرآن
- ۳۰۵ حدیث
- ۳۰۶ ب- اخلاص
- ۳۰۷ ج- شتاب
- ۳۰۸ د- باد گرفتن مناسک حج
- ۳۰۸ قرآن
- ۳۰۸ حدیث
- ۳۱۴ ه- حلال کردن مال
- ۳۱۵ و- پاکیزگی ره توشه
- ۳۱۶ ز- دعا هنگام عازم شدن به سفر حج
- ۳۱۷ آنچه در مراسم حج، شایسته است

- ۳۱۷ الف- خوش خویی
- ۳۱۸ ب- کمک به همراهان
- ۳۱۹ ج- مواظبت از ره‌توشه
- ۳۲۰ د- اقامت در مکه پیش از حج
- ۳۲۰ ه- شریک ساختن دیگران در ثواب حج
- ۳۲۰ و- طواف به نیابت از امامان
- ۳۲۱ ز- دیدار امام
- ۳۲۳ مجموعه آنچه در مراسم حج، شایسته است
- ۳۲۳ قرآن
- ۳۲۳ حدیث
- ۳۳۴ آنچه پس از حج، شایسته است
- ۳۳۴ الف- وداع با خانه خدا
- ۳۳۷ ب- مدینه رفتن
- ۳۳۸ ج- زود برگشتن
- ۳۳۸ د- صدقه دادن
- ۳۴۰ ه- سوغات
- ۳۴۰ آنچه پس از بازگشت از حج، شایسته است
- ۳۴۰ الف- وا نهادن گناهان
- ۳۴۱ ب- دیدار با حج‌گزار
- ۳۴۳ فصل پنجم: گوناگون
- ۳۴۳ برائت از مشرکان
- ۳۴۳ قرآن
- ۳۴۴ حدیث
- ۳۴۷ تحقیقی در باره مراسم برائت از مشرکان

- ۳۴۷ اشاره
- ۳۴۷ ۱. معنای شرک و مشرک
- ۳۴۸ ۲. ادیان الهی و برائت از مشرکان
- ۳۵۰ ۳. زمان و مکان برائت از مشرکان
- ۳۵۳ حج‌گزاری پیامبران علیهم السلام
- ۳۵۶ حج پیامبر
- ۳۶۱ فضیلت حج نیابتی
- ۳۶۴ فضیلت به حج بردن کودک
- ۳۶۵ پاداش یاری رساندن به خانواده حج‌گزار
- ۳۶۶ حاجیان، چه اندک‌اند!
- ۳۶۷ فصل ششم: حج اصغر
- ۳۶۷ فضیلت عمره
- ۳۷۲ هر ماه، یک عمره
- ۳۷۳ فضیلت عمره در ماه رجب
- ۳۷۴ فضیلت عمره در ماه رمضان
- ۳۷۵ عمره مفرده در ماه‌های حج
- ۳۷۶ عمره‌های پیامبر
- ۳۸۰ بخش سوم: مدینه منوره
- ۳۸۰ اشاره
- ۳۸۲ فصل یکم: فضیلت مدینه
- ۳۸۲ اشاره
- ۳۸۲ نام‌های مدینه
- ۳۸۳ محبوبه، یندد و یثرب
- ۳۸۳ ویژگی‌های مدینه

- الف- حرم پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۸۳
- ب- هجرتگاه پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۸۶
- ج- محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۸۶
- د- گنبد اسلام ۳۸۸
- ه- فتح با قرآن ۳۸۸
- و- زُداینده پلیدی ۳۸۸
- فضیلت اقامت در مدینه ۳۹۰
- آداب مدینه ۳۹۱
- مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله ۳۹۴
- اشاره ۳۹۴
- الف- بنای آن ۳۹۴
- ب- حدود آن ۳۹۵
- ج- فضیلت آن ۳۹۹
- د- فضیلت نماز در آن ۳۹۹
- ه- تمام خواندن نماز در آن ۴۰۲
- و- آداب آن ۴۰۳
- فصل دوم: زیارت پیامبر ۴۰۶
- اشاره ۴۰۶
- تشویق به زیارت او ۴۰۶
- سلام دادن بر او، از نزدیک و دور ۴۰۸
- شفاعت پیامبر برای زائرانش ۴۰۹
- پاداش زیارت پیامبر ۴۱۰
- ادب زیارت پیامبر ۴۱۲
- فصل سوم: زیارت فاطمه، دختر پیامبر ۴۲۴

- ۴۲۴ ثواب زیارت او
- ۴۲۴ ادب زیارت فاطمه
- ۴۲۶ مدفن فاطمه دختر پیامبر
- ۴۲۸ باغی از باغ‌های بهشت
- ۴۳۰ فصل چهارم: زیارت امامان
- ۴۳۰ اشاره
- ۴۳۰ ثواب زیارتشان
- ۴۳۱ ادب زیارت قبور امامان در بقیع
- ۴۳۴ فصل پنجم: زیارت قبور شهدا در مدینه
- ۴۳۴ زیارت قبور شهدا
- ۴۳۷ درباره مرکز

حج و عمره در قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری محمد، ۱۳۲۵ - عنوان قراردادی: الحج والعمره فی الكتاب والسنة . فارسی

عنوان و نام پدیدآور: حج و عمره در قرآن و حدیث / محمدی ری شهری با همکاری عبدالهادی مسعودی ترجمه جواد محدثی وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: [۷۳۰] ص. مصور، نقشه.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث ۱۲.

شابک: ۷۲۰۰۰ ریال: ۷-۲۸۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ قبلی: موسسه فرهنگی دارالحدیث ۱۳۷۸ (۶۳۱ ص).

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۶۹۱] - ۷۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: حج -- احادیث

موضوع: حج

موضوع: حج -- جنبه‌های قرآنی

شناسه افزوده: مسعودی عبدالهادی ۱۳۴۳ -

شناسه افزوده: محدثی جواد، ۱۳۳۱ - مترجم

شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث سازمان چاپ و نشر

شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث پژوهشکده علوم و معارف حدیث

رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵ / ح ۲۷ م ۳۲۰۴۱ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۵۰۲۸۹

ص: ۱

اشاره

ص: ۷

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على عبده المصطفى محمد و آله الطاهرين و خيار صحابته أجمعين!

حج، اهتمام مسلمانان را ویژه خود ساخته است و آنان کتاب‌هایی در باب آداب و اسرار آن نوشته‌اند. با این همه، به نظر می‌رسد که کتاب‌خانه‌های مسلمانان، از وجود کتابی که این فریضه بزرگ الهی و مسائل مربوط به آن را از منظر احادیث شیعه و اهل سنت بررسی کند و بر این اساس، از منزلت والا- و نقش سازنده آن سخن بگوید، بی‌بهره‌اند. از این رو، این کتاب- که بخشی از دانش‌نامه میزان الحکمه به شمار می‌رود و به صورتی مستقل منتشر می‌شود- بر آن است تا این خلأ را پر کند.

این کتاب با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و احادیثی که محدثان شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند، بخشی از مهم‌ترین مسائلی را که امت اسلامی بدان نیازمندند، با نظمی نو و شیوه‌ای تازه، بر رسیده است. امیدواریم مسلمانان سراسر جهان اسلام- بویژه حجاج بیت الله الحرام و جوانان فرهیخته که خواستار فهم حکمت این فریضه الهی و آداب و اسرار و نتایج و برکات آن هستند- از آن بهره‌مند شوند و از رموز آن در جهت خودسازی و تربیت نفس، الهام گیرند.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم از همه برادران عزیزی که در «پژوهشکده علوم و معارف حدیث» در تدوین این مجموعه ارجمند یاری‌ام دادند، بویژه برادر بزرگوار

ص: ۸

حجّة الاسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی که عمده کار این کتاب بر دوش ایشان بود، سپاس فراوان بگزارم. جزاهم الله عن
الإسلام خیر الجزاء فی الدارین!

محمّدی ری شهری

۷ ربیع ثانی ۱۴۲۰

ص: ۹

درآمد

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ). (۱)

خداوند، حج زیارت حج کعبه، آن خانه محترم خویش، را وسیله به پا داشته شدن حج مصالح حج مردم قرار داد).

حج، میثاقی میان بنده و پروردگار است (۲) و از بزرگ‌ترین فریضه‌های الهی است که در آن، هر دو جنبه فردی و اجتماعی، به شکلی نمایان، گنجانیده شده است.

حج، تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. حج، کانون معارف الهی است که باید از آن، محتوای سیاست اسلام را در تمام زوایای زندگی جستجو نمود.

در جنبه فردی حج، هدف، تزکیه و رسیدن به صفا و نورانیت و پیراستگی از زخارف بی‌ارزش مادی و فراغت با خویشتن معنوی و انس با خدای متعال و ذکر و تضرع و توسل به حضرت حق است تا آدمی به عبودیت - که صراط مستقیم الهی به سوی کمال است - راه یابد و در آن، گام بردارد.

در این بخش، تنوع فرصت‌ها و آزمون‌ها به حدی است که هر گاه کسی با توجه به

۱- مائده: آیه ۹۷.

۲- امام صادق علیه السلام در حدیث سپاه عقل و جهل، حج را به معنای «میثاق» گرفته‌اند که ضد آن، «پیمان‌شکنی» است. در این باره، ر. ک: الکافی: ج ۱ ص ۲۲ ح ۱۴. نیز، ر. ک: ص ۲۰۴ (حکمت استلام).

ص: ۱۰

آداب و فرائض حج، از آنها عبور کند، بی‌گمان، دستاوردی گران‌بها خواهد داشت: فرصت احرام و تلبیه، فرصت طواف و نماز، فرصت سعی و هروله، فرصت وقوف در عرفات و مشعر و منا، فرصت رمی و قربانی، و فرصت ذکر الله که فضای سرشار از روح و حیات را در همه این مراحل، گسترده است. مجموعه این فرصت‌ها می‌تواند دوره کوتاهی از ریاضت شرعی و خودسازی برای هر فرد باشد و مبدأ یک تحوّل عمیق در اخلاق و سلوک فردی زائر خانه خدا گردد.

این بخش از فلسفه حج، همواره مورد توجه عموم مسلمانان بویژه اهل مراقبت بوده و هست؛ لیکن مسئله مهم که غالباً مورد توجه نیست، این است که اهداف فردی، بخشی از فلسفه حج‌اند و بهره‌برداری از ذخایر عظیم این فریضه الهی، فراتر از جنبه فردی است، و آثار و برکاتی که این همایش عظیم می‌تواند برای عموم مسلمانان، بلکه برای همه مردم جهان داشته باشد، بسی مهم‌تر و بارزتر از برکات فردی آن است.

نکته قابل تأمل، این است که قرآن کریم در تبیین فلسفه حج، عمدتاً بر اهداف اجتماعی حج و آثار و برکاتی که برای همه مردم دارد، تأکید نموده است.

از نظر قرآن کریم، حکمت بنای کعبه و فلسفه حج، قیام برای تأمین منافع مردم است. (جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ)، یعنی: حج، یک حرکت جمعی برای حل معضلات و تأمین نیازها و رشد و توسعه جامعه بشر است.

از نظر قرآن، مسلمانان در همایش عظیم حج باید شاهد منافع خود باشند:

(لِيَشْهَدُوا مَنَفَعَهُمْ). (۱)

، که به گفته امام صادق علیه السلام، هم منافع دنیایی و هم منافع آخرتی را شامل می‌شود. (۲)

۱- حج: آیه ۲۸.

۲- ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۴۲۲ ح ۱.

ص: ۱۱

منافع امت اسلام انواع و مراتبی دارد: منافع فرهنگی، منافع سیاسی، منافع اقتصادی و حتی منافع نظامی، که (لَيْشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ)، شامل همه انواع منافع و مراتب آن است.

کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیه الله خامنه‌ای - حفظه الله - در باره منافع اجتماعی حج نیز این است:

در جنبه اجتماعی، حج در میان همه فرائض اسلامی، بی‌همتا است؛ زیرا مظهری از قدرت و عزت و اتحاد امت اسلامی است. هیچ فریضه دیگری، بدین سان، به آحاد مسلمان در باره مسائل امت اسلامی و جهان اسلام درس و عبرت نمی‌آموزد و آنان را در روحیه و واقعیت، به قدرت و عزت و وحدت، نزدیک نمی‌کند.

تعطیل این بخش از حج، بستن سرچشمه‌ای از خیرات به روی مسلمین است که از هیچ ره‌گذر دیگری نمی‌توانند بدان دست یابند. (۱) باری! همان طور که احیاگر حج ابراهیمی - محمدی، امام خمینی رحمه الله فرموده است:

حج، به سان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند؛ ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی، اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا، گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد، سیراب خواهند گشت.

ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج، به سان قرآن، مهجور گردیده است و به همان اندازه که آن کتاب زندگی و کمال و جمال، در حجاب‌های خودساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش، در دل خرمن‌ها خاک کج‌فکری‌های ما دفن شده و این زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او، به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است؛ سرنوشتی که میلیون‌ها مسلمان، هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای «پیامبر»

۱- از پیام ایشان به حجج بیت الله الحرام در دوم ذی حجه ۱۴۱۷.

ص: ۱۲

و «ابراهیم» و «اسماعیل» و «هاجر» می‌گذارند؛ ولی هیچ کس نیست که از خود پرسد:

ابراهیم و محمد ۸ که بودند و چه کردند؟ هدفشان چه بود؟ از ما چه خواستند؟

خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و باز گرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند....

(۱) تأمل در احادیث اهل بیت: نشان می‌دهد که تهی ساختن حج از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، توطئه خطرناکی است که سابقه

ممتدی در تاریخ اسلام دارد و اهل بیت پیامبر خدا، با همه توان کوشیده‌اند تا مردم را از این توطئه آگاه کنند، تا آن جا که حج

فاقد جنبه سیاسی و اجتماعی را حج جاهلیت نامیده‌اند.

روزی که حج، جایگاه واقعی خود را در جهان اسلام پیدا کند و مسلمانان جهان بتوانند این فریضه بزرگ الهی را آگاهانه و آن

گونه که شایسته است، انجام دهند، آن روز، بی‌تردید، اسلام همه سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد و بر جهان حکومت

خواهد نمود. به امید آن روز!

این کتاب در واقع، مبانی حج ابراهیمی - محمدی را بر پایه متن کتاب و سنت، بیان می‌کند. در این کتاب، تلاش شده است که هر

دو جنبه فردی و اجتماعی حج، با استفاده از متون اصلی اسلام، ارائه گردد و مهم‌ترین نکاتی که در سفر به حرمین شریفین باید

مورد عنایت زائران خانه خدا و روضه منور نبوی باشد، تقدیم شود.

۱- از پیام امام خمینی به زائران بیت الله الحرام در تاریخ ۲۹/۴/۱۳۶۷ ش.

ص: ۱۳

بخش یکم: مکه مکرمه

اشاره

بخش یکم: مکه مکرمه (۱)

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۱).

ص: ۱۵

فصل یکم: حرم

اشاره

فصل یکم: حرم (۱)

۱ / ۱

نام‌های مکه

قرآن

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ (۲)

همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد، همان است که در بکه است، [و] فرخنده و هدایت، برای جهانیان است).
(وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَىٰ صِيَمَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ؛ (۳)

و این، کتابی است فرخنده که نازلش کردیم، [و] تصدیق کننده چیزی است که پیش روی آن است و تا [مردم] ام القری را و کسانی را که اطراف آن‌اند، بیم دهی. و کسانی که به آخرت ایمان دارند، به این [کتاب] هم ایمان دارند و نسبت به نمازشان مراقب‌اند). (وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ مَّ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا؛ (۴)

و اوست آن که دست‌های آنان (مشرکان). را از شما، و دست‌های شما را از آنان در وادی مکه، پس از آن که بر آنان پیروزتان ساخت، باز داشت و خداوند به آنچه می‌کنید، بیناست).

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۲).

۲- آل عمران: آیه ۹۶.

۳- انعام: آیه ۹۲. نیز، ر. ک: شورا: آیه ۷.

۴- فتح: آیه ۲۴.

ص: ۱۶

حدیث

۱. امام علی علیه السلام- در پاسخ مردی از شامیان که پرسید: چرا مکه را «أُمُّ الْقُرَى» نامیده‌اند؟-
 زیرا زمین از زیر آن، گسترده شده است. (۱) ۲. مشارق أنوار الیقین: کسی از امام علی علیه السلام پرسید: جایگاه مکه نسبت به بگه چیست؟
 فرمود: «مکه، اطراف حرم است و بگه، جای خانه خدا (کعبه) است».
 پرسید: چرا «مکه» نامیده شده است؟
 فرمود: «چون خداوند متعال، زمین را از زیر آن، گسترده (۲) است».
 پرسید: پس چرا «بگه» نامیده شده است؟
 فرمود: «چرا که آن، چشم جباران و گنهکاران را گریانده (۳) است». (۴) ۳. امام باقر علیه السلام: بگه، جایگاه خانه خداست و مکه، حَرَم است و این همان سخن خداوند است که: (مَنْ دَخَلَهُ وَ كَانَ ءَامِنًا؛ (۵)
 هر کس وارد آن شود، ایمن است). (۶) ۴. امام صادق علیه السلام: محلّ خانه خدا «بگه» است و آبادی، «مکه» است. (۷) ۵. امام صادق علیه السلام: مکه را از این جهت، «بگه» گفته‌اند که مردم در آن [به هنگام طواف] به

۱- علل الشرائع: ص ۵۹۳ ح ۴۴ به نقل از عبد الله بن احمد بن عامر طایی از امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۴۱ ح ۱، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام: ص ۲۷۹ ح ۳۰ هر دو به نقل از احمد بن عامر طایی از امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۷۶ ح ۱؛ تفسیر الثعلبی: ج ۴ ص ۱۶۹، تفسیر القرطبی: ج ۱۶ ص ۶ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام.

۲- معادل «گستردن» در عربی، واژه «مکّ» است.

۳- معادل «گریاندن» در عربی، واژه «بکّ» است.

۴- مشارق أنوار الیقین: ص ۸۴ به نقل از احمد بن عبد العزیز جلودی، إرشاد القلوب: ص ۳۷۷ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۲۷ ح ۶. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۱۱ ح ۱۸.

۵- آل عمران: آیه ۹۷.

۶- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۹۴ به نقل از جابر، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۸ ح ۱۰. نیز، ر. ک: تفسیر الطبری: ج ۳ جزء ۴ ص ۹.

۷- علل الشرائع: ص ۳۹۷ ح ۳ به نقل از سعید بن عبد الله اعرج، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۳ ح ۲۱۱۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۸ ح ۹.

ص: ۱۷

یکدیگر فشار می‌آورند [و یکدیگر را هل می‌دهند]. (۱) ۶. امام صادق علیه السلام: نام‌های مکه، پنج تاست: امّ القری، مکه، بکه، بَسَّاسه (یعنی نابود کننده؛ چون مردم وقتی در مکه ظلم می‌کردند، آنان را بیرون می‌کرد و هلاک می‌ساخت)، و امّ زُحَم (چرا که هر گاه معتکف مکه می‌شدند، مورد رحمت، قرار می‌گرفتند). (۲) ۷. علل الشرائع - به نقل از عبد الله بن سنان: - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا به کعبه، بکه گفته‌اند؟

فرمود: «به خاطر گریه مردم در اطراف آن و در خود آن». (۳) ۸. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار: - به امام صادق علیه السلام گفتم: در مکه به نماز می‌ایستم، در حالی که در برابر من زن نشسته است یا عبور می‌کند. فرمود: «اشکالی ندارد. مکه را به این جهت، بکه گفته‌اند که در آن، زنان و مردان [در اثر ازدحام]، به هم می‌خورند». (۴) ۹. امام کاظم علیه السلام - در پاسخ سؤال علی بن جعفر که پرسید: چرا مکه را بکه می‌گویند؟ - چون مردم یکدیگر را با دست‌هایشان هل می‌دهند و این جز در مسجد الحرام در پیرامون کعبه نیست. (۵)

۱- علل الشرائع: ص ۳۹۷ ح ۱ به نقل از عزرمی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۸ ح ۷.

۲- الخصال: ص ۲۷۸ ح ۲۲ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۷ ح ۵. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۱۱ ح ۱۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۷ ح ۲۳۴۹.

۳- علل الشرائع: ص ۳۹۷ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۳ ح ۲۱۱۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۸ ح ۸.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۶ ح ۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۱۵۷۴، علل الشرائع: ص ۳۹۷ ح ۴ به نقل از فضیل از امام باقر علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، المحاسن: ج ۲ ص ۶۶ ح ۱۱۸۷، بحار الأنوار: ج ۸۳ ص ۳۳۷.

۵- قرب الإسناد: ص ۲۳۷ ح ۹۲۹، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۹۸ هر دو به نقل از علی بن جعفر و ح ۹۵، علل الشرائع: ص ۳۹۸ ح ۵ هر دو به نقل از عبید الله بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۳ ح ۲۱۱۸ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۷ ح ۴.

ص: ۱۸

۱۰. امام رضا علیه السلام: مکه را از این رو «مکه» گفته‌اند که مردم [در جاهلیت] در آن جا سوت می‌کشیدند. کسی را هم که آهنگ این شهر می‌کرد، می‌گفتند: «قَدْ مَكَا»، و این، همان سخن خداوند عز و جل است که: (وَمَا كَانَ صِيْلَانُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاةً وَتَصْدِيَةً؛ (۱))

و نمازشان کنار خانه خدا، جز مُكَاء و تصدیه نبود). مُكَاء، سوت کشیدن است و تصدیه، کف زدن. (۲)

۱- انفال: آیه ۳۵.

۲- علل الشرائع: ص ۳۹۷ ح ۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۹۰ ح ۱ هر دو به نقل از محمد بن سنان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۷ ح ۶.

ص: ۱۹

توضیحی درباره نام‌های مکه

نام‌های مکه در قرآن کریم نام مکه تنها یک بار در قرآن آمده است؛ (۱) ولی از شهر مکه، با نام‌ها و تعابیر دیگر در چهارده آیه یاد شده است که عبارت‌اند از: «بَكَّةَ»، (۲) «أُمُّ الْقُرَى»، (۳) «الْبَلَدَ»، (۴) «الْبَلَدَ الْأَمِينَ»، (۵) «الْبَلَدَةَ»، (۶) «الْحَرَمَ»، (۷) «قَرِيئَتِكَ»، (۸) «مِنَ الْقَرِيئَتَيْنِ» (۹) و «وَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ» (۱۰).

نام‌های مکه در احادیث

در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به پنج نام از نام‌های این سرزمین مقدس، اشاره و وجه نام‌گذاری نیز بیان شده است که عبارت‌اند از: «مکه»، «بکّه»، «أُمُّ الْقُرَى»، «الْبَسَّاسَةُ» و «أُمُّ رُحْمٍ». احادیث، دو وجه نام‌گذاری به «مکه» را بیان نموده‌اند: نخست به سبب گسترده

۱- فتح: آیه ۲۴.

۲- آل عمران: آیه ۹۶.

۳- انعام: آیه ۹۲، شورا: آیه ۷.

۴- ابراهیم: آیه ۳۵، بلد: آیه ۱ و ۲، بقره: آیه ۱۲۶.

۵- تین: آیه ۳.

۶- نمل: آیه ۹۱.

۷- قصص: آیه ۵۷، عنکبوت: آیه ۶۷.

۸- محمد: آیه ۱۳.

۹- زخرف: آیه ۳۱.

۱۰- . ابراهیم: آیه ۳۷.

ص: ۲۰

شدن (مکّ). زمین از شهر مکه و دیگر به جهت کف و سوت زدن (مکاء). عرب جاهلی به هنگام زیارت کعبه. و در وجه نام‌گذاری به «بکه»، برخی احادیث به این نکته اشاره کرده‌اند که این اسم، در واقع، نام محلّ کعبه است و هر گاه برای شهر مکه به کار رود، از قرینه‌های سخن، می‌توان پی برد که مقصود اصلی گوینده، گرداگرد کعبه در مسجد الحرام است و این، با ریشه لغوی آن نیز سازگار است؛ زیرا «بکّ» به معنای ازدحام است که در پیرامون کعبه رخ می‌دهد. وجه نام‌گذاری مکه به دیگر نام‌ها، در احادیث باب، گذشت.

نام‌های مکه نزد تاریخ‌نگاران و زبان‌شناسان

کمت‌ر شهری به اندازه مکه شاهد این همه بحث و نظر در تعداد نام‌ها و اشتقاق آنها نزد مورّخان و زبان‌شناسان بوده است، (۱) تا آن جا که برخی مورّخان، بیش از سی نام برای آن بر شمرده‌اند (۲) و گفت و گوها و نظرهای گوناگونی میان زبان‌شناسان در مورد اصل اشتقاق بیشتر نام‌های آن، بویژه «مکه» و «بکه»، پدید آمده است؛ (۳) ولی با توجه به آنچه از احادیث اهل بیت علیهم السلام در این بحث آمد، نیاز به درازگویی و آوردن گفته‌های آنان نیست و تنها به ذکر برخی دیگر از نام‌های مهمّ مکه بسنده می‌کنیم، همچون:

«المعاد»، «الصّلاح»، «کوئی»، «الحاطمه»، «الرأس» و «القادس». (۴) شاید سبب فراوانی نام‌های مکه، اهمّیت این شهر در نزد همه قبیله‌های گوناگون عرب باشد که هر یک با نام خاصی از این نام‌ها، آن را می‌شناختند.

۱- شفاء الغرام: ج ۱ ص ۴۷، المفصل فی تاریخ العرب: ج ۴ ص ۵، تاریخ امراء مکه المکرمة: ص ۱۳-۱۸.

۲- الجامع اللطیف: ص ۱۶۲. نیز، ر. ک: اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۲۸۳.

۳- لسان العرب: ج ۱۰ ص ۴۰۲ و ۴۹۱، مفردات الفاظ القرآن: ص ۱۴۲ و ۷۷۲، العین: ص ۹۲، النهایة: ج ۱ ص ۱۵۰.

۴- اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۲۸۰-۲۸۲، اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۲۸۰، تاریخ امراء مکه المکرمة: ص ۱۸.

ص: ۲۱

۲/۱

فضیلت مکه

قرآن

حرم

(رَبَّنَا إِنِّي أَسِيءْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ (۱)

پروردگارا! من [یکی] از فرزندانم را در بیابانی خشک، کنار خانه تو ساکن ساختم- پروردگارا- تا نماز بر پا دارند. پس دل‌های مردم را علاقه‌مند به آنان کن و از ثمرات، به آنان روزی بخش. باشد که سپاس گویند).

(وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجِبِي إِلَيْهِ تَمَرَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ رَزَقًا مَنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَاطِعْمُونَ؛ (۲)

و گفتند: اگر همراه تو از [نور] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود، ربوده خواهیم شد. آیا ما حرمی ایمن را برای آنان فراهم نیاوردیم که بهره‌های هر چیز به سوی آنان آورده می‌شود، که رزقی از سوی ماست؟ ولی بیشترشان نمی‌دانند).

(إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ؛ (۳)

همانا فرمان یافته‌ام که پروردگار این خانه را بپرستم؛ همو که آن را گرامی داشته است و هر چیزی برای اوست).

(لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ* وَأَنْتَ حِلْمٌ بِهَذَا الْبَلَدِ؛ (۴)

سوگند به این شهر، در حالی که تو، در آن سکونت گزیده‌ای).

حدیث

۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مکه شهری است که خداوند، آن را و حرمتش را بزرگ داشته است.

مکه را هزار سال پیش از آن که چیزی از زمین را بیافریند، آفرید و آن را پُر از فرشتگان

۱- ابراهیم: آیه ۳۷.

۲- قصص: آیه ۵۷. نیز، ر. ک: عنکبوت: آیه ۶۷.

۳- نمل: آیه ۹۱.

۴- بلد: آیه ۱ و ۲.

ص: ۲۲

قرار داد و مدینه را به بیت المقدس وصل کرد. آن گاه پس از هزار سال، در یک آفرینش، همه زمین را آفرید. (۱) ۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل از هر چه آفریده است، برگزیده‌ای دارد...؛ اما برگزیده او از سرزمین‌ها مکه، مدینه و بیت المقدس‌اند. (۲) ۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- خطاب به مکه-: من می‌دانم که تو، حرم امن خدایی و نزد خدای متعال محبوب‌ترین شهرهایی. (۳) ۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- وقتی که در خزوره (جایی در بازار مکه). ایستاده بود-: به خدا سوگند، تو بهترین زمین خدا و محبوب‌ترین سرزمین در نزد خدایی و اگر نبود این که مرا از تو بیرون کردند، بیرون نمی‌رفتم. (۴) ۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- خطاب به مکه-: چه شهر پاکی! و چه قدر نزد من محبوبی! اگر نبود که قوم مرا از تو بیرون کردند، در جایی جز تو ساکن نمی‌شدم. (۵) ۱۶. امام باقر علیه السلام: کسی که در مکه بخوابد، همچون کسی است که در شهرهای دیگر به تهجد (شب‌زنده‌داری). می‌پردازد. (۶) ۱۷. ثواب الأعمال- به نقل از میسر-: حدود پنجاه نفر بودیم که در خیمه، در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم. پس از سکوت طولانی ما، امام علیه السلام فرمود: «... آیا می‌دانید منزلت

۱- فضائل بیت المقدس، مقدسی: ص ۴۸ ح ۱۴، الفردوس: ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۲۹۲۸ هر دو به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۱ ح ۳۴۷۱۰.

۲- التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: ص ۶۶۱، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۴۷ ح ۳۴. نیز، ر. ک: الخصال: ص ۲۲۵ ح ۵۸.

۳- أخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۱۴۷۸ به نقل از زهری، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۹۷ ح ۳۸۰۳۹.

۴- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۷۲۲ ح ۳۹۲۵، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۳۷ ح ۳۱۰۸، مسند ابن حنبل: ج ۶ ص ۴۴۹ ح ۱۸۷۴۰، سنن الدارمی: ج ۲ ص ۶۸۸ ح ۲۴۱۵، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۸ ح ۴۲۷۰ همگی به نقل از عبد الله بن عدی بن حمراء زهری، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۰۰ ح ۳۴۶۵۸.

۵- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۷۲۳ ح ۳۹۲۶، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۶۱ ح ۱۷۸۷، صحیح ابن حبان: ج ۹ ص ۲۳ ح ۳۷۰۹ همگی به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۰۰ ح ۳۴۶۵۶؛ عوالی اللآلی: ج ۱ ص ۱۸۶ ح ۲۶۰.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۱، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۱۹۷ به نقل از خالد قلانسی از امام صادق علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۲ ح ۳۵.

ص: ۲۳

کدام سرزمین، نزد خدا بیشتر است؟».

هیچ کس سخنی نگفت. ایشان خود، جواب خویش را داد و فرمود: «آن، مکه الحرام است که خداوند، آن را به عنوان حرم خویش، پسندیده و خانه‌اش را در آن، قرار داده است». (۱) ۱۸. امام صادق علیه السلام: محبوب‌ترین سرزمین نزد خداوند، مکه است و هیچ خاکی نزد خداوند عز و جل محبوب‌تر از خاک آن و هیچ سنگی نزد خداوند عز و جل محبوب‌تر از سنگ آن و هیچ درخت و کوه و آبی نزد خداوند عز و جل محبوب‌تر از درخت و کوه و آب آن نیست. (۲) ۱۹. امام صادق علیه السلام: در سنگ‌نوشته‌ای، چنین یافتند: «منم خدا، صاحب بگه که وقتی آسمان‌ها و زمین و خورشید و ماه را آفریدم، آن را آفریدم و هفت فرشته را بر گرد آن گماشتم. در آب و شیر، برای مردمش برکت دارد و روزی آن از راه‌هایی از بالا و پایینش و از تپه می‌آید». (۳) ۲۰. امام صادق علیه السلام: ابراهیم علیه السلام در صحرائی در شام، فرود آمده بود خداوند به او وحی کرد ... و سپس فرمانش داد تا اسماعیل و مادرش را بیرون ببرد. ابراهیم علیه السلام گفت:

خدایا به کجا؟

فرمود: «به حرم من و جایگاه امن من و نخستین قطعه‌ای از زمین که آفریدم و آن، مکه است». (۴)

۱- ثواب الأعمال: ص ۲۴۴ ح ۳، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۳۳ ح ۴۱، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۸۶ ح ۱۱.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۳ ح ۲۳۰۴ به نقل از سعید بن عبد الله اعرج، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۴۹ ح ۱۷۶۵۵.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۴ ح ۲۳۱۱ به نقل از حریز، الکافی: ج ۴ ص ۲۲۵ ح ۱ به نقل از سعید اعرج، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۹۷ به نقل از حلبی و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۲ ح ۳۸؛ التاریخ الکبیر: ج ۸ ص ۱۵۰ ش ۲۵۱۹ به نقل از عامر بن عبد الله بن زبیر بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و تقریباً با همان الفاظ.

۴- تفسیر القمی: ج ۱ ص ۶۰، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۹۰ هر دو به نقل از هشام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۶ ح ۱۵. نیز، ر. ک: شُعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۳۲ ح ۳۹۸۴.

ص: ۲۴

۲۱. امام صادق علیه السلام: کسی که مایه آزاری را از راه مکه بردارد، خداوند برای او حسنه‌ای (ثوابی پایدار). می‌نویسد و خدا، هر کس را که حسنه‌ای برایش نوشته باشد، عذاب نمی‌کند. (۱) ۲۲. تهذیب الأحکام- به نقل از علی بن مهزیار: از امام هادی علیه السلام پرسیدم: ماندن در مکه خوب تر است، یا بیرون رفتن به بعضی از شهرها؟ نوشت: «ماندگار شدن در کنار خانه خدا، بهتر است». (۲) ر. ک: ص ۳۴ (آنچه در مکه مکروه است). و ص ۳۵ (آنچه در مکه شایسته است).

۳/۱

ویژگی‌های مکه

الف- احترام داشتن

۱. ایمنی هر ترسانی که وارد مکه می‌شود

قرآن

(وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأُمْتِعْهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ يُوَسِّسُ الْمَصِيرُ؛ (۳))
و آن گاه [را یاد کن] که ابراهیم گفت: پروردگارا! این را شهری ایمن قرار بده و مردم آن را از میوه‌ها روزی عطا کن؛ آنانی را که به خدا و روز واپسین، ایمان آورده‌اند. [خداوند] گفت: «و هر کس کفر ورزد، اندکی، او را برخوردار می‌کنم. سپس او را گرفتار عذاب دوزخ می‌سازم و بد سرانجامی است!».

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۷ ح ۳۴ به نقل از إسحاق بن عمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۷ تقریباً به همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ص ۳۸۵ ح ۱۷۷۷۸.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۷۶ ح ۱۶۸۱، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۴۱ ح ۱۷۶۲۵.

۳- بقره: آیه ۱۲۶.

ص: ۲۵

(فِيهِ آيَاتٌ مَّبِينَةٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ (۱)

در آن، نشانه‌هایی روشن و روشن‌گر است: مقام ابراهیم و هر کس وارد آن شود، ایمن خواهد بود. و حقّ خداست بر مردم، آهنگ آن خانه کردن، برای هر کس که راهی به سوی آن داشته باشد، و البته هر کس ناسپاسی کند، همانا خداوند از جهانیان، بی‌نیاز است). (أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبَلْبَلٍ يُؤْمِنُونَ وَيَنْعَمُ اللَّهُ يَكْفُرُونَ؛ (۲)

آیا ندیدند که ما حرمی ایمن قرار دادیم، در حالی که مردم از اطرافشان روده می‌شوند؟ پس آیا به باطل، ایمان می‌آورند و به نعمت خدا، ناسپاسی می‌کنند؟). (وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ* وَطُورِ سِينِينَ* وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ؛ (۳)

سوگند به انجیر و زیتون، و طور سینا، و سوگند به این شهر امن).

حدیث

۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس انسانی را بکشد یا گناهی کند و سپس به حرم پناه آورد، ایمن است. تا وقتی در حرم است، از او قصاص نمی‌شود، دستگیر و اذیت نمی‌شود و [البته]، به او پناه داده نمی‌شود، به او غذا و آب داده نمی‌شود، با او داد و ستد نمی‌شود، و نه مهمان می‌کند و نه مهمان می‌شود. (۴) ۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید! لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر کسی است که در اسلام، چیزی پدید آورد، یعنی در محدوده بیرون حرم، جرمی مرتکب شود و آن گاه به حرم، پناهنده شود. پس [در این صورت]، کسی او را پناه ندهد و یاری نکند و مهمان نکند تا آن که از حرم به بیرون حرم بیرون آید. آن گاه بر او حد جاری می‌شود. (۵) ۲۵. تفسیر العیاشی - به نقل از محمّد بن مسلم - از امام باقر علیه السلام در باره این آیه پرسیدم: (مَنْ دَخَلَهُ وَ كَانَ آمِنًا؛ و هر کس وارد آن (مکه) شود، ایمن است).

۱- آل عمران: آیه ۹۷.

۲- عنکبوت: آیه ۶۷. نیز ر. ک: قصص: آیه ۵۷.

۳- تین: آیه ۱-۳.

۴- الجعفریات: ص ۷۱ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۳۳۲ ح ۱۱۰۲۵.

۵- الجعفریات: ص ۷۱ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۳۳۲ ح ۱۱۰۲۶.

ص: ۲۶

فرمود: «هر هراسناکی در آن ایمن است، تا وقتی که حدی از حدود الهی که باید اجرا شود، بر گردن او نباشد».

گفتم: پس آیا هر که با خدا و پیامبرش بجنگد و در زمین فساد کند، در آن جا ایمن است؟

فرمود: «او همچون کسی است که در راه، کمین می‌کند و گوسفند یا چیزی را می‌رباید. امام، هر گونه که بخواهد، با او رفتار می‌کند». (۱) ۲۶. امام صادق علیه السلام - در باره این سخن خداوند: (مَنْ دَخَلَهُ وَ كَانَ ءَامِنًا؛ هر که وارد آن شود، ایمن است) - هر گاه کسی در غیر حرم جنایتی مرتکب شود و سپس به حرم بگریزد، هیچ کس حق ندارد او را در حرم دستگیر کند؛ ولی او را از بازار رفتن و داد و ستد و خوراک و آشامیدنی منع می‌کنند و با او حرف نمی‌زنند. وقتی چنین کنند، امید است که از حرم بیرون آید و دستگیر شود. و اگر در حرم جنایتی کند، در حرم بر او حد جاری می‌شود؛ چرا که حرمت حرم را نگاه نداشته است. (۲) ۲۷. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - از امام صادق علیه السلام در باره مردی پرسیدم که فردی را در غیر حرم کشته، سپس وارد حرم شده است.

فرمود: «او را نمی‌کشند و به او غذا و آب نمی‌دهند، با او داد و ستد نمی‌کنند و پناهش نمی‌دهند، تا از حرم بیرون آید. آن گاه حد بر او جاری می‌شود».

گفتم: در باره مردی که در حرم، مرتکب قتل و دزدی شده، چه می‌گویید؟

فرمود: «در حرم، با ذلّت بر او حد جاری می‌شود؛ چرا که حرمتی برای حرم قائل نشده و حال آن که خداوند متعال فرموده است: (فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ؛ هر کس به شما تعدی کرد، به او همان گونه تعدی کنید که او به شما تعدی کرده است)».

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۸ ح ۱۰۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۴ ح ۱۲.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۲ به نقل از حلبی و ص ۲۲۷ ح ۳ از علی بن حمزه، تهذیب الأحکام: ج ۱۰ ص ۲۱۶ ح ۸۵۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۱۱۵ ح ۵۲۲۹ هر دو به نقل از هشام بن حکم و ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۲۱۴۸، علل الشرائع: ص ۴۴۴ ح ۱ هر دو به نقل از حفص بن بختری، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۹ ح ۱۰۳ به نقل از مثنی و همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۴ ح ۱۴.

ص: ۲۷

حضرت فرمود: «این آن جاست که در حرم باشد» و آن گاه فرمود: «(فَلَمَّا عُدُّوا نِإِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ هیچ تجاوزی نیست، مگر بر ستمکاران)». (۱)

۲. ایمنی حیوانات وحشی و پرندگان در مکه

۲۸. الکافی - به نقل از عبد الله بن سنان: از امام صادق علیه السلام در باره این آیه: (مَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ ءَامِنًا؛ هر که وارد آن شود، ایمن است)، پرسیدم که: خداوند، کعبه را قصد کرده است، یا حرم را؟ فرمود: «هر کس از آدمیان که به صورت پناهنده وارد حرم شود، از خشم خدا ایمن است و هر حیوان وحشی و پرنده‌ای وارد آن شود، ایمن از آن است که مورد هجوم یا آزار قرار گیرد، تا آن که از حرم بیرون رود». (۲) ۲۹. امام صادق علیه السلام - آن گاه که از ایشان در باره پرنده‌ای اهلی که زنده وارد حرم کرده‌اند، پرسیدند: به آن دست نزنند؛ چرا که خدای متعال می‌فرماید: (مَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ ءَامِنًا؛ هر که داخل آن شود، ایمن است). (۳) ۳۰. امام صادق علیه السلام - آن گاه که از ایشان در باره آهوئی پرسیدند که وارد حرم شده است: آن را نگیرند و به آن دست نزنند. خداوند متعال می‌فرماید: (مَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ ءَامِنًا؛ هر که داخل آن (حرم) شود، ایمن است). (۴)

۳. آنچه در مکه حرام نیست

۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج حیوان است که در حرم کشته می‌شوند: موش، عقرب، کلاغ، زاغ و

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۸ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۱۹ ح ۱۴۵۶ و ص ۴۶۳ ح ۱۶۱۴، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۳۷ ح ۱۷۶۰۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۹ ح ۱۵۶۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۱ ح ۲۳۲۷، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۹ ح ۱۰۱ همگی به نقل از عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۴ ح ۱۳.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۴۸ ح ۱۲۰۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۳۶۷، علل الشرائع: ص ۴۵۱ ح ۱ و ص ۴۵۴ ح ۷ همگی به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵۲ ح ۲۴.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۶۲ ح ۱۲۵۸ به نقل از محمد بن مسلم، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۳۶۸ به نقل از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۱۷۶ ح ۱۷۰۸۲.

ص: ۲۸

سگ هار. (۱) ۳۲. امام صادق علیه السلام: در حرم و در حال احرام، [این چند حیوان: افعی، شیر درنده، هر مار خطرناک، عقرب و موش - که فاسقک است -، کشته می‌شوند و کلاغ و زاغ هم با سنگ، رانده می‌شوند. پس اگر دزدان متعرض تو شدند، دفاع کن.

(۲) ۳۳. امام صادق علیه السلام: کشتن کک، شپش و پشه در حرم، اشکالی ندارد. (۳) نکته

از کارهای حرام در حرم، کشتن و صید حیوان است؛ ولی حیوانات فراوانی از این حکم، استثنا شده‌اند که نام آنها را می‌آوریم و شرح و بسط احکام آن را به محل خود در کتاب‌های فقهی ارجاع می‌دهیم. این حیوانات، عبارت‌اند از: همه مارهای بد، عقرب، موش، مورچه، پشه، شپش، کک، حیوانات درنده و پرندگان شکاری.

برخی احادیث، دزدی را که به دارایی مردم و آبروی آنان دستبرد می‌زند نیز از جمله همین بی‌حرمتان می‌دانند. بدین ترتیب، می‌توان به یک قاعده عمومی دست یافت که: هر چه بر انسان دست می‌یازد و تجاوز می‌کند، حکم حرمت حرم، از آن برداشته می‌شود.

پوشیده نماند که سر بریدن چارپایان حلال گوشت برای تأمین خوراک، جایز است.

ب- آنچه انجامش در مکه، حرام است

۱. شکستن امنیت

قرآن

(وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ

۱- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۲۰۴ ح ۳۱۳۶، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۸۵۷ ح ۶۸، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۹۷ ح ۸۳۷، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۱۱ همگی به نقل از عایشه، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۷۰ ح ۱۸۴۷ به نقل از ابو هریره، کنز العمّال: ج ۵ ص ۳۶ ح ۱۱۹۴۲.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۳ ح ۳ به نقل از حلبی، بحار الأنوار: ج ۶۴ ص ۲۴۸ ح ۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۴ ح ۱۱ به نقل از زراره، بحار الأنوار: ج ۶۴ ص ۳۱۱ ح ۱.

ص: ۲۹

الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقْتَلُوا فِيهِ فَإِنْ قَتَلُواكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكُفْرِينَ؛ (۱)

و آنان (مشرکان). را هر جا یافتید، بکشید و از همان جا که بیرونشان کردند، بیرونشان کنید- و فتنه، شدیدتر از کشتن است- و با آنان، کنار مسجدالحرام نجنگید تا آن که آنان با شما در آن جا بجنگند. پس اگر آنان با شما جنگیدند، آنان را بکشید. کیفر کافران، این گونه است).

حدیث

۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- در روز فتح مکه-: خداوند، روزی که آسمانها و زمین را آفرید، مکه را حرام ساخت و تا برپایی قیامت نیز حرام است و برای هیچ کس پیش از من حلال نشده و برای هیچ کس پس از من نیز حلال نخواهد شد و برای من جز ساعتی از یک روز، حلال نشده است. (۲) ۳۵. صحیح البخاری- به نقل از ابو شریح-: عمرو بن سعید که گروه‌هایی را به مکه اعزام می‌کرد، گفت: ای امیر! اجازه بده سخنی را از قول پیامبر صلی الله علیه و آله در فردای روز فتح مکه برایت باز گویم که دو گوشم شنید و با قلبم دریافتم و دو چشمم دید، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را گفت. پس از حمد و ثنای خدا فرمود: «مکه را خداوند، حرام کرده؛ ولی مردم حرامش ندانستند! برای هیچ کس که به خدا و قیامت ایمان دارد، حلال نیست که در آن، خونی بریزد و درختی را قطع کند. پس اگر کسی در پی رخصت بود و به جنگ پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه استناد کرد، بگویند: "خداوند به پیامبرش اجازه داد و به شما اجازه نداده است." همانا خداوند تنها یک ساعت از یک روز را در آن به من اجازه داد. سپس احترام امروزش مثل احترام دیروزش گشت. [این سخن را] حاضر به غایب برساند!». (۳)

۱- بقره: آیه ۱۹۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۴ به نقل از معاویه بن عمّار؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۵ ح ۲۳۱۴، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۱۳۵ ح ۲۷؛ صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۵۲ ح ۱۷۳۷، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۵۴۴ ح ۲۲۷۹، السنن الکبری: ج ۵ ص ۳۱۸ ح ۹۹۴۴ همگی به نقل از ابن عباس تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۸ ح ۳۴۶۵۲.

۳- صحیح البخاری: ج ۱ ص ۵۱ ح ۱۰۴، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۷ ح ۴۴۶، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۷۳ ح ۸۰۹، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۰۵، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۱۴ ح ۱۶۳۷۳، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۹ ح ۳۴۶۵۴.

ص: ۳۰

۳۶. امام علی علیه السلام: با شمشیرها به سوی حرم، بیرون نروید و هیچ یک از شما در حالی که در برابرش شمشیر است، نماز نخواند؛ چرا که قبله، ایمن است. (۱) ۳۷. الکافی - به نقل از ابو بصیر: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که کسی می‌خواهد به مکه یا مدینه برود. آیا همراه داشتن سلاح برای او مکروه است؟

فرمود: «اشکالی ندارد که سلاح را از شهر خود بیرون ببرد؛ ولی وقتی وارد مکه می‌شود، آن را آشکار نسازد». (۲) ۳۸. امام صادق علیه السلام: سزاوار نیست که سلاح وارد حرم کند، مگر این که آن را در کیسه‌ای بگذارد یا جبا بپچیدن آن در چیزی ج پنهانش کند. (۳) ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۱۳/ ابواب مقدمات الطواف/ الباب ۱۸ و ۱۹، جواهر الکلام: ج ۷ ص ۶۵۸.

۲. ورود غیر مسلمان

قرآن

(وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّالِقِينَ وَ الْعَکِيفِينَ وَ الزُّكَّعِ السُّجُودِ؛ (۴)

و ما خانه (کعبه). را برای مردم، محل اجتماع و ایمن قرار دادیم، و از مقام ابراهیم، جایگاه نماز برگزینید. و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک سازید.

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ (۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یقیناً

۱- الخصال: ص ۶۱۶ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام رضا علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، علل الشرائع: ص ۳۵۳ ح ۱ به نقل از ابو بصیر از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، تحف العقول: ص ۱۰۶، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۹۴ ح ۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۸ ح ۲، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲۳۳۱، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۵۹ ح ۱۷۶۸۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۸ ح ۱، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲۳۳۲ هر دو به نقل از حرز، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۲۵۹ ح ۱۷۶۸۵.

۴- بقره: آیه ۱۲۵. نیز، ر. ک: حج: آیه ۲۶.

۵- توبه: آیه ۲۸.

ص: ۳۱

مشرکان، نجس‌اند. پس از این سال، به مسجد الحرام نزدیک نشوند و اگر از تهی دستی بیم داشتید، خداوند اگر بخواهد، از فضل خویش بی‌نیازتان خواهد کرد. همانا خداوند، دانای حکیم است).

حدیث

۳۹. امام صادق علیه السلام- آن گاه که از ایشان پرسیدند: چرا به خانه خدا، «بیت الله الحرام» می‌گویند؟- چون بر مشرکان حرام است وارد آن شوند. (۱) ۴۰. امام صادق علیه السلام: ذمیان (اهل کتاب در پناه حکومت اسلام). وارد حرم و سرزمین هجرت نشوند و از این دو جا بیرون می‌شوند. (۲) ۴۱. امام صادق علیه السلام- در باره این آیه: (طَهَّرْنَا بَيْتِيَ لِلطَّلَالِ فِيْنَ وَالْعَكْفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک سازید)-: یعنی خانه خدا را از مشرکان، دور نگهداریم. (۳) ر. ک: صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۱۵۵/ باب اخراج اليهود من جزيرة العرب، الدر المنثور: ج ۴ ص ۱۶۵، المغنی، ابن قدامة: ج ۱۰ ص ۶۱۶، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۲۳۵/ الباب ۱۷ و ج ۱۵ ص ۱۳۲/ الباب ۵۲، مجمع البیان: ج ۵ ص ۳۲، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: ص ۵۱۵.

۳. شکار کردن و کندن درخت

۴۲. صحیح البخاری- به نقل از ابن عباس-: پیامبر خدا در روز فتح مکه فرمود: «این، شهری است که خداوند، روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، حرمتش بخشید و این شهر، با حرمت خداوند، تا روز قیامت، محترم است. نه خازش چیده می‌شود، نه شکارش رمانده می‌شود، نه یافته شده‌اش برداشته می‌شود، مگر کسی که بخواهد اعلام کند [تا صاحبش پیدا شود] و گیاهان تازه رویده‌اش چیده نمی‌شوند».

۱- علل الشرائع: ص ۳۹۸ ح ۱ به نقل از حنان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۱۱۱، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۸۲ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۹ ح ۲۰.

۲- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۸۱.

۳- تفسیر القمی: ج ۱ ص ۵۹.

ص: ۳۲

گفت [م]: ای پیامبر خدا! جز گیاه اذخر، که برای تزیین و برای خانه‌هایشان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «جز اذخر». (۱) ۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گیاه حرم چیده نمی‌شود، درخت آن و خار آن، قطع نمی‌شود و شکارش رمانده نمی‌شود.... پس هر که را دیدید که گیاه حرام را چیده یا درختش را قطع کرده یا شکارش را رمانده است، بر شما رواست که ناسزایش بگویید یا پشت او را در حدی که در حرم، حلال است، به درد آورید. (۲) ۴۴. امام باقر علیه السلام: خداوند، حرام ساخته که گیاه حرمش چیده یا درخت آن قطع شود (مگر گیاه اذخر)، یا پرندۀ آن صید گردد. (۳) ۴۵. امام صادق علیه السلام: از درخت مگه، جز درخت خرما و درخت میوه، کنده نمی‌شود. (۴) ۴۶. امام صادق علیه السلام: هر چه در حرم می‌روید، [چیدنش] بر همه مردم، حرام است، مگر آنچه را خودت رویانده و کاشته‌ای. (۵) ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۱۲/ أبواب تروک الإحرام/ الأبواب ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰ و ج ۱۳/ أبواب کفارات الصيد/ الأبواب ۱۰، ۱۶، ۲۱، ۲۹، ۳۰، ۳۳.

۴. ذبح شکار

۴۷. امام صادق علیه السلام: شکار را در حرم نباید ذبح کرد، هر چند در بیرون حرم صید شده باشد. (۶)

۱- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۵۲ ح ۱۷۳۷، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۶ ح ۴۴۵، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۰۳، سنن أبی داود: ج ۲ ص ۲۱۲ ح ۲۰۱۷ به نقل از ابو هریره و هر دو تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۶ ص ۶۵۴ ح ۴۶۲۵۲؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۶ ح ۲۳۱۵ و ۲۳۱۶ به نقل از کلیب اسدی از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله.

۲- الجعفریات: ص ۷۱ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۱۰ به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۵ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۸۱ ح ۱۳۳۲ هر دو به نقل از زراره، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۱۷۵ ح ۱۷۰۷۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۱ به نقل از عبدالکریم از دیگری.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۸۰ ح ۱۳۲۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۲۳۴۲، الکافی: ج ۴ ص ۲۳۱ ح ۲ همگی به نقل از حریز، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۱۷۵ ح ۱۷۰۷۹.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۱ ح ۲۳۶۵ به نقل از عبد الله بن سنان و ص ۳۶۳ ح ۲۷۱۷، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۸۵ ح ۱۶۶۹۷.

ص: ۳۳

۴۸. امام صادق علیه السلام: در مگه، جز شتر و گاو و گوسفند و مرغ، نباید ذبح شود. (۱) ۴۹. کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از شهاب بن عبد ربّه: - به امام صادق علیه السلام گفتم: با جوجه‌هایی که از غیر مگه می‌آورند، سِیحری می‌خورم. آنها را در حرم، ذبح می‌کنند و با آن، سِیحری می‌خورم.

فرمود: «سِیحری تو، سِیحری بدی است. آیا نمی‌دانی آنچه را زنده وارد حرم کنی، ذبح و [یا] نگه داشتن آن بر تو حرام است؟». (۲) ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۳۱/باب ما یُذبح فی الحرم.

۵. تملک شیء پیدا شده

۵۰. امام صادق علیه السلام: لُقْطه (شیء پیدا شده). دو گونه است: یکی آنچه در حرم پیدا شده است که باید تا یک سال اعلام کنی، اگر صاحبش را یافتی که هیچ، و گرنه آن را صدقه می‌دهی. یکی هم لُقْطه غیر حرم که تا یک سال اعلام می‌کنی، اگر صاحبش آمد به او می‌دهی، و گرنه می‌توانی برای خودت برداری. (۳) ۵۱. الکافی - به نقل از محمد بن رجاء ارجانی: - به امام هادی علیه السلام نوشتم: در مسجد الحرام بودم، که دیناری دیدم. خم شدم که آن را بردارم. دینار دیگری دیدم. سنگ‌ریزه‌ها را گشتم. دینار سومی یافتم. آنها را برداشتم و اعلام هم کردم؛ ولی صاحب آنها یافت نشد. نظر تان در این باره چیست؟ امام علیه السلام نوشت: «آنچه را که از قضیه دینارها نوشتی، فهمیدم. اگر نیازمندی، یک سوم آن را صدقه بده و اگر توانگری، همه را صدقه بده». (۴) ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۱۳/أبواب مقدّمات الطواف/الباب ۲۸.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۶۷ ح ۱۲۷۹ تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۴ ح ۲۳۷۹ همگی به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۱۷۰ ح ۱۷۰۵۶.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۲۷۰، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۲۰۰ ح ۱۷۱۶۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۲۱ ح ۱۴۶۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۶ ح ۲۳۴۹ همگی به نقل از ابراهیم بن عمر، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام: ص ۲۶۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۴ ص ۲۵۰ ح ۱۰.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۹ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳۹۵ ح ۱۱۸۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۲۹۳ ح ۴۰۵۱، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۶۲ ح ۱۷۷۰۰.

ج- آنچه در مکه مکروه است**۱. اقامت بیش از یک سال**

۵۲. الکافی- به نقل از محمد بن مسلم-: امام باقر علیه السلام فرمود: «شایسته نیست که انسان در مکه یک سال بماند». گفتیم: پس چه کند؟

فرمود: «به جای دیگر برود». (۱) ۵۳. علل الشرائع- به نقل از احمد بن محمد السّیّاری-: از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت اقامت در مکه را پسندیده نمی‌دانست و این به خاطر آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را از این شهر بیرون کردند و کسی که مقیم مکه شود، سنگ‌دل می‌شود تا آن که در جای دیگری اقامت کند. (۲) ر. ک: ص ۳۹ (هر ظلمی در آن، الحاد است)، وسائل الشیعه: ج ۱۳ / أبواب مقدمات الطواف / الباب ۱۶.

۲. افراشتن ساختمان

۵۴. امام باقر علیه السلام: برای هیچ کس سزاوار نیست که ساختمانی بالاتر از کعبه بسازد. (۳)

۳. مطالبه از بدهکار

۵۵. الکافی- به نقل از سماعه بن مهران-: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی به من مالی بدهکار است. مدّتی از چشم پنهان بود، تا این که او را در حال طواف کعبه دیدم. آیا مال خود را از او طلب کنم؟ فرمود: «نه، به او سلام نده و هراسانش مکن، تا آن که از حرم بیرون رود». (۴) ر. ک: المختلف: ج ۱ ص ۴۱۰، الدروس: ص ۳۷۲، جامع المقاصد: ج ۵ ص ۱۰، وسائل الشیعه: ج ۱۳ / أبواب مقدمات الطواف / الباب ۳۰.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۸ ح ۱۵۶۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۲۳۳۸، علل الشرائع: ص ۴۴۶ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۱ ح ۲۱.

۲- علل الشرائع: ص ۴۴۶ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۴ ح ۲۱۲۱ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۰ ح ۲۵.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۸ ح ۱۵۶۳ و ص ۴۶۳ ح ۱۶۱۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۲۳۳۸، علل الشرائع: ص ۴۴۶ ح ۴ همگی به نقل از محمد بن مسلم، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۴۳ ح ۱۷۶۳۵.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۱ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۹۴ ح ۴۲۳، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۶۵ ح ۱۷۷۱۱.

ص: ۳۵

نکته

علی بن بابویه فرموده است: اگر بدهکار را در حرم بیابد، جایز نیست که از او مطالبه کند، مگر آن که در حرم به او قرض داده باشد. (۱) علامه حلی در مختلف الشیعه فرموده: به نظر من اگر قرض دادن در خارج حرم بوده، مطالبه آن در حرم، کراهت دارد؛ ولی حرام نیست. (۲) شهید در الدروس فرموده: اگر بدهکار به حرم پناهنده شود، مطالبه کردن از او حرام است. روایت دلالت دارد که اگر بدهکار را در حرم یافت، و وی قصد پناهندگی به حرم نداشت، مطالبه حرام است. (۳)

د- آنچه در مکه شایسته است

۱. نماز گزاردن

۵۶. امام علی علیه السلام: نماز خواندن در مکه و مدینه، برابر با هزار نماز است. (۴) ۵۷. امام زین العابدین علیه السلام: هر کس در مکه هفتاد رکعت نماز بخواند و در هر رکعت، «قل هو الله» و «إنا أنزلناه» و آیه سُبْحٰنَهُ (۵) و آیه الكرسي بخواند، جز به شهادت، نخواهد مُرد؛ و کسی که در مکه غذا بخورد، همچون روزه‌دار در شهرهای دیگر است و یک روز روزه گرفتن در مکه، برابر با روزه گرفتن یک سال در جاهای دیگر است؛ و کسی که در مکه راه برود، در حال عبادت خداست. (۶) ۵۸. الکافی- به نقل از ابراهیم بن شیبیه-: به امام باقر علیه السلام نامه نوشتم و از تمام خواندن نماز

۱- الدروس: ج ۳ ص ۳۱۱.

۲- مختلف الشیعه: ج ۵ ص ۳۷۰.

۳- الدروس: ج ۳ ص ۳۱۱.

۴- الخصال: ص ۶۲۸ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، تحف العقول: ص ۱۱۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۷۳ ح ۸.

۵- اعراف: آیه ۵۴-۵۶.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۷ ح ۲۲۵۹، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۸۲ ح ۱۷۷۶۸.

ص: ۳۶

در حرم خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم.
 امام علیه السلام نوشت: «پیامبر خدا زیاد نماز خواندن در این دو حرم را دوست داشت.
 پس تو نیز زیاد نماز بخوان و تمام بخوان»، (۱) ر. ک: ص ۵۹ (فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام).

۲. روزه گرفتن

۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که ماه رمضان در مکه باشد و همه آن ماه را روزه بگیرد و تا آن جا که می‌تواند نماز بخواند، خداوند برای او پاداش صد هزار رمضان در غیر مکه را می‌نویسد و برای او هر روز، یک حسنه و هر شب، یک حسنه می‌نویسد. (۲) ۶۰. امام زین العابدین علیه السلام: یک روز روزه گرفتن در مکه، برابر با روزه یک سال در جای دیگر است. (۳)

۳. ختم کردن قرآن

۶۱. امام زین العابدین علیه السلام: هر کس در مکه ختم قرآن کند، نمی‌میرد تا آن که پیامبر خدا را ببیند و جایگاهش در بهشت را بنگرد. (۴) ۶۲. امام باقر علیه السلام: هر کس که در مکه از جمعه تا جمعه یا در کمتر یا بیشتر از آن ختم قرآن کند و پایان آن، روز جمعه باشد، برای او پاداش و حسنات از اولین جمعه‌ای که در دنیا بوده تا آخرین جمعه‌ای که در دنیا خواهد بود، نوشته می‌شود. اگر در روزهای دیگر نیز ختم کند، همین طور است. (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۴ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۲۵ ح ۱۴۷۶، وسائل الشیعه: ج ۵ ص ۵۴۷ ح ۱۱۳۶۳.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۴۱ ح ۳۱۱۷، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۷ ح ۴۱۴۹ تقریباً با همان الفاظ، أخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۲۳ همگی به نقل از ابن عبّاس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۰۰ ح ۳۴۶۵۷؛ فضائل الأشهر الثلاثة: ص ۱۳۶ ح ۱۴۵ به نقل از ابن عبّاس تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۳۴۹ ح ۱۶.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۷ ح ۲۲۵۹، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۸۲ ح ۱۷۷۶۸.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۶۸ ح ۱۶۴۰ به نقل از خالد بن ماد قلانسی از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۷ ح ۲۲۵۷، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۱۹۸ به نقل از امام باقر علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۲ ح ۳۶.

۵- الکافی: ج ۲ ص ۶۱۲ ح ۴، ثواب الأعمال: ص ۱۲۵ ح ۱، عدّه الداعی: ص ۲۷۰ همگی به نقل از ابو حمزه ثمالی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۳ ح ۳۷.

ص: ۳۷

۴. انفاق

۶۳. امام صادق علیه السلام: مکه، حرم خدا و حرم پیامبر و حرم امیر مؤمنان است. نماز در آن، صد هزار نماز است و یک درهم انفاق در آن، برابر با صد هزار درهم است.

مدینه نیز حرم خدا و حرم پیامبر خدا و حرم امیر مؤمنان است. نماز در آن، ده هزار برابر و یک درهم انفاق در آن، ده هزار درهم است.

کوفه هم حرم خدا و حرم پیامبر خدا و حرم امیر مؤمنان است. نماز در آن، همچون هزار نماز است و یک درهم انفاق در آن، برابر هزار درهم است. (۱)

ه- آنچه برای اهل مکه، شایسته است**۱. خالی گذاشتن مَطاف برای طواف واجب**

۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به اهل مکه و مجاوران برسانید که طواف و حجر الأسود و مقام ابراهیم و صف اول را از روز بیستم ذی قعدة تا روز خروج، برای حجاج واگذارند. (۲) ۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای فرزندان عبد مناف! از هیچ کس که می‌خواهد بر گرد این خانه طواف کند و نماز بخواند، در هر ساعتی از شب و روز که می‌خواهد، جلوگیری نکنید. (۳) ۶۶. امام صادق علیه السلام: طواف برای غیر اهل مکه، برتر از نماز است و برای اهل مکه، نماز، برتر است. (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۸۶ ح ۱ به نقل از خَلَاد قَلَانَسِي، تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۳۱ ح ۵۸، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱ ص ۲۲۸ ح ۶۸۰، کامل الزیارات: ص ۷۳ ح ۶۵ همگی به نقل از خالد قلانسی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۲ ح ۱۰.

۲- الفردوس: ج ۱ ص ۹۹ ح ۳۲۵ به نقل از أنس، كتر العمال: ج ۵ ص ۵۴ ح ۱۲۰۲۴.

۳- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۲۰ ح ۸۶۸، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۲۵۴، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۲۳، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۶۱۵ ح ۱۶۷۳۶، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۱۷ ح ۱۶۴۳ همگی به نقل از جبير بن مطعم، كتر العمال: ج ۵ ص ۴۹ ح ۱۲۰۰۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۲ ح ۲ به نقل از حریر بن عبد الله، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۲۱۵۸، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۹۸ ح ۱۷۸۲۰.

ص: ۳۸

۶۷. تهذیب الأحکام- به نقل از حرّیز:- از امام صادق علیه السلام پرسیدم: برای غیر اهل مکه، یعنی مجاوران آن، آیا طواف برتر است یا نماز؟

فرمود: «برای مجاوران، طواف بهتر است؛ ولی برای اهل مکه و ساکنان آن، نماز، برتر از طواف است». (۱) ۶۸. قرب الإسناد- به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی:- از امام رضا علیه السلام پرسیدم:

برای ساکن مکه، طواف، برتر است یا نماز؟

فرمود: «نماز». (۲) ۶۹. امام صادق علیه السلام: کسی که یک سال در مکه اقامت می‌کند، طواف برای او برتر از نماز گزاردن [در مسجد الحرام] است. کسی که دو سال ساکن مکه خواهد بود، مخلوطی از نماز و طواف انجام دهد. و هر که سه سال مقیم مکه است، نماز برای او برتر از طواف است. (۳)

۲. هم‌شکلی با مُحرمان

۷۰. امام صادق علیه السلام: شایسته نیست که اهل مکه پیراهن بپوشند. شایسته است که آنان هم مثل مُحرمان، غبارآلود و ژولیده باشند. سزاوار است که حکومت، آنان را به خاطر این، مؤاخذه کند. (۴) ۷۱. امام صادق علیه السلام: کسی که تمتع انجام می‌دهد، وقتی از احرام در آمد، شایسته است که پیراهن نپوشد و همسان با مُحرمان باشد. اهل مکه نیز شایسته است در ایام حج، چنین کنند. (۵)

و- هر ظلمی در آن، الحاد است

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۶ ح ۱۵۵۵، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۹۸ ح ۱۷۸۲۱.

۲- قرب الإسناد: ص ۳۸۳ ح ۱۳۵۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۰ ح ۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۲ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۱۲ ح ۲۸۴۵ هر دو به نقل از هشام بن حکم، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۷ ح ۱۵۵۶ به نقل از حفص بن بختری و حماد و هشام، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۹۸ ح ۱۷۸۱۸.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۷ ح ۱۵۵۷ به نقل از معاویة بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۵۴۵ ح ۱۸۳۴۳.

۵- المقنعة: ص ۴۴۷، الکافی: ج ۴ ص ۴۴۱ ح ۸، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۱۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۹۵ ح ۳۳.

ص: ۳۹

قرآن

(إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سِيَوَاءَ الْعُكْفِ فِيهِ وَالنَّبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَيَاةِ الْمَيِّتِ نُدَبْتُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ. (۱))

به یقین، آنان که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام - که آن را برای مردم، چه معتکف عبادت و چه اهل بادیه، یکسان قرار دادیم - جلوگیری می‌کنند و هر کس در آن، قصد الحاد به ستم داشته باشد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم).

حدیث

۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: احتکار طعام در مکه، الحاد است. (۲) ۷۳. الکافی - به نقل از معاویه بن عمار - در باره آیه (وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَيَاةِ الْمَيِّتِ نُدَبْتُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ و هر کس در آن، قصد الحاد به ظلم داشته باشد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم). از امام صادق علیه السلام پرسیدم.

فرمود: «هر ستمی، الحاد است و زدن خادم بدون گناه، از همین نوع الحاد است». (۳) ۷۴. الکافی - به نقل از ابو الصباح کنانی - از امام صادق علیه السلام در باره آیه (وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَيَاةِ الْمَيِّتِ نُدَبْتُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ و هر کس در آن، قصد الحاد به ظلم داشته باشد، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم). پرسیدم. فرمود: «هر ستمی که کسی در مکه به خود کند، چه سرقت یا ظلم به دیگری یا هر کار دیگری که ستم باشد، من آن را الحاد می‌بینم». از این رو، امام علیه السلام از سکونت در حرم، پرهیز داشت. (۴)

۱- حج: آیه ۲۵.

۲- المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۱۳۳ ح ۱۴۸۵، شعب الإيمان: ج ۷ ص ۵۲۷ ح ۱۱۲۲۱ هر دو به نقل از ابن عمر، التاريخ الكبير: ج ۷ ص ۲۵۵ ش ۱۰۸۳ به نقل از یعلی، کنز العمال: ج ۴ ص ۱۸۰ ح ۱۰۰۶۲.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۷ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲۳۲۹، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۲۰ ح ۱۴۵۷ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۴۱ ح ۱۷۶۲۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۷ ح ۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲۳۳۰ تقریباً با همان الفاظ، علل الشرائع: ص ۴۴۵ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۰ ح ۲۴.

ص: ۴۰

۷۵. امام صادق علیه السلام- در باره آیه (وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ مِ بَطْلَمٍ؛ و هر کس در آن، قصد الحاد به ستم داشته باشد)-: هر کس در آن جا غیر خدا را بپرستد، یا با غیر اولیای خدا دوستی و همبستگی کند، او مُلِحِد به ستم است و بر خداست که او را از عذابی دردناک بچشانند. (۱) نکته

الحاد به معنای انحراف از راه راست و طریقه حق است. در این آیه، ظالمان، مُلحد محسوب شده‌اند و به آنان وعده عذاب داده شده است. این به معنای سبب بودن ظلم برای الحاد است؛ زیرا ظلم، نوعی عدول عملی و انحراف از حق است؛ ولی آیه، علاوه بر این، به حکم خاصی اشاره دارد که در غیر حرم مکه، جاری نیست. این حکم، تطبیق ملحد بر هر ظالمی، چه ظلم کوچک باشد و چه بزرگ. همچنین، آیه، ظلم در مکه را گناه کبیره می‌شمرد و به تبع آن، عذاب دردناک را وعده می‌دهد و در آیه، بر این تعمیم و شمول، تأکید شده است؛ زیرا «مَنْ»، عمومیت بدلی دارد و مفعول «يُرِدْ»، حذف شده است تا هر گونه کاری را در بر گیرد. به علاوه، «الحاد» و «ظلم»، هر دو به صورت نکره و اسم جنس آورده شده‌اند تا این اطلاق را تفهیم کنند. پس ترکیب آیه به این شکل است که جمله «من یرد...»، اسم «إِنَّ» در صدر آیه است و باء در «بِالْحَادِ» باء مُلابسه (همراهی). و در «ظلم»، باء سببیت است.

۴ / ۱

حدود حرم

حدود حرم (۲)

۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، آدم را از صفا و حوّا را از مروه فرود آورد و آن دو را در خیمه‌ای جمع کرد. ستون خیمه، از یاقوت سرخ بود. روشنایی و فروغ آن، کوه‌های

۱- الکافی: ج ۸ ص ۳۳۷ ح ۵۳۳ به نقل از ابو ولّاد و دیگران.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۲).

ص: ۴۱

مکه و اطراف آن را روشن ساخت، و تا هر جا که نور آن ستون گسترش یافت، خداوند، آن جا را حرم قرار داد. پس امروز، محدوده حرم، جاهایی است که فروغ ستون به آن جا رسیده است. خداوند به احترام آن خیمه و ستون، آن جا را حرم قرار داده است؛ چرا که آنها از بهشت‌اند. (۱) ۷۷. امام باقر علیه السلام: خداوند، چهار فرسخ در چهار فرسخ از حرمش را، حرام کرد که گیاهش را بچینند و درختش را قطع کنند، مگر درختِ اذخر را. (۲) ۷۸. الکافی - به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی - از امام رضا علیه السلام در باره حرم و محدوده آن پرسیدم و این که چرا محدوده آن، برخی نزدیک‌تر و برخی دورتر است. امام علیه السلام فرمود: «خداوند عز و جل چون آدم علیه السلام را از بهشت فرود آورد، او را بر کوه ابو قُبیس فرود آورد. آدم، از احساس وحشت و از این که آنچه را در بهشت می‌شنید، نمی‌شنود، به پروردگارش شکایت کرد. خداوند، یاقوت سرخی را فرود آورد و در محلّ کعبه قرار داد. آدم، بر گرد آن، طواف می‌کرد و نور آن، تا محدوده حرم می‌رسید. حدّ و حریم آن، نشانه‌گذاری شد. خداوند هم آن را حرم قرار داد. (۳)

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۳۶ ح ۲۱ به نقل از عطاء از امام باقر علیه السلام از پدرانیش علیهم السلام، علل الشرائع: ص ۴۲۱ ح ۳ به نقل از محمد بن اسحاق از امام باقر علیه السلام از پدرانیش علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۸۳ ح ۳۶.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۸۱ ح ۱۳۳۲، الکافی: ج ۴ ص ۲۲۵ ح ۲ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از زراره، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۱۷۴ ح ۱۷۰۷۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۵ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۸ ح ۱۵۶۲، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۸۴ ح ۳۱، علل الشرائع: ص ۴۲۰ ح ۱ و ص ۴۲۲ ح ۴ به نقل از صفوان بن یحیی از امام حسن علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹ ص ۷۲ ح ۲.

ص: ۴۲

توضیحی درباره حدود حرم (۱) محدوده حرم در احادیث و اقوال علما، یک برید (۲) در یک برید، تعیین شده است و چون هر برید، چهار فرسخ شرعی است (۳)، مساحت تقریبی حرم، شانزده فرسخ مربع می‌شود. (۴) این مساحت که اندکی از مکه بزرگ‌تر است، به عنوان حرم امن خداوند، شناخته می‌شود و احکام ویژه‌ای دارد.

در تعیین حدود حرم از هر طرف شهر مکه، گفته‌های گوناگونی وجود دارد (۵) که مشهورترین و مقبول‌ترین آنها (۶)، حدود حرم را این‌گونه بیان می‌دارد:

از طریق مدینه به فاصله سه میلی (۷) مکه، اندکی پیش از تنعیم، از طریق یمن به فاصله هفت میل در طرف اضواء اللین، از طریق جدّه در مُنْقَطَعِ الْأَعْشَاشِ به فاصله ده میل، از طریق طائف در راهی که از عَرَفَه و از داخل نَمْرَه می‌گذرد به فاصله یازده میل، (۸) از طریق عراق بر گردنه «حَلّ» در کوه مُقَطَّع به فاصله هفت میل و از طریق جَعْرَانَه در درّه آل عبد اللّه بن خالد، به فاصله نه میل.

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۲).

۲- برید، مسافت شرعی‌ای است که با طی کردن آن، نماز، قصر و روزه، افطار می‌شود و تقریباً معادل ۵/۲۲ کیلومتر است.

۳- هر فرسخ شرعی، اندکی کمتر از ۵/۵ کیلومتر است.

۴- حرم به شکل مربع نیست بلکه منظور، این است که مساحت حرم، به اندازه مربعی است که ضلعش یک برید باشد (مستمسک العروۃ الوثقی: ج ۱۱ ص ۲۸۷، مدارک الاحکام: ج ۸ ص ۳۷۹، جواهر الکلام: ج ۷ ص ۴۰۰).

۵- أخبار مکه، ارزقی: ج ۲ ص ۱۳۱ به نقل از ابو الولید، أخبار مکه، فاکهی: ج ۵ ص ۸۹، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۵۹، جواهر الکلام: ج ۷ ص ۴۰۱.

۶- ر. ک: شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۵۵، تاریخ الحرمین، عباس کزّاره: ص ۲۳.

۷- هر میل، در حدود ۱۸۰۰ متر است.

۸- صاحب جواهر الکلام (ج ۷ ص ۴۰۱)، به نقل از سروجی، فاصله حدّ طریق طائف را هفت میل ذکر می‌کند و نووی (تهذیب الأسماء: ج ۳ ص ۸۲). رأی جمهور علما را همین می‌داند.

ص: ۴۳

البته این فاصله‌ها تقریبی است و برخی، از روی دقت نظر، فاصله دقیق این حدود را تا دیوار مسجد الحرام نیز محاسبه کرده‌اند و به ذراع، بیان نموده‌اند که مقداری با اندازه‌های یاد شده، متفاوت است، به طور مثال، فاسی در بیان محدوده حرم از جهت طائف از راه عرفه می‌گوید:

از دیوار بنی شیبیه [در مسجد الحرام] تا عَلَمین - که نشانه حد حرم هستند - از طرف عرفه، سی و هفت هزار و هفده ذراع کوچک (فاصله سر انگشت تا آرنج) است. (۱) شناخت و تعیین حدود حرم، بسیار مهم و در احکام فراوانی دخیل است و به علت وجود انصابی که از هر طرف به عنوان علامت بنا شده‌اند، تشخیص آن، در عمل، آسان است. این انصاب، در همه سو، بجز سمت جدّه و جعرانه، به دست حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و به راهنمایی جبرئیل علیه السلام نصب گشته‌اند (۲) و در طول تاریخ، بارها تجدید بنا شده‌اند و از جمله تجدید کنندگان بنای آنها، می‌توان به اسماعیل علیه السلام و قُصَی بن کلاب و پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرد. بعدها نیز خلفا، مکرراً آنها را تجدید کرده‌اند (۳).

تحقیقات معاصر نشان می‌دهند که این علائم (انصاب)، هنوز پا بر جا هستند و البته انصاب یا علائم شش گانه، تنها محدوده حرم را در راه‌های ورودی آن، تعیین و تحدید می‌کنند و انصاب و حدود همه حرم، بسیار بیشتر است (۴).

۱- شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۵۹.

۲- اخبار مکه، فاکهی: ج ۵ ص ۲۵۵، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۵۵، جواهر الکلام: ج ۷ ص ۳۹۶، المفصل فی تاریخ العرب: ج ۶ ص ۴۴۱.

۳- اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۱۲۹، اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۲۷۳، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۵۵، الکافی: ج ۴ ص ۲۱۱ ح ۱۸.

۴- الحرم المکی الشریف والأعلام المحیطة به: ص ۷۱ و ۸۷.

ص: ۴۴

۵ / ۱

آداب ورود به مکه

اشاره

آداب ورود به مکه (۱)

حرم

الف - احرام

۷۹. امام باقر علیه السلام - در پاسخ محمد بن مسلم که پرسید: آیا کسی می‌تواند بدون احرام، وارد مکه شود؟ - نه، مگر بیمار، یا کسی که اسهال (۲) دارد. (۳) ۸۰. امام صادق علیه السلام: خداوند، مسجد الحرام را به خاطر کعبه، حرام قرار داد و حرم را به خاطر مسجد الحرام، حرام کرد و احرام را به خاطر حرم، واجب نمود. (۴) ۸۱. امام کاظم علیه السلام: هر کس از مکه به اندازه ده میل فاصله دارد، جز با احرام، وارد آن نشود. (۵)

ب - غسل

۸۲. سنن الترمذی - به نقل از ابن عمر - پیامبر صلی الله علیه و آله برای ورود به مکه، در «فَخ» غسل کرد. (۶) ۸۳. الکافی - به نقل از حلبی - امام صادق علیه السلام به ما دستور داد پیش از آن که داخل مکه شویم، در فَخ غسل کنیم. (۷)

۱- مقصود از آداب در این جا اعم از آداب واجب و مستحب است.

۲- در متن حدیث، «مَنْ بِهِ بَطْن» آمده است که به معنای کسی است که درد دل، اسهال، ناراحتی شکم ... دارد.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۷۹ ح ۲۷۵۳، الاستبصار: ج ۲ ص ۲۴۵ ح ۲ هر دو به نقل از محمد بن مسلم و ح ۱ از عاصم بن حمید از امام صادق علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، الاصول الستة عشر: ص ۳۱ به نقل از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام، مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۱۹۱ ح ۱۰۶۴۶.

۴- المحاسن: ج ۲ ص ۵۵ ح ۱۱۶۲، علل الشرائع: ص ۴۱۵ ح ۱ تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۲۱۲۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۹۹ ص ۴۳ ح ۲۸.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۳۲۵ ح ۱۱ به نقل از وردان، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۶۸ ح ۱۶۶۳۱.

۶- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۰۸ ح ۸۵۲، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۲۵، تهذیب الکیمال: ج ۳۰ ص ۹۵ ش ۶۵۱۷، اخبار مکه، فاکهی: ج ۴ ص ۲۱۷ ح ۲۵۲۹ همگی به نقل از ابن عمر.

۷- الکیافی: ج ۴ ص ۴۰۰ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۹ ح ۳۲۳، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۱۸ ح ۱۷۵۶۴.

ص: ۴۵

۸۴. امام صادق علیه السلام: هر گاه به حرم رسیدی- إن شاء الله- هنگام ورود، غسل کن و اگر جلوتر رفتی، در بئر میمون، یا فح، یا در منزل خود در مکه غسل کن. (۱) ۸۵. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که حج بگزارد و اسماعیل را هم همراه خود، حج دهد و او را ساکن حرم سازد. هر دو به آهنگ حرم، بر شتری سرخ سوار شدند، در حالی که جز جبرئیل همراهشان نبود.

چون به حرم رسیدند، جبرئیل به او گفت: ای ابراهیم! فرود آید و پیش از آن که وارد حرم شوید، غسل کنید.

آن دو، فرود آمدند و غسل کردند. (۲) ۸۶. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل در کتابش می‌فرماید: (طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّلَالِ فَيَنْ وَالْعَكْفَيْنِ وَالزُّكَّعِ السُّجُودِ؛ (۳)

خانه‌ام را برای طواف کنندگان و پرستشگران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک کنید). پس شایسته است که بنده جز با پاکی، وارد مکه نشود: عرق خود را بشوید و آلودگی را بزداید و غسل کند. (۴)

ج- توابع و خشوع

۸۷. الکافی- به نقل از معاویه بن عمّار-: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس با آرامش وارد مکه شود، آمرزیده می‌شود». پرسیدم: چگونه با آرامش، وارد آن شود؟

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۰ ح ۴، تهذیب الاحکام: ج ۵ ص ۹۷ ح ۳۱۹ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۳۶ ح ۱۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۲ ح ۳، علل الشرائع: ص ۵۸۶ ح ۳۲ هر دو به نقل از کلثوم بن عبد المؤمن حرّانی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۴ ح ۶.

۳- بقره: آیه ۱۲۵.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۰ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۸ ح ۳۲۲ هر دو به نقل از محمّد حلبی و ص ۲۵۱ ح ۸۵۲ به نقل از عمران حلبی، علل الشرائع: ص ۴۱۱ ح ۱ به نقل از عبید الله بن علی حلبی، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۵۹ ح ۹۵ به نقل از حلبی و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۶۹ ح ۳.

ص: ۴۶

فرمود: «بدون حالت تکبر و غرور وارد شود». (۱) ۸۸. الکافی - به نقل از اسحاق بن عمار: امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ کس با آرامش وارد مکه نمی‌شود، مگر آن که آمرزیده می‌شود».

گفتم: آرامش چیست؟

فرمود: «این که تواضع کند». (۲) ۸۹. الکافی - به نقل از ابان بن تغلب: با امام صادق علیه السلام در راه مکه و مدینه هم‌سفر بودم. چون به حرم رسید، فرود آمد و غسل کرد و کفش‌هایش را در دستان خود گرفت.

سپس پابرنه به حرم وارد شد. من نیز مانند او کردم. فرمود: «ای ابان! هر که از روی تواضع در برابر خدا، آن‌گونه عمل کند که من کردم، خداوند صد هزار گناه را از او محو می‌کند، صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد هزار درجه برای او بنا می‌نهد و صد هزار حاجت او را بر می‌آورد». (۳) ۹۰. امام صادق علیه السلام: بنگرید هر گاه یکی از شما به وادی مکه سرازیر شد، جامه‌های پوسیده و کهنه خویش را بپوشید؛ چرا که هیچ کس نیست که به وادی مکه فرود آید و در دلش هیچ کبری نباشد، مگر آن که آمرزیده می‌شود. (۴)

د- ورود از بالای شهر

۹۱. صحیح مسلم - به نقل از عایشه: پیامبر صلی الله علیه و آله چون به مکه آمد، از بالای آن وارد شد

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۹، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۲۱۵۰ تقریباً با همان الفاظ، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۳ ح ۱۹۲ به نقل از ابو حمزه، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۰ ح ۱۷۵۷۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۱۰، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۰ ح ۱۷۵۷۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۹۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۷ ح ۳۱۷، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۳ ح ۱۹۳ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۵۴ ح ۹۱.

۴- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۳ ح ۱۹۴، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۲۴۸ ح ۷۳۷ هر دو به نقل از هشام بن سالم، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۲ ح ۴.

ص: ۴۷

و از پایین آن خارج گشت. (۱) ۹۲. امام صادق علیه السلام - در توصیف حج پیامبر خدا: - پیامبر صلی الله علیه و آله از بالای مکه از عقبه (گردنه). مدنی‌ها وارد شد و از پایین مکه از ذی طوی، بیرون شد. (۲) ۹۳. الکافی - به نقل از یونس بن یعقوب: - به امام صادق علیه السلام گفتم: از کجا وارد مکه شوم، در حالی که از مدینه آمده باشم؟ فرمود: «از بالای مکه وارد شو و هر گاه به قصد مدینه خارج شوی، از پایین مکه بیرون شو». (۳) ر. ک: عنوان زیرین (خروج از پایین شهر).

۶ / ۱

آداب خروج از مکه

الف - صدقه دادن

۹۴. امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی از مکه بیرون شوی، یک درهم خرما بخر و آن را مشت مشت، صدقه بده. این کفاره گناهان تو در احرام و مدت اقامت در مکه خواهد بود. (۴)

ب - خروج از پایین شهر

۹۵. صحیح مسلم - به نقل از ابن عمر: - پیامبر خدا از راه مسجد شجره از مدینه

۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۱۸ ح ۲۲۴، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۰۹ ح ۸۵۳، السنن الکبری، نسایی: ج ۲ ص ۴۷۶ ح ۴۲۴۱، صحیح ابن خزیمه: ج ۲ ص ۷۸ ح ۹۵۹، کنز العمال: ج ۱۰ ص ۵۱۵ ح ۳۰۱۷۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۸ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۷ ح ۱۵۸۸ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، مستطرفات السرائر: ص ۸۰ ح ۱۲ به نقل از ابن محبوب تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۲۹۳ ح ۱۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۸ ح ۳۲۱، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۱۷ ح ۱۷۵۶۲.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۳ ح ۲ به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۳۵ ح ۱۹۲۲۹.

ص: ۴۸

بیرون می‌رفت و از راه مُعَرَّس (۱) وارد می‌شد، و هر گاه وارد مکه می‌شد، از بلندیِ بالا (شمال). وارد می‌شد و از بلندیِ پایین، خارج می‌گشت. (۲) ر. ک: ص ۴۶ (خروج از بالای شهر).

۱- معرّس، جایی است که آخر شب، افراد برای استراحت، فرود می‌آیند. ذی الحلیفه، بدین جهت به این نام (معرّس). نامیده شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جا فرود آمد، نماز صبح را در آن جا خواند و سپس حرکت کرد.

۲- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۱۸ ح ۲۲۳، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۷۴ ح ۱۸۶۷ و ۱۸۶۶، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۲۶۳ ح ۴۸۴۳ و ص ۵۱۳ ح ۶۲۹۲.

ص: ۴۹

فصل دوم: مسجد الحرام

اشاره

فصل دوم: مسجد الحرام (۱)

۱ / ۲

فضیلت مسجد الحرام

۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محترم‌ترین، محبوب‌ترین و گرامی‌ترین مساجد نزد خداوند متعال، مسجد الحرام است. (۲) ۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری مسجد الحرام بر مسجد من، همچون برتری مسجد من بر مساجد دیگر است. (۳) ۹۸. صحیح البخاری - به نقل از ابو ذر - به پیامبر خدا گفتم: کدام مسجد، اول، بنا نهاده شده است؟

فرمود: «مسجد الحرام».

گفتم: سپس کدام؟

فرمود: «مسجد الأقصى».

گفتم: فاصله میان این دو، چه مقدار بود؟

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۳).

۲- المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۳۱ ح ۸۴۹۰، المعجم الکبیر: ج ۳ ص ۱۷۴ ح ۳۰۳۵، مسند الطیالسی: ص ۱۴۴ ح ۱۰۶۹ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از ابو سریحه، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۶۲۴ ح ۳۹۷۳۹.

۳- أخبار مکّه، ازرقی: ج ۲ ص ۶۴ به نقل از عمرو بن شعیب.

ص: ۵۰

فرمود: «چهل سال» و سپس فرمود: «هر کجا که نماز، تو را دریافت (وقت آن رسید)، نماز بخوان، که زمین برای تو مسجد است». (۱) ۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بار نمی‌بندند مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الأقصى. (۲) ۱۰۰. امام علی علیه السلام: چهار مکان‌اند که از قصرهای بهشتی در دنیایند: مسجد الحرام، مسجد پیامبر، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه. (۳) ۲/۲

محدوده مسجد الحرام

(۴) ۱۰۱. امام صادق علیه السلام: ابراهیم علیه السلام در مکه بین خزوره (۵) تا مسغا را خط کشید و این، همان خطی بود که ابراهیم علیه السلام رسم کرد، یعنی مسجد. (۶) ۱۰۲. تهذیب الأحکام- به نقل از حسین بن نعیم: از امام صادق علیه السلام در باره نماز در محدوده‌ای که به مسجد الحرام افزوده‌اند، پرسیدم. فرمود: «ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام محدوده مسجد را بین صفا و مروه معین کردند. مردم هم از مسجد تا صفا حج می‌کردند. (۷)

۱- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۲۶۰ ح ۳۲۴۳، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۳۷۰ ح ۱، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۲۴۸ ح ۷۵۳ تقریباً با همان الفاظ، سنن النسائی: ج ۲ ص ۳۲، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۹ ح ۳۴۶۵۴.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۵۹ ح ۱۷۶۵، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۷۶ ح ۴۱۵، سنن الترمذی: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۳۲۶ همگی به نقل از ابو سعید خدری، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۰۳۳، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱۴۰۹ هر دو به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۶ ص ۷۲۵ ح ۱۱۵۸۹.

۳- الأمالی، طوسی: ص ۳۶۹ ح ۷۸۸ به نقل از علی بن علی بن رزین از امام رضا علیه السلام از پدراناش علیهم السلام از نزال بن سبره، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۰ ح ۴.

۴- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۴).

۵- نام محلی در مکه نزدیک باب الحنّاطین.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱۲ و ص ۵۲۷ ح ۱۰، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۴ ح ۱۵۸۵ هر دو به نقل از عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۰۴ ح ۱۵.

۷- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۳ ح ۱۵۸۴، الکافی: ج ۴ ص ۲۰۹ ح ۱۱ به نقل از حسن بن نعمان، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۰۴ ح ۱۴.

ص: ۵۱

۱۰۳. تفسیر العیاشی - به نقل از عبد الصمد بن سعد - منصور دوانقی [، خلیفه عباسی]، خواست که خانه‌های اهل مکه را بخرد و به مسجد الحرام بیفزاید؛ ولی نفروختند.

وی آنان را تشویق کرد؛ ولی آنان امتناع کردند.

او از این مسئله دل‌تنگ شد. نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: من از اینان، بخشی از خانه‌ها و آستانه‌هایشان را خواستم تا به مسجد بیفزایم؛ ولی ندادند. این مرا به شدت اندوهگین ساخت.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا این تو را غمگین می‌سازد، در حالی که حجت (دلیل). تو بر آنان در این مسئله آشکار است؟».

گفت: چگونه بر آنان استدلال آورم؟

فرمود: «به وسیله کتاب خدا».

گفت: با کجای قرآن؟

فرمود: «این سخن خدا: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَكَّةَ). خداوند [در این آیه] خیر داده است که: همانا اولین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد، همان خانه‌ای است که در مکه است. اگر آنان پیش از کعبه در آن جا ولایت (مالکیت) داشته‌اند، آستانه‌ها از آن آنان است؛ اما اگر خانه خدا پیش از آنان بوده است، آستانه کعبه، متعلق به آن است».

منصور، آنان را فرا خواند و با این آیه بر آنان احتجاج کرد. به او گفتند: آنچه دوست داری، انجام بده. (۱) ۱۰۴. تفسیر العیاشی - به

نقل از حسن بن علی بن نعمان - مهدی عباسی، چون مسجد الحرام را توسعه داد، خانه‌ای در گوشه مسجد ماند. از صاحبان آن خواست؛ ولی ندادند. در این باره از فقیهان پرسید. همه گفتند: سزاوار نیست چیزی را به غضب، جزء مسجد

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۵ ح ۸۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۳ ح ۴۱.

ص: ۵۲

الحرام کنند.

علی بن یقظین به او گفت: اگر در این مسئله برای موسی بن جعفر علیه السلام بنویسی، او در این باره راه حلّ درست را خواهد گفت.

[مهدی عبّاسی] به والی مدینه نوشت که از موسی بن جعفر بپرسد که: در باره خانه‌ای که می‌خواهیم داخل در مسجد الحرام کنیم، ولی صاحب آن نمی‌دهد، راه چاره چیست؟
والی، مسئله را به موسی بن جعفر گفت.
امام علیه السلام فرمود: «آیا حتماً باید جواب داد؟».
گفت: آری؛ چاره‌ای نیست.

فرمود: «بنویس "بسم الله الرحمن الرحيم. اگر کعبه بر مردم وارد شده است، مردم به آستانه خانه‌های خود سزاوارترند و اگر مردم بر آستانه کعبه فرود آمده‌اند، کعبه به آستانه خود، سزاوارتر است».
نامه به دست مهدی عبّاسی رسید وی نامه را گرفت و بوسید و سپس دستور به تخریب آن خانه داد. صاحبان آن خانه، خدمت امام کاظم علیه السلام رسیدند و از او خواستند نامه‌ای به مهدی عبّاسی بنویسد که قیمت خانه‌هاشان را بپردازد.
امام علیه السلام به او نوشت: «چیزی به آنان بپرداز». او هم ایشان را راضی ساخت. (۱)

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۵ ح ۹۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۴ ح ۴۲.

توضیحی درباره حدود مسجد الحرام

توضیحی درباره حدود مسجد الحرام (۱)

ابراهیم علیه السلام حدود مسجد الحرام را تعیین کرد؛ (۲) ولی این حدود، در دوران جاهلیت فراموش شد و مکیان به تدریج، در حرم و درون مسجد، به خانه سازی پرداختند. (۳) با قدرت گرفتن اسلام و افزایش جمعیت مسلمانان، توسعه مسجد و بازگرداندن به حدود اولیه آن، ضروری نمود. نخستین توسعه، به دست پیامبر خدا انجام گرفت (۴) و سپس عمر در سال هفده هجری (۵) و عثمان در سال ۲۶ هجری (۶) توسعه‌های بعدی را انجام دادند. عبد الله بن زبیر در سال ۶۵ هجری و هنگام تجدید بنای کعبه، صحن مسجد را از شمال و جنوب، گسترش داد و لید بن عبد الملک اموی نیز در سال ۹۱ هجری. از جنوب، آن را به ناحیه «صفا» و «باب بنی مخزوم» رساند و در شمال، میان «حجر اسماعیل» و «دار الندوه» تا «دار شیبیه بن عثمان» را توسعه داد. (۷) در دوران خلافت عباسی، ابتدا منصور در سال ۱۳۷ هجری شمال و غرب مسجد را توسعه داد و آن را تا «باب بنی سهم» (۸) رساند و سپس مهدی عباسی نخست در سال ۱۶۱ همه

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۴).

۲- ر. ک: ص ۵۰ ح ۱۰۱.

۳- تاریخ یعقوبی: ج ۱ ص ۲۳۹، الطبقات الکبری: ج ۱ ص ۷۰.

۴- ربیع الابرار: ج ۱ ص ۳۶۵.

۵- اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۱۵۷، اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۶۹.

۶- اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۱۵۸، اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۶۹.

۷- اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۱۵۹، اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۷۰.

۸- اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۱۶۲، اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۷۲.

ص: ۵۴

خانه‌های باقی مانده میان مسجد الحرام و «مَسعی» را خراب کرد و حدّ مسجد را «مَسعی» قرار داد و سپس در سال ۱۶۷، مسجد را از هر سو به اندازه‌ای توسعه داد که کعبه در وسط مسجد قرار گرفت و مسجد الحرام را از جهت شرق و غرب به حدّ اولیه خود رساند؛ (۱) زیرا ابراهیم علیه السلام حدّ شرقی مسجد را «مَسعی» و حدّ غربی را «حزوره» قرار داده بود و حزوره همان بازار «حَنَاطین» می‌باشد که حدّ غربی توسعه مسجد در روزگار مهدی عباسی است.

بر این اساس و همان‌گونه که از جواب امام صادق علیه السلام در دو روایت اول همین فصل فهمیده می‌شود، مسافت‌های اضافه شده، حکم مسجد الحرام را دارند؛ بلکه بخشی از آن هستند و غیر مسجد، محسوب نمی‌شوند. افزون بر این، امام کاظم علیه السلام نیز همچون امام صادق علیه السلام این محدوده را از آغاز، جزو مسجد الحرام و ساختن منازل توسط مکّیان را غضب محدوده مسجد می‌داند و این موضوع، از احادیث آخر همین فصل، استفاده می‌شود. (۲) مسجد الحرام

بعد از توسعه روزگار عباسیان- که آخرین آنها در زمان المقتدر بالله است-، دو توسعه صورت گرفته در روزگار حکومت آل سعود بر عربستان در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۴۰۹ هجری قمری، مساحت مسجد الحرام را چند برابر کرده و از حدّ اولیه گذرانده است. لذا برخی از فقیهان، نسبت به جریان داشتن احکام ویژه مسجد الحرام بر مکان‌های اضافه شده اخیر، احتیاط می‌کنند ولی برخی دیگر، این احتیاط را مستحب می‌دانند؛ زیرا معتقدند همین که مردم، آنها را جزو مسجد الحرام بدانند و در عرف، نام مسجد بر آنها بنهند، کافی است تا احکام آن، جریان یابد. (۳)

۱- اخبار مکه، فاکهی: ج ۲ ص ۱۶۵-۱۷۴، اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۷۴-۸۱.

۲- ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۲۱۷ ح ۵ و ۱۷۵۹۴.

۳- العروة الوثقی: ج ۱ ص ۷۶۸ (احکام صلاة المسافر، الفصل ۶۹، المسألة ۱۱).

ص: ۵۵

۳/۲

آداب ورود به مسجد الحرام

۱۰۵. امام باقر علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام به مکه وارد می‌شد، پیش از آن که طواف کند، ابتدا به محل فرود آمدن خویش می‌پرداخت. (۱) ۱۰۶. امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی که حج یا عمره گزار است، وارد مکه می‌شود، ابتدا وسایل خود را مستقر سازد و سپس آهنگ مسجد الحرام کند. (۲) ۱۰۷. تهذیب الأحکام- به نقل از عمران حلبی: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا هر گاه زنان به خانه خدا می‌روند، غسل کنند؟

فرمود: «آری. خداوند می‌فرماید: (طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّلَالِ فَيَنْ وَالْعَكْفَيْنِ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ (۳)

خانه‌ام را برای طواف کنندگان، عبادت کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک سازید). سزاوار است که بنده، جز با طهارت، وارد خانه خدا نشود و عرق و آلودگی‌ها را شسته و پاک شده باشد». (۴) ۱۰۸. السنن الکبری- به نقل از عطاء: -مُحْرِم، از هر جا که خواست، وارد شود. پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی شیبیه وارد شد و از در بنی مخزوم به سمت صفا خارج گشت. (۵) ۱۰۹. امام صادق علیه السلام- در شرح مَأَزَمِينَ (نام محلی میان عرفات و مشعر که دره‌ای میان دو کوه است): - آن جا محلی است که بت‌ها در آن پرستیده شده‌اند و سنگی که بت «هَبِل» را از آن تراشیدند، از آن جا آورده شد؛ بتی که علی علیه السلام وقتی بر دوش پیامبر صلی الله علیه و آله بالا رفت، آن را از بام کعبه بر زمین افکند و به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله، آن را کنار در بنی شیبیه دفن کردند. از آن رو، ورود از در بنی شیبیه به مسجد الحرام، سنت گشت. (۶)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۲ به نقل از طلحة بن زید، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۱۹ ح ۱۷۵۶۶.

۲- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۱۱، مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۳۱۹ ح ۱۱۰۰۲.

۳- بقره: آیه ۱۲۵.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۸۵۲، علل الشرائع: ص ۴۱۱ ح ۱ به نقل از عبید الله بن علی حلبی، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۵۹ ح ۹۵ به نقل از حلبی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۶۹ ح ۳.

۵- السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۱۷ ذیل حدیث ۹۲۰۹.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۸ ح ۲۲۹۲، علل الشرائع: ص ۴۵۰ ح ۱ هر دو به نقل از سلیمان بن مهران، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۰ ح ۲۲.

ص: ۵۶

۱۱۰. كشف الغمّة - به نقل از افلح، غلام امام باقر علیه السلام: - با امام باقر علیه السلام برای حج بیرون شدیم.

چون وارد مسجد الحرام شد، صدایش به گریه بلند شد. گفتم: پدر و مادرم فدایت! مردم نگاهت می‌کنند. کمی آهسته‌تر! فرمود: «وای بر تو، ای افلح! چرا نگریم؟ شاید خدای متعال با نظر رحمت، به من بنگرد و با این نگاه، فردا نزد او رستگار شوم» و سپس طواف کرد. آن گاه نزد مقام آمد و رکوع کرد و چون سر از سجده برداشت، آن قدر اشک ریخته بود که سجده گاهش خیس شده بود. (۱) ۱۱۱. امام باقر علیه السلام: هر گاه وارد مسجد الحرام شدی و رو به روی حجر الأسود قرار گرفتی، بگو: «گواهی می‌دهم که جز خداوند یکتا، معبودی نیست و شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. به خدا ایمان آورده و به طاغوت و لات و عزّی و پرستش شیطان و عبادت هر که جز خدا خوانده شود، کفر ورزیده‌ام».

سپس نزدیک حجر الأسود برو و دست راستت بر آن بکش و بگو: «به نام خدا، و خدا بزرگ‌تر است. خدایا! این امانت من است که ادا کردم و این پیمان من است که وفا نمودم، تا نزد تو گواهی دهد که به پیمان، وفادارم». (۲) ۱۱۲. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار: - امام صادق علیه السلام فرمود: «هر گاه وارد مسجد الحرام شدی، پابرنه و با آرامش و وقار و خشوع وارد شو» و فرمود: «هر کس با خشوع وارد آن شود، خداوند اگر بخواهد، او را می‌آمرزد».

گفتم: خشوع چیست؟

فرمود: «آرامش قلب. با تکبر، وارد آن مشو. هر گاه به در مسجد رسیدی، بایست و بگو: "سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و آنچه خداوند بخواهد. سلام بر پیامبران و فرستادگان خداوند! سلام بر فرستاده

۱- كشف الغمّة: ج ۲ ص ۳۲۹، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۲۹۰ ح ۱۴؛ مطالب السؤل: ص ۸۰، تاریخ دمشق: ج ۵۴ ص ۲۸۰ هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۳ ح ۳، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۰۱ ح ۱۷۸۳۱.

ص: ۵۷

خدا! سلام بر ابراهیم و ستایش، برای خداوند، پروردگار جهانیان."!

و چون وارد مسجد شدی، دستانت را بالا-بگیر و رو به کعبه کن و بگو: "پروردگارا! در این جایگاه و در آغاز مناسکم، از تو می‌خواهم که توبه‌ام را بپذیری و از خطایم در گذری و بار گناهم را فرو ریزی. ستایش، خدایی را که مرا به خانه خویش رساند. خدایا! گواهی می‌دهم که این، خانه حرام توست و آن را محلّ تجمّع مردم و ایمن و خجسته و هدایتگر جهانیان قرار داده‌ای. خدایا! من بنده توام، شهر، شهر توست و خانه، خانه توست. آمده‌ام و رحمت تو را می‌طلبم و طاعت تو را قصد می‌کنم. مطیع فرمان تو و راضی به تقدیر توام. از تو خواهانم، خواسته کسی که به تو نیازمند و از کیفیت هراسان است.

خدایا! درهای رحمت را به رویم بگشای و مرا در طاعت و آنچه موجب رضای توست، به کار گیر." (۱) ۱۱۳. امام صادق علیه السلام: در حالی که بر در مسجد می‌ایستی، می‌گویی: «به نام خدا و به یاری خدا و از خدا و آنچه خدا بخواهد و بر آیین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بهترین نام‌ها از آن خدا و ستایش، برای خداست.

سلام بر فرستاده خدا! سلام بر محمد بن عبد الله! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر!

سلام بر پیامبران و فرستادگان خدا! سلام بر ابراهیم، دوست خداوند! سلام بر فرستادگان! و ستایش، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا! خدایا! بر محمد و دودمان محمد، صلوات فرست و بر محمد و دودمان محمد، مبارک گردان و بر محمد و دودمان محمد، رحمت آور، آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، صلوات و برکت و رحمت فرستادی. همانا تو پسندیده و شکوهمندی.

خدایا! بر محمد، بنده و فرستاده‌ات، و دودمان محمد، و بر ابراهیم، دوست، و

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۱ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۳۲۷، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۱ ح ۱۷۵۷۴.

ص: ۵۸

بر پیامبران و فرستادگان، صلوات فرست. سلام بر فرستادگان باد! و ستایش، از آن خدا، پروردگار جهانیان است. خدایا! درهای رحمت را بر من بگشای و مرا در راه طاعت و رضای خویش، به کار گیر و تا مرا زنده می‌داری، پیوسته در پناه ایمان، نگهدارم باش. ستایش ذات تو، شکوهمند است.

ستایش، خدایی را که مرا از مهمانان و زائران خود، قرار داد و مرا از آنانی قرار داد که مساجد او را آباد می‌کنند و مرا از کسانی قرار داد که با او مناجات می‌کنند.

خدایا! من، بنده تو و زائر تو در خانه تو ام و برای هر زائری، بر عهده زیارت شده، حقی است و تو بهترین و گرامی‌ترین کسی هستی که به زیارت می‌آیند، پس - ای خدا، ای بخشنده - از تو می‌خواهم، که خدای یکتا و بی‌شریکی و یگانه و بی‌نیازی، و نه زاده‌ای و نه زاده شده‌ای و همتایی نداری و محمد - که درود تو بر او و خاندانش باد - بنده و فرستاده توست، ای بخشنده، ای بزرگوار، ای شکوهمند، ای قدرتمند و ای باکرامت!

از تو می‌خواهم که نخستین هدیه‌ات را برای این زیارت من، آزادی‌ام از دوزخ قرار دهی (سه بار می‌گویی).

خدایا! مرا از آتش برهان، با روزی حلال و پاکیزه‌ات بر من گشایش عطا کن و شرّ شیاطین انس و جن و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور گردان. (۱) ۱۱۴. کشف الغمّة - به نقل از نصر بن کثیر - من و سفیان، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم. گفتم: به بیت الله الحرام می‌روم. مرا دعایی بیاموز.

فرمود: «هر گاه به حرم رسیدی، دست خود را بر دیوار بگذار و بگو: "ای سبقت گیرنده بر فوت! ای شنوای صوت! ای آن که پس از مرگ، استخوان را با گوشت می‌پوشانی!» و آن گاه هر چه خواستی، دعا کن». (۲)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۲ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۳۲۸ هر دو به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۲ ح ۱۷۵۷۵.

۲- کشف الغمّة: ج ۲ ص ۳۹۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۷ ح ۱۲؛ حلیه الأولیاء: ج ۳ ص ۱۹۶، تهذیب الکمال: ج ۵ ص ۹۲ ش ۹۵۰، تاریخ دمشق: ج ۵۲ ص ۱۹۹ همگی تقریباً با همان الفاظ.

ص: ۵۹

۱۱۵. امام صادق علیه السلام: چون وارد مسجد الحرام شدی، راه برو تا نزدیک حجر الأسود برسی.

پس رو به آن کن و بگو: «ستایش، خدایی را که به این نعمت، ره‌نمایمان شد و اگر هدایت خدا نبود، راه نمی‌یافتیم. خداوند، منزّه است و ستایش، برای اوست و جز او، خدایی نیست و خدا بزرگ‌تر است. خداوند از آفریدگانش بزرگ‌تر است و بزرگ‌تر از هر کسی است که از او ترسان و گریزانم. جز خدا هیچ معبودی نیست و یکتا و بی‌شریک است. پادشاهی و ستایش، از آن اوست، زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و حیات می‌بخشد و او بر هر چیز، تواناست».

و [آن گاه] بر پیامبر و دودمان او، درود می‌فرستی و بر پیامبران سلام می‌دهی، همان گونه که هنگام ورود به مسجد انجام دادی. سپس می‌گویی: «پروردگارا! به وعده‌ات باور دارم و به پیمانت وفادارم». (۱) ۴/۲

فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام

۱۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری مسجد الحرام بر این مسجد من، صد نماز است. (۲) ۱۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک نماز در مسجد من، برتر از هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام. و یک نماز در مسجد الحرام، از صد هزار نماز در مساجد دیگر، برتر است. (۳) ۱۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز است و یک نماز در

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۳ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۲ ح ۳۳۰ هر دو به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۴۰۱ ح ۱۷۸۳.

۲- أخبار مکّه، ازرقی: ج ۲ ص ۶۴ به نقل از ابو زبیر.

۳- سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۰ ح ۱۴۰۶، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۲۱۴ ح ۱۵۲۷۱ هر دو به نقل از جابر و ص ۴۵۲ ح ۱۶۱۱۷، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۱۸۵ ح ۵۲۱ هر دو به نقل از عبد الله بن زبیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۵ ح ۳۴۸۲۱.

ص: ۶۰

مسجد من، هزار نماز است و در بیت المقدّس، پانصد نماز است. (۱) ۱۱۹. امام باقر علیه السلام: یک نماز در مسجد الحرام، از صد هزار نماز در مساجد دیگر برتر است. (۲) ۱۲۰. امام باقر علیه السلام: هر کس در مسجد الحرام یک نماز واجب بخواند، خداوند همه نمازهایی را که از روز واجب شدن نماز بر او، خوانده است و همه نمازهایی را که تا زمان مرگ می‌خواند، از او قبول می‌کند. (۳) ۱۲۱. امام صادق علیه السلام: در این مسجد (مسجد الحرام)، نماز و دعا زیاد بخوانید. آگاه باشید که برای هر بنده، روزی‌ای است که به سوی او سوق داده می‌شود (۴). (۵) ۱۲۲. الکافی - به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: کسی نماز را در خانه‌اش در مکه به جماعت بخواند، افضل است، یا در مسجد الحرام به تنهایی بخواند؟ فرمود: «به تنهایی». (۶) ۱۲۳. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از موسی بن سلام: امام رضا علیه السلام عمره انجام داد. چون با کعبه وداع کرد و به در حنّاطین رسید که از آن جا خارج شود، در محوطه مسجد، پشت کعبه ایستاد. سپس دستانش را بلند کرد و دعا نمود. آن گاه به ما توجه کرد و فرمود: «چه جای خوبی است برای حاجت بردن به نزد او! نماز در آن، برتر از شصت سال نماز در جای دیگر است» و یا فرمود: «برتر از شصت ماه». (۷) ر. ک: ص ۳۵ (آنچه در مکه شایسته است / نماز گزاردن). و ص ۱۱۵ (بهترین جای مسجد الحرام).

۱- شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۶ ح ۴۱۴۴، تاریخ اصبهان: ج ۲ ص ۴۲ ش ۱۰۲۱ هر دو به نقل از جابر بن عبد الله، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۵ ح ۳۴۶۳۱.

۲- ثواب الأعمال: ص ۵۰ ح ۱ به نقل از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام و پدرانش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۱ ح ۵.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۲۸ ح ۶۸۱ به نقل از ابو حمزه ثمالی و ج ۲ ص ۲۰۹ ح ۲۱۷۱ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۱ ح ۷.

۴- مقصود، این است که در مکه به دنبال کسب و کار نباشید؛ چرا که روزی هر کسی، تضمین شده است.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۶ ح ۴ به نقل از کاهلی، وسائل الشیعة: ج ۳ ص ۵۳۷ ح ۶۵۲۵.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۷ ح ۱۱، وسائل الشیعة: ج ۳ ص ۵۱۱ ح ۶۴۴۰.

۷- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۷ ح ۴۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۰ ح ۱.

ص: ۶۱

فصل سوم: خانه خدا**اشاره**

فصل سوم: خانه خدا (۱)

۱ / ۳

نام‌های خانه خدا**الف - کعبه****قرآن**

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ؛ (۲))
 خداوند، کعبه بیت الحرام را برای استواری کار مردم، قرار داد.

حدیث

۱۲۴. علل الشرائع: روایت شده است که از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چرا کعبه را کعبه نامیده‌اند.
 فرمود: «از آن جهت که چهار گوش است».
 به ایشان گفته شد: برای چه چهار گوش است؟
 فرمود: «بدان جهت که در مقابل "بیت المعمور" است و آن هم چهار گوش است».
 به ایشان گفته شد: برای چه بیت المعمور، چهار گوش است؟
 فرمود: «چون در برابر عرش است و آن، چهار گوش است».

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۲- مائده: آیه ۹۷. نام «کعبه» در آیه ۹۵ از همین سوره نیز آمده است.

ص: ۶۲

به ایشان گفته شد: برای چه عرش، چهار گوش است؟

فرمود: «چون کلماتی که اسلام بر آنها استوار است، چهار تاست: سبحان الله، الحمد لله، لا اله الا الله و الله أكبر». (۱)

ب- بیت العتیق

قرآن

(ثُمَّ يُقْضُوا تَفْتَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ (۲)

سپس آلودگی‌ها را از خود بزدايند، به نذر خویش وفا کنند و برگرد بیت العتیق، طواف کنند).

(لَكُمْ فِيهَا مَنفَعٌ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ (۳)

برای شما در [حيوانات] قربانی، منافی است، تا سرآمدی معین. سپس جایگاه آنها، به سوی بیت العتیق است).

حدیث

۱۲۵. الکافی- به نقل از ابان بن عثمان، از کسی که به او خبر داد:- از امام باقر علیه السلام پرسیدم: چرا کعبه را بیت عتیق(خانه آزاد). نامیده‌اند؟

فرمود: «چون خانه‌ای است آزاد و رها شده از سلطه مردم و هیچ کس، مالک آن نیست». (۴) ۱۲۶. الکافی- به نقل از ابو حمزه ثمالی:- به امام باقر علیه السلام در مسجد الحرام گفتم: خداوند، چرا این خانه را عتیق نامید؟
فرمود: «هیچ خانه‌ای نیست که خدا بر روی زمین قرار داده باشد، مگر آن که صاحب و ساکنانی دارد که در آن، سکونت می‌گزینند، جز این خانه که جز خدای

۱- علل الشرائع: ص ۳۹۸ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۰ ح ۲۱۱۰، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۸۲ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۷ ح ۹.

۲- حج: آیه ۲۹.

۳- حج: آیه ۳۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۹ ح ۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۱۱۳ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، علل الشرائع: ص ۳۹۹ ح ۳، المحاسن: ج ۲ ص ۶۶ ح ۱۱۸۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۹ ح ۱۶.

ص: ۶۳

عزوجل، صاحبی ندارد و آزاد است». (۱) ۱۲۷. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل در ماجرای نوح، همه زمین را زیر آب برد، جز خانه خدا را. آن روز، این خانه، «عتیق» نام نهاده شد؛ چرا که آن روز از غرق شدن رها شد. (۲) ۱۲۸. امام صادق علیه السلام- آن گاه که از ایشان پرسیده شد: چرا کعبه، بیت العتیق نامیده شد؟- چون خداوند، آن را از توفان، آزاد کرد. (۳)

ج- بیت الحرام

قرآن

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ؛ (۴)

خداوند، کعبه بیت الحرام را برای استواری کار مردم، قرار داد.

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ (۵)

پروردگارا! من [بعضی] از ذریه خویش را در سرزمینی خشک، کنار خانه حرام تو قرار دادم- پروردگارا- تا نماز بر پای دارند. پس، دل‌های مردم را شیفته آنان ساز و از میوه‌ها روزی‌شان کن. باشد که سپاس‌گزاری کنند).

حدیث

۱۲۹. علل الشرائع- به نقل از حنان-: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا کعبه را «بیت الله الحرام» نامیده‌اند؟

فرمود: «چون بر مشرکان حرام است که وارد آن شوند». (۶)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۹ ح ۵، علل الشرائع: ص ۳۹۹ ح ۲ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۸ ح ۱۳.

۲- علل الشرائع: ص ۳۹۹ ح ۵، قصص الأنبياء: ص ۸۳ ح ۷۳ هر دو به نقل از ذریح بن یزید محاربی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۱۱۲، تفسیر القمی: ج ۱ ص ۳۲۸ به نقل از ابو بصیر تقریباً به همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۸ ح ۱۴.

۳- کشف الغمّة: ج ۲ ص ۴۱۵؛ الفصول المهمّة: ص ۲۲۵.

۴- مائده: آیه ۹۷.

۵- ابراهیم: آیه ۳۷.

۶- علل الشرائع: ص ۳۹۸ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۱۱۱، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۸۲ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۹ ح ۲۰.

ص: ۶۴

توضیحی در باره نام‌های کعبه

قرآن کریم، خانه خدا را هفده بار، در چهارده آیه، یاد کرده است: دو بار با واژه «الکعبه» (۱)، هفت بار با واژه «البيت» (۲)، یک بار با واژه «بيت» (۳)، دو بار با واژه «البيت الحرام» (۴)، دو بار با واژه «البيت العتیق» (۵)، یک بار با واژه «بيتك المحرم» (۶) و دو بار با واژه «بیتی» (۷).

گفتنی است که در قرآن، مسجد الحرام نیز پانزده بار با واژه «المسجد الحرام» (۸) و یک بار با واژه «المسجد» (۹) آمده است.

۲ / ۳

فضیلت کعبه

اشاره

فضیلت کعبه (۱۰)

الف - اولین خانه بنا شده برای مردم

قرآن

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَاكَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ؛ (۱۱))
یقیناً اولین خانه‌ای که برای مردم

۱- مائده: آیه ۹۵ و ۹۷.

۲- بقره: آیه ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۵۸، آل عمران: آیه ۹۷، انفال: آیه ۳۵، حج: آیه ۲۶، قریش: آیه ۳.

۳- آل عمران: آیه ۹۶.

۴- مائده: آیه ۲ و ۹۷.

۵- حج: آیه ۲۹ و ۳۳.

۶- ابراهیم: آیه ۳۷.

۷- بقره: آیه ۱۲۵، حج: آیه ۲۶.

۸- بقره: آیه ۱۴۴ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۹۱ و ۲۱۷، مائده: آیه ۲، انفال: آیه ۳۴، توبه: آیه ۷ و ۱۹ و ۲۸، اسراء: آیه ۱، حج: آیه ۲۵، فتح: آیه ۲۵ و ۲۷.

۹- اسراء: آیه ۷.

۱۰- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۱۱- آل عمران: آیه ۹۶.

ص: ۶۵

بنا شده، همان است که در مکه است، فرخنده و هدایتگر برای جهانیان).

(وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَ وَعَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّالِقِينَ وَ الْعَافِينَ وَ الرَّكْعِ السُّجُودِ؛ (۱))

و زمانی را [به یاد آر] که کعبه را محلّ گردآمدن مردم و ایمن قرار دادیم. و از جایگاه ایستادن ابراهیم (مقام ابراهیم). نمازخانه بگیرید. و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه‌ام را برای طواف کنندگان، عبادت کنندگان، رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاکیزه سازید).

حدیث

۱۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نخستین مسجدی که در زمین قرار داده شد، کعبه بود و سپس بیت المقدس، و میان این دو، پانصد سال فاصله بود. (۲) ۱۳۱. امام علی علیه السلام- در باره آیه: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا؛ یقیناً اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است، فرخنده)-: پیش از کعبه هم خانه‌ها بودند؛ ولی کعبه، اولین خانه‌ای بود که برای پرستش خداوند، قرار داده شد. (۳) ۱۳۲. المستدرک علی الصحیحین- به نقل از خالد بن عرعره-: مردی از علی علیه السلام در باره آیه: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا؛ یقیناً اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است، فرخنده). پرسید که: آیا کعبه، اولین خانه‌ای است که بر زمین بنا شد؟

فرمود: «نه؛ ولی اولین خانه‌ای است که برکت، هدایت و مقام ابراهیم در آن قرار داده شد و هر که وارد آن شود، ایمن است». (۴)

۱- بقره: آیه ۱۲۵.

۲- تاریخ أصبهان: ج ۱ ص ۲۱۳ ش ۳۱۲ به نقل از حارث از امام علی علیه السلام، السنن الکبری، نسایی: ج ۶ ص ۳۷۷ ح ۱۱۲۸۱، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۳۱ ح ۳۹۸۲، دلائل النبوة، بیهقی: ج ۲ ص ۴۳ و در سه منبع اخیر به نقل از ابوذر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۲ ح ۳۴۷۱۲.

۳- تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۶۴، تفسیر ابن ابی حاتم: ج ۲ ص ۴۰۲ ح ۹۶۲ هر دو به نقل از عامر شعبی، کنز العمال: ج ۲ ص ۳۷۸ ح ۴۲۹۷.

۴- المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۳۲۱ ح ۳۱۵۴، تاریخ الطبری: ج ۱ ص ۲۵۱، تفسیر الطبری: ج ۳ جزء ۴ ص ۷ و ج ۱ جزء ۱ ص ۵۵۱، تفسیر ابن کثیر: ج ۱ ص ۲۵۸ همگی تقریباً با همان الفاظ.

ص: ۶۶

۱۳۳. امام باقر علیه السلام- در باره آیه: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا؛ يَقِينًا أَوَّلِينَ خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است، فرخنده)-: کعبه، اولین بقعه‌ای است که از زمین، آفریده شد. سپس زمین از آن گسترش یافت. (۱)

ب- گرامی‌ترین خانه‌ها

۱۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرامی‌ترین خانه‌ها بر روی زمین، چهار خانه‌اند: کعبه، بیت المقدس، خانه‌ای که در آن قرآن بخوانند و مساجد. (۲) ۱۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- وقتی کعبه را طواف کرد و به رُکن یمانی رسید و پس از آن که سر را به سوی کعبه بلند کرد-: ستایش، خدایی را که تو را شرافت و عظمت بخشید و ستایش، خدایی را که مرا به پیامبری برانگیخت و علی را امام قرار داد. خدایا! بهترین بندگان را به سوی آن ره‌نمون باش و آن را از بندگان بد خویش، دور بدار. (۳) ۱۳۶. الکافی- به نقل از زراره-: امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، هیچ خانه‌ای را بر روی زمین، محبوب‌تر و گرامی‌تر از آن، نیافریده است» و به سوی کعبه اشاره نمود [و فرمود]: «از روزی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، در کتاب خویش، ماه‌های حرام را به خاطر حرمت آن، حرام ساخته است: سه ماه پیاپی برای حج (شَوَّال، ذی قعدة و ذی حِجَّة). و یک ماه جدا برای عمره که رجب است». (۴) ۱۳۷. امام صادق علیه السلام: این، خانه‌ای است که خداوند به سبب آن، بندگان را به عبادت فرا خوانده است تا طاعت آنان را در آمدن به سوی آن بیازماید. پس آنان را به گرامیداشت

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۲۲۹۶. نیز، ر. ک: تفسیر القمّی: ج ۱ ص ۶۰ و ص ۲۱۰ و مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۹۷ و التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۵۳۵.

۲- الاثنا عشریة فی المواعظ العددیة: ص ۱۵۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۰ ح ۱۹، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۷ ح ۳۴۶ هر دو به نقل از ابراهیم بن عیسی از پدرش از ابو الحسن علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۰ ح ۲۲۹۵، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۰۲ ح ۱۷۸۳۲.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۷ ح ۲۹۶۱، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۸۸ ح ۵۷ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۳۵۴ ح ۶.

ص: ۶۷

و زیارت آن برانگیخته و آن را جایگاه پیامبرانش و قبله گاه نماز گزاران ساخته است.

پس کعبه، شعبه‌ای از رضای او و راهی به سوی آمرزش خداوند است، بر راستای کمال نهاده شده و مجمع عظمت و شکوه است. خداوند، آن را دو هزار سال پیش از دَخْوُ الْأَرْضِ (۱) آفریده است. پس خدایی که پدید آورنده روح‌ها و صورت‌هاست، شایسته‌ترین کسی است که در امر و نهی، اطاعت شود. (۲) ۱۳۸. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل از هر چیزی، چیزی را برگزید و از زمین، جایگاه کعبه را. (۳) ۱۳۹. امام صادق علیه السلام- به نقل از پدرانش علیهم السلام، در وصف کعبه-: خانه خدا در روی زمین، حجت خدا بر بندگان اوست. (۴) ۳/۳

ورود به کعبه و خروج از آن

الف- مستحب بودن ورود

۱۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وارد کعبه می‌شود، در یک حسنه وارد می‌شود و از یک گناه، آمرزیده بیرون می‌آید. (۵) ۱۴۱. امام باقر علیه السلام: پدرم می‌فرمود: «کسی که وارد کعبه می‌شود، در حالی وارد می‌شود که

۱- روز گسترده شدن و سفت شدن زمین از زیر کعبه، روز ۲۵ ذی قعدة.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۸ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۰ ح ۲۳۲۵، التوحید: ص ۲۵۳ ح ۴ همگی به نقل از عیسی بن یونس، الإرشاد: ج ۲ ص ۲۰۰ به نقل از عباس از عمرو فقیهی، علل الشرائع: ص ۴۰۳ ح ۴ به نقل از فضل بن یونس، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۹ ح ۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۳ ح ۲۳۰۶، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۴۸ ح ۱۷۶۵۱.

۴- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۳۹ ح ۲۲ به نقل از جابر جعفی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۳ ح ۳۹.

۵- صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۳۳۳ ح ۳۰۱۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۵۸ ح ۹۷۲۵، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۱۶۰ ح ۱۱۴۹۰ کلها به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۷ ح ۳۴۶۴۲.

ص: ۶۸

خداوند از او راضی است و پاک از گناهان بیرون می‌آید». (۱) ۱۴۲. امام باقر علیه السلام- آن گاه که در باره ورود به کعبه از ایشان پرسیدند:- ورود به آن، ورود به رحمت خداست و بیرون آمدن از آن، خروج از گناهان است و در باقی مانده عمرش، از گناهان، مصون است و گناهان گذشته‌اش آمرزیده است. (۲) ۱۴۳. امام صادق علیه السلام- آن گاه که در باره ورود به کعبه از ایشان پرسیدند:- آری، اگر می‌توانی، چنان کن و اگر از ازدحام بیم داری، خود را به رنج می‌فکن. (۳) ۱۴۴. امام صادق علیه السلام: برای کسی که حجّ اولّ اوست، مستحب است که به مشعر الحرام گام بگذارد و وارد کعبه شود. (۴) ۱۴۵. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از سلیمان بن مهران:- به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا برای کسی که حجّ اولّ اوست، مستحب است وارد کعبه شود؛ ولی برای کسی که قبلاً حج گزارده، خیر؟

فرمود: «چون کسی که حجّ اولّش را می‌گذارد، حجّ واجب را ادا می‌کند و به حجّ خانه خدا فرا خوانده شده است. پس باید وارد خانه‌ای شود که به سوی آن، دعوت شده، تا در آن جا مورد اکرام قرار بگیرد». (۵)

ب- آداب ورود

۱۴۶. امام باقر علیه السلام: هر کس وارد این خانه شود، در حالی که به همه واجبات الهی آگاه باشد، در

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۷ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۵ ح ۹۴۳، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۶ ح ۲۰۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۶۹ ح ۶.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۷ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۵ ح ۹۴۴ هر دو به نقل از ابن قداح از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۲۱۴۹ به نقل از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۰ ح ۸.

۳- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۲۰ ح ۲۸.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۹ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹۱ ح ۶۳۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۶۶ ح ۲۹۸۳، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۱ ح ۱۷۷۳۴.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۸ ح ۲۲۹۲، علل الشرائع: ص ۴۵۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۰ ح ۲۲.

ص: ۶۹

آخرت از عذاب همیشگی، ایمن خواهد بود. (۱) ۱۴۷. امام صادق علیه السلام: برای کسی که حجّ اولش را می‌گزارد، واجب است که پیش از بازگشت از حج، وارد کعبه شود. پس هر گاه وارد شدی، با آرامش و وقار وارد شو. آن گاه به طرف هر یک از گوشه‌هایش برو و بگو: «خدایا! تو فرموده‌ای: (وَمَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ آمِنًا؛ و هر کس وارد آن شود، ایمن است). پس مرا از عذاب روز قیامت، ایمن بدار».

و بین دو ستونی که پشت سر هم‌اند، روی سنگ سرخ، نماز بخوان و اگر مردم زیاد بودند، هر جا که نماز خواندی، در همان جا رو به هر گوشه کن و خدا را بخوان و از او بخواه. (۲) ۱۴۸. امام صادق علیه السلام: هر کس با آرامش و بدون تکبر و نخوت، وارد کعبه شود، آمرزیده می‌شود. (۳) ۱۴۹. امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی وارد کعبه شوی، پیش از ورود، غسل کن و با کفش وارد نشو و هنگام ورود بگو: «خداوندا! تو فرموده‌ای: (وَمَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ آمِنًا؛ و هر کس وارد آن شود، ایمن است). پس مرا از عذاب آتش، ایمن بدار».

سپس بین دو ستون، بر روی سنگ سرخ، دو رکعت نماز بخوان: در رکعت اول، سوره حم سجده و در رکعت دوم، به تعداد آیه‌های آن از [هر جای] قرآن. و در گوشه‌های آن نماز می‌خوانی و می‌گویی: «خدایا! هر کس مهتیا و توشه‌گیر و فراهم‌آور و آماده دیدار مخلوقی شود تا از پذیرایی و جایزه و احسان و عطای او بهره‌مند شود، - ای سیرورم - مهتیا بودن و توشه‌گیری و فراهم‌آوری و آمادگی من، به امید پذیرایی و احسان و جایزه توست. پس امروز، امیدم را ناامید مکن، ای که

۱- عوالی اللالی: ج ۲ ص ۸۴ ح ۲۲۷، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۹۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۹ ح ۶، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۷ ح ۹۴۷ هر دو به نقل از سعید اعرج، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۷۴ ح ۱۷۷۴۴.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۲۱۵۰ و ص ۲۰۴ ح ۲۱۴۱ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۰ ح ۸.

ص: ۷۰

خواهنده تو محروم نمی‌شود و برخوردار تو، از تو نمی‌کاهد!

امروز، نه کار شایسته‌ای به محضرت آورده‌ام و نه به امید شفاعت کسی آمده‌ام؛ ولی در حالی آمده‌ام که بر ستم و بدی به خویشتن معترفم. نه حجتی دارم و نه بهانه‌ای. ای که این گونه‌ای، از تو می‌خواهم که خواسته‌ام را عطا کنی، لغزشم را ببخشایی و مرا رنجور و تهی دست و ناکام بر نگردانی، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ! برای خواسته‌ای بزرگ، به تو امید بسته‌ام. از تو می‌خواهم- ای بزرگ- که گناه بزرگ مرا ببخشایی. جز تو معبودی نیست».

و با کفش وارد کعبه نمی‌شوی، و آب دهان و بینی در آن نمی‌افکنی. و پیامبر خدا جز روز فتح مکه، وارد آن نشد. (۱) ۱۵۰. تهذیب الأحکام- به نقل از ذریح-: در کعبه، در حالی که امام صادق علیه السلام در سجده بود، شنیدم که چنین می‌گفت: « [خداوند!] خشم تو را جز بردباری‌ات بر نمی‌گرداند و جز رحمت تو پناه دهنده‌ای از عذابت نیست. نجوایی با تو نیست، جز تضرع به درگاهت. بر من گشایشی عطا کن- ای خدای من- با آن قدرتی که مردگان را با آن زنده می‌کنی و آبادی‌های مرده را حیات می‌بخشی و مرا- ای خدای من- از اندوه، نیران تا دعایم را اجابت کنی و اجابت را به من بشناسانی.

خدایا! تا فرصت پایانی‌ام، مرا عافیت، روزی کن و مرا مایه شماتت دشمن قرار مده و او را بر من مسلط نکن. اگر تو مرا فرو نهی، کیست که مرا رفعت بخشد؟ و اگر مرا بلند کنی، کیست که مرا پست کند؟ و اگر هلاکم کنی، کیست که در باره بنده‌ات چیزی با تو بگوید، یا از کارت پرسد؟ همانا دانسته‌ام- ای خدای من- که نه در حکم تو، ستم است و نه در انتقامت، شتاب. کسی در انتقام، شتاب می‌کند که بیم از دست رفتن داشته باشد و ناتوان است که نیازمند ستمگری است و تو- ای خدای من- از

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۸ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۶ ح ۹۴۵ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۳ ح ۱۷۷۳۹.

ص: ۷۱

این، پاک و والایی.

خدایا! مرا آماج بلا و هدف انتقامت قرار مده و مرا با خودم مهلت بده و از خطایم در گذر و دستم را ناامیدانه به گردنم باز مگردان و بیایی بر من بلا نفرست، که می‌بینی ضعیف و به درگاہت نالانم و از مردم هراسان و به تو همدمم.

امروز به تو پناه می‌آورم. پس پناهم ده. و از تو پناه می‌خواهم. پس پناهم ده. و در گرفتاری، از تو یاری می‌جویم. پس یاری‌ام کن. و از تو نصرت می‌خواهم. پس نصرتم ده. و بر تو تکیه می‌کنم. پس کفایتم کن. و از تو ایمنی می‌جویم. پس ایمنم ساز. و از تو هدایت می‌جویم. پس ره‌نمایی‌ام کن. و از تو رحمت می‌خواهم. پس رحمتم کن. و از آنچه می‌دانی، از تو آموزش می‌طلبم. پس مرا بیامرز. و از فضل گسترده‌ات روزی می‌طلبم. پس روزی‌ام ده. و هیچ نیرو و توانی، جز از خدای والای بزرگ نیست». (۱) ۱۵۱.

صحیح البخاری- به نقل از عبد الله بن عمر- پیامبر خدا، اسامه بن زید، بلال و عثمان بن طلحه حَجَبی وارد کعبه شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله در را بست و مدتی در کعبه ماند. وقتی بلال بیرون آمد، پرسیدم: پیامبر چه کرد؟

گفت: یک ستون را سمت راست خود و ستونی را سمت چپ خود و سه ستون را پشت سر خود قرار داد- کعبه آن روز شش ستون داشت- و سپس نماز خواند. (۲) ۱۵۲. سنن النسائی- به نقل از عطا-: اسامه بن زید همراه پیامبر خدا وارد کعبه شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال دستور داد که در را ببندد. خانه کعبه آن روز، بر شش ستون استوار بود. پیامبر صلی الله علیه و آله رفت تا میان دو ستونی که نزدیک در کعبه است، نشست. خدا را حمد و ثنا گفت و از او طلبید و آموزش خواست.

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۶ ح ۹۴۶، المقنعة: ص ۴۲۵ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۵ ح ۱۷۷۴۸.

۲- صحیح البخاری: ج ۱ ص ۱۸۹ ح ۴۸۳، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۶۶ ح ۳۸۸، سنن النسائی: ج ۲ ص ۶۳، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۱۳ ح ۲۰۲۳، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۵۰۴ ح ۶۲۳۹.

ص: ۷۲

سپس برخاست و آمد تا به مقابل پشت کعبه رسید. چهره بر آن نهاد و حمد و ثنا گفت و طلبید و آمرزش خواست. سپس به طرف هر یک از گوشه‌های کعبه رفت و با تکبیر و لا إله إلا الله و تسیح و ثنای خدا و دعا و آمرزش خواهی، رو به روی آن قرار گرفت. آن گاه بیرون آمد و رو به کعبه، دو رکعت نماز خواند. آن گاه برگشت و فرمود: «این قبله است، این قبله است».

(۱) ۱۵۳. الکافی - به نقل از ابو حمزه - امام زین العابدین علیه السلام را شب، در آستانه کعبه دیدم که نماز می‌خواند. نماز را آن قدر طول داد که گاهی تکیه به پای راست خود داشت و گاهی بر پای چپ. سپس شنیدم که با صدایی گویا، گریان می‌گفت: «سیرور من! آیا عذابم می‌کنی، در حالی که عشق تو در دل من است؟ به عزّت سوگند، اگر چنین کنی، بین من و کسانی جمع می‌کنی که زمانی طولانی، من به خاطر تو با آنان دشمنی کرده‌ام!». (۲) ۱۵۴. الکافی - به نقل از یونس بن یعقوب - امام صادق علیه السلام را دیدم که داخل کعبه شد و خواست بین دو ستون برود؛ ولی نتوانست. پس پایین‌تر از آن، نماز خواند و رفت تا آن که از مسجد بیرون شد. (۳) ۱۵۵. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - عبد صالح (امام کاظم علیه السلام). را دیدم که وارد کعبه شد و بر سنگ سرخ، دو رکعت نماز گزارد. سپس ایستاد و روی به دیوار میان رکن یمانی و غربی کرد. دستش را بر آن نهاد، به آن چسبید و دعا کرد. سپس به سوی رکن یمانی رفت و به آن چسبید و دعا کرد. سپس به طرف رکن غربی آمد و سپس خارج شد. (۴)

۱- سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۱۹، مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۱۹۳ ح ۲۱۸۸۹، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۳۲۹ ح ۳۰۰۴، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۹۹ ح ۱۲۹۳۶.

۲- الکافی: ج ۲ ص ۵۷۹ ح ۱۰، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۱۰۷ ح ۱۰۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۰ ح ۹، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۵ ح ۱۷۷۴۵.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۹ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۸ ح ۹۵۱، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۴ ح ۱۷۷۴۲.

ص: ۷۳

ج- آداب خروج

۱۵۶. الکافی- به نقل از عبد الله بن سنان:- از امام صادق علیه السلام در حالی که از کعبه بیرون می‌آمد، شنیدم که می‌گفت: «اللَّهُ أكبر، اللَّهُ أكبر» تا سه بار. سپس گفت: «خدایا! آزمایش ما را به مشقت می‌فکن. پروردگارا! دشمنانمان را به شماتت ما مگمار؛ زیرا تنها تویی که زیان و سود می‌رسانی».

سپس فرود آمد و کنار نردبان نماز خواند، در حالی که نردبان را سمت چپ خود قرار داده و رو به کعبه بود و میان او و کعبه کسی حایل نبود. سپس به سوی خانه‌اش، بیرون شد. (۱) ۱۵۷. الکافی- به نقل از یونس:- به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی وارد کعبه شدم، چه کنم؟

فرمود: «هر گاه وارد شدی، دو حلقه در را بگیر. سپس برو تا به دو ستون برسی.

پس بر سنگ سرخ، نماز بخوان و چون از کعبه خارج شدی و از نردبان فرود آمدی، در سمت راست خود دو رکعت نماز بخوان».

(۲) ۴/۳

آغاز بنای کعبه

۱۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، جبرئیل علیه السلام را نزد آدم و حوّا فرستاد و به آن دو فرمود: «برای من، خانه‌ای بسازید».

جبرئیل علیه السلام برایشان نقشه کشید. آدم، حفر می‌کرد و حوّا [خاک را] منتقل می‌کرد، تا این که به آب رسید. از زیر آن، ندا آمد: «بس است، ای آدم!».

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۹ ح ۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۹ ح ۹۵۶ به نقل از ابن مسکان، قرب الاسناد: ص ۴ ح ۱ به نقل از مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۶۸ ح ۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۰ ح ۱۰، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۸ ح ۹۵۰، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۷۸ ح ۱۷۷۵۳.

ص: ۷۴

پس چون خانه را ساختند، خداوند به او وحی فرمود که بر گرد آن، طواف کند و به او گفته شد: «تو اولین کس هستی و این، اولین خانه است».

سپس قرن‌ها گذشت، تا آن که نوح، آن را دیدار کرد و سپس قرن‌ها گذشت تا آن که ابراهیم، پایه‌های آن را بر افراشت. (۱) ۱۵۹. امام باقر علیه السلام: آغاز این خانه، چنان بود که خداوند- تبارک و تعالی- به فرشتگان فرمود:

(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ من در زمین، جانشین قرار می‌دهم).

فرشتگان پاسخ دادند: (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ؟) (۲)

آیا در آن، کسی را قرار می‌دهی که در آن، فساد می‌کند و خون‌ها را می‌ریزد؟.

خداوند از فرشتگان، روی گرداند. آنها دیدند که این روی گردانی، از خشم خداست. پس به عرش او پناهنده شدند. خداوند به یکی از فرشتگان فرمان داد تا در آسمان ششم، در برابر عرش او خانه‌ای به نام «ضراح» برایش بسازد. پس، آن را برای آسمانیان قرار داد و هر روز، هفتاد هزار فرشته طوافش می‌کنند و باز نمی‌گردند و استغفار می‌کنند.

پس چون آدم به آسمان دنیا فرود آمد، خداوند فرمانش داد که این خانه را- که در مقابل آن بود- ترمیم کند. پس خداوند، این (کعبه). را برای آدم و نسل او قرار داد، همچنان که آن خانه را برای آسمانیان قرار داده بود. (۳) ۱۶۰. امام باقر علیه السلام: خداوند، فرشتگان را فرمان داد که در زمین برای او خانه‌ای بسازند، تا هر که از فرزندان آدم گناه می‌کند، بر گرد آن طواف نماید- آن گونه که فرشتگان، عرش خدا را طواف می‌کنند- تا از آنان خشنود شود، همچنان که از فرشتگان، راضی شد. پس در

۱- دلائل النبوة، بیهقی: ج ۲ ص ۴۵، تاریخ دمشق: ج ۷ ص ۴۲۷ ح ۲۰۳۷ هر دو به نقل از عبد الله بن عمرو بن عاص، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۳ ح ۳۴۷۱۸.

۲- بقره: آیه ۳۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۷ ح ۱ به نقل از ابو عباد عمران بن عطیة از امام صادق علیه السلام و ص ۱۸۸ ح ۲ به نقل از محمد بن مروان از امام صادق علیه السلام، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۲۷۸ ح ۱۱۸۸ به نقل از امام صادق علیه السلام، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۰۲ همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۲۰ ح ۵۴. نیز، ر. ک: أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۲ والإصابة: ج ۲ ص ۲۶۹.

ص: ۷۵

محلّ کعبه، خانه‌ای ساختند که زمان طوفان، بالا برده شد و اکنون در آسمان چهارم است. هر روز هفتاد هزار فرشته بر گرد آن طواف می‌کنند و هرگز به سوی آن بر نمی‌گردند. ابراهیم علیه السلام هم بر پایه همان، کعبه را بنا نهاد. (۱) ۱۶۱. علل الشرائع - به نقل از ابو خدیجه: - به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا کعبه را بیت عتیق (خانه آزاد). نام نهاده‌اند؟ فرمود: «خدای عزوجل از بهشت، حجر الأسود را برای آدم، فرود آورد. خانه کعبه، دُرّی سفید بود. پس خداوند، آن را به آسمان، بالا برد و پایه‌اش باقی ماند و آن، در مقابل این خانه است و هر روز، هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌شوند که هرگز دوباره به سوی آن باز نمی‌گردند. خداوند به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام فرمان داد که کعبه را بر همان پایه‌ها بنا نهند». (۲) ۱۶۲. امام باقر علیه السلام: چون خداوند، آدم را از بهشت فرود آورد، فرمود: «من همراه تو خانه‌ای فرود می‌آورم که بر گرد آن طواف شود، آن چنان که عرش من طواف می‌شود، و نزد آن نماز خوانده شود، همچنان که نزد عرش من نماز خوانده می‌شود». زمان طوفان، خانه به بالا برده شد. پیامبران، خانه خدا را حج می‌کردند؛ ولی جای آن را [دقیقاً] نمی‌دانستند، تا آن که خداوند، جای آن را برای ابراهیم علیه السلام مشخص کرد. او هم خانه را با [سنگِ این] پنج کوه، بنا کرد: حِرا، تیسیر، بُنان، طور و حِمر. (۳) ۱۶۳. امام صادق علیه السلام: جایگاه کعبه، سرزمینی مرتفع و سفید بود که همچون خورشید و ماه می‌درخشید، تا آن که از دو فرزند آدم، یکی دیگری را کشت. پس آن، سیاه شد. چون آدم فرود آمد، خداوند همه جای آن زمین را برای او بالا آورد، تا آن را دید. سپس

۱- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۶ ح ۳۶.

۲- علل الشرائع: ص ۳۹۹ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۲ ح ۲۳۰۲ تقریباً با همان الفاظ، الکافی: ج ۴ ص ۱۸۸ ح ۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۵۵ ص ۵۷ ح ۲.

۳- فقه القرآن، راوندی: ج ۱ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۵ ح ۴۷؛ تفسیر الطبری: ج ۱ جزء ۱ ص ۵۴۷ به نقل از عبد الله بن عمرو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام.

ص: ۷۶

فرمود: «همه این، از آن توست».

گفت: خدایا! این زمین سفید درخشان چیست؟

فرمود: «آن، زمین من است». (۱) ۱۶۴. امام علی علیه السلام- در باره آیه (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ؛ یقیناً اولین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، همان است که در مکه است)-: اولین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد و خجسته بود و در آن هدایت و رحمت و برکت بود [، کعبه بود] و ابراهیم، نخستین کسی بود که آن را بنا کرد. سپس قومی از عرب و از طایفه جُرهم آن را ساختند. سپس ویران شد و قریش، دوباره آن را بنا کردند. (۲)

نکته‌ای در باره بنای کعبه

تاریخ بنای کعبه به درستی روشن نیست. احادیث و اقوال مورخان در این باره، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود:

دسته نخست می‌گویند: حضرت ابراهیم علیه السلام کعبه را ساخته (۳) و پیش از ایشان، چنین بنایی وجود نداشته و خانه‌ای نیز با نام «کعبه» نداشته‌ایم.

دسته دیگر معتقدند که: کعبه، پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام ساخته شده و ایشان، آن را تجدید بنا کرده است. بسیاری از معتقدان به این دیدگاه، بنیان‌گذار کعبه را حضرت آدم علیه السلام می‌دانند. (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۹ ح ۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۲ ح ۲۳۰۳ هر دو به نقل از عیسی بن عبد الله هاشمی از پدرش، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۶۸ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۲۱۷ ح ۳۰.

۲- المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۴۳، بحار الأنوار: ج ۴۰ ص ۱۵۸ ح ۵۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۶ ح ۶، المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۳۵۸، کنز العرفان: ج ۱ ص ۳۳۸. نیز، ر. ک: المفصل من تاریخ العرب: ج ۶ ص ۴۳۰.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۷-۱۹۰ و ص ۲۰۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۲۲۹۹، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۶۰، علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۰۶ ح ۷، مستدرک الوسائل: ج ۹ ص ۳۲۸، تاریخ یعقوبی: ج ۱ ص ۶ و ۲۵، اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۳ و ۳۶-۴۳، الکامل فی التاریخ: ج ۱ ص ۵۲. نیز، ر. ک: تفسیر الطبری: ج ۱ ص ۵۴۶-۵۴۹.

ص: ۷۷

برای جمع میان دو قول، می‌توان گفت که کعبه توسط حضرت آدم علیه السلام و در محلّ تعیین شده از جانب خداوند، ساخته شد؛ ولی با توفان نوح، از میان رفت. سپس با راهنمایی خداوند و به دست ابراهیم علیه السلام تجدید بنا گردید و مراسم شکوهمند و مناسک عبادی حج نیز به وی تعلیم شد.

به عبارت دیگر، ابراهیم علیه السلام نقشی هم‌پایه آدم علیه السلام در تاریخ کعبه دارد.

۵/۳

بازسازی کعبه

قرآن

(وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهَّرْ بَيْتِيَ لِلطَّلَاقِ فِيْنَ وَالْقَالَ مِیْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ (۱))

و زمانی را [به یاد آور] که برای ابراهیم، جایگاه خانه کعبه را آماده کردیم و [و گفتیم] که برای من چیزی را شریک قرار مده و خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان [به عبادت] و رکوع و سجده کنندگان، پاکیزه گردان». (وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ؛ (۲))

و زمانی را [به یاد آور] که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه را بالا می‌آوردند [و می‌گفتند: «خداوندا! از ما بپذیر. همانا تو شنوای دانایی»].

حدیث

۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جایگاه کعبه محو شده بود. پس هود و صالح، آن را حج نکردند. تا آن که خدای عزوجل جای آن را برای ابراهیم مشخص کرد. (۳) ۱۶۶. امام علی علیه السلام: خداوند به ابراهیم وحی کرد که: «در زمین، خانه‌ای برایم بساز که در آن،

۱- حج: آیه ۲۶.

۲- بقره: آیه ۱۲۷.

۳- الفردوس: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۳۰۷۲، کنز العمیال: ج ۱۲ ص ۱۹۶ ح ۳۴۶۴۰ به نقل از زبیر بن بکّار در النسب و هر دو به نقل از عایشه.

ص: ۷۸

عبادت شوم»

ابراهیم، بنایی می کرد و اسماعیل به او سنگ می داد و پایه‌ها را به سوی او بالا می برد. چون به محل حجر الأسود رسید، به اسماعیل گفت: برای این جا هم سنگ بده.

اسماعیل، سنگ نیافت و متوقف ماند. ابراهیم گفت: برو و پیدا کن.

اسماعیل رفت تا بیابد که جبرئیل برایش حجر الأسود را آورد. اسماعیل آمد، در حالی که ابراهیم، حجر الأسود را در جایش نهاده بود. پرسید: این را که آورد؟

پاسخ داد: کسی که به ساختن تو تکیه نکرده است.

خانه خدا مدتی برپا بود تا آن که ویران شد. عمالقه آن را ساختند. مدتی پایدار بود، تا آن که خراب شد. جرهم آن را بنا کردند. سپس باز هم ویران شد و قریش آن را ساختند. (۱) ۱۶۷. الکافی - به نقل از کثوم بن عبد المؤمن حرّانی -: امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند عزوجل به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که حج بگذارد و اسماعیل را هم همراه خود به حج آورد و او را ساکن حرم سازد. پس هر دو، حج گزارند سال بعد، خداوند به ابراهیم علیه السلام اجازه داد که به حج برود و کعبه را بنا نهد. عرب‌ها نیز به حج کعبه می رفتند.

کعبه خراب شده بود؛ ولی پایه‌هایش معلوم بود. چون مردم رفتند، اسماعیل سنگ‌ها را گرد آورد و آنها را داخل کعبه ریخت. چون خداوند به او اذن داد که کعبه را بسازد، ابراهیم آمد و گفت: پسر! خداوند، ما را به ساختن کعبه و بر آوردن آن، فرمان داده است. پس آن را آشکار کردند. آن وقت، کعبه یک ردیف سنگ سرخ بود. خداوند به او وحی کرد: «بنای کعبه را بر همین پایه بگذار». پس خداوند، چهار فرشته نازل کرد که برای او سنگ گردآوری می کردند. ابراهیم و اسماعیل، سنگ‌ها را می نهادند. فرشتگان هم سنگ‌ها را نزدیک می آوردند، تا آن که به دوازده ذراع رسید. برای آن،

۱- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۸ ح ۳۷.

ص: ۷۹

دو در قرار دادند: یکی برای ورود، و دیگری برای خروج. و برای آن، آستانه(پله). و در گاهی از آهن قرار دادند. کعبه عریان بود. ابراهیم، در حالی که کعبه را به پایان رسانده بود، بیرون آمد و اسماعیل را آن جا نهاد همسرش که زنی خردمند بود، به او گفت: کاش برای این دو در، دو پرده می‌آویختی؛ پرده‌ای از این جا و پرده‌ای از آن جا! اسماعیل گفت: باشد. پس برای آن دو در، دو پرده به طول دوازده ذراع درست کردند و بر دو در، آویختند. از آن خوششان آمد. همسر ابراهیم گفت: چرا برای کعبه پوشش ندوزم که همه آن را بپوشانی؟ این سنگ‌ها، بد منظرند. اسماعیل به او گفت: باشد. همسر ابراهیم، شتابان به این کار پرداخت و پشم بسیاری نزد قوم خود فرستاد و از آنان خواست که آن را نخ بربسند. امام صادق علیه السلام فرمود: «از همان جا این رسم در میان زنان رایج شد که برای نخ‌ریسی، از یکدیگر کمک بگیرند. [امام علیه السلام در ادامه فرمود:] «آن زن، شتاب کرد و برای این کار، کمک طلبید. از هر قطعه‌ای که فراغت می‌یافت، بر کعبه می‌آویخت. موسم حج فرا رسید و هنوز جاهایی از کعبه بدون پوشش بود. به اسماعیل گفت: برای این قسمت که پوشش بدان نرسید، چه کنیم؟ پس آن را با چرمی وصله‌زده پوشاندند. در موسم حج، عرب‌ها، طبق عادت خود، به زیارت آمدند؛ ولی به چیزی نگریستند که مایه اعجابشان بود. گفتند: سزاوار است هدیه‌ای برای آن که چنین کرده، داده شود. و قربانی و هدیه، از آن جا رسم شد. هر تیره‌ای از عرب، چیزی با خود می‌آورد، برگی و چیزهای دیگری، تا آن که اشیای زیادی گرد آمد. آن وصله را کردند و پوشش کعبه را کامل نمودند و بر آن، دو در گذاشتند. کعبه آن گاه سقف نداشت. اسماعیل در آن، ستون‌هایی از چوب، مثل آنچه می‌بینید، قرار داد و آن را با شاخ و برگ پوشاند و گل‌اندود کرد.

ص: ۸۰

سال بعد که عرب‌ها آمدند و بنای کعبه را دیدند، گفتند: برای آن که چنین کرده، باید هدیه بیشتری داد. سال بعد، قربانی برای او آمد. اسماعیل نمی‌دانست آن را چه کند. خدای عزوجل به او وحی کرد که: "قربانی را ذبح کن و حاجیان را، طعام بده...".^(۱)

۶/۳

کعبه در جاهلیت

۱۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پس از کلاب بن مُرّه، اولین کسی که کعبه را بازسازی کرد، قُصَی بود. (۲) ۱۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- به عایشه-: ای عایشه! اگر نبود این که قوم تو، تازه از جاهلیت رسته‌اند، دستور می‌دادم کعبه را خراب کنند و آنچه را که از کعبه بیرون افتاده، جزء آن می‌کردم و کف آن را با زمین، برابر می‌ساختم و برای آن دو در، در شرقی و غربی، قرار می‌دادم و به پایه ابراهیم می‌رساندم. (۳) ۱۷۰. أخبار مکّه، ازرقی- به نقل از یحیی بن شبل- از امام باقر علیه السلام: در زمان ابراهیم و قبیلہ جُرهم، در کعبه چسبیده به زمین بود، تا آن که قریش، آن را بنا کردند. ابو حذیفه بن مُغیره گفت: ای جماعت قریش! در کعبه را بالا ببرید، تا جز با پلکان، کسی نتواند بالا رود و جز کسی که شما می‌خواهید، وارد آن نشود. پس اگر کسی که شما نمی‌خواهید سراغ آن آید، پلکان را می‌کشید و می‌افتد و این، عبرت برای بیننده می‌شود.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۲ ح ۳، علل الشرائع: ص ۵۸۶ ح ۳۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۲ ح ۲۲۸۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۹۳ ح ۵.

۲- الأوائیل، طبرانی: ص ۶۳ ح ۳۵ به نقل از ابو سعید خدری، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۳ ح ۳۴۷۱۹ به نقل از مسند الفردوس.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۷۴ ح ۱۵۰۹، مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۸۱ ح ۲۶۰۸۸، السنن الکبری، نسایی: ج ۲ ص ۳۹۱ ح ۳۸۸۶، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۴۶ ح ۹۳۱۸ همگی به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۹۲ ح ۳۴۶۶۳.

ص: ۸۱

قریش چنان کردند و ردیف بالای دیوار را خراب کردند. سیل را از کعبه باز گرداندند و کعبه را با پارچه‌های نقشدار یمانی، پوشاندند. (۱) ۱۷۱. أخبار مکه، ازرقی - به نقل از سعید بن عمرو هُدَلی، از پدرش -: قریش را دیدم که در جاهلیت، روزهای دوشنبه و پنجشنبه، در کعبه را می‌گشودند و دربانان نزد در می‌نشستند. هر گاه کسی بالا می‌رفت که دوست نداشتند وارد کعبه شود، او را پرت می‌کردند و گاهی می‌مُرد. با کفش وارد کعبه نمی‌شدند و این را بزرگ می‌شمردند و کفش‌های خود را زیر پلکان می‌گذاشتند. (۲) ۱۷۲. صحیح البخاری - به نقل از عایشه -: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آیا دیوار هم جزء کعبه است؟

فرمود: «آری».

گفتم: پس چرا آن را جزء کعبه و داخل آن قرار ندادند؟

فرمود: «قوم تو هزینه آن را نداشتند (پولشان نرسید)».

گفتم: چرا در کعبه بلند است؟

فرمود: «قوم تو، چنین کردند تا هر که را خواستند، وارد کنند و هر که را خواستند، جلوگیری کنند و اگر نبود که قوم تو، تازه از جاهلیت رسته‌اند و بیم دارم دل‌هایشان نپذیرد که دیوار را وارد کعبه کنم و در کعبه را به زمین بچسبانم [چنین می‌کردم]». (۳) ۱۷۳. امام صادق علیه السلام: در جاهلیت، قریش، کعبه را خراب کردند و چون خواستند آن را بسازند، نتوانستند [و موانعی پیش آمد] و در دل‌هایشان هراس افتاد. یکی گفت: هر کس پاک‌ترین مال خود را بیاورد و از مالی که از راه قطع رَحِم یا حرام به دست آورده‌اید، نیاورید. آنان نیز چنین کردند. آن گاه امکان ساختن کعبه، برایشان مهیا شد. آن را

۱- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۱۷۱.

۲- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۱۷۴.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۷۴ ح ۱۵۰۷، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۷۳ ح ۴۰۵، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۵ ح ۲۹۵۵، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۸۳ ح ۱۸۱۰، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۴۵ ح ۹۳۱۵.

ص: ۸۲

ساختند تا به محلّ حجر الأسود رسیدند. میانشان گفتگو پیش آمد که چه کسی حجر الأسود را در جای خودش کار بگذارد. نزدیک بود میانشان شریّ پدید آید که به داوریِ اولین کسی که از درِ مسجد وارد شود، تن دادند. پیامبر خدا وارد شد. چون نزد آنان آمد، فرمود تا پارچه‌ای بگسترند. سپس سنگ را میان آن نهاد. قبایل، گوشه‌های پارچه را گرفتند و بلند کردند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله سنگ را برداشت و در جایش نهاد. خدا، او را مخصوص این کار ساخت. (۱)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۷ ح ۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۷ ح ۲۳۲۰ هر دو به نقل از سعید بن عبد الله أعرج، بحار الأنوار: ج ۱۵ ص ۳۳۷ ح ۷.

ص: ۸۳

توضیحی درباره بازسازی کعبه

مورخان نوشته‌اند که کعبه بارها ویران شد و بارها سیل، پایه‌های آن را فرو ریخت. از این رو، خانه برآمده به دست ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام، بر جا نماند؛ لیکن افراد دوره جاهلی - که سخت دل‌بسته حفظ شکل و جای و بنیادش بودند- پس از هر ویرانی یا آسیبی، تا آن جا که مقدورشان بود، می‌کوشیدند خانه را به شکلی که در روزگار پدران و نیاکانشان داشت، بازگردانند و آن را بازسازی نمایند. لذا هیچ تغییری در آن، راه نمی‌دادند و صورت بنا را دگرگون نمی‌کردند.

بیت الله الحرام، بنایی «مکعب» شکل است. لذا بدان «کعبه» گفته شده است.

مورخان، آن را چنین وصف کرده‌اند:

تا پنج سال پیش از اسلام، دیوارهای کعبه سنگ چین بود و سنگ‌ها بی آن که ملاطی آنها را به هم بیوند، تا بالای قد آدمی، روی هم چیده شده بود.

نیز گفته‌اند که:

در عهد اسماعیل، نه ذراع ارتفاع داشت و مسقف نبود و دری داشت که به زمین چسبیده بود. نخستین کسی که برای آن چفت گذاشت، «تبع» بود و سپس عبدالمطلب، دری آهنی برای آن ساخت و آن را با زر به دست آمده از دو آهوی زرین [که بر اثر حفر چاه زمزم کشف شده بود] بیاراست. این، نخستین باری بود که کعبه را می‌آراستند.

وصفی که مورخان، این گونه از کعبه ارائه می‌کنند، ما را بر آن می‌دارد تا آن را ویرانه‌ای ابتدایی و ساده تصور کنیم؛ حیاطی مربع‌گونه که دیوارهای سنگی - بی هیچ

ص: ۸۴

ملاطی که آنها را به یکدیگر بیوند، آن را در بر گرفته‌اند و پرندگان شکاری در آن، مأوا گزیده‌اند و هیچ حائلی کف آن را از اشعه سوزان خورشید و باران‌هایی که بر مکه فرود می‌آید و گاه به شکل آب از دهانه چاه‌ها بیرون می‌زند، حفظ نمی‌کند. این خانه، در حقیقت، چهار دیواری‌ای است سنگی که ارتفاع آن، از قامت انسان، تجاوز نمی‌کند. پاره‌ای از مورخان گفته‌اند که:

عامر بن جادر ازدی، پس از اسماعیل، نخستین کسی بود که برای کعبه، جدار(دیوار). گذاشت. لذا «جادر(برآورنده جدار)» لقب گرفت.

باز به گفته مورخان، در نیمه اول قرن هفتم میلادی، یعنی پنج سال پیش از اسلام و زمانی که پیامبر خدا، ۳۵ ساله بود، کعبه دچار آتش سوزی شد. در این هنگام، بر آن شدند تا خانه را بازسازی کنند و برایش سقفی چوبی بگذارند. لذا دست به کار شدند و دیوارها را- که پیش تر نه ذراع ارتفاع داشت- تا هیجده ذراع بر آوردند و سقفی بر دو ردیف سه ستونه چوبی بر آن گذاشتند. همچنین در آن را از سطح زمین، بالاتر آوردند که جز با پلکان، نمی‌شد بدان وارد شد. دیوارها را نیز با یک ردیف سنگ و یک ردیف چوب بر آوردند. در اخبار آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله چون در سال فتح مکه وارد کعبه شد، کنار ستونی ایستاد و دعا کرد. در آن هنگام، در کعبه، شش ستون بود.

مورخان در باره دلیل بازسازی کعبه گفته‌اند که دیوارهای سنگی- که ملاطی نداشتند و ارتفاع آنها از قامت آدمی تجاوز نمی‌کرد-، به تدریج، از هم گسیخته بودند و سنگ‌های آنها هم بر زمین ریخته بود. لذا بر آن شدند تا دیوارهایش را بر آورند و چون تنی چند از قریش و دیگران گنج کعبه را که در چاهی در میان آن قرار داشت، دزدیده بودند، مردم بر مسقف کردن آن، هم داستان شدند.

این بنای تازه نیز- آن گونه که از وصفش در کتاب‌های مورخان بر می‌آید-، بنایی فاخر نبود. تنها اتاقی بود که اینک سقفی چوبی بر شش ستون در دو ردیف، آن را می‌پوشاند. دیوارهایش که پیش تر نه ذراع ارتفاع داشت و کمی بیشتر یا کمتر از قامت

ص: ۸۵

آدمی بود، تا هیجده ذراع، بالا آمده بود. این بار، مواد ساختمانی محکمی در این بنا به کار رفت؛ ردیفی از چوب و ردیفی از سنگ و دیوارهایش در مجموع، پانزده ردیف چوبی و شانزده ردیف سنگی را تشکیل می‌داد. سقف آن را نیز مسطح کرده بودند و برایش ناودانی گذاشته بودند که آب باران از آن، سرازیر می‌شد. در هر حال، این بنا از جهت مساحت، هنر، زیبایی و عظمت، با هیچ یک از معبدهای عربی جنوب عربستان، مانند معبد «المقه» در شهر «مأرب» یا دیگر معابدی که پژوهشگران به آثار و بقایای آنها دست یافته‌اند، سنجیدنی نبود. (۱)

۱- المفصل فی تاریخ العرب: ج ۶ ص ۴۳۲-۴۳۵. نیز، ر. ک: اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۱۷.

ص: ۸۶

۷/۳

داستان اصحاب فیل

قرآن

خانه خدا

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ * أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ فِي تَضْلِيلٍ * وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَزِمِيهِمْ بِحِجَارٍ مِّن سِجِّيلٍ * فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ مَّ (۱))

آیا ندیدی پروردگارت، با فیل سواران چه کرد؟ آیا نیرنگشان را در گمراهی قرار نداد؟ و بر سر آنان، پرندگان را دسته دسته فرستاد که آنان را با سنگ‌هایی از سِجیل زدند. پس آنان را مانند برگی خورده شده، قرار داد.

حدیث

۱۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرندگان دسته دسته، مثل باز، در چهره درندگان به سراغ آنان رفتند. (۲) ۱۷۵. امام صادق علیه السلام: فرمان‌روای حبشه [و سپاهش]، چون با فیل به قصد ویرانی کعبه آمدند، بر شترهای عبدالمطلب گذر کردند. آنها شترها را ربودند. عبدالمطلب به سوی رئیس آنان رفت تا بخواهد شترهایش را برگرداند. اجازه گرفت. اجازه دادند. به فرمان‌روا گفتند: این، بزرگ قریش است و مردی هوشمند و جوان مرد است. او هم احترام کرد و نزدیکش ساخت. سپس به مترجم گفت: بپرس که چه می‌خواهد؟

[عبدالمطلب] گفت: همراهان به شترهای من برخورده‌اند و آنها را ربوده‌اند.

دوست دارم شترهایم را به من باز گردانی.

وی از درخواست او تعجب کرد و گفت: آیا این، همان است که گفتید بزرگ قریش است و از خرد او یاد کردید؟ از من نخواست از خانه‌ای که او می‌پرستد، باز گردم. اگر از من خواسته بود که از ویران ساختن آن چشم‌پوشم، چنان می‌کردم.

۱- فیل: آیه ۱-۵.

۲- کنز العمال: ج ۲ ص ۵۵۶ ح ۴۷۱۸ به نقل از دیلمی از امام علی علیه السلام.

ص: ۸۷

مترجم، سخن او را به عبد المطلب باز گفت. وی پاسخ داد: این خانه، صاحبی دارد که از آن، دفاع می‌کند. من از تو خواستم شترهای مرا باز گردانی؛ چون به آنها نیاز دارم.

پس دستور داد آنها را بر گردانند. (۱) ۱۷۶. الکافی - به نقل از ابو مریم: از امام باقر علیه السلام در باره آیه (وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ * تَزِمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ؛ و بر آنان، پرندگانی را دسته دسته فرستاد که آنان را با سنگ‌هایی از سِجِّیل زدند). پرسیدم. فرمود: «پرندگانی ساف (۲) بودند که از سمت دریا سراغ آنان آمدند. سرهای آنها، مثل سر درندگان و چنگال‌هایشان مانند پرندگان شکاری بود. هر پرنده، سه سنگ همراه داشت: دو سنگ در چنگ‌ها و یکی در منقار. با آن سنگ‌ها آن قوم را سنگباران می‌کردند، تا آن که پیکرهایشان آبله گرفت و بر اثر آن، کشته شدند.

پیش از آن، آبله دیده نشده بود و نیز این کار را از پرندگان، نه پیش از آن روز و نه پس از آن، هرگز ندیدند. کسانی هم که از آن حادثه جان سالم به در برده بودند، چون به حضرموت (وادی‌ای نزدیک یمن). رسیدند، خداوند سیلی فرستاد و همه را غرق کرد» و فرمود: «از پانزده سال پیش، در آن وادی، هرگز آبی دیده نشده بود!» و فرمود: «به همین خاطر که آنان در آن جا مُردند، نام آن جا "حضرموت (مرگ، حاضر شد)" گشت». (۳)

تاریخ حمله ابرهه به مکه

ابرهه اشرم (ابو یکسوم). در حدود سال ۵۷۰ میلادی (یعنی چهل سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله). به مکه حمله کرد. بعضی، تاریخ حمله را سال‌های دیگری دانسته‌اند؛ ولی

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۶ ح ۲ به نقل از هشام بن سالم و ج ۱ ص ۴۴۷ ح ۲۵ به نقل از أبان بن تغلب تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۴۴ ح ۱۷۶۳۸.

۲- واژه «ساف» در متن عربی، وصف پرندگانی است که در سطح پایین پرواز می‌کنند.

۳- الکافی: ج ۸ ص ۸۴ ح ۴۴، بحار الأنوار: ج ۱۵ ص ۱۵۹ ح ۸۹.

ص: ۸۸

هیچ یک، از سال ۵۸۱ میلادی در نمی گذرد.

علت حمله ابرهه، مجموعه‌ای از انگیزه‌های سیاسی و اقتصادی و دینی بود. ابرهه ابتدا عبادتگاهی پُرشکوه در محل فرمانروایی خود در یمن ساخت تا توجه مردم را از کعبه به آن جا معطوف کند؛ اما اعراب، نه تنها به آن جا نرفتند، بلکه به آن اهانت کردند. همین امر، دستاویزی برای ابرهه ساخت تا با حمله به مکه و نابود کردن آن، مرکز دینی و سیاسی جزیره العرب را به پندار خود به یمن منتقل کند و دینش را حاکم و خود را فرمانروای مطلق حجاز سازد.

۸/۳

آنچه در تاریخ اسلام بر کعبه گذشت

اشاره

۱۷۷. صحیح البخاری: عمرو بن دینار و عبید الله بن ابی یزید گفته‌اند: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، اطراف خانه کعبه دیواری نبود و در پیرامون کعبه نماز می خواندند. زمان عمر که فرا رسید، بر گرد آن، دیوار کشید.

عبید الله گفته است: دیوارش کوتاه بود. پس ابن زبیر، آن را بنا کرد [و بالا آورد]. (۱) ۱۷۸. امام صادق علیه السلام: کعبه در زمان ابراهیم علیه السلام، نه ذراع بود و دو در داشت. عبد الله بن زبیر، آن را باز ساخت و ارتفاعش را هجده ذراع قرار داد. حجاج، آن را خراب کرد و آن را به ارتفاع بیست و هفت ذراع ساخت. (۲)

۱- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۳۹۲ ح ۳۶۱۸، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۱۰۰ ح ۳۸۰۵۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۷ ح ۷ و ۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۷ ح ۲۳۱۹ هر دو تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۸ ح ۱۷۵۸۸.

ص: ۸۹

مرمت و تجدید بنای کعبه

کعبه و مسجد الحرام، در طول تاریخ اسلام، بارها مرمت و تجدید بنا شده‌اند. این تعمیرات، معمولاً پس از سیل‌های فراوان مکه و گاه پس از جنگ‌ها، انجام گرفته است.

الف- سیل‌ها

از پیدایش اسلام تا کنون، نزدیک به صد سیل به مسجد الحرام و کعبه، آسیب رسانده است که برخی از آنها به نام‌های خاصی مشهور شده‌اند، همچون: سیل «امّ نَهْشَل» در خلافت عمر و «حجاف» و «المخبل» در خلافت عبد الملک بن مروان و سیل «ابن حنظله» در روزگار مأمون.

ب- جنگ‌ها

- با وجود قداست و حرمت کعبه، سه حمله بزرگ به مکه، زیان‌های بزرگی به کعبه وارد ساختند که عبارت‌اند از:
۱. حمله لشکر یزید بن معاویه به فرماندهی حُصَین بن نُمَیر (سال ۶۳ ق)، جهت سرکوبی عبد الله بن زبیر.
 ۲. حمله سپاه عبد الملک بن مروان به فرماندهی حَجَّاج بن یوسف ثقفی (سال ۷۳ ق)، جهت سرکوبی عبد الله بن زبیر.
 ۳. حمله قَرَمَطیان در روزگار خلافت عباسیان (سال ۳۱۷ ق). و ر بوده شدن

ص: ۹۰

حجر الأسود به دست آنان.

تعمیر بیت، به خلفا و پادشاهان و امیران مختلف مکه نسبت داده شده است، مانند: عبد الله بن زبیر (۶۴ ق). و عبد الملك بن مروان (۷۴ ق). و سلطان سلیم عثمانی (۹۶۰ ق). و سلطان مراد عثمانی (۱۰۴۰ ق). و در آخرین ساخت و ساز (۱۴۱۷ ق)، (۱) به دستور فهد بن عبد العزیز، بنای دوره عثمانی، کاملاً تخریب و تخلیه گردید و بر جای آن، بنای جدید کعبه، با همان شکل و ابعاد بنای پیشین، پی‌ریزی و با بتن مسلح، ساخته شد.

۱- گفتنی است در یکی از بازسازی‌های مسجد الحرام در روزگار آل سعود، به سال ۱۳۷۵ ق، حجر الأسود را- که شکستگی‌ها و ریختگی‌های متعدّد داشت- از رکن حجر، خارج نمودند و با استفاده از سیمان، شکاف‌های آن را پُر کرده، قطعات شکسته آن را دوباره به هم چسبانیدند.

فصل چهارم: نشانه‌های خدا در کعبه

اشاره

فصل چهارم: نشانه‌های خدا در کعبه (۱)

۱/۴

مجموعه نشانه‌ها

قرآن

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ مِّمَّنْ بَيَّنَّتْ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ (۲)

همانا اولین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در مکه است، فرخنده و هدایتگر برای جهانیان. در آن، نشانه‌هایی روشن است: مقام ابراهیم. و هر کس وارد آن شود، ایمن است. و برای خداست بر عهده مردم که آن خانه را حج کنند، هر کس که قدرت و راهی به سوی آن داشته باشد. و هر کس کفر ورزد [و ناسپاسی کند]، خداوند از جهانیان، بی‌نیاز است.

حدیث

۱۷۹. الکافی - به نقل از ابن سنان - از امام صادق علیه السلام در باره آیه (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ مِّمَّنْ بَيَّنَّتْ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ)؛ همانا اولین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در مکه است، فرخنده و هدایتگر برای جهانیان. در آن، نشانه‌هایی روشن است. پرسیدم که این نشانه‌های روشن، چیست؟

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۲- آل عمران: آیه ۹۶ و ۹۷.

ص: ۹۲

فرمود: «مقام ابراهیم - آن جا که بر روی سنگ ایستاد و قدم‌های او بر سنگ، اثر گذاشت - و حَجْرُ الْأَسْوَدِ و خانه اسماعیل». (۱) توضیح

آیاتِ بِنَاتِ (مورد اشاره در آیه پیش گفته). (۲)، به نشانه‌های بر جامانده از عهد قدیم در مکه گفته می‌شود که شامل: مقام ابراهیم، حجرِ الْأَسْوَدِ و حَجْرِ اسماعیل است. این سه، همان‌ها هستند که در حدیث پیشین، از آنها نام برده شده است. (۳) برخی از مفسران، حطیم، زمزم و ارکان اربعه کعبه را نیز بر سه مورد یاد شده، اضافه کرده‌اند و حتی دیگر مکان‌های مقدس مکه و حرم (مثل مشعر و عرفات). را نیز از مصادیق «آیاتِ بِنَاتِ» دانسته‌اند (۴). علامه سید محمد حسین طباطبایی، در تفسیر المیزان، هر سه قسمت آیه، یعنی: «مقام ابراهیم» و «مَنْ دَخَلَهُ...» و «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ...» را در مقام بیان و توضیح همان «آیاتِ بِنَاتِ» یاد شده در آغاز آیه می‌داند. (۵) ۲/۴

مقام ابراهیم و جایگاه آن

مقام ابراهیم و جایگاه آن (۶)

۱۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، مکه را فضیلت داد و بخشی از آن را برتر از بخشی قرار داد و

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۳ ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۷ ح ۹۹، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۴ ح ۲۲۸۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۲ ح ۳.

۲- تعبیر «آیاتِ بِنَاتِ»، بنابر قرائت مشهور آیه است؛ امّا ابن عبّاس، آن را «آیَةُ بِنَاتٍ» قرائت کرده است (ر. ک: التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۵۳۷).

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۳ ح ۱، روضه المتّقین: ج ۴ ص ۱۱۳. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱.

۴- مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۹۸، التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۲ ص ۵۳۷، الدر المنثور: ج ۲ ص ۲۷۰.

۵- ایشان می‌گویند: هر یک از سه جمله «مقام ابراهیم» و «مَنْ دَخَلَهُ كَان آمَنًا» و «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ»، برای هدف خاصی که یا اخبار است و یا انشای حکم، به کار رفته‌اند و کلمه «آیات» با آنها تشریح گردیده است. پس در مقام جعطف ج بیان هستند، همان گونه که گفته می‌شود: فلانی مرد شریفی است و سفره‌اش همیشه گسترده است و بر ما لازم است از او پیروی کنیم (المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۳ ص ۳۵۲).

۶- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

ص: ۹۳

فرمود: (وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى؛ از مقام ابراهیم، جایگاه نماز بگیرید). (۱) ۱۸۱. الکافی - به نقل از زراره - به امام باقر علیه السلام گفتم: آیا حسین علیه السلام را درک کردی؟

فرمود: «آری. به یاد می‌آورم که همراه او در مسجد الحرام بودم که سیل، وارد مسجد شد و مردم، روی مقام می‌ایستادند. برخی که بیرون می‌رفتند، می‌گفتند: مقام را سیل برد. و بعضی می‌گفتند: سر جای خود است.

به من فرمود: فلانی! مردم چه کردند؟

گفتم: خداوند به صلاحیت دارد! مردم، بیم آن دارند که سیل، مقام را برده باشد.

فرمود: ندا بده که خداوند، آن را نشانه قرار داده است و آن را نخواهد برد.

پس مردم، آرامش یافتند. جایگاه مقام که ابراهیم علیه السلام آن را قرار داده بود، کنار دیوار کعبه بود. همچنان آن جا بود، تا آن که مردم جاهلیت، آن را به جایگاه امروز منتقل کردند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله مکّه را فتح کرد، به همان جایی برگرداند که ابراهیم نهاده بود.

آن جا بود تا آن که عمر بن خطّاب به حکومت رسید. از مردم پرسید: از شما چه کسی جایگاه قبلی آن را می‌داند؟

مردی گفت: من جای آن را با افساری که نزد من است، اندازه گرفته‌ام.

گفت: آن را بیاور.

آن را آورد. پس اندازه گرفت و مقام را به همان جا برگرداند. (۲) ۱۸۲. امام صادق علیه السلام: چون خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام وحی کرد که: «مردم را به حج ندا بده»، [ابراهیم] سنگی را که اثر گام‌هایش در آن است (مقام)، رو به روی کعبه و چسبیده به کعبه، در همان جایی که امروز است، قرار داد. سپس بر آن ایستاد و فرمان خدا را با رساترین صدایش ندا داد. چون آن سخن را گفت، سنگ، تاب تحمّل او را نیاورد و پاهایش در آن فرو رفت. پس ابراهیم، پاهایش را از سنگ بر کند.

۱- کامل الزیارات: ص ۵۹ ح ۳۸ به نقل از مرازم از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۱ ح ۸.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۳ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۳ ح ۲۳۰۸ نحوه، بحار الأنوار: ج ۳۱ ص ۳۳.

ص: ۹۴

مردم، چون افزون شدند و به شرّ و بلا گرویدند، بر آن ازدحام آوردند و تصمیم گرفتند که آن را در جایی که امروز قرار دارد، قرار دهند تا مطاف، برای طواف کنندگان خالی شود.

چون خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، آن را به همان جایگاهی که ابراهیم قرار داده بود، باز گرداند. آن همان جا بود تا این که پیامبر خدا از دنیا رفت و زمان ابو بکر و اوایل حکومت عمر نیز همان جا بود. سپس عمر گفت: مردم بر گرد مقام، در فشارند. کدام یک از شما جایگاهش را در جاهلیت می‌داند؟
مردی گفت: من، آن را اندازه گرفته‌ام.

گفت: اندازه پیش توست؟

گفت: آری.

گفت: آن را بیاور.

آورد. پس [عمر،] دستور داد که مقام را به آن جا بردند و به مکانی برگرداندند که اکنون است. (۱)

توضیحی در باره مقام ابراهیم

توضیحی در باره مقام ابراهیم (۲)

مقام ابراهیم، از نشانه‌های روشن الهی و از نظر مشهور، همان سنگ معروف در نزدیکی کعبه است که هنگام بالا بردن پایه‌های خانه کعبه، زیر پای ابراهیم علیه السلام بوده است. در این سنگ، اثر قدم انسان، آشکارا دیده می‌شود و این خود، معجزه و آیه‌ای الهی است که پای انسان، در یک جسم سخت، فرو رود و اثر آن نیز سالیان دراز، باقی

۱- علل الشرائع: ص ۴۲۳ ح ۱ به نقل از عمّار بن موسی یا به نقل از عمّار از سلیمان بن خالد، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۲ ح ۱.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

ص: ۹۵

بماند و سیل‌ها و جنگ‌ها و غارت‌ها را پشت سر گذارد. سه تفسیر دیگر نیز درباره مقام ابراهیم، از ابن عباس و مجاهد و عطا نقل شده است؛ ولی احادیث، همین نظر مشهور را تأیید می‌کنند.

در باره زمان وقوع این معجزه الهی و ایستادن ابراهیم علیه السلام بر این سنگ، اختلاف نظر هست. بعضی آن را هنگام بنای کعبه و بالا بردن پایه‌های کعبه می‌دانند و معتقدند که حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن می‌ایستاده است تا بتواند قسمت بالایی دیوار کعبه را بسازد. دسته دوم می‌گویند: حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام اعلان حج، جهت امتثال امر (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ)، بر روی این سنگ ایستاد. در این زمینه اقوال دیگری هم وجود دارد که از جمله آنها قول قفال است که می‌گوید این سنگ، در تمام واقعه‌های ذکر شده، مورد استفاده حضرت ابراهیم علیه السلام قرار گرفته است.

توضیحی درباره جایگاه مقام ابراهیم

توضیحی درباره جایگاه مقام ابراهیم (۱)

تغییر مکان «مقام ابراهیم»، از مسلمات تاریخ (۲) است و بسیاری از کتاب‌های سیره و حدیث و تاریخ، آن را از مکان کنونی‌اش به کعبه نزدیک‌تر و یا حتی چسبیده به آن دانسته‌اند. (۳) بر طبق آنچه از برخی احادیث، به دست می‌آید، ابتدا در جاهلیت، آن را از کعبه دورتر بردند و سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آن را پس از فتح مکه به جای نخستینش باز گرداند؛ یعنی همان مکانی که ابراهیم علیه السلام آن را در آن جا نهاده بود. (۴) سپس عمر، آن را به مکانی که هم‌اکنون قرار دارد، انتقال داد. (۵) در علت این

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۲- اخبار مکه، فاکهی: ج ۱ ص ۴۵۵ ش ۹۹۸، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام: ج ۱ ص ۲۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۰.

۳- وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۲۳ ذیل حدیث ۱۸۱۱۲، الطبقات الکبری: ج ۳ ص ۲۸۴، فتح الباری: ج ۶ ص ۴۰۶ ضمن شرح حدیث ۳۳۶۵، مثير الغرام الساکن: ص ۳۱۳، شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۷۵، تاریخ الخلفاء: ص ۱۶۰.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۳ ح ۲ و ج ۴ ص ۵۹، علل الشرائع: ص ۴۲۳ ح ۱.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۳ ح ۲ و ج ۴ ص ۵۹، علل الشرائع: ص ۴۲۳ ح ۱.

ص: ۹۶

انتقال، اختلاف کرده‌اند: برخی آن را به جهت سیلی می‌دانند که مقام را با خود بُرد، (۱) برخی دیگر به جهت توسعه دادن مکان طواف (۲) و برخی به جهت این که زیر پای طواف کنندگان قرار نگیرد. (۳) ۳/۴

حجر الأسود

الف - حجر الأسود، دست خدا

حجر الأسود (۴)

۱۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حَجْر، دست خدا در زمین است. هر که آن را لمس کند، دست خدا را لمس کرده است. (۵)
 ۱۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجر الأسود، دست خدا در زمین است که با آن با بندگانش دست می‌دهد. (۶) ۱۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجر، دست خدا در زمین است. هر که دست خود را بر آن بکشد، با خدا بیعت کرده که او را نافرمانی نکند. (۷) ۱۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجر، دست خداست. هر کس بخواهد، به وسیله آن با خدا دست می‌دهد. (۸) ر. ک: ص ۲۰۳ (استلام حجر و آداب آن).

۱- اخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۳۳-۳۵، اخبار مکه، فاکهی: ج ۱ ص ۴۵۶ ش ۱۰۰۰.

۲- فتح الباری: ج ۳ ص ۱۶۹، علل الشرائع: ص ۴۲۳ ح ۱.

۳- اخبار مکه، فاکهی: ج ۱ ص ۴۵۴ ش ۹۹۵.

۴- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۵- جامع الأحادیث، قمی: ص ۷۱ به نقل از موسی بن ابراهیم از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام.

۶- تاریخ بغداد: ج ۶ ص ۳۲۸ ش ۳۳۷۱، تاریخ دمشق: ج ۵۲ ص ۲۱۷ ح ۱۰۹۹۳، الفردوس: ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۲۸۰۸ همگی به نقل از جابر بن عبد الله، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۵ ح ۳۴۷۲۹؛ عوالی اللالی: ج ۱ ص ۵۱ ح ۷۵ به نقل از ابن عباس.

۷- الفردوس: ج ۲ ص ۱۵۹ ح ۲۸۰۷ به نقل از انس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۷ ح ۳۴۷۴۴.

۸- المجازات النبویة: ص ۴۴۴ ح ۳۶۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۸ ح ۳۰. سید رضی رحمه الله در تشریح این فرموده امام علیه السلام می‌گوید: این گفته، مجازی است و منظور این است که حجرالأسود، جهتی از جهات تقرّب به خداوند است. هر کس آن را استلام کند و به آن دست بزند، به طاعت خداوند متعال نزدیک شده است و گویی به آن چسبیده و در کنارش است. پس امام - که

درود و سلام بر او باد-، دست راست را به جای طاعت گذاشته که با آن، به خداوند سبحان، تقرب حاصل می‌شود و البته به طریق مجاز و وسعت در معنا؛ زیرا خوی عرب چنین است که هر گاه کسی از آنها بخواهد به دوستش نزدیک شود و با او در آمیزد و مأنوس باشد، با وی مصافحه می‌کند و دستش را در دست او می‌گذارد. ما در باره خداوند متعال قدیم ازلی، می‌دانیم که نزدیک شدن به او محال است. پس لازم است که برای نزدیکی جستن به او، از طریق طاعت و رضایت او وارد می‌شویم. آن حضرت- که درود و سلام بر او باد-، وقتی دست راست را مطرح کرده، در پی آن، پهلو و کنار را آورده تا حق فصاحت را به جا آورده باشد و بلاغت را به اوج رسانده باشد.

ب- اصل حجر الأسود

۱۸۷. الکافی- به نقل از عقبه بن بشیر- امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: «خداوند عز و جل ابراهیم را فرمان داد که کعبه را بسازد و پایه‌هایش را بالا- آورد و مناسک مردم را به آنان نشان دهد. ابراهیم و اسماعیل، هر روز، یک ردیف می‌ساختند تا به جایگاه حجر الأسود رسیدند».

امام باقر علیه السلام فرمود: «پس کوه ابو قیس، ابراهیم علیه السلام را ندا داد: "تو نزد من، سپرده‌ای داری. " آن گاه حجر الأسود را به او داد و وی آن را در جایگاهش نهاد». (۱) ۱۸۸. الخصال: امام علی علیه السلام در پاسخ آن یهودی، در باره سؤالش از اولین سنگی که بر روی زمین نهاده شد، فرمود: «شما می‌گویید: آن است که در بیت المقدس است و دروغ می‌گویید. اولین سنگ، آن است که آدم، آن را از بهشت، فرود آورد».

یهودی گفت: به خدا راست گفتم. این مطلب به املائی موسی و خطّ هارون، در دست است. (۲) ۱۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در روی زمین، جز سه چیز، از بهشت نیست: نهالِ عَجْوَه (نوعی خرماى خوب)، چند اوقیه (پیمانه). آبی که هر روز از برکت بهشت در فرات می‌ریزد، و حجر الأسود. (۳)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۵ ح ۴، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۲۷ ح ۱۷۵۸۵.

۲- الخصال: ص ۴۷۶ ح ۴۰، کمال الدین: ص ۳۰۱ ح ۸، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۵۳ ح ۱۹ همگی به نقل از صالح بن عقبه از امام صادق علیه السلام، الغیبه، نعمانی: ص ۹۸ ح ۲۹ به نقل از عمر بن ابی سلمه تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۹ ح ۴.

۳- تاریخ بغداد: ج ۱ ص ۵۵ به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۶ ح ۳۴۷۳۵.

ص: ۹۸

۱۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجر الأسود، از بهشت است. (۱) ۱۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجر الأسود، از سنگ‌های بهشت است. (۲) ۱۹۲. تفسیر العیاشی - به نقل از مُنذر ثوری - از امام باقر علیه السلام در باره حجر الأسود پرسیدم. فرمود: «سه سنگ از بهشت فرود آمده‌اند: حجر الأسود که به ودیعت به ابراهیم سپرده شد، مقام ابراهیم و سنگ بنی اسرائیل». امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند، سنگ سفید را به ابراهیم سپرد که سفیدتر از کاغذ بود؛ ولی در نتیجه گناهان فرزندان آدم، سیاه شد». (۳)

ج- نهادن حجر الأسود در جاهلیت

۱۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزی که قریش در نهادن حجر الأسود، در جای خود اختلاف کردند، من با دستانم آن را نهادم. (۴) ۱۹۴. دلائل النبوة، بیهقی - به نقل از ابن شهاب - چون پیامبر خدا به سنّ بلوغ رسید، زنی کعبه را با بخور و عود، معطر می‌ساخت که از معمر او، جرقه‌ای در پرده کعبه افتاد و سوخت. کعبه را خراب کردند. چون آن را دوباره ساختند و به محلّ حجر الأسود رسیدند، قریش در این که کدام یک از قبیله‌ها عهده‌دار بالا آوردن آن رکن شود، با هم در افتادند. گفتند: اولین کسی که بر ما آشکار شود، او را داور قرار می‌دهیم. در این لحظه، پیامبر خدا آشکار شد، در حالی که جوان بود و پارچه‌ای راه راه بر خود، حمایل کرده بود. او را به داوری برگزیدند. او دستور داد تا حجر الأسود

۱- سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۲۶، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۲۶ ح ۸۷۷، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۶۵۷ ح ۲۷۹۶ همگی به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۴ ح ۳۴۷۲۴.

۲- السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۲۲ ح ۹۲۳۱، المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۱۶۴ ح ۴۹۵۴ هر دو به نقل از انس وج ۶ ص ۲۱ ح ۵۶۷۳، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۱۱۸ ح ۱۱۳۱۴ هر دو به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۴ ح ۳۴۷۲۵.

۳- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۵۹ ح ۹۳، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۸۳ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۷ ح ۲۷.

۴- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۱۷۲ به نقل از عمر بن علی.

ص: ۹۹

را در پارچه‌ای نهادند. بزرگ هر قبیله را طلبید و گوشه‌ای از پارچه را به او داد و خودش بالا رفت. و حجر الأسود را [با آن پارچه] بالا آوردند و خود او آن را در جایش نهاد. (۱)

د- حجر الأسود در دوران عبد الملک

۱۹۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: روایت شده که چون حجاج از ساختن کعبه فارغ شد، از امام زین العابدین علیه السلام خواست که حجر را در جای خودش قرار دهد. ایشان نیز آن را گرفت و در جایگاهش نهاد. (۲) ۱۹۶. الخرائج و الجرائح: چون حجاج بن یوسف، به جهت جنگ با عبد الله بن زبیر، کعبه را ویران کرد، سپس آن را آباد کردند. وقتی کعبه را تجدید بنا نمودند و خواستند حجر الأسود را نصب کنند، هر یک از عالمان، قاضیان یا زاهدانشان که آن را نصب می‌کرد، سنگ می‌لرزید و می‌افتاد و در جای خود ثابت نمی‌ماند. امام زین العابدین علیه السلام آمد و حجر الأسود را از دست آنان گرفت. بسم الله گفت، سپس آن را بر جایش نهاد. سنگ در همان جا ثابت ماند و مردم تکبیر گفتند. (۳)

ه- حجر الأسود در عصر قمرطیان

۱۹۷. الخرائج و الجرائح- به نقل از جعفر بن محمد بن قولویه-: در سال ۳۳۹ ق- که همان سالی است که قمرطیان، حجر الأسود را در جای خودش در کعبه نهادند-، چون در سفر حج به بغداد رسیدم، بزرگ‌ترین اندیشه‌ام، این بود کسی را که حجر الأسود را در جای خود می‌نهد، در یابم. چون که ماجرای کار او در کتاب‌ها خواهد آمد. نیز آن سنگ را حجت خدا در زمان بر جایش خواهد نهاد، آن گونه که در زمان حجاج، امام زین العابدین علیه السلام آن را در جایش قرار داد تا قرار گرفت. به سختی بیمار شدم، آن چنان که بیم جان داشتم. آنچه در نظر داشتم، فراهم‌نگشت. کسی را به نام «ابن هشام»، نایب گرفتم و به او نامه مَهر شده‌ای دادم. در نامه پرسیده

۱- دلائل النبوة، بیهقی: ج ۲ ص ۵۷، المصنّف، عبد الرزاق: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۹۱۰۴، أخبار مکة، ازرقی: ج ۱ ص ۱۵۸ هر دو به نقل از معمر از زهری تقریباً با همان الفاظ.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۷ ح ۲۳۲۱، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۳۱ ح ۱۷۵۹۴.

۳- الخرائج و الجرائح: ج ۱ ص ۲۶۸ ح ۱۱، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۲ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۲ ح ۳۷.

ص: ۱۰۰

بودم که عمرم چه قدر خواهد بود و آیا مرگ من در همین بیماری است یا خیر؟ به آن نایب گفتم: خواسته‌ام این است که این نامه به دست کسی برسد که حجر الأسود را بر جای خودش می‌نهد و جواب نامه گرفته شود. تو را برای این کار، نایب گرفته‌ام. ابن هشام گفت: چون به مکه رسیدم و تصمیم بر آن شد که حجر الأسود را به جای خود باز گردانند، مبلغی به خدام خانه خدا دادم که توانستم جایی باشم که قرار دهنده حجر الأسود را بر جایش بینم. کسی را هم از خدام، قرار دادم که مانع فشار مردم بر من شود.

هر کس که می‌خواست حجر الأسود را بر جای خود نهد، می‌لرزید و قرار نمی‌گرفت. جوانی گندمگون و زیباروی آمد و آن را گرفت و در جایش نهاد که قرار گرفت، چنان که گویا اصلاً از جایش جدا نشده است. صداها برخاست. آن جوان خواست که از در مسجد بیرون رود. از جایم برخاسته در پی او رفتم و مردم را از راست و چپ خود کنار می‌زدم، تا آن جا که پنداشتند دیوانه‌ام. مردم برایم راه می‌گشودند و چشمم از او جدا نمی‌شد، تا آن که از مردم، جدا شد. من در پی او شتاب می‌کردم و او آرام می‌رفت و من به او نمی‌رسیدم. چون به جایی رسیدم که جز من کسی نبود که او را ببیند، ایستاد و رو به من کرد و فرمود: «آنچه همراه داری، بده». نامه را به او دادم. بی آن که به آن بنگرد، فرمود: «به او بگو: از این بیماری، هراسی نداشته باش. مرگ تو نیز پس از سی سال خواهد بود». مدهوش شدم. توان حرکت نداشتم و او مرا گذاشت و برگشت. (۱) ۴/۴

حجر اسماعیل و آداب آن

(۲) ۱۹۸. امام صادق علیه السلام: حجر، خانه اسماعیل است و قبر هاجر و اسماعیل در آن قرار دارد. (۳)

۱- الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۴۷۵ ح ۱۸، كشف الغمّة: ج ۳ ص ۲۹۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۶ ح ۲۶.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱۴ به نقل از مفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۱۷ ح ۵۴.

ص: ۱۰۱

۱۹۹. امام صادق علیه السلام: اسماعیل - که درود خدا بر او باد - در صدوسی سالگی از دنیا رفت و در حجر، همراه مادرش دفن شد. (۱) ۲۰۰. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار: - از امام صادق علیه السلام در باره حجر پرسیدم که: آیا جزء کعبه است، یا بخشی از کعبه در آن است؟

فرمود: «نه، حتی به اندازه چیده یک ناخن هم؛ لیکن اسماعیل علیه السلام مادرش را آن جا به خاک سپرد. چون دوست نداشت که پا بر روی آن بگذارند، دور آن حصار کشید.

قبور پیامبرانی هم در آن جاست». (۲) ۲۰۱. امام صادق علیه السلام: در حجر، نزدیک رکن سوم، دخترانِ دوشیزه اسماعیل دفن شده‌اند. (۳) ۲۰۲. الکافی - به نقل از ابو بلال مکی: - امام صادق علیه السلام را دیدم که از سمتِ درب کعبه، وارد حجر شد و به فاصله دو ذراع از کعبه به نماز ایستاد. گفتم: هیچ یک از خاندان تو را ندیده‌ام که در مقابل ناودان، نماز بخواند.

فرمود: «این جا محلّ نماز شَبَّر و شَبِیر، پسران هارون علیه السلام است». (۴) ۲۰۳. کمال الدین: ابو نعیم انصاری از امام زمان علیه السلام روایت کرده است که امام علیه السلام با اشاره به حجر و به سمت ناودان فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام در سجده خود در این مکان می گفت:

بنده ناچیزت، در آستان توست. نیازمندت، به آستان توست. از تو می‌خواهم آنچه را که جز تو بر آن، توانا نیست». (۵)

۱- قصص الأنبياء: ص ۱۱۲ ح ۱۱۲ به نقل از ابو بصیر، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۱۳ ح ۴۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۶۹ ح ۱۶۴۳ به نقل از زراره، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۳ ح ۲۱۱۶ و ۲۱۱۷ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۱۷ ح ۵۵. نیز، ر. ک: علل الشرائع: ص ۳۷ ح ۱ و قصص الأنبياء: ص ۱۱۱ ح ۱۰۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۰ ح ۱۶ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۱۱ ح ۵۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۴ ح ۹، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۱۱ ح ۱۷.

۵- کمال الدین: ص ۴۷۱ ح ۲۴، الغیبه، طوسی: ص ۲۶۱ ح ۲۲۷ به نقل از ابو نعیم محمد بن احمد انصاری، دلائل الامامة: ص ۵۴۴ ح ۵۲۳ به نقل از ابراهیم بن محمد بن احمد انصاری، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۵ ح ۷.

ص: ۱۰۲

۲۰۴. المناقب، ابن شهر آشوب- به نقل از طاووس فقیه-: امام زین العابدین علیه السلام را در حجر دیدم که نماز می‌خواند و چنین دعا می‌کرد: «بنده ناچیز تو، به درگاه توست. اسیر تو، در آستانه توست. نیازمند تو، به درگاه توست. گدای تو، به آستانه توست. نزد تو شکایتی دارد، که بر تو پنهان نیست» و در حدیثی است «مرا از درگاهت باز نگردان». (۱) ۲۰۵. الاصول الستة عشر- به نقل از علی بن مزید بیاع سائری-: امام صادق علیه السلام را در حجر، زیر ناودان دیدم که رو به طرف کعبه، دستان خویش را گشوده بود و چنین دعا می‌کرد:

«خدایا! بر ناتوانی و بیچارگی من، ترحم کن. پروردگارا! مرا از رحمت خویش، دو نصیب عطا کن و از روزی گسترده‌ات بر من بیار و شرّ فاسقان جن و انس و شرّ فاسقان عرب و عجم را از من دور کن.

خدایا! روزی مرا گشاده گردان و بر من سخت مگیر.

خدایا! بر من رحمت آر و عذابم مکن. از من خشنود باش و بر من خشم مگیر. تو شنوای دعا و نزدیک و اجابت کننده‌ای». (۲) ۱۴/

۵

خطیم

۲۰۶. الکافی- به نقل از معاویه بن عمّار-: از امام صادق علیه السلام در باره خطیم پرسیدم. فرمود:

«میان حجر الأسود و در کعبه است».

پرسیدم: چرا به آن، خطیم می‌گویند؟

فرمود: «چون در آن جا مردم همدیگر را فشار می‌دهند». (۳) ۲۰۷. الکافی- به نقل از ابوبلال مکی-: امام صادق علیه السلام را دیدم که بر گرد کعبه طواف کرد. سپس

۱- المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۱۴۸، الارشاد: ج ۲ ص ۱۴۳، روضه الواعظین: ص ۲۱۸ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۶ ح ۱۰؛ سیر اعلام النبلاء: ج ۴ ص ۳۹۳ نحوه.

۲- الاصول الستة عشر: ص ۴۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۹ ح ۱۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۷ ح ۱۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۱۵۷۵، علل الشرائع: ص ۴۰۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۹ ح ۲.

ص: ۱۰۳

میان در کعبه و حجر الأسود، دو رکعت نماز خواند. گفتم: هیچ یک از شما را ندیده‌ام که این جا نماز بخواند! فرمود: «این جا، همان جاست که توبه آدم پذیرفته شد». (۱) ۲۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کنار در کعبه، جبرئیل، دو بار امام جماعت من شد [و من به او اقتدا کردم]. (۲) ۲۰۹. امام صادق علیه السلام- آن گاه که حلبی از ایشان در باره حجر پرسید-: شما آن را حطیم می‌نامید. آن جا محلّ گوسفندان اسماعیل بود و مادرش را آن جا دفن کرد و خوش نداشت که پا بر آن گذاشته شود. پس دور آن را حصاری کشید. قبر پیامبرانی هم در آن جاست. (۳) ر. ک: ص ۱۱۵ (بهترین جای مسجد الحرام).

۶/۴

مُلْتَزَم

(۴)

۲۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس در این ملتزم، چیزی از خدا نخواست، مگر آن که اجابت شد. (۵) ۲۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ملتزم، جایی است که دعا در آن پذیرفته است و هیچ بنده‌ای [در ملتزم] چیزی از خدا نخواست، مگر این که آن را پذیرفت. (۶) ۲۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان رکن و مقام، ملتزم است. هیچ دردمندی آن جا دعا نمی‌کند، مگر آن که بهبود یابد. (۷)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۴ ح ۵، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۹۶ ح ۵۰.

۲- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۵۰، السنن الکبری: ج ۱ ص ۵۳۹ ح ۱۷۱۴، تفسیر الثعلبی: ج ۶ ص ۱۲۲ همگی به نقل از ابن عباس.

۳- السرائر: ج ۳ ص ۵۶۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۰ ح ۵. در این باره، نیز، ر. ک: ثواب الأعمال: ص ۲۴۴ ح ۳.

۴- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۵- الفردوس: ج ۴ ص ۹۴ ح ۶۲۹۲ عن ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۰ ح ۳۴۷۵۸.

۶- إتحاف السادة المتقين: ج ۴ ص ۳۵۴ به نقل از ابن عباس.

۷- المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۲۵۴ ح ۱۱۸۷۳ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۱ ح ۳۴۷۵۹.

ص: ۱۰۴

۲۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آدم، هنگامی که فرود آمد، هفت بار کعبه را طواف کرد. سپس در مقابل در کعبه دو رکعت نماز خواند. آن گاه به ملتزم آمد و چنین گفت: خدایا! تو نهان و آشکارم را می‌دانی. پس پوزشم را بپذیر. و آنچه را که در دل و نزد من است، می‌دانی.

پس گناهانم را ببخشای. و نیازم را می‌دانی. پس خواسته‌ام را عطا کن.

خدایا! از تو ایمانی می‌خواهم که همنشین دلم باشد و یقین راستی [می‌خواهم] تا آن که بدانم جز آنچه برایم نوشته‌ای، به من نخواهد رسید، و [نیز] رضا به آنچه بر من حکم کرده‌ای.

خداوند متعال به او وحی کرد: «ای آدم! دعاهایی کردی و من اجابت کردم. این گونه دعا را هیچ یک از فرزندان نخواهد کرد، مگر آن که اندوه‌ها و گرفتاری‌هایش را برطرف می‌سازم و در باره آنچه از دست داده، کفایتش می‌کنم و تهی‌دستی را از قلبش بیرون می‌کنم و توانگری را میان دو چشمش قرار می‌دهم و در پی تجارت هر تاجری، برای او تجارت می‌کنم [و به او سود می‌دهم] و دنیا به حالت خوار، سراغ او می‌آید، هر چند خودش آن را نخواهد». (۱) ۲۱۴. امام صادق علیه السلام: چون آدم، خانه خدا را طواف کرد و به ملتزم رسید، جبرئیل علیه السلام به او گفت:

«ای آدم! در این مکان به گناهان خویش در برابر خدا اعتراف کن» پس خداوند عز و جل به او وحی کرد: «ای آدم! گناه تو را آمرزیدم».

گفت: پروردگارا! برای فرزندان و ذریه‌ام [را نیز]؟

خداوند عز و جل به او وحی کرد: ای آدم! هر یک از ذریه تو که این جا بیاید و به گناهانش اقرار کند و توبه نماید، همچنان که تو توبه کردی، و سپس آمرزش بخواهد، او را می‌آمرزم». (۲)

۱- أخبار مکّه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۹ به نقل از بریده وص ۳۴۸ به نقل از عبد الله بن ابی سلیمان مولی بنی مخزوم بدون نسبت دادن به سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله، کنز العمال: ج ۵ ص ۵۷ ح ۱۲۰۳۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۴ ح ۳، قصص الأنبياء: ص ۴۷ ح ۱۴ هر دو به نقل از جمیل بن صالح، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۱۷۹ ح ۲۹.

ص: ۱۰۵

۲۱۵. امام علی علیه السلام: کنار ملتزم، به گناهان خویش، چه آنچه در یاد دارید، یا آنچه یادتان نیست، اقرار کنید و بگویید: «آنچه را که نگهبانان تو از گناهان ما حفظ کرده‌اند و ما فراموش کرده‌ایم، ببخشای». همانا هر کس در این جایگاه، به گناه خود اعتراف کند و آنها را بر شمارد و یادآوری کند و از خداوند آمرزش بطلبد، بر خداوند عز و جل است که او را بیامرزد. (۱) ۲۱۶. امام صادق علیه السلام: هر گاه امام زین العابدین علیه السلام کنار ملتزم می‌آمد، می‌گفت: «خدایا! مرا گروه‌هایی از گناهان و گروه‌هایی از خطاهاست و نزد تو گروه‌هایی از رحمت و آمرزش. ای کسی که دعای مبعوض‌ترین افراد نزد خود را اجابت کرد، آن گاه که گفت: (أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ؛ (۲)

خدایا! مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند، مهلت بده)؛ دعای مرا هم مستجاب کن و با من چنین و چنان کن...» (۳) ۲۱۷. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - هر گاه امام صادق علیه السلام به ملتزم می‌رسید، به غلامانش می‌فرمود: «از من فاصله بگیرید، تا در این مکان، نزد پروردگارم به گناهانم اقرار کنم.

این جا، جایی است که هیچ بنده‌ای به گناهان خود نزد پروردگارش اعتراف نکرد و از خدا آمرزش نخواست، مگر آن که خداوند، او را آمرزید». (۴) ۲۱۸. امام صادق علیه السلام: هر گاه از طواف خود، فارغ شدی و به آخر کعبه - در مقابل مستجار، اندکی به رکن یمانی مانده - رسیدی، دستان خود را بر کعبه بگستر، شکم (بدن). خویش را به آن بچسبان و صورتت را بر کعبه بگذار و بگو: «خدایا! خانه، خانه توست. بنده، بنده توست و این جا، جایگاه کسی است که از دوزخ به تو پناه می‌آورد».

سپس نزد پروردگار به آنچه کرده‌ای، اقرار کن. به یقین، هیچ بنده مؤمنی نیست که

۱- الخصال: ص ۶۱۷ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۴ ح ۳.

۲- الأعراف: ۱۴.

۳- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۴۱ ح ۱۲ به نقل از أبان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۶ ح ۹.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۰ ح ۴، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۲۴ ح ۱۷۹۱۵.

ص: ۱۰۶

در این جا به گناهان خود در مقابل خدا اقرار کند، مگر آن که خدا او را می‌آمرزد، اگر بخواهد. و می‌گویی: «خدایا! رحمت و گشایش و عافیت، از جانب توست. خدایا! عمل من اندک است. آن را برایم بیفزای و آنچه را که تو از آن آگاهی و بر مردم پوشیده است، ببخشای.»

آن گاه از آتش، به خدا پناه می‌بری و [سپس] هر چه می‌خواهی، برای خود دعا کن؛ سپس رکن یمانی را لمس کن و سراغ حجر الأسود برو. (۱) ر. ک: ص ۱۹۹ (ادب طواف). و ص ۲۱۰ (دعاهای طواف).

۷/۴

مُسْتَجَار

مُسْتَجَار (۲)

۲۱۹. امام صادق علیه السلام: ابراهیم، کعبه را ساخت ... و برای آن، دو در قرار داد: دری به مشرق و دری به مغرب. مستجار، دری است که رو به مغرب است. (۲) ۲۲۰. امام زین العابدین علیه السلام: آدم چون به زمین فرود آمد، کعبه را طواف نمود. کنار مستجار که رسید، به کعبه نزدیک شد و دستان خود را به سوی آسمان، بلند کرد و گفت:

پروردگارا! مرا ببخشای.

ندا آمد: «تو را بخشودم».

گفت: خدایا! فرزندانم را نیز.

ندا آمد: «ای آدم! هر یک از فرزندان تو که سراغ من آید و گناه خویش را این جا آورد، گنااهش را می‌آمرزم». (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۱ ح ۵ به نقل از معاویه بن عمّار و ص ۴۱۰ ح ۳ به نقل از عبد الله بن سنان تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۲۴ ح ۱۷۹۱۴.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۳- تفسیر القمّی: ج ۱ ص ۶۲، مجمع البیان: ج ۱ ص ۳۹۱ هر دو به نقل از هشام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸ ح ۱۵.

۴- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۳۱ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۶ ح ۱۹.

ص: ۱۰۷

۲۲۱. قرب الإسناد- به نقل از علی بن جعفر-: برادرم [موسی بن جعفر علیه السلام] را دیدم که دو یا سه طواف می کرد (هر کدام، هفت دور). و طواف‌ها را به هم می پیوست، جز این که در مستجار می ایستاد و سر هر هفت دور، دعا می کرد و سراغ حجر الأسود می آمد و آن را لمس می کرد. سپس طواف می کرد. (۱) ر. ک: ص ۱۰۳ (مُلتزم).

۸ / ۴

رکن یمانی

(۲) السنن الکبری- به نقل از جابر بن عبد الله-: پیامبر خدا، حجر الأسود را لمس کرد و بوسید و رکن یمانی را لمس کرد و دست خود را بوسید. (۳) ۲۲۳. المستدرک علی الصحیحین- به نقل از ابن عباس-: پیامبر خدا، رکن یمانی را بوسید و صورت خود را بر آن نهاد. (۴) ۲۲۴. المصنّف، ابن ابی شیبّه- به نقل از مجاهد-: پیامبر خدا، رکن یمانی را می بوسید و صورت بر آن می نهاد. (۵) ۲۲۵. المستدرک علی الصحیحین- به نقل از ابن عمر-: پیامبر خدا هر گاه خانه خدا را طواف می کرد، در هر طواف دست بر حجر الأسود و رکن می کشید. (۶) ۲۲۶. أخبار مکّه، ازرقی- به نقل از عطاء-: به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: ای پیامبر خدا! دیده‌ایم که زیاد

۱- قرب الإسناد: ص ۲۴۱ ح ۹۵۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۷ ح ۶.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۳- السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۹۲۳۵، تاریخ دمشق: ج ۴۰ ص ۳۶۷ ح ۸۱۳۰، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۸۰ ح ۱۲۵۲۸.

۴- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۲۶ ح ۱۶۷۵، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۱۷ ح ۲۷۲۷، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۹۰ ح ۲۴۲، مسند ابی یعلی: ج ۳ ص ۱۰۱ ح ۲۵۹۸، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۲۱۵ ح ۶۳۸.

۵- المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج ۴ ص ۵۰۰ ح ۱، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۹۲۳۶ به نقل از ابن عباس تقریباً با همان الفاظ، اخبار مکّه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۳۸، کنز العمال: ج ۷ ص ۹۳ ح ۱۸۱۲۰.

۶- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۲۶ ح ۱۶۷۶، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۱۶ ح ۲۷۲۳، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۳۱ تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۷ ص ۹۳ ح ۱۸۱۲۴.

ص: ۱۰۸

بر رکن یمانی دست می‌کشی!

فرمود: «هرگز نزد رکن یمانی نیامدم، مگر آن که جبرئیل، کنار آن ایستاده بود و برای هر که آن را لمس می‌نمود، طلب آمرزش می‌کرد». (۱) ۲۲۷. صحیح البخاری- به نقل از ابن عمر:- ندیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله از خانه خدا جز دو رکن یمانی را لمس کند. (۲) ۲۲۸. المصنّف، عبد الرزاق- به نقل از ابن عمر- پیامبر خدا رکن یمانی و رکن حجر الأسود را لمس می‌کرد و غیر از این دو را لمس نمی‌کرد. (۳) ۲۲۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا جز رکن حجر الأسود و رکن یمانی را لمس نمی‌کرد. سپس این دو رکن را می‌بوسید و صورت بر آنها می‌گذاشت. پدرم را نیز دیدم که چنین می‌کرد. (۴) ۲۳۰. سنن ابن ماجه- به نقل از حمید بن ابی سؤیه:- شنیدم که ابن هشام از عطاء بن ابی رباح- که کعبه را طواف می‌کرد- از رکن یمانی پرسید.

عطاء گفت: ابو هریره به من گفته که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هفتاد فرشته بر آن گماشته شده‌اند. هر گاه کسی بگوید: "خداوندا! من، بخشایش و عافیت در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم. خدایا! در دنیا به ما حسنه ببخش و در آخرت به ما حسنه عطا کن و ما را از عذاب آتش ننگه دار، " آنان می‌گویند: آمین».

[ابن هشام] چون به رکن حجر الأسود رسید، گفت: ای ابو محمّد! در باره این رکن حجر الأسود، به تو چه [حدیثی] رسیده است؟ عطاء گفت: ابو هریره نقل کرد که از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده که می‌فرمود: «هر کس با حجر الأسود دست دهد، با دست [خدای] رحمان، دست داده [و بیعت کرده] است». (۵)

۱- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۳۸.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۸۳ ح ۱۵۳۱، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۲۴ ح ۲۴۲، سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۱۷۵ ح ۱۸۷۴، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۳۲.

۳- المصنّف، عبد الرزاق: ج ۵ ص ۴۳ ح ۸۹۳۷، حلیه الأولیاء: ج ۸ ص ۲۰۳ ح ۴۰۸.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۵ ح ۳۴۱ هر دو به نقل از غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۴۱۸ ح ۱۷۸۸۹.

۵- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۵ ح ۲۹۵۷، المعجم الاوسط: ج ۸ ص ۲۰۱ ح ۸۴۰۰، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۱۹ ح ۳۴۷۵۳.

ص: ۱۰۹

۲۳۱. الکافی- به نقل از ابو مریم:- با امام باقر علیه السلام مشغول طواف بودم. در هیچ یک از طواف‌هایش به رکن یمانی نمی‌رسید، مگر آن که آن را لمس می‌کرد و سپس می‌گفت: «خدایا! به سویم باز گرد [و توفیقی ده] تا توبه کنم و مرا نگه‌دار تا دوباره به گناه برنگردم». (۱) ۲۳۲. امام صادق علیه السلام: رکن یمانی، دری از درهای بهشت است. خداوند، آن را از وقتی که گشوده، نبسته است. (۲) ۲۳۳. امام صادق علیه السلام: رکن یمانی، در ماست که از این در، وارد بهشت می‌شویم. (۳) ۲۳۴. الکافی- به نقل از زید شحام (ابو اسامه):- با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم. هر گاه به حجر الأسود می‌رسید، دست به آن می‌کشید و آن را می‌بوسید و هر گاه به رکن یمانی می‌رسید، خود را به آن می‌چسباند. گفتم: فدایت شوم! به حجر الأسود دست می‌کشی؛ ولی خود را به رکن یمانی می‌چسبانی؟

فرمود: «پیامبر خدا فرمود: "هرگز سراغ رکن یمانی نیامدم، مگر آن که جبرئیل را دیدم که پیش از من، خود را به آن چسبانده است." (۴) ۲۳۵. امام صادق علیه السلام- آن گاه که از کنار رکن یمانی می‌گذشت:- در این جا فرشته‌ای است که شنوایی اهل زمین، به او داده شده است. هر کس وقتی به این جا می‌رسد بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، درود او را به پیامبر می‌رساند. (۵) ۲۳۶. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل، فرشته ذکرگویی را بر رکن یمانی مأمور ساخته که دعاهای شما را آمین می‌گوید. (۶) ر. ک: ص ۱۹۹ (ادب طواف). و ص ۲۱۰ (دعاهای طواف).

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۹ ح ۱۴، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۱۶ ح ۱۷۸۸۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۹ ح ۱۳ به نقل از معاویه بن عمّار، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۶ ح ۳۴۴ به نقل از ابو فرج سندی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۱ و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۵۴ ح ۱۱؛ اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۳۸.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۰، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۹۸، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۱۹ ح ۱۷۸۹۵.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۱۰، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۱۹ ح ۱۷۸۹۰.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۹ ح ۱۶ به نقل از حفص بن بختری، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۱۸ ح ۱۷۸۸۷.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۸ ح ۱۱ و ۱۲ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از علاء بن مقعد، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۲۱ ح ۱۷۹۰۱.

ص: ۱۱۰

۹ / ۴

زمزم

الف- نام‌های آن

۲۳۷. امام صادق علیه السلام: نام‌های زمزم، عبارت‌اند از: قدمگاه جبرئیل، چاه اسماعیل، چاه عبد المطلب، زمزم، بَرّه (پُر خیر و سودمند)، مَضنونه (نفیس و ارزشمند)، رَواء (مایه سیرابی و آبرو)، شُبعه (سیر کننده)، طعام، مَطْعَم، شفای بیماری. (۱) ۲۳۸. امام صادق علیه السلام: نام‌های زمزم، عبارت‌اند از: قدمگاه جبرئیل، آبخوری اسماعیل، چاه عبد المطلب، زمزم، مورد بخل واقع شده، آبخور، غذای پر برکت، و شفای بیماری (۲). (۳) ۲۳۹. امام صادق علیه السلام- در یاد کرد قصه هاجر-: چون روز بالا آمد، اسماعیل، تشنه شد و آب طلبید. هاجر در وادی محلّ سعی ایستاد و ندا داد: آیا در این وادی، همدمی هست؟ و اسماعیل از چشم هاجر، پنهان بود.

هاجر، به بلندی صفا رفت. سراب وادی، در نظرش درخشید و پنداشت که آب است. به وادی، فرود آمد و دوید. چون به محلّ سعی رسید، [هنوز] اسماعیل از نظرش ناپدید بود.

این بار، سراب در سوی صفا بر او جلوه کرد. باز هم در پی آب، به وادی فرود آمد و باز هم اسماعیل از نظرش ناپدید بود. دوباره به صفا بازگشت و نگاه کرد. این کار را هفت بار انجام داد. نوبت هفتم که او بر فراز مروه بود، به اسماعیل نگریست، در حالی که از زیر پایش آب، آشکار شده بود. [هاجر] بازگشت و ریگ‌ها را دور آن جمع کرد. چون آب در جریان بود، با آنچه اطرافش قرار داد، آب را جمع کرد. از این

۱- الخصال: ص ۴۵۵ ح ۳ به نقل از معاویه بن عمار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۳ ح ۷.

۲- در معجم البلدان، نام‌های دیگری همچون این نام‌ها برای زمزم، ذکر شده است: تُكْتَم (پنهان/مکتوم)، شباعه (لبریز)، طَیبه، مکتومه، مکنونه، و چند نام دیگر که جویندگان می‌توانند آنها را در کتاب سُبُل الّهْدی والرشاد ببینند. م.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۵ ح ۴۷۹ به نقل از معاویه بن عمار.

ص: ۱۱۱

رو «زمزم» (۱) نامیده شد. (۲)

ب- پیدایش آن

۲۴۰. مسند ابن حنبل - به نقل از ابی بن کعب: چون جبرئیل علیه السلام با پاشنه خود به زمزم زد، مادر اسماعیل، شن‌ها را بر گرد آن، جمع کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند، هاجر، مادر اسماعیل، را رحمت کند! اگر زمزم را به حال خود گذاشته بود، به آبی جاری تبدیل می‌شد [و آبگیر زمزم، پدید نمی‌آمد]. (۳) ۲۴۱. امام صادق علیه السلام: چون ابراهیم روی گرداند [که باز گردد]، هاجر گفت: ای ابراهیم! ما را به که وا می‌گذاری؟

گفت: شما را به خدای این بنا می‌سپارم.

چون آب تمام شد و آن کودک تشنه گشت، هاجر بیرون شد، تا آن که بر فراز صفا رفت و ندا داد: آیا در این وادی‌ها کسی هست؟

سپس فرود آمد، تا آن که به مروه رسید و همان گونه ندا داد. سپس در حال بازگشت به نزد فرزندش بود که ناگهان دید در زیر پاشنه اسماعیل، آب است. آب‌ها را جمع کرد و آب، همان جا رسوب کرد [و چشمه شد] و اگر آن را وا گذاشته بود، جاری می‌شد. (۴) ۲۴۲. امام صادق علیه السلام: چون ابراهیم علیه السلام اسماعیل را در مکه جا گذاشت، کودک تشنه شد. میان صفا و مروه درختی بود. مادرش بیرون شد، تا آن که بر صفا ایستاد و گفت: آیا در این دشت کسی هست؟

۱- ماده «زَمَّ» در عربی، به معنای: جلوی چیزی را گرفتن، نگه داشتن و جمع کردن است.

۲- تفسیر القمّی: ج ۱ ص ۶۱ به نقل از هشام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷ ح ۱۵.

۳- مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۲۱ ح ۲۱۱۸۳، السنن الکبری، نسایی: ج ۵ ص ۹۹ ح ۸۳۷۶ و ۸۳۷۷ هر دو تقریباً با همان الفاظ، صحیح ابن حبان: ج ۹ ص ۲۶ ح ۳۷۱۳، تاریخ دمشق: ج ۷۰ ص ۱۴۵ ح ۱۳۸۴۱، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۶ ح ۳۴۷۸۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۱ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۱۶ ح ۴۹.

ص: ۱۱۲

کسی پاسخش را نداد. رفت تا به مروه رسید و گفت: آیا در این وادی، همدمی هست؟

پاسخی نشنید. دوباره به صفا باز گشت و همان را گفت و این کار را هفت بار انجام داد. از این رو، خداوند آن را سنت قرار داد.

جبرئیل، نزد هاجر آمد و پرسید: کیستی؟

گفت: کنیز ابراهیم.

گفت: به امید چه کسی شما را این جا وا گذاشته است؟

گفت: اگر چنین می‌گویی، [من نیز] به او هنگامی که خواست برود، گفتم: ای ابراهیم! ما را به که سپردی؟ و او گفت: به خدای عزوجل.

جبرئیل گفت: شما را به کسی سپرده است که شما را بس است.

مردم از عبور از مکه پرهیز داشتند؛ چون آب نبود. کودک با پای خود به زمین زد و زمزم جوشید. هاجر از مروه به سوی کودک باز گشت، در حالی که آب جوشیده بود.

شروع کرد به جمع کردن خاک در اطراف آب، تا جاری نشود و اگر آن را وا گذاشته بود، آب جاری می‌شد.

چون پرندگان آب را دیدند، بر گرد آن جمع شدند. کاروانی از یمن به قصد سفر گذشت. چون کاروانیان، پرندگان را دیدند،

گفتند: پرندگان جز پیرامون آب، جمع نمی‌شوند. پس نزد آنان آمدند و به آنان آب و غذا دادند و خداوند عزوجل به این وسیله

روزی ایشان را جاری ساخت. مردم از مکه عبور می‌کردند و از طعام به آنان می‌خوراندند و از آب، سیرابشان می‌کردند. (۱) ۲۴۳.

امام علی علیه السلام: در حالی که عبد المطلب در حجر، خواب بود، در خواب به او گفته شد: بزه را حفر کن.

گفت: «بزه چیست؟» که از نزد او رفت.

فردا وی باز در همان جا خوابیده بود که در خواب، کسی نزد او آمد و گفت:

مضمونه را حفر کن.

گفت: «مضمونه چیست؟» که باز هم رفت.

روز بعد هم [به همان جا] بر گشت و در خوابگاهش خوابید. باز کسی نزد او آمد و گفت: طئیه را حفر کن.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۲ ح ۲، علل الشرائع: ص ۴۳۲ ح ۱ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۰۶ ح ۱۹.

ص: ۱۱۳

گفت: «طیبه چیست؟» که باز هم رفت.

فردا که شد، وی به خوابگاه خود برگشت و آن جا خوابید. کسی نزد او آمد و گفت:

زمزم را حفر کن.

گفت: «زمزم چیست؟».

گفت: نه خشک می‌شود و نه آبش کم می‌گردد. و آن گاه جایش را برای او توصیف کرد. [عبد المطلب] برخاست و همان جا را

که برایش توصیف کرده بود، کند. قریش گفتند: ای عبد المطلب! این، چه کاری است؟

گفت: «به حفر زمزم، مأمور شده‌ام».

پس چون خاک را کنار زد و آب را دیدند، گفتند: ای عبد المطلب! ما هم همراه تو در آن، سهمی داریم؛ چرا که این، چاه پدرمان

اسماعیل است.

گفت: «این، از آن شما نیست. تنها از آن من است». (۱)

ج - فضیلت آن

۲۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب زمزم، شفای هر دردی است. (۲) ۲۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب زمزم، به همان

انگیزه‌ای که نوشیده می‌شود [، اثر گذار است]. اگر آن را به قصد شفای خود بنوشی، خدا شفایت می‌دهد، و اگر به قصد

پناهجویی بیاشامی، خدا پناحت می‌دهد، و اگر به قصد سیراب شدن بنوشی، تشنگی‌ات را بر

۱- سیره ابن إسحاق: ج ۱ ص ۳ به نقل از عبد الله بن زبیر غافقی، السیره النبویه، ابن هشام: ج ۱ ص ۱۵۱، نیز، ر. ک: دلائل النبوه،

بیهقی: ج ۱ ص ۸۵ و الکامل فی التاریخ: ج ۱ ص ۴۵۴ و البدایه و النهایه: ج ۲ ص ۲۴۴ و تاریخ یعقوبی: ج ۱ ص ۲۴۶ و الکافی: ج

۴ ص ۲۱۹ ح ۶ و کنز الفوائد: ج ۱ ص ۲۳۳.

۲- الاصابه: ج ۸ ص ۲۱۷ ش ۱۱۴۲۲، الفردوس: ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۶۴۷۱ هر دو به نقل از صفیه، کنز العمّال: ج ۱۲ ص ۲۲۵ ح

۳۴۷۷؛ الکافی: ج ۶ ص ۳۸۷ ح ۴، المحاسن: ج ۲ ص ۳۹۹ ح ۲۳۹۶، طب الائمه علیهم السلام: ص ۵۲ در سه منبع اخیر به نقل از

اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۳۳۷ ح ۱۰۸۵ به نقل از امام صادق علیه السلام، الفقه

المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام: ص ۳۴۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۴ ح ۱۴.

ص: ۱۱۴

طرف می‌کند. (۱) ۲۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب زمزم، شفای دردی است که به خاطر آن نوشیده شود. (۲) ۲۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب زمزم، بهترین آب روی زمین است. (۳)

د- نوشیدن آب آن

۲۴۸. المحاسن- به نقل از ابو ایوب مدائنی، از یکی از اصحاب که سند حدیث را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است:- ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام). هر گاه از آب زمزم می‌نوشید، می‌فرمود: «به نام خدا. ستایش، برای خداست. شکر، برای خداست». (۴) ۲۴۹. امام صادق علیه السلام: هر گاه کسی از طواف خود فارغ شد و دو رکعت نماز خواند، نزد زمزم برود و یک یا دو دلو آب بکشد و از آن بنوشد و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید: «خداوندا! این را علمی سودمند و روزی‌ای گسترده و درمان از هر درد و بیماری قرار بده» و سپس نزد حجر الأسود بر گردد. (۵)

۱- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۴۶ ح ۱۷۳۹، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۸۹ ح ۲۳۸، تفسیر القرطبی: ج ۹ ص ۳۷۰، الفردوس: ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۶۴۷۰ همگی به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۴ ح ۳۴۷۷۵.

۲- الکافی: ج ۶ ص ۳۸۷ ح ۵ به نقل از ابن قداح از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۴ به نقل از امام صادق علیه السلام، المحاسن: ج ۲ ص ۳۹۹ ح ۲۳۹۵ به نقل از ابن قداح از امام صادق علیه السلام از پدران علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۴ ح ۱۳؛ الفردوس: ج ۴ ص ۱۵۲ ح ۶۴۷۰ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۵ ح ۳۴۷۷۷.

۳- المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۱۷۹ ح ۳۹۱۲، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۸۱ ح ۱۱۱۶۷ هر دو به نقل از ابن عباس، الفردوس: ج ۲ ص ۱۸۳ ح ۲۹۲۲ به نقل از حذیفه، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۵ ح ۳۴۷۷۹؛ الکافی: ج ۶ ص ۳۸۶ ح ۳ به نقل از ابن قداح از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام، المحاسن: ج ۲ ص ۳۹۹ ح ۲۳۹۴ به نقل از ابن قداح از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از امام علی علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۴ ح ۱۲.

۴- المحاسن: ج ۲ ص ۴۰۰ ح ۲۴۰۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۵ ح ۱۶.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۰ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۴ ح ۴۷۶ هر دو به نقل از حلبی، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۵۱۵ ح ۱۸۲۴۱.

ص: ۱۱۵

۲۵۰. علی بن مهزیار: امام جواد علیه السلام را در شب زیارت دیدم. طواف نساء را انجام داد و پشت مقام، نماز خواند. سپس وارد زمزم شد و به دست خود با دلوی که نزدیک حجر الاسود بود آب کشید و نوشید و بر بخشی از تنش ریخت. سپس دو بار به درون زمزم سرکشید [و نگریست]. یکی از یاران ما به من خبر داده که سال بعد نیز او را دیده که چنین کرده است. (۱)

هـ- اهدای آب زمزم

۲۵۱. امام باقر علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی در مدینه بود، درخواست می نمود که از آب زمزم برایش هدیه بیاورند. (۲) ۱۰ / ۴

بهترین جای مسجد الحرام

۲۵۲. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از ابو حمزه ثمالی-: امام زین العابدین علیه السلام به ما فرمود: «کدام قطعه زمین، برتر است؟».

گفتم: خدا و پیامبرش و فرزند پیامبرش داناترند.

فرمود: «بهترین قطعه زمین، میان رُکن و مقام است». (۳) ۲۵۳. ثواب الأعمال- به نقل از میسر، در بیان سؤالاتی که امام باقر علیه السلام از اصحاب خود پرسید-:

امام علیه السلام فرمود: «آیا می دانید کدام قطعه زمین، در نزد خداوند بامنزلت تر است؟».

هیچ یک از ما پاسخی نگفت. خود ایشان، پاسخ خود را چنین داد: «آن، مکه است که خداوند، آن را به عنوان حرم خویش، پسندیده و خانه خود را در آن قرار داده است» و سپس فرمود: «آیا می دانید که در نزد خداوند، حرمت کدام مکان مکه، بیشتر است؟».

کسی از ما چیزی نگفت. باز ایشان خود، پاسخ را چنین فرمود: «آن، مسجد الحرام

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۰ ح ۳، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۵۱۵ ح ۱۸۲۴۲.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۷۱ ح ۱۶۵۷، المحاسن: ج ۲ ص ۴۰۰ ح ۲۳۹۹ هر دو به نقل از ابن قَدّاح از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۶ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۴ ح ۱۵.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۵ ح ۲۳۱۳، ثواب الأعمال: ص ۲۴۳ ح ۲، الأمالی، طوسی: ص ۱۳۲ ح ۲۰۹، المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۴ ح ۲۷۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۹ ح ۱.

ص: ۱۱۶

است» و سپس پرسید: «آیا می‌دانید حرمت کجای مسجد الحرام، بیشتر است؟». کسی از ما پاسخ نداد. خود ایشان فرمود: «میان رکن حجر الأسود و مقام ابراهیم و در کعبه. این جایگاه، خطیم اسماعیل است. آن، جایی است که اندک گوسفندان را غذا می‌داد و در آن، نماز می‌خواند». (۱) ۲۵۴. الکافی - به نقل از ابو عبیده: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا نماز در همه جای حرم، یکسان است؟ فرمود: «ای ابو عبیده! نماز در همه جای مسجد الحرام، یکسان نیست. چگونه در همه جای حرم، یکسان باشد؟». پرسیدم: پس کدام جایش برتر است؟ فرمود: «میان در کعبه و حجر الأسود». (۲) ۲۵۵. امام صادق علیه السلام: اگر برایت فراهم شد که همه نمازهای واجب و غیر واجب را در خطیم بخوانی، بخوان؛ چرا که برترین جای نقطه روی زمین است. (۳) ۲۵۶. الکافی - به نقل از زراره: از امام علیه السلام پرسیدم: مردی در مکه نماز می‌خواند. رو به قبله می‌ایستد؛ ولی مقام ابراهیم را پشت سر خود قرار می‌دهد. فرمود: «اشکالی ندارد. می‌تواند هر جای مسجد نماز بخواند، جلوی مقام یا پشت آن، و بهترین جا، خطیم و کنار مقام است و خطیم، مقابل در کعبه است». (۴) ۲۵۷. الکافی - به نقل از حسن بن جهم: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: کدام جای مسجد الحرام برای نماز خواندن، برتر است؟

۱- ثواب الأعمال: ص ۲۴۴ ح ۳، المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۵ ح ۲۷۱، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۳۳ ح ۴۱، بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۱۷۷ ح ۲۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۵ ح ۲، وسائل الشیعه: ج ۳ ص ۵۳۹ ح ۶۵۳۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹ ح ۲۱۷۰، مجمع البیان: ج ۲ ص ۷۹۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۱ ح ۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۶ ح ۹.

ص: ۱۱۷

فرمود: «حطیم، میان حجر الأسود و درِ کعبه».

گفتم: در مرتبه بعد، کجا برتر است؟

فرمود: «کنار مقام ابراهیم».

پرسیدم: در مرتبه بعد، کجا؟

فرمود: «داخل حجر».

پرسیدم: پس از آن، کجا؟

فرمود: «هر جا که به کعبه نزدیک تر باشد». (۱) ۱۱ / ۴

مدفن پیامبران در مسجد الحرام

۲۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از میان پیامبران، هر پیامبری که امتش هلاک می‌شدند، به مکه می‌آمد و با همراهانش تا زمان مرگ، در آن به عبادت می‌پرداختند.

نوح، هود، صالح و شعیب، در مکه از دنیا رفتند و قبرهاشان میان زمزم و حجر الأسود است. (۲) ۲۵۹. امام باقر علیه السلام: مابین رکن و مقام، پُر است از قبور پیامبران. آدم نیز در حرم خدای عزوجل است. (۳) ۲۶۰. امام صادق علیه السلام: میان رکن یمانی و حجر الأسود، هفتاد پیامبر، مدفون‌اند. (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۲۵ ح ۱، وسائل الشیعه: ج ۳ ص ۵۳۸ ح ۶۵۲۸.

۲- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۶۸، تفسیر القرطبی: ج ۲ ص ۱۳۰، الدر المنثور: ج ۱ ص ۳۲۷ به نقل از جندی تقریباً با همان الفاظ و البته این روایت، با روایات دیگری که مدفن نوح علیه السلام و هود علیه السلام را جای دیگری می‌دانند، تعارض دارد. در این باره، ر. ک: تاریخ یعقوبی: ج ۱ ص ۲۷۰، وسائل الشیعه: ج ۱۴ ص ۳۹۷ باب ۳۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۴ ح ۷ عن جابر، بحار الأنوار: ج ۱۱ ص ۲۶۰ ح ۴.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۴ ح ۱۰ به نقل از معاویه بن عمّار دهنی، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۴۶۴ ح ۳۴.

ص: ۱۱۹

تحقیقی در باره مکان‌های مقدّس در مسجد الحرام (۱) ۱. حَطِیم: بخشی از مسجد الحرام و مقدّس‌ترین مکان آن است (۲) که حدود آن، عبارت‌اند از: رکن حجر الأسود، درِ کنونی کعبه و مقام ابراهیم. (۳) این منطقه، پر از دحام است و مردم برای استلام حجر و رسیدن به درِ کعبه (جهت دعا و وداع)، یکدیگر را می‌کنند و از این رو، آن را «حَطِیم» نامیده‌اند؛ یعنی جایی که به همدیگر فشار می‌آورند و یکدیگر را له می‌کنند.

۲. مُلتَزَم: که به آن «مُتَعَوِّذ» (۴) و «المَدعی» (۵) هم می‌گویند، بخشی از دیوار پشت کعبه است که در نزدیکی رکن یمانی و تقریباً روبه‌روی درِ کنونی قرار دارد. این موضوع، مورد اتفاق عالمان و فقیهان شیعه است (۶)؛ ولی نزد محدّثان اهل سنت، اختلافی است:

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۵).

۲- ر. ک: ص ۱۱۵ (بهترین جای مسجد الحرام).

۳- ثواب الاعمال: ص ۲۴۴ ح ۳، علل الشرائع: ص ۴۰۰ باب ۱۴۱.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۰ ح ۳، تهذیب الاحکام: ج ۵ ص ۱۰۷ ح ۳۴۷.

۵- اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۷.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۲ ح ۳ و ص ۴۱۰، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۷ و ۱۰۸ ح ۳۵۰، دعائم الاسلام: ج ۱ ص ۳۱۴، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۳۲۷ ح ۹۷ (بیان ذیل حدیث)، مدارک الأحکام: ج ۸ ص ۱۶۳، جواهر الکلام: ج ۷ ص ۱۹۱ مرحوم علامه مجلسی در مورد «ملتزم» می‌نویسد: ملتزم، همان «مستجار» است که مستحب است الترام و چسباندن شکم به آن و دعا در نزد آن. و نیز گفته شده: مراد از ملتزم، همان حجر الأسود است و یا ما بین حجر و درِ کعبه یا آستانه در را گویند. گویا بعضی از این اقوال، از کلام صاحب المصباح جالمنیرج گرفته شده که گفته است: «التزمتُه» یعنی اعتنقتُه (او را در آغوش گرفتم). و به همین جهت، ما بین درِ کعبه و حجر الأسود را ملتزم گویند؛ زیرا مردم، سینه‌های خود را به آن می‌چسبانند» ایشان ملتزم را به آن جهت این‌گونه تفسیر کرده که: اهل سنت، وقوف در نزد مستجار را مستحب نمی‌دانند و این جاستحباب ج از اختصاصات شیعه است و آنچه وی به عنوان «ملتزم» تفسیر کرده، همان «حطیم» در نزد ماست، و این‌گونه تفاسیر، ناشی از عدم آشنایی با اخبار و روایات است (بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۳۲۷).

ص: ۱۲۰

برخی آن را میان رکن و مقام ابراهیم (۱) می‌پندارند و بسیاری نیز آن را میان درِ کنونی کعبه و رکن حجر الأسود (۲) می‌دانند. احتمالاً منشأ این قول، التزام و دعا و مناجات پیامبر صلی الله علیه و آله در این مکان بوده است. شیعه نیز دعا کردن در این نقطه (بین در و رکن حجر) را بویژه هنگام وداع، مستحب می‌داند.

۳. مُسْتَجَار: درِ غربی کعبه است که حضرت ابراهیم علیه السلام آن را در پشت کعبه بنا نهاد و قریش، هنگام تجدید بنای کعبه، آن را مسدود کردند. جای این در، کنار مُلتَزَم است و آداب و دعاهای ویژه آن نیز همان دعاها و آداب ملتزم است. از این رو، محدثان و فقیهان، آن را با ملتزم، یکی دانسته‌اند. تنها یک روایت، با سندی نامعتبر، مستجار را میان حجر الأسود و در کعبه دانسته است.

۱- المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۲۵۴ ح ۱۱۸۷۳، کنز العمال: ح ۳۴۷۵۹.

۲- الموطأ: ج ۱ ص ۴۲۴ ح ۲۵۱، سنن أبي داود: ج ۲ ص ۱۸۱ ح ۱۸۹۹، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۷ ح ۲۹۶۲، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۲۹۴/ فصل عبد الرحمان بن صفوان، اخبار مکه، فاکهی: ج ۱ ص ۱۶۰، اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۷ و ۳۴۹.

ص: ۱۲۱

۱۲/۴

آرایش و پوشش کعبه

نشانه‌های خدا در کعبه

۲۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به عثمان - من فراموش کردم به تو فرمان دهم که روی دو شاخ [گوسفندی که فدیة اسماعیل شد] را بپوشانی؛ چرا که سزاوار نیست در خانه چیزی باشد که نمازگزار را مشغول کند. (۱) ۲۶۲. امام صادق علیه السلام: آدم علیه السلام کسی بود که کعبه را ساخت و بنیان آن را نهاد و اولین کسی بود که آن را با مو پوشاند و اولین کسی بود که حج گزارد. سپس تُبَع، پس از آدم، آن را با پوشش چرمین پوشاند. سپس ابراهیم علیه السلام آن را با پوششی بافته شده از شاخ و برگ خرما پوشاند و نخستین کسی که بر آن جامه پوشاند، سلیمان بن داوود علیهما السلام بود، که با پارچه سفید قبطی، آن را پوشاند. (۲) ۲۶۳. أخبار مکه، ازرقی - به نقل از ابن ابی مُلَیکه - پوشش‌های زیادی از پوشش‌های اهل جاهلیت بر کعبه بود، مانند: پوشش چرمی، جامه‌ها، عباها و نمدها، که روی هم انباشته شده بودند. (۳) ۲۶۴. أخبار مکه، ازرقی - به نقل از اسماعیل بن ابراهیم بن ابی حبیبه، از پدرش - در جاهلیت، با پوشش‌های چرمی، کعبه را پوشانده بودند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله با پارچه‌های یمنی، آن را پوشاند. سپس عمر و عثمان، آن را با پارچه‌های قبطی پوشاندند. آن گاه حجاج، با دیبا آن را پوشاند، و گویند اولین کسی که بر کعبه دیبا پوشاند، یزید بن معاویه بود، و گویند ابن زبیر یا عبد الملک مروان بود. (۴)

۱- سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۱۵ ح ۲۰۳۰ به نقل از عثمان، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۹۰ ح ۱۶۶۳۷ و ج ۹ ص ۶۸ ح ۲۳۲۸۱، المصنف، ابن ابی شیبۀ: ج ۱ ص ۴۹۷ ح ۳، مسند الحمیدی: ج ۱ ص ۲۵۷ ح ۵۶۵ همگی به نقل از عثمان بن طلحة تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۰۴ ح ۳۴۶۷۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۲۲۸۶ به نقل از ابو بصیر، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۷۵ ح ۲۰. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۰۴ ح ۳ و الأوائل، عسکری: ص ۳۵.

۳- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۲۶۰.

۴- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۲۵۳، الأوائل، عسکری: ص ۳۵. نیز، ر. ک: معجم الأوائل: ص ۲۳۱ و ۲۳۲.

ص: ۱۲۲

۲۶۵. نهج البلاغه: در دوران عمر، چون نزد او سخن از آرایش‌های (پوشش‌های). کعبه و فراوانی آنها گفته شد، گروهی گفتند: کاش آنها را برگیری و سپاه مسلمانان را تجهیز کنی که پاداش آن، بیشتر است. کعبه، آرایش برای چه می‌خواهد؟! عمر، تصمیم به این کار گرفت و از امیر مؤمنان علیه السلام در این باره پرسید.

فرمود: «وقتی این قرآن بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، اموال چهار بخش بودند. اموال مسلمانان، که آن را طبق سهم معین، میان وارثان تقسیم کرد؛ غنائم، که آن را بین مستحقان آن، تقسیم کرد؛ خمس، که خدا آن را در جایی خاص قرار داد؛ و صدقات (زکات)، که آن را هم خداوند، تعیین کرد.

آن روز، پوشش‌های (زیورهای). کعبه بر کعبه بود: ولی خداوند، آن را بر همان حال وا گذاشت و از روی فراموشی نبود که آن را وا گذاشت و جایی هم از او پنهان نماند. پس بگذار همان جا که خدا و پیامبرش قرار داده، باقی بماند».

عمر گفت: اگر تو نبودی رسوا شده بودیم. و پوشش‌ها را به همان حال گذاشت. (۱) ۲۶۶. امام باقر علیه السلام: علی بن ابی طالب علیه السلام همه ساله، از عراق، پوشش کعبه را می‌فرستاد. (۲) ر. ک: ص ۷۸ ح ۱۶۷.

۱۳/۴

تبرک جستن به پوشش کعبه

۲۶۷. الکافی - به نقل از عبد الملک - از امام کاظم علیه السلام در باره مردی پرسیدم که مقداری از پوشش کعبه را خریده و با بخشی از آن، نیاز خود را برطرف ساخته است؛ ولی بخشی هم در دست او مانده است. آیا می‌تواند آن را بفروشد؟

۱- نهج البلاغه: حکمت ۲۷۰، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۳۶۸ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۹ ح ۱۰.

۲- قرب الإسناد: ص ۱۳۹ ح ۴۹۶ به نقل از ابو البختری از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۰ ح ۲۵.

ص: ۱۲۳

فرمود: «آنچه را می‌خواهد، بفروشد و آنچه را نمی‌خواهد، هدیه دهد و از آن سود ببرد و برکت آن را بطلبد».

گفتم: آیا می‌توان با آن، مرده را کفن کرد؟

فرمود: «نه». (۱) ۲۶۸. الکافی - به نقل از عبد الملک بن عتبه - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آنچه از پوشش کعبه به دستمان

می‌رسد، آیا می‌توانیم بخشی از آن را بیوشیم؟

فرمود: «می‌توان برای کودکان، قرآن‌ها و بالش از آن استفاده کرد. [می‌توانی] به خواست خدا بدین وسیله برکت بجویی». (۲) ۲۶۹.

امام صادق علیه السلام: اشکالی ندارد که از دیبای کعبه بر گرفت و آن را روکش قرآن یا جانماز ساخت و روی آن نماز خواند.

(۳) ۱۴/۴

فضیلت نگاه به کعبه

۲۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگاه به کعبه، عبادت است. (۴) ۲۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگاه به کعبه از روی

محبت به آن، عبادت است و خطاها را کاملاً از بین می‌برد. (۵)

۱- الکافی: ج ۳ ص ۱۴۸ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۱ ص ۴۳۴ ح ۱۳۹۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۴۷ ح ۴۱۳، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۵۹ ح ۱۷۶۹۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۹ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۹ ح ۱۵۶۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۲ ح ۲۳۳۳، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۵۹ ح ۱۷۶۸۸.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۶۴ ح ۸۱۳ به نقل از مسمع بن عبد الملک بصری، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۶۰ ح ۱۷۶۹۱.

۴- الأمالی، طوسی: ص ۴۵۵ ح ۱۰۱۶، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۲۰۲ هر دو به نقل از ابو ذر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۲۱۴۴ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۰ ح ۲۴؛ کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۷ ح ۳۴۶۴۷ به نقل از ابو الشیخ از عایشه.

۵- جامع الأحادیث، قمی: ص ۱۲۶، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۲۰۰ به نقل از إسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

ص: ۱۲۴

۲۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در چهار مورد، درهای آسمان گشوده می‌شوند و دعا مستجاب می‌گردد: ... [یکی هم] هنگام دیدن کعبه. (۱) ۲۷۳. امام علی علیه السلام: هر گاه برای حجّ خانه خدای عزّ و جلّ بیرون شدید، به خانه خدا بسیار بنگرید؛ چرا که برای خداوند، صد و بیست رحمت در کنار خانه خویش است:

شصت رحمت برای طواف کنندگان، چهل رحمت برای نماز گزاران و بیست رحمت برای نگاه کنندگان. (۲) ۲۷۴. امام صادق علیه السلام: هر کس به کعبه بنگرد، پیوسته برای او حسنه نوشته می‌شود و گناه از او محو می‌شود، تا آن که نگاهش را از کعبه برگیرد. (۳) ۲۷۵. امام صادق علیه السلام: از کمترین پاداشی که برای نگاه به کعبه است، این است که خداوند برای هر نگاه، حسنه می‌بخشد و گناهی می‌زداید و درجه‌ای برای او بالا می‌برد. (۴) ۲۷۶. امام صادق علیه السلام: هر کس با معرفت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را به همان گونه بشناسد که حق و حرمت کعبه را می‌شناسد، خداوند، گناهایش را می‌آمرزد و او را در برابر اندوه دنیا و آخرت، کفایت می‌کند. (۵)

۱- السنن الکبری: ج ۳ ص ۵۰۲ ح ۶۴۶۰، المعجم الکبیر: ج ۸ ص ۱۶۹ ح ۷۷۱۳، کنز العمال: ج ۲ ص ۱۰۱ ح ۳۳۳۴.

۲- الخصال: ص ۶۱۷ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امام علی علیه السلام، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۱۹۹ به نقل از حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام، تحف العقول: ص ۱۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۹ ح ۲۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ ح ۴ به نقل از سیف التمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۲۱۴۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۵ ح ۴۵.

۴- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۲۰۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶۱ ح ۳۴.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۱ ح ۶ به نقل از علی بن عبد العزیز، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۴ ح ۲۱۴۲، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۶۴ ح ۱۷۷۰۵.

ص: ۱۲۵

بخش دوم: حج و عمره

فصل یکم: حج

وجوب حج و شرطهای آن

قرآن

ص: ۱۲۷

۱/۱

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ (۱))

برای خداست به عهده مردم، حج خانه خدا، هر کس که بتواند راهی بدان بیابد. و هر که کفر ورزد، همانا خداوند از جهانیان، بی نیاز است).

حدیث

۲۷۷. امام علی علیه السلام: [خداوند،] حج خانه خویش را بر شما واجب کرده است؛ خانه‌ای که آن را قبله مردم قرار داده...، حق آن را فریضه و حج آن را واجب کرده و زیارتش را بر شما نوشته (لازم دانسته). است. خداوند سبحان می‌فرماید: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتِطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ برای خداست، به عهده مردم، حج خانه خدا، هر کس که بتواند راهی بدان بیابد. و هر که کفر ورزد، همانا خداوند از جهانیان، بی نیاز است). (۲) ۲۷۸. امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز، استوار شده است: بر نماز و زکات و حج و روزه

۱- آل عمران: ۹۷. نیز، ر. ک: بقره: آیه ۱۹۶.

۲- نهج البلاغه: خطبه ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۵۳.

ص: ۱۲۸

و ولایت. (۱) ۲۷۹. الکافی - به نقل از عمر بن اذینه: - از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدا پرسیدم: (وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ؛ (۲)

حج و عمره را برای خدا تمام کنید).

فرمود: «مقصود از تمامیت این دو، انجام آنها و پرهیز از چیزی است که مُحرِم در این دو، از آن پرهیز می‌کند». (۳) ۲۸۰. الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج: - به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا حج بر توانگر و فقیر، واجب است؟ فرمود: «حج، بر عهده همه است، چه بزرگ و چه کوچک. پس هر که عذری داشته باشد، خداوند او را معذور داشته است». (۴) ۲۸۱. امام صادق علیه السلام: حج خانه خدا، بر هر کس که استطاعت داشته باشد، واجب است و آن (استطاعت)، همان توشه، وسیله سفر و تن درستی است و این که انسان چیزی داشته باشد که برای خانواده‌اش بگذارد و نیز پس از بازگشت از حج هم، چیزی داشته باشد (۵). (۶) ۲۸۲. امام صادق علیه السلام: هر کس حَجَّةَ الإسلام (حج واجب). را انجام دهد، گرهی از آتش را از

۱- الکافی: ج ۴ ص ۶۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۴ ص ۱۵۱ ح ۴۱۸ هر دو به نقل از زراره، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۷۴ ح ۱۷۷۰، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۳۲ ح ۱۰. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۲ ص ۱۸ باب دعائم الإسلام.

۲- بقره: آیه ۱۹۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۵ ح ۱. نیز، ر. ک: ص ۲۶۵ ح ۲ و ۴.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۵ ح ۳.

۵- در تحریر الوسیلة چنین آمده است: شرطهای وجوب حج واجب، چند چیزند: کمال به واسطه بلوغ، و عقل، و آزادی، و استطاعت مالی و بدنی (تن درستی و قوت جسمی)، و باز بودن و امن بودن راه، و وسعت وقت و کفایت آن (تحریر الوسیلة: ج ۱ ص ۳۷۱ و ۳۷۲).

۶- الخصال: ص ۶۰۶ ح ۹ به نقل از اعمش، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۰۷ ح ۱.

ص: ۱۲۹

گردن خویش گشوده است. (۱) ر. ک: ص ۱۷۱ (فصل دوم: تأثیر در گزاردن حج و ترک آن)، وسائل الشیعه: ج ۱۱ / أبواب وجوب الحج و شرائطه / الباب ۱۱- ۱۴ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ج ۱ / ص ۱۳ / باب وجوب العبادات الخمس، جواهر الکلام: ج ۶ ص ۳۳۵-۳۴۲.

۲ / ۱

فلسفه حج

قرآن

(جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ؛ (۲)

خداوند، کعبه، بیت الحرام، را وسیله برپایی برای مردم قرار داد).

(لِيَشْهَدُوا مَنَفَعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَةٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن مَّ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَمِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (۳)

مردم را برای حج فرا بخوان، که از هر راه دوری، پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری، به سوی تو آیند تا منافع خویش را شاهد باشند و در روزهایی معین، نام خدا را بر آنچه خداوند از چارپایان روزی‌شان کرده است، یاد کنند. پس، از آنها بخورید و به بیچارگان فقیر هم بخورانید).

حدیث

۲۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به طواف پیرامون خانه خدا و بین صفا و مروه و رمی جمرات فرمان داده

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۲۰۵.

۲- مائده: آیه ۹۷.

۳- حج: آیه ۲۸.

ص: ۱۳۰

شد، فقط برای برپایی یاد خدا. (۱) ۲۸۴. امام علی علیه السلام: و [خداوند،] حجّ خانه خویش را بر شما واجب کرده است؛ خانه‌ای که آن را قبله‌گاه مردم قرار داده است. حجّ گزاران، همچون ازدحام چارپایان، به این خانه وارد می‌شوند و همچون روی آوردن کبوتران [به آشیانه]، مشتاقانه به سوی آن می‌شتابند.

خدای سبحان، حج را نشانه تواضع مردم در پیشگاه عظمتش و [نشانه] پذیرش آنان نسبت به شکوهش قرار داده است و از بندگان خویش، شنوایانی را برگزیده که دعوت او را لئیک گفته و سخن او را پذیرفته‌اند و در جایگاه‌های پیام‌آوران او ایستاده‌اند و [با طواف خویش،] شبیه فرشتگانی شده‌اند که بر گرد عرش خدا در طواف‌اند. در تجارت‌خانه خداپرستی، سود فراوان به دست می‌آورند و به سوی میعادگاه بخشایش خداوند می‌شتابند.

خداوند متعال، حج را پرچم افراشته اسلام و پناهگاه امن پناهجویان قرار داده است. (۲) ۲۸۵. امام علی علیه السلام- در خطبه قاصعه-: آیا نمی‌بینید که خداوند عزوجل، پیشینیان را از زمان آدم علیه السلام تا آخرین انسان‌های این عالم، به وسیله سنگ‌هایی آزمود که نه زیان می‌رسانند و نه سود، نه می‌بینند و نه می‌شنوند. پس آنها را خانه خویش (بیت الله الحرام). قرار داده، که مایه استواری مردم است.

و آن (بیت الله الحرام). را در سرزمینی سنگلاخ و کم‌خاک و کلوخ، در درّه‌ای تنگ و کم‌آب، میان کوه‌هایی خشن و ریگ‌هایی نرم و چشمه‌هایی کم‌آب و روستاهایی پراکنده و بی‌باران قرار داد، که چارپایان در آن جا فربه نمی‌شوند.

آن گاه به آدم علیه السلام و فرزندان او فرمان داد که رو به سوی آن آورند. پس خانه خدا، مقصدی برای سفرها و سرمنزلی برای بار انداختن آنان شد. دل‌ها از همه سو، از بیابان‌های خشک و به هم پیوسته و جزایر پراکنده دریاها و عمق درّه‌ها، با فروتنی، لا إله إلا الله گویان و هروله‌کنان به سوی آن شتافتند. غبار آلوده و ژولیده‌موی، جامه‌ها و

۱- سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۱۷۹ ح ۱۸۸۸، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۷۹ ح ۱۷۹۵، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۳۱ ح ۲۴۴۰۵، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۷۹ ح ۲۸۸۲، السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۳۶ ح ۹۶۴۶ همگی به نقل از عایشه، کنز العمّال: ج ۵ ص ۴۹ ح ۱۲۰۰۵.

۲- نهج البلاغه: خطبه ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۵۳.

ص: ۱۳۱

روبندها را برون آوردند و پشت سر افکندند و زُلف از سر تراشیدند، که خداوند، آنان را چنین آزمود، با امتحانی بزرگ و آزمونی سخت و آزمایشی دشوار و گزینشی کارآمد و تواضعی روشن، و خداوند، آن را از روی مهربانی، سبب رحمت خویش و مایه و وسیله رسیدن به بهشت و موجب آمرزش خویش و آزمون مردم قرار داد.

و اگر خداوند متعال، خانه خود و عبادتگاه‌هایش را در میان باغستان‌ها و نهرها و زمین‌هایی هموار و سرسبز و پرمیوه و آباد و کشتزارهای شاداب و آبادی‌های به هم پیوسته و دشت‌هایی خَرَم و گندمزارهایی انبوه و بوستان‌هایی سرسبز و زمین‌هایی حاصلخیز و خَرَم و جاده‌هایی آباد و باغ‌هایی فراوان قرار می‌داد، پاداش، به خاطر آسانی امتحان، کم می‌شد.

و اگر پایه‌های این خانه و سنگ‌های بنایش از زمرّد سبز و یاقوت سرخ و با درخشش و روشنائی بود، در سینه‌ها کمتر شک پدید می‌آمد و تلاش ابلیس برای تسلط بر دل‌ها کاسته می‌شد و مردم نیز کمتر گرفتار شک می‌شدند؛ ولی خدای عزوجل، بندگان خود را با شدائد گوناگون می‌آزماید و آنان را با مشکلات رنگارنگ، به بندگی می‌کشد و با ناگواری‌های مختلف امتحان می‌کند، تا تکبر را از دل‌هایشان بیرون برد و فروتنی را در جان‌هایشان قرار دهد و اینها را دریچه‌هایی گشوده به سوی فضل خویش و ابزاری مهیّا برای بخشایش و آزمایش خود، قرار دهد. (۱) ۲۸۶. الکافی - به نقل از عیسی بن یونس: ابن ابی العوجاء از شاگردان حسن بصری بود.

سپس از مسیر توحید منحرف شد

او نزد امام صادق علیه السلام آمد و نشست ... و گفت: تا کی این خرمن را با پاها می‌کوبید و به این سنگ، پناه می‌آوردید و این خانه افرشته از آجر و کلوخ را می‌پرستید و همچون شتران فراری، دور این خانه، هروله می‌کنید؟ هر کس در این باره بیندیشد، می‌داند که

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۹ ح ۲، نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲ تقریباً بهمان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۵ ح ۳۵.

ص: ۱۳۲

این کار را کسی غیر فرزانه و بی‌اندیشه بنیان نهاده است. پس بگو، که تو، رئیس این آیین و قله آنی و پدرت پایه و نظام آن است. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، هر کس را گمراه و کوردل سازد، حق را برایش ناخوش می‌دارد و [حق] به کامش گوارا نمی‌آید و شیطان، سررشته‌دار و همنشین او می‌شود و او را به وادی هلاکت می‌کشاند و از آن بیرونش نمی‌آورد. این، خانه‌ای است که خداوند به وسیله آن، بندگانش را به پرستش خود، فرا خوانده است تا در انجام آن، میزان طاعتشان را بیازماید. از این رو بندگان را به بزرگداشت و زیارت آن تشویق کرده و آن را جایگاه پیامبران و قبله‌گاه نمازگزاران قرار داده است. پس آن، شعبه‌ای از رضای خدا و راهی به سوی آمرزش اوست که بر راستای کمال و کانون عظمت و جلال، استوار شده است.» (۱) ۲۸۷. *علل الشرائع* - به نقل از ابان بن عثمان، با یک واسطه - به امام باقر علیه السلام گفتم: چرا به حج، حج گفته شده است؟

فرمود: «فلانی حج کرد، یعنی: رستگار شد.» (۲) ۲۸۸. امام باقر علیه السلام: منظور از «منافع» در آیه (لِيَشْهَدُوا مَنَفَعٍ لَّهُمْ؛ تا شاهد منافی برای خودشان باشند)، عفو است. (۳) ۲۸۹. *الکافی* - به نقل از سلمه بن مهران: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی به نام ابو الورد آمد و به امام صادق علیه السلام گفت: رحمت خدا بر تو باد! کاش بدن خویش را از کجاوه [و رنج سفر] آسوده می‌ساختی!

امام صادق علیه السلام فرمود: «ای ابو الورد! من دوست دارم شاهد "منافی" باشم که خدای متعال فرموده است: (لِيَشْهَدُوا مَنَفَعٍ لَّهُمْ؛ تا شاهد منافی برای خود

۱- *الکافی*: ج ۴ ص ۱۹۷ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۹ ح ۲۳۲۵، *الاحتجاج*: ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۲۱۸، *الأمالی*، صدوق: ص ۷۱۴ ح ۹۸۵، *الإرشاد*: ج ۲ ص ۲۰۰ تقریباً با همان الفاظ، *بحار الأنوار*: ج ۹۹ ص ۲۸ ح ۱.

۲- *علل الشرائع*: ص ۴۱۱ ح ۱، *معانی الأخبار*: ص ۱۷۰ ح ۱، *بحار الأنوار*: ج ۹۹ ص ۲ ح ۱.

۳- *تفسیر الطبری*: ج ۱۰ جزء ۱۷ ص ۱۴۷ به نقل از جابر.

ص: ۱۳۳

باشند). همانا هیچ کس در حج حضور نمی‌یابد، مگر آن که خداوند، او را سود می‌بخشد. شما، آمرزیده بر می‌گردید؛ ولی دیگران، خانواده و ثروتشان حفظ می‌شود». (۱) ۲۹۰. الکافی - به نقل از ربیع بن خَیثم: امام صادق علیه السلام را در حالی دیدم که به شدت بیمار بود و ایشان را داخل تخت روان، دور کعبه طواف می‌دادند. پس هر گاه به رکن یمانی می‌رسید، دستور می‌داد تا او را بر زمین بگذارند. پس دستش را از دریچه آن تخت روان، بیرون می‌آورد و بر زمین می‌کشید و سپس می‌فرمود: «بلندم کنید».

چون این کار را چند بار، در هر دور انجام داد، به ایشان گفتم: فدایت شوم، ای پسر پیامبر! این کار برایتان دشوار است.

فرمود: «از خداوند شنیده‌ام که می‌فرماید: (لَيْشْهَدُوا مَنَفِعَ لَهُمْ؛ تا شاهد منافی برای خودشان باشند).

پرسیدم: منافع دنیا، یا منافع آخرت؟

فرمود: «همه [آنها]». (۲) ۲۹۱. امام رضا علیه السلام - در پاسخ سؤال‌های محمد بن سنان نوشت: - علت حج، ورود به میهمان‌سرای [خدای متعال و طلب افزایش و بیرون آمدن از گناهان است و برای آن که از گذشته توبه کند و عمل از سر گیرد. و نیز در حج، خرج کردن ثروت‌ها و رنج و خستگی و باز داشتن بدن‌ها از خواسته‌ها و لذایذ و در عبادت، به خدا نزدیک شدن و فروتنی و کرنش و مذلت [در پیشگاه حق] و بیرون آمدن در گرما و سرما و ایمنی و ترس است، به صورت حرکتی پیوسته. نیز در حج، برای همه مردم، منافی است و شوق و کشش و بیم به سوی پروردگار سبحان است. و [در حج،] رها کردن سنگ‌دلی و بخل و غفلت و ناامیدی است و تجدید حقوق

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۳ ح ۴۶.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۲۲ ح ۳۹۸.

ص: ۱۳۴

و باز داشتن جان‌ها از فساد و سود بردن هر که در شرق و غرب و خشکی و دریاست:

چه حج گزار و چه تاجر و وارد کننده کالا و فروشنده و خریدار و کاسب و بینوایی که حج نمی گزارند، و همچنین رفع نیازهای مردم اطراف و جاهایی است که می‌توانند در آن جا گرد آیند، تا منافع خویش را شاهد باشند. (۱) ۲۹۲. علل الشرائع - به نقل از هشام بن حکم - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: به چه علت، خداوند بندگان را مکلف ساخته که حج بگزارند و کعبه را طواف کنند؟

فرمود: «خداوند، مردمان را آفرید... و به آنان آنچه را که فرمان‌برداری در دین است و مصلحت آنان در کار دنیایشان است، فرمان داد. پس در حج، گرد آمدن از شرق و غرب را قرار داد تا یکدیگر را بشناسند و هر کدامشان کالاهای تجارتي را از شهری به شهری ببرند تا از این رهگذر، کرایه دهند و شتربان، سود ببرند و تا آن که نشانه‌های پیامبر خدا و اخبار او شناخته و یاد شوند و فراموش نگردند. و اگر هر قومی به شهرهای خودشان و آنچه در آنهاست، اتکا می‌کردند، هلاک می‌گشتند و شهرها ویران می‌شدند و جذب کالا و سود بردن‌ها از بین می‌رفت و از خیرها آگاه نمی‌شدند. این است علت حج!». (۲) ۲۹۳. امام صادق علیه السلام: تا وقتی کعبه برپاست، دین هم برپاست. (۳) ۲۹۴. فاطمه علیها السلام: خداوند، ایمان را برای پاک شدن از شرک،... و حج را به خاطر جلوه‌بخشی دین، واجب ساخته است. (۴)

۱- علل الشرائع: ص ۴۰۴ ح ۵، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۹۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۲ ح ۸.

۲- علل الشرائع: ص ۴۰۵ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳ ح ۹.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۱ ح ۴، علل الشرائع: ص ۳۹۶ ح ۱ هر دو به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۴۳ ح ۲۳۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۷ ح ۱۰.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۶۸ ح ۴۹۴۰، علل الشرائع: ص ۲۴۸ ح ۲ هر دو به نقل از زینب، نهج البلاغه: حکمت ۲۵۲، کشف الغمّة: ج ۲ ص ۱۰۹.

ص: ۱۳۵

۳/۱

فضیلت حج

الف - پاسخ دادن به دعوت ابراهیم علیه السلام

قرآن

(وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رَجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ (۱))
 میان مردم، اعلام حج کن تا مردم، پیاده و سوار بر هر مرکب لاغر، از هر راه دوری بیایند).

حدیث

۲۹۵. امام باقر علیه السلام: چون خداوند - جلّ جلاله - به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که میان مردم ندای حج سر دهد، او بر «مقام» ایستاد و بالای آن رفت، تا این که رو به روی کوه ابو قُبَیس قرار گرفت. پس در میان مردم، به حج ندا داد و به گوش همه آنان که تا برپایی قیامت، در صلب مردان و رحم زنان هستند، رساند. (۲) ۲۹۶. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از ابن عباس: - چون ابراهیم علیه السلام کعبه را بنا کرد، خداوند به او وحی کرد که: «مردم را به حج، ندا بده».
 ابراهیم علیه السلام گفت: آگاه باشید! پروردگارتان خانه‌ای برگزیده و شما را فرمان داده است که آن را زیارت کنید.
 پس، هر چیزی که ندای او را شنید، از سنگ و تپه و خاک، پاسخ داد: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. (۳) ۲۹۷. قرب الإسناد - به نقل از علی بن جعفر: - از امام کاظم علیه السلام عُلّت وجوب لبّیک گفتن

۱- حج: آیه ۲۷.

۲- علل الشرائع: ص ۴۲۰ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۰۶ ح ۱۸. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۰۵ ح ۴ و عوالی اللالی: ج ۴ ص ۳۵ ح ۱۲۲.

۳- المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۶۰۱ ح ۴۰۲۶، تفسیر الطبری: ج ۱۰ جزء ۱۷ ص ۱۴۴، تاریخ الطبری: ج ۱ ص ۲۶۰. نیز، ر. ک: السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۸۷ ح ۹۸۳۳.

ص: ۱۳۶

را پرسیدم.

فرمود: «چرا که ابراهیم علیه السلام، آنگاه که خداوند- تبارک و تعالی- فرمود: (وَ أَدِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكُّرُ جَالًا؛ (۱)) در میان مردم، ندای حج برآور تا پیاده به سوی تو آیند)، ندا داد و به گوش مردم رساند. پس مردم از هر سوی، لُتیک گویان روی آوردند. از این جهت "لُتیک گفتن" فریضه شد». (۲) ر. ک: ص ۱۸۴ (معنای لُتیک).

ب- جهاد ناتوانان

۲۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج، جهاد هر ناتوان است. (۳) ۲۹۹. الکافی- به نقل از عبد الله بن یحیی کاهلی-: شنیدم که امام صادق علیه السلام سخن می گوید و از حج، یاد می کند. پس فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "آن (حج)، یکی از دو جهاد است.

آن، جهاد ضعیفان است و ما ضعیفانیم». (۴) ۳۰۰. امام حسین علیه السلام: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: من ترسو و ضعیفم.

فرمود: «بشتاب به سوی جهاد بدون خار؛ یعنی حج». (۵) ۳۰۱. صحیح البخاری- به نقل از عایشه-: همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان در باره جهاد پرسیدند.

۱- حج: آیه ۲۷.

۲- قرب الإسناد: ص ۲۳۷ ح ۹۳۳، الکافی: ج ۴ ص ۳۳۵ ح ۱ به نقل از حلبی بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۹ ح ۲۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۹ ح ۲۸ به نقل از جندب از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۴۱۶ ح ۵۹۰۴ به نقل از زراره از امام صادق علیه السلام، الخصال: ص ۶۲۰ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از امام علی علیه السلام، خصائص الأئمة علیهم السلام: ص ۱۰۳ به نقل از امام علی علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۵۲؛ مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۱۷۹ ح ۲۶۵۸۲ به نقل از ام سلمه.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲ ح ۶۴ به نقل از کنانی، علل الشرائع: ص ۴۵۷ ح ۲، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲ ح ۳۶.

۵- المعجم الکبیر: ج ۳ ص ۱۳۵ ح ۲۹۱۰، المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۳۰۹ ح ۴۲۸۷ هر دو به نقل از عبایه بن رفاعه، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۷۹۵ ح ۵.

ص: ۱۳۷

فرمود: «حج، خوب جهادی است!». (۱) ۳۰۲. صحیح البخاری- به نقل از عایشه دختر طلحه-: عایشه گفت: ای پیامبر خدا! ما بهترین عمل را جهاد می‌دانیم. آیا به جهاد نرویم؟
فرمود: «خیر؛ ولی بهترین جهاد، حجی نیکوست». (۲) ۳۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج، از قبیل جهاد است و هر آنچه خرج کنی، هفتصد برابر می‌شود. (۳) ر. ک: ص ۳۱۷ (فضیلت عمره).

ج- برترین اعمال، پس از جهاد

۳۰۴. صحیح البخاری- به نقل از ابو هریره-: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: کدام یک از کارها بافضیلت‌تر است؟ فرمود: «ایمان به خدا و پیامبرش».
گفته شد: سپس چه کاری؟
فرمود: «جهاد در راه خدا». گفته شد: سپس چه کاری؟
فرمود: «حج نیکو». (۴) ۳۰۵. امام صادق علیه السلام: هیچ راهی از راه‌های خدا برتر از حج نیست، مگر آن که کسی با شمشیر قیام کند و در راه خدا بجنگد تا به شهادت برسد. (۵)

۱- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۰۵۵ ح ۲۷۲۱.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۵۳ ح ۱۴۴۸، السنن الکبری: ج ۹ ص ۳۷ ح ۱۷۸۰۵، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۴۴ ح ۲۴۴۷۶، مسند اسحاق بن راهویه: ج ۲ ص ۴۴۶ ح ۱۰۱۴ هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۳- الفردوس: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۲۷۵۷ به نقل از انس.

۴- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۵۳ ح ۱۴۴۷، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۸۸ ح ۱۳۵، سنن النسائی: ج ۶ ص ۱۹، کنز العمال: ج ۱ ص ۲۹۰ ح ۱۴۰۳.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۳.

ص: ۱۳۸

۳۰۶. کتاب من لا یحضره الفقیه: مردی به حضور امام زین العابدین علیه السلام آمد و گفت: حج را بر جهاد، مقدم داشته‌ای، در حالی که خدای عز و جل می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَّهُمُ الْجَنَّةَ؛ (۱) خداوند، جان‌ها و اموال مؤمنان را در مقابل بهشت، می‌خرد)؟- تا آخر آیه-.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «بعدش را هم بخوان: (التَّائِبُونَ الْعَبْدُونَ الْحَمِيدُونَ؛ (۲) توبه‌کنندگان، عبادت‌گران و ...). تا به آخر آیه رسید. آن گاه فرمود: «هر گاه اینان را [با این اوصاف] دیدی، آن روز، جهاد همراه ایشان، برتر از حج است». (۳)

د- برتری آن بر نماز و روزه

۳۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به حقیقت، یک حج پذیرفته، بهتر از بیست نماز مستحب است و هر کس این خانه را هفت بار طواف کند و دو رکعت آن را نیکو به جا آورد، خداوند او را می‌آمرزد. (۴) ۳۰۸. امام صادق علیه السلام: پدرم می‌فرمود: «حج، برتر از نماز و روزه است. نماز گزار، ساعتی از وقتش را جدا از خانواده‌اش است و روزه‌دار، یک روز را از خانواده‌اش جداست؛ ولی حج گزار، بدن خویش را به رنج می‌افکند و خود را به دل‌تنگی می‌افکند و مالش را خرج می‌کند و از خانواده‌اش مدتی طولانی دور می‌شود، نه به امید مالی و نه به قصد تجارتی».

و پدرم می‌فرمود: «او چه کسی برتر از مردی است که با خانواده‌اش می‌آید و در حالی که مردم در عرفات، در چپ و راست وقوف کرده‌اند، آنها را به حج می‌آورد و همراه آنان از خداوند متعال، مسئلت می‌کند». (۵)

-۱

۲-۵. توبه: آیه ۱۱۱ و ۱۱۲.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۲۲۲۰.

۴- الکافی: ج ۲ ص ۱۹ ح ۵ به نقل از زراره از امام باقر علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۳۳ ح ۱۰.

۵- علل الشرائع: ص ۴۵۶ ح ۱ به نقل از سیف تمار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸ ح ۶۷.

ص: ۱۳۹

هـ- برتری آن بر صدقه

۳۰۹. امام صادق علیه السلام: چون پیامبر خدا از منا کوچ کرد، بادیه‌نشینی در ابطح (۱) به ایشان برخورد و گفت: ای پیامبر خدا! من به قصد حج به راه افتادم؛ ولی مانعی مرا از حج باز داشت و من مردی ثروتمند و پولدارم. دستور بده با مالم کاری کنم که به پادشاه حاجیان نایل شوم.

پس پیامبر خدا رو به کوه ابو قُبَیس کرد و فرمود: «اگر به اندازه کوه ابو قُبَیس، طلای سرخ داشتی و آن را در راه خدا انفاق می‌کردی، هرگز به پاداشی نمی‌رسیدی که حج گزار می‌رسد». (۲) ۳۱۰. علل الشرائع - به نقل از عبد الرحمان بن ابی عبد الله - به امام صادق علیه السلام گفتم: برخی از این قصه پردازان می‌گویند که هر گاه کسی یک بار حج رود، سپس [به جای دوباره حج کردن] صدقه بدهد و صله رحم انجام دهد، برایش بهتر است.

فرمود: «دروغ گفته‌اند. اگر مردم چنین کنند، حج تعطیل می‌شود. خدای متعال، این خانه را مایه برپایی برای مردم قرار داده است». (۳) توضیح

از روایت اخیر و روایات دیگر (۴)، فهمیده می‌شود که برتری حج بر صدقه، در جایی

۱- وادی میان منا و مکه.

۲- ثواب الأعمال: ص ۷۲ ح ۸ به نقل از معاویه بن عمّار، الکافی: ج ۴ ص ۲۵۸ ح ۲۵ به نقل از معاویه بن عمّار بدون نسبت دادن به امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۴ ح ۲۲۴۶ تقریباً با همان الفاظ، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۴ ح ۷۶ بدون نسبت دادن به امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۶ ح ۱۱۰.

۳- علل الشرائع: ص ۴۵۲ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸ ح ۶۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۰ ح ۳۱ و ص ۲۵۹ ح ۲۹، کامل الزیارات: ص ۵۵۲ ح ۸۴۱.

ص: ۱۴۰

است که به خاطر سختی و رنج حج، به صدقه رو آورده شود و این همایش عظیم، تعطیل یا تضعیف گردد. پس اکنون که خواستاران حج، فزون‌تر از ظرفیت مکان‌های مقدّس‌اند و مسئله پیش گفته پیش نمی‌آید، صدقه، بسی برتر از حج استجابی است. شاهد این معنا، روایت ابو بصیر از امام باقر علیه السلام است که می‌فرماید:

اگر هزینه زندگی خانواده‌ای مسلمان را بپردازم، سیرشان سازم، آنها را بیوشانم و از مردم بی‌نیازشان گردانم، نزد من، محبوب‌تر از آن است که حج بگزارم و حج بگزارم تا ... هفتاد حج. (۱) روشن است که این سنجش‌ها و ترجیح‌ها، میان حجّ مستحب و صدقه مستحب (انفاق) است و نه میان حجّ واجب و صدقه مستحب؛ چون هیچ مستحبی نمی‌تواند جای واجب را بگیرد یا از آن، بالاتر باشد.

و- فضیلت خرج کردن در راه حج

۳۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انفاق در حج، هفتصد برابر انفاق در راه خدا، پاداش دارد. (۲) ۳۱۲. امام علی علیه السلام- در حدیث چهارصد موعظه-: یک درهم که کسی در راه حج خرج کند، برابر با هزار درهم است. (۳) ۳۱۳. امام صادق علیه السلام: یک درهم که در راه حج خرج می‌کنی، برتر از بیست هزار درهم است که در راه حق انفاق می‌کنی. (۴) ۳۱۴. امام صادق علیه السلام: کسی که در راه حج، یک درهم خرج کند، برای او بهتر از صد هزار درهم است که در راه حق انفاق کند. (۵) ۳۱۵. امام صادق علیه السلام: یک درهم در حج، برتر از دو میلیون درهم در غیر آن است که در راه خدا

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲ ح ۳، ثواب الأعمال: ص ۱۷۰ ح ۱۳.

۲- مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۲۱ ح ۲۳۰۶۱، السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۴۳ ح ۸۶۴۹، الفردوس: ج ۴ ص ۳۰۶ ح ۶۸۹۷ همگی از بریده، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰ ح ۱۱۸۲۴. نیز، ر. ک: عوالی اللآلی: ج ۴ ص ۲۹ ح ۹۵.

۳- تحف العقول: ص ۱۱۷، الخصال: ص ۶۲۸ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمّد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدران‌ش علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸ ح ۱۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۱۵ به نقل از علی بن اَبی حمزه، کتاب من لا- یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۴۹ تقریباً با همان الفاظ.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۴۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۴۶.

ص: ۱۴۱

داده شود. (۱)

ز- شایستگی قرض کردن برای حج

۳۱۶. تهذیب الأحکام- به نقل از عُقبه-: سیدیر صیرفی، نزد من آمد و گفت: امام صادق علیه السلام به تو سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید: «چرا حج نمی‌روی؟ قرض کن و به حج برو». (۲) ۳۱۷. تهذیب الأحکام- به نقل از معاویه بن وهب، با سندهای متعدد-: به امام صادق علیه السلام گفتم:

من مردی بدهکارم. آیا وام بگیرم و به حج بروم؟

فرمود: «آری! حج، بهتر، قرض را ادا می‌کند». (۳)

ح- حضور همه ساله امام زمان علیه السلام در حج

۳۱۸. امام صادق علیه السلام: مردم، امام خود را، نمی‌یابند. وی در موسم (مراسم حج). حضور پیدا می‌کند. وی آنان را می‌بیند؛ ولی آنان وی را نمی‌بینند. (۴) ۳۱۹. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از محمّد بن عثمان عمّری (۵)-: به خدا سوگند، صاحب الأمر علیه السلام، همه ساله در موسم حج حضور می‌یابد. او مردم را می‌بیند و می‌شناسد و مردم هم او را می‌بینند؛ ولی او را نمی‌شناسند. (۶) ۳۲۰. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از عبد الله بن جعفر حمیری-: از محمّد بن عثمان عمّری- که خدا از او خشنود باد- پرسیدم: آیا صاحب الأمر را دیده‌ای؟

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲ ح ۶۲ به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۴۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۴۷.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۱ ح ۱۵۳۴.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۱ ح ۱۵۳۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۲۲۳۳ و ص ۴۳۷ ح ۲۹۰۵.

۴- الغیبه، طوسی: ص ۱۶۱ ح ۱۱۹، کمال الدین: ص ۳۴۶ ح ۳۳ و ص ۳۵۱ ح ۴۹ و ص ۴۴۰ ح ۷، الغیبه، نعمانی: ص ۱۷۵ ح ۱۴ همگی به نقل از عبید بن زراره.

۵- یکی از نواب خاصّ امام زمان علیه السلام در غیبت صغراست.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۰ ح ۳۱۱۵، الغیبه، طوسی: ص ۳۶۴ ح ۳۲۹، کمال الدین: ص ۴۴۰ ح ۸، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۳۵۰ ح ۳.

ص: ۱۴۲

گفت: آری و آخرین باری که ایشان را دیدم، کنار خانه خدا بود، در حالی که می‌گفت: «خدایا! آنچه را به من وعده داده‌ای، محقق ساز».

محمّد بن عثمان گفت: و ایشان- که درود خدا بر او باد- را دیدم که در مستجار به پرده‌های کعبه، در آویخته و می‌گوید: «خدایا! انتقام مرا از دشمنانت بگیر». (۱) ۳۲۱. کمال الدین- به نقل از ابو محمّد، حسن بن و جناء-: پس از عمره چهارمین حج- از پنجاه و چهار حجی که به جا آوردم- زیر ناودان، در حال سجده و مشغول تضرّع (نالیدن). در دعا بودم که کسی مرا تکان داد و به من گفت: «ای حسن بن و جناء! برخیز».

ایستادم و زنی لاغر و زردچهره دیدم که به نظرم چهل ساله و بیشتر می‌آمد. او جلوتر راه می‌رفت و من چیزی از او نمی‌پرسیدم، تا این که به خانه خدیجه علیها السلام در آمد. در آن جا اتاقی بود که درش وسط دیوار قرار داشت، با پله‌هایی چوبی که از آن بالا می‌رفتند.

آن زن، بالا رفت. صدایی به گوشم آمد که: «حسن! بیا بالا».

بالا رفتم و دم در ایستادم. صاحب الزمان علیه السلام به من فرمود: «ای حسن! خیال کردی از چشم من پنهانی؟ به خدا سوگند، هیچ وقتی از حج تو نبوده است، مگر این که من همراه تو بوده‌ام» و شروع کرد به شمردن آن اوقات برای من. پس با صورت به زمین افتادم. سپس احساس کردم دستی بر من قرار گرفت. برخاستم. به من فرمود: «ای حسن! در مدینه، ملازم خانه جعفر بن محمّد علیهما السلام باش و فکر آب و غذا و لباس مباش».

سپس نوشته‌ای به من داد که در آن «دعای فرج» و صلوات بر ایشان بود و فرمود:

«با این دعا مرا بخوان و این گونه بر من صلوات بفرست و جز به دوستان خاص من، به

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۰ ح ۳۱۱۵، الغیبه، طوسی: ص ۳۶۴ ح ۳۳۰، کمال الدین: ص ۴۴۰ ح ۹.

ص: ۱۴۳

کسی مده. همانا خداوند، توفیقت خواهد داد». (۱) ۳۲۲. الغیبه، طوسی - به نقل از محمد بن احمد انصاری: - [در مکه] کنار مستجار بودم. گروهی حدود سی نفر مرد نیز بودند و جز محمد بن قاسم علوی، هیچ یک از آنان، مُخْلِص (شیعه) نبود. در حالی که ما در این شرایط در روز ششم ذی حجه سال ۲۹۳ بودیم، جوانی از طواف بیرون آمد که دو جامه احرام بر تن داشت و کفش‌هایش در دستش بود. چون او را دیدیم، از هیبت او همه ما بدون استثنا برخاستیم. او بر ما سلام کرد و میان ما نشست و ما پیرامون او بودیم. سپس به راست و چپ نگاه کرد و گفت: «آیا می‌دانید [امام] صادق علیه السلام در دعای الحاح چه می‌گفت؟». گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: «می‌گفت: "پروردگارا! تو را به نامی می‌خوانم که آسمان و زمین به سبب آن نام، برپاست و به وسیله آن، میان حق و باطل را جدا می‌کند و با آن، پراکنده‌ها را گرد می‌آوری و با آن، گردآمده‌ها را می‌پراکنی و با آن، عدد ریگ‌ها و وزن کوه‌ها و اندازه دریاها را می‌شماری. تو را می‌خوانم که بر محمد و دودمان محمد درود فرستی و برای من در کارم گشایشی قرار دهی»." " سپس برخاست و وارد طواف شد. با برخاستن او، ما نیز برخاستیم تا آن که برگشت. از یادمان رفت که حال او را یادآور شویم و بگوییم که او کیست و چیست، تا فردا همان وقت که باز از طواف به طرف ما آمد. مثل دیروز برای او برخاستیم و در جای خود، میان ما نشست. نگاهی به راست و چپ کرد و گفت: «آیا می‌دانید امیر مؤمنان، پس از نماز واجب، چه می‌گفت؟».

۱- کمال الدین: ص ۴۴۳ ح ۱۷، الخرائج والجرائح: ج ۲ ص ۹۶۱، الثاقب فی المناقب: ص ۶۱۲ ح ۵۵۸، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۲ ح ۲۷.

ص: ۱۴۴

گفتیم: چه می گفت؟

فرمود: «چنین می گفت: "صداها به سوی تو بلندند و دعوت‌ها(دعاها). به سوی تو بلندند و چهره‌ها برای تو خاشع‌اند و گردن‌ها برای تو فرو افتاده‌اند و داوری در کارها، با توست. ای بهترین سؤال‌شده و ای بهترین بخشنده! ای راستگو، ای آفریدگار! ای آن که در وعده خلاف نمی کنی! ای آن که به دعا فرمان دادی و وعده اجابت فرمودی! ای آن که گفت: (ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ (۱))

مرا بخوانید تا پاسختان گویم! ای آن که گفت:

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ (۲))

هر گاه بندگانم از تو در باره من پرسیدند، یقیناً من نزدیکم، دعای دعا کننده را هر گاه که مرا بخواند، پاسخ می دهم. پس مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند. باشد که راه رشد بیابند! ای آن که گفت: (يَعْبَادِي الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ (۳))

ای بندگان من که بر خودتان اسراف کرده‌اید! از رحمت خدا نومید نشوید. همانا خداوند، همه گناهان را می آمرزد، [که] او آمرزنده مهربان است. به فرمانم و پذیرایم. اینک این منم، اسرافکاری در برابرت و تویی گوینده این سخن که (لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا؛ از رحمت خدا مأیوس نشوید. همانا خداوند، همه گناهان را می آمرزد. ")

آن گاه پس از این دعا به راست و چپ نگریست و گفت: «آیا می دانید که امیر مؤمنان در سجده شکر چه می گفت؟».

گفتیم: چه می گفت؟

فرمود: «چنین می گفت: "ای آن که بخشش زیاد، او را جز وسعت و عطا نمی افزاید! ای آن که گنجینه‌هایش بی پایان است! ای آن که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین، از آن اوست! ای آن که گنجینه‌های آنچه ریز و درشت است، برای اوست! بدکاری من، مانع نیکوکاری تو نمی شود. تو با من، آن می کنی که شایسته آنی، که تو

۱- غافر: آیه ۶۰.

۲- بقره: آیه ۱۸۶.

۳- زمر: آیه ۵۳.

ص: ۱۴۵

اهل بخشش و سخاوتی و [اهل] بخشایش و گذشتی.

پروردگارا! ای خدا! با من، آن مکن که من شایسته آنم، که همانا من شایسته کیفرم و مستحق آنم و دلیل و عذری هم نزد تو ندارم. با همه گناهانم نزد تو می‌آیم و به آنها اقرار می‌کنم، تا از من در گذری و تو به آنها داناتر از منی. با هر گناهی که مرتکب شده‌ام و هر خطایی که بر دوش کشیده‌ام و هر زشتی که انجام داده‌ام، به سوی تو باز می‌گردم.

پروردگارا! ببخشای و رحم کن و از آنچه می‌دانی، در گذر. تو قدرتمندترین و بزرگوارترینی» و برخاست و وارد طواف شد. با برخاستن او، ما نیز برخاستیم.

فردا در همان وقت، باز آمد. ما مثل گذشته برای آمدنش برخاستیم. در میان نشست و نگاهی به راست و چپ افکند و با دستش به حجر اشاره کرد و گفت: «زین العابدین علیه السلام در سجده‌اش در همین جا، یعنی زیر ناودان می‌گفت: "بنده ناچیزت، در آستان توست. بیچاره‌ات، در پیشگاه توست. نیازمندت، در درگاه توست.

خواهنده‌ات، در آستان توست. از تو چیزی می‌خواهد، که جز تو کسی بر آن، توانا نیست».

سپس به راست و چپ نگاه کرد و از میان ما نگاهی به محمد بن قاسم افکند و فرمود: «ای محمد بن قاسم! تو- اگر خدا بخواهد- بر راه مستقیم هستی» و محمد بن قاسم، معتقد به ولایت بود. سپس برخاست و وارد طواف شد. هیچ یک از ما نبود، مگر آن که دعایی را که او خواند، در دل گرفت و به خاطر سپرد و فراموش کردیم که در باره او صحبت کنیم، مگر در آخر روزی.

ابو علی محمودی به ما گفت: ای گروه! آیا او را می‌شناسید؟ او به خدا سوگند، صاحب الزمان شماست.

گفتیم: ای ابو علی! از کجا دانستی؟

او گفت که هفت سال [در مکه] مانده است و از پروردگارش خواسته که صاحب

ص: ۱۴۶

الزمان علیه السلام را ببیند. گفت: یک روز، غروب عرفه، همان مرد را دیدم که همان دعایی را که فرا گرفته بودم، می خواند.

پرسیدم: این، از کیست؟

گفت: «از مردم است».

گفتم: از کدام مردم؟

گفت: «از مردم عرب».

گفتم: از کدام تیره عرب؟

گفت: «از با شرافت ترین آنها».

گفتم: آنان کیان اند؟

گفت: «بنی هاشم».

گفتم: از کدام بنی هاشم؟

گفت: «از آنان که برترین و برجسته ترین و درخشان ترین نسب را دارند».

گفتم: از کیان؟

گفت: «از آن که فرق سر [دشمن] را شکافت و [به محرومان] طعام خوراند و آن گاه که مردم در خواب بودند، به نماز ایستاد».

[ابو علی] گفت: دانستم که او علوی است و به خاطر علوی بودن، به او علاقه پیدا کردم. سپس او را در برابر خودم گم کردم و

نفهمیدم چگونه رفت. از مردمی که اطراف او بودند، پرسیدم: آیا این علوی را می شناسید؟

گفتند: آری، همه ساله با ما پیاده به حج می آید.

گفتم: سبحان الله! به خدا سوگند، نشان پیاده روی بر او نمی بینم. و غمگین و دل گرفته از فراق او، به مزدلفه آمدم و آن شب را

خواهیدم. در خواب، پیامبر خدا را دیدم که فرمود: «ای احمد! خواسته ات را دیدی؟».

ص: ۱۴۷

گفتم: او کیست، سرور من؟

فرمود: «آن را که دیشب دیدی، صاحب الزمان تو بود».

چون این را از او شنیدیم، او را سرزنش کردیم که چرا ما را نیاگاهانید!

او گفت تا زمانی که با ما در این باره سخن گفت، این مسئله را فراموش کرده بود. (۱) ۴/۱

دشواری حج

۳۲۳. الکافی - به نقل از عبد الله بن یحیی کاهلی: - از امام صادق علیه السلام شنیدم که از حج یاد می‌کرد و فرمود: «پیامبر خدا فرمود: "حج، یکی از دو جهاد است. حج، جهاد ضعیفان است و ماییم ضعیفان. هلا! هیچ چیزی جز نماز، برتر از حج نیست. در حج، این جا، نماز هست؛ ولی در نماز شما، حج نیست.

حج را واگذار، در حالی که توان انجام دادن آن را داری. آیا نمی‌بینی که موهایت ژولیده می‌گردد و پوست بدنت در آن، چرکین می‌شود و نگاه به زنان، در آن ممنوع است؟

ما که در این جاییم و نزدیک هستیم و همواره آب نیز داریم، رسیدن به حج، برایمان جز با مشقت، ممکن نیست. شما که در شهرهای دوردست هستید، و صفتان چگونه است!

نه شاه و نه رعیت، جز با رنج و زحمت، به حج نمی‌توانند رسید: جایگاه غذا و آبخوری و نیز آب و هوا تغییر می‌کند و کسی را یارای جلوگیری از آن نیست و این، است سخن خداوند که: (وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِلَيْغِهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ)؛ (۲)

بارهایتان را به شهری می‌برند که جز با رنجوری جان‌ها، توان رسیدن به آن

۱- الغیبه، طوسی: ص ۲۵۹-۲۶۲ ح ۲۲۷، فلاح السائل: ص ۳۲۳-۳۲۶ ح ۲۱۶، دلائل الإمامة: ص ۵۴۲-۵۴۵ ح ۵۲۳ به نقل از ابراهیم بن محمد بن احمد انصاری، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۶ ح ۵.

۲- نحل: آیه ۷.

ص: ۱۴۸

را ندارید. قطعاً پروردگارتان، دلسوز و مهربان است.» (۱) / ۵

پاداش حج

۳۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاداش حج نیکو، جز بهشت نیست. (۲) ۳۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر عمره تا عمره دیگر، کفاره [گناهان] میان آن دو است و پاداش حج مقبول، بهشت است. (۳) ۳۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزار، هیچ تسبیح و تکبیری نمی‌گوید، مگر آن که به سبب آن، بشارتی به او داده می‌شود. (۴) ۳۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- آن گاه که به کاروان شترهای حجاج نگاه کرد-: هیچ گامی بر نمی‌دارند، مگر آن که برایشان حسنه نوشته می‌شود و هیچ گامی نمی‌گذارند، مگر آن که گناهی از آنان محو می‌شود و هر گاه اعمال حج خود را به پایان برند، به آنان گفته می‌شود: «بنایی ساختید. پس ویرانش نکنید. گناهان گذشته شما بخشوده شد. برای آینده، کار نیک انجام دهید.» (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۷، علل الشرائع: ص ۴۵۷ ح ۲، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲ ح ۳۶.

۲- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۷۵ ح ۸۱۰ به نقل از عبد الله بن مسعود، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۱۷۴۱، التاريخ الكبير: ج ۱ ص ۱۳۳ ش ۳۹۹ هر دو به نقل از ابو هریره تقریباً با همان الفاظ، مسند أبي يعلى: ج ۵ ص ۸ ح ۴۹۵۵ به نقل از عبد الله، كنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۳ ح ۱۲۲۸۶؛ عوالی اللالی: ج ۱ ص ۴۲۷ ح ۱۱۴.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۲۹ ح ۱۶۸۳، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۳ ح ۴۳۷، سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۱۵، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۴ ح ۲۸۸۸ همگی به نقل از ابو هریره، كنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۱۲۲۹۴؛ دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۰ ح ۴۶.

۴- المعجم الاوسط: ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۵۴۵۶، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۷۲ ح ۴۰۹۳ هر دو به نقل از ابو هریره، كنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۱۲۲۹۵.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴، الجعفریات: ص ۶۶ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ.

ص: ۱۴۹

۳۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حاجیان، سه گونه‌اند و بیشترین بهره، از آن کسی است که گناهان گذشته و آینده‌اش بخشوده شود و خداوند، از عذاب قبر نگاهش دارد. پس از او، کسی است که گناهان گذشته‌اش آمرزیده شود و باید برای باقی مانده عمرش، عمل از سر گیرد.

پس از او، کسی است که تنها خانواده و مالش حفظ می‌شوند. (۱) ۳۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای حج و عمره از خانه‌اش بیرون آید، با هر گامی که بر می‌دارد و می‌گذارد، گناهان از بدنش می‌ریزند، آن گونه که برگ از درخت، فرو می‌ریزد. و چون وارد مدینه شود و با سلام، با من مصافحه کند، فرشتگان با سلام، با او مصافحه می‌کنند و چون به ذو الحلیفه وارد شود و غسل کند، خداوند او را از گناهان پاک می‌کند و چون دو جامه نو بپوشد، خداوند حسنات را برای او تازه می‌کند و چون بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ»، خدای عزوجل هم با «لَبَّيْكَ و سَعْدِيكَ» در پاسخ می‌گوید: «کلامت را می‌شنوم و به تو می‌نگرم». و چون وارد مکه شود و طواف و سعی میان صفا و مروه کند، خداوند خیرات را برای او پیوسته می‌دارد.

و چون در عرفات و قوف کنند و صدای ناله‌ها به نیازها بر آید، خداوند به آنان بر فرشتگان هفت آسمان مباحث کرده، می‌گوید: «ای فرشتگانم و ساکنان آسمان‌هایم! آیا به بندگانم نمی‌نگرید که از هر درّه عمیق [و راه دوری]، ژولیده و غبارآلود نزد من آمده‌اند و پول‌ها خرج کرده و بدن‌ها به رنج افکنده‌اند به عزّت و سُکّوهم سوگند، بدکارشان را به خاطر نیکوکارشان خواهم بخشید و از گناهان، مانند روزی که مادرانشان آنان را زادند، بیرونشان خواهم آورد».

و چون رمی جمره کنند و سرها بتراشند و کعبه را زیارت کنند، یک منادی از دل عرش، ندا می‌دهد: «باز گردید که بخشوده شده‌اید و کار، از سر گیرید». (۲) ۳۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- به مردی از انصار-: بدان! وقتی که تو، روی به راه حج نهادی و بر مرکب خویش سوار شدی و بسم الله گفتی و مرکبت تو را به حرکت آورد، هر گامی که مرکب

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۲ ح ۳۹، الخصال: ص ۱۴۷ ح ۱۷۷ هر دو به نقل از جابر از امام باقر علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۶ ح ۲۲۵۳ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۹ ح ۴۴.

۲- تنبیه الغافلین: ص ۴۸۹ ح ۷۶۰ به نقل از ابن عباس.

ص: ۱۵۰

تو بر می‌دارد و هر قدمی که می‌گذارد، خداوند برای تو حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی می‌زداید. پس چون احرام بستنی و لَبِیک گفتی، با هر لَبِیک، خداوند برای تو ده حسنه می‌نویسد و ده گناه از تو محو می‌کند. وقتی خانه خدا را هفت بار طواف کردی، نزد خداوند، پیمان و یادی خواهی داشت که از آن پس، خدا شرم می‌کند تو را عذاب کند.

وقتی کنار مقام ابراهیم نماز خواندی، خداوند به پاداش آن، ثواب دو هزار رکعت نماز مقبول برایت می‌نویسد. و چون میان صفا و مروه هفت بار سعی کردی، پاداش تو نزد خدا، مثل پاداش کسی است که از دیار خود، پیاده به حج آمده و همچون پاداش کسی که هفتاد برده مؤمن آزاد کرده است.

و چون تا غروب آفتاب در عرفات، وقوف کردی، اگر گناھانت به اندازه ریگ‌های صحرا و کف‌های دریا باشد، خداوند [همه] آنها را می‌بخشاید.

وقتی سنگ‌ریزه بر جمرات زدی، خداوند به پاداش هر سنگ، در باقی مانده عمرت ده حسنه می‌نویسد، و چون سر را تراشیدی، خداوند در مقابل هر مو، حسنه‌ای در باقی مانده عمرت می‌نویسد.

و چون قربانی‌ات را سر بریدی یا شترت را نحر کردی، برای هر قطره خون آن، در بازمانده عمرت حسنه‌ای داری. و چون هفت بار گرد خانه خدا طواف کردی و دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم خواندی، فرشته‌ای بزرگوار بر دوش تو می‌زند و می‌گوید: «گناھان گذشته‌ات آمرزیده شدند. از هم اکنون تا صد و بیست روز آینده، اعمالت را از سر گیر».^(۱)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۲۱۳۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۰ ح ۵۷، الأمالی، صدوق: ص ۶۴۳ ح ۸۷۲ همگی به نقل از محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام، روضه الواعظین: ص ۳۹۴ همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴ ح ۳.

ص: ۱۵۱

۳۳۱. امام باقر علیه السلام: همین که حج گزار شروع به تهیه وسایل سفرش کند، هیچ گامی در راه تهیه وسایلش بر نمی‌دارد، مگر آن که خدای عزوجل، ده حسنه برایش می‌نویسد و ده گناه از او می‌آمرزد و ده درجه بر او می‌افزاید، تا آن گاه که از وسایلش آسوده شود، هر وقت که شد. و چون با مرکبش رو به سوی حج کند، با هر گامی که بر می‌دارد و هر گامی که می‌نهد، خداوند همان پادشاه را برای او می‌نویسد، تا اعمالش به پایان رسد.

چون اعمالش را به پایان رساند، خداوند گناهانش را می‌آمرزد و در چهار ماه ذی حجه، محرم، صفر و ربیع الأول، حسنات او نوشته می‌شوند؛ ولی گناهانش ثبت نمی‌شوند، مگر آن که گناه کبیره‌ای مرتکب شود. پس از گذشت این چهار ماه، او مثل مردم دیگر است. (۱) ۳۳۲. امام صادق علیه السلام: بنده مؤمن، وقتی به قصد حج از خانه‌اش بیرون می‌آید، خود و مرکبش گامی بر نمی‌دارند، مگر این که خداوند، حسنه‌ای برای او می‌نویسد، گناهی را از او محو می‌کند و درجه‌ای را برایش می‌افزاید.

و چون در عرفات وقوف کند، اگر گناهانش به اندازه دانه‌های خاک هم باشد، چون برگردد، مثل روزی که مادرش او را به دنیا آورده، [پاک و بی‌گناه] خواهد بود و به او گفته می‌شود: «اعمالت را دوباره از سر گیر».

خداوند می‌فرماید: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى؛ (۲)

کسی که عجله کند و ذکر خدا را در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و کسی که تأخیر افکند [و در سه روز انجام دهد]، گناهی بر او نیست، برای آن کس که تقوا پیشه کند). (۳) ۳۳۳. امام صادق علیه السلام: حجاج، سه گونه از حج باز می‌گردند: یک گروه، از آتش، نجات می‌یابند.

گروهی از گناهانشان پاک می‌شوند، مانند روزی که از مادر زاده شده‌اند. و گروهی هم

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۴ ح ۹، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹ ح ۵۵ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از سعد اسکاف. نیز، ر. ک: المحاسن: ج ۱ ص ۱۳۷ ح ۱۷۷.

۲- بقره: آیه ۲۰۳.

۳- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۲۸۳ به نقل از ابو بصیر، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۱۵ ح ۶.

ص: ۱۵۲

تنها خانواده و مالشان حفاظت می‌شوند. این، کمترین چیزی است که حج گزار آن را با خود می‌آورد. (۱) ۳۳۴. الأمالی، صدوق- به نقل از مُشمَعِلِ اسدی:- سالی به حج رفته بودم. در بازگشت، خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. پرسید: «از کجا می‌آیی، مشمعل؟».

گفتم: فدایت شوم! به حج رفته بودم.

فرمود: «آیا می‌دانی حج گزار، چه پاداشی دارد؟».

گفتم: از شما می‌آموزم.

فرمود: «هر گاه بنده، هفت بار دور این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز طواف بخواند و میان صفا و مروه سعی کند، خداوند شش هزار حسنه برای او می‌نویسد و شش هزار گناه او را می‌بخشاید و شش هزار درجه بر او می‌افزاید و شش هزار حاجت دنیایی او را بر می‌آورد و به همین اندازه برای آخرتش ذخیره می‌کند».

گفتم: فدایت شوم! اینها پاداش بسیاری است!

فرمود: «آیا به چیزی بیشتر و بالاتر از این، آگهت کنم؟».

گفتم: آری.

فرمود: «ادای حاجتی از یک مؤمن، برتر است از حجّی و حجّی و حجّی» و تا ده حج بر شمرد. (۲) ۳۳۵. امام صادق علیه السلام: چون موسی علیه السلام حج گزارد، جبرئیل علیه السلام نازل شد. موسی علیه السلام به او گفت: ای جبرئیل!... کسی که با نیتی صادق و خرجی پاک [و حلال]، این خانه را زیارت کند، چه پاداشی دارد؟ جبرئیل علیه السلام به سوی خدا بازگشت. خداوند وحی فرمود که: «به او بگو: او را در

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۶، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۱ ح ۵۹، ثواب الأعمال: ص ۷۲ ح ۹ همگی به نقل از معاویه بن عمّار، النوادر، اشعری: ص ۱۳۸ ح ۳۵۷ به نقل از ابو بصیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۶ ح ۱۱۱.

۲- الأمالی، صدوق: ص ۵۸۱ ح ۸۰۱، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۵ ح ۷۷، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۲۸۵ ح ۴.

ص: ۱۵۳

ملکوت اعلا، همراه پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان قرار می‌دهم و اینان چه همراهان خوبی‌اند!». (۱) ۳۳۶. امام صادق علیه السلام: کسی که در قبر است، آرزو دارد که در مقابل دنیا و آنچه در آن است، یک حج می‌داشت. (۲) ۶/۱

فضیلت پیوسته به حج رفتن

الف - تشویق به حج گزاردن همه ساله

۳۳۷. الکافی - به نقل از عذافر: - امام صادق علیه السلام پرسید: «چه چیزی مانع می‌شود که همه ساله به حج بروی؟». گفتم: فدایت شوم! خانواده (عیالمندی).

فرمود: «اگر بمیری، چه کسی به خانواده‌ات رسیدگی می‌کند؟ به خانواده‌ات سرکه و روغن زیتون بخوران؛ ولی همه ساله آنان را به حج ببر». (۳) ۳۳۸. امام صادق علیه السلام - به عیسی بن ابی منصور: - اگر بتوانی که نان و نمک بخوری، ولی همه ساله به حج بروی، چنین کن! (۴) ۳۳۹. الکافی - به نقل از ابو همام: - به امام رضا علیه السلام گفتم: کسی قرض دارد. چیزی به دستش می‌رسد. آیا با آن، قرضش را بدهد، یا به حج برود؟ فرمود: «با بخشی، قرضش را بدهد و با بخشی دیگر، به حج برود».

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۲۲۸۷، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۳۵۹ ح ۶۹.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۶ ح ۲۲۵۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۳ ح ۶۷ به نقل از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام، تنبیه الخواطر: ج ۲ ص ۹.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۶ ح ۱۶.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۲ ح ۱۵۳۷ به نقل از عیسی بن ابی منصور.

ص: ۱۵۴

گفتم: تنها به اندازه مخارج حج است.

فرمود: «یک سال قرضش را بدهد، یک سال به حج برود».

گفتم: اگر این مال، از سوی حکومت داده شود، چه؟

فرمود: «برایتان اشکالی ندارد». (۱) ۳۴۰. کتاب من لا یحضره الفقیه: امام صادق علیه السلام فرمود: «چه چیزی مانع آن است که همه ساله حج کنید؟».

گفته شد: پولمان نمی‌رسد.

فرمود: «آیا کسی از شما نمی‌تواند که اگر برادرش به حج می‌رود، پول یک قربانی همراهش کند و دستور دهد که از طرف او هفت دور گرد کعبه طواف کند و از طرف او قربانی کند و چون روز عرفه شد، جامه‌های [احرامش] را بپوشد و آماده شود و به مسجد برود و پیوسته در دعا باشد، تا خورشید، غروب کند؟». (۲)

ب- دعا برای توفیق حج گزاردن همه ساله

۳۴۱. امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! بر من منت گذار، با [توفیق گزاردن] حج و عمره و زیارت قبر پیغمبرت- که درود و رحمت و برکات بر او و دودمانش باد- همواره، تا مرا زنده می‌داری، امسال و هر سال. و این حج و زیارت را پذیرفته و پاداش یافته قرار بده که نزد تو یاد شود و ذخیره قرار گیرد. (۳) ۳۴۲. امام زین العابدین علیه السلام: خدایا! نعمت دادنت را بر من تمام کن که تو، بهترین نعمت دهندگانی و باقی مانده عمرم را برای کسب رضای تو در حج و عمره قرار بده، ای پروردگار جهانیان! (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۹ ح ۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۳۶ ح ۲۹۰۴.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۱۸ ح ۳۱۱۰، عوالی اللآلی: ج ۳ ص ۱۷۱ ح ۸۰.

۳- الصحیفه السجادیة: ص ۹۸ دعاء ۲۳.

۴- الصحیفه السجادیة: ص ۲۰۲ دعاء ۴۷.

ص: ۱۵۵

۳۴۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه از نافله نماز عشا فارغ شدی، می‌گویی: «خدایا! به حق جلوه و شکوهت و زیبایی و عظمت ...، از تو می‌خواهم که حج و عمره را در این سال و هر سال، روزی‌ام سازی و چشمم را [از گناه] فرو پوشی و عفافم را نگاه داری و روزی مرا وسعت بخشی و مرا از هر بدی، حفظ کنی، ای مهربان‌ترین مهربانان!». (۱) ۳۴۴. امام صادق علیه السلام: در هر شب ماه رمضان، می‌گویی: «خدایا! ای پروردگار ماه رمضان؛ ماهی که در آن قرآن را فرو فرستادی و در این ماه، روزه را بر بندگانت واجب ساختی! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و امسال و هر سال، حج خانه خودت و زیارت قبر پیامبرت و امامان - که درود تو بر آنان باد- را روزی‌ام کن». (۲) ۳۴۵. امام صادق و امام کاظم علیهما السلام: در ماه رمضان، از آغاز تا پایان، پس از هر نماز واجب می‌گویی: «خدایا! امسال و هر سال، تا مرا زنده نگه داشته‌ای، حج خانه خودت را روزی‌ام کن، در آسانی و تن‌درستی و گشایش روزی، و مرا از آن جایگاه‌های ارجمند و حرم‌های شریف و زیارت قبر پیامبرت محروم مکن و در همه نیازهای دنیا و آخرت برای من باش.

خداوند! از تو می‌خواهم در آن فرمان حتمی - که شب قدر، تقدیر می‌کنی و رقم می‌زنی؛ تقدیری که برگشت و دگرگونی ندارد- مرا نیز از حجاج خانهات که حجشان پذیرفته، تلاششان سپاس شده، گناهانشان بخشوده و بدی‌هایشان پوشانده شده است، بنویسی و در آنچه حکم و تقدیر می‌کنی، این را نیز قرار بده که عمرم را در اطاعت خود دراز کنی، روزی مرا بر من بیفزایی و امانت و قرض مرا از سوی من ادا کنی. بپذیر، ای پروردگار جهانیان!». (۳)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۷۳ ح ۲۳۲ به نقل از ذریع محاربی، المقنعة: ص ۱۷۴، مصباح المتعجد: ص ۵۴۵ ح ۶۳۵ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۳۶۹.

۲- الهدایة: ص ۱۸۷ ح ۹۳، المزار الکبیر: ص ۶۲۸ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، الإقبال: ج ۱ ص ۱۰۵ به نقل از محمّد بن ابی قره بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۳۱۱ ح ۵.

۳- الإقبال: ج ۱ ص ۷۹ به نقل از تلّعبری.

ج- نتایج پیوسته حج گزارین

۳۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا و آخرت می‌خواهد، آهنگ زیارت این خانه کند. هر کس از مکه باز گردد، در حالی که تصمیم دارد سال آینده هم به حج برود، عمرش زیاد خواهد شد. (۱) ۳۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پیوسته به حج و عمره برود، فقر و تب، گریبانگیر او نمی‌شوند. (۲) ۳۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیاد به حج و عمره رفتن، از تنگ‌دستی جلوگیری می‌کند. (۳) ۳۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج‌های پی در پی و عمره‌های متوالی، تنگ‌دستی و مرگ بد را دور می‌کنند.

۳۵۰. امام صادق علیه السلام: بر شما باد زیارت این خانه (کعبه)! پیوسته حج خانه خدا کنید؛ چرا که با پیوسته حج گزارین، گرفتاری‌های دنیا و هراس‌های روز قیامت، از شما دفع می‌شوند. (۴) ۳۵۱. امام صادق علیه السلام: هر کس دو بار به حج رود، همواره در راه مستقیم است، تا بمیرد. (۵) ۳۵۲. امام صادق علیه السلام: هر کس سه بار حج به جا آورد، هرگز تنگ‌دستی به او نمی‌رسد. (۶) ۳۵۳. الخصال- به نقل از منصور بن حازم- از امام صادق علیه السلام پرسیدم: پاداش کسی که چهار بار به حج برود، چیست؟

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۲۲۲۲ و ۲۲۲۳، الکافی: ج ۴ ص ۲۸۱ ح ۳ به نقل از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۴ ح ۸ به نقل از فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام.

۳- الأمالی، محاملی: ص ۳۳۹ ح ۳۷۲ به نقل از ام سلمه، کنز العمال: ج ۵ ص ۶ ح ۱۱۷۹۹.

۴- الأمالی، طوسی: ص ۶۶۸ ح ۱۳۹۸ به نقل از ابو بصیر، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۴ ح ۴۳.

۵- الخصال: ص ۶۰ ح ۸۱ به نقل از صفوان بن مهران، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۲۰۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۶ ح ۱۱.

۶- الخصال: ص ۱۱۷ ح ۱۰۱ به نقل از صفوان بن مهران جمّال، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۲۰۶ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، روضه الواعظین: ص ۳۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸ ح ۶۳.

ص: ۱۵۷

فرمود: «ای منصور! هر کس چهار بار حج بگذارد، هرگز فشار قبر به او نمی‌رسد». (۱) ۳۵۴. الخصال- به نقل از ابو بکر حضرمی:-
 به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که پنج بار به حج برود، چیست؟
 فرمود: «کسی که پنج بار به حج برود، خداوند هرگز عذابش نمی‌کند». (۲) ۳۵۵. امام صادق علیه السلام: کسی که ده بار به حج
 برود، خداوند هرگز از او حساب نمی‌کشد. (۳) ۳۵۶. امام صادق علیه السلام: هر کس بیست بار حج بگذارد، دوزخ را نخواهد دید
 و دم و بازدم جهنم را نخواهد شنید. (۴) ۳۵۷. امام کاظم علیه السلام: هر کس چهل بار حج بگذارد، به او می‌گویند: «هر کس را
 می‌خواهی، شفاعت کن» و دری از درهای بهشت برای او گشوده می‌شود و او و کسانی که شفاعتشان کرده، از آن وارد می‌شوند.
 (۵) ۳۵۸. امام صادق علیه السلام: هر کس پنجاه حج بگذارد، خداوند در بهشت جاودان برای او شهری می‌سازد با صد هزار قصر،
 در هر قصری، یک حوری از حوریان بهشتی و هزار همسر، و از همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت قرار می‌گیرد. (۶)
 ۳۵۹. امام رضا علیه السلام: هر کس بیش از پنجاه بار حج بگذارد، همچون کسی است که پنجاه حج با

۱- الخصال: ص ۲۱۵ ح ۳۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۰۹ به نقل از امام رضا علیه السلام، روضه الواعظین:
 ص ۳۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰ ح ۷۴.

۲- الخصال: ص ۲۸۳ ح ۳۰، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۱۰ به نقل از امام رضا علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹
 ص ۲۰ ح ۷۶.

۳- الخصال: ص ۴۴۵ ح ۴۳ به نقل از ابو بکر حضرمی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۱۰ به نقل از امام رضا علیه
 السلام، روضه الواعظین: ص ۳۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰ ح ۷۷.

۴- الخصال: ص ۵۱۶ ح ۳ به نقل از ابو بکر حضرمی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۱
 ح ۷۸.

۵- الخصال: ص ۵۴۸ ح ۲۹ به نقل از زکریا موصلی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۱۱.

۶- الخصال: ص ۵۷۱ ح ۳ به نقل از هارون بن خارجه، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۱۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص
 ۲۱ ح ۷۹.

ص: ۱۵۸

محمّد و اوصیاء- که درود خدا بر آنان باد- انجام داده است و از کسانی خواهد بود که خدای عزوجل هر جمعه او را دیدار می‌کند و از کسانی خواهد بود که وارد بهشت برینی می‌شوند که خداوند، خودش با دست [قدرت] خود، آن را آفریده است و نه چشمی آن را دیده و نه آفریده‌ای از آن آگاه شده است.

و هیچ کس نیست که زیاد حج انجام دهد، جز آن که خداوند عز و جل در مقابل هر حجی برای او شهری در بهشت می‌سازد که در آن غرفه‌هایی است و در هر غرفه‌ای، یکی از حوریان بهشتی و با هر حوری، سیصد کنیز که مردم هرگز به کسانی با حسن و زیبایی آنان، نگاه نکرده‌اند. (۱)

د- معنای پیوسته حج رفتن

۳۶۰. امام صادق علیه السلام: کسی که یک سال در میان به حج برود، از کسانی است که پیوسته به حج می‌روند. (۲) ۳۶۱. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: هر کس سه سال پیایی به حج رود، پس از آن به حج برود یا نرود، به منزله کسی است که پیوسته به حج می‌رود. (۳) ۳۶۲. الکافی: روایت شده است: «حج گزار دائم، کسی است که هر گاه امکانات حج برایش فراهم شود، به حج می‌رود، همچنان که می‌خوار دائم، کسی است که هر گاه شراب بیابد، می‌نوشد». (۴)

ه- ناپسندی پیوسته حج رفتن برای کسی که می‌تواند

۳۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال می‌فرماید: «کسی که اجلس را به تأخیر انداختم و

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۷ ح ۲۲۱۳.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۸ ح ۲۲۱۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۲ ح ۹ به نقل از فضیل بن یسار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۲۰۵ به نقل از امام صادق علیه السلام، روضة الواعظین: ص ۳۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸ ح ۶۴.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۲ ذیل حدیث ۹.

ص: ۱۵۹

روزی‌اش را وسعت دادم و تن‌درستی به او بخشیدم، ولی هر پنج سال یک بار، به زیارت من نیاید، محروم است». (۱) ۳۶۴. امام صادق علیه السلام: کسی که پنج سال بر او بگذرد و به زیارت خانه خدا نرود، در حالی که توانگراست، قطعاً شخصی «محروم» است. (۲) ۳۶۵. امام صادق علیه السلام: خداوند- تبارک و تعالی- می‌فرماید: «بنده‌ای که وسعت روزی به او دادم، ولی هر چهار سال یک بار به زیارت من نیاید، محروم است». (۳)

و- هشدار به آن که تصمیم حج دوباره ندارد

۳۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از مکه باز گردد، در حالی که تصمیم به حج دوباره ندارد، یقیناً اجل و عذابش نزدیک شده است. (۴) ۳۶۷. تهذیب الأحکام- به نقل از ابو خدیجه (سالم بن مکرم)-: همراه امام صادق علیه السلام بودیم و در مسیر، فرود آمدیم. ایشان فرمود: «این کوه ثافل (۵) را می‌بینید؟ یزید بن معاویه چون از حج به سوی شام بر می‌گشت، چنین شعر می‌خواند:

آن‌گاه که کوه ثافل را در سمت راست، پشت سر گذاریم
از این پس، تا سالیانی
برای حج و عمره باز نخواهیم گشت، تا زنده‌ایم
خدا هم او را پیش از اجلش، گرفتار مرگ ساخت». (۶)

۱- الجعفریات: ص ۶۵ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۷۸ ح ۲ و صحیح ابن حبان: ج ۶ ص ۶ ح ۳۶۹۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۰ ح ۱۵۷۰ هر دو به نقل از ذریح.

۳- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۱۸۵ به نقل از عبدالحمید، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۹ ح ۲۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۴ ح ۱۵۴۵ بدون نسبت دادن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۵- نام کوهی میان شام و حجاز است و در سمت راست کسی قرار می‌گیرد که از حجاز به شام می‌رود.

۶- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۶۲ ح ۱۶۱۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۵.

ص: ۱۶۰

۷/۱

پاداش تبت حج داشتن

۳۶۸. امام صادق علیه السلام: اگر شأن کسی اقتضا کند که همه ساله به حج رود و یک سال نرود، فرشتگان روی زمین، به فرشتگانی که بر کوه‌ها هستند، می‌گویند: «[امسال] صدای فلانی را نشنیدیم!». آنان می‌گویند: خوب بگردید.

می‌گردند و او را نمی‌یابند. آن گاه می‌گویند: «خدایا! اگر مانع او از حج، قرض است، قرضش را ادا کن و اگر بیماری است، شفایش بخش و اگر تنگ‌دستی است، توانگرش ساز و اگر حبس است، نجاتش بده و اگر کاری است، کارش را انجام بده». مردم برای خود دعا می‌کنند؛ ولی آن فرشتگان برای جاماندگان از حج، دعا می‌کنند. (۱) ۳۶۹. الکافی - به نقل از زیاد قندی: - به امام کاظم علیه السلام گفتم: من گاهی در مسجد الحرام می‌نشینم و به مردم می‌نگرم که مشغول طواف‌اند و اندوهگین می‌شوم [که خودم، توفیق طواف ندارم].

فرمود: «ای زیاد! عیبی ندارد. مؤمن، هر گاه از خانه‌اش به تبت حج بیرون آید، همواره در حال طواف و سعی محسوب می‌شود، تا آن که باز گردد». (۲) ۸/۱

پاداش کسی که در مسیر حج می‌میرد

۳۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حال احرام بمیرد، لَبِیکَ گو برانگیخته می‌شود. (۳)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۴ ح ۴۷.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۸ ح ۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۵ ح ۲۲۰۴ تقریباً با همان الفاظ.

۳- تاریخ بغداد: ج ۳ ص ۳۳۸ ش ۱۴۵۰ به نقل از ابن عباس، تاریخ دمشق: ج ۵۶ ص ۲۱۳، کنز العمّال: ج ۵ ص ۸ ح ۱۱۸۱۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۳۷۶ به نقل از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۳۰۲ ح ۵۶.

ص: ۱۶۱

۳۷۱. صحیح مسلم - به نقل از ابن عباس - : مرد مُحَرَّمی را مرکبش به زمین زد و در اثر شکستن گردن، مُرد. پیامبر خدا فرمود: «او را با آب و سدر، غسل دهید و در همان لباس احرامش کفن کنید و سر و صورتش را نپوشانید. همانا او روز قیامت، لُتیک گویان برانگیخته می شود». (۱) ۳۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در این مسیر (راه کعبه). بمیرد، به حج آمده باشد یا به عمره، او را برای حساب، به محشر نمی آورند و به او گفته می شود: «وارد بهشت شو». (۲) ۳۷۳. امام صادق علیه السلام: حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرت اند و گزارنده آنها در پناه خداست. اگر به آنچه می خواهد، برسد، خدا او را می آمرزد و اگر پیش از آن، اجلس در رسد، پاداشش بر عهده خداست. (۳) ۳۷۴. امام صادق علیه السلام: کسی که در مسیر مکه بمیرد، چه در رفتن و چه در بازگشت، از هول عظیم روز قیامت، ایمن خواهد بود. (۴) ر. ک: ص ۱۶۴ (در ضمانت خداوند).

۹ / ۱

پادشاه حج گزار

الف - باریافته خداوند

۳۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: باریافتگان در گاه خداوند، سه گروه اند: رزمنده، حج گزار، و به جا

۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۸۶۶ ح ۹۸، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۳۰ ح ۳۰۸۴، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۸۶ ح ۹۵۱؛ السنن الکبری: ج ۵ ص ۸۵ ح ۹۰۸۳، المعجم الکبیر: ج ۱۲ ص ۶۰ ح ۱۲۵۲۶.

۲- سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۹۸ ح ۲۷۸، مسند أبی یعلی: ج ۴ ص ۳۳۰ ح ۴۵۸۹ تقریباً با همان الفاظ، تاریخ بغداد: ج ۲ ص ۱۷۰ ش ۵۹۲ همگی به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۵ ح ۱۱۸۴۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۰ ح ۳۵ و ص ۲۵۵ ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴ ح ۷۰ هر دو به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۲۲۳۲ به نقل از امام باقر علیه السلام و همگی تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۶۹ ح ۱۴۳۵۲.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۳ ح ۴۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۳ ح ۶۸ هر دو به نقل از عبد الله بن سنان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۹ ح ۲۲۶۹ به نقل از امام باقر علیه السلام، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۳۰ ح ۹۹، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۳۰۲ ح ۵۵.

ص: ۱۶۲

آورنده عمره. (۱) ۳۷۶. امام علی علیه السلام: حج گزار و عمره گزار، میهمان خدایند و بر خداست که میهمان خویش را گرامی بدارد و با آمرزش خویش، او را پاداش دهد. (۲) ۳۷۷. امام حسن علیه السلام: سه نفر، در پناه خدایند: ... و مردی که برای حج یا عمره بیرون آید و جز برای خدا بیرون نیامده باشد. او از میهمانان خداوند است، تا آن که به خانواده‌اش باز گردد. (۳) ۳۷۸. امام زین العابدین علیه السلام- در رساله الحقوق-: حق حج، آن است که بدانند حج، در آمدن به آستان پروردگارت و گریز از گناهانت به سوی اوست، و پذیرش توبه و ادای تکلیفی که خداوند بر تو واجب ساخته، به واسطه آن است. (۴) ۳۷۹. امام صادق علیه السلام: حج گزار و عمره گزار، میهمان خدایند. اگر چیزی از او بخواهند، عطا می کند و اگر او را بخوانند، پاسخشان می دهد و اگر شفاعت کنند، شفاعتشان را می پذیرد و اگر سکوت کنند [و چیزی نخواهند] خداوند، خود به بخشش می آغازد و در مقابل هر درهم، هزار هزار درهم پاداش می گیرند. (۵)

ب- میهمان خدای سبحان

۳۸۰. الخرائج و الجرائح- از آنچه خداوند سبحان به آدم علیه السلام وحی کرد:- منم خدای صاحب بگه.

۱- سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۱۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۰۸ ح ۱۶۱۱، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۱۳۰ ح ۲۵۱۱، صحیح ابن حبان: ج ۹ ص ۵ ح ۳۶۹۲، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۳۰ ح ۱۰۳۸۷ همگی به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۴ ص ۲۸۲ ح ۱۰۴۹۸.

۲- تحف العقول: ص ۱۲۳، الخصال: ص ۶۳۵ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸ ح ۱۷.

۳- تنبیه الغافلین: ص ۳۰۳ ح ۴۲۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۶۲۰ ح ۳۲۱۴، الخصال: ص ۵۶۶ ح ۱، الأمالی، صدوق: ص ۴۵۲ ح ۶۱۰، مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۰۰ ح ۲۶۵۴ همگی به نقل از ابو حمزه ثمالی، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۴ ح ۱.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۱۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴ ح ۷۱، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۴ ح ۷۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۶ ح ۵۵. نیز، ر. ک: دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴ و سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۶ ح ۲۸۹۳.

ص: ۱۶۳

اهل آن، همسایگان من اند و زائرانش، میهمانان من. آن [جا] را با آسمانیان و زمینیان، آباد می‌کنم. گروه گروه، ژولیده و غبارآلود، به زیارت آن می‌آیند و با تکبیر و لبیک گویی، به درگاه خداوند می‌نالند.

پس هر که به قصد زیارت آید و جز آن نیتی نداشته باشد، مرا دیدار کرده و او میهمان من است و بر من نازل شده و سزاوار است که با کرامت‌های خود به او هدیه دهم. (۱) ۳۸۱. الأمالی، صدوق- به نقل از خالد بن ربیع-: امیر مؤمنان برای کاری که داشت، وارد مکه شد. بادیه‌نشینی را دید که به پرده‌های کعبه در آویخته و چنین می‌گوید: ای صاحب خانه! خانه، خانه تو و میهمان، میهمان توست و هر میهمانی از میهمانی‌اش بهره‌ای دارد. پس امشب نصیب مرا، آمرزشم قرار ده. پس امیر مؤمنان به اصحابش فرمود:

«آیا سخن بادیه‌نشین را می‌شنوید؟».

گفتند: آری.

فرمود: «خداوند، بزرگوارتر از آن است که میهمانش را رد کند». (۲) ۳۸۲. امام صادق علیه السلام: میهمان خداوند، کسی است که به حج و عمره برود.

او تا به خانه‌اش برگردد، میهمان خداست. (۳) ۳۸۳. امام صادق علیه السلام- در عرفات-: خدایا!... من میهمان تو ام. پس بهره‌ام را در این شب، بهشت قرار ده. (۴) ۳۸۴. امام صادق علیه السلام- در پاسخ کسی که از ایشان پرسید: چرا روزه در ایام تشریق، مکروه است؟-: چرا که این گروه، زائران خدا و در میهمانی اویند و سزاوار نیست که

۱- الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۸۰، بحار الأنوار: ج ۱۵ ص ۲۱۳ ح ۲۶؛ تاریخ دمشق: ج ۷ ص ۴۲۵ به نقل از وهب.

۲- الامالی، صدوق: ص ۵۵۳ ح ۷۴۲، بحار الأنوار: ج ۴۱ ص ۴۴ ح ۱.

۳- الخصال: ص ۱۲۷ ح ۱۲۷ به نقل از عباد بن صهیب، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۳۵۲ ح ۲۳.

۴- الإقبال: ج ۲ ص ۱۵۵، الأمالی، طوسی: ص ۵ ح ۳ به نقل از عتبی بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، مصباح المتعجد: ص ۶۰۱ ح ۶۹۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۶۶.

ص: ۱۶۴

میهمان، نزد کسی که به زیارتش رفته و او را میهمان کرده است، روزه بگیرد. (۱)

ج- در ضمانت خداوند

۳۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزار، چه در رفتن و چه در باز گشتن، در ضمانت خداست. پس اگر در سفرش به او رنج یا خستگی برسد، به خاطر آن، گناهانش آمرزیده می‌شود و در برابر هر گامی که بر می‌دارد، هزار درجه در بهشت بالا می‌رود و مقابل هر قطره بارانی که به او بیارد، پاداش یک شهید دارد. (۲) ۳۸۶. امام صادق علیه السلام: حج گزار و عمره گزار، در ضمانت خدایند. اگر در راه رفتن به حج بمیرد، خداوند گناهانش را می‌آمرزد و اگر در حال احرام بمیرد، خداوند او را لئیک گوی بر می‌انگیزاند و اگر در یکی از دو حرم (خانه خدا و حرم پیامبر صلی الله علیه و آله). بمیرد، خداوند او را در زمره ایمن شدگان [از عذاب] محشور می‌کند و اگر در بازگشت بمیرد، خداوند همه گناهانش را می‌آمرزد. (۳) ۳۸۷. امام صادق علیه السلام: حج و عمره، دو بازار از بازارهای آخرت‌اند. کسی که پیوسته به حج و عمره می‌رود، در ضمانت خداست. [خداوند،] اگر او را باقی بدارد، به خانواده‌اش می‌رساند و اگر او را بمیراند، وارد بهشتش می‌کند. (۴) ۳۸۸. امام صادق علیه السلام: ضمانت حج گزار باایمان، بر خداست. اگر در سفرش بمیرد، او را وارد بهشت می‌کند و اگر او را به خانواده‌اش باز گرداند، پس از رسیدن به خانواده تا سپری شدن هفتاد شب، گناهی برای او نوشته نمی‌شود. (۵)

۱- علل الشرائع: ص ۴۴۳ ح ۱ به نقل از ذو النون مصری، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۷ ح ۲۱۲۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۴ ح ۱۲.

۲- الفردوس: ج ۲ ص ۱۴۹ ح ۲۷۶۱ به نقل از ابو امامه، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۴ ح ۱۱۸۴۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۶ ح ۱۸ به نقل از ابو بصیر.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴ ح ۷۰ هر دو به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۲۲۳۲ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۹ ح ۴۳.

ص: ۱۶۵

۳۸۹. معانی الأخبار- به نقل از کلب بن معاویه اسدی:- به امام صادق علیه السلام گفتم: پیروان تو می گویند: «خانواده و مال حج گزار، در ضمانت خدا هستند و خدا جانشین او در خانواده اش است»، در حالی که گاهی می بینم که کسی به حج می رود و برای خانواده اش حوادثی پیش می آید.

فرمود: «البته خداوند، جانشین او در کارهایی است که او به آنها رسیدگی می کرد؛ نه در حوادثی که اگر حاضر هم بود، نمی توانست آنها را دفع کند». (۱) ر. ک: ص ۱۶۰ (پاداش کسی که در مسیر حج می میرد).

د- دعایش مستجاب است

۳۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه دعا مستجاب است: دعای حج گزار در مورد مراقبت از خانواده اش؛ دعای بیمار، پس او را نیازارید و دل تنگ نکنید؛ و دعای مظلوم. (۲) ۳۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جهادگر در راه خدا و حج گزار و عمره گزار، میهمانان خدایند. خداوند، دعوتشان کرده و آنان پاسخ گفته اند. آنان هم از خدا درخواست کرده اند و او هم عطایشان کرده است. (۳) ۳۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزاران و عمره گزاران، میهمانان خدایند. هر چه بخواهند، به آنها می دهد و دعایشان را مستجاب می نماید و هر چه انفاق کنند، برایشان هزار هزار برابر جایگزین می کند. (۴) ۳۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزاران و عمره گزاران، میهمانان خدایند. اگر درخواست کنند،

۱- معانی الأخبار: ص ۴۰۷ ح ۸۵ بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۷ ح ۶۲.

۲- الدعوات: ص ۳۰ ح ۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۳۶۰ ح ۲۱.

۳- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۶ ح ۲۸۹۳، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۷۶ ح ۴۱۰۸، کنز العمال: ج ۴ ص ۳۰۲ ح ۱۰۶۰۲ به نقل از صحیح ابن حبان همگی از ابن عمر.

۴- شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۷۶ ح ۴۱۰۵ به نقل از انس، کنز العمال: ج ۵ ص ۸ ح ۱۱۸۱۶.

ص: ۱۶۶

اجابتشان می‌کند و اگر از او آموزش بخواهند، می‌بخشدشان. (۱) ر. ک: ص ۱۶۱ (باریافته خداوند). و ص ۳۱۵ (پاداش یاری رساندن به خانواده حج گزار).

۱۰ / ۱

آثار حج

الف - پاکي

۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به حج خانه خدا بروید؛ زیرا حج، گناهان را می‌شوید، همچنان که آب، چرک را. (۲) ۳۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیوسته حج و عمره بگزارید؛ چرا که این دو، فقر و گناهان را از بین می‌برند، آن گونه که کوره آهنگری، زنگار آهن را می‌برد. (۳) ۳۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که حج بگزارد و [در حال احرام،] آمیزش و گناه نکند، گناهان گذشته‌اش بخشوده می‌شود. (۴)

۱- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۶ ح ۲۸۹۲، المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۲۴۷ ح ۶۳۱۱، شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۷۶ ح ۴۱۰۶، تفسیر الثعلبی: ج ۲ ص ۱۱۳ ح ۹۵ همگی به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۵ ح ۱۱۸۴۳.

۲- المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۱۷۷ ح ۴۹۹۷، الفردوس: ج ۲ ص ۱۳۰ ح ۲۶۶۴ هر دو به نقل از عبد الله بن جراد، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰ ح ۱۱۸۲۱. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲ ح ۶۵ و عوالی اللآلی: ج ۲ ص ۱۶۱ ح ۴۴۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۱۲ به نقل از محمد فراء از امام صادق علیه السلام، عوالی اللآلی: ج ۱ ص ۱۸۳ ح ۲۴۹، مسند زید: ص ۲۲۱ به نقل از امام زین العابدین علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۵ هر دو تقریباً با همان الفاظ؛ سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۷۵ ح ۸۱۰، مسند أبی یعلی: ج ۵ ص ۸ ح ۴۹۵۵، حلیة الأولیاء: ج ۴ ص ۱۱۰ و در سه منبع اخیر به نقل از عبد الله بن مسعود.

۴- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۵۳ ح ۱۴۴۹ و ص ۶۴۵ ح ۱۷۲۳، تاریخ بغداد: ج ۱۱ ص ۲۲۲ ش ۵۹۴۰، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۲۱۳، حلیة الأولیاء: ج ۷ ص ۱۴۳، مسند أبی یعلی: ج ۵ ص ۴۴۲ ح ۶۱۷۰ و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۵ ص ۷ ح ۱۱۸۰۸؛ عوالی اللآلی: ج ۱ ص ۴۲۶ ح ۱۱۳ و ج ۲ ص ۹۲ ح ۲۴۵.

ص: ۱۶۷

۳۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به قصد حج به راه افتد و جز خدا نیتی نداشته باشد، به یقین، خداوند عزوجل گناهان گذشته و آینده‌اش را می‌بخشاید و شفاعت او را در باره کسی که دعایش کند، می‌پذیرد. (۱) ۳۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای گروه مردم! در موقف (منا و عرفات)، هیچ مؤمنی وقوف نمی‌کند، مگر آن که خداوند، گناه گذشته‌اش را تا آن لحظه، می‌بخشاید و چون حج او پایان یابد، عملش از سر گرفته می‌شود. (۲) ۳۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! حج گزار و کسی را که حج گزار برای او آموزش می‌طلبد، بیامرز. (۳) ۴۰۰. امام زین العابدین علیه السلام: حج گزار، آمرزیده است و بهشت برای او واجب شده است و عمل را از سر می‌گیرد و خانواده و مالش در حفظ خدایند. (۴) ۴۰۱. الکافی: امام باقر علیه السلام فرمود: «کسی که به نیت حج یا عمره، به زیارت این خانه آید و از کبر مبرا باشد، بی گناه بر می‌گردد، همچون روزی که مادرش او را زاده است» و سپس، این آیه را خواند: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ...؛ (۵)

کسی که در دو روز، عجله کند، گناهی بر او نیست. (۶). (۷) ۴۰۲. امام صادق علیه السلام: کسی که با اخلاص و به خاطر خدا حج کند و قصد ریا و شهرت‌طلبی نداشته باشد، حتماً خدا او را می‌آمرزد. (۸) ۴۰۳. امام صادق علیه السلام - در بیان فضیلت حج - بنده، از خانه‌اش خارج می‌شود. پس خیر نصیب او می‌گردد تا وقتی به مسجد الحرام می‌رسد. طواف واجب را انجام می‌دهد و

۱- حلیه الأولیاء: ج ۷ ص ۲۳۵ به نقل از عبد الله.

۲- الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۳۲ به نقل از علقمه بن محمد حصرمی از امام باقر علیه السلام، التحصین، ابن طاووس: ص ۵۸۹ به نقل از زید بن ارقم تقریباً با همان الفاظ، روضه الواعظین: ص ۱۱۰.

۳- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۰۹ ح ۱۶۱۲، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۱۳۲ ح ۲۵۱۶، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۲۸ ح ۱۰۳۸۱، المعجم الاوسط: ج ۸ ص ۲۶۶ ح ۸۵۹۴، تاریخ بغداد: ج ۱۳ ص ۲۶۹ ش ۷۲۲۳ همگی به نقل از ابو هریره، المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۴ ص ۱۹۱ ح ۲۱ به نقل از مجاهد، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۳۹ ح ۱۲۳۸۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۱ به نقل از خالد قلانسی از امام صادق علیه السلام.

۵- بقره: آیه ۲۰۳.

۶- منظور، کوچ کردن از منا در پایان حج است.

۷- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۲ به نقل از عبد اعلی از امام صادق علیه السلام؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۵ ح ۲۱۴۷.

۸- ثواب الأعمال: ص ۷۰ ح ۲ به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۲۲۲۱، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۳۰ ح ۹۸ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴ ح ۱۰۱.

ص: ۱۶۸

سپس به نزد مقام ابراهیم باز گشته، دو رکعت نماز طواف را می‌خواند. آن گاه فرشته‌ای می‌آید و سمت چپ او می‌ایستد. پس چون باز گشت، [فرشته] دستش را بر شانه‌های او می‌زند و می‌گوید: «فلانی! گذشته‌هایت، آمرزیده شدند؛ اما در باره آینده، بکوش». (۱)

ب- بی‌نیازی

۴۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج کنید، که هرگز نیازمند نمی‌شوید. (۲) ۴۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج و عمره، فقر را می‌زدایند، همان گونه که کوره آهن‌گری، زنگار آهن را می‌زداید. (۳) ۴۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج کنید، که بی‌نیاز می‌گردید. (۴) ۴۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای گروه مردم! حج خانه خدا کنید. پس هیچ خانواده‌ای وارد خانه خدا نمی‌شوند، مگر آن که بی‌نیاز می‌گردند و از حج گزاردن، تخلف نمی‌کنند، مگر آن که تنگ‌دست می‌شوند. (۵) ۴۰۸. امام علی علیه السلام: برترین چیزهایی که متوسلان به درگاه خدا، به آن توسل می‌جویند، ایمان به خدا و پیامبرش... و حج خانه خدا و عمره است. همانا این دو (حج و عمره)، فقر را

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۷ ح ۲۳ به نقل از سعید سمان.

۲- الجعفریات: ص ۶۵ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۲۲۳۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲ ح ۶۵ به نقل از ابن بنت الیاس از امام رضا علیه السلام، النوادر، اشعری: ص ۱۳۹ ح ۳۵۹ به نقل از عبد الله بن معاویه از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۶۵ ح ۲۳۸۷، المحاسن: ج ۲ ص ۷۹ ح ۱۲۰۳ به نقل از سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۱۳ ح ۱۷۸۱، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۴۲ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۱ ح ۳۰؛ المصنف، عبد الرزاق: ج ۵ ص ۱۱ ح ۸۸۱۹ به نقل از صفوان بن سلیم، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰ ح ۱۱۸۲۲.

۵- الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۳۲ به نقل از علقمة بن محمد حصرمی از امام باقر علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۱۴ ح ۸۶. نیز، ر. ک: الیقین: ص ۳۵۸.

ص: ۱۶۹

می‌زدایند و گناه را می‌شویند. (۱) ۴۰۹. امام زین العابدین علیه السلام: حج و عمره بروید، تا تن درست شوید و روزی هایتان وسعت یابد و مخارج خانواده‌تان تأمین شود. (۲) ۴۱۰. الکافی- به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: من، خود را آماده کرده‌ام که هر سال، خود یا کسی از خانواده‌ام با مال من به حج برود.

فرمود: «آیا بر این کار، مصمم هستی؟».

گفتم: آری.

فرمود: «اگر چنین کنی، مژده باد که مالت زیاد خواهد شد (۳)». (۴) ۴۱۱. تفسیر العیاشی- به نقل از اسحاق بن عمار: امام صادق علیه السلام فرمود: «حج گزار، هرگز گرفتار املاق نمی‌شود».

گفتم: املاق چیست؟

فرمود: «ورشکستگی [و تنگ‌دستی]». (۵) ر. ک: ص ۱۵۶ (نتایج پیوسته حج گزاردن).

ج- نور

۴۱۲. امام صادق علیه السلام: حج گزار، تا خود را به گناهی نیالوده، نوراتیت حج با اوست. (۶)

۱- نهج البلاغه: الخطبة ۱۱۰، علل الشرائع: ص ۲۴۷ ح ۱، الأمالی، طوسی: ص ۲۱۶ ح ۳۸۰ به نقل از ابو بصیر از امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام، تحف العقول: ص ۱۴۹ همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۶ ح ۵۷.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۱، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۱۸ ح ۱۸۰۵ به نقل از امام صادق علیه السلام.

۳- در نقل ثواب الأعمال چنین است: «اگر چنین کردی، پس یقین داشته باش که مالت زیاد خواهد شد و مژده باذ تو را به زیادی مال!».

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۸ ح ۲۲۱۵، ثواب الأعمال: ص ۷۰ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۵ ح ۱۰۷.

۵- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۹ ح ۶۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲ ح ۳۷.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۵ ح ۱۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۵۰ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۷ ح ۲۰۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ص ۴۷.

ص: ۱۷۰

ر. ک: ص ۲۴۷ ح ۶۴۵ و ص ۲۵۲ ح ۶۶۱ و ص ۳۱۷ (فضیلت عمره)، بحار الانوار: ج ۹۹ ص ۲۵۹ ح ۳۷.

د- خیر دنیا و آخرت

۴۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دنیا و آخرت می‌خواهد، آهنگ این خانه کند، که بنده‌ای بدان روی نیآورده و از خدا دنیا را نخواست، مگر آن که خداوند از آن، به او داده است و آخرت را از او نخواست، جز آن که از آن برایش اندوخته است. (۱)

ر. ک: ص ۲۳۱ (پاداش وقوف در عرفات).

۱- مسند زید: ص ۲۲۰ به نقل از امام زین العابدین علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۵ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۹ ح ۲۲۲۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۰ ح ۴۹.

ص: ۱۷۱

فصل دوم: تأخیر در گزاردن حج و ترک آن

هشدار نسبت به ترک حج

۱ / ۲

۴۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای نیست که حج را به خاطر کاری از کارهای دنیا ترک کند، مگر آن که پیش از آن که کارش را انجام داده باشد، حاجیان سر تراشیده را خواهد دید [که از حج برگشته‌اند]. (۱) ۴۱۵. امام باقر علیه السلام: در وصیت امیر مؤمنان چنین بود: «حجّ خانه پروردگارتان را ترک نکنید، که هلاک خواهید شد». (۲) ۴۱۶. امام صادق علیه السلام: در ترک حج، هیچ خیری نیست. (۳) ۴۱۷. الکافی - به نقل از سیماعه -: [امام صادق علیه السلام] به من فرمود: «چرا امسال به حج نمی‌روی؟».

گفتم: میان من و قومی، داد و ستد و کارهایی بوده و امیدوارم که در آن، خیری باشد.

۱- الدرّ المنثور: ج ۱ ص ۵۰۹ به نقل از اصبهانی از امام باقر علیه السلام از پدرانش علیهم السلام؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۶ به نقل از امام باقر علیه السلام و ص ۴۲۰ ح ۲۸۶۳ از ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۲- ثواب الأعمال: ص ۲۸۱ ح ۱، المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۰ ح ۲۵۸ تقریباً با همان الفاظ و هر دو از عبد الله بن میمون از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹ ح ۷۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۰ ح ۲.

ص: ۱۷۲

فرمود: «نه، به خدا! خداوند در آن برای تو خیری قرار نمی‌دهد».

سپس فرمود: «هیچ بنده‌ای از زیارت این خانه محروم نمی‌شود، مگر به خاطر گناهی، و آنچه خداوند می‌بخشاید، بیشتر است». (۱)

ر. ک: ص ۱۷۶ (هشدار نسبت به تعطیل کردن خانه خدا).

۲ / ۲

ویژگی ترک کننده حج

الف - کافر است

قرآن

ویژگی ترک کننده حج (۲)

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ (۳)

برای خدا بر عهده مردم است که هر کس می‌تواند، حج خانه خدا کند، و هر که کفر ورزد، همانا خداوند از جهانیان، بی‌نیاز است).

حدیث

۴۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در وصیتش به علی علیه السلام: ای علی! از این امت، ده گروه به خداوند، کافر شده‌اند: ... و کسانی که توانگرند و بی آن که به حج بروند، از دنیا می‌روند (۴). (۵) ۴۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - از آنچه به علی علیه السلام وصیت کرد: ای علی! ترک کننده حج در حال استطاعت، کافر است. خدای متعال می‌فرماید: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۰ ح ۱.

۲- ویژگی‌هایی که در این جا می‌آیند، مربوط به ترک کننده حجه الاسلام‌اند، یعنی حجی که بر شخص مستطیع، واجب می‌شود.

۳- آل عمران: آیه ۹۷.

۴- در تفسیر النعمانی به نقل از امیر المؤمنین علیه السلام: کفر یاد شده در کتاب خداوند متعال، پنج گونه است. از آنها، انکار است و از جمله، کفر تنهاست. انکار هم دو صورت دارد: یکی کفر ترک دستوره‌های خداست، و دیگری کفر براءت است و از جمله

گونه‌های کفر، کفرانِ نعمت است. اما صورت سوم کفر، کفرِ ترکِ دستورهای خداوند است که از گناهان به شمار می‌آید (بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۶۰).

۵- الخصال: ص ۴۵۱ ح ۵۶ به نقل از انس بن محمد از پدرش از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۷۲ ص ۱۲۱ ح ۱۸.

ص: ۱۷۳

إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ (۱)

برای خداست بر عهده مردم، حج خانه خدا، برای کسی که راهی به آن داشته باشد، و هر کس کفر ورزد، خداوند از جهانیان، بی نیاز است).

ای علی! هر کس حج را آن قدر تأخیر بیندازد تا مرگش فرا رسد، خداوند در روز قیامت، او را یهودی یا نصرانی برمی‌انگیزد. (۲)
۴۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ره‌توشه و مرکبی داشته باشد که او را به خانه خدا برساند، ولی حج نرود، فرقی نیست که یهودی بمیرد، یا نصرانی (مسلمان نمی‌میرد).

این، بدان جهت است که خداوند در قرآن می‌فرماید: (وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا؛ (۳)

برای خدا بر عهده مردم است که هر کس می‌تواند، حج خانه خدا کند). (۴) ۴۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که حاجتی آشکار، یا حاکمی ستمگر، یا بیماری بازدارنده‌ای او را از حج باز ندارد، ولی بی آن که حج انجام دهد، از دنیا برود، می‌خواهد یهودی بمیرد و می‌خواهد نصرانی بمیرد! (۵) ۴۲۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! خداوند، حج را بر کسی که قدرت و راهی بر آن داشته باشد، واجب ساخت و هر کس [حج واجبش را] انجام ندهد، به هر حالی که می‌خواهد،

۱- آل عمران: آیه ۹۷.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۳۶۸ ح ۵۷۶۲ به نقل از حماد بن عمرو و انس بن محمد از پدرش همگی از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۳۳۲ ح ۲۶۵۶ به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۷۷ ص ۵۸ ح ۳.

۳- آل عمران: آیه ۹۷.

۴- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۷۶ ح ۸۱۲، تفسیر الطبری: ج ۳ جزء ۴ ص ۱۶، تفسیر القرطبی: ج ۴ ص ۱۵۳ همگی از حارث از امام علی علیه السلام، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۲ ح ۱۱۸۷۷.

۵- سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۵۵ ح ۱۷۳۳، حلیة الأولیاء: ج ۹ ص ۲۵۱، الفردوس: ج ۳ ص ۶۲۵ ح ۵۹۵۱ همگی از ابو امامه، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۶ ح ۱۱۸۵۳؛ الکافی: ج ۴ ص ۲۶۸ ح ۱ و ص ۲۶۹ ح ۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۴۷ ح ۲۹۳۵، ثواب الأعمال: ص ۲۸۲ ح ۲، عوالی اللآلی: ج ۱ ص ۸۷ ح ۱۸ همگی از ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام.

ص: ۱۷۴

بمیرد: یهودی، مسیحی و یا مجوس، مگر آن که بیماری‌ای داشته باشد که نگذارد، یا حاکم ستمگری مانع شود. آگاه باشد که او را در شفاعت من، بهره‌ای نیست و بر حوض من وارد نمی‌شود! هشدار! آیا رساندم؟ (۱)

ب- ترک کننده دستور اسلام است

۴۲۳. امام صادق علیه السلام: هر کس توان حج رفتن داشته باشد، ولی نرود، بی آن که کاری داشته باشد که عذر او به حساب آید، یقیناً دستوری از دستورهای اسلام را ترک کرده است. (۲) ۴۲۴. امام صادق علیه السلام- آن گاه که از ایشان در باره مردی پرسیدند که حج رفتن را به تأخیر می‌اندازد و جز تجارتي که او را مشغول ساخته، یا قرضی که دارد، چیزی مانع رفتن او نیست:- بهانه‌اش را نمی‌پذیرم. سزاوار نیست که حج را تأخیر بیندازد [و امروز و فردا کند]. پس اگر بمیرد، قطعاً یکی از دستورهای اسلام را ترک کرده است. (۳) ۴۲۵. امام کاظم علیه السلام- در تفسیر آیه (هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا؟) (۴) آیا به شما خبر دهیم که زیانکارترین افراد، کیان‌اند؟:- آنان کسانی‌اند که حج واجب را به تأخیر می‌اندازند و امروز و فردا می‌کنند [تا از دست برود]. (۵)

ج- هنگام مرگ، خواستار بازگشت به زندگی است

۴۲۶. امام صادق علیه السلام- آن گاه که از ایشان در باره آیه (فَأَصَّدَقَ وَ أَكَّنَ مِنَ الصَّالِحِينَ). (۶) پرسیدند:-

(أَصَّدَقَ)، یعنی: صدقه دهم. و (وَ أَكَّنَ مِنَ الصَّالِحِينَ؛ از صالحان باشم)، یعنی: حج به

۱- تنبیه الغافلین: ص ۵۵۴ ح ۸۹۸ به نقل از عبد خیر از امام علی علیه السلام.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸ ح ۵۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۴۸ ح ۲۹۳۶ به نقل از علی بن ابی حمزه، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۸۸ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲ ح ۸۵.

۳- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۸۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲ ح ۸۵.

۴- کهف: آیه ۱۰۳.

۵- عوالی اللآلی: ج ۲ ص ۸۶ ح ۲۳۲ به نقل از محمد بن فضل.

۶- منافقون: آیه ۱۰.

ص: ۱۷۵

جا آورم. (۱) ۴۲۷. سنن الترمذی: ابن عباس گفت: کسی که ثروتی دارد که او را به زیارت خانه خدا می‌رساند، یا زکات را بر او واجب می‌کند، ولی اقدام نکند، هنگام مرگ [از کسانی خواهد بود که] درخواست می‌کند دوباره برگردد [تا جبران کند]. مردی گفت: ای ابن عباس! از خدا بترس. تنها کفار خواستار بازگشت می‌شوند.

گفت: در این باب، بر شما از قرآن می‌خوانم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا تَلٰهُكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَاَلْأَوْلَادُكُمْ عَن ذِكْرِ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال و اولادتان شما را از یاد خدا باز ندارند)، (وَأَنْفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ يَأْتِي أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ ... وَاللَّهُ خَبِيرٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ؛ (۲)

و از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگویید: «پروردگارا! چرا مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی، تا صدقه دهم و از صالحان باشم؟» و هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌افکند، و خدا به آنچه می‌کنید، آگاه است. (۳)

د- روز قیامت، نابینا برانگیخته می‌شود

۴۲۸. الکافی- به نقل از ابو بصیر-: از امام صادق علیه السلام در باره آیه (وَمَنْ كَانَ فِي هِدْيَةِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَاَضَلُّ سَبِيلًا؛ (۴)

هر که در این دنیا کوردل باشد، در آخرت هم کوردل و گم‌راه‌تر خواهد بود). پرسیدم. فرمود: «مقصود، کسی است که حج واجب خود را با امروز و فردا کردن، به تأخیر می‌اندازد، تا این که مرگش فرا می‌رسد». (۵)

۱- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۸. نیز، ر. ک: تفسیر القمى: ج ۲ ص ۳۷۰.

۲- منافقون: آیه ۹-۱۱.

۳- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۴۱۸ ح ۳۳۱۶، المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۹۰ ح ۱۲۶۳۵، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص ۲۳۱ ح ۶۹۳، تفسیر القرطبي: ج ۱۸ ص ۱۳۰.

۴- اسراء: آیه ۷۲.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۹ ح ۲، تفسیر العیناشی: ج ۲ ص ۳۰۵ ح ۱۲۷، تفسیر القمى: ج ۲ ص ۲۴، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۶ ح ۸۰ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵ ح ۵.

ص: ۱۷۶

۴۲۹. الکافی - به نقل از ابو بصیر - شنیدم که امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «کسی که بمیرد، در حالی که تن درست و توانگر باشد و به حج نرفته باشد، از کسانی است که خداوند در باره آنان فرموده است: (وَنَحْشُرُهُ وَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى؛ (۱) در روز قیامت، او را نابینا برمی‌انگیزیم)».

پرسیدم: سبحان الله! نابینا؟

فرمود: «آری، خداوند او را نسبت به راه حق نابینا کرده است». (۲) ۴۳۰. امام صادق علیه السلام: [آیه] (وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا؛ هر که در این دنیا کوردل باشد، در آخرت هم کوردل و گم‌راه‌تر خواهد بود). در باره کسانی نازل شده که حج را آن قدر به تأخیر می‌اندازند تا این که حج ناکرده می‌میرند. پس او نابینایی است که نسبت به فریضه‌ای از واجبات الهی کور شده است. (۳) ۳/۲

هشدار نسبت به تعطیل کردن خانه خدا

۴۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر یک سال، همه مردم، حج رفتن را ترک کنند، به آنان مهلت داده نخواهد شد [و کیفر می‌شوند]. (۴) ۴۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه امت، قصد آمدن به زیارت خانه خدا را ترک کنند، به آنان مهلت داده نخواهد شد. (۵) ۴۳۳. امام علی علیه السلام: خدا را، خدا را، در باره خانه پروردگارتان! تا هستید، مبادا که از شما خالی

۱- طه: آیه ۱۲۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۹ ح ۶، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸ ح ۵۱ و ۵۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۴۷ ح ۲۹۳۴ هر دو به نقل از معاویه بن عمار تقریباً با همان الفاظ.

۳- تفسیر القمّی: ج ۲ ص ۲۴، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۳۰۵ ح ۱۲۷ به نقل از ابو بصیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵ ح ۵.

۴- جامع الأحادیث، قمی: ص ۱۱۳.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۸۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲ ح ۸۸.

ص: ۱۷۷

باشد، که اگر زیارتِ خانه خدا ترک شود، مهلت داده نخواهد شد. (۱) ۴۳۴. الکافی - به نقل از سیدیر - در حضور امام باقر علیه السلام خانه خدا را یاد کردم. فرمود: «اگر یک سال آن را ترک کنند، مهلت داده نخواهند شد». (۲) ۴۳۵. الکافی - به نقل از حسین احمسی - امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر مردم حج را ترک کنند، در نزول عذاب، مهلتی به آنان داده نمی‌شود» یا که فرمود: «عذاب بر آنان فرود می‌آید». (۳) ۴۳۶. امام صادق علیه السلام: همانا خداوند، به سبب شیعیانی از ما که حج می‌گزارند، عذاب را از آنان که حج نمی‌کنند، دفع می‌کند. اگر همه بر ترک حج همدستی کنند، همه هلاک می‌شوند. (۴) ۴۳۷. امام صادق علیه السلام: اگر مردم، حج را ترک کنند، قطعاً بر امام، واجب است که مردم را - چه بخواهند و چه نخواهند - به حج وادار کند؛ چرا که این خانه، برای حج قرار داده شده است. (۵) ۴۳۸. امام صادق علیه السلام: اگر مردم، حج خانه خدا را ترک کنند، وظیفه زمامدار است که آنان را به حج و اقامت نزد خانه خدا وادار کند ... و اگر پول نداشتند، از بیت المال مسلمانان، خرج آنان را پردازد. (۶) ر. ک: ص ۱۷۱ (هشدار نسبت به ترک حج).

۱- الکافی: ج ۷ ص ۵۱ ح ۷ به نقل از عبدالرحمان بن حجاج از امام کاظم علیه السلام، نهج البلاغه: نامه ۴۷، تحف العقول: ص ۱۹۸، روضه الواعظین: ص ۱۵۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۶ ح ۵۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۱ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۱۹ ح ۲۸۶۰، عوالی اللآلی: ج ۴ ص ۲۷ ح ۸۳ و ۸۴ تقریباً با همان الفاظ.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۱ ح ۱، علل الشرائع: ص ۵۲۲ ح ۴ به نقل از ابو بصیر تقریباً با همان الفاظ.

۴- الکافی: ج ۲ ص ۴۵۱ ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۳۵ ح ۴۴۶، تأویل الآیات: ج ۱ ص ۹۴ ح ۸۴ همگی به نقل از یونس بن ظبیان، تفسیر القمی: ج ۱ ص ۸۳، مجمع البیان: ج ۲ ص ۶۲۱ هر دو به نقل از جمیل، بحار الأنوار: ج ۷۳ ص ۳۸۳ ح ۶.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۲ ح ۲ و ص ۲۵۹ ح ۳۰، علل الشرائع: ص ۳۹۶ ح ۱ همگی به نقل از عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸ ح ۶۵.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۲۷۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۱ ح ۱۵۳۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۲۰ ح ۲۸۶۱ همگی به نقل از حفص بن بختری و هشام بن سالم و معاویه بن عمار و دیگران.

فصل سوم: واجبات حج

کلیات واجبات حج

۱/۳

۴۳۹. امام علی علیه السلام: حدود حج، چهار چیز است: احرام، طواف کعبه، سعی بین صفا و مروه، و وقوف در دو موقف (عرفات و منا). و آنچه متصل و مربوط به این اعمال است. هر کس این حدود را ترک کند، واجب است کفاره بدهد و دوباره حج کند. (۱)

۴۴۰. امام صادق علیه السلام: واجبات حج، عبارت‌اند از: احرام؛ تلبیه چهارگانه: لَئِيكَ اللَّهُمَّ لَئِيكَ، لَئِيكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَئِيكَ. إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ؛ طواف خانه خدا که برای عمره واجب است و دو رکعت نماز طواف در کنار مقام ابراهیم، واجب است و سعی بین صفا و مروه، واجب است.

و طواف حج، واجب است و دو رکعت نماز طواف حج، نزدیک مقام ابراهیم، واجب است؛ و پس از آن، سعی بین صفا و مروه، واجب است و طواف نساء، واجب است و دو رکعت نماز طواف نساء در نزدیکی مقام ابراهیم، واجب است؛ و پس از آن، سعی بین صفا و مروه نشود و وقوف در مشعر، واجب است و قربانی - برای کسی که حج تمتع می‌کند - واجب است. وقوف در عرفات، واجب است و سر تراشیدن و رمی جمرات، سنت است. (۲)

۱- وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۶۸ ح ۱۴۶۷۸ به نقل از المحکم والمتشابه.

۲- الخصال: ص ۶۰۶ ح ۹ به نقل از اعمش، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۹۲ ح ۱۵. نیز، ر. ک: کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۱۷ ح ۲۵۵۶.

ص: ۱۸۰

توضیح

در احادیث، به اعمالی که با دستور مستقیم خداوند، واجب شده‌اند، «فریضه» گفته می‌شود و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله واجب کرده است، «سنت» نامیده می‌شود و در مقام عمل و انجام وظیفه، هیچ یک، قابل ترک نیستند. گفتنی است «سنت»، خود، دو معنا دارد و افزون بر سنت واجب، سنت مستحب (مندوب). نیز داریم. (۱) ۲/۳

واجبات عمره تمتع

۱-۲/۳

احرام

احرام

الف- حکمت احرام

۴۴۱. امام صادق علیه السلام: احرام، به خاطر حرم، واجب شد. (۲) ۴۴۲. امام رضا علیه السلام: همانا مردم، مأمور شده‌اند که احرام ببندند، تا پیش از ورود به حرم امن خداوند، خشوع پیدا کنند و به چیزی از کارهای دنیا و زینت‌ها و لذت‌های آن، سرگرم و مشغول نباشند و در راه آنچه به سوی آن آمده‌اند، شکیبیا باشند و با همه وجودشان رو به خانه خدا آورند. همچنین در احرام، بزرگداشت خدای عزوجل و خانه او و فروتنی برای حاجیان است، آن گاه که می‌خواهند به سوی خدا بروند و بر او وارد شوند، در حالی که به پاداش او امیدوار، از کيفرش بیمناک و به سوی او روان‌اند و با فروتنی و تواضع و

۱- ر. ک: الکافی: ج ۱ ص ۷۱ ح ۱۲.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۲۱۲۲، المحاسن: ج ۲ ص ۵۵ ح ۱۱۶۲ به نقل از محمد بن عیسی، علل الشرائع: ص ۴۱۵ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۳ ح ۲۸.

ص: ۱۸۱

خضوع، روی به سوی او می‌کنند. (۱)

ب- میقات‌های احرام**ب- میقات‌های احرام (۲)**

۴۴۳. امام صادق علیه السلام: احرام، از میقات‌های پنجگانه است که پیامبر خدا تعیین کرده است. سزاوار نیست که حج گزار و عمره گزار پیش از آنها یا پس از آنها احرام ببندند ...

و سزاوار نیست کسی از میقات‌های پیامبر خدا روی گردان شود. (۳) ۴۴۴. امام صادق علیه السلام: از تمامیت حج و عمره، آن است که از میقات‌هایی احرام ببندی که پیامبر خدا تعیین کرده است و جز با حالت احرام، از آنها نگذری. همانا [پیامبر صلی الله علیه و آله] برای اهل عراق، «وادی عقیق» (۴) را، میقات قرار داد- با آن که آن هنگام، هنوز عراق نبود- و برای مردم یمن، «یَلْمَلَم» را معین ساخت و برای طائفیان، «قَرْنُ الْمَنْزَل» را و برای اهل مغرب (شامیان)، «جُحْفَه» را- که همان «مَهْيَعَه» است- و برای اهل مدینه، «ذُو الْخَلِيفَه» را، و هر که خانه‌اش پشت این میقات‌ها به طرف مکه باشد، منزلش میقات اوست. (۵) ۴۴۵. صحیح البخاری- به نقل از ابن عباس-: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای اهل مدینه، «ذُو الْخَلِيفَه» را میقات قرار داد و برای شامیان، «جُحْفَه» را و برای اهل نجد، «قَرْنُ الْمَنْزَل» را و برای اهل یمن، «یَلْمَلَم» را. این میقات‌ها برای آنان و کسانی هستند که بر این مکان‌ها وارد می‌شوند. و هر کس که از اینها به مکه نزدیک‌تر باشد، از هر جا که حرکت کند، [همان جا میقاتش است] حتّی اهل مکه [میقاتشان] از مکه است. (۶)

۱- علل الشرائع: ص ۲۷۴ ح ۹، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۲۰ ح ۱ هر دو به نقل از فضل بن شاذان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۲ ح ۲۴.

۲- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۶).

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۹ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۵۵ ح ۱۶۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۰۲ ح ۲۵۲۲ همگی به نقل از حلبی، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۷.

۴- وادی عقیق، وادی طولانی و بزرگی است که آغاز آن، مسلخ، میانه آن، غمره و انتهای آن، ذات عرق است، و بهتر است احرام در آغاز آن صورت گیرد (ر. ک: المبسوط: ج ۱، ص ۳۱۳).

۵- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۵۴ ح ۱۶۶ و ص ۲۸۳ ح ۹۶۴، علل الشرائع: ص ۴۳۴ ح ۲ همگی به نقل از معاویه بن عمار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۸ ح ۱۳. نیز، ر. ک: مسند زید: ص ۲۲۳.

۶- ر. ک: ص ۳۴۴ (نقشه شماره ۶).

ج- چگونگی احرام

۴۴۶. امام صادق علیه السلام: احرام [محقق] نمی‌شود، مگر پس از نماز واجب، که بعد از سلام آن، مُحرِم می‌شوی. و اگر نماز مستحب باشد، دو رکعت نماز می‌خوانی و پس از سلام دادن، احرام می‌بندی و چون از نماز فارغ شدی، خدا را حمد و ثنا کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و بگو: «خدایا! از تو می‌خواهم مرا از آنانی قرار دهی که به ندایت پاسخ گفته و به وعده‌ات ایمان آورده و فرمانت را پیروی کرده‌اند. من، بنده تو و در اختیار تو ام. حفظ نمی‌کنم، مگر آنچه را تو حفظ کنی و نمی‌گیرم، مگر آنچه تو عطا کنی. [تو] حج را یاد کرده‌ای. پس از تو می‌خواهم که تصمیم مرا بر آن استوار سازی و بر قرآن تو و سیره پیامبرت و بر آنچه ناتوان از انجامش هستم، نیرویم بخشی و اعمال مرا با آسانگیری و گذشت خویش پذیری و مرا از میهمانان خود قرار دهی کسانی که [از ایشان] راضی شده‌ام و عملشان را پسندیده‌ای و [آنان] نام برده و نوشته‌ای.

خدایا! حج و عمره را به کمال برسان. بار الها! من می‌خواهم طبق کتاب تو و سیره پیامبرت با عمره تمتع، به حج بروم. پس اگر مانعی از اتمام حجم جلوگیری کرد، همان جا مرا از احرام، خارج ساز.

خدایا! اگر حج نصیب نشد، پس عمره را قسمتم ساز. برای تو، موی و پوستم، گوشت و خونم، استخوان و مغز و عصبم را نسبت به زنان و لباس‌ها و بوی خوش، حرام می‌کنم و با این کار، رضایت تو و سرای آخرت را می‌جویم».

اگر هنگام احرام، این را یک بار هم بگویی، کافی است. پس بر پا خیز و کمی راه برو. وقتی زمین در برابرت هموار شد- چه پیاده باشی یا سواره-، لَبَّيْكَ بگو. (۱)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۱ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۷۷ ح ۲۵۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۱۸ ح ۲۵۵۸ همگی به نقل از معاویه بن عمّار.

ص: ۱۸۳

۴۴۷. امام صادق علیه السلام: هر گاه نیت احرام و تمتع داشتی، بگو: «خدایا! می‌خواهم آنچه را که فرمان داده‌ای (یعنی تمتع به عمره تا حج را)، انجام دهم. پس، آن را بر من آسان گردان و از من بپذیر و بر آن یاری‌ام کن و مرا هر جا که به تقدیرت [از رفتن] باز داشتی، از احرام در آور. مو و پوستم را از زنان و بوی خوش و لباس، حرام می‌سازم».

[این را] اگر می‌خواهی، در هنگام برخاستن بگو و اگر می‌خواهی، تأخیر بینداز، تا بر مرکب سوار شوی و رو به قبله کنی. (۱) ۴۴۸. امام صادق علیه السلام: وقتی از سوی عراق، به «عقیق» یا به یکی از این میقات‌ها رسیدی و به خواست خداوند، خواستی احرام ببندی، موهای زیر بغل خود را بچین، ناخن‌هایت را بگیر، موی شرمگاهت را بزدا، از موی شاربیت بر چین و فرقی نمی‌کند که از کدام یک آغاز کنی. سپس مسواک بزن و غسل کن و دو جامه احرام بپوش و چنان کن که فارغ شدن از اینها، هنگام ظهر باشد و اگر ظهر نشد، عیبی ندارد، جز این که دوست دارم این کار، در صورت اختیار، هنگام ظهر باشد. (۲) ۴۴۹. تهذیب الأحکام- به نقل از حماد بن عیسی-: از امام صادق علیه السلام در باره آمادگی برای احرام پرسیدم. فرمود: «ناخن گرفتن، چیدن شارب و تراشیدن موی شرمگاه». (۳)

د- لَبِيكُ كَفْتَنِ دَرِ اِحْرَامِ

۱. معنای لَبِيكُ

۴۵۰. علل الشرائع- به نقل از ابان، از کسی که برای او روایت کرد-: به امام باقر علیه السلام گفتم: چرا به لَبِيكُ گویی، «تلبیه» می‌گویند؟

فرمود: «به خاطر این که [کلمه] اجابت است. موسی علیه السلام پروردگارش را چنین جواب داد». (۴)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۷۹ ح ۲۶۳ به نقل از ابن سنان.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۲۶ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۰۷ ح ۲۵۳۳ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۶۱ ح ۱۹۴، الکافی: ج ۴ ص ۳۲۶ ح ۲ به نقل از حریز، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۲۲ ح ۱۶۴۰۷.

۴- علل الشرائع: ص ۴۱۸ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۵ ح ۱۲.

ص: ۱۸۴

۴۵۱. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از سلیمان بن جعفر-: از امام رضا علیه السلام در باره لَبَّيْكَ گفتن و عِلَّت آن پرسیدم. فرمود: «وقتی مردم احرام ببندند، خداوند متعال ندایشان می‌دهد و می‌گوید: "ای بندگان و کنیزان من! شما را بر آتش حرام خواهم کرد، آن گونه که شما به خاطر من احرام بستید."»

آن گاه مردم در مقام اجابت خداوند عز و جل که آنان را ندا داد، می‌گویند: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ». (۱) ۴۵۲. امام عسکری علیه السلام- به نقل از پدران خود، از امیر مؤمنان، از پیامبر صلی الله علیه و آله-: پروردگاران ندا داد: «ای اُمَّتِ مُحَمَّد! و همه آنان، در حالی که در صُلب پدران و رَجَم مادرانشان بودند، پاسخ دادند: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! همانا ستایش و نعمت و فرمان‌روایی، از آن توست. تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ!». پس خداوند عز و جل، همین پاسخ را، شعار حج قرار داد. (۲) ر. ک: ص ۱۳۵ (پاسخ دادن به دعوت ابراهیم).

۲. چگونگی لَبَّيْكَ گویی

۴۵۳. صحیح البخاری- به نقل از عبد الله بن عمر-: لَبَّيْكَ گویی پیامبر خدا چنین بود: «خداوندا! گوش به فرمانم. گوش به فرمانم. تو را شریکی نیست. گوش به فرمانم. ستایش و نعمت و حکمرانی قطعاً از آن توست. شریکی برایت نیست». (۳) ۴۵۴. امام صادق علیه السلام: چون پیامبر خدا به بیداء (۴)- در یک میلی مگه- می‌رسید، شتری نزدیکش

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۲۱۲۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۸۳ ح ۲۱، علل الشرائع: ص ۴۱۶ ح ۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۴ ح ۱۰.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۲۸ ح ۲۵۸۶، علل الشرائع: ص ۴۱۷ ح ۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۸۲ ح ۳۰ همگی به نقل از محمد بن زیاد و محمد بن یسار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۶ ح ۱۶.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۶۱ ح ۱۴۷۴، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۸۴۱ ح ۱۹، سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۱۶۲ ح ۱۸۱۲، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۷۴ ح ۲۹۱۸، سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۶۰.

۴- نام سرزمینی با خاک نرم، میان مگه و مدینه است که به مگه نزدیک‌تر است.

ص: ۱۸۵

می آوردند. سوار آن می شد و چون شتر به حرکت می افتاد، پیامبر صلی الله علیه و آله لَبَّيْكَ‌های چهارگانه را چنین می گفت: «لَبَّيْكَ، ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. ستایش و نعمت و فرمان‌روایی، از آن توست. شریکی برای تو نیست». (۱) ۴۵۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا چون لَبَّيْكَ گفت، فرمود: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! همانا ستایش و نعمت و فرمان‌روایی، از آن توست. تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! ای صاحب‌الایه‌ها، لَبَّيْكَ!».

ایشان «ای صاحب‌الایه‌ها!» را زیاد می فرمود و هر گاه به سواره‌ای بر می خورد، یا به بالای تپه‌ای می رسید، یا به دشتی سرازیر می شد و [نیز] آخر شب و پس از نمازها لَبَّيْكَ می گفت. (۲) ۴۵۶. السنن الکبری - به نقل از خُزَیْمَةُ بن ثابت -: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از لَبَّيْكَ گویی فارغ می شد، از خداوند، رضوان و آمرزش، می طلبد و از آتش دوزخ به رحمتش پناه می برد. (۳) ۴۵۷. امام صادق علیه السلام: لَبَّيْكَ گویی، چنین است که بگویی: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! همانا ستایش و نعمت و پادشاهی، از آن توست. شریک نداری. لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای صاحب‌الایه‌ها، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای فراخواننده به خانه امن، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای آمرزنده گناهان، لَبَّيْكَ! ای شایسته لَبَّيْكَ گویی، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای صاحب‌شکوه و بزرگواری، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، آغاز و بازگشت، به سوی توست، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، تو بی‌نیازی و دیگران به تو محتاج‌اند، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، دیگران از تو بیم دارند و به تو مشتاق‌اند، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای خدای حق، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای صاحب‌نعمت و بخشش‌نیکوی زیبا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای برطرف‌سازنده گرفتاری‌های بزرگ، لَبَّيْكَ!

۱- قرب الأسناد: ص ۱۲۵ ح ۴۳۸، الاصول الستة عشر: ص ۲۱ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از عاصم بن حمید، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۳ ح ۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۲۵۷۸، الکافی: ج ۴ ص ۲۵۰ ح ۷ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعة: ج ۱۲ ص ۳۸۴ ح ۱۶۵۷۱. نیز، ر. ک: قرب الإسناد: ص ۱۶۲ ح ۵۹۲.

۳- السنن الکبری: ج ۵ ص ۷۲ ح ۹۰۳۸، کتاب الأم: ج ۲ ص ۱۵۷، المعجم الکبیر: ج ۴ ص ۸۵ ح ۳۷۲۱، کنز العمال: ج ۷ ص ۹۱ ح ۱۸۱۱۰.

ص: ۱۸۶

لَبَّيْكَ، منم بندهات و فرزند دو بندهات، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای بزرگوار، لَبَّيْكَ!»،

اینها را پس از هر نماز واجب یا مستحب، هنگام برخاستن مرکب، هنگامی که به بلندی می‌رسی، هنگامی که در دشت سرازیر می‌شوی، آن گاه که به سواره‌ای می‌رسی، یا آن گاه که از خواب بر می‌خیزی و در سحرگاهان، می‌گویی و تا می‌توانی، زیاد بگو و آشکار بگو. اگر بخشی از این لَبَّيْكَ را نگویی، زیانی ندارد؛ لیکن گفتن همه آن، بهتر است و بدان که چهار لَبَّيْکی که در اول بود، ضرور است و این [چهار تکبیر]، توحیدند و پیامبران نیز این گونه لَبَّيْكَ گفته‌اند. «صاحب‌الایه‌ها» را زیاد بگو؛ چرا که پیامبر خدا آن را زیاد می‌گفت.

اولین کسی که لَبَّيْكَ گفت، ابراهیم علیه السلام بود. فرمود: «خداوند، شما را به حج خانه خویش فرا می‌خواند» و او را با لَبَّيْكَ، پاسخ دادند. پس هیچ کس در صلب مردان و شکم زنان که پیمان وفاداری بسته بود، نماند، مگر این که با لَبَّيْكَ، پاسخ گفت (۱).
(۲) ۳. ثواب لبیک گویی

۴۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ حج‌گزاری نیست که روز را به لَبَّيْكَ گفتن به سر آورد، مگر آن که همراه غروب خورشید، گناهانش پنهان می‌شوند. (۳) ۴۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که یک روز تا غروب آفتاب، لَبَّيْكَ بگوید، گناهانش از بین می‌روند و همچون زمانی می‌شود که مادرش او را به دنیا آورده است. (۴)

۱- دومین واجب: لَبَّيْكَ‌های چهارگانه است و صحیح‌ترین صورت خواندن آنها چنین است: «لَبَّيْكَ خداوندا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ که هیچ انبازی برای تو نیست، لَبَّيْكَ!». احوط اولی این است که در پی این ذکر، چنین بگوید: «ستایش و نعمت، از آن توست. هیچ انبازی برای تو نیست، لَبَّيْكَ!». (تحریر الوسیله: ج ۱ ص ۴۱۴. نیز، ر. ک: جواهر الکلام: ج ۶ ص ۵۵۷).

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۵ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۱ ح ۳۰۰ و ص ۲۸۴ ح ۹۶۷ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از معاویه بن عمار. نیز، ر. ک: کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۲۲۳۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۱۳ ح ۱۰۷۵، علل الشرائع: ص ۴۵۲ ح ۱ هر دو به نقل از عبد الله بن مغیره عن امام کاظم علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۷۸ ح ۷. نیز، ر. ک: المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۱۹۳ ح ۶۱۶۵.

۴- السنن الکبری: ج ۵ ص ۶۷ ح ۹۰۲۲، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۶۸ ح ۱۵۰۱۲ هر دو به نقل از جابر بن عبد الله.

ص: ۱۸۷

۴۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در احرامش، از روی ایمان و امید [به پاداش خداوند]، هفتاد بار لَبِیک بگوید، خداوند، هزار هزار فرشته را شاهد می‌گیرد که او را از دوزخ و نفاق، رهایی داده است. (۱) ۴. همه چیز، هم صدا با لَبِیک گوید، ۴۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ لَبِیک گویی نیست، مگر آن که آنچه از سنگ و درخت و کلوخ در چپ و راست اوست، [هم صدا با او] لَبِیک می‌گوید، تا آن جا که چشم کار می‌کند. (۲) ۴۶۲. امام علی علیه السلام: هیچ لَبِیک گویی نیست، مگر آن که هر چه در سمت راست و سمت چپ او در چشم‌انداز اوست، لَبِیک می‌گوید و دو فرشته به او می‌گویند: «مژده باد بر تو، ای بنده خدا!» و خداوند، هیچ بنده‌ای را جز به بهشت، مژده نمی‌دهد. (۳)

و- آداب لَبِیک گفتن

۱. خشوع

۴۶۳. عوالی اللالی - به نقل از سفیان بن عَیْنَه - : امام زین العابدین علیه السلام به حج رفت. چون احرام بست و بر مرکب خویش قرار گرفت، رنگش زرد شد و به لرزه افتاد و نتوانست لَبِیک بگوید.
کسی گفت: لَبِیک نمی‌گویی؟
فرمود: «می‌ترسم خداوند در پاسخ من بگوید: «لا لَبِیک و لا سعَدیک!» و چون

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۷ ح ۸، المحاسن: ج ۱ ص ۱۳۸ ح ۱۸۰ هر دو به نقل از امام باقر علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۴ ح ۲۱۴۱ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۸ ح ۲۰؛ الفردوس: ج ۳ ص ۶۱۴ ح ۵۹۱۸ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۷۴ ح ۲۹۲۱، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۸۹ ح ۸۲۸، السنن الکبری: ج ۵ ص ۶۷ ح ۹۰۱۹، حلیه الأولیاء: ج ۳ ص ۲۵۱ همگی تقریباً با همان الفاظ، المعجم الکبیر: ج ۶ ص ۱۳۰ ح ۵۷۴۰ همگی به نقل از سهل بن سعد ساعدی، کنز العمال: ج ۵ ص ۷ ح ۱۱۸۰۷.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۲۱۴۰، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۷۹ ح ۱۶۵۵۹.

ص: ۱۸۸

لَبَّيْكَ گفتم، بیهوش شد و از مرکبش افتاد. این حالت، همچنان به او دست می‌داد، تا آن که حَجَّش را به پایان برد. (۱) ۴۶۴. الخصال- به نقل از مالک بن انس:- سالی با امام صادق علیه السلام به حج رفتیم. هنگام احرام، چون بر مرکبش قرار گرفت، هر چه می‌خواست لَبَّيْكَ بگوید، صدایش در گلو می‌شکست و نزدیک بود که از مرکبش بیفتد.

گفتم: ای پسر پیامبر! بگو. ناچار باید لَبَّيْكَ بگویی.

فرمود: «ای پسر ابو عامر! چگونه جرئت کنم و بگویم "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ"، در حالی که بیم دارم خدای متعال به من بگوید "لا لَبَّيْكَ و لا سعديك؟!». (۲) ۲. زیاد لَبَّيْكَ گفتم

۴۶۵. کتاب الأم- به نقل از محمد بن مُنْكَدَر-: پیامبر صلی الله علیه و آله، لَبَّيْكَ را زیاد تکرار می‌کرد. (۳) ۴۶۶. امام صادق علیه السلام: هر گاه از مسجد شجره احرام بستی، اگر پیاده‌ای، از همان جا که در مسجد هستی، لَبَّيْكَ بگو. و چنین می‌گویی: «لَبَّيْكَ! ای خدا، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ! تو شریکی نداری. لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، ای صاحب والایی‌ها، لَبَّيْكَ! لَبَّيْكَ، با حَجِّی که اتمام آن، بر عهده توست».

و هر گاه سوار یا پیاده شدی، و هر گاه به دشتی سرازیر شدی یا بر فراز تپه‌ای بر آمدی یا سواره‌ای دیدی و در هنگام سحر، این لَبَّيْكَ را آشکارا بگو. (۴) ۳. بلند گفتم لَبَّيْكَ (برای مردان)

۴۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و گفت: خداوند عز و جل به تو دستور می‌دهد که به یارانت فرمان دهی صداهایشان را به لَبَّيْكَ گفتم، بلند سازند؛ چرا که لَبَّيْكَ، شعار

۱- عوالی اللآلی: ج ۴ ص ۳۵ ح ۱۲۱؛ تاریخ دمشق: ج ۴۱ ص ۳۷۸ به نقل از مالک بن انس تقریباً با همان الفاظ.

۲- الخصال: ص ۱۶۷ ح ۲۱۹، علل الشرائع: ص ۲۳۵ ح ۴، الأمالی، صدوق: ص ۲۳۴ ح ۲۴۷، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۷۵، روضه الواعظین: ص ۲۳۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۲ ح ۱.

۳- کتاب الأم: ج ۲ ص ۱۵۷.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۲ ح ۳۰۱ به نقل از عمر بن یزید. نیز، ر. ک: دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۰۲.

ص: ۱۸۹

حج است. (۱) ۴۶۸. مسند ابن حنبل - به نقل از سائب بن خلاد -: جبرئیل علیه السلام به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت:

«عَجَّاج و ثَجَّاج باش!».

عَجَّ، لَبِیک گفتن و ثَجَّ، قربانی کردن شتر است. (۲) ۴۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [خداوند] از حج، چهار چیز را بر گزیده است: لبیک گفتن، قربانی کردن، احرام و طواف. (۳) ۴۷۰. الکافی - به نقل از حریر در حدیثی که سند آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام رسانده است -: وقتی پیامبر خدا احرام بست، جبرئیل علیه السلام نزد ایشان آمد و گفت: به اصحابت به «عَجَّ» و «ثَجَّ» دستور بده.

عَجَّ، بلند گفتن لبیک و ثَجَّ، قربانی کردن شتر است. (۴) ۴۷۱. امام صادق علیه السلام: اگر پیاده بودی، صدایت را به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و لبیک گفتن از مسجد [شجره]، بلند کن و اگر سواره بودی، وقتی مرکب تو را به بیابان بیداء رساند. (۵) ۴۷۲. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل چهار چیز را از زنان برداشته است: بلند لبیک گفتن،

۱- التاریخ الکبیر: ج ۴ ص ۱۵۰ ش ۲۲۸۵، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۷۵ ح ۲۹۲۳ هر دو به نقل از زید بن خالد جهنی، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۶۸۸ ح ۲۹۵۳ به نقل از ابن عباس، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۶۲ ح ۱۷۵۵ به نقل از سائب و همگی تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۳۱ ح ۱۱۹۱۱؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۲۶ ح ۲۵۸۵ از امام علی علیه السلام تقریباً با همان الفاظ.

۲- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۶۵ ح ۱۶۵۶۶، المعجم الکبیر: ج ۷ ص ۱۴۴ ح ۶۶۳۸ به نقل از خلاد بن سوید، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۴۶ ح ۱۲۴۰۸؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۲۵۷۹ به نقل از حریر بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ.

۳- الخصال: ص ۲۲۵ ح ۵۸ به نقل از موسی بن بکر از امام کاظم علیه السلام، روضه الواعظین: ص ۴۴۴، المواعظ العدیدة: ص ۲۰۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۴ ح ۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۶ ح ۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۲۵ ح ۲۵۷۹، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۲ ح ۱۱۰ به نقل از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، معانی الأخبار: ص ۲۲۴ ح ۱ به نقل از اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۷ ح ۱۷.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۸۵ ح ۲۸۱ به نقل از عمر بن یزید.

ص: ۱۹۰

سعی کردن با حالت هروله میان صفا و مروه، وارد کعبه شدن و دست کشیدن به حجر الأسود. (۱) ۴۷۳. امام صادق علیه السلام: بلند لیبیک گفتن، بر زنان، لازم نیست. (۲) ۴. نگفتن لیبیک با دیدن خانه‌های مکه

۴۷۴. امام صادق علیه السلام: آن که حج تمتع می‌گذارد، هر گاه چشمش به خانه‌های مکه افتاد، لیبیک گویی را قطع کند. (۳) ۴۷۵.

امام صادق علیه السلام: هر گاه در عمره تمتع وارد مکه شدی، چون به خانه‌های مکه نگاه انداختی، لیبیک گفتن را قطع کن. حد خانه‌های مکه قبل از امروز، عقبه اهل مدینه بود؛ ولی مردم در مکه بناهایی پدید آوردند که پیش‌تر نبود. پس لیبیک را قطع کن و تا می‌توانی تکبیر و تهلیل (لا إله إلا الله). بگو و خدا را حمد و ثنا بگو. (۴)

و- مُحَرَّمَاتِ احْرَامِ

قرآن

(يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَاتَقْتُلُوا الصَّيِّدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ هَدْيًا مَّ بَلَغِ الْكَعْبَةَ أَوْ كَفْرَةَ طَعَامٍ مَّسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكُ صَيَّامًا لَّيْذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ* أَجَلٌ لَّكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ

۱- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۳۲۶ ح ۲۵۸۰ به نقل از ابو سعید مکاری، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۳ ح ۳۰۳، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۸۰ ح ۱۶۵۶۲.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۷ ح ۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۳ ح ۳۰۴ هر دو به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۸۰ ح ۱۶۵۶۵.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۴ ح ۳۰۷ هر دو به نقل از حلبی، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۸۹ ح ۱۶۵۸۲.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۳۹۹ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۹۴ ح ۳۰۹ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۳۸۹ ح ۱۶۵۸۱.

ص: ۱۹۱

مَتَعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حالی که مُحْرِمید، شکار را مکشید، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید از چارپایان، نظیر آنچه کشته است، کفاره‌ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا کفاره‌ای که [با آن،] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد، تا سزای زشتکاری خود را بجشد. خداوند از آنچه در گذشته واقع شده، عفو کرده است؛ ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. صید دریا و مأكولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران، بهره‌ای باشد، و [لی] صید بیابان، مادام که مُحْرِمید بر شما حرام گردیده است. و از خدایی که نزد او محشور می‌شوید، پروا دارید).

حدیث

۴۷۶. صحیح البخاری - به نقل از عبد الله بن عمر - مردی برخاست و پرسید: ای پیامبر خدا! در احرام، می‌فرمایی چه بپوشیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «پیراهن، شلوار، شب کلاه، عمامه و چکمه نپوشید، مگر کسی که نعلین ندارد، چکمه بپوشد و آنها را از پایین قوزک پا قطع کند. لباسی را که زعفران و ورس به آن خورده است، نپوشید. زن مُحْرِم، صورت خویش را نپوشاند و دستکش به دست نکند». (۲)

۱- مائده: آیه ۹۵ و ۹۶.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۵۳ ح ۱۷۴۱، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۹۴ ح ۸۳۳، سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۳۳، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۴۶۳ ح ۶۰۱۰، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۱۶۳ ح ۲۵۹۹ همگی تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۳۳ ح ۱۱۹۲۴.

ص: ۱۹۲

۴۷۷. امام صادق علیه السلام: در حال احرام، عطر مزین، روغن مزین، از بوی خوش پرهیز، بینی خود را از بوی خوش بگیر؛ ولی از بوی بد، نه؛ زیرا سزاوار نیست که مُحرّم از بوی خوش، لذّت ببرد. و از چیزهای خوش بویِ توشه‌ات پرهیز. پس هر کس به چیزی از اینها مبتلا شد، غسلش را دوباره انجام دهد و به اندازه توان، صدقه دهد.

از بوهای خوش، چهار چیز بر تو حرام است: مشک، عنبر، ورس (۱) و زعفران.

علاوه بر این، برای مُحرّم، روغن‌های خوش بو مکروه است، مگر کسی که ناچار باشد با روغن زیتون و مثل آن مداوا کند. (۲) ۴۷۸. امام صادق علیه السلام: هرگز در حالی که در احرامی، و تا وقتی هم که در حرم، بیرون از احرامی، شکار را حلال بدان. مُحرّم و غیر مُحرّم را هم به محلّ شکار، راه‌نمایی مکن که آن را صید کنند و به سوی آن، اشاره هم مکن که به خاطر اشاره‌ات، آن را حلال شمرند [و شکار کنند]؛ چرا که در این شکار، بر عهده کسی که عمداً انجام دهد، قربانی است. (۳) ۴۷۹. امام صادق علیه السلام: در حال احرام خود، از هر نوع شکار خشکی (غیر پرنده). پرهیز و از آنچه دیگری شکار کرده، مخور و به شکار، اشاره مکن که دیگری آن را صید کند. (۴) ۴۸۰. امام صادق علیه السلام: مُحرّم، نه ازدواج می‌کند و نه به ازدواج کسی در می‌آید و نه خواستگاری می‌کند و نه گواه ازدواج می‌شود و اگر هم ازدواج کند، ازدواجش باطل است. (۵) ۴۸۱. امام صادق علیه السلام: در حالی که مُحرّم هستی، به آینه نگاه نکن؛ زیرا این، نوعی زینت است و زن در حال احرام، سرمه سیاه نکشد، که آن هم زینت است. (۶) ۴۸۲. الکافی - به نقل از عبد الله بن مغیره: - از امام کاظم علیه السلام در باره [رفتن در] سایه برای مُحرّم

۱- گیاهی که از برگ‌های آن در رنگ‌آمیزی و تهیه رنگ‌های آرایشی استفاده می‌شود.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۰۵ ح ۱۰۳۹ به نقل از معاویه بن عمّار، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۴۴۴ ح ۱۶۷۳۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۸۱ ح ۱ به نقل از حلبی، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۴۱۵ ح ۱۶۶۵۱.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۰۰ ح ۱۰۲۱ به نقل از عمر بن یزید، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۴۱۶ ح ۱۶۶۵۵.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۳۷۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۳۰ ح ۱۱۳۶، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۰۳ به نقل از امام علی علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۷۴ ح ۲۵؛ المصنف، ابن ابی شیبّه: ج ۴ ص ۲۲۶ ح ۶ به نقل از امام علی علیه السلام.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۳۵۶ ح ۱ به نقل از حریر، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۰۲ ح ۱۰۲۹ به نقل از حماد، علل الشرائع: ص ۴۵۸ ح ۱ به نقل از حریر.

ص: ۱۹۳

پرسیدم.

فرمود: «برای آن کسی که به خاطر او احرام بسته‌ای، قربانی کن».

گفتم: من گرمایی هستم و گرما برای من طاقت‌فرساست.

فرمود: «آیا نمی‌دانی که خورشید، گناهانِ مُحَرَّمان را پنهان می‌کند؟» (۱). ر. ک: وسائل الشیعة: ج ۱۲ ص ۴۱۵ ح ۵۶۵/ ابواب تروک الإحرام.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۵۰ ح ۲، وسائل الشیعة: ج ۱۲ ص ۵۱۸ ح ۱۶۹۶۳.

ص: ۱۹۴

توضیحی درباره محرمات احرام

مُحَرَّمات احرام، ۲۴ چیز هستند که نوزده مورد آنها مشترک بین مرد و زن است، یکی مختص به زنان است و چهار مورد نیز مخصوص به مردان است.

موارد مشترک:

۱. در آینه نگریستن

۲. استفاده از هر نوع بوی خوش

۳. سرمه کشیدن برای زینت

۴. روغن مالیدن

۵. انگشتر به دست کردن برای زینت

۶. هر گونه لذت جنسی بردن مانند: آمیزش و بوسیدن و تماس

۷. استمنا

۸. عقد خواندن برای خود یا دیگران و گواه آن گشتن

۹. زدودن مو

۱۰. چیدن و کوتاه کردن ناخن

۱۱. کشیدن دندان

۱۲. خون انداختن تن، هر چند در حدّ خراش باشد یا از مسواک زدن، پدید آید

۱۳. کشتن حشرات بدن، مانند شپش و کک

ص: ۱۹۵

۱۴. سلاح بستن (ولی همراه داشتن آن در بار سفر، فقط مکروه است)
 ۱۵. شکار کردن حیوانات زمینی (غیر پرنده). و یا خوردن گوشت چنین شکارهایی
 ۱۶. کندن درخت و گیاه روئیده در حرم و یا قطع آنها، جز آنچه استثنا شده است
 ۱۷. فسوق (یعنی دروغ گفتن و فحش و تفاخر)
 ۱۸. جدال (یعنی «لا والله» و «بلی والله» گفتن)
 ۱۹. استفاده از زیور آلات.
- آنچه به مردان، اختصاص دارد:
۲۰. لباس دوخته پوشیدن
 ۲۱. پوشیدن چیزی که همه روی پا را بگیرد
 ۲۲. پوشاندن سر
 ۲۳. سایه بان بالای سر قرار دادن یا زیر سایه بانی رفتن.
- آنچه ویژه زنان است:
۲۴. پوشاندن چهره.

ص: ۱۹۶

ز- آنچه برای مُحرَم، جایز نیست

واجبات حج

۴۸۳. الکافی- به نقل از حسین بن مختار:- به امام صادق علیه السلام گفتم: مرد می‌تواند در لباس سیاه، احرام ببندد؟ فرمود: «در پارچه سیاه، احرام نبندد و مُرده را با آن، کفن نکند». (۱) ۴۸۴. الکافی- به نقل از حماد بن عیسی:- امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر کسی مُحرَم را صدا زد در پاسخ "لَبَّيْكَ" نگوید، تا آن که از احرام، در آید».

پرسیدم: پس چه بگوید؟

فرمود: بگوید «یا سَعد!». (۲) ۴۸۵. امام صادق علیه السلام: عیبی ندارد که مُحرَم، به حَمّام برود، ولی کیسه نکشد. (۳) ۴۸۶. امام صادق علیه السلام: برای مُحرَم، «احتباء» (۴) مکروه است و در مسجد الحرام نیز مکروه است. (۵) ۴۸۷. الکافی- به نقل از علی بن جعفر، از برادرش امام کاظم علیه السلام:- وی روایت کرده که از ایشان (امام کاظم علیه السلام). پرسیدم: آیا کُشتی گرفتن برای مُحرَم، رواست؟

فرمود: «روا نیست، چون بیم آن است که زخمی شود یا بعضی از موهای او بریزد». (۶)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۴۱ ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۶۶ ح ۲۱۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۳۶ ح ۲۶۰۲، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۲۳۲ ح ۶۸۵، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۳۳۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۶ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۸۶ ح ۱۳۴۸، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۵۶۱ ح ۱۷۰۸۵.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۶ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۸۶ ح ۱۳۵۰، به نقل از معاویه بن عمّار، ووسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۵۳۸ ح ۱۷۰۱۵.

۴- احتباء، نوعی نشستن است که دو ساق پاها را به وسیله جامه یا دست‌ها به شکم بچسبانند؛ چُمباتمه.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۶ ح ۸، علل الشرائع: ص ۴۴۶ ح ۱ هر دو به نقل از حماد بن عثمان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۸ ح ۲۱۳۱ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، ووسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۵۶۳ ح ۱۷۰۹۰.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۳۶۷ ح ۱۰، ووسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۵۶۴ ح ۱۷۰۹۲.

ص: ۱۹۷

۲-۲/۳

طواف

الف - فضیلت طواف

الف - فضیلت طواف (۱)

۴۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: طواف، زینت کعبه است. (۲) ۴۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، به طواف کنندگان، افتخار می‌کند. (۳) ۴۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، در هر روز، یکصد و بیست رحمت فرو می‌فرستد: شصت رحمت، برای طواف کنندگان است، چهل رحمت، برای مقیمان اطراف خانه خداست و بیست رحمت، برای تماشاگران خانه خدا. (۴) ۴۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هفت بار، خانه خدا را طواف کند و آن را بشمارد، برای هر گامش حسنه‌ای نوشته می‌شود و گناهی از او محو می‌گردد و یک درجه بر او افزوده می‌شود و [ثوابی] برابر با آزاد کردن یک برده دارد. (۵) ۴۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس هفت بار بر گرد کعبه طواف کند و سخنی جز «سبحان الله، الحمد

۱- طواف، از واجبات حج و واجب است که هفت دور انجام شود و از حجر الاسود، شروع و در همان نقطه تمام شود. کعبه، در حال طواف، در سمت چپ، و حجر اسماعیل علیه السلام داخل در طواف قرار می‌گیرد. طواف نباید از حد تعیین شده، خارج باشد. در طواف، اینها شرط است: نیت، پی در پی بودن، ختنه بودن مردان، طهارت از حدث و خبث و ستر عورت.

۲- جامع الأحادیث، قمی: ص ۸۵ بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۶ ح ۲۰.

۳- تاریخ بغداد: ج ۵ ص ۳۶۹ ش ۲۸۹۵، حلیه الأولیاء: ج ۸ ص ۲۱۶، مسند أبی یعلی: ج ۴ ص ۳۳۰ ح ۴۵۸۹ همگی به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۵ ص ۴۹ ح ۱۲۰۰۱؛ عوالی اللالی: ج ۱ ص ۹۶ ح ۸.

۴- المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۱۰۲ ح ۱۱۲۴۸، شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۵۵ ح ۴۰۵۱ هر دو به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۵۳ ح ۱۲۰۱۹؛ الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ ح ۲ به نقل از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۵ ح ۱۹۹ به نقل از حسن بن راشد از امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام، هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۵- السنن الكبرى: ج ۵ ص ۱۷۸ ح ۹۴۲۹، مسند الطیالسی: ص ۲۵۸ ح ۱۹۰۰ هر دو به نقل از ابن عمر، کنز العمال: ج ۵ ص ۵۲ ح ۱۲۰۱۴.

ص: ۱۹۸

لَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نگوید، ده گناه از او محو می‌شود و ده حسنه برای او نوشته می‌شود و به وسیله آن، ده درجه بالا می‌رود، و هر کس طواف کند و در آن حال حرف بزند، با دو پایش در رحمت فرو رفته است، همچون کسی که با دو پایش در آب، فرو می‌رود. (۱) ۴۹۳. امام باقر علیه السلام: هیچ بنده باایمانی نیست که هفت بار این خانه (کعبه). را طواف کند و دو رکعت نماز بگذارد و طواف و نمازش را نیکو به جا آورد، مگر آن که خداوند، او را می‌آمزد. (۲) ۴۹۴. امام صادق علیه السلام: پدرم می‌فرمود: «هر کس، هفت بار این خانه را طواف کند و دو رکعت نماز، در هر جای مسجد که بخواند، بخواند، خداوند شش هزار حسنه برایش می‌نویسد و شش هزار گناه از او می‌زداید و شش هزار درجه بر او می‌افزاید و شش هزار نیاز او را برآورده می‌کند. هر کدام از این نیازها زود برآورده شود، به خاطر رحمت خداست و هر کدام به تأخیر افتد، به خاطر اشتیاق خداوند به دعای اوست». (۳) ۴۹۵. امام صادق علیه السلام: در هر روز، برای کعبه لحظه‌ای است که هر کس در آن لحظه کعبه را طواف کند، یا قلبش به کعبه مشتاق شود، ولی عذری او را از طواف کعبه باز دارد، آمرزیده می‌شود. (۴) ۴۹۶. امام صادق علیه السلام: طواف، از اعمال بزرگ حج است. هر کس طواف واجب را عمداً ترک کند، حجتی نگزارده است. (۵)

ب- ادب طواف

۴۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: طواف کعبه، [همچون] نماز است. پس هنگام طواف، کم حرف بزنید. (۶)

۱- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۶ ح ۲۹۵۷ به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۵ ص ۴۸ ح ۱۱۹۹۶. نیز، ر. ک: المعجم الکبیر: ج ۲۰ ص ۳۶۰ ح ۸۴۵.

۲- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۱۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۹ ح ۱۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۱ ح ۲ به نقل از إسحاق بن عمار، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۰۳ ح ۱۷۸۰۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۴۰ ح ۳ به نقل از ابو عبد الله خزّاز، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۲۶۳ ح ۱۷۷۰۱.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۱۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۰۹ ح ۱۵.

۶- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۲۵۶ ح ۱۵۴۲۳ و ص ۵۸۲ ح ۱۶۶۱۲، المصنف، عبد الرزاق: ج ۵ ص ۴۹۶ ح ۹۷۸۸، اسد الغابه: ج ۶ ص ۴۱۴ ش ۶۶۱۲ تقریباً با همان الفاظ، الفردوس: ج ۲ ص ۴۶۲ ح ۳۹۷۴ به نقل از ابن عمر. نیز، ر. ک: عوالی اللالی: ج ۱ ص ۲۱۴ ح ۷۰.

ص: ۱۹۹

۴۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: طواف خانه خدا، [همچون] نماز است، جز این که خداوند، سخن گفتن در طواف را برایتان حلال کرده است. پس اگر کسی سخنی می گوید، جز به خیر، سخن نگوید. (۱) ۴۹۹. الکافی- به نقل از عبد الرحمان بن سیاب-: از امام صادق علیه السلام در باره طواف پرسیدم که: تند و باشتاب بروم، یا کند [و آهسته]؟

فرمود: «راه رفتنی میانه». (۲) ۵۰۰. صحیح البخاری- به نقل از سالم، از پدرش-: پیامبر خدا را وقتی به مکه می آمد، هنگام لمس رُكْنِ حَجْرِ الْأَسْوَدِ، دیدم. در آغاز طواف، سه دور از هفت دور طواف را با حالتی شبیه دویدن، انجام می داد. (۳) ۵۰۱. امام صادق علیه السلام- به نقل از پدرش علیه السلام، از جابر-: چون پیامبر صلی الله علیه و آله به مکه آمد، وارد مسجد الحرام شد، حجر الأسود را لمس کرد- و سپس از سمت راست آن، سه دور طواف را هروله کنان، انجام داد و چهار دور را راه رفت. سپس کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و فرمود: (وَ اتَّخَذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى؛ از مقام ابراهیم، جای نماز برگزینید). (۴) آن گاه، دو رکعت نماز خواند، در حالی که مقام ابراهیم، میان او و کعبه قرار داشت. پس از آن دو رکعت، آمد و بر حجر الأسود، دست کشید و سپس به طرف «صفا» بیرون رفت. (۵)

۱- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۳۰ ح ۱۶۸۶ و ج ۳ ص ۲۹۳ ح ۳۰۵۶، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۹۳ ح ۹۶۰ تقریباً با همان الفاظ، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۷۲ ح ۱۷۹۱، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۳۸ ح ۹۲۹۲، المصنف، ابن ابی شیبہ: ج ۴ ص ۲۰۸ ح ۱ همگی به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۴۹ ح ۱۲۰۰۲.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۹ ح ۳۵۲، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۵۲ ح ۱۷۹۲۵.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۸۱ ح ۱۵۲۶، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۲۹، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۱۹ ح ۹۲۱۷.

۴- اشاره به آیه قرآن: «واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی».

۵- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۱۱ ح ۸۵۶، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۲۸، المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۱۸۵ ح ۱۶۶۱.

ص: ۲۰۰

۵۰۲. صحیح مسلم- به نقل از ابو طَقِيل - به ابن عباس گفتم: به نظر تو، این تند رفتن و هروله در سه دور طواف و راه رفتن معمولی در چهار دور [بعد]، سنت [و مستحب] است؟
قوم تو می‌پندارند که سنت است.

گفت: راست گفتند و دروغ گفتند. گفتم: چگونه هم راست گفتند و هم دروغ؟

گفت: پیامبر خدا، وارد مکه شد. مشرکان گفتند: محمد و یارانش از لا-غری نمی‌توانند کعبه را طواف کنند، و به او حسد می‌ورزیدند. این بود که پیامبر خدا به اصحاب دستور داد سه دور را هروله کنان بروند و چهار دور را راه بروند. (۱) ۵۰۳. قرب الإسناد- به نقل از بکر بن محمد- بیرون آمدم و در کنار امام صادق علیه السلام به طواف مشغول بودم، تا آن که از طوافش فارغ شد. سپس کنار آمد و دو رکعت، نماز خواند، با رُکن کعبه و حجر الأسود. شنیدم که در سجده می‌گفت: «چهره‌ام از روی عبودیت و بردگی برای تو سجود می‌کند، و جز تو معبودی نیست، حقماً و به راستی! پیش از هر چیز، نخستینی و پس از هر چیز، آخرین. اینک این منم در دستان تو. (هستی‌ام در قبضه قدرت توست). مرا پیامرز که جز تو، گناه بزرگ را نمی‌بخشاید. مرا بیخشی که به گناهانم بر خویش، اقرار می‌کنم و گناه بزرگ را جز تو، کسی دفع نمی‌کند».

سپس سرش را بلند کرد. از گریه صورتش چنان بود که گویا در آب، فرو برده شده است. (۲) ۵۰۴. قرب الإسناد- به نقل از سعدان بن مسلم-: امام کاظم علیه السلام را دیدم که دست بر حجر الأسود کشید، سپس طواف کرد. دور هفتم که تمام شد، به وسط خانه خدا آمد و «مُلتزم» را که شیعیان برای دعا به آن می‌چسبند، رها کرد. دستش را بر کعبه گشود و مقداری درنگ

۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۲۱ ح ۲۳۷ و ۲۴۰ تقریباً با همان الفاظ، صحیح ابن حبان: ج ۹ ص ۱۵۴ ح ۳۸۴۵، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۶۳ ح ۹۳۷۸، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۸۱ ح ۱۲۵۳۲.

۲- قرب الإسناد: ص ۳۹ ح ۱۲۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۱۳ ح ۱. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۹۴ ح ۲۵۴.

ص: ۲۰۱

کرد. سپس کنار حجر الأسود رفت و بر آن دست کشید و پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز خواند. دوباره باز گشت و حجر الأسود را لمس کرد. سپس رفت تا در دور هفتم طواف به ملتزم رسید. به وسط خانه خدا آمد و دست خود را گشود، باز حجر الأسود را لمس کرد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت، نماز خواند. سپس حجر الأسود را لمس کرد و به طواف پرداخت، آخر دور هفتم به وسط خانه خدا آمد و باز بر حجر الأسود دست کشید. سپس دو رکعت نماز، پشت مقام ابراهیم علیه السلام گزارد. باز نزد حجر الأسود آمد و میان حجر الأسود و در کعبه را دست کشید. سپس مدتی مکث کرد، کنار حجر الأسود آمد و هشت رکعت نماز خواند. آخرین دیدارش با کعبه، زیر ناودان بود. دست خود را گشود و دعا کرد. سپس مدتی توقف کرد، آن گاه از در حنّاطان، بیرون رفت. (۱) ۵۰۵. امام صادق علیه السلام: طواف را در حالی رها کن که هنوز به آن میل داری. (۲) ر. ک: ص ۱۰۳ (ملتزم). و ص ۱۰۶ (مُستجار). و ص ۱۰۷ (رکن یمانی).

ج- تشویق به طوافِ بسیار، هنگام شلوغ نبودن

۵۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسیار طواف کنید؛ چرا که طواف، کمترین چیزی است که در قیامت، در نامه‌های اعمالتان دیده می‌شود. (۳) ۵۰۷. امام صادق علیه السلام: یک طواف در دهه [اول ذی حجّه]، برتر از هفتاد طواف در حجّ است. (۴) ۵۰۸. امام صادق علیه السلام: یک طواف پیش از حج، برتر از هفتاد طواف بعد از حجّ است. (۵) ۵۰۹. امام صادق علیه السلام: اولین عدالتی که قائم علیه السلام آشکار می‌سازد، این است که منادی او ندا

۱- قرب الإسناد: ص ۳۱۶ ح ۱۲۲۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۴ ح ۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۹ ح ۱۰، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۲ ح ۳۱۲۲، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۸۸ ح ۱۸۰۲۷.

۳- عوالی اللآلی: ج ۳ ص ۱۶۵ ح ۵۹.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۰ ح ۱۷، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۰۹ ح ۱۷۸۱۴.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۲ ح ۳ به نقل از ابن قدّاح، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۲۱۵۶ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۱۲ ح ۱۷۸۲۲.

ص: ۲۰۲

می‌دهد: «آن که طواف مستحب به جا می‌آورد، حجر الأسود و طواف را به کسی واگذار کند که طواف او واجب است». (۱) ۵۱۰. الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج - به امام صادق علیه السلام گفتم: می‌خواهم معتکف مکه شوم. چه کنم؟ فرمود: «هر گاه هلال ماه ذی حجه را دیدی، به جعرانه برو و از آن جا برای حج، مُحْرِم شو». گفتم: وقتی وارد مکه شدم و تا روز تزوییه می‌مانم و کعبه را طواف نمی‌کنم، چه کنم؟ فرمود: «ده روز می‌مانی و به کعبه نمی‌روی؟ ده روز، زیاد است. کعبه، مهجور (ترک شده). نیست (یعنی: نباید باشد)». (۲)

د- استلام حجر و آداب آن

۱. استحباب استلام

۵۱۱. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در هر طواف واجب و مستحب، بر حجر الأسود، دست می‌کشید. (۳) ۵۱۲. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از جابر بن عبد الله - روز برآمده بود که وارد مکه شدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله کنار در مسجد آمد، شترش را خواباند، سپس وارد مسجد شد. از حجر الأسود، آغاز کرد و بر آن دست کشید و چشمانش پُر از اشک شد. سپس، سه دور را هروله کنان و چهار دور را [معمولی] پیمود تا فارغ شد. پس از فراغت، حجر

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۷ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۵ ح ۳۱۳۲، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۲۸ ح ۱۷۸۶۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۰۰ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۶ ح ۱۳۷، وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۲۶۷ ح ۱۴۷۵۹.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۲ به نقل از عبد الرحمان بن حجاج، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۲۵ ح ۱۷۸۵۵.

ص: ۲۰۳

الأسود را بوسید، دستانش را بر آن نهاد و سپس به صورتش کشید. (۱) ۵۱۳. سنن ابن ماجه - به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، رو به حجر الأسود کرد، لب‌های خود را بر آن نهاد و بسیار گریست. سپس روی برگرداند، عمر بن خطاب را دید که می‌گرید. فرمود: «ای عمر! این جاست که اشک‌ها باید بریزد!». (۲) ۵۱۴. مسند ابی یعلی - به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا را دیدم که بر حجر الأسود، دست می‌کشید. از آن پس بر حجر الأسود نگذشتم، مگر آن که من هم بر آن دست کشیدم. (۳) ۵۱۵. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی حج انجام داده، ولی بر حجر الأسود، دست نکشیده است. فرمود: «این، مستحب است. اگر نتواند، خداوند، به عذرپذیری شایسته تر است». (۴) ر. ک: ص ۱۰۷ (رکن یمانی).

۲. حکمت استلام

۵۱۶. امام باقر علیه السلام: حجر الأسود، مانند پیمان است و دست کشیدن بر آن، مانند بیعت است. [پیامبر صلی الله علیه و آله] هر گاه بر آن دست می‌کشید، می‌گفت: «خدایا! این امانت من است که ادا کردم و پیمان من است که بستم، تا نزد تو برای من، گواهی دهد که رساندم». (۵) ۵۱۷. الکافی - به نقل از حلبی: به امام صادق علیه السلام گفتم: چرا دست کشیدن به حجر الأسود،

۱- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۲۵ ح ۱۶۷۱، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۱۳ ح ۲۷۱۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۲۰ ح ۹۲۲۱.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۲ ح ۲۹۴۵، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۲۴۵ ح ۷۶۰.

۳- مسند ابی یعلی: ج ۵ ص ۳۱۳ ح ۵۷۸۵، حلیه الأولیاء: ج ۷ ص ۱۱۶ تقریباً با همان الفاظ.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۴ ح ۳۳۷ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۲۸۵ ح ۱۷۷۶۰.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۸ ح ۳۸.

ص: ۲۰۴

سنت شده است؟

فرمود: «آن گاه که خداوند عز و جل از فرزندان آدم علیه السلام پیمان گرفت، حجر الأسود را از بهشت، فرا خواند و به آن، دستور داد. آن هم پیمان را گرفت [و بلعید]. پس حجر الأسود، برای هر که به پیمان وفا کند، به وفا گواهی می‌دهد.» (۱) ۵۱۸. امام صادق علیه السلام: خداوند- تبارک و تعالی- چون از بندگان پیمان گرفت، به حجر الأسود فرمان داد تا آن را بر گرفت [و فرو بُرد]. از این رو، گفته می‌شود: «امانت من است که آن را ادا کردم و پیمان من است که بدان، وفا کردم، تا برای من، گواهی دهی که وفا کردم.» (۲) ر. ک: ص ۹۶ (حجر الأسود، دست خدا).

۳. چگونگی استلام

۵۱۹. الکافی- به نقل از یعقوب بن شعیب:- از امام صادق علیه السلام در باره استلام رُکن پرسیدم.

فرمود: «استلام، به این صورت است که شکم خود را به آن بچسبانی و مسح، آن است که بر آن، دست بکشی.» (۳) ۵۲۰. الکافی- به نقل از سعید اعرج:- از امام صادق علیه السلام در باره دست کشیدن به حجر الأسود از طرف درِ کعبه پرسیدم. فرمود: «مگر نمی‌خواهی رُکن را لمس کنی؟».

گفتم: چرا.

فرمود: «از هر جا که دست برسد، برای تو کافی است.» (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۴ ح ۲، المحاسن: ج ۲ ص ۵۵ ح ۱۱۶۴، قرب الإسناد: ص ۲۳۷ ح ۹۳۰ به نقل از علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۳ ح ۲۹. نیز، ر. ک: تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۳۹ ح ۱۰۶.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۴ ح ۱، المحاسن: ج ۲ ص ۷۱ ح ۱۲۰۰ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، علل الشرائع: ص ۴۲۴ ح ۲ به نقل از محمد بن سنان از امام رضا علیه السلام، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۹۱ ح ۱ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۱۹ ح ۶. نیز، ر. ک: مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۱۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۱، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۴ ح ۱۷۸۵۱.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۶ ح ۱۰، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۳ ح ۳۳۲، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۳ ح ۱۷۸۵۰.

ص: ۲۰۵

۴. تکبیر

۵۲۱. امام صادق علیه السلام: چون آدم علیه السلام از صفا به حجر الأسود در رُکن نظر کرد، خدا را بزرگ داشت (تکبیر گفت). و تهلیل نمود و تمجید کرد. از این رو، سنت جاری شد که تکبیر بگویند و از سمت صفا رو به رُکنی بروند که حجر الأسود، در آن است. (۱) ۵۲۲. الکافی- به نقل از یعقوب بن شعیب:- به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی رو به روی حجر الأسود قرار گرفتم، چه بگویم؟

فرمود: «تکبیر بگو و بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او درود فرست».

و شنیدم که خود امام علیه السلام، چون نزدیک حجر الأسود می‌رسید، می‌گفت: «الله اکبر! سلام بر پیامبر خدا باد!». (۲) ۵. دعا

۵۲۳. امام حسن علیه السلام- وقتی خود را به رُکن (حجر الأسود). می‌چسباند، چنین دعا می‌کرد:-

خدایا! بر من، نعمت دادی و مرا سپاس گزار نیافتی و مرا به بلا افکندی و شکیبایم نیافتی. نه با ناسپاسی، نعمت را از من گرفتی و نه با ناشکیبایی، گرفتاری مرا دوام بخشیدی. خدایا! از بزرگوار، جز بزرگی [و کرم] نمی‌آید. (۳) ۵۲۴. امام صادق علیه السلام: هرگاه به حجر الأسود نزدیک شدی، دستانت را بالا ببر و خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و از خدا بخواه که از تو بپذیرد. سپس دست به حجر الأسود کشیده، آن را ببوس. اگر نتوانستی ببوسی، بر آن دست بکش و اگر نتوانستی

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۸۶ ح ۳، علل الشرائع: ص ۴۳۱، مختصر بصائر الدرجات: ص ۲۲۲ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از بکیر ابن اعین، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۱ ح ۲۱۱۴ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۲۴ ح ۱۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۴، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۳۶.

۳- العُدد القویة: ص ۳۵ ح ۲۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۷ ح ۱۳ به نقل از کشف الغمّة- که البته آن را در نسخه چاپی کشف الغمّة نیافتیم-.

ص: ۲۰۶

دست بکشی، به آن اشاره کن و بگو: «خدایا! امانتم را ادا کردم و پیمانم بود که بدان وفا کردم تا برای من بر وفای به عهد، گواهی دهی (دهد). خدایا! کتاب تو را و سنت پیامبرت را پذیرفته‌ام. گواهی می‌دهم که جز خدای یکتا و بی‌شریک، معبودی نیست و محمّد، بنده و فرستاده اوست. به خدا ایمان آوردم و به جبت (۱) و طاغوت و لات و عَزَّ و پرستش شیطان و پرستش هر آنچه جز خدا نظیر او خوانده می‌شود، کفر ورزیدم».

پس اگر همه این‌ها را نتوانی بگویی، بخشی از آن را بگو، و بگو: «خدایا! دستم را به سویت گشوده‌ام. رغبت من به آنچه نزد توست، افزون است. پس تسبیحگویی مرا بپذیر و مرا بیامرز و بر من، رحمت آور. خدایا! از کفر و فقر و جایگاه‌های خواری در دنیا و آخرت، به تو پناه می‌برم». (۲) ۶. استلام نکردن هنگام شلوغی

۵۲۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به عمر بن خطاب - ای عمر! تو مردی نیرومندی برای رسیدن به حجر الأسود، فشار نیاور که ناتوان را می‌آزاری. اگر خلوتی یافتی، آن را لمس کن، و گرنه رو به آن بایست و «لا إله إلا الله» و «تکبیر (الله أكبر)» بگو. (۳) ۵۲۶. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - در حجه الوداع، پیامبر صلی الله علیه و آله سوار بر شتر خود، گرد کعبه طواف کرد و رکن را لمس کرد، چون خوش نداشت که مردم را از [اطراف] آن، کنار بزنند. (۴) ۵۲۷. صحیح مسلم - به نقل از ابو طفیل - پیامبر خدا را دیدم که کعبه را طواف می‌کرد و با

۱- جبت، هر معبودی جز خدا است. لات و عَزَّ، نام بت‌های مشرکان است.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۱ ح ۳۲۹ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۱۳ ح ۱۷۸۲۶.

۳- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۶۹ ح ۱۹۰، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۳۰ ح ۹۲۶۲، تاریخ أصبهان: ج ۲ ص ۶۴ ش ۱۰۹۶ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از عمر بن خطاب، کنز العمال: ج ۵ ص ۵۸ ح ۱۲۰۳۷.

۴- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۲۷ ح ۲۵۶، أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۳۳ به نقل از هشام بن عروه از پدرش تقریباً با همان الفاظ، السیره النبویة، ابن کثیر: ج ۴ ص ۳۱۶ ح ۱۳.

ص: ۲۰۷

عصایی که در دستش بود، حجر الأسود را لمس می کرد و آن عصا را می بوسید. (۱) ۵۲۸. السنن الکبری - به نقل از حارث، درباره امام علی علیه السلام: هر گاه علی علیه السلام بر حجر الأسود می گذشت و بر [گرد] آن، ازدحام می دید، رو به آن کرده، تکبیر می گفت و می گفت:

«خدایا! به کتاب تو و سنت پیامبرت، باور دارم». (۲) ۵۲۹. امام صادق علیه السلام: پیش تر می گفتیم که باید از حجر الأسود آغاز کرد و به آن، ختم نمود؛ ولی امروز، مردم [طواف کننده] فراوان شده اند. (۳) ۵۳۰. الکافی - به نقل از سیف تمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: نزد حجر الأسود رفتم. آن جا را پُر از ازدحام یافتم و جز یک نفر از شیعیان، کسی را نیافتم. از او پرسیدم. گفت: باید بر آن، دست بکشی. امام علیه السلام فرمود: «اگر آن را خالی دیدی [، چنین کن]؛ و گر نه از دور، سلام بده». (۴) ۵۳۱. الکافی - به نقل از حماد بن عثمان: مردی در حال طواف، خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای ابا عبد الله! در باره دست کشیدن بر حجر الأسود، چه می گویی؟

فرمود: «پیامبر خدا، بر آن دست کشید».

گفت: ندیدم که تو بر آن دست بکشی؟

فرمود: «دوست ندارم [بر اثر ازدحام] ناتوانی را بیازارم یا خودم آزرده شوم».

گفت: گفتم که پیامبر خدا، آن را لمس کرد.

فرمود: «آری؛ ولی پیامبر خدا را چون می دیدند، حقّ او را می شناختند [و راه را باز

۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۲۷ ح ۲۵۷، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۷۶ ح ۱۸۷۹، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۴۱ ح ۲۷۸۲، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۸۳ ح ۲۹۴۹، أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۴.

۲- السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۲۸ ح ۹۲۵۱، مسند الطیالسی: ص ۲۵ ح ۱۷۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۱ به نقل از معاویه بن عمّار، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۲۵ ح ۱۷۸۵۳. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۹۹ ح ۳۳.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۳ ح ۳۳۳، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۳۲۶ ح ۱۷۸۵۶.

ص: ۲۰۸

می کردند!؛ ولی من، حَقَم را نمی‌شناسند». (۱) ۵۳۲. الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج - امام صادق علیه السلام فرمود: مشغول طواف بودم.

سفیان ثوری هم نزدیک من بود. وی گفت: ای ابا عبد الله! وقتی پیامبر خدا به حجر الأسود می‌رسید، چه می‌کرد؟ من گفتم: «پیامبر خدا، در هر طواف، چه واجب و چه مستحب، بر آن دست می‌کشید».

[ضمن طواف] کمی از من عقب افتاد. چون به حجر الأسود رسیدم، از آن عبور کردم و رفتم و بر آن، دست نکشیدم. خود را به من رساند و گفت: ای ابا عبد الله! مگر نگفتی که پیامبر خدا، در هر طواف واجب و مستحب، آن را لمس می‌کرد؟

گفتم: «مردم برای پیامبر خدا جایگاهی می‌دیدند که برای من نمی‌بینند. هر گاه به حجر الأسود می‌رسید، برای او راه باز می‌کردند تا بر آن دست بکشد و من، فشار آوردن بر مردم را دوست ندارم». (۲) ۵۳۳. الکافی - به نقل از محمد حَلَبی - از امام صادق علیه

السلام درباره حجر الأسود پرسیدم که: اگر شلوغ بود و نتوانستم بر حجر الأسود دست بکشم [، تکلیف چیست]؟ فرمود: «پیرمرد و ناتوان و بیمار، رخصت دارند. دوست ندارم که دست کشیدن بر آن را رها کنی، مگر آن که چاره‌ای نداشته

باشی». (۳) ۵۳۴. الکافی - به نقل از محمد بن عبید الله - از امام رضا علیه السلام در باره حجر الأسود پرسیدند که:

آیا اگر مردم، بسیار بودند، برای لمس حجر الأسود، باید با آنان ستیزه کرد؟

فرمود: «هر گاه چنین بود، پس با دستت به آن، اشاره کن». (۴)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۹ ح ۱۷، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۷ ح ۱۷۸۶۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۴ ح ۲، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۵ ح ۱۷۸۵۵.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۶، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۶ ح ۱۷۸۵۹.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۵ ح ۷، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۲۶ ح ۱۷۸۵۷.

ه- دعاهای طواف

۵۳۵. مسند ابن حنبل - به نقل از عبد الله بن سائب: پیامبر خدا را بین رُکن یمانی و حجر الأسود دیدم که می گفت: (رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ پروردگارا! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت هم به ما نیکی عطا کن و ما را از [آتش] دوزخ، نگاه دار). (۱) ۵۳۶. کنز العمال - به نقل از ابن مسعود: پیامبر صلی الله علیه و آله کعبه را طواف کرد. سپس دست بر آن گذاشت و چنین دعا کرد: «خدایا! خانه، خانه توست و ما، بندگان تویم و پیشانی (اختیار). ما، در دست توست و رفت و آمد ما، در قبضه قدرت توست. اگر عذابمان کنی، به سبب گناهان ماست و اگر ما را ببخشی، به سبب رحمت توست. حج خود را بر هر کس که راهی [و توانی برای رفتن] به سوی آن داشته باشد، واجب ساختی.

ستایش تو راست که برای ما این راه را قرار دادی. خدایا! پاداش سپاس گزاران را روزی ما کن». (۲) ۵۳۷. شعب الایمان - به نقل از عبد الأعلى یمی: - خدیجه علیها السلام گفت: ای پیامبر خدا! در حالی که طواف خانه خدا می کنم، چه بگویم؟ فرمود: «بگو: خدایا! گناهان و خطاها، عمد و اسرافم را در کارم ببخشا؛ زیرا اگر تو مرا نیامرزی، هلاکم می کنی». (۳) ۵۳۸. أخبار مکه، ازرقی - به نقل از سعید بن مسیب: پیامبر صلی الله علیه و آله چون بر رُکن یمانی می گذشت، چنین می گفت: «خدایا! به تو پناه می برم از کفر و خواری و تنگ دستی و جایگاه های خواری در دنیا و آخرت. پروردگارا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت، نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش [دوزخ]، نگاه دار». (۴)

۱- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۱۵۳۹۹، المستدرک علی الصحیحین: ج ۲ ص ۳۰۴ ح ۳۰۹۸، اسد الغابۃ: ج ۲ ص ۳۹۵ ش ۱۹۱۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۳۷ ح ۹۲۹۰ تقریباً با همان الفاظ.

۲- کنز العمال: ج ۵ ص ۱۷۲ ح ۱۲۵۰۴ به نقل از دیلمی.

۳- شعب الایمان: ج ۳ ص ۴۵۳ ح ۴۰۴۴، کنز العمال: ج ۵ ص ۵۷ ح ۱۲۰۳۳.

۴- أخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۰، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۷۲ ح ۱۲۵۰۳.

ص: ۲۱۰

مردی [به ایشان] گفت: نظرتان درباره شتابزدگی من چیست؟

فرمود: «اگر چه شتابان‌تر از ابرِ رعد و برق‌دار باشی».

۵۳۹. اخبار مکه، ازرقی - به نقل از عثمان -: در روزگار پیامبر خدا، مردی میان رُکن حجر الأسود و رُکن یمانی، سه بار چنین می‌گفت: «خدایا! تو خدایی، تو بخشنده‌ای.

معبودی جز تو نیست. تو پروردگاری و پروردگاری جز تو، نیست. تو بر پا ایستاده دائمی هستی که غفلت نمی‌کنی. تویی که آنچه دیدنی و نادیدنی است، آفریدی و تویی که بدون آموختن، هر چیز را می‌دانی».

پیامبر صلی الله علیه و آله از کارش با خبر شد و فرمود: «اگر چنین گفته است - و خدا داناتر است - او را به بهشت، مژده دهید و خبر دهید که او در میان قوم خودش، مثل صاحب یاسین (۱) در میان قوم خود است». (۲) ۵۴۰. امام صادق علیه السلام: گرد خانه خدا، هفت دور طواف کن. در طواف می‌گویی: «خدایا! تو را به آن نامت می‌خوانم که با آن، بر سینه دریاها و بر جاده‌های زمین، راه می‌روند و به آن نامی که عرش تو از آن به اهتزاز در می‌آید و به نامی که گام‌های فرشتگان از آن به لرزه می‌افتد و به نامی که موسی علیه السلام از سوی وادی طور، تو را با آن، صدا کرد و پاسخش را دادی و محبتی از خویش را بر او گستراندی و به نامی می‌خوانمت که به خاطر آن، گذشته و آینده محمد صلی الله علیه و آله را بخشودی و نعمت را بر او تمام ساختی، از تو می‌خواهم که با من، چنین و چنان کنی» (هردعایی که می‌خواهی، بکن).

و هر بار که به در کعبه رسیدی، بر پیامبر خدا درود فرست و بین رُکن یمانی و حجر الأسود، می‌گویی: (رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ)

۱- مقصود، مردی است که در سوره یس (آیه ۲۰)، از او یاد شده است که مؤمنی در میان کافران بود و آنان را به پیروی از پیامبران، دعوت می‌کرد. در کتب حدیث و تفسیر، از او با نام «حبيب نجار»، یاد شده است. ذکرش در آیه بیستم سوره مبارک یس چنین آمده است «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ و ج در این میان ج مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد، ج و ج گفت: «ای مردم، از این فرستادگان پیروی کنید»».

۲- اخبار مکه، ازرقی: ج ۱ ص ۳۴۱.

ص: ۲۱۱

پروردگارا! در دنیا و آخرت، به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش، نگاهمان دار).

و در طواف بگو: «خداوندا! به تو نیازمندم، بیمناک و پناهنده‌ام. نه جسمم را دگرگون ساز، نه نامم را عوض کن». (۱) ۵۴۱. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام در طواف، هرگاه پیش از رسیدن به ناودان، به حجر می‌رسید، سرش را بلند می‌کرد و می‌گفت: «خدایا! به رحمت خود، مرا وارد بهشت کن» در حالی که به ناودان می‌نگریست [و ادامه می‌داد: «و به رحمت خویش، از دوزخ، پناهم ده و از بیماری، عافیتم بخش و از روزی حلال، بر من وسعت بده و شرّ فاسقانِ جنّ و انس و شرّ فاسقانِ عرب و عجم را از من، دور ساز». (۲) ۵۴۲. امام صادق علیه السلام: هرگاه در دور هفتم طواف بودی، به مُتَعَوِّذ (۳) برو، و آن، جایی است در پشت کعبه، رو به روی در آن. سپس بگو: «خدایا! خانه، خانه توست و بنده، بنده توست و این جا، جایگاه پناه آورنده به تو از دوزخ است. خدایا! شادی و گشایش، از سوی توست».

سپس رُکنِ یَمانی را لمس کن، سپس به طرف حجر الأسود برو و طواف را به آن ختم کن. (۴) ۵۴۳. امام صادق علیه السلام: هر بار که به در کعبه رسیدی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و در طواف بگو: «خدایا! به تو نیازمندم و بیمناک و پناهنده‌ام. نامم را عوض مکن و جسمم را تغییر مده». و چون در دور هفتم به آخر کعبه (که مُسْتَجَار است، کمی به رُکنِ یَمانی مانده)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۶ ح ۱ به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۳۳ ح ۱۷۸۷۶. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۴ ح ۳۳۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۵ به نقل از عمر بن عاصم، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۵ ح ۳۴۰ به نقل از عاصم بن حمید، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۳۵ ح ۱۷۸۸۰.

۳- متعَوِّذ، یعنی مکان پناه بُردن.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۱۰ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۷ ح ۳۴۷ هر دو به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۴۵ ح ۱۷۹۰۹.

ص: ۲۱۲

رسیدی، دستانت را باز کن و صورت و شکم خود را به کعبه بچسبان و سپس بگو:

«خدایا! خانه، خانه تو و بنده، بنده توست و این جا، جایگاه پناه آورنده به تو از آتش است».

سپس در پیشگاه خدا، به گناهانت اعتراف کن؛ زیرا هیچ بنده‌ای در این مکان، در آستان خداوند به گناهانش اعتراف نمی‌کند، مگر آن که آمرزیده می‌شود، إن شاء الله!

امام صادق علیه السلام به غلامانش فرمود: از من فاصله بگیرید، تا در پیشگاه پروردگارم، به آنچه کرده‌ام، اعتراف کنم. [آن گاه گفت:] «خدایا! شادی و گشایش و عافیت، از سوی توست. خدایا! عملم اندک است. بر آن، بیفزا و بر آنچه تو از کار من آگاه شدی و بر بندگانت پنهان است، ببخشای».

آن گاه، از آتش، به خدا پناه می‌جویی و هر دعایی که برای خودت خواستی، می‌طلبی.

سپس رو به رُکنِ یمنی و رُکنی که حجر الأسود در آن است، آورده، طواف را به آن ختم می‌کنی و اگر نتوانستی، عیبی ندارد. و می‌گویی: «خدایا! به آنچه روزی‌ام داده‌ای، قانعم گردان و آنچه را به من داده‌ای، برایم مبارک ساز». (۱) ۵۴۴. الکافی - به نقل از عبد السلام بن عبد الرحمان: - به امام صادق علیه السلام گفتم: وارد طواف شدم.

هیچ دعایی بر زبانم جاری نشد، مگر درود بر پیامبر و خاندان او. سعی [صفا و مروه] هم که کردم، چنین بود.

فرمود: «به هیچ خواهنده‌ای، چیزی برتر از آنچه به تو عطا شده، عطا نشده است». (۲) ۵۴۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام - به نقل از احمد بن موسی بن سعد: - در طواف، همراه امام رضا علیه السلام

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۰۴ ح ۳۳۹ به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۴۸ ح ۱۷۹۱۸. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۴۱۱ ح ۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۰۷ ح ۳، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۳۳۶ ح ۱۷۸۸۳.

ص: ۲۱۳

بودم. چون برابر رُکنِ یمانی رسیدیم، امام علیه السلام ایستاد و دستانش را بالا برد و گفت: «ای خدا! ای صاحب عافیت! ای خالق عافیت! ای روزی‌ده عافیت! ای نعمت‌دهنده و مَنّت‌گذارنده و احسان‌کننده به عافیت، بر من و همه بندگانت! ای مهربان و بخشایشگر دنیا و آخرت! بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرست و ما را عافیت و دوام عافیت و کمال عافیت و شکر بر عافیت در دنیا و آخرت، روزی گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان!» (۱). ر. ک: ص ۱۰۵ (مُلْتَمَز). و ص ۱۰۷ (مستجار). و ص ۱۰۸ (رکن یمانی).

۳-۲/۳

نماز طواف

نماز طواف (۲)

۵۴۶. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: دو رکعت نماز طواف واجب را جز کنار مقام ابراهیم علیه السلام سزاوار نیست بخوانی؛ ولی نماز طواف مستحب را هر جای مسجد که خواستی، بخوان. (۳) ۵۴۷. امام صادق علیه السلام: هرگاه از طواف فراغت یافتی، نزد مقام ابراهیم علیه السلام برو و دو رکعت نماز بگزار و مقام ابراهیم علیه السلام را پیش روی خود، قرار بده. در رکعت اول، سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). و در رکعت دوم، (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ). بخوان. سپس تشهد بخوان و حمد و ثنای الهی بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست و از خداوند بخواه که از تو قبول کند. این دو رکعت، واجب است. در هر ساعتی می‌خواهی، بخوان، هنگام طلوع خورشید و غروب آن؛ ولی از هنگامی که طواف را به جا می‌آوری و فارغ

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۶ ح ۳۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۹۵ ح ۴. ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۹۵ ح ۲۵۷.

۲- پس از طواف، خواندن دو رکعت نماز، همانند نماز صبح، واجب است، جز این که بلند و آهسته خواندن آن، هر دو جایز است. واجب است این نماز در کنار مقام ابراهیم علیه السلام خوانده شود و احتیاط این است که پشت آن به جا آورده شود، و اگر به جهت ازدحام جمعیت، اقامه نماز در پشت مقام ممکن نیست، درست راست و چپ آن خوانده شود.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۴ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۳۷ ح ۴۵۲ هر دو به نقل از زراره، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۴۲۶ ح ۱۸۱۱۹.

ص: ۲۱۴

می‌شوی، تأخیر مینداز و آن دو رکعت را بخوان. (۱) ۵۴۸. امام صادق علیه السلام: پس از دو رکعت نماز طواف واجب، این دعا را می‌خوانی:

«خدایا! به خاطر اطاعت از تو و پیامبرت صلی الله علیه و آله، بر من رحمت آور. خدایا! از این که از محدوده اطاعت تو خارج شوم، مرا دور کن و مرا از دوستداران خودت و پیامبرت و فرشتگانت و بندگان صالحت قرار بده». (۲) ۵۴۹. الکافی - به نقل از حسین بن عثمان -: امام کاظم علیه السلام را دیدم که مقابل مقام ابراهیم علیه السلام نزدیک سایه‌های مسجد الحرام، دو رکعت نماز طواف واجب می‌خواند (۳). (۴) ۵۵۰. ربیع الأبرار: امام حسین علیه السلام را در حال طواف خانه خدا دیدند. سپس نزد مقام ابراهیم علیه السلام آمد و نماز گزارد. آن گاه، صورت بر مقام نهاد و شروع به گریه کرد و می‌گفت: «بنده کوچک تو در آستان توست، خواهنده تو و بینوای تو در پیشگاه توست» این را پیوسته تکرار می‌کرد. (۵) ۴ - ۲ / ۳

سعی بین صفا و مروه

اشاره

سعی بین صفا و مروه (۶)

الف - فضیلت مسعی

۵۵۱. امام صادق علیه السلام: نزد خداوند، هیچ بقعه‌ای محبوب‌تر از محلّ سعی نیست؛ زیرا هر

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۳۶ ح ۴۵۰ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۲۳ ح ۱۸۱۱۴.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۳ ح ۴۷۵ به نقل از معاویه بن عمّار، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۳۹ ح ۱۸۱۶۲.

۳- در نقل دیگر اضافه دارد: «به خاطر انبوهی جمعیت».

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۲۳ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۰ ح ۴۶۴، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۳۳ ح ۱۸۱۴۳.

۵- ربیع الأبرار: ج ۲ ص ۱۴۹. نیز، ر. ک: تاریخ دمشق: ج ۴۱ ص ۳۸۰.

۶- پس از به جا آوردن دو رکعت نماز طواف، سعی صفا و مروه واجب می‌شود و هفت دور چرخیدن، در آن شرط است و واجب است که از صفا آغاز شود و در مروه پایان پذیرد.

ص: ۲۱۵

گردنکشی در آن، خوار می‌شود. (۱) ۵۵۲. سعی بین صفا و مروه واجب شده است برای خوار کردن جباران. (۲)

ب- حکمت سعی

قرآن

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنَ شَعَالِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ النَّبِيَّ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ؛ (۳))
صفا و مروه، از شعائر خداست. پس هر کس حج و عمره خانه خدا را به جا آورد، عیبی ندارد که بین آن دو طواف (سعی) کند. و هر که نیکی انجام دهد، خداوند، سپاس گزار و داناست).

حدیث

۵۵۳. امام صادق علیه السلام: سعی بین صفا و مروه، از آن جهت واجب شد که شیطان، خود را به ابراهیم علیه السلام نشان داد. جبرئیل علیه السلام به ابراهیم علیه السلام دستور داد که به او حمله کند. شیطان هم گریخت. از این رو، سنت «هروله» قرار داده شد. (۴) ۵۵۴. قرب الإسناد- به نقل از علی بن جعفر- از ایشان (امام کاظم علیه السلام)، در باره سعی میان صفا و مروه پرسیدم. فرمود: به خاطر سعی ابراهیم علیه السلام، قرار داده شده است. (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۴ ح ۳، علل الشرائع: ص ۴۳۳ ح ۲ هر دو به نقل از ابو بصیر و ح ۱ به نقل از معاویه بن عمار تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۲۱۲۴ به نقل از سلیمان بن جعفر از امام کاظم علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۵ ح ۳۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۴ ح ۵ و ح ۳ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۶۸ ح ۱۸۲۲۵.

۳- بقره: آیه ۱۵۸.

۴- علل الشرائع: ص ۴۳۲ ح ۱ به نقل از معاویه بن عمار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۴ ح ۴.

۵- قرب الإسناد: ص ۲۳۷ ح ۹۳۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۹ ح ۱۹.

ص: ۲۱۶

ر. ک: ص ۲۱۴ (نماز طواف). و ص ۱۱۱ (زمزم/ پیدایش آن).

ج- ادب سعی

۵۵۵. الکافی- به نقل از معاویه بن عمّار:- امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، وقتی از طواف و دو رکعت نماز آن، فراغت یافت، فرمود: «از جایی آغاز می‌کنم که خداوند، به آن آغاز کرده است. خداوند عزوجل می‌فرماید: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ؛ صفا و مروه، از شعائر خداست)».

امام صادق فرمود: «سپس به سوی صفا بیرون رو: از همان دری که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون رفت، از دری که مقابل حجر الأسود است، تا آن وادی را با آرامش و وقار، طی کنی. پس بر صفا بالا برو تا به کعبه بنگری و رو به رُکنی باشی که حجر الأسود، در آن است. پس خدا را حمد و ثنا گفته، نعمت‌ها و نیکی‌هایش را نسبت به تو، تا آن جا که بتوانی، یاد کن. سپس هفت بار «اللَّهُ أَكْبَرُ»، هفت بار «الحمد لله» و هفت بار «لا إله إلا الله» بگو و سه مرتبه چنین بگو: «جز خدای یکتا، معبودی نیست. شریکی ندارد.»

سلطنت و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که مرگ ندارد. و بر هر چیزی تواناست.»
سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست و سه بار بگو: «خدا، بزرگ‌تر است بر این که هدایت‌مان کرد. ستایش، خدا را بر این که هدایت‌مان کرد و ما را آزمود؛ و ستایش، از آن خدای زنده پا بر جا و ابدی است.»

و سه بار بگو: «شهادت می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست و محمّد، بنده و فرستاده اوست. جز او را نمی‌پرستیم. دین را برای او خالص ساخته‌ایم، هر چند مشرکان را ناخوش آید.»

نیز سه بار بگو: «خدایا! از تو خواستار گذشت، عافیت و یقین هستم.»

و سه بار بگو: «خدایا! در دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش، نگاه‌دار.»

سپس صد بار «اللَّهُ أَكْبَرُ»، صد بار «لا إله إلا الله»، صد بار «الحمد لله» و صد بار «سبحان الله» بگو. آن گاه بگو: «جز خدای یکتا معبودی نیست. به وعده‌اش وفا کرد،

ص: ۲۱۷

بنده‌اش را نصرت بخشید و به تنهایی بر احزاب، غالب گشت. سلطنت و ستایش، تنها از آن اوست. خدایا! در مُردن و پس از آن، برایم برکت قرار بده. خدایا! از تاریکی و وحشت قبر، به تو پناه می‌برم. خدایا! آن روز که سایه‌ای جز سایه تو نیست، مرا در سایه‌سار عرش خویش، قرار ده».

و دین و جان و خانواده‌ات را پیوسته به خداوند بسپار و بگو: «دین و جان و خانواده‌ام را به خدای مهربانی می‌سپارم که امانت‌ها را ضایع نمی‌کند. خدایا! مرا طبق کتاب خود و سیره پیامبرت، به کار گیر و بر آیین او بمیران و از فتنه، نگاهم دار».

سپس سه بار تکبیر بگو، سپس دو باره، آن دعا را بگو و یک بار تکبیر بگو و بار دیگر، دعا را بخوان. اگر این همه را نتوانستی، بخشی از آن را بگو. امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا، به اندازه آرام خواندن سوره بقره، بر صفا می‌ایستاد». (۱) ۵۵۶.

الموطأ- به نقل از جابر بن عبد الله-: پیامبر خدا، هر گاه بر صفا می‌ایستاد، سه بار تکبیر می‌گفت و می‌گفت: «جز خدای یکتا، معبودی نیست. شریکی ندارد. سلطنت و ستایش، از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست». این کار را سه بار انجام می‌داد و دعا می‌خواند و مانند همین را در مروه نیز انجام می‌داد. (۲) ۵۵۷. صحیح مسلم- به نقل از جابر بن عبد الله، در یاد کرد حج پیامبر خدا-: سپس از در مسجد الحرام به طرف صفا بیرون رفت. چون به صفا نزدیک شد، آیه (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ؛ صفا و مروه، از شعائر خداست). را خواند و فرمود: «به آنچه خدا آغاز کرده، آغاز می‌کنم». پس، از صفا شروع کرد. بالای آن رفت، تا آن جا که خانه خدا را دید. سپس «لا إلهَ إِلَّا اللهُ» و تکبیر گفت و فرمود: «هیچ معبودی جز خدا نیست، تنهای بی شریک. سلطنت و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند و او بر هر

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۱ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۵ ح ۴۸۱، وسائل الشیعة: ج ۱۳ ص ۴۷۷ ح ۱۸۲۴۵. نیز، ر. ک: سنن الترمذی: ج ۵ ص ۲۰۸ ح ۲۹۶۵.

۲- الموطأ: ج ۱ ص ۳۷۲ ح ۱۲۷، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۴۰، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۹۸ ح ۱۵۱۷۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۵۱ ح ۹۳۳۵، تاریخ دمشق: ج ۵۴ ص ۲۶۹ ح ۱۱۴۹۳. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۴۳۲ ح ۲.

ص: ۲۱۸

چیزی تواناست. معبودی جز خدا نیست. یکتاست، به وعده‌اش عمل کرد و بنده‌اش را یاری رساند و به تنهایی گروه‌ها [ی مشرک] را پراکنده ساخت».

سپس در این فاصله دعا کرد و سه بار، آن را تکرار نمود.

آن گاه به سوی مروه فرود آمد، تا آن که گام‌هایش در ریگزار میان آن وادی (بین صفا و مروه). قرار گرفت، تا آن که بالا رفت. رفت تا به مروه رسید. بر فراز مروه هم، چنان کرد که بر صفا. و پایان طوافش بر مروه بود. (۱) ۵۵۸. الکافی- به نقل از علی بن نعمان، در حدیثی که سندش را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است:-

امیر مؤمنان علیه السلام وقتی از صفا بالا- می‌رفت، رو به کعبه دست‌هایش را بالا- می‌برد و می‌گفت: «خدایا! همه گناهان مرا ببخشای. اگر باز هم گناه کردم، تو هم باز ببخشای.

تو بخشاینده مهربانی. خدایا! با من چنان کن که تو شایسته آنی. اگر آن گونه که تو شایسته آنی با من رفتار کنی، مرا می‌آموزی و اگر عذابم کنی، تو از عذابم بی‌نیازی، ولی من به رحمت تو نیازمندم. ای آن که به رحمت او محتاجم! بر من رحم کن.

خدایا! با من چنان مکن که من، شایسته آنم، که اگر چنین کنی، عذابم خواهی کرد، بی آن که بر من ستم کنی. در حالی هستم که از عدل تو پروا دارم و از ستمت نمی‌ترسم.

ای دادگر بی‌ستم! بر من، رحم کن». (۲) ۵۵۹. الکافی- به نقل از محمد بن عمر بن یزید، از یکی از یارانش:- پشت سر امام کاظم علیه السلام بالای صفا یا مروه بودم و او بیش از این دو سخن، چیزی نمی‌گفت: «خدایا! از تو می‌خواهم حُسن ظنّ به خودت را در هر حال، و نیت صادق در توکل بر تو را». (۳) ۵۶۰. امام صادق علیه السلام: هر که می‌خواهد ثروتش افزون شود، ایستادن بر صفا و مروه را طول دهد. (۴)

۱- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۸۸۶ ح ۱۴۷، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۱۶ ح ۸۶۲، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۵۱ ح ۹۳۳۷، حلیه الأولیاء: ج ۳ ص ۲۰۰ همگی تقریباً با همان الفاظ.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۲ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۷ ح ۴۸۲، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۷۸ ح ۱۸۲۴۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۳ ح ۹، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۸ ح ۴۸۶، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۸۱ ح ۱۸۲۵۴.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۳ ح ۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹ ح ۲۱۶۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۷۹ ح ۱۸۲۵۰. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۴۷ ح ۴۸۳.

ص: ۲۱۹

۵۶۱. امام صادق علیه السلام: میان صفا و مروه منشین، مگر از روی خستگی. (۱)

د- پاداش سعی

۵۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزار ... وقتی بین صفا و مروه سعی کند، از گناهانش بیرون می آید. (۲) ۵۶۳. امام زین العابدین علیه السلام: فرشتگان، برای کسی که میان صفا و مروه سعی کند، شفاعت می کنند و شفاعتشان در باره او پذیرفته می شود. چون پذیرش شفاعتشان را خداوند بر خود واجب کرده است. (۳) ۳/ ۲- ۵

تقصیر

۵۶۴. امام صادق علیه السلام: اگر در عمره تمتعی، چون از سعی فارغ شدی، از موی اطراف سر و ریش خود بزن و مقداری از سیلت را بچین و ناخن هایت را بگیر و مقداری را برای حج خود، نگاه دار. چون چنین کردی، از احرام بیرون آمده‌ای، از هر چه که از آن، احرام بسته بودی. پس هر قدر که خواستی، بر گرد کعبه، طواف مستحب کن. (۴) ۵۶۵. امام صادق علیه السلام: طواف متمتع، آن است که کعبه را طواف کند، میان صفا و مروه سعی کند و از موی خود، کوتاه کند. اگر چنین کرد، از احرام در آمده است. (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۷ ح ۴ به نقل از عبد الرحمان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۱۷ ح ۲۸۵۴ به نقل از عبدالرحمان بن ابی عبد الله، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۵۰۲ ح ۱۸۳۰۹.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹ ح ۵۶ به نقل از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام از پدرانیش علیهم السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۷ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۶۹ ح ۱۸۲۲۹.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۶۸، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۴۶۹ ح ۱۸۲۳۰.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۳۹ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۵۷ ح ۵۲۱ و ص ۱۴۸ ح ۴۸۷ تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۷۵ ح ۲۷۴۱ همگی به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۵۰۶ ح ۱۸۳۲۰.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۵۷ ح ۵۲۲ به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۵۰۵ ح ۱۸۳۱۸.

ص: ۲۲۰

۵۶۶. امام صادق علیه السلام: هفت بار بر گرد خانه خدا طواف کن، نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز بخوان و بین صفا و مروه، سعی کن و از موی خود، بچین و چون روز ترویبه رسید، غسل کن و برای حج، احرام ببند و مانند مردم، انجام بده. (۱) ۳/۳

واجبات حجّ تمتّع

الف - احرام

۵۶۷. امام صادق علیه السلام: چون آدم علیه السلام مأمور به توبه شد، جبرئیل علیه السلام به او گفت: «ای آدم! برخیز». پس او را روز ترویبه بیرون آورد، دستور داد غسل کند و مُحَرَّم شود ... پس چون روز هشتم ذی حجه شد، جبرئیل علیه السلام او را به سوی مِنّا بیرون آورد. شب، آن جا ماند.

چون صبح شد، او را به سوی عرفات، بیرون آورد. آن گاه که او را از مکه بیرون آورده بود، احرام و لُبَّيْكَ گویی را به او یاد داده بود. روز عرفه، هنگام زوال خورشید (ظهر)، لُبَّيْكَ را قطع کرد. (۲) ۵۶۸. امام صادق علیه السلام: آن که عمره تمتّع انجام داده ... روز ترویبه، برای حج، احرام می‌بندد. (۳) ۵۶۹. امام صادق علیه السلام: روز ترویبه که رسید، همان کار [وادی] عقیق را انجام می‌دهی. سپس میان رُکن و مقام، احرام حج می‌بندی و پیوسته، مُحَرَّم می‌مانی تا این که در مواقع عرفات و مشعر، وقوف کنی و بر جَمَرَات، سنگ زنی و قربانی کنی و لباس احرام، از تن بیرون آوری و غسل نمایی و خانه خدا را زیارت کنی که اگر این گونه کردی، از احرام، بیرون می‌آیی. (۴)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۷۲ ح ۲۳۹ به نقل از عبد الصمد بن بشیر، وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۲۴۱ ح ۱۴۶۸۵. نیز، ر. ک: مختصر بصائر الدرجات: ص ۸۵.

۲- تفسیر القمّی: ج ۱ ص ۴۴ به نقل از أبان بن عثمان، وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۲۳۶ ح ۱۴۶۷۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۹۵ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۳۶ ح ۱۰۵ هر دو به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۲۲۱ ح ۱۴۶۵۴.

۴- مختصر بصائر الدرجات: ص ۸۶ به نقل از مفّض بن عمر، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۲۹۵.

ص: ۲۲۱

۵۷۰. امام صادق علیه السلام: هرگاه خواستی روز ترویبه مُحَرَّم شوی، همان کاری را بکن که هنگام احرام کردی. موی شاربیت را بچین، ناخن بگیر، اگر شرمگاهت مو دارد، بزدای و نیز موی زیر بغل را. غسل کن، جامه‌های احرامت را بپوش و به مسجد الحرام برو و پیش از احرام، در آن جا شش رکعت، نماز بخوان و دعا کن و از خداوند، یاری بطلب و بگو: «خدایا! می‌خواهم به حج بروم، برایم آسانش کن و هر جا که از رفتن بازم داشتی، مرا به آن تقدیرت که بر من مقدر ساختی، از احرام، به در آور.»

و بگو: «مو، پوست، گوشت و خونم را از زنان و لباس‌ها و بوهای خوش، برای تو حرام می‌کنم و با این کار، تنها تو و سرای آخرت را می‌خواهم. هر جا که از رفتن بازم داشتی، مرا به آن تقدیرت که بر من مقدر داشتی، از احرام، در آور.»

سپس از مسجد الحرام، لثیک بگو، آن گونه که هنگام احرام می‌گفتی و بگو:

«لثیک، با حجی که کمال و رسایی آن، بر توست!».

پس اگر بتوانی که رفتنت به منا هنگام ظهر باشد، چنین کن و گرنه، هر وقتی که از روز ترویبه که برایت آسان باشد. (۱) ر. ک: ص ۱۸۰ (واجبات حج/ واجبات عمره تمتع/ احرام)، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۵۱۹/ أبواب احرام الحج و ج ۱۱ ص ۳۳۹/ أبواب المواقیف/ الباب ۲۱.

ب- وقوف در عرفات

۱. آداب رفتن به عرفات

ب- وقوف در عرفات (۲)

۱. آداب رفتن به عرفات (۳)

۵۷۱. علل الشرائع- به نقل از عبید الله بن علی حلبی: - از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چرا به روز ترویبه، (۴) ترویبه می‌گویند؟

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۵۴ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۶۸ ح ۵۵۹ هر دو به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۴۰۹ ح ۱۶۶۴۱.

۲- پس از پوشیدن احرام حج، وقوف در عرفات، واجب است. از ظهر روز نهم ذی حجّه تا غروب شرعی.

۳- مردم در روز ترویبه، یعنی روز هشتم ذی حجّه، برای کوچ به عرفات، از مکه بیرون می‌روند و بهتر این است که پس از نماز ظهر، حرکت کنند. البته می‌توانند صبح و عصر تا فرا رسیدن شب بروند و قبل از روز ترویبه هم بروند، اشکالی ندارد.

۴- ترویبه، به روز هشتم ذی حجّه گفته می‌شود و به معنای سیراب شدن و آب برداشتن است.

ص: ۲۲۲

فرمود: «چون در عرفات، آب نبود و حجاج برای آب نوشیدن، از مکه آب می‌آوردند و به همدیگر می‌گفتند: "آب برداشدید؟ آب برداشدید؟" (تَرَوَيْتُمْ؟)

تَرَوَيْتُمْ. "؟) از این رو، آن روز، روز ترویبه نام گرفت. (۱) ۵۷۲. امام صادق علیه السلام: روز ترویبه را، ترویبه نامیدند، چون جبرئیل علیه السلام در چنین روزی، نزد ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: «ای ابراهیم! برای خود و خانواده‌ات، آب بردار» و میان مکه و عرفات، آبی نبود.

آن گاه [جبرئیل علیه السلام] به موقِفِ عرفات رفت و به ابراهیم علیه السلام گفت: «اعتراف کن و با عبادات خویش، آشنا شو (اعترف و اعرف مناسکک)». از این رو، آن روز، «عرفه» نامیده شد. سپس به او گفت: «به مشعر نزدیک شو (إزدلف إلى المشعر)». به این جهت، نام آن جا مُزْدَلِفَه (۲) شد. (۳) ۵۷۳. تهذیب الأحکام- به نقل از محمد بن مسلم-: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله روز ترویبه، نماز ظهر را در منا خواند؟

فرمود: «آری. نماز صبح را هم روز عرفه در منا خواند». (۴) ۵۷۴. امام صادق علیه السلام: روز ترویبه که شد، احرام حج ببند ... و اگر توانستی، نماز ظهر را در منا بخوان. (۵) ۵۷۵. امام صادق علیه السلام: سزاوار است امام، نماز ظهر روز ترویبه را در منا بگزارد و شب عرفه را در منا بخوابد و صبح روز عرفه (نهم ذی حجه). بعد از طلوع خورشید، از منا به عرفه برود. (۶)

۱- علل الشرائع: ص ۴۳۵ ح ۱، المحاسن: ج ۲ ص ۶۵ ح ۱۱۸۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۵۴ ح ۱۹.

۲- مُزْدَلِفَه، به معنای محلّ نزدیک شدن است.

۳- المحاسن: ج ۲ ص ۶۵ ح ۱۱۸۱ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۴ ح ۳۲.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۷۷ ح ۵۹۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۶۳ ح ۲۹۷۷، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۶ ح ۱۸۳۶۱.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۶۹ ح ۵۶۱ به نقل از عمر بن یزید، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۴ ح ۱۸۳۵۳.

۶- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۷۷ ح ۵۹۲، الکافی: ج ۴ ص ۴۶۰ ح ۲ تقریباً با همان الفاظ، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۶۲ ح ۲۹۷۶ همگی به نقل از جمیل بن دراج، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۵ ح ۱۸۳۶۹.

ص: ۲۲۳

۵۷۶. امام صادق علیه السلام: روز تزوییه که شد، به خواست خدا، غسل کن و سپس جامه‌های احرامت را بپوش و پابرنه، با آرامش و وقار وارد مسجد الحرام شو. سپس کنار مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل، دو رکعت نماز بخوان و بنشین تا ظهر شود. نماز واجب را بخوان و بعد از نمازت، همان را بگو که هنگام احرام از مسجد شجره گفتی.

آن گاه با آرامش و وقار، احرام حج ببند و سپس روانه شو. پس چون به قبل از رَدَم (۱) رسیدی، لُئیک بگو و چون به ردم رسیدی و به دشت مکه رو آوردی، صدایت را به لُئیک بلند کن، تا به مینا برسی. (۲) ۵۷۷. امام صادق علیه السلام: هر گاه روی به مینا نهادی، بگو: «پروردگارا! تنها به تو امید دارم و تنها تو را می‌خوانم. پس مرا به آرزویم برسان و کارم را اصلاح کن». (۳) ۵۷۸. امام صادق علیه السلام: چون به مینا رسیدی، بگو: «خدایا! این، مناست و این، از جمله عباداتی است که با آن، بر ما منت نهاده‌ای. از تو می‌خواهم که با آنچه بر پیامبرانت منت نهاده‌ای، بر من منت نهی. همانا من، بنده تو و در اختیار توام...».

تا آن جا که فرمود: «حَدِّ مِنا، از عَقَبه تا وادی محسّر است». (۴)

۲. علت نام‌گذاری «عرفات»

۵۷۹. علل الشرائع - به نقل از معاویه بن عمار - از امام صادق علیه السلام در باره علت نام‌گذاری عرفات پرسیدم. فرمود: «جبرئیل علیه السلام، ابراهیم علیه السلام را روز عرفه بیرون آورد. چون ظهر شد، به وی گفت: "ای ابراهیم! به گناهت اعتراف کن و عبادت‌هایت را بشناس (اعترف بذنبک و اعرف مناسکک)". (۵) از این رو، عرفات نامیده شد، چون جبرئیل علیه السلام گفت:

۱- رَدَم، مانع و سدّی بود که برای جلوگیری از ورود سیل به مسجد الحرام، ایجاد کرده بودند.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۵۴ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۶۷ ح ۵۵۷ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۲۴۶ ح ۱۴۹۶۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۰ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۷۷ ح ۵۹۵ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۷ ح ۱۸۳۶۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۱ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۷۸ ح ۵۹۶ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۷ ح ۱۸۳۶۷.

۵- در نقل دیگری آمده است: «اعتراف کن و بشناس».

ص: ۲۲۴

"اعتراف کن،" و او هم اعتراف کرد. (۱)

۳. افتخار خداوند به اهل عرفات

۵۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غروب عرفه، خداوند عزّ وجلّ با اهل عرفه بر فرشتگان افتخار می‌کند و می‌فرماید: «به بندگانم بنگرید! زولیده و غبارآلود، نزد من آمده‌اند» (۲). (۳) ۵۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، بر اهل عرفات، نعمت داده است و به وسیله آنان، بر فرشتگان مباحث کرده، می‌فرماید: «ای فرشتگان من! به بندگانم بنگرید. زولیده و غبارآلود، از هر راه دوری، راه سپرده و آمده‌اند. شما را گواه می‌گیرم که دعایشان را مستجاب کرده، خواسته‌شان را بر آورده‌ام. خطاکارشان را به خاطر نیکوکارشان بخشیدم و به نیکوکارانشان، هرچه از من خواستند، عطا کردم، جز گناهانی را که میان خودشان دارند (حقّ الناس). (۴) ۵۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در هیچ روزی به اندازه روز عرفه، خداوند، بندگان را از آتش [دوزخ]، آزاد نمی‌کند. همانا خداوند، نزدیک می‌شود و بر فرشتگان، مباحث می‌کند و می‌فرماید: «اینها چه می‌خواهند؟». (۵)

۴. اهمیت عرفات در حج

۱- علل الشرائع: ص ۴۳۶ ح ۱، المحاسن: ج ۲ ص ۶۴ ح ۱۱۷۹ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۲ ص ۱۰۸ ح ۲۷.

۲- در نقل دیگری اضافه دارد: «غبارآلود، از هر راه دور. شما را گواه می‌گیرم که آنان را آمرزیدم».

۳- مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۶۹۲ ح ۷۱۱۱ به نقل از عبد الله بن عمرو، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۳۶ ح ۱۷۰۸، السنن الکبری: ج ۵ ص ۹۳ ح ۹۱۰۹ هر دو به نقل از ابو هریره تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۵ ح ۱۲۰۷۳؛ المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۰ ح ۱۳۳ به نقل از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام، النوادر، اشعری: ص ۱۳۹ ح ۳۵۸ به نقل از امام زین العابدین علیه السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۵۴ ح ۲۳.

۴- مسند أبی یعلی: ج ۴ ص ۱۴۷ ح ۴۰۹۲، ربع الأبرار: ج ۲ ص ۸۴۰ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از انس، کنز العمال: ج ۵ ص ۷۰ ح ۱۲۰۹۸؛ مجمع البیان: ج ۷ ص ۱۲۹ به نقل از انس.

۵- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۳ ح ۴۳۶، السنن الکبری، نسائی: ج ۲ ص ۴۲۰ ح ۳۹۹۶، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۹۲ ح ۹۴۸۰، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۳۶ ح ۱۷۰۵ همگی به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۵ ح ۱۲۰۷۲.

ص: ۲۲۵

۵۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج، عرفات است. حج، عرفات است. حج، عرفات است. روزهای منا، سه روز است. (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ (۱))

پس هر که عجله کند در دو روز، پس گناهی بر او نیست و هر که تأخیر کند، گناهی بر او نیست. هر کس پیش از طلوع فجر، عرفه را دریابد، حج را درک کرده است. (۲) ۵۸۴. سنن الترمذی- به نقل از عبد الرحمان بن یعمر-: در عرفات، عده‌ای از مردم یمن نزد پیامبر خدا آمدند و از ایشان، سؤال کردند. فرمود تا منادی ندا دهد: «حج، عرفه است.

هر کس شب هنگام، قبل از طلوع فجر، به مشعر الحرام بیاید، حج را درک کرده است.

روزهای منا، سه روز است. (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ؛ (۳))

پس هر که شتاب کند در دو روز، گناهی بر او نیست و هر که به تأخیر اندازد، پس گناهی بر او نیست. (۴)

۵. ادب حضور

۵۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه جای عرفات، موقف است، پس از دلِ عُرْنَه (۵) بالاتر بروید. (۶) ۵۸۶. امام صادق علیه السلام: همه جای عرفات، موقف است و بهترین جا برای وقوف، دامنه کوه است. (۷) ۵۸۷. امام صادق علیه السلام: در سمت چپ کوه وقوف کن، چرا که پیامبر خدا در عرفات، در سمت چپ کوه، وقوف کرد و چون ایستاد، مردم به محل فرود آمدن شتر او هجوم آوردند و

۱- بقره: آیه ۲۰۳.

۲- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۲۱۴ ح ۲۹۷۵، السنن الکبری، نسائی: ج ۲ ص ۴۲۴ ح ۴۰۱۲ هر دو به نقل از عبد الرحمان بن یعمر.

۳- بقره: آیه ۲۰۳.

۴- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۳۷ ح ۸۸۹، سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۱۹۶ ح ۱۹۴۹، السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۸۲ ح ۹۸۱۲ هر دو تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۴ ح ۱۲۰۶۵.

۵- عُرْنَه، نام محلی در عرفات است.

۶- الموطأ: ج ۱ ص ۳۸۸ ح ۱۶۶، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۰۲ ح ۳۰۱۲ هر دو به نقل از جابر بن عبد الله، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۸۶ ح ۹۴۵۹ به نقل از محمد بن منکدر، المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۴۱ ح ۱۱۰۰۵ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۱ ح ۱۲۰۵۱.

۷- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۳ ح ۱ به نقل از مسمع، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۱۳ ح ۱۸۳۹۰.

ص: ۲۲۶

در اطراف آن، وقوف می‌کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله ناقه را دور کرد و آنان نیز چنین کردند. پس فرمود: «ای مردم! محلّ پای شتر من، موقف نیست. همه این منطقه، موقف است (و با دست، به موقف اشاره فرمود. در مُزْدَلِفَه نیز چنین کرد). پس هر جای خالی‌ای را دیدی، با خودت و وسایلت آن جا را پُر کن. خداوند دوست دارد که این جاهای خالی پُر شود. از رفتن به بلندی‌ها دست بردار و از منطقه اراک (۱) هم بپرهیز. (۲) ۵۸۸. امام صادق علیه السلام: وقوف در عرفات، بدون وضو شایسته نیست. (۳) ۵۸۹. کنز الفوائد: روایت شده است که از امیر مؤمنان، در باره وقوف در جَلال (خارج حرم). در عرفات پرسیدند که: چرا در حَرَم نیست؟

فرمود: «زیرا کعبه، اندرون خانه است و حرم، خود خانه. چون حجاج، رو به خدای می‌آورند، آنان را در آستانه در نگه می‌دارد تا به درگاهش تضرّع کنند. (۴) ۵۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به علی -: آیا دعای روز عرفه را به تو بیاموزم که دعای پیامبران پیش از من است؟ می‌گویی: «جز خدای یکتای بی شریک، معبودی نیست. سلطنت و ستایش، از آن اوست. زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که نمی‌میرد. خیر، در دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. خدایا! ستایش، برای توست، آن گونه که خود می‌ستایی و بهتر از آنچه ما می‌گوییم و بالاتر از آنچه گویندگان می‌گویند. خدایا! نماز و عبادتم، زندگی و مرگم و بیزاری جستتم برای توست، و توان و نیرویم، از توست. خدایا! از فقر و وسوسه‌های درون و پراکندگی کار و عذاب قبر، به تو پناه می‌برم.»

۱- اراک، منطقه‌ای نزدیک مکه در مرز عرفات است.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۳ ح ۴ به نقل از معاویه بن عمّار، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۰ ح ۶۰۴ به نقل از سماعه بن مهران تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۱۳ ح ۱۸۳۸۹.

۳- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۸ ح ۹.

۴- کنز الفوائد: ج ۲ ص ۸۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۸ ح ۱۵۶۵ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۸ ح ۱۴۶۶۵. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۲۴ ح ۲.

ص: ۲۲۷

خدایا! بهترین نسیم‌ها را از تو می‌طلبم و از شر آنچه توفان‌ها می‌آورد، به تو پناه می‌برم و از تو، خیر شب و روز را می‌خواهم.

خدایا! در دل و گوش و چشم و در گوشت و خون و استخوان‌ها و رگ‌هایم، در جایگاه نشستن و ایستادنم، و در ورود و خروجم، نور و روشنائی قرار بده و روزی که تو را دیدار می‌کنم، فروغ مرا بزرگ بدار، که تو بر هر چیزی توانایی». (۱) ۵۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شامگاه عرفه این دعا را بخواند، تا وقتی که دعوت به گناه یا قطع رحم نکند، دعایش مستجاب است: «منزه است خدایی که عرش او در آسمان است! منزه است خدایی که قدمگاهش در زمین است! منزه است آن که راهش در دریاست! منزه است خدایی که حکم و قضای او در گورهاست! منزه است آن که رحمتش در بهشت است! منزه است آن که فرمان‌روایی‌اش در دوزخ است! منزه است آن که آسایش جنندگان‌ش در جبهه‌گیری از اکسیژن‌ج هوا است! منزه است آن که آسمان را بر افراشت! منزه است آن که زمین را گسترده! منزه است آن که از او جز به سوی او، راه نجاتی نیست!». (۲) ۵۹۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، در عرفات وقوف کرد. همین که خورشید خواست غروب کند، قبل از غروب، چنین دعا کرد: «خدایا! از فقر، پراکندگی کار و از شر آنچه در شب و روز پیش می‌آید، به تو پناه می‌برم. ظلم را به پناه عفو تو آورده‌ام و بیم را به پناه امان تو. خواری‌ام را پنهانده عزت تو ساخته‌ام و چهره فانی‌ام را در پناه ذات باقی تو قرار داده‌ام. ای بهترین کسی که از او می‌خواهند! ای بهترین کسی که می‌بخشد! جامه رحمت و عافیت را بر من بپوشان و شر همه آفریده‌هایت را از من بگردان». (۳) ۵۹۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه صبح به طرف عرفات رفتی، در حال رفتن، بگو: «خدایا! رو به تو

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۳ ح ۶۱۲، الإقبال: ج ۲ ص ۷۲ هر دو به نقل از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۴۲ ح ۳۱۳۵ به نقل از معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۱۴ ح ۳.

۲- المعجم الکبیر: ج ۱۰ ص ۲۲۷ ح ۱۰۵۵۴ به نقل از ابن مسعود، کنز العمال: ج ۵ ص ۷۵ ح ۱۲۱۱۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۴ ح ۵ به نقل از عبد الله بن میمون، قرب الإسناد: ص ۲۱ ح ۷۲ به نقل از عبد الله بن میمون از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۵۱ ح ۵.

ص: ۲۲۸

آورده و بر تو اعتماد کرده‌ام و تو را طلبیده‌ام. از تو می‌خواهم که کوچ مرا مبارک گردانی، حاجتم را بر آوری و مرا از کسانی قرار دهی که امروز به آنها، بر برتر از من، مباحث می‌کنی».

سپس لَبَّيْكَ می‌گویی، در حالی که رو به عرفات می‌روی. (۱) ۵۹۴. امام صادق علیه السلام: مردم در عرفات وقوف می‌کنند، دعا می‌کنند، رغبت نشان می‌دهند و تا می‌توانند، از فضل و رحمت الهی مسئلت می‌کنند، تا آن که خورشید، غروب کند. (۲) ۵۹۵. تهذیب الأحکام- به نقل از ابو بلال مکی-: امام صادق علیه السلام را در عرفات دیدم که پنجاه هسته (۳) آورده بود و با سوره (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ)، نماز می‌خواند. صد رکعت نماز، با (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). خواند و با «آیة الکرسی» به پایان بُرد. گفتیم: فدایت شوم! هیچ یک از شما را ندیده‌ام که این جا این نماز را بخواند.

فرمود: «در این مکان، هیچ پیامبر یا وصی پیامبری حضور نیافته، مگر این که این نماز را خوانده است». (۴) ۵۹۶. امام صادق علیه السلام: نماز را زود می‌خوانی و بین دو نماز، جمع می‌کنی تا دلت برای دعا، فارغ و آسوده باشد؛ چرا که آن روز، روز دعا و خواستن است. با آرامش و وقار، به موقف بیا، خدا را ستایش و تمجید کن و «لا إله إلا الله» بگو و لَبَّيْكَ و ثنایش گو و صد بار «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «الحمد لله» و «سبحان الله» بگو، صد بار (قل هو الله). بخوان و هر چه می‌خواهی، دعا بخوان و بکوش، که آن روز، روز نیایش و دعاست، و از شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر؛ زیرا محبوب‌ترین جا نزد شیطان برای غافل ساختن تو، همان مکان

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۱ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۷۹ ح ۶۰۰ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۴۰، المقنعة: ص ۴۰۸، السرائر: ج ۱ ص ۵۸۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۶۱ ح ۴۱ به نقل از الهدایة و در چهار منبع اخیر بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ.

۲- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۸ ح ۹.

۳- گویا برای شمارش نمازها، آورده باشند.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۷۹ ح ۱۶۹۷.

ص: ۲۲۹

است. از این که مشغول تماشای مردم شوی پرهیز، به خودت پرداز و از خواسته‌هایت، این باشد: «بار خدایا! من، بنده توام. مرا از بی بهره‌ترین میهمانان قرار مده و بر آمدنم به سوی تو از راهی دراز، رحم کن».

و نیز در گفته‌هایت این باشد: «خدایا! ای پروردگار همه عبادتگاه‌ها! از آتش [دوزخ] رهایی‌ام ده، رزقم را وسعت بخش و شرّ فاسقانِ جنّ و انس را از من، دور کن».

و می‌گویی: «خدایا! با من به مکر و خدعه، رفتار مکن و به تدریج، مرا کیفر مده».

و می‌گویی: «خدایا! تو را به نیرو و بخشش و بزرگواری و منت و احسانت تو را می‌خوانم، ای شنواترین شنوندگان، و ای بیناترین بینندگان، و ای سریع‌ترین حسابگران، و ای مهربان‌ترین مهربانان، که بر پیامبر و دودمان او درود فرستی و با من چنین کنی! (حاجت‌هایت را می‌خواهی)».

و نیز در حالی که سرت را به آسمان بلند کرده‌ای، می‌گویی: «خدایا، حاجتم به درگاه تو، حاجتی که اگر عطا کنی، ردّ حاجت‌های دیگرم بی‌زیان است و اگر روا نکنی، بر آوردن حاجت‌های دیگرم بی‌فایده است. این است که از تو، رهایی از دوزخ را می‌خواهم».

و در دعاهایت این باشد:

«خدایا! بنده و برده توام. اختیارم در دست تو و اجلم بسته به علم توست. از تو می‌خواهم به آنچه موجب خشنودی تو از من است، توفیقم دهی و عبادت‌هایم را بپذیری؛ عباداتی که به دوست ابراهیم - که درود خدا بر او باد - نشان دادی و به آن، پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را راه‌نمایی کردی».

و در دعاهایت این باشد: «خدایا! مرا از آنانی قرار ده که عملشان را پسندیده‌ای و عمرشان را طولانی کرده‌ای و پس از مرگ، به حیات پاکیزه، زنده‌شان ساخته‌ای».

و مستحبّ است شام عرفه را با بنده آزاد کردن و صدقه دادن بجویی. (۱)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۲ ح ۶۱۱ به نقل از معاویه بن عمّار، المقنعة: ص ۴۱۰، مصباح المتعجد: ص ۶۸۷ ح ۷۶۷ و ۷۶۸ و

۷۶۹ همگی بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۱۵ ح ۱۸۳۹۶.

ص: ۲۳۰

۵۹۷. امام صادق علیه السلام: چون خورشید روز عرفه غروب کرد، بگو: «خدایا! این وقوف را آخرین وقوفم در این جا قرار مده و تا زنده‌ام، روزی‌ام گردان و امروز، مرا رستگار، کامیاب، مستجاب و آمرزیده، باز گردان، به بهترین چیزی که هر یک از میهمانانت و زائران خانهات باز می‌گردند. امروز، مرا از گرامی‌ترین میهمانانت قرار بده و بهترین خیر، برکت، رحمت، رضوان و آمرزشی که به آنان می‌دهی، به من هم عطا کن. بازگشتم را به خانواده و مالم، چه کم باشد، چه بسیار، مبارک گردان و به آنان هم نسبت به من، برکت بده».

پس چون کوچ کردی، آرام برو و آرامش داشته باش و تند رفتنی را که بسیاری از مردم در این کوه و دشت انجام می‌دهند، ترک کن. (۱) ۵۹۸. تهذیب الأحکام- به نقل از ابو یحیی زکریا موصلی-: از عبد صالح (امام کاظم علیه السلام). درباره مردی پرسیدم که در موقف، وقوف کرده است و پیش از آن که خدا را بخواند و دعایی کند، خبر مرگ پدر یا یکی از فرزندان او به او می‌رسد و او مشغول گریه و زاری شده، از دعا باز می‌ماند و سپس کوچ می‌کند.

فرمود: «چیزی بر عهده‌اش نیست. بد کرده است. از خداوند، آمرزش بخواهد؛ ولی اگر برای خدا شکیبایی کرده بود، هنگام کوچ از موقف عرفات، حسنات همه اهل موقف را هم با خود می‌برد، بی آن که از حسنات آنان، چیزی کاسته شود. (۲)

۶. پاداش وقوف در عرفات

۵۹۹. الترغیب والترهیب- به نقل از انس بن مالک-: پیامبر صلی الله علیه و آله در عرفات، وقوف کرد. نزدیک غروب خورشید، فرمود: «ای بلال! مردم را خاموش کن تا به سخنم گوش دهند».

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۴۳ ح ۳۱۳۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۷ ح ۶۲۲ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از ابو بصیر، مصباح المتعجد: ص ۶۹۸ ح ۷۷۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۴ ح ۶۱۴.

ص: ۲۳۱

بلال، برخاست و گفت: به سخن پیامبر خدا، گوش فرا دهید.

ایشان فرمود: «ای مردم! جبرئیل، هم‌اینک نزد من آمد و از پروردگرم به من سلام رساند و گفت: خداوند عزوجل اهل عرفات و اهل مشعر را آمرزید و بدهکاری‌های آنان را تضمین نمود». (۱) عمر، برخاسته و گفت: ای پیامبر خدا! آیا این، ویژه ماست؟ فرمود: «این، برای شما و همه کسانی است که پس از شما تا روز قیامت می‌آیند». (۲) ۶۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مسلمانی نیست که غروب عرفه در موقف عرفات، رو به قبله وقوف کند و صد بار بگوید: «معبودی جز خدا نیست، یکتا و بی‌شریک است، فرمان‌روایی و ستایش، از آن اوست و او بر هر چیزی تواناست» و سپس صد بار (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). را بخواند و سپس صد بار بگوید: «خدایا! آن گونه که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، درود فرستادی، بر محمد، درود فرست. همانا ستوده و شکوه‌مندی و بر ما نیز همراه آنان، درود فرست»، مگر آن که خدای متعال می‌فرماید: «فرشتگانم! پاداش این بنده من چیست؟ مرا تسبیح گفت و تهلیل کرد، تکبیر گفت و بزرگ داشت، مرا شناخت و مرا ستود و بر پیامبرم درود فرستاد. ای فرشتگان من! گواه باشید که من، او را بخشودم و شفاعت او را در باره خودش پذیرفتم و اگر این بنده‌ام از من بخواهد، شفاعت او را در باره همه اهل عرفات، خواهم پذیرفت». (۳) ۶۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخی از گناهان، جز در عرفات، بخشوده نمی‌شود. (۴)

۱- در متن حدیث، واژه «تبعات» آمده است. که به معنای حقوق مردم است، چه مالی و چه غیر آن.

۲- الترغیب والترهیب: ج ۲ ص ۲۰۳ ح ۷، الدر المنثور: ج ۱ ص ۵۵۳ هر دو به نقل از الزهد، ابن مبارک. نیز، ر. ک: ثواب الأعمال: ص ۷۱ ح ۷ و حدیث ۶۰۸ از (ثواب الوقوف بالمزدلفه).

۳- شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۶۳ ح ۴۰۷۴، کنز العمال: ج ۵ ص ۷۴ ح ۱۲۱۱۰ به نقل از دیلمی و هر دو از جابر بن عبد الله.

۴- الجعفریات: ص ۶۵ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴ به نقل از امام علی علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۰ ح ۴۶.

ص: ۲۳۲

۶۰۲. امام کاظم علیه السلام - از پدرانش - از پیامبر خدا پرسیده شد: چه کسی از اهل عرفات، جرمش بزرگ‌تر است؟ فرمود: «آن که از عرفات، بر می‌گردد و می‌پندارد که آمرزیده نشده است». امام صادق علیه السلام فرمود: «مقصود ایشان، کسی است که از رحمت خداوند، مأیوس باشد». (۱) ۶۰۳. امام صادق علیه السلام: حج گزار، بار سفرش و ضمانت آن بر خداست. هرگاه وارد مسجد الحرام شود، خداوند، دو فرشته بر او می‌گمارد که طواف و نماز و سعی او را نگه دارند.

شامگاه عرفه که می‌شود، بر شانه راست او می‌زنند و به او می‌گویند: «فلانی! در آنچه گذشته است، کفایت شدی. بین در آینده چگونه خواهی بود. (۲) ۶۰۴. الکافی - به نقل از سعید بن یسار - امام صادق علیه السلام در یکی از غروب‌ها که در منا بودیم، در حالی که مرا به حج، تشویق و ترغیب می‌کرد، فرمود: «ای سعید! هر بنده‌ای که خداوند به او روزی داده باشد و او از آن روزی، بردارد و خرج خود و خانواده‌اش کند و سپس آنان را برای حج، بیرون آورد و در برابر تابش خورشید قرار دهد، تا آن که غروب عرفه آنان را به موقف آورد و استراحت کند، آیا ندیده‌ای شکاف‌هایی را در آن جا که در آنها کسی نیست؟».

گفتم: چرا، دیده‌ام، فدایت شوم!

فرمود: «خانواده خود را می‌آورد و با آنها، این رخنه‌ها و شکاف‌های کوه را پُر می‌کند. پس خداوند - تبارک و تعالی و بی شریک - می‌فرماید: "به بنده‌ام، از روزی خویش دادم. آن روزی را برداشت و خرج خود و خانواده‌اش کرد. آن گاه، آنان را بیرون آورد. آنان را آورد تا با آنها این جاهای خالی را پُر کند، در پی آمرزش من. گناهِش را می‌آمرزم و آنچه فکرش را مشغول ساخته، بر عهده می‌گیرم و روزی‌اش

۱- الجعفریات: ص ۶۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۱ ح ۲۱۸۳.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۱ ح ۵۸، المحاسن: ج ۱ ص ۱۳۷ ح ۱۷۶ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸ ح ۱۸.

ص: ۲۳۳

می‌دهم».

چیزهای دیگری هم فرمود، نزدیک به ده چیز. (۱)

ج- وقوف در مشعر الحرام**۱. کوچ از عرفات****قرآن**

(لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰ لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ؛ (۲)

اشکالی بر شما نیست که در پی فضل [و احسان] پروردگارتان باشید. پس چون از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید و به یاد او باشید، آنگونه که شما را هدایت کرد. و پیش از آن، از گم‌راهان بودید).

حدیث

۶۰۵. سنن أبی داوود- به نقل از ابن عباس-: پیامبر خدا، با آرامش، در حالی که اسامه پشت سرش سوار بود، از عرفات کوچ کرد و فرمود: «ای مردم! آرامش داشته باشید. نیکی آن نیست که اسب و شتر را تند برانید».

ندیدم که مرکب پیامبر صلی الله علیه و آله گام‌هایش را به تاخت، بالا آورد و بدود، تا آن که به جمع (۳) رسید. (۴) ۶۰۶. صحیح البخاری- به نقل از ابن عباس-: روز عرفه، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از عرفات کوچ کردم.

پیامبر صلی الله علیه و آله از پشت سرش سر و صدای بسیاری شنید که بر شتران می‌زدند و سر و صدا

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۳ ح ۴۴.

۲- بقره: آیه ۱۹۸.

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: به مشعر، «جمع» گفته می‌شود، چون حضرت آدم علیه السلام بین نماز مغرب و عشاء جمع کرد. و «ابطح» گفته می‌شود، چون آدم علیه السلام مأمور شد در مسیل مشعر، تا طلوع صبح بماند. سپس مأمور شد که از کوه مشعر بالا رود و چون خورشید بر او تابید، به گناهش اعتراف کند و آدم علیه السلام چنان کرد و این اعتراف سنتی در میان فرزندان او قرار داده شد. سپس آدم علیه السلام قربانی کرد، خداوند آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم علیه السلام را گرفت.

۴- سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۹۰ ح ۱۹۲۰، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۹۳ ح ۹۴۸۴ تقریباً با همان الفاظ، جامع الاصول: ج ۳ ص ۲۴۹ ح ۱۵۳۹.

ص: ۲۳۴

می کردند. با شلفاقی که در دستش بود، به آنان اشاره کرد و فرمود: «ای مردم! آرامش داشته باشید. نیکی، در تند تاختن نیست». (۱)

۶۰۷. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - امام صادق علیه السلام فرمود: «مشرکان، پیش از غروب آفتاب کوچ می کردند؛ ولی پیامبر خدا با آنان، مخالفت کرد و پس از غروب، کوچ کرد».

[سپس] امام صادق علیه السلام فرمود: «خورشید که غروب کرد، با آرامش و وقار، همراه مردم، کوچ کن و از خداوند، آمرزش بخواه، که خداوند می فرماید: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آن گاه از آن جا که مردم کوچ می کنند، کوچ کنید و از خدا آمرزش بخواهید که خدا، آمرزنده و مهربان است).

چون به کثیب الأحمر (۲) در سمت راست جاده رسیدی، بگو: "خدایا! بر موقعم رحمت آور و علمم را افزون کن و دینم را به سلامت بدار و عباداتم را بپذیر. " و مبادا تند بتازی، آن گونه که بسیاری از مردم می کنند، چرا که پیامبر خدا فرموده است: "حج، اسب تاختن و شتر دواندن نیست. از خدا پروا کنید و نیکو سیر کنید، ضعیف و مسلمانی را زیر پا قرار ندهید و در رفتن، میانه‌رو باشید."

پیامبر خدا، ناقه خویش را متوقف می کرد تا آن جا که سرِ ناقه به جلوی کجاوه می خورد و می فرمود: "ای مردم! آرامش داشته باشید، " پس سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باید پیروی شود».

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «خدایا! از آتش، نجاتم ده» و این را تکرار می کرد تا مردم، کوچ می کردند. گفتم: کوچ نمی کنی؟ مردم رفتند.

فرمود: «من، از شلوغی بیم دارم. می ترسم که در آزدن مردم، شریک شوم». (۳)

۱- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۰۱ ح ۱۵۸۷، ریاض الصالحین: ص ۳۱۱.

۲- نام کوهی است که مشرکان برای تماشای لشکر پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه، بالای آن رفته بودند.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۷ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۷ ح ۶۲۳، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۷۹ ح ۴.

ص: ۲۳۵

۶۰۸. امام صادق علیه السلام: هر کس بر مَازِمین (دو تنگه سر راه مَشعر). بگذرد و در دلش تکبر نباشد، خداوند [با نظر رحمت] به او می‌نگرد. پرسیدم: کِبَر چیست؟
فرمود: «مردم را برنجاند و حق را نپذیرد».
و فرمود: «دو فرشته گمارده شده در مَازِمین می‌گویند: "خدایا! به سلامت دار! به سلامت دار»." (۱)

۲. پاداش و قوف در مُزْدَلَفَه

۶۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در مِنا-: اگر اهل مشعر بدانند که در آستانه چه کسی فرود آمده و بر چه کسی وارد شده‌اند، پس از آمرزش خواهی، یکدیگر را به فضل پروردگارشان، مژده می‌دهند. (۲) ۶۱۰. سنن ابن ماجه - به نقل از بلال بن رباح -:
صبحگاه مُزْدَلَفَه، پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: «ای بلال! مردم را ساکت کن، یا بگو گوش دهند».
سپس فرمود: «خداوند، در این مشعرش بر شما نعمت بخشید و گنهکارتان را به خاطر نیکوکارتان بخشود و به نیکوکارتان، هر چه طلبید، بخشید. با نام خدا حرکت کنید. (۳) ۶۱۱. الکافی - به نقل از ابو حمزه ثُمالی -: مردی به امام زین العابدین علیه السلام گفت: جهاد و سختی آن را رها کرده‌ای و به حج و راحتی آن پرداخته‌ای.
امام علیه السلام که تکیه داده بود، نشست و فرمود: «وای بر تو! آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع، به گوشت نرسیده که وقتی در عرفات، و قوف کرد، در آستانه غروب آفتاب، فرمود: «ای بلال! به مردم بگو که گوش فرا دهند. چون به گوش ایستادند، پیامبر خدا

۱- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۱۸۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۵۵ ح ۲۵.

۲- المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۴۵ ح ۱۱۰۲۱ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۷۳ ح ۱۲۱۰۷.

۳- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۰۶ ح ۳۰۲۴، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۳ ح ۱۲۰۶۲.

ص: ۲۳۶

فرمود: «امروز، خدایتان بر شما نعمت ارزانی داشت و نیکو کار شما را بخشود و شفاعت نیکو کارتان را در باره بدکارتان پذیرفت. کوچ کنید که آمرزیده شده‌اید».

در حدیث غیر ابو حمزه، اضافه دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مگر بدهکاران- که خداوند، عادل است و حق ضعیف را از قوی می‌گیرد- و چون شب مشعر شد، پیوسته با پروردگارش مناجات می‌کرد و برای بدهکاران، مسئلت می‌نمود. چون در مشعر وقوف کرد، به بلال فرمود: «به مردم بگو گوش فرا دهند». چون گوش دادند، فرمود:

«پروردگارتان، امروز بر شما نعمت داد، نیکو کارتان را بخشود و شفاعت نیکو کارتان را در باره بدکارتان پذیرفت. کوچ کنید که آمرزیده‌اید». و از پیش خود برای بدهکاران، رضایت را تضمین کرد. (۱)

۳. ادب حضور

۶۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همه جای مُردَلَفَه، موقوف است. از وادی محسّر (۲) بالاتر بروید. (۳) ۶۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس این چهار شب را شب زنده‌داری کند، بهشت برای او واجب است: شب تَزْوِیَه، شب عرفه، شب عید قربان، و شب عید فطر. (۴) ۶۱۴. الکافی- به نقل از محمد بن یزید رفاعی که سند حدیث را به اهل بیت علیهم السلام رسانده است:-
به امیر مؤمنان گفتند: چرا مشعر الحرام، در حرم قرار داده شد؟

فرمود: «چون خداوند به زائران، اجازه ورود داده و آنان را در آستانه در دوم، نگه داشته است. چون ناله و دعایشان طول بکشد، به آنان اجازه می‌دهد که قربانی خود را پیش آورند. و چون آلودگی خود را رها کنند و از گناهایی که میان خدا و آنان حجاب بود، پاک شوند، به آنان اجازه می‌دهد که با پاکی، به زیارت بیایند. (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۷ ح ۲۴، ثواب الأعمال: ص ۷۱ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۶ ح ۱۰۹.

۲- مُحَسَّر، درّه بزرگی میان مُردَلَفَه و مناست و البته به منا نزدیک‌تر است.

۳- الموطأ: ج ۱ ص ۳۸۸ ح ۱۶۶ به نقل از یحیی بن مالک، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۰۲ ح ۳۰۱۲، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۶۵ و هر دو به نقل از جابر بن عبد الله، الطبقات الکبری: ج ۲ ص ۱۷۴ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۷۷ ح ۱۲۱۲۲.

۴- تاریخ دمشق: ج ۴۳ ص ۹۳ ح ۹۱۰۸، الفردوس: ج ۳ ص ۶۲۰ ح ۵۹۳۷ هر دو به نقل از معاذ بن جبل، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۶ ح ۱۲۰۷۶.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۲۴ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۸ ح ۱۵۶۵، کنز الفوائد: ج ۲ ص ۸۱، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۲ ص ۳۷۸.

ص: ۲۳۷

۶۱۵. امام صادق علیه السلام: نماز مغرب را نخوان، تا به مشعر برسی و مغرب و عشا را با یک اذان و دو اقامه، آن جا بخوانی. در دل آن وادی، سمت راست جاده و نزدیک مشعر، فرود آی.

مستحب است برای کسی که نخستین حج اوست، بر مشعر الحرام بایستد و گام بر آن نهد و شب مُزدلفه (۱) از برکه‌ها (۲) نگذرد و بگوید: «خدایا! این جا جمع است. از تو می‌خواهم که خیرهای کامل را برایم جمع کنی. خدایا! مرا از خیری که خواستم در دلم جمع آوری، مأیوس مکن. از تو می‌خواهم آنچه را در این منزلگاه، به اولیاءت آموختی، به من بشناسانی و از همه بدی‌ها نگاهم داری».

و اگر بتوانی آن شب را بیدار بمانی، چنین کن. همانا به ما رسیده است که درهای آسمان، آن شب به روی صداهای مؤمنان، بسته نمی‌شود. برایشان همه‌ای است، همچون همه زنبوران عسل. خداوند عزوجل می‌فرماید، «من، پروردگار شما، بندگان منید. حق مرا ادا کردید و بر من، حق است که دعایان را مستجاب کنم».

آن شب، خداوند، گناهان هر که را بخواهد، می‌آمرزد و هر که را بخواهد، می‌بخشاید. (۳) ۶۱۶. امام صادق علیه السلام: پس از نماز صبح، روز را با وضو آغاز کن. اگر خواستی، نزدیک کوه بایست و اگر خواستی، در محل بیتوته‌ات. چون ایستادی، خداوند را حمد و ثنا بگو و نعمت‌ها و آزمایش‌های او را به قدر توان، یاد کن و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست و از دعاهایت این باشد: «خدایا! ای پروردگار مشعر الحرام! از آتش [دوزخ]، رهایی‌ام ده و روزی حلال مرا وسعت بخش و شرّ فاسقان جنّ و انس را از من، دور کن. خدایا! تو برترین کسی هستی که از تو می‌طلبند و می‌خواهند. برای هر میهمانی تحفه‌ای است. تحفه مرا در این جایگاه، این قرار بده که از خطایم در گذری و پوزشم را بپذیری و

۱- زراره روایت می‌کند که امام باقر علیه السلام از حکم بن عتیبه پرسید: «محدوده مُزدلفه کجاست؟». او ساکت ماند. فرمود: «حدّ مُزدلفه، از بین مَازمین (دو تنگه). تا کوه، تا برکه‌های محسّر است».

۲- برکه‌های آب که در منطقه مشعر، وجود دارد.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۸ ح ۱ به نقل از حلبی.

ص: ۲۳۸

حذر از دنیا را توشه‌ام قرار ده.»

سپس کوچ کن، وقتی که کوه ثبیر (۱) بر تو نمایان شود و شتر، جای پای خود را ببیند (یعنی هوا روشن شده باشد). (۲) ۶۱۷. امام صادق علیه السلام: سنگ‌های جَمَرات را از مشعر بردار. اگر از محلّ وسایلت در مینا هم برداری، تو را کفایت می‌کند. (۳)

د- فرود آمدن در مینا

۱. کوچ از مشعر الحرام

۱. کوچ از مشعر الحرام (۴)

۶۱۸. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون از مُزْدَلِفَه کوچ کرد، آرام می‌رفت و می‌فرمود: «ای مردم! آرام، آرام!» تا آن که بر وادی محسّر ایستاد. (۵) ۶۱۹. مسند ابن حنبل - به نقل از فضل بن عبّاس -: دو بار، شاهد کوچ همراه پیامبر خدا بودم. او کوچ کرد، در حالت وقار و آرامش که زمام شتر خود را گرفته بود [و مهار می‌کرد که تند نرود]. (۶) ۶۲۰. تهذیب الأحکام - به نقل از معاویه بن عمّار -: امام صادق علیه السلام فرمود: «چون کوه ثبیر برای تو آشکار شود و شتر، جای گام خود را ببیند، کوچ کن.» [سپس] امام صادق علیه السلام فرمود: «مردم در جاهلیت می‌گفتند: ثبیر! بتاب، تا غارت کنیم. منظورشان، روشنی آفتاب بود. پیامبر خدا بر خلاف عادت اهل جاهلیت کوچ

۱- ثبیر، اسم کوهی در مُزْدَلِفَه است که در سمت راست عرفه قرار دارد و خورشید از سوی آن می‌تابد.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۹ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹۱ ح ۶۳۵ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۷۷ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹۶ ح ۶۵۱ هر دو به نقل از ربیع، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۵ ح ۲۰.

۴- حاجیان، اندکی پیش از طلوع خورشید از مشعر الحرام راهی می‌شوند تا به انجام دادن واجبات مینا برسند که عبارت است از: رمی جَمَره، قربانی کردن و تقصیر یا حلق.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۲.

۶- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱۸۰۲، المعجم الکبیر: ج ۱۸ ص ۲۷۵ ح ۶۹۷ تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۰۵ ح ۱۲۶۱۵ به نقل از ابن جریر.

ص: ۲۳۹

می‌کرد. آنان، با اسب تاختن و شتر دواندن، کوچ می‌کردند و پیامبر خدا، بر خلاف آنان، با آرامش و وقار، کوچ می‌کرد. پس با یاد خدا و آمرزش خواهی کوچ کن. ذکر خدا را بر زبانت جاری ساز و چون به وادی محسّر رسیدی- که وادی بزرگی بین مشعر و مناست و به مِنا نزدیک تر است-، پس شتابان از آن بگذر؛ زیرا پیامبر خدا، شتر خود را در آن جا شتاباند، در حالی که می‌فرمود: «خدایا! پیمانم را سلامت بدار، توبه‌ام را بپذیر، دعایم را مستجاب کن و بین آنان که پشت سر نهاده و آمده‌ام، جانشین من باش».

(۱) سنن النسائی- به نقل از صفیة دختر شیبیه، از زنی:- پیامبر خدا را دیدم که از وسط مسیل، شتابان می‌گذشت و می‌فرمود: «این وادی را، جز به سرعت، نباید پیمود». (۲)

۲. عِلَّت نام‌گذاری به مِنا

۶۲۲. امام رضا علیه السلام: عِلَّت آن که به مِنا، مِنا گفته شده، این است که جبرئیل علیه السلام، در آن جا به ابراهیم علیه السلام گفت: «هر چه می‌خواهی، از خداوند تمنا کن».

ابراهیم علیه السلام هم در دل خود از خدا خواست که به جای فرزندش اسماعیل علیه السلام، قوچی به عنوان فدیة قرار داده شود و خداوند، دستور دهد که آن را سر ببرد. خداوند هم خواسته او را عطا کرد. (۳)

۳. آداب فرود آمدن در مِنا

قرآن

(فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَدِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي

۱- تهذیب الأحكام: ج ۵ ص ۱۹۲ ح ۶۳۷، مصباح المتهجد: ص ۷۰۰ ح ۷۷۵ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، نیز، ر. ک: سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۹۰ ح ۱۹۲۰.

۲- سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۴۲، مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۶۲ ح ۲۷۳۵۰، السنن الكبرى: ج ۵ ص ۱۶۰ ح ۹۳۶۸، الطبقات الكبرى: ج ۸ ص ۳۱۳ هر دو به نقل از أم ولد شیبیه تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۶۰ ح ۱۲۰۴۵.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۹۱ ح ۱، علل الشرائع: ص ۴۳۵ ح ۲ هر دو به نقل از محمّد بن سنان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۱۹۷ ح ۲۱۲۶ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۲ ح ۴.

ص: ۲۴۰

الدُّنْيَا وَمَا لَهَا فِي الْأَخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ؛ (۱)

و چون آداب ویژه حج خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، یا با یاد کردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم کسی است که می‌گوید: «پروردگارا! به ما، در همین دنیا عطا کن»، حال آن که برای او در آخرت، نصیبی نیست.

حدیث

۶۲۳. مستطرفات السرائر- به نقل از حلبی:- از ایشان (امام صادق علیه السلام). در باره سخن خداوند عزوجل (فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا؛ خدا را یاد کنید، آن گونه که پدرانتان را یاد می‌کنید، یا بیشتر)، پرسیدم.

فرمود: «مشرکان در روزهای تشریق، در منا به نیاکان خود افتخار می‌کردند و می‌گفتند: پدر ما چنین و چنان بود و فضایل آنها را یاد می‌کردند. خداوند فرمود:

(فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا؛ خدا را یاد کنید، همان گونه که پدرانتان را یاد می‌کنید یا بیشتر). (۲) ۶۲۴. امام صادق علیه السلام- در باره سخن خداوند عزوجل: (وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ؛ و خدا را در روزهایی معین، یاد کنید)-: آنها، روزهای تشریق (۳) است. مردم، پیش‌تر در منا پس از قربانی کردن به تفاخر می‌پرداختند. یکی می‌گفت: پدرم چنین و چنان می‌کرد. خدای متعال فرمود: (فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مَنْ عَرَفْتُمْ... فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا؛ چون از عرفات کوچ کردید، خدا را یاد کنید، همچون یاد کردن پدرانتان، یا بیشتر). و تکبیر، آن است که بگویید: «خدا، بزرگ‌تر است؛ خدا، بزرگ‌تر است. معبودی جز خدا نیست و خدا، بزرگ‌تر است؛ خدا، بزرگ‌تر است و ستایش، از آن اوست. خدا، بزرگ‌تر است، بر این که ما را هدایت کرد. خدا، بزرگ‌تر است، بر این که از چارپایان، به ما روزی داد». (۴)

۱- بقره: آیه ۲۰۰.

۲- مستطرفات السرائر: ص ۳۵ ح ۵۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۱۱ ح ۳۲.

۳- روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ماه ذی حجه.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۶ ح ۳ به نقل از منصور بن حازم.

ص: ۲۴۱

۶۲۵. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم: از امام صادق علیه السلام در باره آیه (وَإِذْ كُرُوا لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ؛ و خدا را در روزهای معینی یاد کنید). پرسیدم. فرمود: «مقصود، تکبیر در روزهای تشریق، از نماز ظهر روز قربان تا نماز صبح روز سوم است و در شهرها، تکبیر پس از ده نماز است. اگر پس از نماز اول، کوچ کرد، اهل شهرها از تکبیر گفتن، دست بردارند و هر کس در منا ماند و نماز ظهر و عصر را آن جا خواند، پس تکبیر بگوید». (۱) ۶۲۶. الکافی - به نقل از زراره: به امام باقر علیه السلام گفتم: تکبیر در ایام تشریق، پس از نمازهاست؟

فرمود: «تکبیر در منا، بعد از پانزده نماز است و در شهرهای دیگر، بعد از ده نماز.

اولین تکبیر، پس از نماز ظهر روز عید قربان است که می گوید: "اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ." و برای این جهت، در شهرهای دیگر، پس از ده نماز قرار داده شده که مردم، چون در کوچ اول حرکت کنند، مردم شهرها از تکبیر دست دارند و اهل منا تا وقتی در منا هستند، تا کوچ آخرین گروه، تکبیر بگویند». (۲) ۶۲۷. امام صادق علیه السلام: در مسجد خیف - که مسجد منا و مسجد پیامبر خدا در دوران اوست - نزد مناره‌ای که وسط مسجد است، نماز بخوان و بالای آن به فاصله سی ذراع به سمت قبله و به همین مقدار از سمت راست و چپ و پشت آن آن را بجوی، اگر توانستی که محلّ نماز آن جا باشد، چنان کن؛ چرا که در آن مکان، هزار پیامبر، نماز خوانده‌اند. از این جهت، به آن خیف می گویند که از وادی منا، بلندتر است و هر چه بلندتر باشد، خیف نامیده می شود. (۳)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۶ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۶۹ ح ۹۲۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۶ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۶۹ ح ۹۲۱ و ج ۳ ص ۱۳۹ ح ۳۱۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۰۷ ح ۱۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۹ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۷۴ ح ۹۳۹ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۳۰ ح ۶۹۰.

۴ پاداش و قوف در مِنا**پاداش و قوف در مِنا (۱)**

۶۲۸. امام صادق علیه السلام: هر گاه مردم، در جایگاه خود در مِنا استقرار یافتند، منادی ندا می‌دهد: اگر می‌دانستید در آستان چه کسی فرود آمده‌اید، پس از آمرزش الهی به جایگزینی [مخارجی که کرده‌اید]، یقین پیدا می‌کردید. (۲) ۶۲۹. امام صادق علیه السلام: چون مردم در مِنا، در جای خود قرار گرفتند، از سوی خداوند، منادی ندا می‌دهد: «اگر می‌خواستید من راضی شوم، راضی شدم». (۳) ۶۳۰. امام صادق علیه السلام: وقتی کسی از مِنا کوچ کرد، فرشته‌ای دست خود را بر شانه‌های او می‌گذارد و می‌گوید: «عمل، از سر گیر!». (۴) ۶۳۱. کتاب من لا- یحضره الفقیه: در باره کسی که از مِنا به مکه کوچ می‌کند، روایت شده است که از گناهانش پاک می‌شود، همچون روزی که مادرش او را زاییده است. (۵)

ه- سنگ زدن به جَمَره**۱. حکمت سنگ زدن****ه- سنگ زدن به جَمَره (۶)**

۶۳۲. امام علی علیه السلام: جَمَره‌ها بدین سبب با سنگ زده می‌شوند که چون جبرئیل علیه السلام، محل‌های عبادت را به ابراهیم علیه السلام نشان داد، ابلیس بر او نمایان شد. جبرئیل علیه السلام به ایشان فرمان

۱- واجب است که حاجیان، شب یازدهم و دوازدهم ذی حِجَّه را تا نیمه شب، در مِنا به سر ببرند و برای کسی که روز دوازدهم از مِنا کوچ نکند و هنگام غروب هنوز آن‌جا باشد، واجب است که شب سیزدهم را نیز در مِنا به سر ببرد. البته برای کسانی که این شب‌ها را در مکه، تا به صبح به عبادت پردازند و جز در موارد ضرور، کاری جز عبادت نکنند، ماندن در مِنا واجب نیست. همچنین فردای این شب‌ها- که واجب است در مِنا باشند- واجب است که رمی جمره‌های سه گانه انجام گیرد.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۷ ح ۲۲ و ص ۲۶۳ ح ۴۳ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹ ح ۲۱۷۴ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۰ ح ۱۸۵ به نقل از عبدالحمید تقریباً با همان الفاظ.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۲ ح ۴۲ به نقل از داوود بن ابی یزید، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۰۹ ح ۲۱۷۳ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۳۱ ح ۷.

۴- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۱ ح ۱۸۷ به نقل از وشاء از امام رضا علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۳ ح ۱۳.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۸۰ ح ۳۰۱۹ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام.

۶- رمی جمره، از واجبات حج است و در روز قربانی کردن، تنها رمی جمره عقبه واجب است و در روزهای یازدهم و دوازدهم از ایام تشریق، همه رمی جمره‌های سه گانه، واجب می‌شود (ر. ک: تحریر الوسیله: ج ۱ ص ۴۵۵).

ص: ۲۴۳

داد که او را براند. ایشان هم شیطان را با هفت سنگ، راند. او کنار جَمَره اول، زیر زمین پنهان شد و کنار جَمَره دوم، سر بر آورد. با هفت سنگ دیگر، او را راند. در جای دوم به زیر زمین رفت و از محل جَمَره سوم، آشکار شد. با هفت سنگ، او را زد و او در همان جا به زیر زمین رفت. (۱) ۶۳۳. امام صادق علیه السلام: عَلَتْ رَمَى جَمَرِهَا أَنْ اسْتَكْبَرَ أَنْ مَحَلَّ، شَيْطَانِ بَرِ اِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَمَائِيانِ شَد. جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهٖ اَو دَسْتُورِ دَاد كِه بَا هَفْتِ سَنَكِ رِيْزَه، شَيْطَانِ رَا بَزَنَد و بَا هَر سَنَكِ، تَكْبِيرِ بَكُوِيْد. اَو هَم چنان کرد و سنت، بر این جاری شد. (۲) ۶۳۴. الْمُسْتَدْرَكُ عَلَي الصَّحِيحِيْنَ - بِه نَقْلِ اَز اِبْنِ عَبَّاسٍ -: جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَدِ پِيَامِبِرِ خُدا اَمَد و اَو رَا بُرَد تا عِبَادَتِگَاهِها رَا نَشَانِش دَهَد. كُوه ثَبِيرِ، شَكَاْفَتِه شَد و وَاْرَد مِنا گِشْت و جَمَرِه‌ها رَا نَشَانِش دَاد. سِپَس مَشْعَر و اَن گَاهِ عَرَفَاتِ رَا. شَيْطَانِ، كِنَارِ جَمَرِه بِر پِيَامِبِرِ صَلِي اللهُ عَلَيْهِ و آلِه نَمَائِيانِ شَد. اَيْشَانِ، بَا هَفْتِ سَنَكِ اَو رَا رَانَد، تا اَيْنِ كِه پَنهَانِ شَد و اَز كِنَارِ جَمَرِه دُوم، سَر بَر اَوْرَد. پِيَامِبِرِ صَلِي اللهُ عَلَيْهِ و آلِه بَا هَفْتِ سَنَكِ اَو رَا زَد، تا اَيْنِ كِه نَاپَدِيْد شَد، سِپَس دَر اَخْرِيْنَ جَمَرِه، اَشْكَارِ شَد. هَفْتِ سَنَكِ بَر اَو زَد، تا اَيْنِ كِه پَنهَانِ گِشْت (۳). (۴)

۲. چگونگی سنگ زدن

۲. چگونگی سنگ زدن (۵)

۶۳۵. امام باقر علیه السلام: پيامبر خدا، چون از مُزْدَلَفَه آمد، روز عيد قربان بر جَمَرِه عقبه گذشت و

۱- قرب الإسناد: ص ۱۴۷ ح ۵۳۲ به نقل از ابو البختری از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۹ ح ۱۶.

۲- كنز الفوائد: ج ۲ ص ۸۲، علل الشرائع: ص ۴۳۷ ح ۱ به نقل از علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام تقریباً با همان الفاظ.

۳- این روایت، در صورت صحّت سند، با روایات قبلی معارض نیست؛ زیرا ممکن است این امر برای پیامبر خدا نیز تکرار شده باشد.

۴- الْمُسْتَدْرَكُ عَلَي الصَّحِيحِيْنَ: ج ۱ ص ۶۵۰ ح ۱۷۵۴، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۳۱۶ ح ۲۹۶۷، السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۵۰ ح ۹۶۹۳.

۵- در رَمَى جَمَرِه، نیت خالص، شرط است و این که با هفت سنگ ریزه انجام شود و چیزهای دیگری که تفصیل آنها در کتاب‌های فقهی آمده است. در رَمَى جَمَرِه، شش چیز، مستحب است: داشتن طهارت، دعا کردن هنگام تصمیم بر پرتاب سنگ، رعایت فاصله ده تا پانزده زراعی میان خود و جَمَرِه، انداختن به صورت پرتاب و دعا خواندن برای هر سنگ هنگام پرتاب، و پیاده بودن؛ هر چند که رَمَى سواره هم جایز است. در جَمَرِه عَقْبِه، رو به جَمَرِه و پشت به قبله بودن و در غیر آن، رو به جمرات و رو به قبله بودن، مستحب است.

ص: ۲۴۴

هفت سنگ بر آن زد. سپس به مینا آمد و این از سنت است. (۱) ۶۳۶. صحیح البخاری - به نقل از زُهری -: پیامبر خدا، هر گاه به جمره‌ای که نزدیک مسجد مناست، سنگ می‌زد، با هفت سنگ می‌زد و با هر سنگی، تکبیر می‌گفت. سپس جلو می‌رفت و در مقابل آن، رو به قبله می‌ایستاد و دستانش را بلند می‌کرد و ایستادن را طول می‌داد. سپس نزد جمره دوم می‌آمد و هفت سنگ می‌زد و با هر سنگی که می‌زد.

تکبیر می‌گفت. سپس برمی‌گشت و از سمت چپ به طرف وادی سرازیر می‌شد، در حالی که دستانش را به دعا، بلند می‌کرد. سپس نزد جمره‌ای که نزدیک عقبه است، می‌آمد. آن را هم هفت سنگ می‌زد و با هر سنگی، تکبیر می‌گفت. آن گاه بر می‌گشت و نزد آن نمی‌ماند. (۲) ۶۳۷. امام باقر علیه السلام: نزد جابر بن عبد الله رفتیم. از او خواستم تا از حج پیامبر صلی الله علیه و آله ما را خبر دهد.

گفت: پیامبر خدا، به جمره‌ای که نزدیک درخت است، هفت سنگ می‌زد و با هر سنگی، تکبیر می‌گفت و سنگ‌ها را با انگشت، پرتاب می‌کرد. سنگ را از دل آن وادی می‌زد، آن گاه به قربانگاه بر می‌گشت و قربانی می‌کرد. (۳) ۶۳۸. سنن أبی داوود - به نقل از سلیمان بن عمرو بن احوص، از مادرش -: پیامبر خدا را دیدم که سواره، از دل وادی بر جمرات، سنگ می‌زد و با هر سنگی، تکبیر می‌گفت و مردی از پشت سرش، از او نگرهبانی می‌کرد. پرسیدم: آن مرد کیست؟ گفتند: فضل بن عباس است. مردم ازدحام کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: همدیگر را به کُشتن ندهید. چون سنگ می‌زنید، با نوک انگشتان، پرتاب کنید». (۴)

۱- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۳.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۲۴ ح ۱۶۶۶، سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۷۶، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۹۲ ح ۱۸۴۰ هر دو تقریباً با همان الفاظ، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۵۱ ح ۱۷۵۷.

۳- سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۷۵ به نقل از حاتم بن اسماعیل از امام صادق علیه السلام.

۴- سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۰۰ ح ۱۹۶۶، مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۲۳ ح ۲۷۲۰۲ و ج ۵ ص ۴۴۴ ح ۱۶۰۸۷ هر دو تقریباً با همان الفاظ، السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۱۲ ح ۹۵۵۵.

ص: ۲۴۵

۶۳۹. سنن النسائی - به نقل از ابن عباس - : پیامبر خدا صبح روز [رمی جمره] عقبه، به من فرمود: «بیا سنگ‌ریزه‌های رمی را برایم جمع کن».

پس چون سنگ‌ها را جمع کردم و در دستش قرار دادم، فرمود: «با مثل اینها! از زیاده‌روی در دین پرهیزید. همانا پیشینیان شما به سبب زیاده‌روی در دین، هلاک شدند». (۱) ۶۴۰. الکافی - به نقل از یعقوب بن شعیب - : از امام صادق علیه السلام در باره جمره‌ها پرسیدم. فرمود:

«کنار دو جمره بایست؛ ولی کنار جمره عقبه نایست. پرسیدم: این، از سنت است؟

فرمود: «آری».

گفتم: هنگام پرتاب سنگ، چه بگویم؟

فرمود: «با هر سنگ، تکبیر بگو». (۲) ۶۴۱. امام صادق علیه السلام: هر روز، هنگام ظهر، جمرات را سنگ بزن و آنچه را هنگام رمی جمره عقبه گفتمی، بگو. پس، از جمره اول، آغاز کن و آن را از طرف چپ، در دل وادی، سنگ بزن و آنچه را روز قربانی گفتمی، بگو. سمت چپ جاده، رو به قبله بایست و خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود فرست. سپس، کمی جلو برو، دعا کن و از خدا بخواه که از تو قبول کند. باز هم جلوتر برو، نزد جمره دوم نیز چنین کن، آن گونه که با جمره اولی کردی. بایست و خدا را آن گونه که پیش‌تر خواندی، بخوان. سپس به سوی جمره سوم رفته، با آرامش و وقار، سنگ بزن؛ ولی کنار آن، نمان. (۳) ۶۴۲. الکافی - به نقل از معاویه بن عمار - : امام صادق علیه السلام فرمود: «سنگ‌ریزه‌های جمره را بگیر.

نزد آخرین جمره - که کنار عقبه است - برو و از رو به رو، سنگ بر آن بزن و از بالا-یش مزن. در حالی که سنگ‌ها در دست توست، می‌گویی: "خدایا! اینها سنگ‌ریزه‌های من

۱- سنن النسائی: ج ۵ ص ۲۶۸، سنن ابن ماجه: ج ۳ ص ۱۰۰۸ ح ۳۰۲۹، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۶۲ ح ۱۸۵۱، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۳۷ ح ۱۷۱۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۸۱ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۶۱ ح ۸۸۹.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۸۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۶۱ ح ۸۸۸ هر دو به نقل از معاویه بن عمار.

ص: ۲۴۶

است. آنها را برای من به شمار آور و همراه عملم به سوی خود، بالا ببر."

سپس سنگ‌ها را می‌زنی و با هر سنگ می‌گویی: "اللَّهُ أَكْبَرُ! خدایا! شیطان را از من دور گردان. خدایا! به کتاب تو و سنت و سیره

پیامبرت باور دارم. خدایا! این را حجی پاداش یافته و عملی پذیرفته و تلاشی سپاس یافته و گناهی بخشوده قرار بده."

فاصله میان تو و جَمَره، ده یا پانزده ذراع باشد. وقتی پیش وسایل خود برگشتی و از سنگ زدن باز آمدی، بگو: "خدایا! به تو

اطمینان کردم و بر تو توکل نمودم، که خوب پروردگار و مولا و یآوری هستی."

[آن گاه] فرمود: «مستحب است سنگ‌ها را در حالت طهارت بزند». (۱) ۶۴۳. امام رضا علیه السلام: سنگ‌ریزه‌ها به اندازه بند

انگشت باشد و از سنگ‌های سیاه، سفید و سرخ، برندار. سنگ‌های خال خال بردار و با نوک انگشتان بزن. سنگ را بر انگشت

شست می‌گذاری و با پشت انگشت اشاره، آن را می‌اندازی. جَمَره‌ها را از وسط وادی سنگ بزن و همه آنها را طرف راست خود،

قرار ده. بالای جَمَره را سنگ مزن. کنار جَمَره اول و دوم، بایست، ولی کنار جَمَره عقبه، نه. (۲)

۳. پاداش رَمی

۶۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنگ زدن به جَمَره‌ها، ذخیره روز قیامت است. (۳) ۶۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر

گاه رَمی جَمَرات کردی، برای تو نوری در قیامت خواهد بود. (۴) ۶۴۶. المعجم الکبیر - به نقل از ابن عمر -: مردی در باره رَمی

جَمَرات از پیامبر خدا پرسید که:

چه پاداشی دارد؟

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۷۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹۸ ح ۶۶۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۴۷۸ ح ۷، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۹۷ ح ۶۵۶، قرب الإسناد: ص ۳۵۹ ح ۱۲۸۴ هر دو تقریباً با همان الفاظ

و همگی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۲ ح ۸.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۵.

۴- کنز العمال: ج ۵ ص ۷۸ ح ۱۲۱۳۰ به نقل از بزار از ابن عباس.

ص: ۲۴۷

شنیدم که ایشان می‌فرمود: «آن را نزد پروردگارت، در روزی که بیشترین نیاز را به آن داری، می‌یابی». (۱) ۶۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون روز عرفه شود، خداوند، حاجیان خالص را می‌بخشاید و چون شام مُزْدَلَفَه فرا رسد، خداوند متعال، بازرگانان را می‌آمرزد و روز منا، خداوند، شترداران [و کرایه‌چیان] را می‌آمرزد. چون زمان حضور در جَمْرَه عَقَبَه فرا رسد، خداوند، درخواست کنندگان را می‌بخشاید. از آن انبوه مردم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» گوی، کسی نمی‌ماند، مگر آن که خداوند، او را می‌آمرزد. (۲) ۶۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج گزار، وقتی بر جَمْرَه‌ها سنگ بزند، از گناهانش بیرون می‌آید. (۳) ۶۴۹. امام صادق علیه السلام- در باره رَمی جَمْرَه‌ها-: برای او (حج گزار). در مقابل هر سنگی که می‌زند، گناه کبیره هلاکت باری، محو می‌شود. (۴)

و- قربانی کردن

قرآن

و- قربانی کردن (۵)

(ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعِيرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ (۶)

این [مناسک حج] است. و هر کس شعائر الهی را بزرگ بدارد، همانا از تقوای دل هاست).

۱- المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۳۰۶ ح ۱۳۴۷۹، المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۲۶۳ ح ۴۱۴۷، حلیة الأولیاء: ج ۵ ص ۲۸، کنز العمال: ج ۵ ص ۸۰ ح ۱۲۱۴۰.

۲- الأمالی، طوسی: ص ۳۰۹ ح ۶۲۴ به نقل از ابو هریره، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۶ ح ۷۹ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۶ ح ۵۸؛ تاریخ دمشق: ج ۱۳ ص ۳۱۳ ح ۳۲۸۲، تفسیر القرطبی: ج ۲ ص ۴۲۰ هر دو به نقل از ابو هریره.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۸۰ ح ۷، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۱۸۹ هر دو به نقل از حریر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۷ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۳ ح ۱۴.

۵- از اعمال واجب روز عید قربان در منا، قربانی کردن است و لازم است که قربانی، گاو، شتر و یا گوسفند باشد. سن و سلامت نیز در قربانی لازم است و باید حیوان قربانی، کامل باشد و خیلی بزرگسال و لاغر نباشد. هر کس که توانایی بر قربانی کردن ندارد، باید به جای آن، سه روز روزه در ایام حج و هفت روز روزه پس از برگشت از حج بگیرد.

۶- حج: آیه ۳۲.

ص: ۲۴۸

(وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعِيرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ* لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ؛ (۱)

و شترها را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم. در آنها برای شما، خیر و برکت است. پس نام خدا را [هنگام قربانی کردن] بر آنها ببرید، در حالی که به صف ایستاده‌اند، و چون پهلوهایشان آرام گرفت [و جان دادند]، از گوشت آنها بخورید و به [مستندان] قانع و فقیران بخورانید. این گونه آنها را مسخر شما ساختیم، باشد که شکرگزار شوید. نه گوشت‌ها و نه خون‌های آنها، هرگز به خدا نمی‌رسد. آنچه به او می‌رسد، تقوای شماست.

این گونه خداوند، آنها را مسخر شما ساخته تا او را به خاطر آن که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید، و نیکوکاران را نوید ده.

حدیث

۶۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: قربانی کردن، برای آن واجب شده است که بینویان، از گوشت به وسعت و نوا برسند (از گوشت، سیر شوند). پس به آنان بخورانید. (۲) ۶۵۱. سنن الترمذی - به نقل از ابو بکر - از پیامبر خدا پرسیدند: کدام [عمل] حج، با فضیلت تر است؟

فرمود: «لبیک گفتن و خون قربانی را ریختن». (۳) ۶۵۲. امام علی علیه السلام: شنیدم پیامبر خدا، روز عید قربان، خطبه می‌خواند و می‌فرمود: امروز، روز نَجِّ و عَجِّ است. نَج، خون قربانی‌هایی است که می‌ریزید. پس نیت هر کس

۱- حج: ۳۶، ۳۷. نیز، ر. ک: حج: آیه ۲۸.

۲- علل الشرائع: ص ۴۳۷ ح ۱ به نقل از إسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدراناش علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۹۶ ح ۱۵.

۳- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۱۸۹ ح ۸۲۷ و ج ۵ ص ۲۲۵ ح ۲۹۹۸، السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۴۰ ح ۸۶۳۷ هر دو تقریباً با همان الفاظ، المعجم الاوسط: ج ۵ ص ۱۹۰ ح ۵۰۴۱ و در سه منبع اخیر به نقل از ابن عمر، مسند البزار: ج ۱ ص ۱۴۴ ح ۷۲، کترة العمال: ج ۵ ص ۱۴۶ ح ۱۲۴۰۶.

ص: ۲۴۹

صادق باشد، اولین قطره خونِ قربانی او، کفّاره همه گناهان اوست و عَجّ، دعاست.

پس به درگاه خداوند، دعا کنید. سوگند به آن که جان محمّد صلی الله علیه و آله در دست اوست، از این جا هیچ کس بر نمی‌گردد، مگر این که آمرزیده شود، جز کسی که گناه کبیره انجام داده و بر آن، اصرار ورزد و در دل خود، تصمیم بر ترک آن نداشته باشد. (۱) ۶۵۳. المحاسن - به نقل از بشیر بن زید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، به فاطمه علیها السلام فرمود: «در صحنه ذبح قربانیات حاضر باش. همانا با اولین قطره خون آن، خداوند، همه گناهان تو را می‌آمرزد و از خطاهایت در می‌گذرد». بعضی از مسلمانان پرسیدند: ای پیامبر خدا! آیا این، مخصوص خاندان توست، یا برای همه مسلمانان است؟

فرمود: «خداوند، به من وعده داده که هیچ یک از عترت [و خاندان] مرا آتش نچشاند. این، برای همه مردم است». (۲) ۶۵۴. امام صادق علیه السلام: وقتی قربانی خود را خریدی، آن را رو به قبله کرده، قربانی کن و بگو:

«رویم را به سوی آفریدگار آسمان‌ها و زمین نموده‌ام. پیرو [آیین] حنیفم و از مشرکان نیستم. نمازم و عبادتم و زندگی‌ام و مرگم برای پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد. به این، فرمان یافته‌ام و از مسلمانانم. خدایا! از تو و برای تو. به نام خدا، اللَّهُ أَكْبَر. خدایا! از من، قبول کن».

آن گاه، کارد بر گلویش بکش و تا جان نداده، سر را از بدنش جدا مکن. (۳) ۶۵۵. الکافی - به نقل از ابو خدیجه: امام صادق علیه السلام را در حالی دیدم که دست چپ شترِ قربانی خود را برای نحر کردن، بسته و خود، سمت راست آن ایستاده بود و می‌گفت: «بسم

۱- النوادر، راوندی: ص ۱۹۸ ح ۳۶۹، الجعفریات: ص ۴۶ هر دو به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۸۴ و ج ۲ ص ۱۸۱ به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۰۱ ح ۳۹.

۲- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۲ ح ۱۹۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۸۸ ح ۵۹.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۴۹۸ ح ۶، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲۱ ح ۷۴۶ هر دو به نقل از صفوان و ابن ابی عمیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۰۳ ح ۳۰۸۴ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۹ ح ۹. نیز، ر. ک: سنن أبی داوود: ج ۳ ص ۹۵ ح ۲۷۹۵ و سنن الترمذی: ج ۴ ص ۱۰۰ ح ۱۵۲۱.

ص: ۲۵۰

اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ. خدایا! این [قربانی] از تو و برای توست. خدایا! از من، قبول کن».

آن گاه، کارد را زیر گلوی شتر فرو بُرد. سپس آن را با دست خود بیرون آورد.

چون شتر بر زمین افتاد، با دست خویش، از محلّ ذبح، سر را قطع کرد. (۱) ۶۵۶. امام زین العابدین علیه السلام: حقّ قربانی، آن است که نیت آن را برای خدا خالص سازی و خود را در معرض رحمت و قبول الهی قرار دهی و در پی نگاه بینندگان نباشی. اگر چنین بودی، خود را بیهوده به رنج نیفکنده‌ای و ظاهرسازی نکرده‌ای و مقصودت خدا بوده است. (۲) ۶۵۷. امام صادق علیه السلام: سزاوار است کسی که قربانی مستحب می‌کند، یا حج گزاری که قربانی‌اش را ذبح می‌کند، از آن بخورد و صدقه دهد و این، اندازه خاصی ندارد. هر مقدار که بخواهد، می‌خورد و اطعام می‌دهد و هدیه و صدقه می‌دهد. خداوند عزوجل فرموده است: (فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا النَّبَالَ سَ الْفَقِيرِ؛ (۳)

از آن بخورید و به گرفتار فقیر، بخورانید). و فرموده است: (فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ؛ (۴)

از آن بخورید و به محرومان قانع و نیازمندان، بخورانید). (۵)

ز- تراشیدن سر

قرآن

ز- تراشیدن سر (۶)

(لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسِكُمْ

۱- الکافی: ج ۴ ص ۴۹۸ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۲۱ ح ۷۴۵، بحار الأنوار: ج ۶۵ ص ۳۰۱.

۲- تحف العقول: ص ۲۵۹ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۱۳ ح ۲.

۳- حج: آیه ۲۸.

۴- حج: آیه ۳۶.

۵- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۲۸، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۸۳ ح ۳۳.

۶- پس از ذبح، حلق یا تقصیر واجب است و انتخاب هر یک از این دو، اختیاری است، مگر برای گروهی از افراد: اول، زنان که بر آنها تقصیر واجب است، نه حلق، و اگر حلق هم بکنند، مجزی نیست. دوم، صیروره، یعنی کسی که اولین بار حج انجام می‌دهد، و بنا بر احتیاط، باید حتماً حلق کند. در تقصیر، کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن، کافی است، و برای مُحْرَم، هر چه با احرام حرام

شده، با حلق یا تقصیر حلال می‌شود، جز زن و بوی خوش.

ص: ۲۵۱

وَمُقَصِّرِينَ لَاتَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا؛ (۱)

خداوند، در عالم خواب، به پیامبرش، جز حق [و راستی] نشان نداد. حتماً همه شما، به خواست خدا، وارد مسجد الحرام می‌شوید، در نهایت امنیت، در حالی که سرهایتان را تراشیده، یا کوتاه کرده‌اید و ترسی ندارید. خداوند، چیزهایی می‌دانست که شما نمی‌دانستید و پیش از آن، پیروزی نزدیکی قرار داده بود).

حدیث

۶۵۸. صحیح البخاری - به نقل از ابن عمر - : پیامبر خدا فرمود: «خدایا! بر سرتراشیدگان، رحم کن».

گفتند: ای پیامبر خدا! کوتاه کنندگان موی سر [، چه]؟ فرمود: خدایا! بر سرتراشیدگان، رحم کن».

گفتند: ای پیامبر خدا! کوتاه کنندگان موی سر [، چه]؟ فرمود: و [رحمت خدا] بر کوتاه کنندگان موی سر!». (۲) ۶۵۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، برای سرتراشیدگان، سه بار از خداوند، آمرزش طلبید. (۳) ۶۶۰. تهذیب الأحکام - به نقل از معاویه بن عمّار - : امام باقر علیه السلام به سلمانی دستور داد تیغ را بر سمت راست سرش بگذارد. سپس فرمان داد که بتراشد و خود، «بسم الله» گفت و دعا کرد: «خدایا! در عوض هر تار مو، در روز قیامت، نوری به من عطا کن». (۴) ۶۶۱. امام صادق علیه السلام: همانا بنده مؤمن ... چون سرش را بتراشد، موی او نمی‌ریزد، مگر آن که

۱- فتح: آیه ۲۷.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۱۶ ح ۱۶۴۰، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۴۵ ح ۳۱۷، سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۲۰۲ ح ۱۹۷۹، کنز العمال: ج ۵ ص ۸۲ ح ۱۲۱۴۸؛ تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴۳ ح ۸۲۲ به نقل از حریر از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۰ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۰۲ ح ۴۶.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴۳ ح ۸۲۳ به نقل از حلبی، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۹؛ مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۱۷۸ ح ۱۱۸۴۷ به نقل از ابو سعید خدری.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴۴ ح ۸۲۶.

ص: ۲۵۲

خداوند، در عوض آن، نوری در قیامت برای او قرار می‌دهد. (۱) ۶۶۲. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از سلیمان بن مهران-: به امام صادق علیه السلام گفتم: چگونه شد که سز تراشیدن بر آن که حجّ اولّ اوست، واجب گشت؛ ولی برای آن که قبلاً حج کرده است، نه؟

فرمود: «تا بدین وسیله، به نشان ایمنان، نشاندار گردد. آیا سخن خداوند را نشنیده‌ای که می‌فرماید: (لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَاتَخَافُونَ؛ اگر خدا بخواهد، ایمن، وارد مسجد الحرام می‌شوید، سز تراشیده و موئی کوتاه کرده، در حالی که بیمی ندارید)؟». (۲) ۶۶۳. امام صادق علیه السلام: وقتی مؤمن، در منا سر خود را بترشد و آن را دفن کند، روز قیامت به محشر می‌آید، در حالی که هر تار مویش، زبانی گویا دارد که به نام صاحبش «لَبِیک» می‌گوید. (۳) ۶۶۴. امام صادق علیه السلام- در باره سخن خداوند عزوجل: (ثُمَّ لَيَقْضُوا تَفْتَهُمْ؛ سپس باید آلودگی خود را بزدایند): «تَفَتْ»، همان سز تراشیدن و زدودن چیزی است که بر پوست انسان است. (۴)

ح- طواف زیارت

۶۶۵. امام صادق علیه السلام: سپس سرت را بتراش و غسل کن و ناخن‌هایت را بگیر و از شارب خود، بچین و کعبه را زیارت کن و هفت بار، طواف کن. چنان انجام می‌دهی که در روز ورود به مکه انجام دادی. (۵)

۱- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۰۰ ح ۲۸۴ به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۵ ح ۲۲۰۰ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۸ ح ۲۲۹۲، علل الشرائع: ص ۴۵۰ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۰۳ ح ۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۰۲ ح ۱ به نقل از ابو شبل، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۱۴ ح ۲۱۹۸، المقنع: ص ۲۷۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۸۵ ح ۳۰۳۳ به نقل از عبد الله بن سنان، الکافی: ج ۴ ص ۵۰۳ ح ۸ به نقل از ابو الصباح کنانی، معانی الأخبار: ص ۳۳۹ ح ۷ به نقل از حلبی و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۱۷ ح ۱۳.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۰ ح ۸۴۸ به نقل از عمر بن یزید.

ص: ۲۵۳

۶۶۶. الکافی- به نقل از حسین بن ابی العلاء-: از امام صادق علیه السلام در باره غسل، آن گاه که [حج گزار] از مینا می‌آید و کعبه را زیارت می‌کند، پرسیدم. فرمود: «من برای بازگشت از مینا غسل می‌کنم. سپس به زیارت کعبه می‌روم». (۱) ۶۶۷. امام صادق علیه السلام: سزاوار است کسی که حج تمتع به جا می‌آورد، روز عید قربان، یا شام آن روز، خانه خدا را زیارت کند و آن را به تأخیر نیندازد. (۲) ۶۶۸. امام صادق علیه السلام: اشکالی ندارد که زیارت کعبه تا روز حرکت، به تأخیر افتد. تنها از بیم پیشامدها و حوادث، مستحب است که آن را زود، انجام دهند. (۳) ۶۶۹. امام صادق علیه السلام- هنگام زیارت کعبه در روز عید قربان-: کعبه را زیارت کن و اگر ازدحام بود، اشکالی ندارد که فردا به زیارت آن بیایی؛ ولی از امروز، آن را به تأخیر مینداز که برای آن که حج تمتع می‌گزارد، مکروه است، گر چه برای آن که حج افراد می‌گزارد، وقتش فراخ است. پس چون روز عید قربان، به مسجد الحرام آمدی و بر در مسجد ایستادی، بگو: «خدایا! بر انجام دادن عبادت‌هایت یاری‌ام ده. مرا برای آن و آن را برای من، سالم بدار. از تو خواستارم، همچون ناتوان خوار معترف به گناه، که گناهانم را بیامری و حاجتم را بر آوری. خدایا! من، بنده توام. شهر، شهر توست و خانه، خانه تو. آمده‌ام، رحمت را می‌طلبم و در پی فرمان‌برداری توام، پیرو فرمانت و راضی به تقدیرت. از تو همچون خواستن پریشان و فرمانبر و بیمناک از عذاب و کیفیت، می‌خواهم که مرا به عفو خویش برسانی و با رحمت خود، از دوزخ، پناهم دهی».

سپس نزد حجر الأسود رفته، آن را لمس کن و ببوس. اگر نتوانستی، دست بر آن بکش و دستت را ببوس. اگر نتوانستی، رو به آن بایست و تکبیر بگو و مثل آن هنگام که روز ورود به مکه در طواف گفتی، بگو. سپس هفت بار دور کعبه طواف کن، مثل

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۸۴۹.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۴۹ ح ۸۴۳ هر دو به نقل از حلبی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۵۱.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۰ ح ۸۴۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۸۸ ح ۲۷۸۲ هر دو به نقل از عبد الله بن سنان.

ص: ۲۵۴

آنچه روز آمدن به مکه برایت وصف کردم. آن گاه، دو رکعت نماز کنار مقام ابراهیم علیه السلام بگزار، (بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ). و (قُلِّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ).

سپس برگرد و حجر الأسود را ببوس، اگر می‌توانی، و رو به آن بایست و تکبیر بگو. سپس به طرف صفا رفته، بالای آن برو، مثل روز ورودت به مکه. آن گاه بر فراز مروه برو و هفت بار بین صفا و مروه، طواف کن؛ شروع از صفا و ختم به مروه. (۱) ر. ک: ص ۵۵ (آداب ورود به مسجد الحرام).

ط - سعی

۶۷۰. امام صادق علیه السلام: بر آن که عمره حج تمتع انجام می‌دهد، سه طواف بر گرد کعبه و دو سعی میان صفا و مروه، واجب است. و بر اوست که چون وارد مکه شد، کعبه را طواف کند و دو رکعت نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و بین صفا و مروه، سعی کند و تقصیر نماید.

در این صورت، از احرام در آمده است. این برای عمره. اما برای حج، بر عهده او دو طواف است و یک سعی میان صفا و مروه، و با هر طوافی بر گرد کعبه، دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام می‌خواند. (۲) ر. ک: ص ۲۵۴ (واجبات حج / واجبات حج تمتع / سعی)، و سائل الشیعة: ج ۱۱ / أبواب أقسام الحج / باب کیفیت أنواع الحج.

ی - طواف نساء

قرآن

ی - طواف نساء (۳)

(ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ (۴)

سپس آلودگی‌هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود، وفا کنند و بر گرد خانه آزاد، طواف کنند).

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۸۵۳ هر دو به نقل از معاویه بن عمار.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۹۵ ح ۱ به نقل از معاویه بن عمار و ح ۲ به نقل از ابو بصیر، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۱ ح ۱۲۲ به نقل از معاویه بن عمار و هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۳- طواف نساء و طواف زیارت، از واجبات حج است و چگونگی آن دو و نمازشان، مثل سایر طواف‌هاست. با به جا آوردن آن دو، می‌توان از احرام خارج شد، برای این که پس از حلق یا تقصیر، برای مُحرم، هر چه که با احرام حرام شده، حلال می‌شود، جز بوی خوش و زن. پس از انجام دادن طواف حج زیارت و نماز آن، و سعی، بوی خوش هم حلال می‌شود و پس از به جا آوردن طواف نساء و نمازش، زن هم حلال می‌گردد.

۴- حج: آیه ۲۹.

ص: ۲۵۵

حدیث

۶۷۱. امام رضا علیه السلام- در باره سخن خداوند عزّ وجلّ: (وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ و باید بر گرد خانه کعبه طواف کنند)-: مقصود طواف واجب، طواف نساء است. (۱) ۶۷۲. امام صادق علیه السلام- در ذکر واجبات حج-: طواف نساء، واجب است. (۲) ۶۷۳. امام صادق علیه السلام... چون چنین کردی (طواف زیارت)، از هر چیزی که بر تو حرام بوده، بیرون آمده‌ای، مگر زنان. سپس به کعبه برگرد و هفت دور دیگر، آن را طواف کن.

سپس دو رکعت نماز، کنار مقام ابراهیم علیه السلام بخوان. آن گاه از هر چیز [حرام] بیرون آمده‌ای و از همه حجّ خود و هر چه که بر تو حرام شده بود، فارغ شده‌ای. (۳) ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۱۹۱، ۲۹۵، ۲۹۶، ۴۲۵، ۴۵۷، ۵۱۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۲۸، ۱۳۸، ۲۵۳، ۳۲۲، ۴۳۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۴، ۳۸۹، ۳۹۹، وسائل الشیعه: ج ۱۳ ص ۱۲۳/الباب ۱۰ و ص ۱۳۸/الباب ۱۸ و ص ۲۹۸/الباب ۲ و ص ۴۰۵/الباب ۵۸ و ج ۱۴ ص ۲۳۲/الباب ۱۳ و ص ۲۴۲/الباب ۱۹.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۳ ح ۸۵۴ و ص ۲۸۵ ح ۹۷۱ همگی به نقل از احمد بن محمد.

۲- الخصال: ص ۶۰۶ ح ۹ به نقل از اعمش.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۸۵۳ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۱۹ ح ۲۲.

ص: ۲۵۷

فصل چهارم: آداب حج

آنچه پیش از فرا رسیدن حج، شایسته است

الف - آمادگی

قرآن

۱/۴

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ؛ (۱))

حج، در ماه‌های معینی است.

پس هر کس در این [ماه] ها، حج را [بر خود] واجب گرداند، [بداند که] در اثنای حج، هم‌بستری و گناه و جدال [روا] نیست، و هر کار نیکی انجام می‌دهید، خدا آن را می‌داند. و برای خود، توشه برگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است. و ای خردمندان! از من، پروا کنید).

حدیث

۶۷۴. امام علی علیه السلام: هر گاه خواستید به حج بروید، ابتدا برخی از آنچه شما را در سفر، تقویت می‌کند، خریداری کنید؛ چرا که خداوند عزوجل می‌فرماید: (وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ وَغَدَّةً؛ (۲))

اگر تصمیم بیرون رفتن داشتند، برای آن، امکانات فراهم

۱- بقره: آیه ۱۹۷.

۲- توبه: آیه ۴۶.

ص: ۲۵۸

می کردند). (۱). (۲) ۶۷۵. امام صادق علیه السلام- به عیسی بن ابی منصور- ای عیسی! دوست دارم که خداوند عز و جل تو را در فاصله بین دو حج، در حال آماده شدن برای حج ببیند. (۳) ۶۷۶. امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما از سودی که می‌برد، چیزی بردارد و کنار بگذارد و بگوید: «این برای حج»، باز اگر سودی ببرد، مقداری کنار بگذارد و بگوید: «این برای حج» و موسم حج که فرا برسد، نزد او خرجی سفر فراهم باشد، خدا هم برای او حج را مقدر می‌کند و او به حج می‌رود. ولی برخی از شما، سودی که به دست آورده است، خرج می‌کند و هنگام حج که می‌رسد، می‌خواهد هزینه سفر را از سرمایه‌اش بردارد، در نتیجه، برایش دشوار می‌آید. (۴) ۶۷۷. امام صادق علیه السلام: کسی که تصمیم به رفتن حج دارد و برای آن آماده شده، ولی محروم می‌شود، به خاطر گناهی از حج، محروم شده است. (۵)

ب- اخلاص

۶۷۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم خواهد آمد که حج زمامداران، تفریح است، حج ثروتمندان، تجارت است و حج فقیران، نیازخواهی است. (۶)

۱- ابن عباس گفته که یمنی‌ها حج می‌گزاردند؛ اما هزینه زندگی‌شان را فراهم نمی‌کردند و می‌گفتند: ما اهل توکل هستیم. و هر وقت وارد مکه می‌شدند، از مردم درخواست کمک می‌کردند که خداوند، این آیه را فرستاد: «و برای خود، توشه برگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است» (صحیح البخاری: ج ۲ ص ۵۵۴ ح ۱۴۵۱).

۲- الخصال: ص ۶۱۷ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، تحف العقول: ص ۱۰۷ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۹۶ ح ۱.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۱ ح ۱ به نقل از عیسی بن ابی منصور، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۰۶ ح ۱۴۵۰۰.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۰ ح ۱ به نقل از إسحاق بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۰۱ ح ۱۴۴۸۱.

۵- المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۸ ح ۲۱۰، عوالی اللالی: ج ۴ ص ۲۷ ح ۸۵ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹ ص ۹۹ ح ۲۵.

۶- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۶۲ ح ۱۶۱۳ به نقل از عبد الله بن حماد انصاری از امام صادق علیه السلام، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۴۱ ح ۱۴۲۴۴.

ص: ۲۵۹

۶۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم خواهد آمد که ثروتمندان اَمّت من، برای تفریح، میانه‌هاشان برای داد و ستد، قاریانشان برای ریا و خودنمایی، و فقیرانشان برای نیازخواهی به حج می‌روند. (۱) ۶۸۰. سنن ابن ماجه- به نقل از انس بن مالک-: پیامبر صلی الله علیه و آله، با وسایلی کهنه و قطیفه‌ای که چهار درهم می‌ارزید یا به آن هم نمی‌ارزید، حج انجام داد. سپس فرمود: «خدایا! حجّی است که در آن، ریا و خودنمایی نیست». (۲) ۶۸۱. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا، بار و وسایل خود را بر روی مرکب نهاد و فرمود: «این، حجّی است که در آن، ریا و خودنمایی نیست». (۳) ۶۸۲. امام صادق علیه السلام: حج، دو گونه است: حجّی برای خداست و حجّی برای مردم. پس کسی که برای خدا حج بگذارد، خداوند، پاداش او را بهشت قرار می‌دهد، و کسی که برای مردم حج کند، در قیامت، پاداش او بر عهده مردم است. (۴)

ج- شتاب

۶۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می‌خواهد به حج برود، پس بشتابد. (۵) ۶۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می‌خواهد به حج برود، پس بشتابد؛ چون شاید بیمار شود، راه را

۱- تاریخ بغداد: ج ۱۰ ص ۲۹۶ ش ۵۴۳۳، الفردوس: ج ۵ ص ۴۴۴ ح ۸۶۸۹ هر دو به نقل از انس؛ تفسیر القمی: ج ۲ ص ۳۰۶ به نقل از عبد الله بن عباس تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۶ ص ۳۰۸ ح ۶. نیز، ر. ک: عوالی اللآلی: ج ۴ ص ۲۹ ح ۹۷.

۲- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۵ ح ۲۸۹۰، المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج ۴ ص ۵۴۷ ح ۶، المعجم الأوسط: ج ۲ ص ۹۹ ح ۱۳۷۸ به نقل از ابن عباس و هر دو تقریباً با همان الفاظ، الترغیب والترهیب: ج ۲ ص ۱۸۳ ح ۱ به نقل از ترمذی در الشمائل.

۳- المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۰ ح ۲۵۹ به نقل از إسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام، روضه الواعظین: ص ۳۹۵ به نقل از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۰ ح ۶.

۴- ثواب الأعمال: ص ۷۴ ح ۱۶ به نقل از هارون بن خارجه، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴ ح ۱۰۳.

۵- سنن ابی داوود: ج ۲ ص ۱۴۱ ح ۱۷۳۲، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۸۳ ح ۱۹۷۳، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۱۷ ح ۱۶۴۵، السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۵۵ ح ۸۶۹۴ همگی به نقل از ابن عباس، کتر العمال: ج ۵ ص ۲۴ ح ۱۱۸۸۶؛ عوالی اللآلی: ج ۱ ص ۱۸۰ ح ۲۳۶.

ص: ۲۶۰

گم کند و یا کاری پیش آید. (۱) ۶۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای مکه رفتن، شتاب کنید؛ زیرا کسی نمی‌داند چه برایش پیش می‌آید:
بیماری و یا کاری. (۲)

د- یاد گرفتن مناسک حج

قرآن

(رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ (۳))
پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمان‌بردار خود [پدید آور] و آداب دینی ما را به ما نشان ده؛ و بر ما ببخشای، که تویی توبه‌پذیر مهربان).

حدیث

۶۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مناسک خود را بیاموزید، که جزو دین شماست. (۴) ۶۸۷. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از زراره-: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! چهل سال است که در باره حج از تو می‌پرسم و به من، فتوا می‌دهی! فرمود: «ای زراره! خانه‌ای که از دو هزار سال پیش از آدم علیه السلام، حج [و زیارت] می‌شده، می‌خواهی مسائل آن، در چهل سال تمام شود؟». (۵) ۶۸۸. المستدرک علی الصحیحین- به نقل از ابن عمر-: پیامبر خدا، یک روز قبل از تزویج برای مردم سخن می‌گفت و آنان را از مناسکشان، خبر می‌داد. (۶)

۱- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۲ ح ۲۸۸۳، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۱۸۳۴ و ص ۷۶۰ ح ۳۳۴۰، المعجم الکبیر: ج ۱۸ ص ۲۹۶ ح ۷۶۰ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از فضل بن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۴ ح ۱۱۸۸۷؛ عوالی اللالی: ج ۱ ص ۸۶ ح ۱۷ به نقل از ابن عباس.

۲- السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۵۵ ح ۸۶۹۵، حلیة الأولیاء: ج ۷ ص ۱۱۴، الفردوس: ج ۲ ص ۵۶ ح ۲۳۲۲ همگی به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۶ ح ۱۱۸۵۱.

۳- بقره: آیه ۱۲۸.

۴- مسند الشامیین: ج ۳ ص ۲۶۸ ح ۲۲۳۱، تاریخ دمشق: ج ۲۶ ص ۲۱۱ ح ۳۰۷۳، الفردوس: ج ۲ ص ۴۳ ح ۲۲۴۶ همگی به نقل از ابو سعید خدری، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۳ ح ۱۱۸۸۲.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۱۹ ح ۳۱۱۱.

۶- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۳۲ ح ۱۶۹۳، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۲۴۵ ح ۲۷۹۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۱۸۰ ح ۹۴۳۶، کنز العمال: ج ۷ ص ۹۱ ح ۱۸۱۱۱.

ص: ۲۶۱

۶۸۹. أخبار مکه، فاکهی: محمّد بن ابراهیم تیمی، از مردی از قبیله خود به نام مُعَاذ بن عثمان یا عثمان بن مُعَاذ، از اصحاب پیامبر خدا نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در منّا، مناسک مردم را به آنان می‌آموخت.

گفت: خداوند متعال، گوش‌های ما را گشود و شنوا کرد، تا آن جا که کنار وسایل خودمان بودیم و سخن او را می‌شنیدیم. گفت: مهاجران، در درّه مهاجران، فرود آمدند و انصار، در درّه انصار و مردم، در جاهای خودشان و به مردم، مناسکشان را آموخت و فرمود: «رَمَى جَمْرَه كُنَيْد، مثل ریگ انداختن با انگشت». (۱) ۶۹۰. إرشاد القلوب- به نقل از حُيْدَيْفَه-: پیامبر خدا، به مؤذنان دستور داد که در میان مردم منطقه پایین و بالا اعلام کردند: آگاه باشید! پیامبر خدا، امسال، آهنگ حج دارد، تا به مردم، حج آنان را تفهیم کند و مناسکشان را به آنان بیاموزد، تا برای همیشه برایشان، سنت باشد. پس هیچ کس از آنان که مسلمان شده بودند، باقی نماند، مگر آن که در سال دهم [هجری] با پیامبر خدا حج گزارند، تا شاهد منافعشان باشند و پیامبر صلی الله علیه و آله حجشان را به آنان بیاموزد و مناسکشان را به آنان، بشناساند.

و پیامبر خدا، مردم را بیرون آورد- و همسران خود را نیز با خود آورد- و آن، حَجَّه الْوِدَاع (واپسین حج). بود. پس چون حجشان پایان یافت و مناسک خود را به پایان بردند و مردم، همه آنچه را بدان نیازمند بودند، شناختند، ایشان، به آنان اعلام کرد که آیین ابراهیم علیه السلام را برایشان بر پا داشته و همه آنچه را مشرکان پس از او پدید آورده بودند، از آنان زدوده و حج را به حالت نخستین آن، باز گردانده است. (۲) ۶۹۱. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله از این رو در صحرا (بیدا). (۳) «لَيْبِك» گفت. چون مردم، لیبیک

۱- أخبار مکه، فاکهی: ج ۴ ص ۲۶۴ ح ۲۵۹۰، أخبار مکه، ازرقی: ج ۲ ص ۱۷۳ به نقل از محمّد بن حارث تیمی تقریباً با همان الفاظ.

۲- إرشاد القلوب: ص ۳۲۸، بحار الأنوار: ج ۲۸ ص ۹۵ ح ۳.

۳- بیدا، هم به معنای سرزمین خشک و خالی است، هم نام سرزمینی بین مکه و مدینه، در یک میلی ذو الحلیفه است.

ص: ۲۶۲

گفتن را نمی‌دانستند، دوست داشت که چگونگی لئیک گویی را به آنان بیاموزد. (۱) ۶۹۲. امام صادق علیه السلام: شیعه، پیش از امام باقر علیه السلام مناسک حج و حلال و حرامشان را نمی‌دانستند، تا آن که امام باقر علیه السلام آمد و [در دانش را] به رویشان گشود و مناسک حج و حلال و حرامشان را برای آنان، بیان کرد. (۲) ۶۹۳. کتاب من لا- یحضره الفقیه: از ابو حنیفه، نعمان بن ثابت، نقل شده که گفت: اگر جعفر بن محمد علیهما السلام نبود، مردم، مناسک حج خود را نمی‌دانستند. (۳) ۶۹۴. امام صادق علیه السلام: در عرفات می‌گویی: «خدایا! من، بنده و غلام توام. موهای جلو سر (اختیار). من، در دست توست و اجل من، وابسته به علم توست. از تو می‌خواهم مرا به آنچه تو را از من خشنود می‌سازد، توفیق دهی و مناسک مرا، آن چنان که به دوستت ابراهیم علیه السلام نشان دادی و محبوبت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن، ره نمودی، از من بپذیری. (۴) ۶۹۵. امام صادق علیه السلام: چون زمانی رسید که خدا می‌خواست توبه آدم علیه السلام را بپذیرد، جبرئیل علیه السلام را نزد او فرستاد. جبرئیل علیه السلام گفت: «سلام بر تو- ای آدم- که بر آزمون و گرفتاری خود، شکیبایی کردی و از خطای خود، توبه کردی! خداوند، مرا به سوی تو فرستاده است تا اعمال و عباداتی را که خدا می‌خواهد به سبب آنها توبه تو را بپذیرد، به تو بیاموزم».

پس جبرئیل علیه السلام دست آدم علیه السلام را گرفت و او را به محلّ کعبه آورد. ابری از آسمان، فرود آمد و بر جای کعبه، سایه انداخت. جبرئیل علیه السلام گفت: «با پایت آن جا را که ابر، بر آن سایه افکنده، علامت بگذار، که آن، قبله تو و آخرین فرد از فرزندانِ توست».

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۴ ح ۱۲ به نقل از عبد الله بن سنان.

۲- الکافی: ج ۲ ص ۲۰ ح ۶، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۲۵۲ ح ۱۷۵ هر دو به نقل از عیسی بن سری ابو الیسع، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۳۳۷ ح ۱۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۱۹ ذیل حدیث ۳۱۱۲.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۴۶۴ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۱۸۳ ح ۶۱۱ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار، المقنعه: ص ۴۱۱، الاقبال: ج ۲ ص ۱۱۱، مصباح المتهدد: ص ۶۸۸ ح ۷۶۹ در سه منبع اخیر بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۳۴ ح ۴.

ص: ۲۶۳

آدم علیه السلام با پای خود، آن جا را که ابر بر آن سایه افکنده بود، علامت گذاشت.

سپس او را به مینا بُرد و مسجد مینا را نشان داد. پس با پایش علامت گذاشت و نقشه مسجد الحرام را [کشید و] امتداد داد، پس از آن که جای کعبه را علامت گذاری کرد. سپس او را از مینا به عرفات برد و او را بر مکان اعتراف (عرفات)، اقامت داد و گفت: «چون خورشید غروب کرد، هفت بار به گناه خود، اقرار کن و هفت بار از خدا آمرزش و توبه بخواه».

آدم علیه السلام چنان کرد و از این رو، آن جا به «مَعْرَف»، نام نهاده شد، چون آن جا آدم به گناه خود، اقرار کرد و برای فرزندان او سُنّت شد که به گناهانشان اعتراف کنند، آن گونه که آدم اعتراف کرد و توبه بطلبند، آن گونه که آدم طلبید.

سپس جبرئیل علیه السلام به او فرمان داد تا از عرفات، کوچ کرد و بر کوه‌های هفتگانه گذشت. به او دستور داد که نزد هر کوه، چهار بار «تکبیر» بگوید. آدم علیه السلام چنان کرد، تا آن که به مَشْعَر رسید. چون به مَشْعَر رسید، یک سوم شب، گذشته بود. پس نماز مغرب و عشا را آن شب و در آن جا در یک سوم شب با هم خواند.

سپس به او دستور داد تا در وادی مَشْعَر، به رو در افتد. او هم به رو افتاد، تا آن که سپیده دمید. پس به او دستور داد بر کوه، کوه مَشْعَر، بالا برود و دستور داد چون خورشید بر آمد، هفت بار به گناهِش اعتراف کند و هفت بار از خدا توبه و آمرزش بخواهد. پس آدم علیه السلام چنان کرد، همان گونه که جبرئیل علیه السلام به او فرمان داده بود و آن را دو بار اعتراف قرار داد تا در فرزندانش سُنّت باشد. پس هر کسی از آنان، عرفات را درک نکرد و مَشْعَر را درک کرد، حج خود را [تا مینا] کامل ساخته است. سپس از مَشْعَر به مینا کوچ کرد و نیم‌روز، به مینا رسید. به او دستور داد در مسجد مینا دو رکعت نماز بخواند. سپس دستور داد برای خدا قربانی کند تا از او بپذیرد و بداند که خداوند، توبه او را پذیرفته است و قربانی کردن در فرزندان او سُنّت باشد. آدم علیه السلام قربانی کرد و خدا، از او پذیرفت. پس آتشی از آسمان فرستاد و قربانی آدم را پذیرفت.

جبرئیل علیه السلام به او گفت: «ای آدم! خداوند، به تو نیکی کرد؛ چرا که مناسکی را که به سبب آنها توبه تو را می‌پذیرد، به تو آموخت» (۱).

۱- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۲ ح ۲ به نقل از عبد الرحمان بن کثیر و ص ۱۹۰ ح ۱ به نقل از ابو ابراهیم، علل الشرائع: ص ۴۰۰ ح ۱، قصص الأنبياء: ص ۴۶ ح ۱۲ هر دو به نقل از عبد الحمید بن ابو الدیلم و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۹ ح ۵.

ص: ۲۶۴

۶۹۶. امام صادق علیه السلام: خداوند عزوجل به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که به حج برود و اسماعیل علیه السلام را با خود به حج ببرد و او را در حرم، ساکن نماید. هر دو بر شتری سرخ مو به حج رفتند و جز جبرئیل علیه السلام کسی با آنان نبود. چون به حرم رسیدند، جبرئیل علیه السلام به او گفت: «ای ابراهیم! فرود آید و پیش از آن که وارد حرم شوید، غسل کنید».

فرود آمدند و غسل کردند و به آنان، نشان داد که چگونه برای احرام، آماده شوند.

آنان هم چنان کردند. سپس به آنها دستور داد برای حج، احرام بستند و آنان را به «لثیک» های چهارگانه‌ای که فرستادگان با آنها لثیک می‌گویند، دستور داد. سپس آن دو را به [کوه] صفا برد. پس فرود آمدند. جبرئیل علیه السلام میان آن دو، رو به کعبه ایستاد و تکبیر گفت. آن دو هم تکبیر گفتند. سپس تهلیل گفت و آن دو نیز تهلیل گفتند. سپس خدا را ستود و آن دو هم ستودند. سپس خدا را تمجید کرد و آنان نیز تمجید کردند.

سپس خدا را ثنا گفت و آن دو نیز چنان کردند. آن گاه جبرئیل علیه السلام پیش رفت و آن دو نیز پیش رفتند، در حالی که خدا را ثنا و ستایش می‌کردند، تا آن که آن دو را به جایگاه حجر الأسود رساند. جبرئیل علیه السلام بر آن دست کشید و به آن دو فرمان داد که بر آن دست بکشند و آنان را هفت دور، طواف داد. سپس آن دو را در محلّ مقام ابراهیم علیه السلام نگاه داشت و دو رکعت نماز خواند و آنان هم خواندند. سپس مناسک و آنچه را آن جا انجام می‌دهند، به آنان نشان داد. پس چون اعمالشان را به پایان بردند، خداوند به ابراهیم علیه السلام فرمان داد که برگردد و اسماعیل علیه السلام را آن جا تنها بگذارد. (۱) ۶۹۷. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: خداوند عزوجل به ابراهیم علیه السلام فرمان داد، که کعبه را بسازد و پایه‌های آن را بالا آورد و به مردم، مناسک و اعمالشان را نشان دهد. (۲)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۲ ح ۳، علل الشرائع: ص ۵۸۶ ح ۳۲ هر دو به نقل از کلثوم بن عبد المؤمن حرّانی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۵۴ ح ۶.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۵ ح ۴ به نقل از عقبه بن بشیر، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۳۲۷ ح ۱۷۵۸۵.

ص: ۲۶۵

ه- حلال کردن مال

۶۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خود را برای سفر آماده سازد و در وسایلش [حتی] پرچم حرامی باشد، خداوند، حجش را نمی‌پذیرد. (۱) ۶۹۹. ائمه علیهم السلام: (۲) هر کس با مال غیر حلال به حج برود، هنگام لبیک گفتن، خداوند می‌فرماید:

«لا لَبَّيْكَ و لا سَعَدَيْكَ! (چه لبیکی؟ و چه خوشامدی؟)». (۳) ۷۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی با مال غیر حلال به حج برود، چون «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» بگوید، خداوند می‌فرماید: «لا لَبَّيْكَ و لا سَعَدَيْكَ! این به خودت بر می‌گردد». (۴) ۷۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی با خرجی پاک، برای حج بیرون بیاید و پا در رکاب بگذارد و بگوید: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ!»، منادی‌ای از آسمان، او را ندا می‌دهد: «لَبَّيْكَ و سَعَدَيْكَ!». توشه‌ات، حلال و مَرکبت، حلال و حج تو پذیرفته است و تو بدون گناهی».

و اگر با خرجی ناپاک، بیرون بیاید و پا در رکاب بگذارد و «لَبَّيْكَ» بگوید، منادی‌ای از آسمان ندایش دهد: «لا لَبَّيْكَ و لا سَعَدَيْكَ! ره توشه‌ات حرام، خرجی‌ات، حرام و حج تو گناه‌آلود و نامقبول است». (۵)

۱- المحاسن: ج ۱ ص ۱۷۰ ح ۲۵۹ به نقل از إسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرش علیهم السلام، روضه الواعظین: ص ۳۹۵ به نقل از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۰ ح ۶.

۲- در مصدر، به نام امام علیه السلام اشاره نشده است.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۱۷ ح ۲۵۵۷، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۰۲ ح ۱۴۴۸۲؛ کنز العمال: ج ۵ ص ۲۷ ح ۱۱۹۰۰ به نقل از شیرازی در الألقاب و ابو مطیع در کتاب الأمالی‌اش به نقل از عمر تقریباً با همان الفاظ.

۴- الفردوس: ج ۱ ص ۲۹۵ ح ۱۱۶۶ به نقل از عمر بن خطاب، حلیه الأولیاء: ج ۹ ص ۲۶۳ ح ۴۵۶، سیر اعلام النبلاء: ج ۱۰ ص ۱۸۵ ش ۳۴، تاریخ دمشق: ج ۳۴ ص ۱۳۵ ح ۳۷۳۸ و در سه منبع اخیر به نقل از ابو سلیمان دارانی بدون نسبت دادن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۴ ح ۱۱۸۹۱.

۵- المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۲۵۱ ح ۵۲۲۸ به نقل از ابو هریره.

ص: ۲۶۶

۷۰۲. امام صادق علیه السلام: کسی که از راه غیر حلال، مالی به دست آورد، سپس حج برود و «لَبِيك» بگوید، ندا می‌رسد که: «لا لبیک و لا سعیدیک!» و اگر از راه حلال باشد، ندا می‌رسد:

«لَبِيك و سعیدیک!». (۱) ۷۰۳. امام صادق علیه السلام: چهار چیز در چهار مورد، جایز نیست: خیانت، اختلاس، دزدی، و ربا. اینها در حج، عمره، جهاد، و صدقه جایز نیستند. (۲) ۷۰۴. امام کاظم علیه السلام: اولین حجّ خاندان ما و مهریه زنانمان و کفن‌های ما، از دارایی پاکیزه ماست. (۳)

و- پاکیزگی ره‌توشه

۷۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ خرجی ای نزد خدای عزوجل، محبوب‌تر از میانه‌روی در خرجی نیست و خداوند، از اسراف نفرت دارد، مگر در حج و عمره. پس رحمت خدا بر مؤمنی که مال پاکیزه به دست آورد و با میانه‌روی خرج کند، یا نیکی و احسانی را پیش فرستد! (۴) ۷۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از هر صاحب نعمتی، نسبت به آن نعمت، سؤال خواهد شد [که چگونه خرج کرده است]، مگر آنچه در جهاد یا حج، مصرف شود. (۵) ۷۰۷. امام صادق علیه السلام: هر گاه امام زین العابدین علیه السلام برای حج و عمره به سفر مکه می‌رفت، از بهترین ره‌توشه‌ها با خود بر می‌داشت، از بادام، شکر، و آرد نرم و ترش و شیرین. (۶)

۱- الکافی: ج ۵ ص ۱۲۴ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳۶۸ ح ۱۰۶۴، وسائل الشیعه: ج ۱۲ ص ۶۰ ح ۲۲۰۴۹.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳۶۸ ح ۱۰۶۳، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۱۶۱ ح ۳۵۹۰، الخصال: ص ۲۱۶ ح ۳۸ هر دو به نقل از ابان بن عثمان، تحف العقول: ص ۳۷۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۰ ح ۵.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۸۹ ح ۵۷۷، تحف العقول: ص ۴۱۲، بحار الأنوار: ج ۷۸ ص ۳۲۴ ح ۲۸.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۱۶۷ ح ۳۶۲۱ به نقل از ابن ابو یعفور از امام صادق علیه السلام، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۰۶ ح ۱۴۴۹۸.

۵- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۱ ح ۲۲۳۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۵ ح ۴۹.

۶- الکافی: ج ۸ ص ۳۰۳ ح ۴۶۸ به نقل از عبد الله بن سنان، المحاسن: ج ۲ ص ۱۰۶ ح ۱۲۸۶ به نقل از شهاب بن عبد ربه، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۸۲ ح ۲۴۵۵، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۳۹ ح ۱۸۷۱، المصباح، کفعمی: ص ۲۴۷ و در سه منبع اخیر بدون نسبت دادن به امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۷۰ ح ۲۳.

ز- دعا هنگام عازم شدن به سفر حج

۷۰۸. امام صادق علیه السلام: هر گاه از خانه‌ات به قصد سفر حج و عمره بیرون می‌روی، دعای فرج را بخوان، که چنین است: «هیچ خدایی جز خدای بردبارِ بزرگوار نیست. هیچ خدایی جز خدای والا- و بزرگ نیست. منزّه است خدای آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و پروردگار بزرگِ عرش! و ستایش، مخصوص پروردگارِ جهانیان است.»

سپس بگو: «خدایا! پناه من باش در مقابل هر طغیانگرِ سرکش و هر شیطانِ نافرمان.»

سپس بگو: «به نام خدا، وارد شدم و به نام خدا و در راه خدا، خارج شدم.

پروردگارا! من "بسم الله" و "ما شاء الله" را در مقابل فراموشی و شتابم در این سفر، پیش می‌آورم، چه به یاد داشته باشم و چه فراموش کنم.

خدایا! در همه کارها، تو یاری کننده‌ای. تو، همراه مسافر و جانشین اوئی در خانواده‌اش. خدایا! سفرمان را آسان کن و زمین را زیر پایمان، در هم پیچ [که زود به مقصد برسیم] و سیرمان را در آن، همراه با طاعت خود و پیامبرت قرار ده.

خدایا! نسل ما را صالح گردان و در آنچه به ما روزی می‌دهی، برکت قرار ده و ما را از عذاب آتش، نگاه دار.

خدایا! از رنج سفر و بدفرجامی و بدمنظری در خانواده و مال و فرزند، به تو پناه می‌برم.

خدایا! تو، بازو و یاور منی. به کمک تو فرود می‌آیم و سفر می‌کنم.

خدایا! در این سفر، انجام دادن آنچه را که تو بر من می‌پسندی و شادی از آن را می‌طلبم.

خدایا! رنج و دوری راه را بر من، قطع کن، همراه من باش و در خانواده‌ام به نیکی، جانشین من باش. و هیچ نیرویی، جز از تو نیست.

خدایا! من، بنده توام و اینها ره‌توشه من است. مقصدم تویی و سفر، به سوی

ص: ۲۶۸

توست و تو از چیزی آگاهی که کسی از آن، آگاه نیست. پس سفرم را کفاره گناهان گذشته‌ام قرار بده و در این سفر، یاورم باش و رنج و مشقت سفر را آسان ساز و سخن و عملی را که رضای توست، به من تلقین نما، که من، فقط بنده تو و با تو و برای توام». و چون پا در رکاب نهادی، بگو: «به نام خداوند مهرگسترِ مهربان. به نام خدا، و خدا، بزرگ‌تر است». و چون بر مرکب نشست و جای گرفتی، بگو: «ستایش، از آن خدایی است که ما را به سوی اسلام، هدایت کرد و قرآن را به ما آموخت و با محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد. منزه است خدا! منزه است آن که این وسیله را در اختیار ما قرار داد که ما، توان آن را نداشتیم. ما به سوی پروردگاران بر می‌گردیم و ستایش، مخصوص پروردگارِ جهانیان است. خدایا! تو، ما را بر پشت این مرکب نشاندی و تو، یاری دهنده در هر کاری. خدایا! ما را به جایی رسان که به خیرمان رساند، به جایی که به آمرزش و رضوان تو رسیدیم. خدایا! هیچ امری جز امر تو، و هیچ خیری جز خیر تو، نیست و نگاهدارنده‌ای جز تو، نیست». (۱) ۲/۴

آنچه در مراسم حج، شایسته است

الف - خوش‌خویی

۷۰۹. امام باقر علیه السلام: چه بهره می‌برد کسی که این راه را می‌پیماید، اگر این سه خصلت در او نباشد: پرهیزگاری‌ای که او را از نافرمانی‌های خدا باز دارد؛ بردباری‌ای که به وسیله آن، بر

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۴ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۵۰ ح ۱۵۴ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از معاویه بن عمار، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۲۷۸ ح ۱۵۰۷۵.

ص: ۲۶۹

خشم خود، مالک شود؛ و همراهی خوب با مصاحبان خود. (۱) ۷۱۰. امام باقر علیه السلام: هر کس آهنگ این خانه (کعبه). را داشته باشد و سه خصلت در او نباشد، چندان قابل اعتنا نیست: خویی که با آن، با هم سفرش سازگاری کند؛ بردباری ای که خشمش را مهار نماید؛ و پارسایی ای که او را از حرام‌های خداوند عزوجل باز دارد. (۲) ۷۱۱. امام صادق علیه السلام: از مفاخره بپرهیز و بر تو باد پرهیزگاری ای که تو را از نافرمانی‌های خدا، باز دارد. همانا خداوند عزوجل می‌فرماید: (ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَيُطِئُوا بِآيَاتِ الْعِتْقِ؛ (۳)

پس آلودگی خود را وا نهند و به نذرهای خود، وفا کنند و بر گرد خانه کعبه طواف کنند). و کلام زشت گفتن در احرام نیز جزء آن است. پس چون وارد مکه شدی و کعبه را طواف کردی و کلام پاکیزه گفتی، این، کفاره آن است. (۴)

ب- کمک به همراهان

۷۱۲. الکافی- به نقل از اسماعیل خثعمی:- به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی ما به مکه می‌رسیم، همراهان ما به طواف می‌روند و مرا برای نگهداری وسایلشان می‌گذارند.

فرمود: «پاداش تو، بیش از آنان است». (۵) ۷۱۳. الکافی- به نقل از مُرازم بن حکیم:- با محمد بن مُصادف، همراه بودم. چون به مدینه وارد شدیم، بیمار گشتم. او به مسجد می‌رفت و مرا، تنها می‌گذاشت. از این به مُصادف

۱- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۶ ح ۲ به نقل از محمد بن مسلم، الخصال: ص ۱۴۸ ح ۱۸۰، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۱ ح ۲.

۲- کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۷۴ ح ۲۴۲۴، الکافی: ج ۴ ص ۲۸۵ ح ۱ هر دو به نقل از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام، تهذيب الأحكام: ج ۵ ص ۴۴۵ ح ۱۵۴۹ به نقل از صفوان جمال از امام صادق علیه السلام، مكارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۳۳ ح ۱۸۴۸ به نقل از امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام، وسائل الشيعة: ج ۸ ص ۴۰۳ ح ۱۵۵۱۳.

۳- حج: آیه ۲۹.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۸ ح ۳ و ص ۵۴۳ ح ۱۵، معانی الأخبار: ص ۳۳۹ ح ۵ هر دو به نقل از ابو بصیر تقریباً با همان الفاظ و ح ۸ به نقل از معاویه بن عمار، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۳۳۳ ح ۲۵۹۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۱۸ ح ۱۸.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۵ ح ۲۶، کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۲ ص ۲۰۸ ح ۲۱۵۸ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشيعة: ج ۹ ص ۳۹۹ ح ۱۷۸۲۶.

ص: ۲۷۰

(پدر او). شکوه کردم. او هم به امام صادق علیه السلام خبر داد. ایشان، به او چنین پیغام فرستاد: «نشستن تو کنار او، برتر از نماز خواندن در مسجد است». (۱)

ج- مواظبت از ره‌توشه

۷۱۴. الکافی- به نقل از ابو بصیر-: از امام صادق علیه السلام در باره شخص مُحرِمی که دستار بر شکمش می‌بندد، پرسیدم. فرمود: «نه».

سپس فرمود: «پدرم می‌فرمود: "کمربندی را که خرجی‌اش در آن است، محکم به کمر ببندد، تا از آن مطمئن گردد، که با همین خرجی، می‌تواند حجّش را تمام کند»." (۲) ۷۱۵. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از صفوان جمّال-: به امام صادق علیه السلام گفتم: همراه خانواده‌ام قصد حج دارم، نفقه‌ام را به کمرم می‌بندم. [نظر شما چیست؟]. فرمود: «آری (عیبی ندارد). پدرم می‌فرمود: "حفظ کردن خرجی، از توانمندی مسافر است»." (۳) ۷۱۶. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از یونس بن یعقوب-: به امام صادق علیه السلام گفتم: مُحرِم، همیان خود را به کمر می‌بندد [چگونه است؟]. فرمود: «آری (عیبی ندارد). بعد از [گم شدن] نفقه‌اش چه خیری برای اوست؟». (۴) ۷۱۷. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از یعقوب بن سالم-: به امام صادق علیه السلام گفتم: همراه من، درهم‌هایی است که روی آنها تصویر است و من، در حال احرامم. آنها را در همیانم گذاشته، به کمر می‌بندم.

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۵ ح ۲۷، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۴۰۰ ح ۱۷۸۲۷.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۳۴۳ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۴۶ ح ۲۶۴۶، علل الشرائع: ص ۴۵۵ ح ۱۳ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۴۴ ح ۱۴.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۸۰ ح ۲۴۴۸، الکافی: ج ۴ ص ۳۴۳ ح ۱ تقریباً با همان الفاظ، المحاسن: ج ۲ ص ۱۰۴ ح ۱۲۷۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۲ ح ۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۴۶ ح ۲۶۴۵، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۱۲۸ ح ۱۶۸۷۷.

ص: ۲۷۱

فرمود: «عیبی ندارد. مگر نه این که آنها خرجی توست و پس از خداوند عزوجل، تکیهات به آنهاست؟». (۱)

د- اقامت در مکه پیش از حج

۷۱۸. امام صادق علیه السلام: یک روز قبل از حج [در مکه] ماندن، بهتر از دو روز ماندن پس از حج است. (۲)

ه- شریک ساختن دیگران در ثواب حج

۷۱۹. امام صادق علیه السلام- در پاسخ به هشام بن حکم که در باره کسی که پدر و برادر و بستگانش را در حج خود شریک سازد، پرسیده بود:- در این صورت، برای تو پاداش حجی مثل حج آنان، نوشته می‌شود و پاداشی هم به خاطر صلّه رجم به تو افزوده می‌شود. (۳) ۷۲۰. امام صادق علیه السلام: اگر هزار نفر را هم در حج خود، شریک سازی، برای هر یک، [پاداش] یک حج خواهد بود، بی آن که از [پاداش] حج تو، چیزی کاسته شود. (۴)

و- طواف به نیابت از امامان

۷۲۱. الکافی- به نقل از موسی بن القاسم:- به امام جواد علیه السلام گفتم: تصمیم گرفتم به نیابت از شما و پدرتان، طواف کنم؛ ولی به من گفتند: به نیابت از اوصیا، طواف نمی‌کنند. فرمود: «چرا. هر چه می‌توانی، طواف کن. جایز است». سه سال بعد، به ایشان گفتم: پیش‌تر، از شما در باره طواف به نیابت شما و پدرتان اجازه گرفتم، اجازه دادید و من، از سوی شما طواف بسیار کردم. سپس چیزی بر دلم افتاد و به آن، عمل کردم.

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۸۰ ح ۲۴۴۹، المحاسن: ج ۲ ص ۱۰۴ ح ۱۲۷۸، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۶۷ ح ۱۹۶۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۴۵ ح ۱۵.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۵ ح ۳۱۳۳ به نقل از ابو بصیر، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۹۷ ح ۱۷۸۱۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۶ ح ۶، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۴۲ ح ۱۴۶۲۸.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۷ ح ۱۰ به نقل از محمد بن حسن از ابو الحسن علیه السلام، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۴۳ ح ۱۴۶۲۹.

ص: ۲۷۲

امام علیه السلام پرسید: «چه بود؟».

گفتم: روزی از جانب پیامبر خدا طواف کردم امام علیه السلام سه بار فرمود: «درود خدا بر پیامبر خدا باد!».

[ادامه دادم]: سپس روز دوم، به نیابت از امیر مؤمنان و روز سوم، به نیابت از امام حسن علیه السلام و روز چهارم، به نیابت از امام حسین علیه السلام و روز پنجم، به نیابت از امام زین العابدین علیه السلام و روز ششم، به نیابت از امام باقر علیه السلام و روز هفتم، به نیابت از امام صادق علیه السلام و روز هشتم، از سوی جدّت امام کاظم علیه السلام و روز نهم، به نیابت از پدرت امام رضا علیه السلام و روز دهم، به نیابت از شما، - سرورم- و اینان، کسانی‌اند که به ولایتشان معتقدم [و دین من، ولایت اینان است].

فرمود: «در این صورت، به دینی معتقدی که خداوند، جز آن را از بندگانش نمی‌پذیرد».

گفتم: گاهی هم از سوی مادرتان فاطمه علیها السلام طواف کرده‌ام، گاهی هم نه.

فرمود: «این را بسیار انجام بده. این، برترین کاری است که انجام می‌دهی، **إِنْ شَاءَ اللَّهُ!**» (۱).**ز- دیدار امام**

۷۲۲. امام باقر علیه السلام: حجّ تمام، دیدار با امام است. (۲) ۷۲۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه یکی از شما به حج رود، باید حجّ خود را با دیدار ما به پایان ببرد؛ چرا که این (دیدار با امام)، برای کامل شدن حجّ است. (۳) ۷۲۴. الکافی - به نقل از سیدیر-: در حالی که امام باقر علیه السلام به خانه خدا وارد می‌شد و من بیرون می‌آمدم، دست مرا گرفت، سپس رو به کعبه کرد و فرمود: ای سدیدر! همانا مردم،

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۴ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۰ ح ۱۵۷۲، بحار الأنوار: ج ۵ ص ۱۰۱ ح ۱۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۹ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۸ ح ۳۱۶۲ کلاهما به نقل از جابر و ص ۴۸۴ ح ۳۰۳۱ به نقل از ذریح محاربی تقریباً با همان الفاظ، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۹، علل الشرائع: ص ۴۵۹ ح ۲ هر دو به نقل از جابر، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۴ ح ۲.

۳- علل الشرائع: ص ۴۵۹ ح ۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۲۸ هر دو به نقل از إسماعیل بن مهرا، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۴ ح ۱.

ص: ۲۷۳

مأمور شده اند که نزد این سنگ‌ها آمده، طواف کنند، سپس نزد ما بیایند و هم‌بستگی و ولایتشان را با ما اعلام کنند». و این، همان گفته خداوند است: (من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و آن‌گاه هدایت شود). امام علیه السلام در این جا، اشاره به سینه‌اش کرد [و افزود]: «به سوی ولایت ما». (۱) ۷۲۵. امام باقر علیه السلام: همانا مردم مأمور شده اند که نزد این سنگ‌ها [ی خانه خدا] آمده، گرد آنها طواف کنند و سپس پیش ما بیایند و ولایت و هم‌بستگی خود را به ما خیر دهند و نصرت و یاری خود را به ما عرضه بدارند. (۲) ۷۲۶. الکافی - به نقل از فضیل -: امام باقر علیه السلام به مردمی که بر گرد کعبه طواف می‌کردند، نگاه کرد. سپس فرمود: «در جاهلیت، این گونه طواف می‌کردند. همانا به آنان، دستور دادند که بر گرد کعبه طواف کنند، سپس به سوی ما کوچ کرده، نسبت به ما اعلام هم‌بستگی و دوستی کنند و یاری خود را بر ما عرضه بدارند.

آن‌گاه، این آیه را تلاوت کرد: (فَاجْعَلْ أَفْتَدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ؛ [خدایا!] دل‌هایی از مردم را چنان قرار بده که به سوی آنان، شیفته گردند). (۳) ۷۲۷. امام باقر علیه السلام - در تفسیر سخن خداوند متعال: (فَاجْعَلْ أَفْتَدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ؛ [خدایا!] دل‌هایی از مردم را چنان قرار بده که شیفته آنان گردند) - : ... سزاوار است مردم، این خانه را زیارت کنند و بزرگ بدارند؛ چرا که خداوند، آن را بزرگ داشته است. و سزاوار است هر جا که هستیم، به دیدار ما بیایند. ما راه‌نمایان [مردم] به سوی خداوندیم. (۴) ر. ک: ص ۲۸۸ (مدینه رفتن).

۱- الکافی: ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۳۶۴ ح ۸۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۹ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۵۸ ح ۳۱۳۹، علل الشرائع: ص ۴۵۹ ح ۴ همگی به نقل از زراره و ص ۴۰۶ ح ۸ به نقل از ابو حمزه ثمالی، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۳ هر دو تقریباً با همان الفاظ.

۳- الکافی: ج ۱ ص ۳۹۲ ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۳۴ ح ۴۳، مجمع البیان: ج ۶ ص ۴۹۰، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۸۷ ح ۱۲.

۴- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۳۳ ح ۳۹ و ص ۲۳۴ ح ۴۱ به نقل از میسر، تفسیر فرات: ص ۲۲۳ ح ۲۹۹، بحار الأنوار: ج ۶۸ ص ۸۶ ح ۹.

ص: ۲۷۴

۳/۴

مجموعه آنچه در مراسم حج، شایسته است

قرآن

(الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَغْلُمُهُ اللَّهُ وَتَزَودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ؛ (۱)

حج، در ماه‌های معینی است.

پس کسانی که در این ماه‌ها، حج را [با احرام بستن و آغاز مناسک] بر خود واجب کرده‌اند. پس در حج، آمیزش جنسی و گناه و جدال نیست. و آنچه کار نیک انجام دهید، خداوند، آن را می‌داند. و زاد و توشه بر گیرید؛ چرا که بهترین ره توشه، همانا پرهیزگاری است؛ و از من پروا کنید، ای خردمندان! (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعْبَرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَيْدَىٰ وَلَا الْقَلْدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَنْتَعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شعائر و حدود الهی را حلال ندانید، و نه ماه حرام را، و نه قربانی‌های بی نشان و نشاندار را، و نه آنان را که به قصد خانه خدا، برای به دست آوردن خشنودی پروردگارشان آمده‌اند. آن گاه که از احرام بیرون آمدید. پس صید کنید، و خصومت با گروهی که شما را از آمدن به مسجد الحرام (در واقعه حدیبیه). باز داشتند، شما را به تجاوز، وادار نکند و در نیکو کاری و پرهیزگاری، همدیگر را یاری کنید. و در گناه و تعدی، یکدیگر را یاری نرسانید. و از خداوند، پروا کنید، همانا کیفر خداوند، سخت است).

حدیث

۷۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- در سخنرانی روز غدیر-: [ای مردم!] خانه خدا را با کمال دینداری و

۱- بقره: آیه ۱۹۷.

۲- مائده: آیه ۲.

ص: ۲۷۵

دین‌شناسی زیارت کنید و از آن مکان‌های مقدّس، جز با توبه و رها ساختن [گناه]، باز نگردید. (۱) ۷۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که پرسیده شد: نیکی حج چیست؟ - به دیگران، طعام دادن و سخن پاکیزه گفتن. (۲) ۷۳۰. امام باقر و امام صادق علیهما السلام - هنگامی که در باره سخن خداوند متعال: (وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ؛ حج و عمره را برای خدا به پایان برید). پرسیدند: تمامیت و کمال حج و عمره، آن است که آمیزش جنسی، گناه و مجادله در آن نباشد. (۳) ۷۳۱. امام صادق علیه السلام: هرگاه احرام بستی، پس بر تو باد پروای خدا، فراوان یاد خدا نمودن، کم سخن گفتن، مگر به نیکی؛ چرا که کمال حج و عمره، آن است که انسان، زبان خویش را نگه‌دارد، مگر از خیر؛ چرا که خداوند عزوجل فرموده است: (فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ؛ پس در ماه‌های حج، هر که حج را بر خود واجب کند، پس در حج، رفث و فسوق و جدال نیست). رفث، آمیزش جنسی است و فسوق، دروغ و دشنام است و جدال، این است که انسان بگوید: «نه، والله!» و «آری، والله!». (۴) ۷۳۲. تهذیب الأحکام - به نقل از علی بن جعفر: - از برادرم موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که رفث و فسوق و جدال چیست؟ و هر که مرتکب شود، کفاره‌اش چیست؟

فرمود: رفث، هم‌بستر شدن با زنان است. فسوق، دروغ و تفاخر است و جدال،

۱- الاحتجاج: ج ۱ ص ۱۵۶ ح ۳۲، یقین: ص ۳۵۸ هر دو به نقل از علقمه بن محمّد حضرمی از امام باقر علیه السلام، العدد القویة: ص ۱۸۰ ح ۸، التحصین، ابن طاووس: ص ۵۸۹ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از زید بن ارقم، بحار الأنوار: ج ۳۷ ص ۲۱۴ ح ۸۶

۲- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۵۸ ح ۱۷۷۸، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۳۱ ح ۱۰۳۹۰، المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۳۶۲ ح ۶۶۱۸، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۳۲۹ ح ۱۰۹۱، حلیة الأولیاء: ج ۶ ص ۱۴۶ ح ۳۶۲ همگی به نقل از جابر، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۳ ح ۱۱۸۸۱؛ عوالی اللالی: ج ۴ ص ۳۳ ح ۱۱۷.

۳- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۸۸ ح ۲۲۵ به نقل از زرارة و حمران و محمّد بن مسلم، الکافی: ج ۴ ص ۳۳۷ ح ۲ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۷۳ ح ۱۶.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۳۳۸ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۹۶ ح ۱۰۰۳ هر دو به نقل از معاویة بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۹ ص ۱۰۸ ح ۱۶۷۹۱.

ص: ۲۷۶

آن است که کسی بگوید: «نه، واللّه!» و «آری، واللّه!». پس هر که آمیزش کند، کفّاره‌اش قربانی کردن یک شتر است و اگر پیدا نکند، یک گوسفند، و کفّاره دروغ و تفاخر در حال احرام، صدقه دادن است». (۱) ۷۳۳. مصباح الشریعۀ - در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است: - هر گاه تصمیم به حج گرفتی، دلت را از هر بازدارنده‌ای، تنها برای خدا، خالی ساز و از هر مانعی بپرداز و همه کارهایت را به آفریدگارت، وا گذار و در سکون و حرکتت، بر او توکل کن و تسلیم قضا و حکم و تقدیر الهی باش، و دنیا و آسایش و مردم را رها کن و حقّ مردم را ادا کن و بر توشه و مرکب و همراهان و نیرو و جوانی و ثروت، اتکا نکن، مبدا که دشمن و وبال تو شوند.

همانا هر کس مدعی خشنودی خدا باشد، ولی به چیزی دیگر اعتماد کند، خداوند، آن را دشمن و وبال او می گرداند، تا بداند که هیچ نیرو و تدبیری برای احدی نیست، مگر با نگاهداری و توفیق خداوند. و آماده شو، همچون کسی که امید بازگشت ندارد. با همراهان، نیکو معاشرت کن و پیوسته، مواظب اوقات و اجابت الهی و سنت‌های پیامبرش صلی الله علیه و آله و آنچه از ادب، تحمّل، شکیبایی، شکر، مهربانی، بخشندگی و ایثار ره توشه در هر زمان، بر تو واجب است، باش. سپس، با آب توبه خالص، گناهانت را بشوی و احرام صدق و صفا و خضوع و خشوع بر بند، و هر چه تو را از یاد خدا و طاعت او باز می دارد، بر خود حرام کن.

لئیک تو، به معنای اجابت زلال و پاک برای خداوند عزوجل در دعوتش باشد، در حالی که به دستاویز محکم الهی چنگ زده‌ای. همان گونه که با بدنت همراه مسلمانان بر گرد کعبه طواف می کنی، با قلبت همراه فرشتگان بر گرد عرش، طواف کن.

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۹۷ ح ۱۰۰۵، مسائل علی بن جعفر: ص ۲۷۲ ح ۶۷۵، قرب الاسناد: ص ۲۳۴ ح ۹۱۵، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۶۹ ح ۱. نیز، ر. ک: معانی الأخبار: ص ۲۹۴ ح ۱.

ص: ۲۷۷

با هروله‌ات، از هوای نفس خود، بگریز و از همه نیرو و توان خود، تبری بجوی.

با بیرون رفتن به سوی منا، از غفلت و لغزش‌های بیرون شو و آنچه را که برایت حلال نیست و مستحق آن نیستی، تمنا مکن. در

عرفات، به گناهان اعتراف کن و پیمان یکتاپرستی را با خدایت، تجدید کن و با اطمینان، در مُردَلفه به خدایت تقرب بجوی.

با بالا رفتن از کوه، روح را به سوی ملکوت اعلا، روانه ساز و هنگام قربانی کردن، حنجره و رگ‌های هوس و طمع را قطع کن

و با رَمی جَمَرات، شهوت‌ها، فرومایگی و پستی و ناپسندی را به دور افکن.

با تراشیدن سر، عیب‌های آشکار و نهان را بتراش و بزدای و با در آمدن به خانه خدا، در امان و حمایت خدا و پوشش و سرپرستی

و عهده‌داری کارهایت از سوی او، وارد شو.

و کعبه را در حالی که به بزرگی صاحب آن و شناخت عظمت و قدرت او باور داری، زیارت کن.

و در حالی که راضی به قسمت الهی و خاضع در برابر عزت او هستی، حجر الأسود را لمس کن. با طواف وداع، با هر چه جز

اوست، وداع کن.

با ایستادن بر کوه صفا، روح و درون خود را، برای روز دیدار با خداوند، تصفیه کن و جلا ده و نزد مروه، صاحب مروّت و اوصافی

وارسته باش و بر این شرط‌های حجّ خود و به عهدی که با پروردگارت بسته‌ای و بر خود واجب ساخته‌ای، تا روز قیامت، پایدار

بمان. (۱) ۷۳۴. مستدرک الوسائل - به نقل از سید عبد الله، نواده محدث جزایری در شرح النُخبه -: در منابع متعدّد، که مؤثّق‌ترین

آنها به خطّ برخی از اساتید معاصر ماست، به صورت حدیث مُرسَل، چنین یافتیم: چون سِرورمان امام زین العابدین علیه السلام از

حجّ برگشت،

۱- مصباح الشریعه: ص ۱۴۲-۱۴۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۲۴ ح ۱.

ص: ۲۷۸

شَبَلی به استقبال او آمد. امام علیه السلام از او پرسید: «شَبَلی! حج گزاردی؟».

گفت: آری، ای پسر پیامبر!

پرسید: «آیا در میقات، فرود آمدی و لباس‌های دوخته را بیرون آوردی و غسل کردی؟».

گفت: آری.

پرسید: «آن گاه که به میقات فرود آمدی، نیت کردی که لباس نافرمانی را در آورده، لباس طاعت بپوشی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی لباس‌های دوخته را در آوردی، نیت کردی که از ریا و نفاق و وارد شدن به شبهه‌ها، خود را عریان کنی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی غسل کردی، نیت کردی که خود را از خطاها و گناهان، شستشو دهی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه در میقات، فرود آمده‌ای، نه از لباس‌های دوخته، خود را جدا ساخته‌ای، و نه غسل کرده‌ای!».

سپس پرسید: «نظافت کردی و احرام بستنی و تصمیم بر حج گرفتی؟».

گفت: آری.

پرسید: «وقتی نظافت کردی و احرام بسته، نیت حج کردی، آیا نیت کردی که با نوره (۱) توبه خالص، خود را پاک کنی؟».

ص: ۲۷۹

گفت: نه.

پرسید: «وقتی احرام بستنی، نیت کردی که همه محرمات خدا را بر خود، حرام سازی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی نیت حج کردی، آیا نیت کردی که هر گره غیر خدایی را بگشایی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه نظافت کرده‌ای، نه احرام بسته‌ای، و نه نیت حج کرده‌ای!».

سپس پرسید: «آیا داخل میقات شدی و دو رکعت نماز احرام خواندی و لَبَّيْكَ گفتی؟».

گفت: آری.

پرسید: «وقتی وارد میقات شدی، نیت کردی که بر نیت زیارت باشی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که با نماز- که بهترین اعمال و بزرگ‌ترین حسنات بندگان است- به خدا تقرب

جویی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی لَبَّيْكَ گفتی، نیت کردی که در طاعت محض او، سخن بگویی و از هر معصیت او، لب فرو بندی؟».

گفت: نه.

امام علیه السلام فرمود: «پس نه داخل میقات شده‌ای، نه نماز خوانده‌ای، و نه لَبَّيْكَ گفته‌ای!».

سپس پرسید: «آیا وارد حرم شدی، کعبه را دیدی و نماز، خواندی؟».

گفت: آری.

ص: ۲۸۰

پرسید: «چون داخل حرم شدی، نیت کردی که هر غیبتی را از هر مسلمانی، بر خود حرام کنی؟»
گفت: نه.

پرسید: «وقتی به مکه رسیدی، آیا در قلبت نیت کردی که خدا» را قصد کرده‌ای؟»
گفت: نه.

فرمود: «پس نه داخل حرم شده‌ای، نه کعبه را دیده‌ای، و نه نماز خوانده‌ای!»
سپس فرمود: «آیا کعبه را طواف کردی و رُکن‌ها را لمس نمودی و سعی [بین صفا و مروه] کردی؟»
گفت: آری.

پرسید: «هنگامی که سعی می‌کردی، نیت کردی که به سوی خدا می‌گریزی؟ و آیا خدای دانا به غیب، این را از تو شناخت؟»
گفت: نه.

فرمود: «پس نه طواف کعبه کرده‌ای، نه رُکن‌ها را لمس کرده‌ای، و نه سعی نموده‌ای!»
سپس پرسید: «آیا بر حجر الأسود، دست نهادی؟ کنار مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی؟ و دو رکعت، نماز خواندی؟» گفت: آری.
این جا بود که امام علیه السلام صیحه‌ای کشید که نزدیک بود از دنیا برود. سپس فرمود: «آه! آه!»
آن گاه، فرمود: «هر کس که بر حجر الأسود دست نهد، با خدای متعال، دست داده است. پس ای بیچاره! خوب بنگر، تا پاداش آنچه را که حرمتش بزرگ است، تباه نسازی و این دست دادن [و بیعت] را چون گناهکاران، با مخالفت و ارتکاب حرام، نشکنی.»

ص: ۲۸۱

آن گاه سپس پرسید: «وقتی کنار مقام ابراهیم علیه السلام ایستادی، آیا نیت کردی که بر هر طاعتی، استوار بمانی و از هر نافرمانی‌ای سر بیچی؟».

گفت: نه.

پرسید: «پس وقتی که آن جا دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که ابراهیم گونه، نماز بگزاری و با نمازت، بینی شیطان را به خاک بمالی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه با حجر الأسود، دست داده‌ای، و نه در کنار مقام ابراهیم علیه السلام ایستاده‌ای، و نه در آن جا دو رکعت نماز خوانده‌ای!».

آن گاه پرسید: آیا بر سر چاه زمزم رفتی و از آب آن نوشیدی؟».

گفت: آری.

پرسید: «آیا نیت کردی که بر طاعت خدا، اشراف یافته‌ای و چشم از گناه پوشیده‌ای؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه بر سر زمزم رفته‌ای، و نه از آبش نوشیده‌ای!».

سپس پرسید: «آیا میان صفا و مروه، سعی کردی و بین آن دو، گام برداشتی؟».

گفت: آری.

پرسید: «آیا نیت کردی که میان بیم و امید هستی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه سعی کرده‌ای، نه راه رفته‌ای، و نه میان صفا و مروه، رفت و آمد کرده‌ای!».

سپس پرسید: «آیا به سوی منا رفتی؟».

گفت: آری.

ص: ۲۸۲

پرسید: «آیا تیت کردی که مردم را از زبان و قلب و دست، ایمن سازی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس به منا نرفته‌ای».

سپس پرسید: «آیا در عرفات، وقوف کردی و بالای جَبَلِ الرَّحْمَه رفتی و وادی نَمِرَه را شناختی و کنار جَمَره‌ها، خدای سبحان را

خواندی؟».

گفت: آری.

پرسید: «آیا با وقوف در عرفات، آگاهی خداوند را به کار معرفت‌ها و دانش‌ها شناختی و به این که خداوند، نامه عمل تو را

دریافت می‌کند و به آنچه در درون و قلبت می‌گذرد، آگاه است، پی بردی؟».

گفت: نه.

پرسید: «آیا با صعود بر جَبَلِ الرَّحْمَه، تیت کردی که خداوند، هر زن و مرد باایمانی را می‌آمرزد و هر زن و مرد مسلمانی را

سرپرستی می‌کند؟».

گفت: نه.

پرسید: «آیا نزد وادی نَمِرَه، تیت کردی که فرمان ندهی تا آن که خود، فرمان ببری، و نهی نکنی تا آن که خود، پرهیز کنی؟».

گفت: نه.

پرسید: «آن گاه که کنار نشانه و نَمِرات ایستادی، تیت کردی که آنها بر طاعت‌های تو گواه باشند و به دستور خداوند آسمان‌ها،

همراه نگهبانان به نگاهبانی تو بپردازند؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه در عرفات، وقوف کرده‌ای، نه از جبل الرَّحْمَه، بالا-رفته‌ای، و نه نَمِرَه را شناخته‌ای، و نه دعا کرده‌ای، و نه کنار

نَمِرات ایستاده‌ای!».

ص: ۲۸۳

سپس پرسید: «آیا بین دو نشانه، مرور کردی و قبل از گذشتن از آن جا، دو رکعت، نماز خواندی؟ به مُزْدَلَفَه رفتی و آن جا سنگ‌ریزه جمع کردی؟ بر مَشْعَر الحرام گذشتی؟».

گفت: آری.

پرسید: «وقتی دو رکعت نماز خواندی، نیت کردی که آن نماز، نمازِ شکرِ شبِ دهم است، هر مشکلی را برطرف می‌سازد و هر آسانی را فراهم می‌آورد؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی از میان دو نشانه گذشتی و به چپ و راست، توجه نکردی، آیا نیت کردی که از دین حق، به چپ و راست، روی نگردانی، نه با قلب، نه با زبان، و نه با اعضایت؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی به مُزْدَلَفَه رفتی و از آن جا سنگ‌ریزه جمع کردی، نیت کردی که هر معصیت و نادانی را از خویش بزُدایی و هر علم و عمل صالحی را در خود، مَلکه سازی؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی بر مشعر الحرام، گذر کردی، نیت کردی که دلت را به بینش اهل پرهیزگاری و خوف از خدا بیارایی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس نه بر دو نشانه گذشته‌ای، نه دو رکعت، نماز خوانده‌ای، نه به مُزْدَلَفَه رفته‌ای، نه از آن، سنگ‌ریزه برداشته‌ای، و نه از مشعر الحرام، عبور کرده‌ای!».

سپس به او فرمود: «آیا به مینا رسیدی و سنگ‌ریزه، پرتاب کردی و سرت را تراشیدی و قربانی‌ات را سر بُریدی و در مسجد خَیْف، نماز گزاردی و به مکه برگشته، طواف کوچ را انجام دادی؟».

ص: ۲۸۴

گفت: آری.

فرمود: «وقتی به منا رسیدی و رمی جمرات کردی، آیا نیت کردی که به خواسته‌ات رسیدی و خداوند، همه حاجت‌هایت را بر آورده است؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی سنگ‌ریزه به جمرات زد، نیت کردی که دشمنت ابلیس را سنگ‌باران کرده‌ای و با تمامی حج‌گران بهایت، او را به خشم آورده‌ای؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی سرت را تراشیدی، آیا نیت کردی که از آلودگی‌ها و از تبعات مردم، پاک شدی و از گناهانت بیرون آمدی، همچون روزی که مادرت تو را زاد؟».

گفت: نه.

پرسید: «وقتی در مسجد خیف، نماز خواندی، نیت کردی که جز از خدای متعال و از گناه خویش نترسی و جز به رحمت خدا، امیدوار نباشی؟».

گفت: نه.

پرسید: «آن گاه که قربانی‌ات را سر بُریدی، نیت کردی که گلوی طمع را با حقیقتِ وَرَع و پرهیزگاری بُریدی و از سنت ابراهیم علیه السلام پیروی کردی که فرزندش، میوه دلش و گُل خوش‌بوی قلبش را به قربانگاه آورد و آن را سنتی برای آیندگان و وسیله‌ای برای تقرب به خداوند برای نسل‌های بعد، قرار داد؟».

گفت: نه.

پرسید: «چون به مکه باز گشتی و طواف کوچ کردی، نیت کردی که از رحمت خدا کوچ کرده، به طاعت او باز گردی و به مودت او چنگ زدی و واجبات الهی را ادا کردی و به قرب خدا رسیدی؟».

گفت: نه.

ص: ۲۸۵

امام زین العابدین علیه السلام به او فرمود: «پس نه به منا رسیده‌ای، نه سنگ‌ریزه پرتاب کرده‌ای، نه سرت را تراشیده‌ای، نه اعمال حج خود را انجام داده‌ای، و نه در مسجد حَیَف، نماز خوانده‌ای و نه طواف کوچ به جا آورده‌ای و نه به قرب خدا رسیده‌ای! برگرد؛ زیرا تو حج به جا نیاورده‌ای!

شبلی، شروع به گریستن کرد، به خاطر آن کوتاهی‌هایی که در حجش کرده‌بود و همواره می‌آموخت، تا آن که سال بعد، با شناخت و یقین، حج به جا آورد. (۱) ۴/۴

آنچه پس از حج، شایسته است

الف- وداع با خانه خدا

۷۳۵. الکافی- به نقل از ابو اسماعیل-: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! هم‌اینک، در حال خروج از مکه‌ام. با خانه خدا، از کجا خداحافظی کنم؟

فرمود: «کنار دیوار کعبه، بین حجر الأسود و در کعبه رفته، از آن جا وداع می‌کنی، سپس بیرون رفته، از آب زمزم می‌نوشی و آن گاه، می‌روی.»

گفتم: از آب زمزم بر سرم بریزم؟

۱- قابل ذکر است که، اولاً: راوی منحصر به فرد این حدیث، نوه محدث جزائری، عبد الله بن نورالدین بن نعمه الله موسوی، مؤلف کتاب التحفة السنیة، شرح کتاب النخبه فی فیض کاشانی است. خود او در آغاز حدیث، نوشته است: «در چند جا این حدیث را یافتم. موثق‌ترین آنها مُرسلی است به خط یکی از مشایخ معاصر». این حدیث، در اصطلاح حدیث، وجاده مجهول مُرسل، نامیده می‌شود.

ص: ۲۸۶

فرمود: «نزدیک چنین کاری مشو!». (۱) ۷۳۶. الکافی - به نقل از قثم بن کعب: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا پیوسته به حج می‌روی؟»
گفتم: آری.

فرمود: «آخرین دیدارت با کعبه، این باشد که دست بر در کعبه نهاده، می‌گویی:

"بینوایی بر درگاه توست. پس بهشت را به او عطا کن." (۲) ۷۳۷. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار: امام صادق علیه السلام فرمود: «چون خواستی از مکه خارج شده، نزد خانواده‌ات برگردی، با کعبه، وداع کن و هفت بار طواف به جا آور و اگر می‌توانی، در هر دور، دست بر حجر الأسود و رُکن یمانی بکش؛ و گر نه، تنها در آغاز و پایان هر طواف، چنان کن و اگر این را هم نتوانستی، آزادی. سپس به مستجار رفته، نزد آن، همان کاری را که روز ورودت به مکه انجام دادی، انجام می‌دهی و سپس هر دعایی که خواستی، برای خودت می‌خوانی.

آن گاه، حجر الأسود را لمس کن، شکم خود را به خانه خدا بچسبان، یک دست خود را بر حجر الأسود و دست دیگر را به طرف در قرار ده و خدا را حمد و ثنا بگو و بر پیامبر و خاندانش درود فرست و بگو: "خدایا! بر محمد، بنده و فرستاده‌ات، امین و محبوبت، همراست و برگزیده خلقت، درود فرست، همان گونه که او، رسالت تو را رساند و در راه تو جهاد کرد و فرمان تو را آشکار ساخت و در راه تو و به خاطر تو، آزار دید و تو را عبادت کرد، تا آن جا که به یقین رسید.
خدایا! مرا رستگار، کامیاب و مستجاب برگردان، به بهترین چیزی که هر یک از میهمانان تو با آن بر می‌گردد، از آمرزش، برکت، رضوان و تن‌درستی.

خدایا! اگر مرا میراندی، پس بیامرم، و اگر زنده‌ام داشتی، سال آینده هم حج را

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۲ ح ۴، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۳ ح ۱۹۲۲۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۲ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۸۲ ح ۹۶۲، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۳ ح ۱۹۲۲۳.

ص: ۲۸۷

روزی ام کن. خدایا! این را آخرین زیارت خانهات برای من، قرار مده.

خدایا! من، بنده تو و پسر بنده و کنیز تو هستم. مرا بر مرکب خود نشاندی و در سرزمین خود، سیر دادی، تا آن که به حرم و خانه امن خود رساندی. در گمان نیک من، این بود که گناهانم را می‌آمیزی. اگر گناهانم را بخشوده‌ای، پس از من بیشتر خشنود باش و به خودت نزدیکم کن و دور مساز و اگر هنوز نیامرزیده‌ای، هم‌اینک ببخشای، پیش از آن که خانه‌ام از خانهات دور شود. اینک، زمان بازگشت من است.

اگر اذن بازگشت دهی، بی آن که به تو و خانهات، بی رغبت شده باشم، یا چیزی را به جای تو و خانهات، برگزیده باشم.

خدایا! مرا از پیش رو، پشت سر، سمت راست و چپم نگاهدار، تا آن که مرا به خانواده‌ام برسانی و مرا از هزینه بندگانت و خانواده‌ام کفایت کن؛ زیرا تو، عهده‌دار آنی، از بندگانت و از من."

سپس به زمزم برو و از آن بنوش و بیرون آی و بگو: "باز می‌گردیم، توبه کنان و عبادت کنان. باز می‌گردیم، در حالی که خدایمان را ستایشگریم و به سوی پروردگارمان، مشتاقیم و به سوی او باز می‌گردیم، إن شاء الله."!

همانا امام صادق علیه السلام چون با خانه خدا وداع کرد و خواست از مسجد الحرام بیرون آید، در آستانه در مسجد، مدّت طولانی به سجده افتاد. سپس برخاست و بیرون شد. (۱) ۷۳۸. الکافی - به نقل از ابراهیم بن ابی محمود: امام کاظم علیه السلام را دیدم که خانه خدا را وداع می‌کرد. چون خواست از در مسجد بیرون رود، به سجده افتاد. سپس برخاست، رو به کعبه کرد و گفت: «خدایا! من بر می‌گردم، بر این عقیده که جز تو معبودی نیست». (۲)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۸۰ ح ۹۵۷ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۱ ح ۱۹۲۲۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۱ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۸۱ ح ۹۵۸، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۱۸ ح ۴۳، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۰ ح ۲.

ص: ۲۸۸

۷۳۹. الکافی- به نقل از علی بن مهزیار:- امام جواد علیه السلام را در سال دویست و پانزده (۱) دیدم که پس از بالا- آمدن خورشید، با خانه خدا وداع کرد. خانه خدا را طواف نمود، در حالی که در هر دور، دست به رُکنِ یمانی می‌کشید. در دور هفتم، رُکنِ یمانی و حجرِ الأسود را لمس کرد و دست خود را بر صورت خود کشید. آن گاه کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و پشت آن، دو رکعت نماز خواند. سپس به پشت کعبه، کنار ملترم رفت، جامه از روی شکم خود، کنار زد و خود را به خانه خدا چسباند. مدتی طولانی دعاکنان بر همان حالت ماند. آن گاه، از درِ حنّاطان (گندم‌فروشان). بیرون رفت.

او را در سال دویست و هفده نیز دیدم که شب، خانه خدا را وداع می‌کرد و در هر دور طواف، دست بر رُکنِ یمانی و حجرِ الأسود می‌کشید. در دور هفتم، پشت کعبه، نزدیک رُکنِ یمانی و بالای سنگِ مستطیل، در حالی که لباس از روی شکم خود کنار زده بود، خود را به خانه خدا چسباند، سپس پیش حجرِ الأسود رفت، آن را بوسید و بر آن، دست کشید و به طرف مقام ابراهیم علیه السلام رفت و پشتِ مقام، نماز خواند. آن گاه رفت و به خانه خدا باز نگشت. توقّف او کنار مُلترم، به اندازه‌ای بود که برخی از شیعیان، هفت دور و برخی هشت دور، طواف کردند. (۲)

ب- مدینه رفتن

۷۴۰. الکافی- به نقل از احمد بن ابی عبد الله، از پدرش:- از امام باقر علیه السلام پرسیدم: از مدینه شروع کنم یا مکه؟ فرمود: «از مکه، آغاز کن و به مدینه، ختم نما، که این، برتر است. (۳)

۱- در پاره‌ای نسخه‌ها و نسخه تهذیب الأحکام، دویست و پانزده آمده، که درست، همان است، زیرا سال فوت امام جواد علیه السلام ۲۲۰ ق، است. لذا تاریخ ۲۲۵ که در متن حدیث آمده بود، اصلاح گشت.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۲ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۲۸۱ ح ۹۵۹، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۳۲ ح ۱۹۲۲۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۰ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۹ ح ۱۵۲۷ به نقل از جعفر از پدرش، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۵۸ ح ۳۱۴۰، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۵۲ ح ۱۹۳۱۱.

ص: ۲۸۹

۷۴۱. امام باقر علیه السلام: از مکه آغاز کنید و به ما، ختم نمایید. (۱) ر. ک: ص ۲۷۲ (دیدار امام). و ص ۳۷۵ (فصل چهارم: زیارت امامان اهل بیت علیهم السلام)، وسائل الشیعه: ج ۱۴ ص ۳۱۹/الباب ۱.

ج- زود برگشتن

۷۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما حجّ خود را انجام داد، زود به سوی خانواده‌اش باز گردد، که این کار، پاداش او را بیشتر می‌کند. (۲) ۷۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- در باره مدّت ماندن در مکه-: بعد از رفتن مردم، برای مهاجر، سه روز است. (۳) ۷۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مهاجر، پس از انجام مراسم حجّ خود، سه روز می‌ماند. (۴) ۷۴۵. امام صادق علیه السلام: هر گاه از اعمال فارغ شدی، باز گرد، که این، تو را برای برگشت [به حج] مشتاق‌تر می‌سازد. (۵)

د- صدقه دادن

۷۴۶. امام صادق علیه السلام: وقتی حج گزار، اعمالش را انجام داد و می‌خواهد بیرون بیاید، سزاوار است که یک درهم، خرما بخرد و آن را صدقه دهد، تا کفّاره چیزی باشد که شاید در حجّ او بر گردش آمده است، مثل خاراندن بدن، یا شپشی که افتاده، یا مانند این. (۶)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۰ ح ۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۵۸ ح ۳۱۳۸ هر دو به نقل از سدید، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۷۳ ح ۷ به نقل از الهدایه از امام صادق علیه السلام.

۲- سنن الدار قطنی: ج ۲ ص ۳۰۰ ح ۲۸۹، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۵۰ ح ۱۷۵۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۲۴ ح ۱۰۳۶۳، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۴ ح ۱۱۸۹۰.

۳- صحیح البخاری: ج ۳ ص ۱۴۳۱ ح ۳۷۱۸، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۵ ح ۴۴۳، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۳۴۱ ح ۱۰۷۳ همگی به نقل از علاء بن حضرمی، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۱۲۲۲۹.

۴- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۵ ح ۴۴۲، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۸۴ ح ۹۴۹، سنن النسائی: ج ۳ ص ۱۲۲، مسند ابن حنبل: ج ۷ ص ۱۷ ح ۱۹۰۰۶ همگی به نقل از علاء بن حضرمی، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰۰ ح ۱۲۲۳۰.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۳۰ ح ۲ به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۵۴ ح ۲۳۴۰ به نقل از داوود رقی، وسائل الشیعه: ج ۹ ص ۳۴۲ ح ۱۷۶۳۰.

۶- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۳ ح ۱ به نقل از معاویه بن عمّار و حفص بن بختری و ح ۲ به نقل از ابو بصیر، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج

۲ ص ۵۵۶، المقنع: ص ۲۸۹، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص ۲۲۹ همگی تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۴ ح ۱۹۲۲۸.

ص: ۲۹۰

۷۴۷. امام صادق علیه السلام: چون وارد مکه شدی، یک درهم خرما بخر و به خاطر آنچه در حال احرام عمرهات، از تو سر زده است، صدقه بده. و چون از حج خویش فارغ شدی، یک درهم خرما بخر و صدقه بده. و چون به مدینه نیز وارد شدی، همین کار را بکن. (۱) ۷۴۸. امام صادق علیه السلام: برای زن و مرد، مستحب است که از مکه بیرون نشوند، مگر آن که یک درهم خرما بخرند و به خاطر آنچه در حال احرامشان و در حرم خداوند عزوجل از آنان سر زده است، صدقه دهند. (۲)

هـ - سوغات

۷۴۹. امام صادق علیه السلام: سوغات حج، جزو حج است. (۳) ۷۵۰. امام صادق علیه السلام: سوغات، از هزینه حج است. (۴) ۵/۴

آنچه پس از بازگشت از حج، شایسته است

الف - وا نهادن گناهان

۷۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نشانه قبولی حج، آن است که بنده، گناهی را که مرتکب می شده است، ترک کند. (۵) ۷۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشانه های قبولی حج، آن است که فرد، از گناهی که انجام می داده است، برگردد. این، نشانه قبولی حج است. و اگر از حج باز گردد، ولی همچنان در لجنزار زنا، یا خیانت یا معصیت فرو رود، حج او به خودش برگردانده می شود. (۶)

۱- معانی الأخبار: ص ۳۴۰ ح ۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۱ ح ۳.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۸۳ ح ۳۰۲۹ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۵۲ ح ۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۰ ح ۵ به نقل از إسحاق بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۰۵ ح ۱۴۴۹۵.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۸۰ ح ۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۵ ح ۲۲۵۰ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۰۵ ح ۱۴۴۹۶.

۵- الجعفریات: ص ۶۶ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام.

۶- الجعفریات: ص ۶۶ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام.

ب- دیدار با حج‌گزار

۷۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه حج‌گزار را دیدار کردی، به او سلام بده و با او مصافحه کن و بخواه که پیش از آن که وارد خانه‌اش شود، برای تو آمرزش بخواهد، زیرا خود او، آمرزیده است. (۱) ۷۵۴. امام علی علیه السلام: وقتی برادر دینی‌ات از مکه باز آمد، میان دو چشمش را و دهانش را- که با آن، حجر الأسود را بوسیده است- ببوس؛ حجر الأسودی که پیامبر خدا، آن را بوسیده است. نیز چشم او را ببوس، که با آن، به خانه خداوند عزوجل نگریسته است و پیشانی و صورتش را ببوس. هر گاه خواستید به حج‌گزار تهنیت بگویید، بگویید:

«خداوند، عبادت‌هایت را قبول کند و سعی تو را مورد رحمت قرار دهد و خرج تو را جایگزین سازد و این حج را آخرین دیدار تو از خانه‌اش قرار ندهد!». (۲) ۷۵۵. تهذیب الأحکام- به نقل از عبد الوهاب بن صباح، از پدرش-: مُسَلِّم، غلام امام صادق علیه السلام، صدقه احدب را که از مکه آمده بود، ملاقات کرد و به او گفت: ستایش، خدا را که راهت را آسان و راه‌نمایت را راهبر شد و با تن درستی، تو را باز آورد، در حالی که حج، انجام یافته است و تو را بر وسعت و گشایش، یاری کرد. خدا، از تو قبول کند و مخارجت را جبران نماید و حج تو را مقبول و پاک کننده گناهانت قرار دهد! این سخن به گوش امام صادق علیه السلام رسید. فرمود: «به صدقه چه گفתי؟». او باز گفت.

۱- مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۳۵۱ ح ۵۳۷۱ و ص ۴۸۲ ح ۶۱۲۰، الفردوس: ج ۱ ص ۲۸۱ ح ۱۰۹۸ همگی به نقل از عبد الله بن عمر، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۰ ح ۱۱۸۲۳.

۲- الخصال: ص ۶۳۵ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، تحف العقول: ص ۱۲۳ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۵ ح ۹. نیز، ر. ک: کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۹۹ ح ۲۵۱۲.

ص: ۲۹۲

فرمود: «این را چه کسی به تو آموخت؟».

گفت: فدایت شوم! سرورم ابوالحسن (امام کاظم علیه السلام).

به او فرمود: «خوب چیزی آموخته‌ای. هر گاه یکی از برادرانت را دیدار کردی، این چنین به او بگو. همانا هدایت، به وسیله ما، هدایت است. و هر گاه اینان را دیدار کردی، به آنان بگو آنچه خود می‌گویند». (۱) ۷۵۶. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمود: به کسانی که از حج و عمره بر می‌گردند، سلام بگویید و با آنان، دست بدهید، پیش از آن که با گناهان، در آمیزند. (۲) ۷۵۷. امام صادق علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمود: ای کسانی که حج نگزارده‌اید! بازگشت حج گزار را مژده دهید و با آنان، دست داده، بزرگشان دارید که این، بر شما لازم است. در این صورت، در پاداش آنان، شریک خواهید شد. (۳) ۷۵۸. امام باقر علیه السلام: حج و عمره گزاران را محترم بدارید، که این بر شما لازم است. (۴) ۷۵۹. امام صادق علیه السلام: کسی که به دیدار حج گزار برود و با او دست دهد، همچون کسی است که حجر الأسود را لمس کرده است. (۵) ۷۶۰. امام صادق علیه السلام: کسی که با حج گزار تازه از گرد راه رسیده، معانقه کند، گویا حجر الأسود را لمس کرده است. (۶)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۴۴ ح ۱۵۴۷، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۳۲۸ ح ۱۵۲۳.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۶ ح ۱۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۵، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۳۲۷ ح ۱۵۲۲۲.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۴ ح ۴۸ به نقل از علی بن عبد الله، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۴، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۷ ح ۲۰۷ به نقل از خالد قلانسی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۶ ح ۱۴.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۶، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۳۲۷ ح ۱۵۲۲۴.

۵- ثواب الأعمال: ص ۷۴ ح ۱، الأمالی، صدوق: ص ۶۸۲ ح ۹۳۲، روضة الواعظین: ص ۳۹۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۴ ح ۵.

۶- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۳۰۰ ح ۲۵۱۳ به نقل از ابو الحسین اسدی، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۵۵۵ ح ۱۹۱۶، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۸۲ ح ۲.

ص: ۲۹۳

فصل پنجم: گوناگون

برائت از مشرکان

قرآن

۱/۵

(بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ * وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ (۱))

[این آیات] اعلام بیزاری [وعدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان، پیمان بسته‌اید. پس [ای مشرکان!] [چهار ماه [دیگر با امتیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید؛ و این خداست که رسوا کننده کافران است. و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان، تعهدی ندارند.

[با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید، آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید، پس بدانید که شما، خدا را درمانده نخواهید کرد؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، از عذابی دردناک، خبر ده).

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرءٌ وَآ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ

ص: ۲۹۴

دُونَ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَيْدُ وَهُوَ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ خَدَّهٖ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْنِكَ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْكَ أُنَبِّئُكَ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ؛ (۱)

قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند، سرمشقی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید، بیزاریم. به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما، دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده، تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید». جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت]: «حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست، با آن که در برابر خدا، اختیار چیزی را برای تو ندارم. ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم، و فرجام به سوی توست».

حدیث

۷۶۱. تفسیر العیاشی - به نقل از حرز، از امام صادق علیه السلام: - پیامبر خدا، ابو بکر را همراه [آیات] برائت، به موسم [حج] فرستاد تا آن را بر مردم بخواند. جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: از سوی تو، جز علی، آن را نرساند. پیامبر خدا علی علیه السلام را فراخواند و به او دستور داد تا بر شتر عَضْبَاء سوار شود و به او دستور داد که خود را به ابو بکر رسانده، برائت را از او بگیرد و در مکه بر مردم بخواند. ابو بکر گفت: آیا [پیامبر صلی الله علیه و آله بر من] خشم گرفته است؟ (/ آیا از روی خشم است؟). فرمود: «نه، جز این که بر او نازل شده "جز مردی از تو، آن را نمی‌رساند».

چون [علی علیه السلام] به مکه آمد (بعد از ظهر روز قربان، روز حج اکبر بود)، ایستاد.

سپس گفت: «من، فرستاده پیامبر خدا به سوی شمایم».

پس آیات برائت را بر آنان، خواند: «(بِرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسَيَحُوفُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ؛ [این آیات] بیزاری‌ای است از سوی خدا و پیامبرش نسبت به مشرکانی که با آنان، پیمان بستید. پس چهار ماه در زمین بگردید)، بیست روز از ذی حجه، محرم، صفر، ربیع اول و ده روز از ربیع ثانی. و گفت: نه زن و

ص: ۲۹۵

مرد عریان، حقّ طواف کعبه را دارند، نه مشرک، مگر کسی که با پیامبر خدا، پیمانی دارد. پس مدّت آن پیمان، تا این چهار ماه است.

و در خبر محمّد بن مسلم، آمده است: [ابو بکر] گفت: ای علی! آیا از وقتی که از پیامبر جدا شدم، چیزی در باره من، نازل شده است؟

فرمود: «نه، ولی خدا نخواست است که پیام از سوی محمّد را، جز مردی از خود او برساند».

پس به موسم رسید و در عرفه، مشعر، روز قربان کنار جَمَرَات و در همه ایام تشریق، از سوی خدا و پیامبرش، پیام را رساند و ندا می‌داد: «(بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * فَسَيَحْضُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ؛ بیزاری ای است از سوی خدا و پیامبرش ...). و عریان، حق ندارد کعبه را طواف کند». (۱) ۷۶۲. مسند ابن حنبل - به نقل از زید بن شیع، در باره ابو بکر - پیامبر صلی الله علیه و آله او را با [آیه‌های] براءت به سوی مردم مکه فرستاد: این که هیچ مشرکی پس از این سال به حج نیاید؛ برهنه‌ای به دور کعبه نچرخد؛ جز انسان مسلمان به بهشت وارد نمی‌شود؛ هر کسی با پیامبر خدا پیمانی دارد، فقط تا پایان مدّتش مهلت دارد؛ و خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند.

سه روز پس از حرکت ابو بکر، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «به او برس و ابو بکر را به سوی من، بازگردان و خود، آیه‌ها را ابلاغ کن».

پس علی علیه السلام همان کرد و چون ابو بکر بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد، گریست و گفت: ای پیامبر خدا! در باره من، چیزی رخ داده است؟

فرمود: «جز نیکی در باره تو رخ نداده است؛ ولی فرمان یافتم که آن را جز من یا مردی از خاندانم، ابلاغ نکند». (۲)

۱- تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۷۳ ح ۴ و ص ۷۴ ح ۵، علل الشرائع: ص ۱۹۰ ح ۲ به نقل از ابن عباس، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۴۰، اعلام الوری: ج ۱ ص ۲۴۸ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و در سه منبع اخیر با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۲۷۳ ح ۵.

۲- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۱۸ ح ۴، تاریخ دمشق: ج ۴۲ ص ۳۴۷ ح ۸۹۲۸، المناقب، خوارزمی: ص ۱۶۵ ح ۱۹۶، کنز العمال: ج ۲ ص ۴۱۷ ح ۴۳۸۹؛ کشف الغمّة: ج ۱ ص ۳۰۰.

تحقیق در باره مراسم برائت از مشرکان

اشاره

یکی از واجبات سیاسی حج از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، اعلان برائت از مشرکان است. برای آشنا شدن با مبانی این نظریه و نقش ادای این فریضه مهم در پیشبرد اهداف و آرمان‌های اسلام در جهان امروز، چند مسئله باید بررسی شود:

۱. معنای شرک و مشرک

شرک، ضدّ توحید و به معنای اعتقاد به قدرت‌های موهوم است. مؤحد، حقیقت‌پرست و یکتا‌پرست است و مشرک، موهوم‌پرست و مطیع قدرت‌های خیالی و پنداری است. قدرت‌های موهوم که مورد پرستش مشرکان قرار می‌گیرند، به سه دسته تقسیم می‌شوند و به تعبیر دیگر، در جهان بینی شرک و مشرکان، سه نوع بُت وجود دارد: بُت نفس، بُت جماد و بُت قدرت‌های طاغوتی. قدرت موهوم، گاه بُت نفس اماره است، چنان که در قرآن کریم، بدان چنین اشاره شده (أَفْرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ وَهْوَهُ؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خورش را معبود خود قرار داده است). (۱). گاه بت‌هایی است که از جمادات می‌ساختند، مانند «لات» و «هیل» که پیش از بعثت پیامبر اسلام، در حجاز مورد پرستش قرار می‌گرفتند و گاه بُت، قدرت‌های نامشروع و حاکمیت‌های طاغوتی است. امام خمینی قدس سره قدرت‌های

۱- فرقان: آیه ۴۳. نیز، ر. ک: جائیه: آیه ۲۳.

ص: ۲۹۸

استکباری را بت‌های نوین نامیده‌اند.

مؤخّید، حقیقت‌پرست است و یکتاپرست. مؤحد، نه خودپرست است، نه جمادپرست است، و نه قدرتمندپرست. مؤحد، فقط خدا را منشأ قدرت و اثر می‌داند. لذا فقط او را می‌پرستد و از او اطاعت می‌کند. مؤحد، فقط خدا را مالک سود و زیان می‌داند و لذا فقط از او استمداد می‌کند و از او بیم دارد، بر هیچ قدرتی جز خدا تکیه نمی‌کند و از هیچ قدرتی جز خدا نمی‌هراسد. مشرک، موهوم‌پرست و فرمانبر قدرت‌های خیالی است، گاه خود را می‌پرستد، گاه ساخته خود را، گاه زورمداران جهان را و گاه هر سه را!

خطر بزرگی که امروز جوامع توحیدی را تهدید می‌کند، شرک عملی به معنای سوم، یعنی پرستش و فرمانبری بت‌های نوین و قدرت‌های استکباری است و فلسفه برائت از مشرکان در جهان امروز، مبارزه با سلطه‌جویی قدرت‌های طاغوتی، استقلال، عزّت و اقتدار مسلمانان جهان است.

۲. ادیان الهی و برائت از مشرکان

هر چند ابراهیم خلیل الرحمن، نخستین پیامبری بود که با صراحت، مسئله برائت از شرک و مشرکان را اعلام کرد و از این رو، قرآن، مسلمانان را به تأسی از آن بزرگوار می‌خواند:

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءٌ وَآءٍ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۱))

و قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با او بودند، سرمشی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پرستید، بیزاریم».

امت اسلام، در اعلان برائت از مشرکان، به آن اسوه تاریخ انبیاء، اقتدا کرده است؛

ص: ۲۹۹

لیکن با یک نگرش دقیق در قرآن کریم، به روشنی درمی‌یابیم که برائت از مشرکان یکی از دو رکن اصلی توحید است و همه انبیای الهی موظف بودند در کنار دعوت مردم به پرستش الله، آنها را به اجتناب از قدرت‌های طاغوتی و برائت از همه گونه شرک و مشرک، دعوت نمایند:

(وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطُّغُوتَ. (۱) و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید: «خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید»].

طاغوت، تنها به معنای بت‌های ساخته و پرداخته عصر جاهلیت نیست؛ بلکه روشن‌ترین مصادیق آن، قدرت‌های شرک‌آمیزی هستند که جامعه را به سوی مقصدی جز مقصد انبیای الهی دعوت می‌کنند.

امام صادق علیه السلام در این باره و در توضیح کلمه «طاغوت» در آیه ۱۷ از سوره زمر (وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطُّغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا؛ آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند تا مبادا او را پرستند). می‌فرماید:

مَنْ أَطَاعَ جَبَّارًا فَقَدْ عَبَدَهُ. (۲) [یعنی] هر که از جباری فرمان برد، او را پرستیده است.

نکته مهم‌تر، شناخت توطئه‌ای است پیچیده در تاریخ اسلام، برای پنهان کردن روشن‌ترین مصادیق طاغوت و شرک و مشرک، تا جوامع اسلامی از این ناحیه، احساس خطر نکنند و برائت از مشرکان، به برائت از بت‌های عصر جاهلیت اولی منحصر گردد. امام صادق علیه السلام در عصر خود، از این توطئه خطرناک، پرده برداشته و با صراحت اعلام فرموده که:

۱- نحل: آیه ۳۶، نیز، ر. ک: زمر، آیه ۱۷ و نساء: آیه ۳۶.

۲- مجمع البیان: ج ۸ ص ۷۷۰، تأویل الآيات الظاهرة، ج ۲ ص ۵۱۳ ح ۵.

ص: ۳۰۰

إِنَّ بَنِي أُمَّيَّةَ أَطْلَقُوا لِلنَّاسِ تَعْلِيمَ الْإِيمَانِ وَلَمْ يُطْلِقُوا تَعْلِيمَ الشِّرْكِ لِكَيْ إِذَا حَمَلُوهُمْ عَلَيْهِ لَمْ يَعْرِفُوهُ. (۱) بنی امیه، تعلیم ایمان را آزاد گذاشتند و تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند، تا اگر آنان را به شرک کشاندند، آن را نشناسند.

۳. زمان و مکان برائت از مشرکان

بی تردید، برائت از مشرکان، هیچ محدودیتی از نظر زمان و مکان ندارد و بر همه مسلمانان، واجب است که در هر زمان و در هر مکان که ضرورت داشته باشد، برائت خود را به صورت انفرادی و اجتماعی، از مشرکان اعلام نمایند. البته در صورتی که ولی امر مسلمین، زمان و مکان و شکل خاصی را برای انجام این فریضه تعیین کند، اطاعت از ولی امر نیز واجب می‌گردد.

ولی مسئله مهم، این است که کدام مکان و کدام زمان برای اظهار برائت عمومی مسلمانان جهان از مشرکان، مناسب‌تر و ثمر بخش‌تر است؟ بی‌تأمل می‌توان گفت که: خانه توحید، شایسته‌ترین مکان و موسم حج، بهترین زمان برای اظهار برائت مسلمانان جهان از شرک و مشرکان است. امام خمینی رحمه الله در این باره می‌فرماید:

کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن (۲) و طهارت (۳) و ناس (۴) که در آن، به هر چه تجاوز و ستم و استعمار و بردگی و دون‌صفتی و نامردمی است، عملاً و قولاً، پشت شود و در تجدید میثاق (أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ). (۵)، بت الهه‌ها و اربابان «متفرقون» (۶)، شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگترین حرکت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در (وَأَذِّنْ مَنْ

۱- الکافی: ج ۲ ص ۴۱۵ ح ۱.

۲- ر. ک: بقره: آیه ۱۲۵.

۳- ر. ک: حج: آیه ۲۶.

۴- ر. ک: آل عمران: آیه ۱۶.

۵- اعراف: آیه ۱۷۲.

۶- ر. ک: یوسف: آیه ۳۹.

ص: ۳۰۱

اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ (...). (۱) زنده بماند و تکرار شود، چرا که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعلان برائت، کهنه شدنی نیست و نباید تنها اعلان برائت، به ایام و مراسم منحصر شود، که باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق، و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا، لبریز کنند

و چه بسا جاهلان متشیبک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راه‌پیمایی و اعلان برائت، نباید شکست و حج، جای عبادت و ذکر است، نه میدان صف‌آرایی و رزم. و نیز چه بسا عالمان متهتک القا کنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود در مسائل سیاسی، آن هم در ایام حج، دون شأن روحانیون و علما می‌باشد که خود این القانات نیز از سیاست مخفی و تحریکات جهان‌خواران به شمار می‌رود

به هر حال، اعلان برائت در حج، تجدید میثاق، مبارزه و تمرین تشکّل مجاهدان برای ادامه نبرد با کفر و شرک و بت پرستی‌هاست و به شعار هم خلاصه نمی‌شود که سرآغاز علنی ساختن منشور مبارزه و سازماندهی جنود خدا در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان است و از اصول اولیه توحید به شمار می‌رود و اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ و اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیا نیست، پس مأمّن و پناهگاه آنان در کجاست؟

خلاصه، اعلان برائت، مرحله اول مبارزه [است] و ادامه [دادن] آن مراحل دیگر [نیز] وظیفه ماست و در هر عصر و زمانی، جلوه‌ها و شیوه‌ها و برنامه‌های متناسب خود را می‌طلبند و باید دید که در عصری همانند امروز که سران کفر و شرک، همه موجودیت توحید را به خطر انداخته‌اند و تمامی مظاهر ملی، فرهنگی، دینی و سیاسی ملت‌ها را بازیچه هوس‌ها و شهوت‌ها نموده‌اند، چه باید کرد.

ص: ۳۰۲

آیا باید در خانه‌ها نشست و با تحلیل‌های غلط و اهانت به مقام و منزلت انسان‌ها و القای روحیه ناتوانی و عجز در مسلمانان، عملاً شیطان و شیطان‌زادگان را تحمیل کرد و جامعه را از وصول به خلوص - که غایت کمال و نهایت آمال است - منع کرد؟ و تصوّر نمود که مبارزه انبیا با بُت و بت پرستی‌ها منحصر به سنگ و چوب‌های بی‌جان بوده است و نعوذ باللّٰه، پیامبرانی چون ابراهیم علیه السلام در شکستن بت‌ها پیش قدم بوده‌اند، و اما در مصاف با ستمگران، صحنه مبارزه را ترک می‌کرده‌اند، و حال آن که تمام بت‌شکنی‌ها و مبارزات و جنگ‌های حضرت ابراهیم علیه السلام با نمرودیان و ماه و خورشید و ستاره‌پرستان، مقدمه یک هجرت بزرگ [بوده] و همه آن هجرت‌ها و تحمیل سختی‌ها و سکونت در وادی (عَیْرِ ذِی زَرْعٍ). (۱) و ساختن بیت و فدیة اسماعیل علیه السلام، مقدمه بعثت و رسالتی است که در آن، ختم پیام‌آوران، سخن اولین و آخرین بانیان و مؤسّس‌ان کعبه را تکرار می‌کند و رسالت ابدی خود را با کلام ابدی (إِنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ). (۲) ابلاغ می‌نماید که اگر غیر از این، تحلیل و تفسیری ارائه دهیم، اصلاً در زمان معاصر، بُت و بت پرستی وجود ندارد؟ و راستی کدام انسان عاقلی است که بت پرستی جدید و مدرن را در شکل‌ها و افسون‌ها و ترفندهای ویژه خود، نشناخته باشد و از سلطه‌ای که بت‌خانه‌هایی چون کاخ سیاه بر ممالک اسلامی و خون و ناموس مسلمین و جهان سوم پیدا کرده‌اند، خبر نداشته باشد؟ (۳)

۱- ر. ک: ابراهیم: آیه ۳۷.

۲- انعام: آیه ۱۹.

۳- صحیفه امام: ج ۲۰ ص ۳۱۴-۳۱۷ (قسمتی از پیام امام خمینی رحمه الله به حُجّاج بیت الله الحرام در اوّل ذی حجّه ۱۴۰۷ ق).

ص: ۳۰۳

۲ / ۵

حج گزاری پیامبران علیهم السلام

گوناگون

آدم، نوح، خضر، هود، صالح، ابراهیم، موسی، سلیمان، یونس و عیسی علیهم السلام
 ۷۶۳. تفسیر العیاشی - به نقل از زراره - از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله خانه خدا
 زیارت می شد؟

فرمود: «آری. نمی دانند که مردم، پیش تر هم حج می گزاردند و ما به شما خبر می دهیم که آدم، نوح و سلیمان علیهم السلام، همراه
 با جن و انس و پرندگان، حج خانه خدا کرده اند. موسی علیه السلام سوار بر شتری سرخ مو، حج گزارد، در حالی که می گفت:
 لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ!».

همانا خانه خدا، همان گونه که خداوند متعال فرموده است: (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ (۱)
 نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای است که در مکه است. مبارک و هدایتگر جهانیان است). (۲) ۷۶۴. امام
 صادق علیه السلام: چون آدم علیه السلام از منا کوچ کرد، فرشتگانی به استقبال او آمدند و گفتند: ای آدم! حجت قبول! ما دو هزار
 سال پیش از حج تو، این خانه را زیارت کرده ایم (حج گزارده ایم). (۳) ۷۶۵. امام رضا علیه السلام - به نقل از پدرانش - علی بن ابی
 طالب علیه السلام در مسجد کوفه بود که مردی از اهل شام برخاست و پرسید: آدم علیه السلام چند بار حج کرد؟

۱- آل عمران: آیه ۹۶.

۲- تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۱۸۶ ح ۹۲ و ص ۶۰ ح ۹۹ به نقل از حلبی از امام صادق علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار:
 ج ۹۹ ص ۴۴ ح ۳۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۱۹۴ ح ۴ به نقل از معاویه بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۰ ح ۲۲۷۵، وسائل الشیعه: ج ۸ ص
 ۵ ح ۱۴۱۱۶؛ السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۲۸ ح ۹۸۳۶، مسند الشافعی: ص ۱۱۶، دلائل النبوه، بیهقی: ج ۲ ص ۴۵ و در سه منبع اخیر به
 نقل از محمد بن کعب قرظی او غیره بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۸ ص ۳۵۰ ح ۲۲۷ به
 نقل از انس بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و در چهار منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۱۰۶ ح
 ۲۸۰۷۳.

ص: ۳۰۴

فرمود: «هفتاد بار پیاده. اولین باری که حج نمود، همراهش بازی شکاری بود، تا او را به سوی آب، راه‌نمایی کند و همراه او از بهشت بیرون آمده بود. و از خوردن گوشت باز شکاری و پرستو، نهی شده بود...».

پس شخص دیگری برخاست و پرسید: از آسمانیان، اولین کسی که حج گزارد، که بود؟

فرمود: «جبرئیل علیه السلام». (۱) ۷۶۶. مسند ابن حنبل - به نقل از ابن عباس - : چون پیامبر خدا، هنگام حج از وادی عَشْفَان عبور کرد، فرمود: «ای ابو بکر! این، کدام وادی است؟».
گفت: وادی عَشْفَان.

فرمود: «هود و صالح علیهما السلام نیز، سوار بر شترانی سرخ‌مو، که زمام آنها از لیف خرما بود و پوشش آنان، عبا و ردایشان، راه‌راه بود، بر این وادی گذشته‌اند، در حالی که لَبِیک می‌گفتند و برای حج خانه آزاد (کعبه). می‌رفتند». (۲) ۷۶۷. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: ابراهیم علیه السلام در میان مردم، به حج، ندا داد و گفت: «ای مردم! منم ابراهیم، خلیل خدا. خداوند، به شما فرمان داده است که این خانه را حج کنید». پس آن را حج کنید. پس تا روز قیامت، هر کسی که حج می‌کند، به او پاسخ داده. اولین کسی که دعوتش را پاسخ گفت، از اهل یمن بود. و ابراهیم علیه السلام با خانواده و فرزندان، حج گزاردند. (۳) ۷۶۸. امام رضا علیه السلام: خضر علیه السلام از آب حیات نوشید. پس زنده است و نمی‌میرد، تا در صور، دمیده شود. او نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدایش را می‌شنویم؛ ولی خودش

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۴۱-۲۴۴ ح ۱ به نقل از احمد بن عامر طایبی، علل الشرائع: ص ۵۹۴-۵۹۵ ح ۴۴ به نقل از عبد الله بن احمد بن عامر طایبی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۴۰ ح ۲۳.

۲- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۵۰۱ ح ۲۰۶۷، تفسیر ابن کثیر: ج ۳ ص ۴۴۰، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۴۰ ح ۴۰۰۳ تقریباً با همان الفاظ، تاریخ دمشق: ج ۶۲ ص ۲۷۵ ح ۱۲۸۱۱، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۲۹ ح ۳۴۷۹۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۰۵ ح ۴ به نقل از عقبه بن بشیر، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۱۴۱۱۴. نیز، ر. ک: مجمع البیان: ج ۷ ص ۱۲۹.

ص: ۳۰۵

را نمی‌بینیم. همانا او در آن جا حضور می‌یابد که یاد شود. پس هر یک از شما که او را یاد کرد، بر او سلام دهد. همانا او هر سال، در موسم حج، حضور می‌یابد و همه عبادات را انجام می‌دهد و در عرفات، وقوف می‌کند و به دعای مؤمنان، «آمین» می‌گوید. به زودی، خداوند، به واسطه او، وحشت قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می‌کند و تنهایی‌اش را به وسیله او، وصل می‌گرداند. (۱) ۷۶۹. امام باقر علیه السلام: موسی بن عمران علیه السلام حج گزارد، در حالی که همراهش هفتاد پیامبر از بنی اسرائیل بودند که زمام شترشان از لیف بود، لئیک می‌گفتند و کوه‌ها پاسخ لئیکشان را می‌دادند و بر دوش موسی علیه السلام دو عبای پنبه‌ای بود و می‌گفت: «لئیک، بنده تو فرزند بنده تو!». (۲) ۷۷۰. امام باقر علیه السلام: سلیمان بن داوود علیهما السلام همراه جن و انس و پرندگان و بادها، خانه خدا را حج نمود و بر کعبه، قباطی (۳) پوشاند. (۴) ۷۷۱. صحیح مسلم - به نقل از ابن عباس: - با پیامبر خدا، میان مکه و مدینه بودیم. بر وادی‌ای گذشتیم. فرمود: «این کدام وادی است؟». گفتند: وادی کبود.

فرمود: «گویا موسی علیه السلام را می‌بینم که دو انگشت خود را بر گوش‌های خود، نهاده و با ناله و فریاد لئیک به درگاه خدا، از این وادی می‌گذرد». سپس رفتیم تا به تپه‌ای رسیدیم. پرسید: «این، کدام تپه است؟». گفتند: تپه هرشی یا لفت.

۱- کمال الدین: ص ۳۹۰ ح ۴ به نقل از حسن بن علی بن فضال، الخرائج والجرائح: ج ۳ ص ۱۱۷۴ ح ۶۸ به نقل از امام عسکری علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۲۹۹ ح ۱۷.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۴ ح ۸ و ص ۲۱۳ ح ۳، علل الشرائع: ص ۴۱۹ ح ۶ هر دو به نقل از ابو بصیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۳ ص ۱۱ ح ۱۶. نیز، ر. ک: المعجم الکبیر: ج ۱۱ ص ۳۵۸ ح ۱۲۲۸۳.

۳- قُباط، نوعی پارچه سفید و نازک بود که از مصر می‌آوردند.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۳ ح ۶، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۲۲۸۵ هر دو به نقل از زراره، بحار الأنوار: ج ۱۴ ص ۷۵ ح ۱۹.

ص: ۳۰۶

فرمود: «گویا به یونس علیه السلام می‌نگرم که سوار بر شتری سرخ‌مو، با جُبه‌ای پشمین، که زمام شترش از لیف خرماست، لَبِیک گویان از این وادی می‌گذرد». (۱) ۷۷۲. امام صادق علیه السلام: موسای پیامبر علیه السلام بر کناره‌های رَوْحاء، گذر کرد، در حالی که بر شتری سرخ‌مو که زمامش از لیف خرما بود، سوار بود و بر دوشش دو عبای قَطوانی بود و می‌گفت: «لَبِیک! ای بزرگوار، لَبِیک!».

و یونس بن مَتَّى علیه السلام بر کناره‌های رَوْحاء گذر کرد، در حالی که می‌گفت: «لَبِیک! ای برطرف کننده اندوه‌های بزرگ، لَبِیک!».

عیسی بن مریم علیه السلام بر کناره‌های رَوْحاء گذشت، در حالی که می‌گفت: «لَبِیک، بندهات و فرزند بندهات، لَبِیک!».

و محمّد صلی الله علیه و آله بر کناره‌های رَوْحاء، گذر کرد، در حالی که می‌گفت: «لَبِیک! ای دارنده همه تعالی‌ها، لَبِیک!».

۳

حَجَّ پیامبر

۷۷۳. تهذیب الأحکام- به نقل از معاویه بن عمّار-: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا، ده سال در مدینه ماند و حج نگذارد. سپس خداوند، این آیه را نازل فرمود: (وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ؛ (۳) میان مردم، اعلام حج کن، تا مردم، پیاده و سوار بر هر مرکب لاغر، از هر راه دوری بیایند). پس به [جارچیان] دستور داد با رساترین صدایشان اعلام کنند که: پیامبر خدا، امسال به حج می‌رود.

۱- صحیح مسلم: ج ۱ ص ۱۵۲ ح ۲۶۹ و ۲۶۸، مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۴۶۳ ح ۱۸۵۴ هر دو تقریباً با همان الفاظ، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۵ ح ۲۸۹۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۱۳ ح ۴ به نقل از هشام بن حکم، علل الشرائع: ص ۴۱۹ ح ۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۲۲۸۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۸۵ ح ۱۵.

۳- حج: آیه ۲۷.

ص: ۳۰۷

این را همه مردم مدینه و کوه‌نشینان و بادیه‌نشینان دانستند. پس گرد آمدند. پیامبر خدا نیز حج گزارد. آنان، تابع و منتظر فرمان بودند تا پیروی کنند، یا این که پیامبر صلی الله علیه و آله کاری کند تا آنان هم همان کار را انجام دهند.

پیامبر خدا، چهار روز از ذی‌قعدة مانده، بیرون شد. چون به ذوالحلیفه رسید و ظهر شد، غسل کرد و بیرون رفت، تا به مسجدی که نزدیک درخت است، آمد. نماز ظهر را در آن جا خواند و تصمیم به حج افراد (عمره مفرده). گرفت. به راه افتاد، تا به بیداء رسید، نزدیک میل اول. مردم، در دو ردیف، برای او صف کشیدند. لئیک حج افراد را گفت و شصت و شش یا شصت و چهار شتر برای قربانی کردن به همراه آورد، تا آن که آخر روز چهارم ذی‌حجه به مکه رسید. هفت دور، کعبه را طواف کرد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خواند. سپس به طرف حجر الأسود بازگشت و بر آن، دست کشید. در آغاز طواف خود نیز آن را لمس کرده بود. سپس فرمود: «صفا و مروه، از پرستشگاه‌های خدا هستند. از جایی آغاز کنید که خداوند، آغاز کرده است».

مسلمانان می‌پنداشتند سعی میان صفا و مروه، از ساخته‌های مشرکان است.

خداوند متعال، این آیه را نازل فرمود: (إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا؛ (۱)) صفا و مروه، از پرستشگاه‌های خدا هستند. پس کسی که به حج یا عمره رود، اشکالی بر او نیست که میان آن دو را طواف کند). سپس به صفا آمد و بر بالای آن رفت و رو به رُکن یمانی نمود. خدا را حمد و ثنا گفت و دعا کرد، به اندازه‌ای که سوره بقره، با آرامش خوانده شود. سپس به سوی مروه روان شد و آن جا نیز به اندازه توقّف در صفا ایستاد، تا آن که از سعی خود، فارغ شد. در حالی که بالای مروه بود، جبرئیل علیه السلام آمد و فرمان داد که به مردم دستور دهد تا

ص: ۳۰۸

از احرام در آیند، مگر آنان که با خود، قربانی آورده‌اند. مردی گفت: آیا از احرام در آییم، در حالی که هنوز از عبادات خویش، فراغت نیافته‌ایم؟
فرمود: «آری».

چون پیامبر خدا، پس از فراغت از سعی، بر مروه ایستاد، رو به مردم کرد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «این، جبرئیل است (و با دست، به پشت سر خود، اشاره کرد). که فرمانم می‌دهد تا دستور دهم هر که قربانی همراه نیاورده، از احرام در آید. اگر من نیز این را پیش‌تر می‌دانستم، آن‌چنان می‌کردم که به شما دستور می‌دهم؛ ولی من، قربانی همراه آورده‌ام و برای کسی که قربانی آورده، روا نیست که از احرام، در آید، تا آن که قربانی به محل خود برسد».

مردی از آن میان گفت: آیا ما به عنوان حاجیان بیرون آییم، در حالی که از موهای ما آب می‌چکد؟ (۱) پیامبر خدا به او فرمود: «اما تو، پس از این، هرگز ایمان نخواهی آورد».

سراقه بن مالک کنانی گفت: ای پیامبر خدا! دینمان را به ما چنان بیاموز که گویی امروز، آفریده شده‌ایم. این که فرمودی، برای امسال است یا برای آینده؟

پیامبر خدا فرمود: «برای همیشه است، تا روز قیامت».

آن‌گاه، انگشتانش را در هم فرو برد و فرمود: «تا روز قیامت، عمره را داخل حج کردم».

علی علیه السلام از یمن بر پیامبر خدا- که در مکه بود- وارد شد. نزد فاطمه علیها السلام رفت، در حالی که از احرام، در آمده بود و بوی خوش به مشام علی علیه السلام رسید و بر تن فاطمه علیها السلام جامه‌های رنگی دید. گفت: ای فاطمه! این، چه کاری است؟».

فاطمه علیها السلام گفت: پیامبر خدا، چنین دستور داد.

۱- یعنی ما بتوانیم آمیزش داشته و غسل جنابت کرده باشیم؟

ص: ۳۰۹

علی علیه السلام خدمت پیامبر خدا رفت، در حالی که نسبت به فاطمه علیها السلام حالتِ سؤال و عتاب داشت و گفت: ای پیامبر خدا! فاطمه را دیدم که از احرام به در آمده و لباس‌های رنگی بر تن داشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من به مردم، چنین دستور دادم و تو- ای علی- چگونه احرام بستی؟».

گفت: ای پیامبر خدا! گفتیم: مُحَرَّم می‌شوم، به همان گونه‌ای که پیامبر خدا، احرام بسته است.

ایشان فرمود: «پس مانند من، بر احرامت باقی بمان. تو در قربانی من، شریک منی».

پس پیامبر خدا و اصحابش در مکه، در شتزار شهر، فرود آمدند و وارد خانه‌ها نشدند. چون روز تَزْوِیَه (هشتم ذی‌حجه). فرا رسید،

هنگام ظهر به مردم دستور داد که غسل کنند و برای حج، مُحَرَّم شوند. این، همان سخن خداوند است که بر پیامبرش نازل

فرمود: (فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا؛ (۱))

از آیین ابراهیم، پیروی کنید).

پیامبر خدا و اصحاب، با حالتِ احرام حج، بیرون آمدند، تا آن که به منا رسیدند.

نماز ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح را آن جا خواند، سپس اولِ روز، همراه مردم، حرکت کرد. قریش، پیش تر از مُرْدَلَفَه کوچ

می کردند و نمی گذاشتند مردم، از آن جا کوچ کنند. پیامبر خدا آمد، در حالی که قریش، امید داشتند که کوچ پیامبر صلی الله علیه

و آله از جایی باشد که آنان می روند. خداوند، این آیه را بر پیامبرش نازل فرمود: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ؛

(۲)) سپس از آن جا کوچ کنید که مردم، کوچ می کنند و از خداوند، آمرزش بطلبید)، یعنی ابراهیم، اسماعیل و اسحاق و پس از

آنان که از آن جا کوچ می کردند.

۱- آل عمران: آیه ۹۵.

۲- بقره: آیه ۱۹۹.

ص: ۳۱۰

قریش، چون دیدند که هودج پیامبر صلی الله علیه و آله عبور کرد، گویا چیزی در دلشان وارد شد، به خاطر آن که امید داشتند پیامبر خدا، از محلّ کوچ آنها، کوچ کند، تا آن که به نَمِرِه رسیدند، که وادی عَزَنه است، در مقابل اراک. (۱) پیامبر خدا، خیمه زد. مردم هم خیمه‌هایشان را آن جا زدند. چون ظهر شد، پیامبر خدا بیرون آمد- در حالی که قریش، همراه او بودند- و غسل کرد و لَبِیک گفتن را قطع نمود، تا آن که در مسجد، ایستاد و مردم را موعظه و امر و نهی فرمود. آن گاه، نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه خواند و به موقف رفت و وقوف کرد. مردم، شتابان، شروع کردند به فرود آمدن و وقوف در نزدیکی محلّ گام‌های شتر پیامبر صلی الله علیه و آله.

ایشان، ناقه را دورتر بُرد آنان نیز چنان کردند. پس فرمود: «ای مردم! موقف، تنها جای گام‌های شتر من نیست. همه این منطقه، موقف است» و با دست، به موقف، اشاره کرد.

پس مردم، پراکنده شدند. در مُزْدَلَفَه نیز چنین کرد، وقوف نمود تا آن که قرص خورشید، غروب کرد. آن گاه، کوچ کرد و مردم را به آرامش، فرا خواند تا آن که به مُزْدَلَفَه- که همان مشعر الحرام است- رسید. نماز مغرب و عشا را، با یک اذان و دو اقامه خواند و آن جا ماند، تا آن که نماز صبح را آن جا برگزار کرد و شبانه، ضعیفای بنی هاشم را زودتر به منا فرستاد و به آنان، دستور داد تا جَمْرَه عَقَبَه را سنگ نزنند، تا خورشید، طلوع کند.

پس چون روز، روشن شد، کوچ کرد تا به منا رسید. جَمْرَه عَقَبَه را سنگ زد.

پیامبر صلی الله علیه و آله، شصت و چهار، یا شصت و شش قربانی آورده بود. علی علیه السلام هم سی و چهار، یا سی و شش قربانی آورده بود. پیامبر خدا، شصت و شش شتر، قربانی کرد و علی علیه السلام سی و چهار شتر. پیامبر خدا، دستور داد از هر قربانی، پاره‌ای از گوشت آن را بردارند و در ظرفی نهاده، بپزند. پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از آن خوردند و از آب گوشت

۱- نام محلّی است در نزدیکی نَمِرِه، در عرفات.

ص: ۳۱۱

آن، تناول نمودند و به قصاب‌ها چیزی از پوست، شکمبه و ... آنها نداد و آن را صدقه داد. پیامبر صلی الله علیه و آله سرش را تراشید و خانه خدا را زیارت کرد و به منا بازگشت و تا روز سوم از روزهای تشریق، در منا ماند. سپس جمره‌ها را سنگ زد و کوچ کرد تا به وادی مکه رسید. عایشه گفت: ای پیامبر خدا! همسرانت با حج و عمره برگردند و من، تنها با حج برگردم؟ پیامبر خدا، در آن وادی ماند و عبد الرحمان بن ابی بکر را همراه عایشه به تنعیم فرستاد. عایشه، از آن جا احرام عمره بست. سپس آمد و خانه خدا را طواف کرد و کنار مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز خواند و میان صفا و مروه، سعی کرد. آن گاه، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت. پیامبر خدا، همان روز، کوچ کرد و دیگر وارد مسجد الحرام نشد و کعبه را طواف نکرد. [هنگام آمدن از بالای مکه، از گردنه مدنی‌ها وارد شد و از پایین مکه، از ذی طوی، خارج گشت. (۱) ۴/۵

فضیلت حجّ نیابتی

۷۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عزّ و جلّ، بایک حج، سه گروه را وارد بهشت می‌کند: مُرده را، کسی را که برای او حجّ نیابتی کرده، و کسی را که برای او نایب گرفته است. (۲) ۷۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک حج به نیابت از مُرده، سه حجّ است: حجّی برای مُرده، حجّی برای نایبش، و حجّی برای عمل کننده به وصیت مُرده. (۳)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۴ ح ۱۵۸۸، الکافی: ج ۴ ص ۲۴۵ ح ۴، مجمع البیان: ج ۲ ص ۵۲۰ هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۳۹۰ ح ۱۳.

۲- السنن الکبری: ج ۵ ص ۲۹۳ ح ۹۸۵۵، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۱ ح ۴۱۲۳، تفسیر القرطبی: ج ۴ ص ۱۵۱ همگی به نقل از جابر بن عبد الله، المطالب العالیة: ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۱۰۸۰، تنبیه الغافلین: ص ۴۹۳ ح ۷۷۱ به نقل از سعید بن مسیب، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۷۹۱.

۳- الفردوس: ج ۲ ص ۱۳۶ ح ۲۶۹۶ به نقل از انس، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۱۲۳۴۳.

ص: ۳۱۲

۷۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از طرف مُرده‌ای حج انجام دهد، هم برای آن مُرده، و هم برای حج گزار، رهایی از آتش، نوشته می‌شود. (۱) ۷۷۷. سنن الدارمی - به نقل از سوده، دختر زمعه -: مردی به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: پدرم پیرمردی کهن سال است و نمی‌تواند حج برود.

فرمود: «اگر پدرت قرضی داشت، آیا از طرف او، آن را ادا می‌کردی؟».

گفت: آری.

فرمود: «خداوند، مهربان‌تر است. از طرف پدرت، حج بگزار». (۲) ۷۷۸. الکافی - به نقل از ابن مُسکان -: به امام صادق علیه السلام

گفتم: کسی به نیابت از دیگری حج می‌گزارد. چه پاداشی و ثوابی برای اوست؟

فرمود: «کسی که به نیابت از دیگری حج می‌گزارد، پاداش ده حج را دارد». (۳) ۷۷۹. کتاب من لا یحضره الفقیه: از امام صادق

علیه السلام پرسیدند: مردی که از طرف دیگری حج انجام می‌دهد. چه اجر و ثوابی دارد؟

فرمود: «برای کسی که از طرف دیگری حج می‌گزارد، پاداش و ثواب ده حج است و خودش، پدر و مادرش، پسر و دخترش،

برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله‌اش آمرزیده می‌شوند. خداوند، بی‌نیاز و بزرگووار است. (۴) ۷۸۰. الکافی - به نقل از عبد

الرحمان بن سنان -: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی به حضور ایشان آمد. امام علیه السلام سی دینار به او پرداخت که

به نیابت از اسماعیل (فرزند

۱- کنز العمال: ج ۵ ص ۱۲۵ ح ۱۲۳۴۲ به نقل از دیلمی از ابن عباس.

۲- سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۷۰ ح ۱۷۸۱، مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۹۸ ح ۲۷۴۸۷، السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۳۹ ح ۸۶۳۴ به نقل

از عبد الله بن زبیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۱۲۳۳۲. نیز، ر. ک: سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۱۶۲ ح ۱۸۱۰ و

سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۱۶ و ۱۱۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۲ ح ۲، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۱۵ ح ۱۴۵۳۶.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۲۲۳۹، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۱۷ ح ۱۳ به نقل از خط شهید.

ص: ۳۱۳

امام صادق علیه السلام). حج بگزارد و چیزی از عمره تا حج نماند، مگر آن که بر او شرط کرد که انجام دهد و حتی شرط کرد که در وادی محسّر هم سعی (تند رفتن به صورت هرّوله). را انجام دهد.

سپس فرمود: «فلانی! اگر این کارها را انجام دهی، برای اسماعیل که از مال خود، خرج حج کرده است، یک حج است و برای تو که بدن خود را به رنج می‌افکنی، نه حج خواهد بود.» (۱) ۷۸۱. الغیبه، نعمانی - به نقل از حازم بن حبیب - خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: خدا خیرت دهد! پدر و مادرم از دنیا رفته‌اند و حج انجام نداده‌اند. خداوند هم به من روزی داده و احسان کرده است. در باره حج از طرف آن دو، چه نظر می‌دهی؟

فرمود: «چنین کن. این حج، برای آن دو، گوارا [و شادی‌بخش] خواهد بود.» (۲) ۷۸۲. رجال الکشی - به نقل از فضل بن هشام هروی - برایم گفته می‌شد که محمودی (۳) بسیار به حج می‌رود. از او پرسیدم که چند بار به حج رفته است. تعداد آنها را به من نگفت و گفت: الحمد لله، بسیار نصیب شده است.

گفتم: از طرف خودت، حج به جا می‌آوری یا به نیابت از دیگری؟

گفت: بعد از حجّ واجب، از طرف دیگران، حج می‌گزارم. از طرف پیامبر خدا، حج می‌گزارم و آنچه را که خداوند به من جایزه داده است، برای دوستان او قرار می‌دهم و آنچه را که خداوند بر این کارم به من پاداش دهد، به زنان و مردان باایمان می‌بخشم. گفتم: در حجّ خود چه می‌گویی؟

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۲ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۵۱ ح ۱۵۷۳ به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۱۱۵ ح ۱۴۵۳۴. نیز، ر. ک: کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۲۶ ح ۲۸۷۶ و دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۷.

۲- الغیبه، نعمانی: ص ۱۷۲ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۱۷ ح ۱۰.

۳- محمودی، از بزرگان معاصر امام عسکری علیه السلام بوده و ایشان، در نامه‌اش به اسحاق بن اسماعیل می‌نویسد: «این را برای محمودی هم بخوان - خدا عافیتش دهد - چه قدر او را به خاطر طاعتش می‌ستاییم!». نیز محمودی خود می‌گوید: امام جواد علیه السلام پس از وفات پدرم برای من نوشت: «پدرت از دنیا رفت. خدا از او و از تو راضی باد! او نزد ما همچنان بر حالتی پسندیده است و تو از این حال، هرگز دور نخواهی شد».

ص: ۳۱۴

گفت: می‌گویم: خدایا! از سوی پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله احرام می‌بندم و جزای خودم را از سوی تو و او، برای اولیای پاک تو قرار می‌دهم و پاداش این هدیه‌ام را به بندگان مؤمن تو، هدیه می‌کنم، بر اساس کتاب تو و سنت پیامبرت...» تا آخر دعا.

(۱) ۵/۵

فضیلت به حج بُردن کودک

۷۸۳. صحیح مسلم - به نقل از ابن عباس - زنی، در حج، فرزند خردسال خود را [در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله] بلند کرد و پرسید: ای پیامبر خدا! آیا این هم حج دارد؟

فرمود: «آری؛ و برای تو پاداش است». (۲) ۷۸۴. الکافی - به نقل از زراره - امام [باقر علیه السلام یا امام صادق] فرمود: «هر گاه کسی کودک خردسال خود را به حج آورد، به او دستور دهد که «لَبَّيْكَ» گوید و حج را واجب کند. اگر خوب نتوانست لبیک بگوید، خودش از طرف او لبیک گوید، او را طواف دهد و از طرف او نماز بخواند. گفتم: کودکان، چیزی ندارند که قربانی کنند.

فرمود: «بزرگ ترها از جانب کودکان، قربانی کنند و روزه بگیرند و کودک را از آنچه بر مُحَرَّم حرام است، از لباس و بوی خوش، پرهیز دهند و اگر صیدی را کُشت، کفاره‌اش بر پدر اوست». (۳) ۷۸۵. تهذیب الأحکام - به نقل از عبد الرحمان بن حجاج - در آن سال که ما مجاور مکه بودیم و

۱- رجال الکشی: ج ۲ ص ۷۹۸ ش ۹۸۷، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۱۱۷ ح ۱۲.

۲- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۷۴ ح ۴۱۰، سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۲۰، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۶۵ ح ۹۲۴، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۷۱ ح ۲۹۱۰، حلیة الأولیاء: ج ۸ ص ۲۹۵ ح ۴۲۷ تقریباً با همان الفاظ و در سه منبع اخیر به نقل از جابر بن عبد الله، کنز العمال: ج ۵ ص ۲۸۳ ح ۱۲۹۰۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۳۰۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۰۹ ح ۱۴۲۴، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۳۳ ح ۲۸۹۳، وسائل الشیعة: ج ۸ ص ۲۰۸ ح ۱۴۸۲۵.

ص: ۳۱۵

روز تَزْوِیَه (هشتم ذی حَجه). خواستیم احرام ببندیم، از امام صادق علیه السلام پرسیدم: همراه ما فرزندِ خردسالی است. فرمود: «به مادرش بگویند با حمیده (۱) دیدار کند و از او پرسد که با کودکانش چه کند».

آن زن رفت و از حمیده پرسید. حمیده به او پاسخ داد: چون روز تَزْوِیَه شود، کودک را عریان کنید، غسلش دهید، همان‌گونه که مُحْرِم، عریان می‌شود. سپس از طرف او احرام ببندید و او را در موقف‌ها هم وقوف دهید. روز عید قربان، از طرف او به جَمَرَات، سنگ بزنید و سرش را بتراشید. سپس او را به زیارت خانه خدا ببرید و به خدمتکار بگویند که او را دور خانه خدا و بین صفا و مروه، طواف دهد. (۲) ۶/۵

پاداش یاری رساندن به خانواده حج‌گزار

۷۸۶. امام باقر علیه السلام: کسی که [در غیاب حج‌گزار] به خانواده‌اش رسیدگی کند، اجری چون او دارد تا حدی که گویی سنگ‌های کعبه را لمس کرده است. (۳) ۷۸۷. امام صادق علیه السلام: دعای سه گروه، مستجاب است: حج‌گزار، پس ببیند که چگونه به خانواده او، رسیدگی می‌کنید؛ و جنگجوی در راه خدا، پس بنگرید که چگونه به خانواده او سرکشی می‌کنید؛ و بیمار، پس او را خشمگین و افسرده نکنید. (۴) ر. ک: ص ۱۶۵ (دعایش مستجاب است).

۱- همسر امام صادق علیه السلام.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۱۰ ح ۱۴۲۵، الکافی: ج ۴ ص ۳۰۱ ح ۵ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۸ ص ۲۰۷ ح ۱۴۸۲۱.

۳- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۸ ح ۲۲۶۳، المحاسن: ج ۱ ص ۱۴۷ ح ۲۰۶ به نقل از خالد قلانسی از امام صادق علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۷ ح ۱.

۴- الکافی: ج ۲ ص ۵۰۹ ح ۱، عدّه الداعی: ص ۱۱۵ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از عیسی بن عبد الله قمی، مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۹ ح ۲۰۴۲، بحار الأنوار: ج ۹۳ ص ۳۵۷ ح ۱۶.

ص: ۳۱۶

۷/۵

حاجیان، چه اندک‌اندا!

۷۸۸. رجال الکشی - به نقل از ابو العزّندس کندی، از مردی از قریش - در آستانه کعبه بودیم و امام صادق علیه السلام نشسته بود. به او گفته شد: حجّاج چه بسیارند! فرمود: «حج گزار، چه کم است!». پس عمرو بن ابی مقدام عبور کرد. امام علیه السلام فرمود: «این، از حاجیان است». (۱) ۷۸۹. بصائر الدرجات - به نقل از عبد الکریم بن کثیر - با امام صادق علیه السلام حج گزاردم. بخشی از راه را رفته بودیم که امام علیه السلام بالای کوهی رفت و از آن جا به مردم نگاه کرد و فرمود: «ناله‌ها، چه بسیار است و حاجیان، چه اندک‌اندا!». (۲)

۱- رجال الکشی: ج ۲ ص ۶۹۰ ش ۷۳۸، بشاره المصطفی: ص ۷۳ تقریباً با همان الفاظ به نقل از ابو الجارود از امام باقر علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۱۹۶ ح ۵۵.

۲- بصائر الدرجات: ص ۳۵۸ ح ۱۵، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۱۲ به نقل از ابو بصیر، التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: ص ۶۰۷ ح ۳۵۹ به نقل از امام زین العابدین علیه السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۱۲۴ ح ۱. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۸ ص ۲۳۷ ح ۳۱۸.

ص: ۳۱۷

فصل ششم: حجّ اصغر

فضیلت عمره

۱ / ۶

۷۹۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- در نامه‌اش به عمرو بن حزم، آن گاه که او را به حکومت یمن برگزید:-
 عمره، حجّ اصغر است. (۱) ۷۹۱. الکافی- به نقل از عمر بن اذینه:- از امام صادق علیه السلام در باره سخن خدا (الحجّ الأكبر). (۲)
 پرسیدم. فرمود: «حجّ اکبر، وقوف در عرفات و رمی جمرات است و حجّ اصغر، عمره است». (۳) ۷۹۲. الکافی- به نقل از معاویه بن
 عمّار:- از امام صادق علیه السلام در باره (الحجّ الأكبر)؛ (۴)
 روز حجّ اکبر). پرسیدم. فرمود: «مقصود، روز عید قربان است و حجّ اصغر، همان عمره است». (۵)

۱- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۵۵۳ ح ۱۴۴۷، صحیح ابن حبان: ج ۱۴ ص ۵۰۴ ح ۶۵۵۹؛ السنن الکبری: ج ۴ ص ۱۵۰ ح ۷۲۵۵ و ص ۵۷۴ ح ۸۷۷۱، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۸۵ ح ۲۲۲ همگی به نقل از عمرو بن حزم، کنز العمّال: ج ۵ ص ۸۶۴ ح ۱۴۵۷۲.

۲- توبه: آیه ۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۲۶۴ ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۷۶ ح ۱۷ به نقل از ابن سرحان و ص ۷۷ ح ۱۸ به نقل از زراره، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۲۳ ح ۱۱.

۴- توبه: آیه ۳.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۹۰ ح ۱، معانی الأخبار: ص ۲۹۵ ح ۲، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۷۶ ح ۱۶ و ص ۷۷ ح ۱۹ هر دو به نقل از عبد الرحمان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۲۳ ح ۱۳.

ص: ۳۱۸

۷۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدان که عمره، همان حج اصغر است و یک عمره، بهتر از دنیا است و آنچه در آن است، و یک حج، بهتر از عمره است. (۱) ۷۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاداش حج، بهشت است و عمره، کفاره هر گناه است. (۲) ۷۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمره تا عمره دیگر، کفاره [گناهان] میان آن دو عمره است. (۳) ۷۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حج یا عمره انجام دهد و [در آن آمیزش جنسی و] گناه نکند، باز می‌گردد، مثل حالت روزی که مادرش او را به دنیا آورده است. (۴) ۷۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار نفرند که دعایشان رد نمی‌شود، تا آن که درهای آسمان برایشان گشوده شود و دعایشان به عرش برسد: پدر برای فرزند خود، ستم‌دیده بر ستمگر، عمره‌گزار تا آن که باز گردد، و روزه‌دار تا آن که روزه بگشاید. (۵) ۷۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جهاد سالخورده و کوچک و ناتوان و زن، حج و عمره است. (۶) ۷۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حج، جهاد است و عمره، مستحب است. (۷)

۱- المعجم الكبير: ج ۹ ص ۴۴ ح ۸۳۳۶ به نقل از عثمان بن ابو العاص، کنز العمال: ج ۷ ص ۶۰۱ ح ۲۰۴۵۳.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۳ ح ۴ به نقل از سکونی از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۳۰، الجعفریات: ص ۶۷ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۳- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۲۹ ح ۱۶۸۳، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۸۳ ح ۴۳۷، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۷۲ ح ۹۳۳، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۴۵۸ ح ۱۷۴۱ تقریباً با همان الفاظ، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۶۴ ح ۲۸۸۸ همگی به نقل از ابو هریره؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۲۹ به نقل از امام رضا علیه السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۴ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله.

۴- سنن الدار قطنی: ج ۲ ص ۲۸۴ ح ۲۱۳، تاریخ أصبهان: ج ۲ ص ۱۵۲ ش ۱۳۳۷ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از ابو هریره.

۵- الکافی: ج ۲ ص ۵۱۰ ح ۶ به نقل از عبد الله بن طلحه نهدی از امام صادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۶ ح ۲۲۵۵، فضائل الاشهر الثلاثة: ص ۸۶ ح ۶۴ و ص ۱۱۱ ح ۱۰۴، الأمالی، صدوق: ص ۳۳۷ ح ۳۹۴ و در سه منبع اخیر به نقل از عبد الله بن طلحه نهدی از امام صادق علیه السلام از پدرانش از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۶ ص ۲۵۶ ح ۳۹.

۶- سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۱۴، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۴۰۳ ح ۹۴۵۰، السنن الكبرى: ج ۴ ص ۵۷۲ ح ۸۷۵۹ همگی به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۷۹۷.

۷- سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۹۵ ح ۲۹۸۹، المعجم الأوسط: ج ۷ ص ۱۷ ح ۶۷۲۳ هر دو به نقل از طلحه بن عبید الله، السنن الكبرى: ج ۴ ص ۵۶۹ ح ۸۷۵۰ به نقل از ابو صالح حنفی، المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۴ ص ۳۰۴ ح ۲ به نقل از ابو صالح ماهان، کنز العمال:

ص: ۳۱۹

۸۰۰. سنن الترمذی- به نقل از جابر:- از پیامبر صلی الله علیه و آله در باره عمره پرسیدند که آیا واجب است؟ فرمود: «نه؛ ولی عمره انجام دادن، برتر است». (۱) ۸۰۱. فضائل الأشهر الثلاثة- به نقل از عبد الرحمان بن هبیره:- روزی در حضور پیامبر خدا بودیم. فرمود: «دیشب، شگفتی‌هایی دیدم!».

پرسیدیم: چه دیدی، ای پیامبر خدا؟ برایمان باز گو. جانمان و خانواده و فرزندانمان فدایت! فرمود: «مردی از ائمتم را دیدم که مقابلش تاریکی و پشت سرش تاریکی بود، از سمت راست و چپش و از زیر پایش ظلمت و غرق در تاریکی بود. پس حج و عمره او آمدند و او را از تاریکی رها کرده، وارد نور کردند». (۲) ۸۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به قصد عمره بیرون شود و بمیرد، تا قیامت برای او پاداش عمره گزار نوشته می‌شود. (۳) ۸۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله- به عایشه، وقتی به عمره می‌رفت:- پاداش تو به اندازه رنجی است که می‌بری و خرجی است که می‌کنی. (۴) ۸۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمره نسبت به حج، مثل جایگاه سر نسبت به پیکر و مثل زکات [فطره] نسبت به روزه است. (۵)

۱- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۷۰ ح ۹۳۱، صحیح ابن خزیمه: ج ۴ ص ۳۵۷ ح ۳۰۶۸، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۳۶ ح ۱۴۸۵۱ تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۸ ح ۱۲۳۰۵.

۲- فضائل الأشهر الثلاثة: ص ۱۱۲-۱۱۳ ح ۱۰۷، الأمالی، صدوق: ص ۳۰۱-۳۰۲ ح ۳۴۲ به نقل از عبد الرحمان بن سمره، روضة الواعظین: ص ۳۹۳ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۷ ص ۲۹۰ ح ۱؛ نوادر الاصول: ج ۲ ص ۲۲۹، تاریخ واسط: ص ۱۶۹، تاریخ دمشق: ج ۳۴ ص ۴۰۶ ح ۷۰۴۵ هر دو به نقل از عبد الرحمان بن سمره و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۵ ص ۹۲۶ ح ۴۳۵۹۲.

۳- المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۲۸۲ ح ۵۳۲۱، مسند أبی یعلی: ج ۶ ص ۲۶ ح ۶۳۲۷، تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۳۴۶ همگی به نقل از ابو هریره.

۴- المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۴۴ ح ۱۷۳۳، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۸۷۷ ح ۱۲۶، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۲۹۲ ح ۲۴۲۱۴، السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۴۳ ح ۸۶۴۸ همگی به نقل از عایشه و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ.

۵- الفردوس: ج ۳ ص ۸۳ ح ۴۲۳۴ به نقل از ابن عباس، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۱۲۲۹۶.

ص: ۳۲۰

۸۰۵. تهذیب الأحکام- به نقل از زُراره-: به امام باقر علیه السلام گفتم: چه چیزی در فضیلت، پس از حج است؟ فرمود: «عمره مفرده. سپس هر جا که خواست، برود». (۱) ۸۰۶. امام کاظم علیه السلام: خداوند عزوجل، نماز واجب را با نماز مستحب (نافله)، کامل ساخت و روزه ماه رمضان را با روزه مستحب و حج را با عمره، کامل ساخت و زکات را با صدقه. (۲) ر. ک: ص ۱۴۸ (پاداش حج). و ص ۱۵۶ (نتایج پیوسته حج گزاردن). و ص ۱۶۱ ح ۳۷۲ و ص ۱۶۳ ح ۳۸۲ و ص ۱۶۴ (در ضمانت خداوند). و ص ۱۶۸ ح ۴۰۵.

نکته

۱. شایع است که هر گاه روز عرفه با جمعه مصادف شود، حج آن سال، «حج اکبر» نامیده می‌شود؛ ولی در احادیث اسلامی، مستندی برای این قول، نیافتیم (۳). حج اکبر، در زبان احادیث، حج تمتع است که مشتمل بر وقوفین (وقوف در عرفات و منا). و مناسک مناسک، در مقابل حج اصغر که به عمره مفرده اطلاق می‌شود. (۴) ۲. تعبیر (يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ) - که در آیه سوم سوره براءت آمده است-، در بسیاری از روایات، تطبیق به «يَوْمُ النَّحْرِ» (۵) (روز عید قربان) شده و در برخی نیز «يَوْمُ عَرَفَةَ» (روز عرفه) دانسته شده است. (۶)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۳ ح ۱۵۰۲، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۳۸ ح ۱۹۲۴۲.

۲- المحاسن: ج ۲ ص ۲۸ ح ۱۱۰۱ به نقل از حسین بن خالد، بحار الأنوار: ج ۸۱ ص ۱۲۹ ح ۱۶ به نقل از علل الشرائع.

۳- سیوطی، از پیامبر خدا آورده است که: «اگر عرفه با جمعه مصادف شود، بهترین روز است و بهتر از هفتاد حج در غیر جمعه است» (خصائص يوم الجمعة: ص ۸۷ ح ۲۲۳)؛ اما این حدیث، دلالتی بر «حج اکبر» ندارد (نیز، ر. ک: تفسیر روح المعانی، آلوسی: ج ۱ ص ۴۷).

۴- ر. ک: روایات فصل یکم، تفسیر الطبری: ج ۶ جزء ۱۰ ص ۷۴-۷۶.

۵- ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۲۹۰ ح ۱، معانی الأخبار: ص ۲۹۵ ح ۲، تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۳۲۳ ح ۱۳، صحیح البخاری:

۶- ر. ک: تفسیر الطبری: ج ۶ جزء ۱۰ ص ۶۷ و ۶۸، تفسیر ابن کثیر: ج ۲ ص ۳۶۹، الدر المنثور: ج ۴ ص ۱۲۹، مجمع البیان: ج ۵ ص ۹.

ص: ۳۲۱

۲/۶

هر ماه، یک عمره

۸۰۷. امام صادق علیه السلام: علی علیه السلام می فرمود: «در هر ماه، یک عمره است». (۱) ۸۰۸. امام صادق علیه السلام: سال، دوازده ماه است. برای هر ماه، یک عمره انجام می شود. (۲) ۸۰۹. الکافی - به نقل از علی بن ابی حمزه - امام کاظم علیه السلام فرمود: «برای هر ماه، یک عمره است».

پرسیدم: برای کمتر از آن هم می شود؟

فرمود: «برای هر ده روز، یک عمره است». (۳) توضیح

علّامه مجلسی رحمه الله می گوید: «شیعیان، در این مسئله، اختلاف نظر دارند. سید مرتضی و ابن ادریس و محقق حلّی و گروهی دیگر، پی در پی آوردن دو عمره را به هر گونه، روا دانسته اند و ابن ابی عقیل می گوید: دو عمره، در یک سال، جایز نیست. شیخ طوسی در المبسوط می گوید: کمترین فاصله میان دو عمره، ده روز است، و ابو الصلاح و ابن حمزه و محقق حلّی در کتاب النافع و علّامه حلّی در مختلّف الشیعه، این فاصله را یک ماه دانسته اند. می توان در استدلال به روایات، (۴) خدشه کرد که صراحت در منع از تکرار عمره در یک ماه ندارند؛ زیرا ممکن است معنای اختصاص به یک

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۴ ح ۱ به نقل از یونس بن یعقوب و ح ۲ به نقل از عبد الرحمان بن حجّاج تقریباً با همان الفاظ، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۵ ح ۱۵۰۹ به نقل از معاویه بن عمّار، قرب الإسناد: ص ۳۶۹ ح ۱۳۲۰ به نقل از احمد بن محمد بن ابو نصر از امام رضا علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳۱ ح ۱؛ السنن الکبری: ج ۴ ص ۵۶۲ ح ۸۷۲۸، أخبار مکّه، فاکهی: ج ۵ ص ۸۵ ح ۲۸۹۱ هر دو به نقل از مجاهد از امام علی علیه السلام.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۸ ح ۲۹۶۴ به نقل از إسحاق بن عمّار، الاصول الستّه عشر: ص ۱۱۱، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۵ ح ۱۹۲۸۲.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۴ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۵ ح ۱۵۰۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۸ ح ۲۹۶۵، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۴ ح ۱۹۲۷۷.

۴- روایاتی که برای هر ماه، یک عمره را جایز دانسته اند.

ص: ۳۲۲

ماه، این باشد که گزاردن عمره در هر ماه، مستحب مؤکد است. [و سعی شود کمتر از این نشود]. (۱) صاحب جواهر نیز می‌گوید: «کمترین فاصله میان دو عمره، ده روز است و این رأی، از مختار آنچه در التحریر، التذکره، المنتهی، الإرشاد و التبصره نقل شده، گرفته شده است». (۲) امام خمینی قدس سره می‌فرماید: «در مقدار فاصله میان دو عمره، اختلاف کرده‌اند. احتیاط آن است که در فاصله کمتر از یک ماه، عمره را به امید ثواب، به جا بیاورند». (۳) ۳/۶

فضیلت عمره در ماه رجب

۸۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین عمره، عمره رجب است. (۴) ۸۱۱. امام صادق علیه السلام: عمره گزار، در هر یک از ماه‌های سال، می‌تواند عمره انجام دهد و برترین عمره، عمره رجب است. (۵) ۸۱۲. مصباح المتهجد- از امامان علیهم السلام: عمره ماه رجب، در فضیلت، پس از حج است. (۶) ۸۱۳. امام صادق علیه السلام- هنگامی که پرسیده شد: کدام عمره، برتر است؟ عمره رجب یا عمره در

۱- مرآة العقول: ج ۱۸ ص ۲۳۲.

۲- جواهر الکلام: ج ۷ ص ۴۸۸.

۳- تحریر الوسیله: ج ۱ ص ۴۰۳ ش ۳.

۴- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۲۲۰ ح ۲۲۳۰، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۳ ح ۱۵۰۲ به نقل از زراره از امام باقر علیه السلام، علل الشرائع: ص ۴۰۸ ح ۱، تفسیر العیاشی: ج ۱ ص ۸۸ ح ۲۲۳ هر دو به نقل از معاویه بن عمّار از امام صادق علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳۱ ح ۲.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۶ ح ۶ به نقل از معاویه بن عمّار، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۴ تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۱ ح ۱۹۲۶۰.

۶- مصباح المتهجد: ص ۷۹۸، السرائر: ج ۱ ص ۶۳۴ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۱ ح ۱۹۲۶۳.

ص: ۳۲۳

رمضان؟- نه؛ بلکه عمره در ماه رجب، بافضیلت تر است. (۱) ۸۱۴. امام صادق علیه السلام: اگر احرام بستنی و از ماه رجب، هنوز یک شبانه‌روز باقی است، عمره تو رجبیه است. (۲) ۸۱۵. قرب الإسناد- به نقل از علی بن جعفر-: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: عمره رجب چیست؟

فرمود: «هر گاه در ماه رجب، احرام بستنی - هر چند یک روز از آن مانده باشد-، عمره رجب را درک کرده‌ای، اگر چه در ماه شعبان برسی؛ چرا که اگر در ماه رجب احرام بستنی، عمره رجب است». (۳) ۴/۶

فضیلت عمره در ماه رمضان

۸۱۶. سنن ابی داوود- به نقل از امّ مَعْقِلَ: چون پیامبر خدا، آخرین حج را انجام داد، ما را شتری بود که ابو مَعْقِلَ، آن را در راه خدا نذر کرده بود. به ما بیماری رسید و ابو مَعْقِلَ از دنیا رفت. پیامبر خدا، برای حج، بیرون آمد. چون از حجّ خود فارغ شد، خدمتش رسیدم.

فرمود: «ای امّ مَعْقِلَ! چه شد که با ما به حج نیامدی؟».

گفتم: آماده شده بودیم که ابو مَعْقِلَ از دنیا رفت. شتری داشتیم که با آن به حج می‌رفتیم. ابو مَعْقِلَ، وصیت کرد که در راه خدا مصرف شود.

فرمود: «چرا با آن شتر به حج نیامدی؟ حج هم راه خداست. پس حال که حجّ با ما را از کف دادی، پس در ماه رمضان به عمره برو که همچون حجّ است».

امّ مَعْقِلَ می‌گفت: حجّ، حجّ است و عمره، عمره است. این را پیامبر خدا برایم

۱- کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۳ ح ۲۹۴۹ به نقل از معاویة بن عمّار، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۹ ح ۱۹۲۵۰.

۲- کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۴ ح ۲۹۵۱ به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۳۹ ح ۱۹۲۵۱.

۳- قرب الإسناد: ص ۲۴۱ ح ۹۵۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳۱ ح ۴.

ص: ۳۲۴

فرمود. نمی‌دانم که آیا تنها برای من، چنین است؟ (۱) ۸۱۷. الکافی - به نقل از ولید بن صبیح -: به امام صادق علیه السلام گفتم: به ما چنین رسیده که عمره در ماه رمضان، با حج برابر است.

فرمود: «این، در مورد زنی است که پیامبر خدا به او وعده داد و فرمود: «در ماه رمضان، عمره بگزار، که برای تو یک حج است».

(۲) ۸۱۸. الکافی - به نقل از حمّاد بن عثمان -: هر گاه امام صادق علیه السلام می‌خواست به عمره برود، منتظر صبح روز بیست و سوم ماه رمضان می‌شد. آن گاه همان روز، احرام بسته، بیرون می‌شد. (۳) ۸۱۹. الکافی - به نقل از علی بن حدید -: در سال ۲۱۳ هجری، در ماه رمضان، ساکن مدینه بودم. چون عید فطر نزدیک شد، به امام جواد علیه السلام نوشتم و از ایشان پرسیدم که: برای عمره ماه رمضان بیرون شوم، برتر است یا آن که صبر کنم تا ماه به پایان برسد و همه روزه‌هایم را بگیرم؟

نامه‌ای به خط خویش برایم نوشت که: «رحمت خدا بر تو! پرسیدی که کدام عمره برتر است. عمره ماه رمضان، برتر است. خدای رحمت کند!». (۴) ۵/۶

عمره مفرده در ماه‌های حج

۸۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در ماه‌های حج، (۵) عمره انجام دهد و برگردد و حج نگذارد، این،

۱- سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۰۴ ح ۹۸۹ و ۱۹۸۸، السنن الکبری: ج ۶ ص ۴۴۹ ح ۱۲۶۰۳، فتح الباری: ج ۳ ص ۶۰۴ و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۱۴ ح ۱۲۲۹۰. نیز، ر. ک: صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۳۱ ح ۱۶۹۰ و الجعفریات: ص ۶۷.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۵ ح ۱، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۱ ح ۱۹۲۶۴. نیز، ر. ک: دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۶ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۸۳ ص ۱۱۸ ح ۴۴.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۶ ح ۲، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۴۲ ح ۱۹۲۶۵.

۵- ماه‌های حج، عبارت‌اند از: شوال، ذی قعدة و ذی حجه.

ص: ۳۲۵

عمره مفرده است و اگر حج بگزارد، عمره‌اش تمتع است. (۱) ۸۲۱. امام صادق علیه السلام: امام حسین علیه السلام در ذی حجه، عمره انجام داد. سپس روز تزوییه (هشتم ذی حجه) به سوی عراق حرکت کرد، در حالی که مردم به سوی من می‌رفتند، و کسی که نخواهد حج انجام دهد، عمره در ذی حجه برای او اشکالی ندارد. (۲) ۸۲۲. امام صادق علیه السلام: عمره مفرده در ماه‌های حج، اشکالی ندارد. سپس [شخص] به سوی خانواده خود بر می‌گردد. (۳) ۸۲۳. امام صادق علیه السلام: عمره مبتوله (بریده)، آن است که شخص، خانه خدا را طواف کند و سعی صفا و مروه را انجام دهد و از احرام، در آید. پس اگر خواست همان ساعت برگردد، بر می‌گردد و کوچ می‌کند. (۴) ۶/۶

عمره‌های پیامبر

۸۲۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، سه عمره جدا جدا انجام داد: یکی عمره‌ای در ذی قعدة که از عُسفان، احرام بست - که عمره حدیبیه است؛ یکی عمره‌ای که از جُحفه، مُحرم شد - که عمره قضا بود؛ یکی هم عمره‌ای که پس از بازگشت از جنگ حُنین و طائف، از جعرانه احرام بست. (۵)

۱- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۴، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳۳ ح ۱۴.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۵ ح ۴ به نقل از معاویه بن عمّار و ح ۳ به نقل از ابراهیم بن عمر یمانی تقریباً با همان الفاظ، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۷ ح ۱۵۱۹ به نقل از معاویه بن عمّار، بحار الأنوار: ج ۴۵ ص ۸۵ ح ۱۵.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۴ ح ۱ و ص ۵۳۵ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۶ ح ۱۵۱۵ همگی به نقل از عبد الله بن سنان، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۴۶ ح ۱۹۲۸۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۳۷ ح ۵ به نقل از ابو بصیر، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۳۴ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۳۳ ح ۱۶.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۲۵۱ ح ۱۰ به نقل از معاویه بن عمّار و ص ۲۵۲ ح ۱۳ به نقل از أبان، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۴۵۰ ح ۲۹۴۳ هر دو تقریباً با همان الفاظ؛ بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۴۰۰ ح ۲۹. نیز، ر. ک: الموطأ: ج ۱ ص ۳۴۲ ح ۵۵.

ص: ۳۲۶

۸۲۵. الخصال- به نقل از ابن عباس-: پیامبر صلی الله علیه و آله چهار عمره انجام داد: عمره حدیبیه، عمره قضا در سال بعد، سوم از جِعرانه، و چهارم، همراه با حجّ خود. (۱) ۸۲۶. صحیح البخاری- به نقل از ابو اسحاق-: از مسروق، عطاء و مجاهد پرسیدم. گفتند: پیامبر خدا، در ذی حجّه، پیش از آن که حج بگذارد، عمره به جا آورد. و از براء بن عازب شنیدم که می گفت: پیامبر خدا، دو بار در ماه ذی قعدة، پیش از آن که حج بگذارد، عمره به جا آورد. (۲) ۸۲۷. سنن الترمذی- به نقل از مُحَرَّش کعبی-: پیامبر خدا، شبانه به قصد عمره از جِعرانه بیرون آمد. شب به مکه رسید و عمره‌اش را انجام داد. همان شب، بیرون شد و صبح در جِعرانه بود، همچون کسی که شب را آن جا مانده باشد. هنگام ظهر فردا، از وسط سیرف (۳) بیرون شد، تا آن که از راه اصلی آمد، راه جمع (مُزْدَلَفَه). در میان سرف. از این رو، عمره او بر مردم، پوشیده ماند. (۴) توضیح

در باره تعداد و زمان عمره‌های پیامبر خدا، روایات مختلفی نقل شده است که می توان از مجموع آنها نتیجه گرفت که ایشان، سه عمره مفرده انجام داده است.

روایاتی که عمره‌های ایشان را چهار بار گفته‌اند، عمره پیامبر صلی الله علیه و آله در حجّه الوداع را نیز به آنها افزوده‌اند و احادیثی که آنها را دو بار دانسته‌اند، تنها عمره‌های آشکار ایشان را

۱- الخصال: ص ۲۰۰ ح ۱۱، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۱ ص ۱۷۶ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۳ ح ۲؛ صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۳۱ ح ۱۶۸۸، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۹۹ ح ۳۰۰۳، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۲۶۹ ح ۱۲۳۷۵، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۰۶ ح ۱۹۹۴ و در چهار منبع اخیر به نقل از انس تقریباً با همان الفاظ.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۳۱ ح ۱۶۸۹، سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۷۵ ح ۹۳۸ به نقل از براء، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۳۰۱ ح ۵۰۶۹، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۰۴ ح ۱۹۸۶ هر دو به نقل از ابن عمر، الموطأ: ج ۱ ص ۳۴۳ ح ۵۷ به نقل از سعید بن مسیب. نیز، ر. ك: الطبقات الكبرى: ج ۲ ص ۱۷۱.

۳- سرف: جایی نزدیک تنعیم، در ده میلی مکه است.

۴- سنن الترمذی: ج ۳ ص ۲۷۳ ح ۹۳۵، سنن النسائی: ج ۵ ص ۱۹۹، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۲۸۴ ح ۱۵۵۱۳، أخبار مکه، فاکهی: ج ۵ ص ۶۲ ح ۲۸۴۰؛ الإقبال: ج ۲ ص ۴۲ همگی تقریباً با همان الفاظ.

ص: ۳۲۷

بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، پیامبر خدا، پس از نبرد حُنین، در شب از جعرانه به مکه آمد و پس از انجام عمره به جعرانه باز گشت و صبح، مانند دیگران از خواب برخاست. از این رو، این عمره ایشان بر بسیاری پوشیده ماند. بیشتر محدثان، زمان وقوع عمره‌های پیامبر صلی الله علیه و آله را در ماه ذی قعدة دانسته‌اند و برخی سؤال و رجب را نیز افزوده‌اند.

(۱)

۱- ر. ک: سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۹۹۷ ح ۲۹۹۶ و ۲۹۹۷ و مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۵۹۸ ح ۶۶۹۷ و ص ۵۹۹ ح ۶۶۹۸ و أخبار مکه، فاکهی: ج ۵ ص ۸۴ ح ۲۸۸۹ و الکافی: ج ۴ ص ۲۵۲ ح ۱۴.

ص: ۳۲۹

بخش سوم: مدینه منوره

اشاره

بخش سوم: مدینه منوره (۱)

۱- ر. ک: آخر کتاب (نقشه شماره ۷).

ص: ۳۳۱

فصل یکم: فضیلتِ مدینه

اشاره

فصل یکم: فضیلتِ مدینه (۱)

۱ / ۱

نام‌های مدینه

۸۲۸. تاریخ اصبهان - به نقل از ابن عمر: پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز در بازگشت از هیچ سفری، بر مدینه مُشْرِف نشد، مگر آن که فرمود: «ای پاک! ای سیرور شهرها!». (۲) ۸۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای عزوجل، مرا فرمان داد که مدینه را طَیِّبه (پاک). بنامم. (۳) ۸۳۰. صحیح البخاری - به نقل از ابو حَمَید: همراه پیامبر صلی الله علیه و آله از تبوک آمدیم. چون به مدینه رسیدیم، فرمود: «این، طابه (پاک). است». (۴) ۸۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال، مدینه را طابه (پاک). نامیده است. (۵) ۸۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدینه، ده نام دارد [که از آنهاست]: مدینه، طَیِّبه، طابه، مَسکینه، جبار،

۱- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۷.

۲- تاریخ اصبهان: ج ۲ ص ۲۳۴ ش ۱۵۴۵، الفردوس: ج ۵ ص ۳۰۰ ح ۸۲۴۶، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۵۹ ح ۳۴۹۴۱.

۳- المعجم الکبیر: ج ۲ ص ۲۳۶ ح ۱۹۸۷ به نقل از جابر، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۲ ح ۳۴۸۰۸. نیز، ر. ک: مسند ابن حنبل: ج ۱۰ ص ۳۷۳ ح ۲۷۳۹۴ و التاریخ الکبیر: ج ۲ ص ۱۴۶ ش ۱۹۹۶.

۴- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۶۲ ح ۱۷۷۳، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۱۱ ح ۵۰۳، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۱۵۳ ح ۲۳۶۶۵، صحیح ابن حبان: ج ۱۴ ص ۴۲۸ ح ۶۵۰۱ هر دو تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۹ ح ۳۴۹۹۳؛ اعلام الوری: ج ۱ ص ۲۴۷، بحار الأنوار: ج ۲۱ ص ۲۴۸ ح ۲۵.

۵- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۰۷ ح ۴۹۱، السنن الکبری، نسایی: ج ۲ ص ۴۸۲ ح ۴۲۶۰، مسند ابن حنبل: ج ۷ ص ۴۰۹ ح ۲۰۸۶۱ و ص ۴۲۰ ح ۲۰۹۲۹ همگی به نقل از جابر بن سمره، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۲ ح ۳۴۸۰۹.

ص: ۳۳۲

مَجْبُورَه، يَنْدَد و يَثْرَب

مَجْبُورَه، يَنْدَد و يَثْرَب (۱). (۲)

نکته‌ای درباره نام‌های مدینه

مورخان و سیره‌نویسان، نام‌های فراوانی برای مدینه برشمرده‌اند. از جمله سَمِهودی در وفاء الوفا، ۹۴ اسم ذکر می‌کند (۳) که به بعضی از آنها در قرآن هم اشاره شده است، مانند يَثْرَب (۴) و المدینه. گفتنی است واژه «مدینه» چهارده بار در قرآن به کار رفته است؛ ولی فقط چهار مورد آن به مدینه النبی صلی الله علیه و آله اشاره دارد. (۵) ۲/۱

ویژگی‌های مدینه**الف- حرم پیامبر صلی الله علیه و آله**

الف- حرم پیامبر صلی الله علیه و آله (۶)

۸۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای هر پیامبری، حرمی است و حرم من، مدینه است. (۷) ۸۳۴. صحیح مسلم- به نقل از سهل بن حنیف: پیامبر خدا، با دست خویش به مدینه اشاره کرد و فرمود: «این حرمی ایمن است». (۸)

۱- در این حدیث، هشت نام ذکر شده است. مؤلف تاریخ المدینه، بعد از نقل این حدیث، حدیث دیگری را نقل می‌کند که در آن، دو نام دیگر، یعنی «دار» و «ایمان» برای مدینه، برشمرده شده است و می‌افزاید: «خدا می‌داند که آیا دو نام افتاده از حدیث اول، همین دو نام‌اند یا نه» (ر. ک: تاریخ المدینه: ج ۱ ص ۱۶۲).

۲- تاریخ المدینه: ج ۱ ص ۱۶۲ به نقل از زید بن اسلم.

۳- وفاء الوفا: ج ۱ ص ۸-۲۷. نیز، ر. ک: فضائل المدینه المنوره، محمد بن یوسف صالحی: ص ۳۳.

۴- ر. ک: احزاب: آیه ۱۳.

۵- ر. ک: توبه: آیه ۱۰۱ و ۱۲۰، احزاب: آیه ۶۰، منافقون: آیه ۸.

۶- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۸.

۷- مسند ابن حنبل: ج ۱ ص ۶۸۲ ح ۲۹۲۳، تاریخ اصبهان: ج ۱ ص ۴۰۳ ش ۷۵۹، سیر اعلام النبلاء: ج ۴ ص ۳۷۷ ش ۱۵۱ همگی به نقل از ابن عباس، المعجم الاوسط: ج ۶ ص ۳۵۶ ح ۶۶۰۷ از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کنز العمال:

ج ۱۲ ص ۲۳۷ ح ۳۴۸۳۱.

۸- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۰۳ ح ۴۷۹، السنن الکبری: ج ۵ ص ۳۲۴ ح ۹۹۶۵، المعجم الکبیر: ج ۶ ص ۹۲ ح ۵۶۱۱، المصنف، ابن أبی شیبہ: ج ۷ ص ۵۵۱ ح ۱۱، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۰ ح ۳۴۸۴۵.

ص: ۳۳۳

۸۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ابراهیم علیه السلام، مگه را گرامی داشت و برای آن، دعا کرد. من نیز مدینه را گرامی داشتم و حرمت نهادم، آن گونه که ابراهیم، مگه را حرمت نهاد. من برای مُدَّ و صاع (۱) مدینه دعا کردم، آن گونه که ابراهیم علیه السلام برای مگه دعا کرد. (۲) ۸۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! ابراهیم، مگه را حرمت نهاد و آن را حرم قرار داد. من نیز مدینه را.

محدوده دو تنگه آن را حرمت می‌نهم و حرام می‌کنم، تا خونی در آن ریخته نشود، سلاح برای جنگ، همراه برداشته نشود و گیاه آن، جز برای علوفه دام، چیده نشود.

خدایا! مدینه را بر ما مبارک گردان.

خدایا! پیمانۀ (مُدَّ و صاع). ما را پُربرکت گردان.

خدایا! مدینه ما را پُربرکت گردان. خدایا! با یک برکت، دو برکت قرار بده. سوگند به آن که جانم در دست اوست، هیچ درّه و شکافی در مدینه نیست، مگر آن که دو فرشته، مأمور نگهبانی از آن‌اند، تا وارد آن شوید! (۳) ۸۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدینه، حرم است، از «عیر» تا «ثور». هر کس در آن قتلی مرتکب شود، یا قاتلی را پناه دهد، نفرین خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد! از او در روز قیامت هیچ توبه و فدیۀ‌ای پذیرفته نمی‌شود. (۴)

۱- مُدَّ و صاع، دو نوع پیمانۀ و واحد وزن در عربی است.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۷۴۹ ح ۲۰۲۲، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۹۱ ح ۴۵۴ تقریباً با همان الفاظ، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۵۳۳ ح ۱۶۴۴۶، السنن الکبری: ج ۵ ص ۳۲۲ ح ۹۹۵۶، المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص ۱۸۴ ح ۵۱۸ همگی به نقل از عبد الله بن زید، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۴۱ ح ۳۴۸۶۰.

۳- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۰۱ ح ۴۷۵، السنن الکبری، نسایی: ج ۲ ص ۴۸۵ ح ۴۲۷۶، السنن الکبری: ج ۵ ص ۳۲۹ ح ۹۹۸۲، تفسیر ابن کثیر: ج ۱ ص ۲۵۱ هر دو تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از أبو سعید خدری، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۲ ح ۳۴۸۱۱.

۴- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۹۹۵ ح ۴۶۷ به نقل از امام علی علیه السلام و ص ۹۹۹ ح ۴۶۹ به نقل از ابو هریره، صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۶۲ ح ۱۷۷۱ و ج ۶ ص ۲۴۸۲ ح ۶۳۷۴ به نقل از امام علی علیه السلام بدون نسبت دادن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۰۳۴ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۱ ح ۳۴۸۰۵؛ العمده: ص ۳۱۳ ح ۵۲۴، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۵ هر دو به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۸ ح ۱۰.

ص: ۳۳۴

۸۳۸. امام علی علیه السلام: مکه، حرم خداست و مدینه، حرم پیامبر خداست. (۱) ۸۳۹. امام صادق علیه السلام: مکه، حرم ابراهیم علیه السلام است و مدینه، حرم محمد صلی الله علیه و آله است. (۲)

ب- هجرتگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

۸۴۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدینه، هجرتگاه و آرامگاه من در زمین است. بر امت من است که همسایگانم را تا وقتی که از گناهان کبیره پرهیز می‌کنند، احترام کنند. (۳)

ج- محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

۸۴۱. صحیح البخاری- به نقل از انس-: هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر می‌آمد و نگاهش به دیوارهای مدینه می‌افتاد، از شوق مدینه، وسایلش را بر زمین می‌نهاد و اگر سواره بود، مرکب خود را حرکت می‌داد. (۴) ۸۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند! مدینه را محبوب ما گردان، همان گونه که مکه را محبوبمان گردانیدی، و بلکه بیشتر! خداوند! پیمانۀ و ظرفمان را برکت ببخش! (۵) ۸۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدایا! ابراهیم، دوست و بنده و پیامبر تو، برای اهل مکه، تو را خواند و من، محمد، بنده و پیامبر و فرستاده توام و برای اهل مدینه، تو را می‌خوانم، مثل آنچه

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۲ ح ۲۱ هر دو به نقل از حسان بن مهران از امام صادق علیه السلام، روضه الواعظین: ص ۴۴۷، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۸۲ ح ۱۹۳۸۹.

۲- الأمالی، طوسی: ص ۶۷۲ ح ۱۴۱۶ به نقل از عاصم بن عبد الواحد مدائنی، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۸۵ ح ۴۶؛ تاریخ دمشق: ج ۱ ص ۲۹۷ به نقل از امام علی علیه السلام.

۳- المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۲۰۵ ح ۴۷۰، وفاء الوفا: ج ۱ ص ۴۷ تقریباً با همان الفاظ و هر دو به نقل از معقل بن یسار، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۴۶ ح ۳۴۸۸۵.

۴- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۶۶ ح ۱۷۸۷، سنن الترمذی: ج ۵ ص ۴۹۹ ح ۳۴۴۱، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۳۱۹ ح ۱۲۶۱۹، السنن الكبرى: ج ۵ ص ۴۲۷ ح ۱۰۳۷۷.

۵- صحیح البخاری: ج ۵ ص ۲۳۴۳ ح ۶۰۱۱، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۰۳ ح ۴۸۰، مسند ابن حنبل: ج ۹ ص ۳۳۳ ح ۲۴۴۱۴، صحیح ابن حبان: ج ۱۲ ص ۴۱۴ ح ۵۶۰۰ همگی به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۱۳۶ ح ۳۸۱۵۹؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۴ ح ۳۱۵۵، الخرائج والجرائح: ج ۱ ص ۴۹ ح ۶۶ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۸ ص ۹ ح ۱۵.

ص: ۳۳۵

ابراهیم برای اهل مکه خواست. تو را می‌خوانیم که به پیمانہ و میوه آنان، برکت دهی. خدایا! مدینه را محبوب ما گردان، آن چنان که مکه را محبوب ما ساختی. (۱)

د- گنبد اسلام

۸۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدینه، گنبد اسلام و خانه ایمان و سرزمین هجرت و جایگاه حلال و حرام است. (۲) ۸۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ایمان، به مدینه باز می‌گردد، آن گونه که مار به لانه خود، باز می‌گردد. (۳)

ه- فتح با قرآن

۸۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آبادی‌ها با شمشیر، فتح شد؛ ولی مدینه با قرآن، فتح شد. (۴)

و- زُداينده پليدي

۸۴۷. صحيح البخاری- به نقل از زيد بن ثابت-: گروهی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله از احد باز گشتند و مردم، در باره آنان، دو دسته شدند. گروهی می‌گفتند: «آنها را بکشید» و گروهی می‌گفتند: «نکشید». پس این آیه نازل شد: (فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنتَفِقِينَ فِتْنِينَ)؛ (۵)

شما را چیست که در باره منافقان، دو گروهید؟.

و فرمود: «مدینه، پاک است، پلیدی‌ها را می‌زُدايد، آن گونه که آتش، چرک‌های

۱- مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۳۸۴ ح ۲۲۶۹۳ به نقل از ابو قتاده، معجم البلدان: ج ۵ ص ۸۳ تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۴۴ ح ۳۴۸۷۵.

۲- المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۸۰ ح ۵۶۱۸، الفردوس: ج ۴ ص ۲۲۵ ح ۶۶۷۸ هر دو به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۰ ح ۳۴۸۰۲.

۳- صحيح البخاری: ج ۲ ص ۶۶۴ ح ۱۷۷۷، صحيح مسلم: ج ۱ ص ۱۳۱ ح ۲۳۳، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۳۸ ح ۳۱۱۱، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۵۵۸ ح ۱۰۴۴۵ همگی به نقل از ابو هریره، کنز العمال: ج ۱ ص ۲۳۹ ح ۱۱۹۷؛ المجازات النبویة: ص ۱۰۸ ح ۷۵.

۴- شعب الإيمان: ج ۲ ص ۱۴۵ ح ۱۴۰۷، تاريخ الاسلام: ج ۱۵ ص ۳۶۵ ش ۳۴۲ هر دو به نقل از عایشه، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۰ ح ۳۴۸۰۳.

۵- نساء: آیه ۸۸.

ص: ۳۳۶

نقره را می‌زداید». (۱) ۳/۱

فضیلت اقامت در مدینه

۸۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مدینه، بهتر از مکه است. (۲) ۸۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک رمضان در مدینه بودن، بهتر از هزار رمضان در شهرهای دیگر بودن است و یک جمعه در مدینه بودن، بهتر از هزار جمعه در شهرهای دیگر بودن است. (۳) ۸۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بتواند در مدینه بمیرد، چنین کند؛ چرا که من برای کسی که در مدینه بمیرد، شفاعت می‌کنم. (۴) ۸۵۱. الکافی - به نقل از حسن بن جهم - از ابو الحسن علیه السلام (۵) پرسیدم: کدام یک، برتر است:

ماندن در مکه یا مدینه؟

فرمود: «تو چه می‌گویی؟».

گفتم: سخن من در برابر سخن شما چه می‌تواند باشد؟!

فرمود: «سخن تو، تو را به سخن من، بر می‌گرداند».

گفتم: اما من، می‌پندارم اقامت در مدینه، بهتر از مکه است.

۱- صحیح البخاری: ج ۴ ص ۱۶۷۶ ح ۴۳۱۳ و ج ۲ ص ۶۶۶ ح ۱۷۸۵ تقریباً با همان الفاظ، سنن الترمذی: ج ۵ ص ۲۳۹ ح ۳۰۲۸، السنن الکبری، نسایی: ج ۶ ص ۳۲۵ ح ۱۱۱۱۳، مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۱۴۲ ح ۲۱۶۵۵، المصنف، ابن ابی شیبۀ: ج ۸ ص ۴۹۳ ح ۴۸، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۵۰ ح ۳۴۹۰۳.

۲- المعجم الکبیر: ج ۴ ص ۲۸۸ ح ۴۴۵۰، التاریخ الکبیر: ج ۱ ص ۱۶۰ ش ۴۷۶ هر دو به نقل از رافع بن خدیج، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۰ ح ۳۴۸۰۱.

۳- المعجم الکبیر: ج ۱ ص ۳۷۲ ح ۱۱۴۴، تاریخ دمشق: ج ۲۷ ص ۳۸ ح ۵۷۲۴، الفردوس: ج ۲ ص ۲۷۵ ح ۳۲۷۸ همگی به نقل از بلال بن حارث، تاریخ اصبهان: ج ۲ ص ۳۱۵ ش ۱۸۳۱ به نقل از ابن عمر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۴ ح ۳۴۸۱۸.

۴- سنن الترمذی: ج ۵ ص ۷۱۹ ح ۳۹۱۷، سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۰۳۹ ح ۳۱۱۲، مسند ابن حنبل: ج ۲ ص ۳۶۳ ح ۵۴۳۸، صحیح ابن حبان: ج ۹ ص ۵۷ ح ۳۷۴۱ همگی به نقل از ابن عمر، السنن الکبری، نسایی: ج ۱ ص ۶۰۳ ح ۱۹۵۸، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۸ ح ۳۴۸۴۰.

۵- مقصود، امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام است.

ص: ۳۳۷

فرمود: «تو چنین می‌گویی، امام صادق علیه السلام نیز روز عید فطر، این را فرمود و نزد [مرقد] پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و در مسجد، بر او سلام کرد. سپس فرمود: «امروز ما با سلام دادنمان بر پیامبر خدا، از مردم دیگر، برتریم». (۱) ۸۵۲. الکافی - به نقل از مُرازم - من و عمار و گروهی، در مدینه خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم.

امام علیه السلام پرسید: «اقامت شما چه مقدار است؟». عمار گفت: مرکب سواری خود را رها کردیم و دستور دادیم پانزده روز دیگر، سراغ ما بیایند.

فرمود: «به اقامت در شهر پیامبر خدا و نماز در مسجد او، نائل شده‌اید. برای آخرتتان کار کنید، برای خودتان بیشتر کار کنید. گاهی کسی در دنیا زرننگ است و گفته می‌شود "فلانی، چه قدر زرننگ است." "همانا زرننگ، زرننگ آخرت است!". (۲) ر. ک: ص ۳۴ (اقامت بیش از یک سال).

۴ / ۱

آداب مدینه

۸۵۳. امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد مدینه شدی، پیش از ورود یا هنگام ورود، غسل کن. (۳) ۸۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز خواندن در مسجد قبا، مانند گزاردن یک عمره است. (۴) ۸۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بیرون آید تا به این مسجد (مسجد قبا). بیاید و در آن، نماز بخواند، برای او پاداشی برابر عمره است. (۵)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۷ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۴ ح ۲۹، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۷۲ ح ۱۹۳۶۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۷ ح ۲، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۷۲ ح ۱۹۳۶۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۵ ح ۸، کامل الزیارات: ص ۴۸ ح ۲۷ همگی به نقل از معاویه بن عمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۵ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۵۰ ح ۱۷.

۴- سنن الترمذی: ج ۲ ص ۱۴۶ ح ۳۲۴، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱۴۱۱، المستدرک علی الصحیحین: ج ۱ ص ۶۶۲ ح ۱۷۹۲، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۰۸ ح ۱۰۲۹۵ همگی به نقل از أسید بن ظهیر انصاری، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۳ ح ۳۴۹۶۲.

۵- سنن النسائی: ج ۲ ص ۳۷، المستدرک علی الصحیحین: ج ۳ ص ۱۳ ح ۴۲۷۹، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۳ ح ۱۴۱۲ همگی به نقل از سهل بن حنیف؛ تاریخ بغداد: ج ۹ ص ۳۴۴ ش ۴۸۹۳ به نقل از ابو امامه و در دو منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۵ ح ۳۴۹۷۰؛ کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶۸۶، کامل الزیارات: ص ۶۶ ح ۵۱ به نقل از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۲۱۵ ح ۹.

ص: ۳۳۸

۸۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وضو بگیرد و خوب وضو بگیرد، سپس به قصد مسجد قبا بیرون بیاید و جز آن را قصد نکند و انگیزه‌ای از این آمدن، جز نماز خواندن در مسجد قبا نداشته باشد و سپس در آن، چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعت، سوره حمد را بخواند، پاداشی همچون پاداش کسی دارد که برای عمره به خانه خدا رفته است. (۱) ۸۵۷. تاریخ المدینه - به نقل از جابر - : پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد خربه، مسجد قبلتین و مسجد بنی حرام - که در دشت بود - نماز خواند. (۲) ۸۵۸. الکافی - به نقل از حَلَبی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا به مسجد قبا، یا مسجد فضیخ، یا مشربه (آبخوری). امّ ابراهیم رفته‌اید؟».

گفتم: آری.

فرمود: «آگاه باشید که از آثار پیامبر خدا، جز اینها باقی نمانده است». (۳) ۸۵۹. الکافی - به نقل از معاویه بن عمّار - : امام صادق علیه السلام فرمود: «رفتن به همه مشاهد [و اماکن] را ترک نکن، [مانند رفتن به] مسجد قبا - مسجدی که از نخستین روز، بر پرهیزگاری بنا شده است -، مشربه امّ ابراهیم، مسجد فضیخ، قبور شهیدان و مسجد احزاب - که همان مسجد فتح است -». [آن گاه] فرمود: «به ما چنین رسیده که پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه به زیارت قبر شهدا می‌رفت، می‌فرمود: «سلام بر شما به خاطر شکیبایی‌ای که کردید. پس خانه آخرت، چه نیکوست!». و کنار مسجد فتح، دعای تو چنین باشد: «ای فریادرس گرفتاران، ای پاسخ‌دهنده دعای بیچارگان! اندوه و غم و ناراحتی مرا بزدای، آن گونه که از پیامبرت، اندوه و غم

۱- المعجم الکبیر: ج ۹ ص ۱۴۶ ح ۳۱۹ به نقل از کعب بن عجره، المصنف، ابن ابی شیبّه: ج ۲ ص ۲۶۷ ح ۲، تاریخ المدینه: ج ۱ ص ۴۱ هر دو به نقل از سهل بن حنیف تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۴ ح ۳۴۹۶۸.

۲- تاریخ المدینه: ج ۱ ص ۶۸.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۱ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۶ ح ۱۴.

ص: ۳۳۹

و گرفتاری‌اش را زُدودی و در این مکان، از هراس دشمن، او را کفایت کردی». (۱) ۸۶۰. الکافی - به نقل از عُقبَةُ بن خالد: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: ما سراغ مساجد اطرافِ مدینه می‌رویم. از کدام‌یک آغاز کنم؟

فرمود: «از قبا آغاز کن. در آن، نماز بخوان، بسیار هم بخوان؛ چرا که نخستین مسجدی است که پیامبر خدا در این پهنه، در آن نماز خوانده است. سپس به مشربه امّ ابراهیم برو و در آن، نماز بخوان. آن جا محلّ سکونت و نماز پیامبر خدا بوده است.

سپس به مسجد فضیخ رفته، در آن نماز می‌خوانی، که پیامبرت در آن نماز خوانده است. [اعمال] این طرف را که انجام دادی، به سمت احد رفته، از مسجدی که پایین حَرّه (۲) است، شروع می‌کنی و در آن، نماز می‌خوانی. سپس به قبر حمزه بن عبد المطلب گذشته، بر او سلام می‌دهی. آن گاه بر قبور شهدا گذشته، کنار آنها می‌ایستی و می‌گویی: "سلام بر شما، ای اهل این دیار! شما پیشتانز مایید و یقیناً ما هم به شما خواهیم پیوست."

آن گاه به مسجدی که در آن مکان باز، کنار کوه، وقتی که وارد احد می‌شوی، سمت راست توست، می‌آیی و در آن، نماز می‌خوانی. پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار این مسجد به سمت احد بیرون آمد. وقتی که با مشرکان برخورد کرد، آن جا بودند تا آن که وقت نماز رسید و در آن، نماز خواند.

سپس دوباره کنار قبور شهدا بر می‌گردد و نماز واجب خود را می‌خوانی. آن گاه به طرف جلو و رو به روی خود برو تا به مسجد احزاب برسی و در آن، نماز خوانده، خدا را بخوانی. پیامبر خدا، در روز جنگ احزاب، در آن دعا کرد و گفت: «ای فریادرس گرفتاران! ای پاسخگوی دعای بیچارگان! ای پناه غمگینان! اندوه و رنج و

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷ ح ۳۸، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۴ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، کامل الزیارات: ص ۶۴ ح ۴۹، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۵ ح ۶.

۲- حَرّه به تپه‌ها و منطقه‌های سنگلاخ گفته می‌شود.

ص: ۳۴۰

غصه مرا بُزْدای، حال من و حال یاران مرا می‌بینی». (۱) / ۵

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله (۲)

الف- بنای آن

۸۶۱. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، مسجد خویش را با خشت‌های یک‌ردیفه ساخت چون مسلمانان، افزون شدند، گفتند: ای پیامبر خدا! کاش فرمان دهی بر مسجد بیفزایند. فرمود: «باشد».

دستور داد بر آن افزودند و از یک خشت و نیم، بنا کرد. باز هم مسلمانان، افزون شدند، گفتند: ای پیامبر خدا! کاش دستور دهی مسجد را بزرگ کنند. فرمود: «باشد».

و دستور داد آن را بزرگ کردند و دیوار آن را با دو ردیف خشت، بنا کرد. سپس گرما بر آنان، شدت یافت. گفتند: ای پیامبر خدا! کاش دستور می‌دادی سایه‌بانی بر مسجد می‌زدند.

دستور داد تا ستون‌هایی از تنه درخت خرما بر پا کردند. سپس چوب‌های پهن، شاخ و برگ خرما و اذخر (۳) بر آن افکنند و در آن به سر بردند، تا آن که باران‌ها به آنان رسید و از مسجد، بر آنان می‌چکید. گفتند: ای پیامبر خدا! کاش فرمان دهی مسجد را گل‌اندود کنند.

فرمود: «نه؛ بلکه سقف و سایه‌بانی، همچون سایه‌بان موسی».

چنان بود تا آن که پیامبر خدا از دنیا رفت. دیوار مسجد، پیش از آن که سایه‌بان بر

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۰ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷ ح ۳۹، کامل الزیارات: ص ۶۸ ح ۵۴ تقریباً با همان الفاظ و ص ۶۳ ح ۴۸، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۴ ح ۴.

۲- ر. ک: آخر کتاب، نقشه شماره ۹.

۳- نوعی گیاه خشک سبز؛ گور گیاه (فرهنگ لاروس).

ص: ۳۴۱

آن بزنند، به اندازه قامت بود. هر گاه سایه به اندازه یک ذراع - که به اندازه آغل بُر بود - می‌رسید، نماز ظهر را می‌خواند. سایه، دو برابر آن که می‌شد، نماز عصر را می‌خواند. (۱) ۸۶۲. صحیح البخاری - به نقل از انس -: پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و دستور ساختن مسجد داد و فرمود: «ای بنی نَجَار! قیمت آن را با من، حساب کنید».

گفتند: بهای آن را جز از خدا نمی‌خواهیم.

پس دستور داد گور مشرکان را کنند، ویرانه‌ها و ناهمواری‌ها را هموار کردند، نخل‌ها را بُریدند و آنها را در سمت قبله مسجد چیدند. (۲)

ب- حدود آن

۸۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر این مسجد من تا صنعا ساخته می‌شد، باز مسجد من بود. (۳) ۸۶۴. الکافی - به نقل از عبد الأعلى وابسته آل سام -: به امام صادق علیه السلام گفتم: مسجد پیامبر خدا، چه قدر بود؟ فرمود: سه هزار و ششصد ذراع شکسته» (۴). (۵)

۱- الکافی: ج ۳ ص ۲۹۵ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۲۶۲ ح ۷۳۸، معانی الأخبار: ص ۱۵۹ ح ۱ همگی به نقل از عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۰ ح ۵.

۲- صحیح البخاری: ج ۲ ص ۶۶۱ ح ۱۷۶۹، صحیح مسلم: ج ۱ ص ۳۷۳ ح ۹، سنن أبی داود: ج ۱ ص ۱۲۳ ح ۴۵۳، سنن النسائی: ج ۲ ص ۳۹؛ الطرائف: ص ۲۸۷ ح ۳۷۴ همگی تقریباً با همان الفاظ.

۳- کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۷ ح ۳۴۸۳۲ به نقل از زبیر بن بکار در أخبار المدینة، الفردوس: ج ۳ ص ۳۷۸ ح ۵۱۵۲ هر دو به نقل از ابو هریره، شرح الأزهار: ج ۱ ص ۱۴۳ تقریباً با همان الفاظ.

۴- مقصود از ذراع مکسر، یا حاصل ضرب طول و عرض است، یا مقصود آن است که ذراعی معمولی که شش مُشت است که یک مُشت کمتر از ذراع شاهی است.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۵ ح ۷ و ج ۳ ص ۲۹۶ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۲۶۱ ح ۷۳۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶۸۳، وسائل الشیعة: ج ۳ ص ۵۴۶ ح ۶۵۵۹.

ص: ۳۴۲

۸۶۵. الاصول الستة عشر- به نقل از ذریح محاربی:- از امام صادق علیه السلام در باره محدوده مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله] پرسیدم. فرمود: «از ستون تا بالا سر قبر تا دو ستون پشت منبر در سمت راست قبله. و از پشت منبر، راهی بود که گوسفند از آن می گذشت، یا کسی که کجکی بخواد برود».

و بر این عقیده بود که محوطه مسجد تا سنگ فرش، جزء مسجد است. (۱) ۸۶۶. امام صادق علیه السلام: محدوده «روضه» در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله تا طرف سایه بان هاست و حدّ مسجد تا دو ستونی که سمت راست منبر به طرف راه است، نزدیک سوق اللیل (بازار شب). (۲)

۱- الاصول الستة عشر: ص ۸۸، الکافی: ج ۴ ص ۵۵۴ ح ۴ به نقل از محمد بن مسلم بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، وسائل الشیعة: ج ۳ ص ۵۴۶ ح ۶۵۵۸.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۵ ح ۶، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۸ ح ۱۴ و ص ۱۴ ح ۲۷ همگی به نقل از ابو بصیر، روضة الواعظین: ص ۴۴۷، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۶ ح ۳.

ص: ۳۴۳

توضیحی درباره توسعه مسجد پیامبر

صلی الله علیه و آله (۱) مسجد النبی، مانند مسجد الحرام، شاهد توسعه‌های مکرری بوده است. نخستین توسعه، به دست مبارک سازنده آن، پیامبر خدا در سال هفتم هجری صورت گرفته است. (۲) سپس عمر به سال هفدهم هجری و عثمان به سال ۲۹ هجری، هر یک اندکی از سمت غرب و شمال، به مسجد افزودند. (۳) عثمان از سمت قبله (جنوب مسجد)، چند ستون افزود و برای مسجد، محراب ساخت. (۴) در سال ۸۸ هجری، عمر بن عبد العزیز، هنگام حکومتش بر مدینه از سوی ولید بن عبد الملک، شش ستون از شرق و غرب، و چهارده ستون در شمال مسجد افزود. (۵) سپس مهدی عباسی در سال ۱۶۱ هجری، ناحیه شمالی مسجد را توسعه داد. (۶) در زمان سلاطین عثمانی نیز ترمیم‌ها و تعمیراتی انجام گرفت و سلطان عبد المجید عثمانی، بیشترین توسعه و تعمیر و تزیین را انجام داد. اقدامات او از سال ۱۲۶۵ تا آخر دوره سلطنتش (۱۲۷۷ ق). استمرار داشت. (۷) در زمان معاصر و در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۴۰۶ ق، توسعه‌های فراوانی را از همه سوی مسجد، جز در سمت قبله، شاهد بوده‌ایم که مساحت مسجد را چند برابر کرده

۱- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۱۰.

۲- اخبار مدینه الرسول، ابن نجار: ص ۷۰، وفاء الوفاء: ج ۱ ص ۳۵۱. نیز، ر. ک: کنز العمال: ج ۱۳ ص ۷۴ ح ۳۶۲۸۰ و ص ۱۰۱ ح ۳۶۳۳۶.

۳- وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۴۸۱ به نقل از تاریخ الیافعی. نیز، ر. ک: کنز العمال: ج ۸ ص ۳۱۸ ح ۲۳۰۹۵ و ج ۱۳ ص ۵۰۲ ح ۳۷۲۹۴.

-۴

-۵

۶- وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۵۰۱ و ۵۰۲، ۵۳۵ و ۵۳۶، ۵۲۱ و تاریخ الطبری: ج ۶ ص ۴۳۵.

۷- مرآة الحرمین: ج ۱ ص ۴۶۵-۴۶۸.

ص: ۳۴۴

است و به علاوه، فضایی هم در بیرون مسجد، برای نماز، تسطیح و سنگ‌فرش شده است. (۱) جریان یافتن احکام فقهی ویژه مسجد النبی در این افزوده‌ها، مورد تردید فقهاست. (۲) گفتنی است مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله دو بار طعمه حریق شده است: نخست، در سال ۶۵۴ هجری و در زمان خلافت المستعصم بالله بود که به تدریج، تعمیر شد. (۳) سپس در سال ۸۸۶ ق، تمام مسجد، جز حُجره شریف نبوی و گنبد، سوخت که به دستور سلطان مملوکی مصر، ملک قایتبای، آن را از نو ساختند. این تجدید بنا در سال ۸۸۸ ق، پایان یافت و در ضمن آن، اندکی در جهت مشرق، مسجد را توسعه دادند. (۴)

۱- عمارة و توسعه المسجد النبوی عبر التاريخ: ص ۱۶۵ و ۲۰۲.

۲- العروة الوثقی: ج ۱ ص ۷۶۷ مسأله ۱۱.

۳- ر. ک: وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۵۹۸-۶۰۵.

۴- ر. ک: وفاء الوفاء: ج ۲ ص ۶۳۳ و ۶۴۴.

ص: ۳۴۵

ج- فضیلت آن

فضیلتِ مدینه

۸۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین مقصدی که مرکب‌ها را به سوی آن سوار می‌شوند، این مسجد من و خانه خداست.
 (۱) ۸۶۸. امام علی علیه السلام: [از میان مساجد،] جز به قصد مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه، نباید بار سفر بست. (۲)
 ۸۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [از میان مساجد،] جز به قصد مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد الاقصی، نباید بار سفر بست. (۳) ۸۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [شایسته است] تنها به سوی سه مسجد، مسافرت شود: مسجد کعبه، مسجد من، و مسجد ایلیا (در بیت المقدس). (۴) ۸۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با طهارت بیرون شود و قصدی جز آمدن به این مسجد مرا نداشته باشد تا در آن نماز بخواند، مانند گزاردن حج است. (۵) ر. ک: ص ۴۹ (فصل دوم: مسجد الحرام/ فضیلت مسجد الحرام).

د- فضیلت نماز در آن

۸۷۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک نماز در مسجد من، برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است، بجز

۱- مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۲۳ ح ۱۴۷۸۸، السنن الکبری، نسایی: ج ۶ ص ۴۱۱ ح ۱۱۳۴۷، صحیح ابن حبان: ج ۴ ص ۴۹۵ ح ۱۶۱۶، المعجم الأوسط: ج ۱ ص ۲۲۵ ح ۷۴۰، مسند أبی یعلی: ج ۲ ص ۴۶۶ ح ۲۲۶۲ همگی به نقل از جابر بن عبد الله.

۲- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۳۱ ح ۶۹۴، الخصال: ص ۱۴۳ ح ۱۶۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۰ ح ۲.

۳- صحیح البخاری: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۱۳۲، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۱۴ ح ۵۱۱، سنن أبی داود: ج ۲ ص ۲۱۶ ح ۲۰۳۳، سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱۴۰۹ همگی به نقل از ابو هریره، سنن الترمذی: ج ۲ ص ۱۴۸ ح ۳۲۶ به نقل از ابو سعید خدری، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۷ ح ۳۴۶۴۸.

۴- صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۱۵ ح ۵۱۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۰۱ ح ۱۰۲۶۴، دلائل النبوة، بیهقی: ج ۲ ص ۵۴۵ همگی به نقل از ابو هریره، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۹۲ ح ۲۹۷۵ به نقل از نصره بن أبی نصره غفاری تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۷۱ ح ۳۵۰۰۳.

۵- التاریخ الکبیر: ج ۸ ص ۳۷۹ ش ۳۳۸۹، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۵۰۰ ح ۴۱۹۱ هر دو به نقل از سهل بن حنیف، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۵ ح ۳۴۹۷۲.

ص: ۳۴۶

مسجد الحرام. (۱) ۸۷۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یک نماز در این مسجد من، بهتر از هزار نماز در غیر آن است، مگر مسجد الحرام. (۲) ۸۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز خواندن در مسجد من، معادل هزار برابر در غیر آن است، جز مسجد الحرام. نماز خواندن در مسجد الحرام، معادل هزار برابر مسجد من است. (۳) ۸۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز در مسجد من در نزد خداوند، برابر با ده هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام که نماز در آن، با صد هزار نماز، برابری می‌کند. (۴) ۸۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نماز شخص در خانه‌اش، برابر همان یک نماز است ... نمازش در مسجد من، برابر با پنجاه هزار نماز است و نمازش در مسجد الحرام، با صد هزار نماز، برابر است. (۵) ۸۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در مسجد من، چهل نماز بخواند، بی آن که حتی یک نماز از او

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۶ ح ۱۰ به نقل از جمیل بن درّاج از امام صادق علیه السلام و ص ۵۵۵ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۵ ح ۳۱ هر دو به نقل از معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ح ۳۲ به نقل از اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۶ ح ۴.

۲- صحیح البخاری: ج ۱ ص ۳۹۸ ح ۱۱۳۳، سنن الترمذی: ج ۵ ص ۷۱۹ ح ۳۹۱۶، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۱۲ ح ۵۰۵، سنن الدارمی: ج ۱ ص ۳۵۱ ح ۱۳۹۰ همگی به نقل از ابو هریره، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۷ ح ۴۱۴۸ به نقل از ابن عمر و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۳۴ ح ۳۴۸۱۹.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۴ ح ۳۰، کامل الزیارات: ص ۶۰ ح ۴۰ هر دو به نقل از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام و ص ۵۹ ح ۳۸ به نقل از مرزم از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۲۸ ح ۶۸۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۲ ح ۱۲.

۴- ثواب الأعمال: ص ۵۰ ح ۱ به نقل از مسعدة بن صدقه عن از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، الکافی: ج ۴ ص ۵۵۶ ح ۱۱ به نقل از هارون بن خارجه بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و ح ۱۲، کامل الزیارات: ص ۶۰ ح ۳۹ هر دو به نقل از الصامت از امام صادق علیه السلام، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۱۴۸ به نقل از امام علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۲۴۱ ح ۶؛ حلیة الأولیاء: ج ۸ ص ۴۶، تاریخ دمشق: ج ۲۶ ص ۲۴۶ ح ۵۵۵۸ هر دو به نقل از انس تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۹۵ ح ۳۴۶۳۳.

۵- سنن ابن ماجه: ج ۱ ص ۴۵۳ ح ۱۴۱۳، المعجم الأوسط: ج ۷ ص ۱۱۲ ح ۷۰۰۸ هر دو به نقل از انس، کنز العمال: ج ۷ ص ۵۵۴ ح ۲۰۲۲۳.

ص: ۳۴۷

فوت شود، برای او برائت از دوزخ و نجات از عذاب، نوشته می‌شود و از نفاق هم پاک می‌شود. (۱) ۸۷۸. امام صادق علیه السلام: در این مسجد، تا می‌توانید، نماز بسیار بخوانید که برایتان بهتر است و بدانید که گاهی شخص، در کار دنیا زرننگ است و می‌گویند "فلانی، چه قدر زرننگ است." "پس چگونه خواهد بود کسی که در کار آخرتش زرننگ باشد! (۲) ۸۷۹. کامل الزیارات- به نقل از ابو بکر خَضْرَمی-: امام صادق علیه السلام به من دستور داد که تا می‌توانم، در مسجد پیامبر خدا بسیار نماز بخوانم و فرمود: «چنین نیست که هر وقت بخواهی، بتوانی». (۳) ۸۸۰. تهذیب الأحکام- به نقل از عَمَّار بن موسی-: از امام صادق علیه السلام در باره نماز در [شهر] مدینه پرسیدم که آیا مانند نماز در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله است؟ فرمود: «نه؛ چون نماز در مسجد پیامبر خدا، برابر با هزار نماز است و نماز در مدینه، مانند نماز در شهرهای دیگر است». (۴)

ه- تمام خواندن نماز در آن

۸۸۱. امام صادق علیه السلام: در چهار جا نماز تمام است: در مسجد الحرام، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه و حرم امام حسین- که درود خدا بر او باد-. (۵) ر. ک: ص ۳۵ (نماز گزاردن).

۱- مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۳۱۱ ح ۱۲۵۸۴، المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۳۲۵ ح ۵۴۴۴ هر دو به نقل از انس، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۵۹ ح ۳۴۹۳۹.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۹ ح ۴۳ به نقل از مرازم، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۸ ح ۱۱.

۳- کامل الزیارات: ص ۴۳ ح ۱۰ و ص ۶۰ ح ۴۰ به نقل از معاویه بن عَمَّار تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۲ ح ۱۲.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۲۵۴ ح ۷۰۱، کامل الزیارات: ص ۵۹ ح ۳۷ و ص ۶۱ ح ۴۲، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۸۱ ح ۹.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۸۶ ح ۲ به نقل از ابو بصیر و ص ۵۸۷ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۵ ص ۴۳۱ ح ۱۴۹۷ هر دو به نقل از عبد الحمید خادم اسماعیل بن جعفر و ص ۴۳۲ ح ۱۵۰۰ به نقل از ابو بصیر، المزار، مفید: ص ۱۳۶ ح ۱، مصباح المتهدج: ص ۷۳۱ هر دو به نقل از عبد الحمید خادم اسماعیل بن جعفر، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۸۳ ح ۱۲.

و- آداب آن

۸۸۲. امام صادق علیه السلام: هر گاه وارد مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله] شدی، اگر توانستی سه روز [در مدینه] بمانی: چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه، پس روز چهارشنبه، بین قبر و منبر، کنار ستونی که نزدیک قبر است، نماز بخوان و کنار آن، دعا بخوان و از خداوند، هر حاجتی را که در کار آخرت یا دنیا می‌خواهی، بطلب. روز دوم، کنار ستون توبه و روز سوم، کنار جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله مقابل ستونی که خلاق (۱) آن بسیار است. پس نزد این ستون‌ها برای هر حاجتی، خدا را می‌خوانی و این سه روز را روزه می‌گیری. (۲) ۸۸۳. امام صادق علیه السلام: اگر سه روز در مدینه ماندی، اولین روزش، چهارشنبه را روزه بگیر و شب چهارشنبه، کنار ستون ابولبابه - یعنی ستون توبه، که ابولبابه خود را به آن بست تا آیه‌ای نازل شد و پذیرش عذر او را از سوی آسمان، اعلام کرد - نماز می‌خوانی و روز چهارشنبه، کنار آن می‌نشینی. سپس شب پنج‌شنبه، نزد ستونی که نزدیک جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله است، آمده، شب و روز خود را می‌گذرانی و روز پنج‌شنبه را روزه می‌گیری.

و آن گاه، شب جمعه، نزد ستونی که کنار مقام و نمازگاه پیامبر صلی الله علیه و آله است، می‌آیی و شب و روزت را در آنجا نماز می‌خوانی و روز جمعه را روزه می‌گیری اگر توانستی در این سه روز با کسی حرف نزن، چنین کن، مگر در حد ناچاری. و جز برای نیاز، از مسجد بیرون نرو و اگر توانستی، نه شب و نه روز، نخوابی، چنین کن؛ چرا که همه اینها فضیلت به شمار می‌آید. سپس روز جمعه، خدا را حمد و ثنا بگو، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست و حاجت خویش را بطلب و از خواسته‌هایت این باشد: «خدایا! هر حاجتی که به درگاهت داشتم، چه به طلب و خواستن آغاز کرده‌ام یا نه، از تو طلبیده‌ام یا نه، خدایا! من در بر آمدن حاجت‌هایم، چه کوچک و چه بزرگ، به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت، محمد صلی الله علیه و آله، به تو روی می‌آورم».

۱- از عطریاتی که از زعفران و جز آن می‌گیرند و اغلب، زرد یا سرخ است.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۸ ح ۴ به نقل از حلبی، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۷ ح ۶.

ص: ۳۴۹

پس یقیناً سزاوار آنی که به خواست خدا، حاجت برآورده شود. (۱) ۸۸۴. امام صادق علیه السلام: هرگاه از دعا نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ شدی، نزد منبر برو و بر آن، دست بکش و دو قبه پایین را بگیر و چشم‌ها و صورتت را به آن بمال، که می‌گویند شفای چشم است، و نزد آن بایست و خدا را حمد و ثنا بگو و حاجت را بخواه، که پیامبر خدا فرمود: «میان منبر و خانه‌ام، بوستانی از بوستان‌های بهشت است و منبر من، روی دریچه‌ای از دریچه‌های بهشت، قرار دارد- و تُرعه، همان درِ کوچک است-».

سپس نزد جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، هر قدر که خواستی، در آن جا نماز می‌خوانی. هر گاه وارد مسجد شدی، بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرست و چون خارج شدی نیز چنین کن و در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار نماز بخوان. (۲) ۸۸۵. امام صادق علیه السلام: بهترین جای مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن نماز خوانده می‌شود، نزدیک قبر است. هر گاه وارد مدینه شدی، غسل کن، به مسجد برو، با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز کن، کنار آن بایست، بر پیامبر صلی الله علیه و آله سلام بده و به رسالت او و ابلاغ رسالت، گواهی بده و بر او بسیار درود بفرست و هر چه که خدا برایت گشایش دهد، در آن جا دعا بخوان. (۳)

۱- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۶ ح ۳۵ و ج ۴ ص ۲۳۲ ح ۶۸۲ هر دو به نقل از معاویه بن عمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۰ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، کامل الزیارات: ص ۶۶ ح ۵۳ به نقل از معصومین علیهم السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۶ ح ۳۱. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۵۵۸ ح ۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۷ ح ۱۲، کامل الزیارات: ص ۵۰ ح ۲۸ همگی به نقل از معاویه بن عمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۸ ح ۳۱۵۸، مصباح المتهجد: ص ۷۱۰ ح ۷۹۰ هر دو بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و در سه منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۱ ح ۱۹.

۳- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۸ ح ۱۵.

ص: ۳۵۱

فصل دوم: زیارت پیامبر

اشاره

فصل دوم: زیارت پیامبر (۱)

۱ / ۲

تشویق به زیارت او

۸۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حج به جا آورد و پس از مرگ من، مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حال حیات من، مرا زیارت کرده است. (۲) ۸۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حج بگذارد و مرا زیارت نکند، بر من جفا کرده است. (۳) ۸۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مرا پس از مرگم زیارت کند، گویا در حال حیاتم مرا دیدار کرده است و هر کس پس از مرگم با من همسایه شود، گویا در حال حیاتم با من، همسایه بوده است. (۴) ۸۸۹. امام علی علیه السلام: هر گاه به زیارت خانه خدا رفتید، حج خود را با زیارت پیامبر خدا تمام کنید، که ترک آن، جفاست. به این، دستور داده شده‌اید. و تمام کنید با زیارت قبرهایی که

۱- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۹.

۲- السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۰۳ ح ۱۰۲۷۴، سنن الدارقطنی: ج ۲ ص ۲۷۸ ح ۱۹۲، المعجم الاوسط: ج ۳ ص ۳۵۱ ح ۳۳۷۶ همگی به نقل از ابن عمر، شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۹ ح ۴۱۵۴ به نقل از ابن عمر بدون نسبت دادن به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۳۵ ح ۱۲۳۶۸.

۳- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام: ص ۲۳۱، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۲ ح ۵؛ المغنی عن حمل الاسفار: ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۸۱۸، کنز العمال: ج ۵ ص ۱۳۵ ح ۱۲۳۶۹ به نقل از دیلمی از ابن عمرو.

۴- اخبار مکه، فاکهی: ج ۳ ص ۱۶۰ ح ۱۹۱۸، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۷۲ ح ۳۵۰۰۹ به نقل از دیلمی و هر دو از ابن عمر، بشارة المصطفی: ص ۱۳۹ به نقل از حمزة بن حمران از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جابر بن عبد الله انصاری، بحار الأنوار: ج ۴۳ ص ۵۸ ح ۵۰.

ص: ۳۵۲

خداوند عزوجل، حق و زیارت آنها را بر شما لازم کرده است و نزد این قبرها از خداوند، روزی بخواهید. (۱) ۸۹۰. الکافی - به نقل از یحیی بن یسار: حج انجام دادیم و بر امام صادق علیه السلام گذر کردیم.

فرمود: «ای زائران خانه خدا و قبر پیامبر خدا! و [ای] پیروان خاندان محمد! گوارایتان باد!». (۲) ۸۹۱. التوحید - به نقل از عبد السلام بن صالح هروی: به امام رضا علیه السلام گفتم: ای پسر پیامبر خدا! در باره حدیثی که اهل حدیث روایت می کنند که «مؤمنان، در بهشت، از خانه‌های خود، پروردگارش را دیدار می کنند»، چه می گویی؟

فرمود: «ای ابا صلت! خداوند - تبارک و تعالی -، پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را بر همه آفریدگانش از پیامبران و فرشتگان، برتری داد و طاعت او را طاعت خود، پیروی از او را پیروی از خود، و زیارت او را در دنیا و آخرت، زیارت خود قرار داد. خداوند عزوجل فرموده است: (مَنْ يُطِيعَ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ (۳)

هر کس از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است). و فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ؛ (۴)

آنان که با تو بیعت می کنند، با خدا بیعت می کنند. دست خدا، بالای دست آنان است). و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: هر کس مرا در حال حیاتم یا پس از وفاتم زیارت کند، خدا را زیارت کرده است. رتبه پیامبر صلی الله علیه و آله در بهشت، بالاترین رتبه‌هاست. هر کس او را در رتبه‌اش در بهشت از خانه خود دیدار کند، خداوند - تبارک و تعالی - را زیارت کرده است.

(۵)

۱- الخصال: ص ۶۱۶ ح ۱۰ به نقل از ابو بصیر و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام از پدران ایشان علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۳۹ ح ۳.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۹ ح ۳، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۶۱ ح ۱۹۴۳۱.

۳- نساء: آیه ۸۰.

۴- فتح: آیه ۱۰.

۵- التوحید: ص ۱۱۷ ح ۲۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۱۱۵ ح ۳، الأمالی، صدوق: ص ۵۴۵ ح ۷۲۸، الاحتجاج: ج ۲ ص ۳۸۰ ح ۲۸۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۳۹ ح ۴. نیز، ر. ک: الکافی: ج ۴ ص ۵۸۵ ح ۵.

سلام دادن بر او، از نزدیک و دور

۸۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پس از مرگم، قبر مرا زیارت کند، همچون کسی است که در حیات من، به سوی من هجرت کرده است. پس اگر نتوانستید، به من سلام برسانید، که به من می‌رسد. (۱) ۸۹۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، برایم دو فرشته آفریده است که هر کس از شهرهای شرق و غرب به من سلام دهد، سلام را به من می‌رسانند؛ مگر کسی در خانه خودم بر من سلام دهد که خودم پاسخ سلام او را می‌دهم. (۲) ۸۹۴. امام صادق علیه السلام: بر مدینه بگذرید و از نزدیک به پیامبر خدا، سلام دهید، هر چند که درود، از دور هم به او می‌رسد. (۳) ۸۹۵. امام صادق علیه السلام: کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله [بر او] درود بفرستید، هر چند درود مؤمنان، هر جا که باشند، به ایشان می‌رسد. (۴) ۸۹۶. کامل الزیارات - به نقل از عامر بن عبد الله: - به امام صادق علیه السلام گفتم: به شترانم، دو یا سه دینار بیشتر دادم تا مرا از مدینه گذر دهد. فرمود: «خوب کردی. چه کار آسانی! کنار قبر پیامبر خدا می‌روی و بر او، سلام می‌دهی. آگاه باش که از نزدیک، سلام تو را می‌شنود و سلام تو، از دور هم به او می‌رسد». (۵) ر. ک: وفاء الوفا: ج ۴ ص ۱۳۴۹ (فصل فی بقیة أدلة الزیارة).

۱- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳ ح ۱ به نقل از إسماعیل بن موسی از پدرش امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام، المقنعة: ص ۴۵۷ به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، المزار، مفید: ص ۱۶۸ ح ۱، کامل الزیارات: ص ۴۷ ح ۲۲ هر دو به نقل از اسماعیل بن موسی از پدرش امام کاظم علیه السلام از پدرش از جدش امام باقر علیه السلام از امام زین العابدین علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، الجعفریات: ص ۷۶ به نقل از امام کاظم علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۴ ح ۲۹.

۲- کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۵۶ ح ۳۴۹۲۹ به نقل از ابن نجار از ابن عمر. نیز، ر. ک: السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۰۲ ح ۱۰۲۷۰ و شعب الإیمان: ج ۳ ص ۴۸۹ ح ۴۱۵۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۲ ح ۵ به نقل از إسحاق بن عمار، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۸۲ ح ۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۳ ح ۷ به نقل از معاویة بن وهب، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۶ ح ۳۰.

۵- کامل الزیارات: ص ۴۳ ح ۱۱، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۸۲ ح ۴. نیز، ر. ک: مصباح الزائر: ص ۶۶.

ص: ۳۵۴

۳ / ۲

شفاعت پیامبر برای زائرانش

۸۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به زیارت من بیاید، روز قیامت، شفیع او خواهم بود. (۱) ۸۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به زیارت من بیاید و هیچ کاری جز زیارت من نداشته باشد، بر من حق دارد که روز قیامت، شفیع او باشم. (۲) ۸۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که قبر مرا زیارت کند، شفاعت کردن او بر من واجب می‌شود. (۳) ۹۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس قبر مرا دیدار کند، شفاعت او بر من رواست و هر کس مرا پس از مرگ زیارت کند، گویا مرا در حال حیات، زیارت کرده است. (۴) ۹۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای حج به مکه بیاید و مرا در مدینه زیارت نکند، من هم در روز قیامت، بر او جفا می‌کنم و هر که به زیارت من بیاید، شفاعت او بر من واجب است و شفاعت هر که بر من واجب شود، بهشت برای او واجب است. (۵) ۹۰۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خاطر خدا در مدینه مرا زیارت کند، روز قیامت، گواه و شفیع او

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴ ح ۴، المزار، مفید: ص ۱۶۹ ح ۳، کامل الزیارات: ص ۴۲ ح ۶ همگی به نقل از سدوسی از امام صادق علیه السلام، المقنعة: ص ۴۵۷، قرب الاسناد: ص ۶۵ ح ۲۰۵ به نقل از مسعدة بن صدقة به نقل از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۲ ح ۱۸.

۲- المعجم الكبير: ج ۱۲ ص ۲۲۵ ح ۱۳۱۴۹، المعجم الأوسط: ج ۵ ص ۱۶ ح ۴۵۴۶ هر دو به نقل از ابن عمر، کنز العمالي: ج ۱۲ ص ۲۵۶ ح ۳۴۹۲۸.

۳- سنن الدارقطني: ج ۲ ص ۲۷۸ ح ۱۹۴، شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۹۰ ح ۴۱۵۹، نوادر الاصول: ج ۱ ص ۳۲۰ همگی به نقل از ابن عمر، المغنی عن حمل الاسفار: ج ۲ ص ۱۲۲۸ ح ۴۴۳۳، کنز العمال: ج ۱۵ ص ۶۵۱ ح ۴۲۵۸۳.

۴- بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۹ ح ۴۰ و ج ۹۹ ص ۳۳۴ ح ۴ به نقل از بعضی از نسخ الفقه الرضوی.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۵ به نقل از ابو حجر اسلمی از امام صادق علیه السلام، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴ ح ۵ به نقل از ابو یحیی اسلمی از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۵ ح ۳۱۵۷، علل الشرائع: ص ۴۶۰ ح ۷ هر دو به نقل از ابراهیم بن ابو حجر اسلمی از امام صادق علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، کامل الزیارات: ص ۴۴ ح ۱۴ به نقل از ابو حجر اسلمی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۰ ح ۵.

ص: ۳۵۵

خواهم بود. (۱) ۹۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پس از مرگم مرا زیارت کند، چون کسی است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده است و روز قیامت، گواه و شفیع او خواهد بود. (۲) ۴/۲

پاداش زیارت پیامبر

۹۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس برای حج به مکه برود، سپس در مسجد من به دیدار من بیاید، برای او دو حج پذیرفته شده، نوشته می‌شود. (۳) ۹۰۵. امام باقر علیه السلام: زیارت قبر پیامبر خدا، برابر است با یک حج مقبول همراه پیامبر خدا. (۴) ۹۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حال حیات و پس از وفاتم مرا زیارت کند، روز قیامت، در همسایگی [و پناه] من خواهد بود. (۵) ۹۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به خاطر خدا برای زیارت من به مدینه بیاید، روز قیامت، در همسایگی [و پناه] من خواهد بود. (۶) ۹۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هر کس مرا در حال حیات یا پس از مرگم زیارت کند، یا تو را در حال حیات یا پس از وفات زیارت کند، یا دو پسر را در حال حیاتشان یا پس از

۱- شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۹۰ ح ۴۱۵۷ به نقل از انس و ص ۴۸۹ ح ۴۱۵۳، السنن الکبری: ج ۵ ص ۴۰۳ ح ۱۰۲۷۳، مسند الطیالسی: ص ۱۲ ح ۶۶ و در سه منبع اخیر به نقل از عمر تقریباً با همان الفاظ، المغنی عن حمل الاسفار: ج ۲ ص ۱۲۲۸ ح ۴۴۳۴، کنز العمال: ج ۱۵ ص ۶۵۲ ح ۴۲۵۸۴؛ المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۱ ص ۲۴۴ به نقل از انس.

۲- کامل الزیارات: ص ۴۵ ح ۱۷ به نقل از عبد الله بن حسن از پدرش امام حسن علیه السلام از امام علی علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۳ ح ۲۷.

۳- کنز العمال: ج ۵ ص ۱۳۵ ح ۱۲۳۷۰ به نقل از دیلمی از ابن عباس.

۴- کامل الزیارات: ص ۴۷ ح ۲۵ به نقل از فضیل بن یسار، الکافی: ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۲ به نقل از فضیل بن یسار بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۴ ح ۳۰.

۵- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۳ ح ۲، کامل الزیارات: ص ۴۵ ح ۱۶، المزار الکبیر: ص ۳۵ ح ۸ همگی به نقل از صفوان بن سلیم عن أبیه، المقنعه: ص ۴۵۸، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۳ ح ۲۶.

۶- شعب الإيمان: ج ۳ ص ۴۹۰ ح ۴۱۵۸ به نقل از انس و ص ۴۸۸ ح ۴۱۵۲، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۷۲ ح ۳۵۰۰۷.

ص: ۳۵۶

وفاتشان زیارت کند، ضمانت می‌کنم که روز قیامت، او را از هول و هراس‌ها و سختی‌های قیامت، برهانم و در رتبه خودم و با خودم قرارش دهم. (۱) ۹۰۹. الکافی - به نقل از معلى ابو شهاب - : حسین علیه السلام به پیامبر خدا گفت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند، چیست؟

پیامبر خدا فرمود: «پسرم! هر کس مرا زنده یا مُرده زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا خودت را زیارت کند، بر من حق دارد که روز قیامت، او را زیارت کنم و او را از گناهانش برهانم». (۲) ۹۱۰. امام صادق علیه السلام: روزی حسین علیه السلام در دامان پیامبر خدا نشسته بود که سرش را بلند کرد و گفت: پدر! فرمود: «بله، فرزندم!».

گفت: هر کس پس از وفات تو به زیارتت بیاید و جز زیارت تو، هدف دیگری نداشته باشد، پاداش او چیست؟ فرمود: «پسرم! هر کس پس از وفاتم به زیارتم بیاید و جز زیارت من، هدف دیگری نداشته باشد، برای او بهشت است». (۳) ۹۱۱. الکافی - به نقل از ابن ابی نجران - : به امام باقر علیه السلام گفتم: فدایت شوم! کسی که با قصد [و اراده] به زیارت پیامبر خدا برود، چه پاداشی دارد؟

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۷۹ ح ۲، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۸ ح ۳۱۶۴، کامل الزیارات: ص ۴۰ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۲۳ ح ۳۰.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۴، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴ ح ۷ به نقل از معلى بن شهاب، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۷ ح ۳۱۵۹، علل الشرائع: ص ۴۶۰ ح ۵ به نقل از معلى بن شهاب از امام صادق علیه السلام از امام حسن علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، ثواب الأعمال: ص ۱۰۸ ح ۲ به نقل از علاء بن مسیب از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۰ ح ۷.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۲۱ ح ۴۸ به نقل از علی بن شعیب و ص ۲۰ ح ۴۴ به نقل از عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعه: ج ۱۰ ص ۲۵۸ ح ۱۹۳۳۰.

ص: ۳۵۷

فرمود: «پاداش او بهشت است». (۱) ر. ک: ص ۳۷۵ (ثواب زیارتشان).

۵ / ۲

ادب زیارت پیامبر

۹۱۲. امام باقر علیه السلام: پدرم امام زین العابدین علیه السلام کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله می ایستاد و بر او سلام می داد و به ابلاغ [رسالت

[

، شهادت می داد و هر چه در نظر داشت، دعا می خواند. سپس پشت خود را به سنگ سبز کم عرضی که کنار قبر است، تکیه می داد و خود را به قبر می چسباند و پشت خود را به قبر، تکیه می داد و رو به قبله، چنین می گفت: «خدایا! پشتم را به سوی تو، پناه دادم و پشت خود را به قبر محمد، بنده و فرستاده تو، تکیه دادم و رو به قبله ای ایستادم که برای محمد صلی الله علیه و آله پسندیدی. خدایا! من، چنین هستم که خیری را که آرزو دارم، برای خود در اختیار ندارم و شری را که از آن گریزانم، نمی توانم دفع کنم. همه کارها در دست توست.

هیچ نیاز خواهی، نیازمندتر از من نیست. من به خیری که بر من نازل کنی، نیازمندم.

خدایا! از سوی خودت برای من، خیر باز گردان. فضل تو را رد کننده ای نیست.

خدایا! به تو پناه می برم از این که نامم را دگرگون کنی، جسمم را دگرگون سازی یا نعمت را از من، زایل گردانی.

خدایا! مرا با پرهیزگاری، بزرگ بدار و با نعمت‌ها، بیارای و با عافیت، عُمرم بخش و سپاس‌گزاری بر عافیت را روزی ام کن». (۲)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۴۸ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴ ح ۳، کامل الزیارات: ص ۴۲ ح ۷ و ص ۴۴ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۴۳ ح ۲۲.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۱ ح ۲، کامل الزیارات: ص ۵۲ ح ۲۹ و ص ۵۶ ح ۳۴ همگی به نقل از علی بن جعفر از برادرش امام کاظم از امام صادق علیهما السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۷ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، المزار، مفید: ص ۱۷۵ ح ۱ به نقل از امام صادق علیه السلام و همگی تقریباً با همان الفاظ، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۶۷ ح ۱۹۳۵۷.

ص: ۳۵۸

۹۱۳. امام صادق علیه السلام: آن گاه که وارد مدینه شدی، پیش از ورود یا هنگام ورود به آن، غسل کن.

سپس نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله، می آیی، می ایستی و بر پیامبر خدا، سلام می دهی. سپس کنار ستون جلو- که سمت راست قبر است-، بالای سر قبر، کنار گوشه قبر، رو به قبله می ایستی، در حالی که شانه چپ تو طرف قبر و شانه راست تو، به سمت منبر باشد، که آن جا محل سر پیامبر خداست، و می گویی: «گواهی می دهم که جز خداوند، معبودی نیست. یکتاست و شریکی ندارد. گواهی می دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست. شهادت می دهم که تو پیامبر خدایی. گواهی می دهم که تویی محمد بن عبد الله. گواهی می دهم که رسالت‌های پروردگارت را رساندی و برای امت خویش، خیرخواهی کردی و در راه خدا، جهاد کردی و خدا را خالصانه، تا لحظه فرا رسیدن یقین، پرستیدی. با حکمت و موعظه نیکو [، خیرخواه امت بودی]. حقی را که بر عهده داشتی، ادا کردی، به مؤمنان رأفت کردی و بر کافران، خشونت روا داشتی.

خداوند هم تو را به برترین شرافت جایگاه گرامیان رساند. ستایش، خداوندی را که ما را به وسیله تو از شرک و گمراهی نجات داد.

خداوندا! درودهایت را و درودهای فرشتگان مقرب و بندگان شایسته و پیامبران فرستاده‌ات و آسمانیان و زمینیان را و هر که تو را تسبیح گوید، از اولین و آخرین- ای پروردگار جهانیان-، بر محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و امین و هم‌سخن و محبوب و برگزیده و ویژه و منتخب از بندگانت بفرست.

خداوندا! او را رتبه و وسیله از بهشت عطا کن و به مقامی پسندیده برانگیز که مورد غبطه اولین و آخرین باشد.

خداوندا! فرموده‌ای: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ (۱))

اگر آنان، وقتی بر خویش ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می طلبید، خدا را توبه‌پذیر و

ص: ۳۵۹

مهربان می‌یافتند). و من، با حالت آمرزش‌خواهی و توبه از گناهانم نزد پیامبرت آمده‌ام و به وسیله تو [- ای پیامبر-] رو به درگاه پروردگارم و پروردگارت آورده‌ام تا گناهان مرا ببخشاید».

و اگر حاجتی داشتی، قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را پشت دو شانه‌ات قرار ده، رو به قبله بایست، دست‌هایت را بر آور و حاجت را بخواه، که سزاوارتری که اگر خدا بخواهد، حاجت برآورده شود. (۱) ۹۱۴. الکافی - به نقل از محمد بن مسعود: امام صادق علیه السلام را دیدم که به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، دست بر آن نهاد و گفت: «از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و تو را وسیله هدایت قرار داد، می‌خواهم که بر تو، درود فرستد».

سپس گفت: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَيُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (۲)

خداوند و فرشتگانش بر پیامبر، درود می‌فرستند. ای مؤمنان! شما هم بر او درود و سلام بسیار بفرستید. (۳) ۹۱۵. کامل الزیارات -

به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: سلامی کوتاه و سبک بر پیامبر صلی الله علیه و آله، به من بیاموز.

فرمود: «بگو:» از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و وسیله هدایت قرار داد، می‌خواهم که درودی فراوان و پاک، بر تو بفرستد. (۴) ۹۱۶. امام کاظم علیه السلام: هر گاه به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله رفتی و آنچه را بر تو بود، انجام دادی،

دو

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۵ ح ۸، کامل الزیارات: ص ۴۸ ح ۲۷ همگی به نقل از معاویه بن عمار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۶۵ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۰ ح ۱۷.

۲- احزاب: آیه ۵۶.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۲ ح ۴ و ص ۵۵۳ ح ۸ به نقل از امام کاظم علیه السلام تقریباً با همان الفاظ، کامل الزیارات: ص ۵۳ ح ۳۰، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۴ ح ۲۳.

۴- کامل الزیارات: ص ۵۷ ح ۳۵، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۵ ح ۲۷.

ص: ۳۶۰

رکعت نماز بخوان. سپس نزد سر پیامبر صلی الله علیه و آله بایست و بگو: «سلام بر تو- ای پیامبر خدا- از سوی پدر و مادرم و همسر و فرزندانم و همه خویشاوندان و هم‌شهریانم، آزادشان و برده‌شان، سفیدشان و سیاهشان»، که اگر خواستی به کسی بگویی: «سلام تو را به پیامبر خدا رساندم»، راست گفته باشی. (۱) ۹۱۷. الکافی- به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر-: به امام رضا علیه السلام گفتم: کنار قبر پیامبر خدا، سلام دادن بر او چگونه باشد؟

فرمود: «بگو: سلام بر پیامبر خدا! سلام بر تو ای محبوب خدا! سلام بر تو ای برگزیده خدا! سلام بر تو ای امین خدا! گواهی می‌دهم که تو برای امت خویش، خیرخواهی کردی، در راه خدا جهاد کردی و تا لحظه فرا رسیدن یقین (مرگ)، او را پرستیدی. خداوند، بهترین پاداشی را که به پیامبری از سوی امتش عطا می‌کند، به تو عطا کند.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، برترین درودی را که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی. همانا تو ستوده و شکوهمندی». (۲) ۹۱۸. کامل الزیارات- به نقل از ابراهیم بن ابی البلاد-: امام رضا علیه السلام به من فرمود: «هنگام سلام دادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله چه می‌گویی؟».

گفتم: آنچه می‌دانیم و برای ما روایت شده است.

فرمود: «آیا چیزی بهتر از آن به تو نیاموزم؟».

گفتم: چرا، فدایت شوم!

آن گاه، در حالی که من کنارش نشسته بودم، با خط خویش، چنین نوشت و بر من

۱- الکافی: ج ۴ ص ۳۱۷ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۰۹ ح ۱۹۳ هر دو به نقل از ابراهیم حضرمی، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۵۵ ح ۱.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۲ ح ۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۶ ح ۹، کامل الزیارات: ص ۵۸ ح ۳۶، المزار، مفید: ص ۱۷۲ ح ۱ و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۵ ح ۲۵.

ص: ۳۶۱

خواند: "هر گاه کنار قبر وی (پیامبر صلی الله علیه و آله). ایستادی، بگو: "گواهی می‌دهم که جز خدا، معبودی نیست، یکتاست و شریکی ندارد. و گواهی می‌دهم که تو محمد بن عبد الله و فرستاده خدایی و شهادت می‌دهم که تو، آخرین پیامبرانی. شهادت می‌دهم که تو، رسالت پروردگارت را رساندی و برای امت خویش، خیرخواهی کردی و در راه پروردگارت، جهاد نمودی و تا فرا رسیدن یقین (مرگ)، او را پرستیدی و حقی را که بر تو بود، ادا کردی.

خدایا! بر محمد، بنده و فرستاده و همراه و امین و برگزیده از خلقت، درود فرست؛ بهترین درودی را که بر هر یک از پیامبران و فرستادگان فرستاده‌ای.

خدایا! بر محمد و خاندان او سلام فرست، آن گونه که بر نوح در جهانیان، سلام فرستادی، و بر محمد و خاندان او منت گذار، آن گونه که بر موسی و هارون، منت نهادی، و بر محمد و خاندان محمد، برکت فرست، آن چنان که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم، خجستگی بخشیدی. همانا تو، ستوده و شکوهمندی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و بر محمد و خاندان محمد، رحمت آور.

خدایا! ای پروردگار کعبه و مسجد الحرام، و پروردگار رُکن و مقام، و پروردگار شهر حرام، و پروردگار غیر حرم و حرم، و پروردگار مشعر الحرام! از سوی من به روح پیامبرت، محمد، سلام برسان». (۱) ۹۱۹. مصباح الزائر- در شرح زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله برای کسی که به تربت باشرافت ایشان برسد و اعمال مسجد و الامرته او را انجام دهد:- پس چون وارد مدینه شدی، مستحب است که برای ورود به آن و ورود به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و زیارت او، غسل کرده باشی. سپس وارد می‌شوی و به سمت در مسجد که می‌روی، می‌گویی: «خدایا! بر آستانه یکی از درهای پیامبرت ایستاده‌ام- که بر او و پیامبران، درود باد- تو مردم را از این که

۱- کامل الزیارات: ص ۵۴ ح ۳۱، المزار، مفید: ص ۱۷۳ ح ۱ تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۴ ح ۲۴.

ص: ۳۶۲

بی‌اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله وارد خانه‌های او شوند، باز داشته‌ای و فرموده‌ای: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وارد خانه‌های پیامبر نشوید، مگر آن که به شما اجازه دهند).

خدایا! من به منزلت پیامبرت در زمان غیبتش، مثل زمان حضورش، اعتقاد دارم و می‌دانم که فرستادگان و جانشینان زنده‌اند و نزد تو روزی دارند. جایگاه مرا در این وقت و زمان، می‌بینند و سخن مرا در این زمان و مکان، می‌شنوند و سلامم را پاسخ می‌دهند و تو، گوش مرا از سخن آنان، پوشانده‌ای و دریچه فهم مرا به روی مناجات لذت‌بخش با آنان، گشوده‌ای.

پروردگارا! اول از تو و سپس از فرستاده‌ات - که درود تو بر او باد - اذن می‌طلبم و از جانشین تو که اطاعتش بر من لازم است، برای ورود به خانه‌اش در این لحظه، اجازه می‌خواهم و از فرشتگان که بر این حرم مبارک گماشته شده‌اند و مطیع و شنوای خدایند، اذن می‌خواهم.

سلام و رحمت خدا و برکاتش بر شما، ای فرشتگان گماشته بر این جایگاه مبارک! به اذن خدا و پیامبر خدا و اذن جانشینان و اذن شما - که درود خدا بر همه شما باد - وارد این خانه می‌شوم و جویای تقرب به خدا و فرستاده‌اش محمد و دودمان پاک اویم. پس ای فرشتگان خدا! پشتیبان و یاور من باشید، تا وارد این خانه شوم و خدا را به گونه‌های مختلف، بخوانم و در پیشگاه خدا، به بندگی و در آستان پیامبر، به اطاعت، اقرار کنم."

سپس در حالی که پای راست را جلو می‌گذاری، وارد شده، می‌گویی: "به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین پیامبر خدا! خدایا! (رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاَجْعَلْ لِّيْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا؛ مرا به درون‌شدی راست، وارد کن و با برون‌شدی راست، بیرون آور و از پیش خودت برایم نیرویی یاور قرار بده."

و صد بار تکبیر می‌گویی و چون وارد شدی، دو رکعت نماز تحیت مسجد می‌خوانی. آن گاه به سوی بقعه می‌روی، چون به آن رسیدی، بر آن دست می‌کشی و

ص: ۳۶۳

می‌بوسی و می‌گویی: "سلام بر تو، ای فرستاده خدا! سلام بر تو، ای پیامبر خدا! سلام بر تو، ای محمد بن عبد الله! سلام بر تو، ای آخرین پیامبران! گواهی می‌دهم که تو، رسالت را رساندی، نماز را بر پا داشتی، زکات را ادا کردی، به نیکی فرمان دادی و از بدی، باز داشتی و خدا را تا فرا رسیدن یقین (مرگ)، پرستیدی. پس درود ما و رحمت خدا بر تو و خاندان پاک تو باد."!

سپس کنار ستون جلویی که در گوشه ضریح و سمت راست قبر است، رو به قبله بایست، در حالی که شانه چپ به طرف قبر و شانه راست به سمت منبر باشد، که این مکان، جایگاه سر پیامبر خداست و بگو: "شهادت می‌دهم که معبودی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد. و گواهی می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده اوست.

گواهی می‌دهم که تو فرستاده خدا و محمد بن عبد الله هستی. شهادت می‌دهم که رسالت‌های پروردگارت را رساندی و برای امت خویش، خیرخواهی کردی و در راه خدا، جهادی شایسته نمودی، در حالی که به طاعت او، فرا می‌خواندی و از نافرمانی‌اش، باز می‌داشتی، و این که نسبت به مؤمنان، پیوسته مهربان و بر کافران، سخت گیر بودی، تا آن که یقین (مرگ). تو را فرا رسید و خداوند، تو را به والاترین جایگاه گرامی داشتگان رساند. ستایش، خدا را که به وسیله تو، ما را از شرک و گمراهی نجات بخشید. خدایا! درودهای خود و درودهای فرشتگان مقرب و بندگان شایسته و پیامبران فرستاده و آسمانیان و زمینیان را از همه تسبیح گویانت، از اولین و آخرین، بر بنده و فرستاده و پیامبر محمد، قرار بده؛ آن که امین و نجیب و محبوب و ویژه و برگزیده تو و انتخاب شده از میان آفریدگان توست.

خدایا! او را به جایگاهی ستوده برانگیز که اولین و آخرین، بر آن رشک برند.

خدایا! به او برترین رتبه را ببخش و به بالاترین مرتبه و منزلت، بالا- بپر و به او وسیله و رتبه بالا- و والا- عطا کن، آن گونه که خیرخواهانه، پیام رساند و در راه تو، جهاد کرد و در راه تو، بر سختی، شکیب ورزید و دین تو را روشن بیان کرد و

ص: ۳۶۴

حجّت‌های تو را بر پا داشت و به طاعت تو، راه نمود و به رضای تو، راه‌نمایی کرد.

خدایا! بر او و بر امامان نیک از نسل او و بر نیکان از خاندان او درود فرست و به همه آنان، سلامی فراوان برسان.

خدایا! من، جز آنان، راهی به سوی تو نمی‌یابم و جز آنان، شفیع‌ی که شفاعتش پذیرفته باشد، نمی‌بینم. به وسیله آنان، به رحمت تو

تقرّب می‌جویم و به ولایت آنان، امید بهشت تو را دارم و با بیزاری از دشمنانشان، آرزومند رهایی از عذاب توام.

خدایا! در دنیا و آخرت، مرا به خاطر آنان، آبرومند و از مقربان قرار بده."

سپس به طرف قبر روی گردانده، می‌گویی: "از خدایی که تو را برگزید و هدایت کرد و سبب هدایت قرار داد، می‌خواهم که بر تو

و بر دودمان پاک تو، درود فرستد."

آن گاه، دستت را به دیوار ضریح چسبانده، می‌گویی: "ای پیامبر خدا! پیش تو آمدم و نزد تو هجرت کردم، تا ادا کننده حقّی باشم

که خدا بر من، واجب ساخت که نزد تو آیم. اگر در حال حیات، تو را در نیافتم، پس از وفات نزد تو آمده‌ام، که می‌دانم احترام تو

همچون احترامت در حال حیات است. پس بدین خاطر، نزد خدا، گواه من باش."

سپس دست خود را بر صورتت بکش و بگو: "خدایا! این را بیعتی پسندیده نزد خویش و پیمانی استوار نزد خود، قرار بده، تا مرا

زنده داشته‌ای، بر آن زنده بدار و بر وفاداری به شرایط و حدود و حقوق و احکام و لوازم آن. و چون مرا میراندی، بر همین پیمان،

بمیران و چون برانگیختی، بر همین، برانگیز."

آن گاه، رو به چهره پیامبر می‌ایستی. در حالی که قبله را پشت سر و قبر را رو به روی خود قرار داده‌ای و می‌گویی: "سلام بر تو،

ای پیامبر و فرستاده خدا! سلام بر تو ای برگزیده خدا و انتخاب شده از میان آفریده‌های او! سلام بر تو، ای امانتدار و حجّت او!

سلام بر تو، ای واپسین پیامبران و سرور فرستادگان! سلام بر تو، ای بشارت و بیم دهنده! سلام بر تو، ای دعوتگر خدا به اذن او و ای

چراغ فروزان! سلام بر تو و خاندانت؛ آنان که خداوند، پلیدی را از آنان زدود و پاکشان ساخت! ای پیامبر خدا! شهادت می‌دهم که

تو، حق آوردی و راست گفتی. ستایش، خدا را که مرا بر

ص: ۳۶۵

ایمان و پذیرش، توفیق داد و با اطاعت تو و پیروی از راهت، بر من منت نهاد و مرا از امت تو و پذیرندگان دعوت، قرار داد و به شناخت تو و معرفت امامان از نسل تو، رهنمون شد. به وسیله آنچه تو را خشنود می‌سازد، به خدا تقرب می‌جویم و از آنچه خشم تو را برمی‌انگیزد بیزاری می‌جویم. با دوستان، دوستی و با دشمنان، دشمنی می‌کنم.

ای پیامبر خدا! برای زیارت تو آمده‌ام و با علاقه، آهنگ تو کرده‌ام. تو را وسیله در آستان خدا قرار می‌دهم که تو صاحب وسیله و منزلت والا- و شفاعت پذیرفته و دعوت مستجاب هستی. پس نزد خدا برایم شفیع باش، تا مرا ببخشد و رحمت آورد و توفیق و مصونیت [از گناه] دهد. گناهان و عیب‌ها فراگیر شده و کمر، احساس سنگینی می‌کند و بار سنگین، افزون شده است. به ما خبر داده‌ای و خبر تو راست است که خدای متعال- که سخنش حق است- فرمود: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛ و اگر آنان، وقتی که بر خویش ستم کردند، نزد تو می‌آمدند و از خداوند آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان آمرزش می‌طلبید، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند). و اینک- ای پیامبر- من آمده‌ام از گناهانم آمرزش می‌خواهم، از نافرمانی‌ها و بدی‌هایم توبه می‌کنم و به وسیله تو، رو به پروردگرم و پروردگارت آورده‌ام تا گناهانم را ببخشد. پس- ای شفیع امت-، شفیع من باش و- ای پیامبر رحمت-، پناهم ده. درود خدا بر تو و خاندان پاک تو باد.!"

و در حاجت خواستن، بسیار می‌کوشی و سپس در همان جایی که هستی، رو به قبله می‌کنی و قبر را در پشت خود می‌اندازی و می‌گویی: "خدایا! کارم را در پناه تو نهادم و تکیه‌گاهم را قبر پیامبر و فرستاده تو قرار دادم و به سوی قبله‌ای که پسندیده‌ای، رو کردم.

خدایا! خیری را که امید دارم، برای خودم مالک نیستم و آن بدی‌ای را که از آن گریزانم، نمی‌توانم از نفسم دور کنم. کارها همه به دست توست. تو را به حق محمد و خاندانش و قبر پاک و خجسته و حرمش می‌خوانم که بر پیامبر و خاندانش درود

ص: ۳۶۶

فرستی و گناهان گذشته‌ام را ببخشایی و در باقی مانده عمرم از نافرمانی‌ها مصونم داری و دلم را بر ایمان، استوار بداری، بر روزی من بیفزایی، نعمت‌ها را بر من فراوان کنی، بیشترین بهره را از عافیت، نصییم گردانی، خانواده و ثروت و فرزندانم را برایم نگاه‌داری و از گزند دشمنان، نگهبانم باشی و عافیت در دنیا و فرجام نیک در آخرت، برایم نیکو بداری.

خدایا! مرا بیامرز و پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن، زندگان و مُردگانشان را بیامرز، همانا تو بر هر چیزی توانایی." و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ). را یازده بار می‌خوانی.

سپس به سمت جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله- که بین قبر و منبر است- رفته، کنار ستونِ مُخَلَّفَه- که نزدیک منبر است- می‌ایستی و آن را روبه‌روی خود قرار می‌دهی. آن گاه، چهار رکعت نماز بخوان و اگر نتوانستی، دو رکعت نماز زیارت بخوان و پس از سلام و تسبیحات، بگو: "خدایا! این جا جایگاه پیامبرت و برگزیده‌ات از میان آفریدگانت است. آن را بوستانی از بوستان‌های بهشت، قرار داده‌ای و به وسیله پیامبرت، بر هر بقعه دیگر از زمین، شرافت و فضیلت بخشیده‌ای و حرمتش را بزرگ داشته، شکوهش را آشکار ساخته و بر بندگانت، واجب کرده‌ای که با نماز و دعا در آن، تیرک جویند و بی آن که من از خودم نیرو و توانایی داشته باشم، با رحمت خود، مرا در آن قرار داده‌ای.

خدایا! همچنان که دوست تو (ابراهیم). در فضیلت بر محبوب تو (محمد). پیشی نمی‌گیرد، پس دعای مرا در جایگاه محبوبت مستجاب کن.

خدایا! در این جایگاه پاک، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی و مرا از دوزخ، پناه دهی و با بهشت، بر من منت نهی و بر موقعیت من، رحمت آوری، لغزش مرا ببخشایی، عمل مرا پاک سازی، رزقم را بیفزایی، تن‌درستی و رشد مرا استمرار بخشی، نعمت را بر من، فراوان کنی و خانواده و مال و فرزندانم را برایم نگاه‌داری و مرا از گزند هر تجاوزکار و ستمگر نسبت به من، حفظ کنی و عمرم را در طاعت خویش، دراز کنی و به آنچه مایه رضای تو از من است، توفیقم دهی و از

ص: ۳۶۷

آنچه موجب خشم تو بر من است، مصونم داری.

خدایا! من به وسیله پیامبرت و خاندانش - که حجت‌های تو بر بندگانت و امینان تو در زمینت هستند- به سوی تو توّسل می‌جویم و می‌خواهم که دعایم را اجابت کنی و در دین و دنیا، مرا به آرزو و امیدم برسانی. ای سرور و مولایم! از تو خواستم، ناامیدم مکن. به فضل تو امید بستم، محرومم مکن. من به رحمت نیازمندم و جز نیکی و فضل تو، چیزی ندارم. از تو می‌خواهم که مو و پوستم را بر آتش، حرام کنی و از خیر، آنچه می‌دانم و نمی‌دانم، به من بدهی و از من و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم، هر شری را که می‌دانم و نمی‌دانم، برگردانی.

خدایا! مرا، پدر و مادرم را و همه مردان و زنان باایمان را بیامرز. تو بر هر چیزی توانا و به هر چیزی دانایی." (۱) ۹۲۰. الکافی - به نقل از یونس بن یعقوب: - از امام صادق علیه السلام در باره وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم. فرمود: «می‌گویی»: درود خدا بر تو! سلام بر تو! خداوند، این را آخرین سلام من بر تو، قرار ندهد." (۲) ۹۲۱. امام صادق علیه السلام: هر گاه خواستی از مدینه بیرون آیی، غسل کن، سپس کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله برو. پس از آن که از همه حاجت‌هایت فارغ شدی، آنچه هنگام ورود می‌کردی، انجام بده و بگو: "خدایا! این را آخرین دیدار و زیارت من از قبر پیامبرت، قرار مده. اگر پیش از آن که به زیارت آیم، مرا میرانندی، من در حال مرگ به همان چیزی که در حال حیات، شهادت می‌دادم، گواهی می‌دهم؛ این که: جز تو معبودی نیست و این که محمد، بنده و فرستاده توست." (۳)

۱- مصباح الزائر: ص ۴۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۶۰ ح ۴۱. نیز، ر. ک: المزار الکبیر: ص ۵۴-۷۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۳ ح ۲، کامل الزیارات: ص ۶۹ ح ۵۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۷ ح ۳۳.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۳ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۱ ح ۲۰، کامل الزیارات: ص ۶۸ ح ۵۵ همگی به نقل از معاویة بن عمّار، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۵ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۵۸ ح ۳۶.

ص: ۳۶۹

فصل سوم: زیارت فاطمه، دختر پیامبر

نواب زیارت او

۱/۳

۹۲۲. تهذیب الأحکام- به نقل از یزید بن عبد الملک، از پدرش، از جدش-: بر فاطمه علیها السلام وارد شدم. به من سلام داد و فرمود: «چه چیزی سبب شده که این جا بیایی؟».

گفتم: طلب برکت.

فرمود: پدرم- که همان است [که می شناسید]- به من خبر داد که هر کس بر او و بر من، سه روز سلام دهد، خداوند، بهشت را بر او واجب می کند».

به او گفتم: در حیات او و حیات تو؟

فرمود: «آری، و پس از وفات ما». (۱) ۹۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس فاطمه را زیارت کند، گویی مرا زیارت کرده و هر کس علی بن ابی طالب را زیارت کند، گویی فاطمه را زیارت کرده است. (۲) ۲/۳

ادب زیارت فاطمه

۹۲۴. تهذیب الأحکام- به نقل از ابراهیم بن محمد بن عیسی بن محمد عریضی-: امام باقر علیه السلام

۱- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۹ ح ۱۸، المزار، مفید: ص ۱۷۷ ح ۱ به نقل از حسین بن یزید بن عبد الملک از پدرش از جدش، المزار الکبیر: ص ۳۵ ح ۹، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۳۶۵، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۹.

۲- بشاره المصطفی: ص ۱۳۹ به نقل از جابر بن عبد الله انصاری، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۲۳ ح ۲۸.

ص: ۳۷۰

روزی با ما سخن گفت و فرمود: «هر گاه به زیارت قبر جدّهات فاطمه علیها السلام رفتی، بگو:

"ای آزمون شده! خدایی که تو را آفریده، پیش از آفریدنت، تو را آزمود. پس تو را برای آنچه امتحان کرد، شکّیا یافت. و پنداشتیم که ما هواداران تویم و بر آنچه که پدرت- درود خدا بر او- برای ما آورد و جانشین او- درود خدا بر او- برای ما آورد، پذیرنده و شکّیاییم. ما اگر تو را تصدیق کردیم، از تو می‌خواهیم که با تصدیقمان نسبت به پیامبر و وصی او، ما را به بشارت، پیبندی، تا به خودمان مژده دهیم که به سبب ولایت تو، پاک شده‌ایم»." (۱) ۹۲۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: چون از زیارت پیامبر خدا فارغ شدم، به طرف خانه فاطمه علیها السلام رفتم که وقتی از کنار ستونی که نزدیک باب جبرئیل علیه السلام است، وارد می‌شوی تا آخر بقعه‌ای که [قبر] پیامبر صلی الله علیه و آله در آن جاست، واقع شده است. پس کنار بقعه ایستادم، در حالی که سمت چپم به سوی آن بود و پشت به قبله و رو به بقعه ایستادم، در حالی که غسل کرده بودم و گفتم: «سلام بر تو، ای دختر فرستاده خدا! سلام بر تو، ای دختر پیامبر خدا! سلام بر تو، ای دختر حبیب خدا! سلام بر تو، ای دختر خلیل خدا! سلام بر تو، ای دختر برگزیده خدا! سلام بر تو، ای دختر امین خدا! سلام بر تو، ای دختر بهترین خلق خدا! سلام بر تو، ای دختر برترین پیامبران و فرستادگان و فرشتگان خدا! سلام بر تو، ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو، ای بانوی زنان جهان، از اولین و آخرین! سلام بر تو، ای همسر ولی خدا و بهترین مردم پس از پیامبر خدا! سلام بر تو، ای مادر حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو، ای راستگوی شهید! سلام بر تو، ای رضیّه و مرضیّه! سلام بر تو، ای برتر و پاک! سلام بر تو، ای حوری انسی! سلام بر تو ای پروا پیشه پاکیزه! سلام بر تو، ای مُحدّثه (۲) دانا! سلام بر تو، ای ستم‌دیده غصب شده! سلام بر تو، ای شکنجه شده سرکوب شده! سلام بر تو

۱- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۹، مصباح المتعجد: ص ۷۱۱ ح ۷۹۲، المزار، مفید: ص ۱۷۸، المزار الکبیر: ص ۷۹ ح ۲، جمال الاسبوع: ص ۳۸ و ۳۹ و در چهار منبع اخیر بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۱۱.

۲- مُحدّثه: بانوی هم صحبت فرشتگان؛ بانویی که الهامات ربّانی دارد(ر. ک: غریب الحدیث فی بحار الأنوار).

ص: ۳۷۱

- ای فاطمه، دختر پیامبر خدا- و رحمت خدا و برکات او بر تو! درود خدا بر تو، بر روح و پیکرت! گواهی می‌دهم که تو بر اساس دلیل روشنی از پروردگارت گذشتی [و عمر را به پایان بُردی] و این که هر که تو را خشنود سازد، پیامبر را خشنود کرده است و هر که بر تو جفا کند، بر پیامبر خدا جفا کرده است. هر که تو را بیازارد، پیامبر خدا را آزرده است و هر که با تو پیوند برقرار کند، با پیامبر خدا، پیوند برقرار کرده است و هر که از تو بُرد، از پیامبر خدا بُرده است؛ چرا که تو پاره‌ای از [تن] پیامبر و جان اوایی که در سینه اوست، همچنان که خودش فرمود- که برترین سلام و درود خدا بر او باد-.

خدا و فرستادگانش و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که من، از کسی خشنودم که تو از او خشنودی، از کسی خشمگینم که تو بر او خشمگینی از کسی بیزارم که تو از او بیزاری و دوستدار کسی هستم که تو با او دوستی می‌کنی، دشمن کسی هستم که تو با او دشمنی، از کسی کینه دارم که تو از او کینه داری، کسی را دوست دارم که تو او را دوست داری و خدا برای گواهی و حسابگری و پاداش و ثواب، کافی است». (۱) ۳/۳

مدفن فاطمه دختر پیامبر

۹۲۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «میان قبر و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من بر دریچه‌ای از دریچه‌های بهشت است»؛ چرا که قبر فاطمه- که درودهای خدا بر او باد-، میان قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله است و قبر او، بوستانی از بوستان‌های بهشت است و دریچه‌ای از دریچه‌های بهشت به سوی آن باز می‌شود. (۲)

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۲، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۹، مصباح المتهدج: ص ۷۱۱ ح ۷۹۳، الإقبال: ج ۳ ص ۱۶۴، المزار، شهید اول: ص ۲۲ همگی تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۵ ح ۱۲.

۲- معانی الأخبار: ص ۲۶۷ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۲ ح ۳.

ص: ۳۷۲

۹۲۷. قرب الإسناد- به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر-: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله کجا دفن شد؟

فرمود: «مردی همین سؤال را از امام صادق علیه السلام کرد و عیسی بن موسی هم حاضر بود. عیسی به او گفت: در بقیع، به خاک سپرده شد.

آن مرد به امام صادق علیه السلام گفت: چه می‌گویی؟
فرمود: "این شخص به تو گفت."

به ایشان گفتم: خدا خیرت دهد! من با عیسی بن موسی، چه کار دارم؟ از پدرانت به من خبر ده.

امام علیه السلام فرمود: "در خانه خودش دفن شد." (۱) ۹۲۸. الکافی- به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر-: از امام رضا علیه السلام از قبر فاطمه علیها السلام پرسیدم.

فرمود: «در خانه‌اش دفن شد. چون بنی‌امیه، مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت.» (۲). توضیح

شیخ صدوق گفته است: در باره این که قبر فاطمه، سِرور زنان عالمیان، کجاست، روایات مختلفی آمده است. برخی روایت کرده‌اند که در بقیع، دفن شد و برخی روایت کرده‌اند که میان قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و منبر، مدفون شد و از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «میان قبر و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است». بعضی هم روایت کرده‌اند که در خانه‌اش دفن شد و چون بنی‌امیه مسجد را توسعه دادند، در مسجد قرار گرفت

۱- قرب الإسناد: ص ۳۶۷ ح ۱۳۱۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۲ ح ۲.

۲- الکافی: ج ۱ ص ۴۶۱ ح ۹، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۲۵۵ ح ۷۰۵، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۲۲۹ ح ۶۸۵، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۱ ح ۱؛ تاریخ المدینه: ج ۱ ص ۱۰۷ به نقل از عبد الله بن ابراهیم بن عبید الله از امام صادق علیه السلام تقریباً با همان الفاظ.

ص: ۳۷۳

و این قول، در نزد من، درست است (۱).

۴/۳

باغی از باغ‌های بهشت

۹۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان خانه و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من، بر حوض من است. (۲) ۹۳۰. الکافی - به نقل از معاویه بن وهب - به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «میان خانه و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است؟». فرمود: «آری».

سپس فرمود: «خانه علی و فاطمه علیهما السلام بین خانه‌ای است که [قبر] پیامبر صلی الله علیه و آله در آن است، تا دری که رو به روی کوچه‌ای است که به بقیع می‌خورد. اگر از آن در وارد شوی و دیوار، سر جایش باشد، به شانه چپ تو می‌خورد». سپس خانه‌های دیگر را نام بُرد. (۳) ۹۳۱. الکافی - به نقل از ابو بکر حضرمی - امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبر خدا فرموده است:

"میان خانه و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من، بر دریچه‌ای از دریچه‌های بهشت است و پایه‌های منبر من، در بهشت رویده است.".

ابو بکر حضرمی گفت: امروز هم باغ است؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری. اگر پرده کنار رود، هر آینه می‌بینید». (۴) ۹۳۲. الکافی - به نقل از جمیل بن دراج - شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «پیامبر خدا فرموده است: "بین منبر و خانه‌های من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من، بر دریچه‌ای

۱- کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۲. نیز، ر. ک: تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۹.

۲- صحیح البخاری: ج ۱ ص ۴۰۰ ح ۱۱۳۸، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۱۰۱۱ ح ۵۰۲ هر دو به نقل از ابو هریره، مسند ابن حنبل: ج ۴ ص ۹ ح ۱۱۰۰۳ به نقل از ابو هریره و ابو سعید، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۵۹ ح ۳۴۹۴۴.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۵ ح ۸، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۸ ح ۱۵، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۹۴ ح ۷.

۴- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۴ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۶ ح ۱؛ فضائل المدینه، ابو سعید جندی: ص ۳۹ و ۴۰.

ص: ۳۷۴

از دریچه‌های بهشت است و یک نماز در مسجد من، برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است، مگر مسجد الحرام». "

به ایشان گفتم: خانه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و خانه علی علیه السلام از همان است؟

فرمود: «آری، و برتر». (۱) ۹۳۳. الکافی - به نقل از مُرازم: از امام صادق علیه السلام در باره آنچه مردم نسبت به «روضه (باغ)»

می‌گویند، پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا فرمود: "بین خانه من و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من، بر دریچه‌ای از

دریچه‌های بهشت است».

گفتم: فدایت شوم! حدّ روضه کجاست؟

فرمود: «بعد از ستون چهارم از طرف منبر تا سایه‌ها».

گفتم: فدایت شوم! آیا از صحن مسجد هم چیزی جزو آن است؟

فرمود: «نه». (۲)

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۶ ح ۱۰، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۷ ح ۱۳، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۶ ح ۴؛ سنن الترمذی: ج ۵ ص

۷۱۹ ح ۳۹۱۶، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۳۵۵ ح ۹۱۶۴ هر دو به نقل از ابو هریره تقریباً با همان الفاظ، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۲۶۰ ح

۳۴۹۴۵.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۵۴ ح ۵، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۶ ح ۲.

ص: ۳۷۵

فصل چهارم: زیارت امامان

اشاره

فصل چهارم: زیارت امامان (۱)

۱ / ۴

ثواب زیارتشان

۹۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، روز قیامت، او را زیارت کرده، از هراس‌های آن روز، نجاتش می‌دهم. (۲) ۹۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اما حسن ... هر کس در بقیعش او را زیارت کند، در روزی که قدم‌ها می‌لغزند، گام او بر صراط، استوار می‌ماند. (۳) ۹۳۶. تهذیب الأحکام - به نقل از ابراهیم بن عبد الله بن حسین -: حسن بن علی علیهما السلام گفت: ای پیامبر خدا! پاداش کسی که ما را زیارت کند، چیست؟ فرمود: «هر کس که مرا زنده یا مُرده زیارت کند، یا پدرت را زنده یا مُرده زیارت کند، یا برادرت را زنده یا مُرده زیارت کند، یا تو را زنده یا مُرده زیارت کند، بر من است که او را روز قیامت، [از آتش] نجات دهم». (۴)

۱- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۱۱.

۲- کامل الزیارات: ص ۴۱ ح ۴ به نقل از امام باقر علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۲۳ ح ۳۱.

۳- الأمالی، صدوق: ص ۱۷۶-۱۷۷ ح ۱۷۸، بشارة المصطفی: ص ۱۹۹ هر دو به نقل از ابن عباس، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۱ ح ۱۴.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۴۰ ح ۸۳، ثواب الأعمال: ص ۱۰۸ ح ۲ به نقل از علاء بن مسیب از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جدش علیه السلام از امام حسین علیه السلام، المزار الکبیر: ص ۳۲ ح ۲ به نقل از علاء بن المسیب از امام صادق علیه السلام از پدرش علیه السلام از جدش علیه السلام از امام حسین علیه السلام و هر دو تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۱ ح ۱۵.

ص: ۳۷۶

۹۳۷. الکافی - به نقل از زید شحام: - به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که یکی از شما (اهل بیت علیهم السلام) را زیارت کند، چیست؟

فرمود: «مانند کسی است که پیامبر خدا را زیارت کرده باشد». (۱) ۹۳۸. تهذیب الأحکام - به نقل از ابو عبد الله حرّانی: - به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که قبر حسین علیه السلام را زیارت کند، چیست؟

فرمود: «هر کس نزد [قبر] او برود و زیارتش کند و نزد [قبر] او دو رکعت نماز بخواند، برای او یک حج پذیرفته، نوشته می‌شود. پس اگر چهار رکعت نماز در آن جا بخواند، برای او یک حج و یک عمره، نوشته می‌شود».

گفتم: فدایت شوم! آیا برای هر کس که یک امام واجب الإطاعة را زیارت کند، نیز چنین است؟

فرمود: «چنین است، برای هر کس که یک امام واجب الإطاعة را زیارت کند». (۲) ۹۳۹. امام صادق علیه السلام: هر کس مرا زیارت کند، گناهانش بخشوده می‌شود و فقیر از دنیا نمی‌رود. (۳) ر. ک: ص ۳۵۵ (پاداش زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله).

۲ / ۴

ادب زیارت قبور امامان در بقیع

ادب زیارت قبور امامان در بقیع (۴)

۹۴۰. کامل الزیارات: امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرمود: هر گاه به زیارت قبور امامان علیهم السلام در بقیع

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۷۹ ح ۱ و ص ۵۸۵ ح ۵، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۷۹ ح ۱۵۷، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۸ ح ۳۱۶۳، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۶۲ ح ۳۱، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۱۷ ح ۵.

۲- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۷۹ ح ۱۵۶، المزار، مفید: ص ۱۸۵ ح ۳، المزار الکبیر: ص ۳۹ ح ۱۶، وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۵۸ ح ۱۹۳۳۲. نیز، ر. ک: المقنعة: ص ۴۷۴ و وسائل الشیعة: ج ۱۰ ص ۲۵۲ (باب تأکد استحباب زیارة النبی والأئمة علیهم السلام وخصوصاً بعد الحج). و بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۲۴ ح ۳۳.

۳- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۷۸ ح ۱۵۳، المقنعة: ص ۴۷۴، روضة الواعظین: ص ۲۳۴، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۸۱، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۱۴۵ ح ۳۴.

۴- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۱۱.

ص: ۳۷۷

رفتی، کنار قبرشان بایست و قبله را پشت سر و قبر را رو به روی خود قرار بده، سپس بگو: «سلام بر شما پیشوایان هدایت! سلام بر شما اهل نیکی و پرهیزگاری! سلام بر شما، ای حجّت‌ها [ای خدا] بر اهل دنیا! سلام بر شما، ای بر پا دارندگان عدالت در میان مردم! سلام بر شما اهل گزینش! سلام بر شما، ای خاندان پیامبر خدا! سلام بر شما اهل نجوا! گواهی می‌دهم که شما رساندید، خیرخواهی کردید و در راه خدا، شکیبایی کردید. شما را تکذیب و به شما بدی کردند، شما بخشودید. شهادت می‌دهم که شما، امامان راه‌یافته و هدایت‌یافته‌اید و این که پیروی از شما، واجب است و سختتان، راست است و این که شما دعوت کردید، ولی پاسخ نگفتند، فرمان دادید، ولی فرمان نبردند، و این که شما، پایه‌های دین و ستون‌های زمینید. همواره در چشم عنایت خدایید شما را در پشت هر پاک، جا به جا می‌کند و از رَحِم‌های پاک، منتقل می‌سازد. جاهلیت تیره، شما را نیالوده و فتنه‌های هوس‌ها، شریکتان نشده است. پاک شدید و خاستگاه شما پاکیزه شد. خداوند کیفر دهنده، بر ما به وسیله شما منت نهاد و شما را در خانه‌هایی که اجازه داده بالا رود و در آن خانه‌ها، نام خدا یاد شود، قرار داده است و دروهای ما را بر شما، وسیله رحمت بر ما و مایه پوشاندن و آمرزش گناهانمان قرار داده است؛ چرا که شما را برای ما برگزید و پاکی آفرینش ما را با ولایت شما- که آن را بر ما منت نهاد- قرار داد و ما نزد خدا، نامزد علم شما و اقرار کنندگان به تصدیق شما بودیم. این جا، جایگاه کسی است که اسراف و خطا کرده، در هم شکسته و به جنایت خویش، اعتراف کرده و با این جایگاه، امید رهایی دارد، و این که به سبب شما نجات یابد؛ نجات هلاک یافتگان از پستی و نابودی. پس شفیعان من باشید، چون من نزد شما آمده‌ام؛ چرا که اهل دنیا، از شما روی گردان شده و آیات خدا را به سخره گرفته‌اند و متکبران، از آنها روی برتافتند.

ای خدای پابرجایی که اشتباه نمی‌کند! ای آن که ابدی است و اهل بازیچه نیست و بر هر چیز، احاطه دارد! بر من منت داری که توفیقم دادی و پیشوایانم را به من،

ص: ۳۷۸

شناساندی و به آنچه مرا بر آن استوار داشتی، آن گاه که بندگان از آن روی تافته، نسبت به شناخت آن، جاهل شده و حقّ او را سبّیک شمردند و به دیگری گرویدند. بر من منت داری، با گروه‌هایی که آنان را نیز مخصوص ساختی به آنچه مرا بدان، ویژه ساختی. تو را ستایش، که نزد تو در این جایگاهم، یاد شده و نوشته شده‌ام. پس از آنچه امید دارم، نا امیدم مکن و در آنچه که در این جایگاه از تو خواستم، ناکامم مگردان، به حرمت محمد و دودمان پاک او». و هر چه دوست داری، برای خودت دعا کن.

ص: ۳۷۹

فصل پنجم: زیارت قبور شهدا در مدینه

زیارت قبور شهدا

فصل پنجم: زیارت قبور شهدا در مدینه (۱)

۹۴۱. امام صادق علیه السلام: از قبوری که در مدینه سزاوار است نزد آن رفته و زیارت شوند و آن جا نماز خوانده شود و پیمان بسته گردد ... قبر حمزه و قبور شهیدان است. (۲) ۹۴۲. امام صادق علیه السلام: به ما چنین رسیده است که هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار قبور شهدا می‌رفت، می‌گفت: «سلام بر شما به خاطر شکیبایی شما! پس چه خانه خوش فرجامی!». (۳) ۹۴۳. امام صادق علیه السلام: فاطمه علیها السلام هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا می‌رفت، نزد قبر حمزه می‌رفت و برای او رحمت و آمرزش می‌طلبید. (۴) ۹۴۴. الکافی: هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «فاطمه علیها السلام پس از پیامبر خدا، هفتاد و پنج روز زیست، که هرگز خوش حال و خندان دیده نشد. در هر هفته، دو بار به زیارت قبور شهدا می‌رفت. دوشنبه و پنجشنبه، و می‌فرمود: "پیامبر خدا، این جا بود و مشرکان، آن جا بودند."»

در روایت دیگری، ابان، با واسطه، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «فاطمه علیها السلام آن جا نماز و دعا می‌خواند، تا آن که وفات یافت». (۵)

۱- ر. ک: آخر کتاب نقشه شماره ۱۲.

۲- دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۹۶، بحار الأنوار: ج ۹۹ ص ۳۷۹ ح ۱۷.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۰ ح ۱، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷ ح ۲۸، کامل الزیارات: ص ۶۵ ح ۴۹ همگی به نقل از معاویه بن عمار، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۵ ح ۶.

۴- تهذیب الأحکام: ج ۱ ص ۴۶۵ ح ۱۶۸ به نقل از یونس، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۱۸۰ ح ۵۳۷ بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام، الدعوات: ص ۲۷۳ ح ۷۸۱، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۲۳۹، کفایة الأثر: ص ۱۹۸ به نقل از محمود بن لبید بدون نسبت دادن به اهل بیت علیهم السلام و در دو منبع اخیر تقریباً با همان الفاظ، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۳۰۰ ح ۲۷.

۵- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۱ ح ۴ و ج ۳ ص ۲۲۸ ح ۳، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۶ ح ۱۲.

ص: ۳۸۰

۹۴۵. امام صادق علیه السلام: هر گاه این قسمت (زیارت مساجد مدینه) را به پایان رساندی، به سمت احد می‌روی و از مسجدی که پایین کوه است آغاز می‌کنی. آن جا نماز می‌خوانی، سپس بر قبر حمزه بن عبد المطلب گذشته، بر او سلام می‌دهی. آن گاه بر قبر شهدا گذشته و نزد آنان می‌ایستی و می‌گویی: «سلام بر شما، اهل این دیار. شما پیشتاز مایید. ما نیز به شما خواهیم پیوست».

سپس به مسجدی می‌روی که در آن، جای وسیع نزدیک کوه، وقتی که وارد احد می‌شوی، در سمت راست توست و در آن، نماز می‌خوانی. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام رویارویی با مشرکان به سوی احد بیرون رفت، از آن جا بیرون رفت. آن جا بودند تا وقت نماز، فرا رسید و در آن جا نماز خواند. سپس ادامه بده تا برگردی و نزد قبور شهدا، نماز واجب خویش را بخوانی (۱)

۹۴۶. مصباح الزائر - در ذکر زیارت قبور شهدای احد - کنار آنان می‌ایستی و می‌گویی: «سلام بر پیامبر خدا! سلام بر پیامبر خدا! سلام بر محمد بن عبد الله! سلام بر خاندان پاک او. سلام بر شما، ای شهیدان مؤمن! سلام بر شما، ای خاندان ایمان و یکتا پرستی! سلام بر شما، ای یاوران دین خدا و یاران پیامبر خدا! سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان! پس چه خانه خوش فرجامی! سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان! چه خانه خوش فرجامی! سلام بر شما به خاطر شکیبایی تان! چه خانه خوش فرجامی! گواهی می‌دهم! که خداوند، شما را برای دین خود، برگزید و برای [یاری] پیامبرش انتخاب کرد و شهادت می‌دهم که شما در راه خدا، با شایستگی جهاد کردید و از دین خدا و پیامبر او، دفاع کردید و در راه او، جان را بخشیدید. شهادت می‌دهم که شما بر آیین و راه پیامبر خدا، کشته شدید. خداوند، از سوی پیامبرش و از سوی اسلام و مسلمانان، بهترین پاداش را به شما بدهد و چهره‌های شما را در جایگاه رضوان و اکرامش (بهشت برین). به ما بشناساند، همراه با پیامبران، صدیقان، شهیدان، صالحان؛

۱- الکافی: ج ۴ ص ۵۶۰ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۸ ح ۳۹، کامل الزیارات: ص ۶۳ ح ۴۸ تقریباً با همان الفاظ و همگی به نقل از عقبه بن خالد، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۲۱۴ ح ۴.

ص: ۳۸۱

و چه نیکو رفیقان‌اند اینان! گواهی می‌دهم که حزب خدایید و هر که با شما جنگید، حزب شیطان است و این که شما از مقرّبان و رستگارانید؛ آنان که زنده‌اند و نزد پروردگارشان، روزی می‌خورند. نفرین خدا و فرشتگان و همه مردم بر قاتلان شما! ای اهل توحید! به زیارت شما آمده‌ام، شناسای حقّ شمایم و با زیارت شما به خداوند، تقرّب می‌جویم و به کارهای شایسته گذشته و عمل‌های پسندیده، دانایم.

سلام و برکات خدا بر شما و نفرین و خشم خدا بر کُشندگان شما باد!

خدایا! با زیارتشان، مرا بهره‌مند ساز و بر راهشان، مرا استوار بدار و بر همان مرامی که آنان را میراندی، مرا نیز بمیران و در قرارگاه رحمت، میان من و آنان، جمع کن. گواهی می‌دهم که شما پیشتاز مایید و ما به شما خواهیم پیوست.»
و سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ). را مکرّر، تا می‌توانی، می‌خوانی و به خواستِ خدا، باز می‌گردد. (۱)

۱- مصباح الزائر: ص ۶۲، بحار الانوار: ج ۱۰۰ ص ۲۲۱ ح ۱۹ به نقل از المزار الکبیر.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

